ژورنال

شماره ۷۰۱

۱۰ آپریل ۲۰۲۴ – ۲۲ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

۸۰ نهاد ایرانی و بین‌المللی در اقدامی شورانگیز علیه اعدام‌ها در ایران

حسن صالحی

جنگ ناگزیر آخوندها

یاشار سهندی

پناهنده‌ستیزی، نام دیگر انسان‌ستیزی است

سیامک بهاری

مساجد، مراکز یاوه‌گویی، خالی هستند!

سینا پدرام

واتیکان و ارتجاع مذهبی

میلاد رسایی‌منش

۸۰ نهاد ایرانی و بین‌المللی در اقدامی شورانگیز علیه اعدام‌ها در ایران

حسن صالحی

امروز ۱۰ آوریل ۲۰۲۴ (۲۲ فروردین ۱۴۰۳) بیش از ۸۰ نهاد ایرانی و بین‌المللی با انتشار بیانیه‌ای کارزاری را برای توقف اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر در ایران آغاز کردند. بیشترین آمارهای اعدام در ایران به محکومینی مربوط می‌شود که با اتهامات مواد مخدر به دار آویخته می‌شوند. اینها آسیب‌پذیرترین و فقیرترین بخش جامعه هستند و اعدامشان تا کنون کمتر موردتوجه قرار گرفته است. بعد از انقلاب زن زندگی آزادی جمهوری اسلامی به اعدام‌های وسیع و گسترده‌ای برای ارعاب و سرکوب شهروندان دست‌زده است که

محکومین به جرایم مواد مخدر بیش از نیمی از این اعدام‌ها را تشکیل داده است.

در بیانیه ۸۰ نهاد از جمله می‌خوانیم: "متهمان جرائم مواد مخدر بدون دادرسی عادلانه و بر اساس اعترافات گرفته‌شده زیر شکنجه توسط دادگاه‌های انقلاب به اعدام محکوم می‌شوند و اغلب دسترسی به وکیل انتخابی ندارند. اعدام متهمان مواد مخدر واکنش درخور بین‌المللی نداشته و اعدام روزانه آن‌ها با سکوت رسانه‌ای همراه است. همین امر باعث شده تا جمهوری اسلامی نسبت به سه سال پیش با کمترین هزینه اعدام‌های مرتبط با جرائم مواد مخدر را ۱۸ برابر افزایش دهد."

اعلام این کارزار بدون شک نقطه عطف مهمی در جنبش علیه اعدام است چرا که برای نجات‌بخشی از جامعه به حرکت درآمده است که تا به امروز

بی‌صدا بوده است. بخشی که جمهوری اسلامی با راندن آنها به ورطه فقر و تنگدستی و سپس اعدامشان مورد ظلم و ستمی مضاعف قرار داده است. حکومتی که به‌جای دادن نان و مسکن و رفاه به شهروندانش به اعلام جنگ علیه محکومین گرسنگی و فقر می‌پردازد، تنها سزاوار سرنگونی کردن است و بس. اعلام این کارزار به معنای این است که ما اعدام و کشتار به هر دلیل و برای هر کسی که باشد را نمی‌پذیریم و خواهان توقف فوری همه اعدام‌ها در ایران هستیم. اعلام این کارزار پشت‌گرمی مستحکمی برای خانواده‌هایی است که در مقابل زندان‌ها و یا در مقابل دفتر قوه قضائیه جمهوری اسلامی بارها برای نجات عزیزانشان دست به اعتراض زده‌اند.

و بالاخره اعلام این کارزار به این معناست که سازمان ملل یا باید به همکاری شرم‌آور خود با

جمهوری اسلامی در زمینه مبارزه با مواد مخدر پایان دهد و یا اینکه هر گونه همکاری خود با رژیم را مشروط به توقف کامل اعدام‌های مواد مخدر کند و این دومی خواستی است که این کارزار بین‌المللی فراگیر به دنبال تحقق فوری آن است.

چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۳

۱۰ آپریل ۲۰۲۴

جنگ ناگزیر آخوندها

یاشار سهندی

پناهیان، یکی از آخوندهای بسیار بدنام که روضه‌خوان خامنه‌ای است، برای اینکه "تنهایی آقا" را توجیه کند، اختر اول شیعیان یعنی علی را "گوشت‌تلخ" معرفی کرده و حتی خود پیامبرِ مثلا رحمت و شفقت را نیز. آخوند بدون عمامه، اکبر گنجی خونش به جوش آمده. روضه‌خوان دیگر، شیخ انصاریان که شهرتش به‌خاطر این است که به زبان لاتی روضه می‌خواند، به روضه‌خوان بیت توپیده و خواسته استغفار کند و بر منبر پیامبر نرود! آخوند دیگری به نام محمدجواد محقق یزدی، بر منبر رفته و از پناهیان با این الفاظ یاد کرده:

”این مردک، این بچه، این مُزلف، این پارچه به سر“ و در مقابل پا منبری‌های که از او خواستند جوابی بدهد، فرمودند پناهیان ”اصلاً قابلیت ندارد مورد خطاب من بِشه! “ و بعد مستقیماً به خامنه‌ای حمله کرده که جلو دهان اینها را بگیرید و از خامنه‌ای پرسیده: ”اگر همین لفظ (گوشت‌تلخ) را کسی برای تو گفته بود، الان بود؟! “ و خامنه‌ای را تهدید کرده ”برای خودت بده! “ چون اگر ”وجود مقدس قمر بنی‌هاشم غضب کند و پس‌گردنی بزند، معلوم نیست کجا بیفتی! “

ائمه اطهار و چهارده‌معصوم، بدرد هیچی تو این عالم نخورند به این درد خوردند که حکومت اسلامی در هر مرحله‌ای به آنان ”تمسک جوید“،

تا مؤمنان را مجاب کرده باشد که باید کشت، باید جاسوسی مردم را کرد، باید تجاوز کرد، زن را حیوان شمرد که کودک بخصوص دختر ملک پدر و جد پدری است که می‌تواند ملک خود را از بین ببرد که می‌شود مالی را در جایی حرام کرد وقتی نفع شخصی در آن نیست، یا برعکس حلال دانست. به کمک همین معصومین دایره نجاسات را می‌توان گسترش داد و یا اینکه به کمک روایت و احادیث برای "هدایت بشر(!)" آنان را مورد آزار و اذیت قرار داد که چه بخورند، چه بپوشند، چگونه پا به مستراح بگذارند.

سمبل‌های اسلام اگر زمانی برای توجیه مؤمنان بود، اکنون اسبابی برای تهدید آخوندها علیه

همدیگر شده است. پاچه همدیگر را گازگرفتن آخوندها در جلوی چشم مردم، نه از ترس خشم چهارده‌معصوم، بلکه ناشی از خشم و نفرت عمیقی است که در دل جامعه کاشته‌اند. انقلاب جاری روزبه‌روز عرصه را بر حکومت اسلامی و به‌تبع آن آخوند جماعت تنگ کرده و به همین جهت دعوای میان آخوندها بالا گرفته است. دیر نیست روزی که "طلاب متوسل به قمر بنی‌هاشم"، "برائت" خود را از جمهوری اسلامی اعلام کنند.

چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۳

۱۰ آپریل ۲۰۲۴

پناهنده‌ستیزی، نام دیگر انسان‌ستیزی است

سیامک بهاری

وزارت کشور جمهوری اسلامی اعلام کرد: "مهاجرین افغانستانی باید به سرزمین خود برگردند"!

چند نسل پناهنده و مهاجر افغانستانی، بیش از چهار دهه، محروم از حق شهروندی، محروم از ابتدایی‌ترین حقوق پناهندگی، چون گروگان امیال سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، به اقتضای منافع حکومت یا در بازار بی‌رحم کار، برده کارفرما و کارگر ارزان و خاموش، یا بنام فاطمیون در جبهه‌ها قربانی می‌شوند. این سرنوشت میلیون‌ها انسانی است که نه جایی برای رفتن دارند، نه مکانی برای ماندن.

ایجاد قرارگاه "طرد اتباع غیرمجاز استان تهران" دامن‌زدن به رعب و وحشت علیه میلیون‌ها مهاجر افغانستانی در ایران، دستگیری‌های فله‌ای در پارک‌ها و خیابان‌ها، محل کار و اماکن تردد، اخراج و رد مرز کردن حتی با داشتن اسناد معتبر و قانونی، خط‌ونشان کشیدن‌های بی‌پایان وزارت کشور، تصویب مداوم قوانین و مصوبات علیه مهاجرین، از یک سو سیاست استراتژیک کلان حکومتی برای به کج‌راه کشاندن کل جامعه است. می‌خواهند بار مسئولیت تحمیل فقر و فلاکتی که بر سر مردم آوار کرده‌اند را توجیه کنند و آن را به گردن کارگر مهاجر افغانستانی بیندازند. همان کارگر مهاجری که تا توانسته‌اند شیره جانش را کشیده‌اند و حالا دارند دورش می‌اندازند. از سوی دیگر ابزاری برای ایجاد فشار در رقابت‌های منطقه‌ای به طالبان ایجاد کنند.

بی‌اعتنایی عامدانه بر حقیقت دردناک دلایل مهاجرت و پناهندگی میلیون‌ها انسان در فرار از جنگ، نسل‌کشی، ناامنی، بیکاری، قحطی، گرسنگی و آوارگی، تا تحمیل عامدانه محرومیت از حق شهروندی، محدودیت‌های طاقت‌فرسا، ممنوعیت اسکان در ۱۷ استان و ۳۷ شهر، ممنوعیت تردد، اجازه کار و معامله، تحقیر و توهین سازمان‌یافته، ایجاد فضای افغانستانی ستیزی، مجاز و غیرمجاز خواندن پناهنده و مهاجر، حملات سازمان‌یافته، به‌خط کردن ارتش سایبری و تبلیغ علیه مهاجرین در فضای مجازی حاصل همین سیاست کلان حکومتی است.

از مردادماه سال جاری دولت برای پر کردن خزانه خالی کشور، طرح خرید اقامت با پرداخت صد میلیون تومان سپرده ثابت نزد بانک ملی را رقم زد. تا مهاجرین به‌اصطلاح خودش مجاز را که شش‌ماه

یک‌بار به اسم آمایش سر کیسه و کنترل می کند را به پرداخت چنین هزینه کلانی در ازاء کسب اقامت بکشاند.

طالبان چه در کابل، چه تهران دشمن مشترک ما مردم ایران و افغانستان‌اند. مهاجرستیزی، نام دیگر انسان ستیزی است و باید با اعتراض وسیع مردم ایران پاسخ بگیرد. حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ مردم ایران از مهاجرین افغانستانی بخشی از مبارزه با حکومت اسلامی ایران است.

چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۳

۱۰ آپریل ۲۰۲۴

مساجد، مراکز یاوه‌گویی، خالی هستند!

سینا پدرام

محمد آقامیری، عضو شورای شهر تهران با بیان اینکه "ما در تهران محلاتی داریم که مسجد ندارند"، و یا اینکه "در برخی محلات هم ظرفیت مساجد کم است و بعضاً چون ظرفیت کم است، مردم نمی‌روند" افزود: "فاصله مساجد از هم نباید بیشتر ۴۰۰ متر باشد."

این حضرت واقعاً سنگ تمام گذاشته است. گاهی به نظر می‌رسد که مسابقه یاوه گویی عجیب‌وغریبی بین سران رژیم در جریان است. به‌هیچ‌وجه نمی‌توان این کلمات قصار را خواند و در حیرت فرونرفت که چه مقدار از مغز ایشان در حال فعالیت است.

واقعاً سزاوار نیست که رزومه این بزرگوار را در اینجا یادآور نشوم. محمد آقامیری کیست؟ سید محمد آقامیری کاندیدای یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی متولد ۱۳۵۴ در شهر تهران است دارای مدرک فوق‌لیسانس عمران- مهندس زلزله و علوم سیاسی از دانشکده مطالعات خاورمیانه و سطح عالی حوزه - خارج فقه و اصول می‌باشد. اولین واحد دروس حوزوی مردرندی است و دومین درس حوزه‌های جهلیه، جعل و جفنگ گویی. این سید بزرگوار همه را یک جا دارد.

چند مدتی است که بعد از خوابیدن حرکت‌های خیابانی مردم، این حضرت با شرکا دور برداشتند که هر جای ممکن مسجدی به پا کنند و "بیزینس" جهل و حماقت را "رونق" دهند. اما دلیل واقعی

خالی بودن مساجد و مکان‌های اشاعه جهل و دروغ یک واقعیت تاریخی است. مذهب، دستگاه مذهبی، تفکر مذهبی و هر آنچه با این خرافات تاریخی تداعی می‌شود، وصله ناجوری بر جامعه بشری و به دلایل بیشتری وصله ناجورتر بر سپهر سیاسی فرهنگی جامعه ایران است. مساجد خالی است چرا که جامعه بیزاری خود را از الله و حکومت الله از هر منفذی جار می‌زند. مساجد خالی است چرا که مردم معنای واقعی فلاکت و تورم در زیر سایه حکومت مذهبی دزدسالار را با گوشت و پوست خود احساس می کنند. مردم ایران به تجربه دریافته‌اند که این تاجران مذهب و خرافات "چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می کنند". خشم مردم از این حجم از ریاکاری دلیل دیگری برای خالی بودن مساجد است.

حضرت آقامیری که خودشان یک پا "مهندس زلزله" تشریف دارند، متوجه نیستند که زلزله‌ای که با انقلاب زن زندگی آزادی شروع شده است، هم‌دینشان را ویران خواهد کرد هم مکان‌های دینی‌شان را. منتها دفعه آینده مردم به عمامه‌پرانی و پس گردنی اکتفا نخواهند کرد.

چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۳

۱۰ آپریل ۲۰۲۴

واتیکان و ارتجاع مذهبی

میلاد رسایی‌منش

در رسانه وابسته به احزاب مسیحی در اروپا آمده که واتیکان، مرجع مسیحیت کاتولیک، مخالفت خود با تغییر جنسیت، سقط‌جنین، مرگ درخواستی یا فرزندار شدن به‌واسطه رحم اجاره‌ای را در متنی تحت عنوان "کرامت ابدی" و با امضای پاپ فرانسیس، تکرار کرده است.

این خبر، توهم عده‌ای که گویا پاپ فعلی نظراتی سکولار و انسان‌گرا دارد را مورد تهدید جدی و این طیف از جریانات به‌اصطلاح "نواندیشان مسیحی" را شدیداً در موضع ضعف قرار داده است. اینکه چرا عده‌ای بجای تمرکز بر جنبش‌های سکولار و

پیشرو، دل در گرو رفرم مذهب دارند، خود مبحث مفصلی است که در این مقاله نمی‌گنجد. نکته اما آن است که انتظار می‌رود، وقتی که تز و یا تئوری بنا به گواه تاریخ، بارهاوبارها در بزنگاه کلیدی به‌طرف ارتجاع می‌چرخد، تجدیدنظری جدی از جانب هواداران آن تفکر نسبت به آنچه که از آن طرف‌داری می‌کنند رخ دهد. اتفاقی که در مورد خیلی از نظریات سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ رخ‌داده است.

تئوری‌های مذهبی اما از این قاعده مستثنی هستند. اگرچه مسیحیت بر اثر مبارزات رادیکال و انقلابی مردم تا حد قابل‌توجهی مانند ببری که ناخن‌هایش را کشیده‌اند شده است، اما آنجا که چهره‌های این صنعت پول‌ساز در دنیا سنن کهنه را مجدداً تقدیس می‌کنند و چشم بر روی دستاوردهای بشر

مدرن می‌بندند، مورد تقدیر و تحسین مرتجع‌ترین اقشار جامعه قرار می‌گیرند. موضع‌گیری جدید واتیکان همچنین درس مهمی برای آنانی دارد که با حفظ مناسبات اقتصادی موجود خواهان رفرم و به‌اصطلاح نواندیشی در تفکر اسلامی و شیعی در ایران هستند. در بهترین حالت نواندیشان اسلامی و طرف‌داران اصلاحات حکومتی و ملی-اسلامی‌ها، در سطحی کلان، خواهان باز تولید مناسبات واتیکان در ایران هستند که در عمل البته ثابت شده که در محقق کردن آن هم فشل و ناتوان‌اند.

واقعیت این است که تا مذهب به‌عنوان یک صنعت پول‌ساز بخشی از مناسبات نظام حاکم است، زنان حق تصمیم‌گیری بر بدن خود را نخواهند یافت، خداناباوران با سرکوب و همجنس‌گرایان با نادیده انگار شدن مواجه خواهند شد. به همین اعتبار است

که مبارزه با پایه‌های مادی مذهب، و نه صرفاً فکری، معنا پیدا می‌کند. جامعه ایران اگر خواهان خلاصی از شر مذهب است، نه با الگوبرداری از واتیکان، بلکه با انقلاب برای رسیدن به سوسیالیسم است که می‌تواند تمام‌وکمال از شر دخالت مذهب در زندگی مردم خلاص شود.

چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۳

۱۰ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۰۲

۱۱ آپریل ۲۰۲۴ – ۲۳ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

به "اقدام مشترک برای توقف اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر" بپیوندیم

حمید تقوایی

وعده نابودی اسرائیل، وبال گردن خامنه‌ای

محسن ابراهیمی

باز هم رضا پهلوی فیل هوا کرد!

اصغر کریمی

محرومیت از تحصیل برای سردبیر یک نشریه دانشجویی

سینا پدرام

هذیان‌گویی خامنه‌ای و مسئله حجاب

آذر پویا

به " اقدام مشترک برای توقف اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر" بپیوندیم

حمید تقوایی

روز چهارشنبه ۱۰ آوریل ۲۰۲۴ "فراخوان به اقدام مشترک برای توقف اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر" با امضای ۸۲ نهاد منتشر شد. این گامی مهم در پیشروی جنبش علیه مجازات اعدام در ایران است. فراخوان با این جمله شروع می‌شود که "اعدام یا قتل عمد حکومتی مهم‌ترین ابزار جمهوری اسلامی برای هراس‌افکنی در جامعه و حفظ قدرت است." و این واقعیتی است که حتی به اعدام زندانیان عادی معنا و جایگاهی سیاسی می‌دهد.

اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر در سال گذشته نسبت به سه سال پیش ۱۸ برابر شده است درحالی‌که "جرم‌های" مربوط به مواد مخدر به این نسبت افزایش نیافته است. آنچه اتفاق افتاده برآمد انقلاب زن زندگی آزادی است. ۱۸ برابر اعدام می‌کنند تا به خیال خود جامعه به‌پاخاسته را مرعوب کنند و به عقب برانند. نه‌تنها از نظر انسانی و نجات جان زندانیان عادی بلکه از نظر سیاسی نیز مبارزه برای توقف اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر اهمیتی حیاتی دارد. در مقابله با انقلاب است که جانیان حاکم در سال ۲۰۲۳ رکود شکسته‌اند و حداقل ۸۳۴ نفر را اعدام کرده‌اند. بیش از نیمی از اعدامی‌ها زندانیان مرتبط با مواد مخدر بوده‌اند؛ اما حتی اعدام آنان نیز جزئی از سرکوبگری حکومت است.

جنبه مشترک دیگر میان زندانیان عادی و سیاسی،

ناعادلانه و جنایت‌کارانه بودن سیستم قضائی و بازداشت‌ها و محاکمات جمهوری اسلامی است. زندانیان غیرسیاسی نیز شکنجه و مجبور به اعتراف می‌شوند، برای آنان نیز پرونده‌سازی می‌شود و از زمان بازداشت تا چوبه دار کمترین موازین دادرسی عادلانه در حق آنان نیز رعایت نمی‌شود. دستگاه قضائی جمهوری اسلامی ماشین جنایت و جزئی از نیروی سرکوب رژیم است. قربانیان این ماشین جنایت هم زندانیان سیاسی هستند و هم زندانیان عادی. تفاوت در این است که برای توقف احکام اعدام زندانیان سیاسی فعالیت‌های پیگیر و مؤثری از سوی جنبش علیه اعدام صورت گرفته است، ولی متأسفانه اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر در سکوت برگزار شده و با اعتراضی مواجه نشده است. این قربانیان از محروم‌ترین و درعین‌حال بی‌صدا و بی‌پناه‌ترین بخش‌های جامعه هستند. "فراخوان اقدام مشترک برای توقف اعدام‌های مرتبط با مواد

مخدر" می‌تواند و باید نقطه آغاز مبارزه‌ای پیگیر برای نجات این محروم‌ترین و بی‌صداترین قربانیان جمهوری اسلامی باشد.

جا دارد همه نیروهای مخالف اعدام و همه ارگان‌ها و فعالین آزادی‌خواه در ایران و سراسر جهان از "اقدام مشترک برای توقف اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر" حمایت کنند و به این کارزار بپیوندند.

پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۳

۱۱ آپریل ۲۰۲۴

وعده نابودی اسرائیل، وبال گردن خامنه‌ای

محسن ابراهیمی

سخنان علی خامنه‌ای در خطبه‌های نماز فطر، یک‌بار دیگر نشان داد که نظام اسلامی غرق در بحران است و رهبرش در تنهایی، محاصره، سرگردانی و بی افقی روزگار می گذارند.

خامنه‌ای صبح روز ۲۲ فروردین، در خطبه‌های نماز فطر گفت که اسرائیل با حمله به کنسولگری جمهوری اسلامی، به خاک ایران حمله کرده و "باید تنبیه بشود و تنبیه خواهد شد"! وزیر خارجه اسرائیل هم جواب داد که در صورت حمله از خاک ایران به اسرائیل، اسرائیل در ایران دست به حمله خواهد زد!

خامنه‌ای در خطبه‌هایش، هفت عضو ارشد سپاه قدس که در حمله به کنسولگری در سوریه کشته شدند را شهیدانی نامید که "یک‌عمر دنبال شهادت دویدند" و "کامیاب شدند"! او فاسدان نظامش را نصیحت کرد که "درگیری و یقه‌گیری و وحدت را شکستن، به زیان دنیا و آخرت شماست". یعنی اینکه وضع خراب است و "کش" ندهید. او بعد از نماز فطر، در دیدار با مقامات حکومت و سفیران برخی کشورها ضمن انزجار از "ذات شریر تمدن" غرب، دلهره خود را نشان داد که دول غرب در جنگ غزه، در کنار اسرائیل بودند. او خطاب به دولت‌های اسلامی گفت که به اسرائیل کمک می‌کنند که "خیانت به امت اسلامی و کمک به نابودی خودشان است". یعنی اعتراف کرد که "طوفان الاقصی" به اصلی‌ترین هدفش که برهم‌زدن نزدیکی دولت‌های منطقه و اسرائیل بود نرسیده

است و این دولت‌ها خامنه‌ای را در مالیخولیای نابودی یک کشور تنها گذاشته‌اند!

خامنه‌ای وسط یک تهدید نظامی گنده علیه اسرائیل، زد به صحرای کربلا و خطاب به پامنبری‌های سرگردان‌تر از خودش، ضمن اشاره به روزه‌خواری درملأعام گفت اگر چه "جمهوری اسلامی به دنبال آن نیست که همه را به‌زور دین‌دار کند؛ اما در مقابل شکستن هنجارهای دینی هم وظیفه‌ای دارد"! چه لحن ذلیلانه‌ای در مقابل هنجارشکنان انقلاب زن زندگی آزادی از رهبر یک نظام جهنمی که ۴۵ سال است می‌خواهد به ضرب زندان و شلاق و شکنجه و اعدام مردم را به بهشت ببرد!

وعده نابودی اسرائیل وبال گردن جمهوری اسلامی شده است. این حکومت نه توان برابری نظامی با

اسرائیل دارد؛ نه در میان دولت‌های منطقه حامی دارد؛ نه پاسخی برای ته‌مانده‌های سپاه و بسیج که سال‌ها با وعده نابودی اسرائیل سرکارشان گذاشته است؛ نه می‌تواند دول غرب را از پشت اسرائیل کنار بزند؛ نه انسجامی در بالا؛ و مهم‌تر از همه، نه در داخل ایران در میان مردم جایی دارد. سرگردانی و بی افقی خامنه‌ای محصول این فاکتورهاست.

پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۳

۱۱ آپریل ۲۰۲۴

باز هم رضا پهلوی فیل هوا کرد!

اصغر کریمی

رضا پهلوی: "پرچم سه‌رنگ شیروخورشیدنشان ایران، همه ایرانیان را با وجود تفاوت‌هایشان نمایندگی می‌کند. به حاشیه‌سازان اجازه ندهید که این نماد اتحاد ملی ما را به عامل اختلاف تبدیل کنند".

نه‌تنها پرچم شیروخورشید نماد اتحاد نیست و عامل تفرقه و منحرف‌کردن اذهان است، بلکه خود رضا پهلوی نیز عنصری انحرافی و حاشیه‌ساز در مقابل مردم و انقلاب مردمِ بوده است. خوشبختانه هم او و هم پرچمش کاملاً حاشیه‌ای شده‌اند.

حکمت توییت جدید رضا پهلوی در مورد پرچم

دلیل سیاسی خاصی دارد. ایشان جرئت نکرد، پیرو سیاستش مبنی بر حفظ سپاه، برای فرماندهان سپاه که در حمله اسرائیل به کنسولگری رژیم کشته شدند تسلیت بگوید و مانند مورد سلیمانی ناچار به سکوت شد. در عوض پرچم شیروخورشیدش را به‌عنوان نماد اتحاد ملی علم کرد تا غیرمستقیم به سپاه پیام همدردی بدهد. خامنه‌ای گفته است کنسولگری بخشی از خاک ایران است. رضا پهلوی با بلند کردن پرچم شیروخورشید به‌عنوان نماد ملی ایرانیان، شامل سپاه و مقامات، برای آنها دست تکان داد و با گذاشتن عکس پدرش در این توییت بازگشت به دوران باشکوه! آریامهری و مخلفات آن ساواک و سرکوب و فقر و فساد و حزب رستاخیز را نوید داد. مبارک باشد!

کارزاری پرشور علیه اعدام شروع شده است، زندانیان اعتصاب سه‌شنبه‌ها را علیه اعدام سازمان

داده‌اند، زنان بی‌حجاب شجاعانه در مقابل حکومت ایستادگی می‌کنند، کارگران و بازنشستگان علیه سطح نازل حقوق‌ها با مفت‌خوران حاکم در جدال دائم هستند و در این میان یکی که کاره‌ای نیست و در هیچ اعتراضی نقشی ندارد یکباره پرچمش را بلند می‌کند که بگوید منهم هستم، مرا هم ببینید. توجهتان را از مبارزاتتان به سمت پرچم برگردانید. ایشان را خاطرجمع می‌کنیم که به‌جز شاه‌اللهی‌هایی که به پیروی از یاسمین پهلوی، سخنگوی بیت پهلوی، شعار مرگ بر چپ و مجاهد و وعده آتش‌زدن مردگان را می‌دهند، کسی برای این نماد ملی ایشان تره خرد نمی‌کند و ذهنش را منحرف نمی‌کند.

در طول انقلاب زن زندگی آزادی طرف‌داران رضا پهلوی در خارج کشور تا توانستند پرچم شیروخورشید را در چشم تظاهرات‌کنندگان کردند و با فرصت‌طلبی تلاش کردند رنگ خود را به

تجمعاتی که توسط دیگران سازمان داده می‌شد بزنند و آن‌قدر لمپن‌بازی رژیمی درآوردند که هواداران کمی سیاسی‌تر او هم از دوروبرش پراکنده شدند. منشور و ائتلاف ایشان با چند فعال سیاسی دیگر و وکالت و سایر تشبثات ایشان نیز دود شد و به هوا رفت. به این حاشیه‌سازی پرچم هم نیم‌نگاهی نخواهد شد. اتحاد حول مطالبات آزادی‌خواهانه و بنیادی مردم صورت می گیرد.

پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۳

۱۱ آپریل ۲۰۲۴

محرومیت از تحصیل برای سردبیر یک نشریه دانشجویی

سینا پدرام

به گزارش شبکه شرق "زهرا جعفری" دانشجوی کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و سردبیر نشریه دانشجویی "ژینا"، در دانشگاه تهران، به محرومیت از تحصیل محکوم شد.

زهرا جعفری را نمی‌شناسم؛ اما با حق‌وحقوق انسانی وی آشنایی عمیقی دارم. زهرا جعفری به این خاطر یک آشنای دیرینه است.

اینکه در یک نشریه دانشجویی چه نوشته و منتشر

شده است که رژیم اسلامی چنین برآشفته شده است چندان اهمیتی ندارد. از نوع پرونده‌سازی و اتهام‌زنی‌های همیشگی می‌توان فهمید که از حراست و رئیس دانشگاه گرفته تا بیت رهبری چنان به لرزه درآمده‌اند که همگی سراسیمه یک قطار اتهامات کذایی به این فعال دانشجویی زده‌اند.

زهرا جعفری و هر کسی که حتی یک صفحه در دفاع از حقوق مردم می‌نویسند باید بدانند که ما بی‌هیچ قید و شرطی از حق آزادی بیان آنان دفاع خواهیم کرد. اتهاماتی که به خانم زهرا جعفری نسبت داده‌اند هیچ تفاوتی با اتهاماتی که به‌تمامی مخالفان رژیم اسلامی زده می‌شود ندارد.

نگاهی به این اتهامات خالی از ارج نیست. نشر

اکاذیب، افترا و تهمت به زبان مردم کوچه‌بازار یعنی کاسه و کوزه رژیم فاسد را افشاکردن. یعنی از اختلاس‌ها، بده‌بستان‌ها، تبعیضات اداری و دانشگاهی پرده برداشتن. توهین به شعائر و مقدسات مذهبی و ملی مضحک‌ترین اتهام در ایران امروز است. مردم ایران هیچ وقعی به مقدسات این جماعت ریاکار نمی‌گذارند چه رسد که به این خزعبلات اسم اتهام بگذارند. برای ما هیچ‌چیز جز انسان و انسانیت مقدس نیست. نه خدا، نه کشور، نه خاک و نه اسلام و نه هیچ یاوه دیگری نه مقدس هست و نه قابل‌احترام.

توهین به دین رسمی نه‌تنها نباید غیرقانونی باشد؛ بلکه درست برعکس باید از جمله حقوق حقه هر شهروندی محسوب شود. مذهب رسمی یعنی

تبعیض بر علیه هر شهروندی که نمی‌خواهد؛ مانند آخوند جماعت فکر کند و یا زندگی کند. هیچ یک از اتهامات وارده به زهرا جعفری ارزش قانونی ندارند و به این اعتبار حکم محرومیت وی فاقد مشروعیت قانونی است.

آنچه در ایران اعتباری ندارد و در اولین فرصت باید ساقط شود، رژیم اسلامی است.

پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۳

۱۱ آپریل ۲۰۲۴

هذیان‌گویی خامنه‌ای و مسئله حجاب

آذر پویا

خامنه‌ای روز چهارشنبه ۲۲ فروردین در مراسم حکومتی عید فطر گفت: "جمهوری اسلامی قصد ندارد کسی را به‌زور دین‌دار کند" اما مسئولان و دستگاه‌های مربوطه و آحاد مردم "باید با هنجارشکنی دینی برخورد کنند". او در مورد روزه‌خواری نیز گفته بود تظاهر به روزه‌خواری در بعضی جاها دیده شده ولی ما قصد نداریم مردم را به‌زور وادار به دین‌داری کنیم.

از طرفی امام‌جمعه مشهد ضمن انتقاد از بی‌حجابی می‌گوید: امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شرایطی دارد و امروز در خصوص حجاب باید به‌گونه‌ای متفاوت از قبل انجام شود. نباید مسئله بی‌حجابی را با

درگیری حل کنیم.

محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه نیز در دیداری با مسئولین حکومتی گفت در مورد عفاف و حجاب وضع خوبی نداریم اگر چه دراین‌رابطه اقداماتی انجام شده ولی به نتیجه نهائی نرسیده‌ایم.

علی خامنه‌ای و شرکا فراموش کرده‌اند که طی بیش از ۴ دهه حکومت نکبت اسلامی، راه‌های مختلفی را برای فرستادن اجباری مردم به بهشت امتحان کرده‌اند. از چسباندن حجاب با پونز به پیشانی زنان تا گشت‌های ارشاد، صدور لوایح متعدد و متنوع در مورد حجاب و تهدیدهای رنگ‌وارنگ با بی‌حجاب‌ها، دستگیری، زندان و شکنجه. همه آن راه‌هایی است که برای دین‌داری اجباری امتحان شده ولی هیچ‌کدام به ثمر ننشسته و حالا عاجزانه اعتراف می‌کنند که در این مورد هم مجبور به

عقب‌نشینی هستند و برای خالی نبودن عریضه می‌گویند با هنجارشکنی‌ها باید برخورد کرد!

همه می‌دانند یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت اسلامی بعد از روی کار آمدنش مسئله حجاب برای سرکوب زنان و ابزاری برای ساکت کردن کل جامعه بود . ولی زنان از همان ابتدا نه‌تنها در مقابل حجاب اجباری ایستادگی کردند؛ بلکه با بکار گیری روش‌های مختلف، مخالفتشان با قوانین ضدبشری اسلامی را نشان داده و سیاست‌های این رژیم را به چالش کشیدند.

انقلاب زن زندگی آزادی نقطه عطف بسیار مهمی در به شکست کشاندن این سیاست‌ها بود، و حق پوشش اختیاری یکی از دستاوردهای غیرقابل‌برگشت برای جامعه‌ای است که برای به‌دست‌آوردن آن بهای گزافی پرداخته است.

جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه الزهرا، و نمایش باشکوه دانشجویان دانشگاه ارومیه و همین‌طور جشن پرستاران اصفهان نشان‌دهنده نمایش قدرت جنبشی است که سر باز ایستادن ندارد و هر روزه به شکلی قدرتش را به نمایش می‌گذارد.

یاوه‌سرایی‌های علی خامنه‌ای و دیگر مسئولین حکومتی دیگر گوش شنوائی ندارد.

پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۳

۱۱ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۰۳

۱۳ آوریل ۲۰۲۴ – ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

بازگشت امام‌جمعه زمین‌خوار به مصلای تهران

محسن ابراهیمی

۲۵ فروردین و درد لاعلاج حکومت حجاب

کیوان جاوید

این کوه موش خواهد زائید

حمید تقوایی

شریفه محمدی در اسارت حکومت ضدکارگر

تهمینه صادقی

تروریسم اسلامی متممِ زورگیری از کارگران

سیاوش آذری

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۸

بازگشت امام‌جمعه زمین‌خوار به مصلای تهران

محسن ابراهیمی

خبر این است: آیت‌الله زمین‌خوار، کاظم صدیقی، امام‌جمعه تهران، یک ماه پس از افشای پرونده زمین‌خواری باغ ازگل در شمال تهران، به زمین مصلای تهران بازگشت! معلوم است که این یک ماه غیبت به این خاطر بود که نظام دزدسالار داشت محاسبه سیاسی می‌کرد که امام‌جمعه دزد و زمین‌خوارش، بر طبق استراتژی "کش ندهید" رهبر، کی و چگونه به نمازجمعه در تهران بازگردد!

همچنان که سعید طوسی، قاری قرآن پدوفیل، بعد از تجاوز به کودکان برگشت؛ همچنانکه همه

دزدان و اختلاسگران میلیاردی نظام برگشته‌اند؛ امام‌جمعه فاسد، "این طلبه و سرباز ناچیز امام‌زمان و رهبری" هم برگشت و گفت که "آدم‌ها برادرانشان را له نمی‌کنند، حتی اگر اشکالی داشتند"! منظور این آیت‌الله دزد از "آدم‌ها" مردم ایران نیستند؛ هم‌کیشان و همکاران دزدش در حاکمیت هستند که فقط نگران حکومت اسلامی و دزدی‌های خودشان هستند. به قول مجری سابق تلویزیون حکومت اسلامی و مشاور احمدی‌نژاد "حتی حزب‌اللهی‌ها و مذهبی‌های سنتی هم به امامت صدیقی معترض‌اند"؛ امام‌جمعه‌ای که "در اَبَرشهر ۹ میلیونی تهران، فقط ۱۴۲ نمازگزار تا پایان خطبه اولش در نمازجمعه حضور یافتند"!

سؤال این است که حکومتی که مردم برای ساقط کردنش انقلاب کرده‌اند، چرا اصلاً تلاشی نمی‌کند که یک‌جوری بگوید که این آیت‌الله فقط یک سیب فاسد در نظام پاک و مقدس اسلامی است؟

پاسخ این است: وقتی آب از سر گذشت چه یک وجب چه صد وجب. حکومت اسلامی می‌داند که حتی اگر امام‌جمعه زمین‌خوارش را هم قربانی کند هنوز مردم می‌دانند که کل نظام زمین‌خوار و فاسد است و کوچک‌ترین اعتمادی به این حکومت نمی‌کنند. نظامی که خودش فاسد است نمی‌تواند آیت‌الله فاسدش را تبرئه کند. بازگشت این آیت‌الله به امامت نمازجمعه تهران اعتراف به این است که در رابطه مردم و حکومت کار از کار گذشته است.

این نظام می‌داند که حتی امام‌جمعه‌هایش هم فقط و فقط به‌خاطر دزدی و چپاول و سهم بری از چپاول با نظام هستند؛ می‌داند که نظام فقط با استراتژی "کش ندهید" خامنه‌ای می‌تواند این دزدان و چپاولگران اسلامی را دوروبرش نگه دارد؛ می‌داند که مردم و حکومت متقابلاً همدیگر را دشمن خود می‌دانند. نظام با این رفتارش با دزدان و فاسدان خودش دارد فریاد میلیون‌ها مردمی را تأیید می‌کند که اعلام کردند: "میان ما و شما دریایی خون فاصله است و هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه"!

شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳

۱۳ آوریل ۲۰۲۴

۲۵ فروردین و درد لاعلاج حکومت حجاب

کیوان جاوید

فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که طرح حجاب و عفاف را از روز شنبه ۲۵ فروردین در همه معابر و اماکن عمومی با جدیت بیشتر دنبال خواهد کرد و با ناقضان قانون حجاب و عفاف برخورد قانونی خواهد شد.

این درد حکومت اسلامی به دلایل مختلفی درمان‌پذیر نیست. سران حکومت از خامنه‌ای تا اژه‌ای و فرماندهان حکومت به‌خوبی واقف‌اند که توان مقابله با میلیون‌ها زن بی‌حجاب را که

مورد حمایت عموم مردم هستند، ندارند. مردم ایران فقط در نبرد باحجاب اسلامی نیست که پشت حکومت را به خاک مالیده‌اند. این جنگ با جمهوری اسلامی ابعاد وسیع اجتماعی به خود گرفته است. جامعه ایران یک‌پارچه پرچم "نه" بزرگ به این حکومت را برافراشته است. فرهنگ عمومی در تضاد با ضد ارزش‌های عقب‌مانده این دشمنان قسم‌خورده مردم عمل می‌کند. پس‌زدن کل ساختار فکری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی هدف اعتراضات مردم است و به همین دلیل است که انقلاب برای رهایی هدف فوری مردم در ایران است.

اگر مشکل حکومت فقط حجاب بود می‌شد تصور

کرد که بالاخره با زدن و کشتن و اسیدپاشی و جریمه و زندان راه بجایی ببرد. اما مشکل حکومت پیچیده‌تر و چند بعدی‌تر است و در هیچ زمینه‌ای راه‌حلی برای تخفیف بحران‌های لاعلاج خود ندارد. این حکومت هرگز به جزیره آرامش نخواهد رسید.

هدف از مبارزه نه‌تنها به زیر کشیدن حجاب است، بلکه وسعت تغییرات در ایران واقعاً خیره‌کننده و زیرورو‌کننده است. جامعه ایران نه‌تنها می‌رود که در رأس سکولارترین جوامع جهان قرار بگیرد که همین حالا یکی از ضد دین‌ترین جوامع موجود است.

به دلایل مختلف و از جمله عدم انسجام حکومت و چندپارگی و ناامیدی سران حکومت به ادامه بقا، نه‌تنها حجاب اسلامی و اجباری به جامعه باز نمی‌گردد که زنان در سنین مختلف و در ابعاد بسیار وسیع‌تر بی‌حجابی را بیش از این گسترش میدهند و در همین راستا وسیعاً مردان و خصوصاً پسران جوان از زنان با تمام توان حمایت خواهند کرد. حجاب فقط مشکل زنان نیست. امر برچیدن حجاب بر عهده همه ما است. همچنان که انقلاب زن زندگی آزادی یک امر مشترک همه ما است.

شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳

۱۳ آوریل ۲۰۲۴

این کوه موش خواهد زائید

حمید تقوایی

در ۲۴ ساعت گذشته "حمله قریب‌الوقوع" جمهوری اسلامی به اسرائیل به صدر اخبار رفته است. رسانه‌ها از احتمال حمله "صدها پهپاد و موشک" به مراکز نظامی اسرائیل سخن می‌گویند، بایدن هشدار می‌دهد که حمله نکنید، و نتانیاهو بهمراه وزیر دفاع و وزیر خارجه اش اعلام می‌کنند که هر حمله ای از ایران در خود ایران پاسخ خواهد گرفت. فضا شدیداً پرتنش و جنگی است و ... همه هدف جمهوری اسلامی نیز همین است.

حمله ده روز قبل دولت اسرائیل به کنسولگری

جمهوری اسلامی در دمشق برای حکومت یک نعمت آسمانی بود. در نتیجه این اتفاق فضای تعرضی جامعه که در تعطیلات نوروزی تمام بساط ماه رمضان و مقدسات و خط و نشان کشیدن‌های حکومت را سکه یک پول کرده بود، و فضای تعرض تازه‌ای که پس از گزارش کمیته حقیقت‌یاب و محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر جنایت علیه بشریت در جهان شکل‌گرفته بود، کنار رفت و جای خود را به "بحران" رویاروئی نظامی ایران و اسرائیل داد. جمهوری اسلامی، درمانده و سردرگم در برابر جامعه بپاخاسته در خود ایران، به استقبال این "بحران" رفت و در آن دمید. رجزخوانی خامنه‌ای که "اسرائیل ادب خواهد شد" و موعظه امام‌جمعه‌های هفته قبل در مزایای صبر انقلابی، و خط و نشان‌های این جمعه‌شان علیه بدحجابی، همه

اجزای سیاست حکومت مفلوکی هستند که تلاش دارد با جنگ تبلیغاتی علیه اسرائیل جنگ واقعی که در خیابان‌های ایران جاری است را تحت‌الشعاع قرار بدهد و به عقب براند. اما این ترفند هم حکومت را با بن‌بست تازه‌ای روبرو کرده است. اگر بزند از پاسخ اسرائیل جان سالم بدر نخواهد برد و اگر نزند پیشاپیش به شکست خود اعتراف کرده است. احتمالاً انتقام سختشان را با موشک پراکنی به منطقه پرتی خارج از اسرائیل، آنطور که بعد از کشته‌شدن قاسم سلیمانی عمل کردند، سرهم‌بندی خواهند کرد. این کوه یکبار دیگر موش خواهد زایید.

شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳

۱۳ آوریل ۲۰۲۴

شریفه محمدی در اسارت حکومت ضدکارگر

تهمینه صادقی

شریفه محمدی فعال کارگری روز ۱۴ آذر سال قبل در رشت به دست مأموران حکومتی جمهوری اسلامی بازداشت شد.

یک تشکل کارگری در ایران خبر داده بود که شریفه محمدی، روز ششم اسفند سال قبل، از زندان سنندج به زندان لاکان رشت بازگردانده شده است و در دوران بازجویی در سنندج مورد ضرب و شتم بازجویان قرار گرفته است. صفحه اینستاگرامی "شریفه محمدی را آزاد کنید" روز دوشنبه بیستم فروردین، از محدودیت‌های زیادی برای او خبر داده

است. این فعال کارگری در مدت بازداشتش تنها یک‌بار موفق به دیدار با پسر ۱۲ساله اش شده است.

همسر شریفه‌محمدی،اعلام کرد که‌اتهامات‌سنگین وارد شده به همسرش به‌خاطر فعالیت‌های مدنی ”عمق ترس و کینه‌شان از فعالان مستقل کارگری است. “ از جمله اتهامات کذب وارده به شریفه محمدی هواداری از یک حزب سیاسی است که به طور معمول، مقام‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی، فعالان سیاسی و صنفی را به هواداری از احزاب و سازمان‌های مخالف و نیز اقدامات امنیتی متهم می کنند.

در یک جامعه آزاد مبارزه برای حقوق کارگری، مانند

مبارزه برای امنیت شغلی، بهبود شرایط کار، افزایش دستمزد و همچنین ایجاد تشکل‌های کارگری، حق اعتصاب و اعتراض، جزو حقوق پایه ای کارگران می‌باشد. فعالیت برای حقوق کارگری و عضویت در احزاب سیاسی در یک جامعه آزاد نه تنها جرم نیست بلکه حق بی چون و چرای همه شهروندان است.

تحت حاکمیت حکومت اسلامی فعالین کارگری از هیچ‌گونه مصونیتی برخوردار نیستند. فعالیت آنها برای حقوق پایه‌ای و مدنی با زندان، شکنجه و محرومیت از زندگی روبرو است. در یک جامعه آزاد جای فعالینی مانند شریفه نه‌تنها در زندان نیست؛ بلکه به آنها امکان میدهد که در راس تشکل‌های کارگری قرار گیرند. تنها راه‌حل رسیدن به یک

جامعه آزاد و برابر، برپایی جامعه‌ای برخوردار از همه آزادی‌های بی‌قیدوشرط سیاسی و مدنی و بهره‌مندشدن از همه حقوق شهروندی، حق تشکل، آزادی احزاب و آزادی بیان سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه سوسیالیستی است تا هیچ انسانی به‌خاطر برخوردار شدن از یک زندگی بهتر به بند کشیده نشود. شریفه نیز به سهم خود برای ساختن یک دنیای بهتر مبارزه می کند، تنهایش نمی گذاریم.

شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳

۱۳ آوریل ۲۰۲۴

تروریسم اسلامی متمِم زورگیری از کارگران

سیاوش آذری

بنا بر گزارش روزنامه تایمز مقامات اسرائیلی مدارک و شواهدی مبنی بر کمک مالی صدها میلیون‌دلاری جمهوری اسلامی به حماس در ده سال گذشته را به این روزنامه ارائه کرده‌اند. بنا بر دفاتر حساب و کتاب حماس این مبلغ بالغ بر ۲۲۲ میلیون دلار است. بخشی از این مبلغ هنگفت مستقیماً به رهبران ارشد حماس از جمله یحیی سنوار و اسماعیل هنیه، رهبر دفتر سیاسی حماس که در دوحه اقامت دارد پرداخت شده است.

در دیگر سوی، بنا بر گزارش ایلنا نزدیک به

۱۳۰۰ کارگر بازنشسته کارخانه "آی، تی، آی" (شرکت صنایع مخابرات راه دور شیراز) قریب به ۱۸ سال است که مزایا، دستمزد و سنوات خود را دریافت نکرده‌اند و در این میان ۱۲۵ تن از این کارگران در انتظار و بدون دریافت مزایای قانونی‌شان از دنیا رفته‌اند. با اینکه مسئولان وعده پرداخت مزایا و حقوق قانونی کارگران پیش از نوروز امسال را داده بودند طبق معمول به وعده‌های خود عمل‌نکرده و کارگران را همچنان در انتظار باقی گذاشته‌اند. میزان طلب این کارگران بنا بر گزارش‌های منتشر شده در سال ۱۳۹۹ به ۴۰ میلیارد تومان می‌رسد.

مسلماً میزان کمک‌های مالی و تسلیحاتی رژیم اسلامی به سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی

اسلامی بسیار بیشتر از این مبالغ افشا شده است. بعلاوه کارگران بازنشسته "آی، تی، آی" تنها گروه بسیار کوچکی از کارگرانی را تشکیل می‌دهند که همین دستمزدهای زیر خط فقرشان برای ماه‌ها و سال‌های متوالی پرداخت نشده و حقوق و مزایای قانونی‌شان توسط کارفرمایان مورد حمایت دولت سرمایه‌داری اسلامی بالا کشیده شده است.

این دو واقعه لازم و ملزوم یکدیگرند و دو شکل تظاهر جوهر حاکمیت بحران‌زای رژیم اسلامی مبتنی بر اقتصاد سرمایه‌دارانه دزد سالار هستند. تأمین مالی تروریسم اسلامی بدون تحمیل فقر و فلاکت به توده‌های مردم و مصادره به‌زور تنها کالای در اختیار آنها یعنی نیروی کارشان امکان‌پذیر نیست. اما این زورگیری در روز روشن

خود نتیجه اجتناب‌ناپذیر بحران سرمایه‌داری در ایران و پاسخ اسلامی به آن است که تأمین مالی و تسلیح نیروهای تروریستی اسلامی، از سپاه و بسیج در داخل تا باندها و گروه‌های تروریستی در منطقه را ضروری می‌سازد.

سرنگونی جمهوری اسلامی شرط لازم پایان‌دادن به تروریسم اسلامی در منطقه و مشقات و محرومیت تحمیل شده بر مردم در ایران و برپایی جامعه‌ای در شان انسان است که تمامی امکانات و ثروت اجتماعی را صرف تأمین نیازها و رفاه شهروندان می‌کند.

شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳

۱۳ آوریل ۲۰۲۴

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۸

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع‌آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تأمین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) معادل ۱۰۷۵۸۰ دلار آمریکا جمع‌آوری شد. لیست دوستانی که کمک کرده‌اند نیز هر هفته اعلام شده است. از تمام عزیزانی که به کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت می‌تپد و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در داخل و به‌ویژه خارج

کشور دعوت می‌کنیم کمک به حزب را ادامه دهید. کمک‌های شما، به هر میزان مایه افتخار و اتکای این حزب است.

لیست شماره ۸

عصام شکری ۳۰۰ دلار کانادا - کاوش مهران ۵۰۰۰ کرون - مهدی مرادی ۵۰۰ کرون - شایسته - طاهرخانی و حیدر گویلی ۱۲۰ یورو- رضا کمالی مونترال ۳۰ دلار کانادا - فریبا آذر ۲۰ دلار کانادا

کمک از ایران

نادر سپهرداد - کیخسرو جامی - فتاح اصغرزاده - مهراب سرابیان

جمعا ۱۶ میلیون ۳۰۰ هزار تومان

جمع لیست ۸ معادل ۱۱۸۰ دلار آمریکا
جمع کل کمک‌ها ۱۰۷۵۸۰ دلار آمریکا

شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳
۱۳ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

شماره ۷۰۴

۱۴ آوریل ۲۰۲۴ – ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

پاسخ مردم به جنگ ایران و اسرائیل سرنگونی جمهوری اسلامی است

حزب کمونیست کارگری ایران

ایران: خبرهای "کوچک" مهمتر از خبرهای "بزرگ"

سینا پدرام

خشم و نفرت علیه جنگ و حکومت

اصغر کریمی

کسری بودجه ۳۰۰ هزار میلیاردتومانی در سال جاری

کیوان جاوید

جای خالی سحر، دختر آبی

یاشار سهندی

پاسخ مردم به جنگ ایران و اسرائیل
سرنگونی جمهوری اسلامی است

حزب کمونیست کارگری ایران

اطلاعیه شماره یک در مورد جنگ ایران و اسرائیل

جمهوری اسلامی با شلیک دهها پهپاد و موشک بالستیک حمله خود به اسرائیل را آغاز کرد. این آغازعملی و رسمی جنگ بین دو کشور است. روشن است دولت اسرائیل این حمله را بی پاسخ نخواهد گذاشت و این هم روشن است که جمهوری اسلامی چه از نظر نظامی و چه سیاسی توان ادامه این جنگ را نخواهد داشت. خامنه ای و دیگر مقامات حکومتی نیز بر این واقعیت

آگاه اند اما آنچه آنها را به آغاز جنگ واداشته موقعیت درمانده و به بن بست رسیده آنان در مقابل مردم ایران و انقلاب تمام عیاری است که کل حکومت و نظام جمهوری اسلامی را به رعشه مرگ انداخته است. جمهوری اسلامی، مانند بسیاری از دولتهای تحت فشار انقلاب در تاریخ معاصر جهان، به جنگ خارجی نیازمند است چون در جنگ داخلی علیه مردم ایران به بن بست رسیده و به هزیمت افتاده است.

هنوز دولت اسرائیل پاسخی به این حمله نداده است. قبلا مقامات اسرائیلی اعلام کرده بودند که پاسخ حمله از ایران را در خود ایران خواهند داد. اما این پاسخ هرچه باشد جمهوری اسلامی

را در گردابی فرو خواهد برد که راه نجاتی از آن نخواهد داشت. جمهوری اسلامی تلاش خواهد کرد تا به بهانه این جنگ فشار و سرکوب بر مردم ایران را تشدید کند اما شرایط امروز شرایط دوره جنگ با عراق نیست. رژیم ضعیف تر و بهم ریخته تر و منفور و منزوی تراز آن، و توده مردم آماده تر و خشمگین تر از آن، هستند که حکومت بتواند با این جنگ موقعیت داخلی خود را تحکیم کند. این نه حکومت بلکه مردم ایران هستند که میتوانند از این شرایط برای تعرض بیشتر و گسترش دامنه اعتراضات و مبارزه خود سود بجویند. پایان بخشیدن به جنگی که حکومت آغاز کرده و کل جنگ افروزیهای حکومت و فضای جنگی که بر منطقه و جامعه ایران حاکم

کرده است در گرو پیشروی و پیروزی انقلاب ما است. شکست جمهوری اسلامی نه تنها در جنگ خارجی بلکه در جنگ داخلی با مردم ایران نیز حتمی و اجتناب ناپذیر است.

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳

۱۴ آوریل ۲۰۲۴

ایران:
خبرهای "کوچک" مهمتر از خبرهای "بزرگ"

سینا پدرام

خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران، در پی ابراز خوشحالی یکی از هواداران استقلال در اراک، زنان ایرانی را به بسته شدن مجدد درهای ورزشگاه‌ها به روی آنان تهدید کرد.

روز گذشته، پس از پایان مسابقه استقلال و آلومینیوم در اراک، دختری جوان از هواداران استقلال درون زمین مسابقه رفت و حسین حسینی، دروازه‌بان ملی‌پوش باشگاه استقلال، را یک ثانیه در آغوش گرفت، اما ماموران پلیس و سپاه پاسداران، که کنار

زمین چمن حضور داشتند، فورا به این دختر حمله کردند و سپس با درگیری با حسین حسینی آنان را از هم جدا کردند. تماشاگران نیز با شعار ” بی شرف بی شرف“ اعتراض خود را به مامورین سپاه و پلیس نشأن دادند.

در ایران جنگی در جریان است. جنگی مداوم و هر روزه. جنگ زنان و مردان با رژیم اشغالگر. جنگ زنان با جمهوری اسلامی آرامی ندارد. گشت ارشاد و حجاب بان و قانون، ”حجاب و عفاف“ را به سوی زنان پرتاب میکنند، ترور روانی و خبری راه می اندازند و آخر کار یک دختر جوان با یک حرکت، تمامی این گستاخی ها و شامورتی بازی آخوندی را دود میکند و به هوا میفرستد.

دنیای فکری هیئت حاکمه در ایران، دنیای پیچیده ای نیست. در چند دهه گذشته سیاستِ میزنیم و می مانیم، کل سیستم سیاسی رژیم را تشکیل داده، غافل از اینکه شرایط اجتماعی و سیاسی در ایران به شدت متغییر است. این جماعت فکر میکنند با وضع چند تبصره و فرستادن لات و لوتها گشت ارشاد به سر چهارراه ها میتوانند سیر حرکت جامعه را تغییر دهند. اما این دختر باز قاعده بازی را با یک حرکت تغییر داد.

مکانیسم دخالت مردم در سیاست ایران در ۵ سال گذشته تغییرات شگرفی را طی کرده است. رو در رویی مستقیم با کل هیئت حاکمه و نه با جناحی از آن، خصیصه بارز برآمدهای و اعتراضات اخیر به حساب میاید. ضعف آشکار رژیم اسلامی در

پیشبرد سیاستهای داخلی و منطقه ای هر روز برای مردم ایران روشن تر شده است.

جسارت زنان در این میان پُر شور و ستودنی است. در سیاست منطقه ای نیز همین امروز شاهد، نمایشی ترین "موشک پرانی" تاریخ جنگ در جهان هستیم. هنوز خون از دماغ هیچ کسی نیامده، دلار به ۷۰ هزار تومان رسیده است و صف های بنزین تشکیل شده اند. اما به گوش باشید. این "خبرهای کوچک" و " زنان" جسور هستند که تیتر اول خبرگزاریها را شکل خواهند داد.

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳

۱۴ آوریل ۲۰۲۴

خشم و نفرت علیه جنگ و حکومت

اصغر کریمی

درست قبل از حمله به اسرائیل نیروهای سرکوب حکومت در خیابان‌ها حضور یافتند تا با یک تیر دو نشان بزنند. هم فرمان خامنه‌ای علیه زنان را عملی کنند و هم جلو بروز خیابانی خشم و اعتراض علیه فضای جنگی و موشک‌پرانی به اسرائیل را بگیرند. اما آیا جمهوری اسلامی این توان را دارد؟

با شروع حمله موشکی و پهبادی به اسرائیل سیل فحش و بد و بیراه به خامنه‌ای و حکومت به راه افتاده و این برای حکومت کاملا قابل پیش‌بینی بود. صف‌های طولانی بنزین شروع شد، قیمت دلار باز

هم افزایش یافت یا در واقع ارزش ریال و قدرت خرید مردم پایین‌تر آمد. مردم میدانند که شلیک موشک به اسرائیل به معنی گرانی بیشتر، فقر بیشتر و ناامنی بیشتر است. میدانند که حمله به اسرائیل قبل از هر چیز به معنی تشدید حمله به مردم است. حکومت تردیدی ندارد که مردم خشم و انزجار بیشتری نشان میدهند و احدالناسی از مردم از جنگ و درگیری‌شان استقبال نخواهد کرد. اوباش مجلس شروع به شعار دادن علیه اسرائیل کردند و اراذل و اوباش موتوری در خیابان‌ها به حرکت درآمدند تا با بوق زدن و شادی و پایکوبی از سپاه پاسداران تشکر کنند، سپاه‌شان را در مقابل خشم و نفرت مردم تنها نگذارند و جلو تجمعات اعتراضی مردم را بگیرند.

صف‌آرایی میان اوباش حکومت و مردم ادامه صف‌آرایی قبلی است. حکومتی که میخواهد با تشدید فضای جنگی و حضور در خیابان مردم را مرعوب کند و مردمی که قصد دارند از هر فرصتی برای سرنگونی حکومت استفاده کنند. مردم مرعوب نخواهند شد. همین امروز معلمان بازنشسته دست به تجمع بزرگ و باشکوه خود در تهران زدند. این خود نشانه آشکاری از فضای سیاسی ایران و روحیه حاکم بر مردم است. این حکومت است که ترس و وحشتش از مردم بیشتر شده است.

باید دید واکنش اسرائیل و ادامه این کشمکش به کجا خواهد انجامید. اما هر اتفاقی بیفتد حکومت ناتوان‌تر و بحرانی‌تر و تقابل مردم با حکومت تندتر خواهد شد. بحران درون حکومت تشدید و انزوای

بین‌المللی آن بیشتر خواهد شد. در میان مردم نیز با گسترش نارضایتی مواجه میشود و حریف مردم معترض و حریف زنان بی‌حجاب هم نخواهد شد.

اوضاع کنونی فراخوانی است به مردم معترض و متنفر از حکومت و خامنه‌ای و سپاه، به زنان، جوانان و دانشجویان، کارگران و بازنشستگان و همه مردم معترض که هر چه بیشتر خود را متشکل کنند و برای رویارویی با دشمن خانگی آماده شوند.

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳

۱۴ آوریل ۲۰۲۴

کسری بودجه
۳۰۰ هزار میلیاردتومانی در سال جاری

کیوان جاوید

رئیس کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس پیش‌بینی کرده است بودجه سال جاری دولت ابراهیم رئیسی با کسری ۳۰۰ هزار میلیاردتومانی مواجه شود.

کسری بودجه باعث شده دولت دست به استقراض گسترده‌از بانکهای داخلی بزند. آخرین گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به‌نظام بانکی کشور در بهمن پارسال نسبت به ماه مشابه ۱۴۰۱ بیش از ۵۵ درصد رشد داشته و به رقم هنگفت ۱۳۱۰ تریلیون تومان رسیده است.

در این هیاهوی موشک‌پرانی و حمله پهپادی به اسرائیل و اقدامات ریزودرشت دیگر نظامی (نمایش و غیر آن) یک خبر بسیاری مهم‌تر سیاسی- اقتصادی جان و زندگی مردم را در ایران نشانه رفته است. بزرگ‌ترین بحران و عظیم‌ترین رکود اقتصادی حکومت اسلامی جلوی چشمان همه ما اتفاق می افتد. کسری بودجه ۱۳۱۰ تریلیون تومانی وقتی معنی ملموس و مادی به خود می‌گیرد که بدانیم این کسری بودجه قرار است از سفره ما مردم، ما کارگران، معلمان و پرستاران و بازنشستگان و ... جبران شود. تأمین این کسری که هرگز هم به پایان نخواهد رسید و تا آخر عمر رژیم ادامه خواهد یافت، با تعرض به بهداشت و درمان و دارو ادامه خواهد یافت. زدن از بودجه آموزش‌وپرورش و زدن از شکم

مردم. تحمیل فقر و فلاکت بیشتر و گرسنگی‌دادن مردم و تبدیل تمام‌وکمال یک جامعه به ویرانه، تمامی هم‌وغم این حکومت است.

این حکومت هر چه کسری بودجه‌های دولتی‌اش بالاتر می‌رود و سنگین‌تر می‌شود، نهادهای امنیتی و نظامی و انتظامی‌اش را بیشتر پول باران می‌کند. گشت‌های ضدمردمی را در خیابان‌ها بیشتر سازمان می‌دهد و مداوما بودجه میلیارددلاری نیروهای مزدورش در منطقه را افزایش می‌دهد. اینجا دیگر نه تنها خبری از کسری بودجه نیست؛ بلکه به‌موازات گسترش کمک‌های نظامی و مالی به حوثی‌ها در یمن، حزب‌الله در لبنان، جیش الشعبی در عراق و صرف هزینه سرسام‌آور برای سرپا نگه‌داشتن بشار اسد در سوریه و تأمین گسترده مساجد و فیضیه‌های

قم و... را اصلاً و ابداً فراموش نمی‌کند. این داستان ساده کسری بودجه و راه‌های تأمین آن است.

راه مقابله اما ایستادن در برابر این عظیم‌ترین تعرض به زندگی و معیشت مردم است. راهی جز اتحاد همگانی و عمومی علیه رژیم متصور نیست. اینکه همه ما یک درد مشترک داریم و باید ریشه این درد مشترک را بخشکانیم. ریشه حکومت اسلامی است. آنگاه نه کسری بودجه‌ای خواهد بود نه فقر و فلاکت و دیکتاتوری سرمایه‌داران اسلامی. این راه را البته مردم خوب می‌شناسند.

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳

۱۴ آوریل ۲۰۲۴

جای خالی سحر، دختر آبی

یاشار سهندی

سحر خدایاری در شهریور ۹۸ بعد از آگاهی یافتن از حکم شش ماه زندان برای تلاشِ دیدن مسابقه تیم محبوب خود، استقلال تهران، در مقابل ساختمان بیدادگاه جمهوری اسلامی خود را به آتش می کشد. بعد از این است که همگان متوجه میشوند که جمهوری اسلامی فاجعه دیگری را رقم زده است. سحر خدایاری بخاطر رنگ پیراهن تیم استقلال با نام "دختر آبی" شناخته میشود. و با این نام خاطره اش در ذهنها ماندگار شده است.

در گزارشی که در روزنامه اعتماد ۱۴ آذر ۱۴۰۲

منتشر شده، بیشتر مشخص میشود که جمهوری اسلامی چگونه سحر را در تنهائیش تحت فشار قرار داده و به سوی خودسوزی رانده است. سحر به هنگام دستگیری به شدت دست به مقاومت زده است که بازداشت نشود. در ون پلیس، ماموران با فیلم برداری، او را تحت فشار گذاشته اند. ماموری از او میخواهد حرفهای که گفته جلو دوربین هم بگوید. سحر میگوید: "بروید دزدها را بگیرید، اختلاس گرها را بگیرید، فلانی و بهمانی را بگیرید. من چه کاره هستم و گناهم چیست؟ زورتان فقط به من می‌رسد؟" در ۴ روز بازداشت اولیه، در زندان مشخص نیست چه بر سر او می آورند که بعد از آزادی به قید وثیقه، به گفته خواهرانش دیگر اصلا سحر سابق نبود.

سه سال بعد، شهریور ۱۴۰۱ ، بازداشت مهسا و قتل او جرقه انقلاب زنانه را زد. در بطن این انقلاب با فشار مبارزات زنان بالاخره جمهوری اسلامی مجبور میگردد درهای ورزشگاهها که به روی سحر و سحرها بسته بود، باز کند. تا روز جمعه ۲۴ فروردین بعد از بازی فوتبال دو تیم استقلال و تیم آلومینیم اراک، دو زن خود را به زمین چمن میرسانند. یکی از ایشان موفق میشود پیراهن یک بازیکن را بگیرد و دیگری بازیکن محبوب خود را در آغوش می گیرد. این اقدام او که جمهوری اسلامی وعده داده از ۲۵ فروردین یورش تازه ای را به زنان تدارک دیده، نشانگر این است که زنان را دیگر نمی توان مانند سحر تحت فشار بگذارند، ایزوله کنند، و به سوی مرگ بفرستند.

جای سحر خالی است که ببیند مردان تماشاچی فوتبال هم حامی زنان تماشاچی فوتبال هستند و یکصدا همان نیروهای که او را به سوی مرگ سوق دادند بی شرف خطاب میکنند. سحر یکی از هزاران بود که امیدهایشان سوخت. اما امید زنده است، امید زنده بود که درب ورزشگاهها گشوده شد، حجاب سوزانده شد، و زنان بیشماری همچون سحر سمبل جسارت و شجاعت شدند. آنکه امیدش ناامید شده جمهوری اسلامی است.

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳

۱۴ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

شماره ۷۰۵

۱۵ آوریل ۲۰۲۴ – ۲۷ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

کاریکاتوری از جنگ با اسرائیل

منظر دریاکناری

تجمعات اعتراضی پاسخ به حکومت بحران‌آفرین

شهلا دانشفر

سنگربانان بی‌حجابی و ناخداهای آزادی

مینا بهروزی

حکومت اسلامی و کاهش امید به زندگی

سیاوش آذری

ایستادگیِ زندانیان سیاسی در اهواز

کیوان جاوید

کاریکاتوری از جنگ با اسرائیل

منظر دریاکناری

استفاده صداوسیما از تصویر آتش‌سوزی در شیلی به‌عنوان انفجار موشکی سپاه در اسرائیل!

کلیپ دروغین جمهوری اسلامی مبنی بر موفقیت آمیز بودن حملات گسترده موشکی به اسرائیل دیگر آبرویی برای این آبروباختگان تاریخ بجا نگذاشته است. رژیم اسلامی انگار در عصر الاغ سواری به سر می‌برد که نمی‌فهمد مردم به گسترده‌ترین شکل ممکن به مدیای اجتماعی دسترسی دارند و نمی‌شود هر چرند و دروغ شاخداری را به خورد مردم داد.
شاید بهتر است دقیق‌تر گفته باشیم که رژیم می‌داند

مردم فوراً به حقیقت پی می‌برند؛ اما کار این حکومت دیگر از فکر کردن به یک روز بعد گذشته است. فقط در لحظه زندگی می‌کند و نمی‌تواند فکری به حال یک ساعت بعد بکند. کلیپ مشهور از دو آتش‌سوزی در شیلی که میلیون‌ها بار در رسانه‌های اجتماعی و خصوصاً در یوتیوب باز نشر پیدا کرده است را بعنوان حملات دقیق و موفقیت‌آمیز به اسرائیل جا می‌زنند و فوراً مسخره خاص و عام در ایران و جهان می‌شوند.

همانطور که همه مردم می‌دانند جمهوری اسلامی یارای جنگیدن با "دشمن خارجی" ندارد. توان موشکی‌اش که به گفته کارشناسان نظامی نیمی از موشک‌هایش در هوا و در آسمان ایران و خارج از مرز هوایی اسرائیل منفجر شده‌اند و بعضاً خانه و کاشانه مردم را در شیراز و جاهای دیگر ویران کرده همین

است که دیدیم. این رژیم با همه سرکوبش نه توان مرعوب کردن و به خانه فرستادن مردم را دارد، نه توان بسیج نیروی حکومتی برای ورود به جنگ.

این حکومت در اوج ذلت و ازهم‌پاشیدگی درونی می‌رود که با انقلابی اجتماعی سرنگون شود. این را مردم ایران به‌خوبی دریافته‌اند. همه تبلیغات "اقتدار" داخلی حکومت مثل همین تبلیغات موفقیت‌آمیز بودن حملات موشکی‌اش کشک و بادهوا است. حتی اوباش حکومت هم این ذلت حکومت را به خوبی درک کرده اند.

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳

۱۵ آوریل ۲۰۲۴

تجمعات اعتراضی پاسخ به حکومت بحران آفرین

شهلا دانشفر

یکشنبه ۲۶ فروردین، روز بعد از حملات موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل و در فضایی به‌شدت امنیتی، روز تجمعات گسترده اعتراضی از سوی بازنشستگان در تهران و شهرهای دیگر بود. جمهوری اسلامی حکومتی که اساساً جنگش علیه مردم است و با بحران آفرینی و جنگ‌افروزی تلاش دارد تا از فضای جنگی برای سرکوب بیشتر جامعه و عقب زدن فضای انقلابی جامعه سود جوید، در این روز اولین جواب را از مردم گرفت. در این روز هزاران معلم بازنشسته از شهرهای مختلف ایران مقابل سازمان برنامه‌وبودجه در تهران تجمع کردند و بنا

بر آمار جمعیت به ده‌هزار نفر می‌رسید و فریاد شعارهای اعتراضی بر فضای خیابان طنین اندازبود.

در این روز همچنین بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز، شوش، کرمانشاه، اراک و بازنشستگان فولاد در تهران، اصفهان و قائم‌شهر تجمع داشتند. در اهواز بازنشستگان علیه فقر و بی تأمینی شعار می‌دادند "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" و با فریاد "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما"، بساط سرکوب و اعدام حکومت را به سخره گرفتند. در شوش جمعیت با فریاد "کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی، اتحاد - اتحاد"، جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشستگان را به اتحاد مبارزاتی فراخواندند. از سویی دیگر در شهر قزوین شاهد حضور جمعیت بزرگی از مال‌باختگان شرکت

”رضایت خودروی طراوت نوین“ در خیابان‌های شهر بودیم که با فریاد ”دادستان رشوه‌گیر نمی خوایم“ بساط چپاولگری حکومت را به چالش کشیدند. شرکتی که پاسدار محمدرضا غفاری با همدستی سپاه پاسداران ”صاحب‌الامر“ قزوین و قوه قضائیه، پول هزاران تن از مردم را با وعده تحویل خودرو بالا کشیده است.

از سوی دیگر روز ۲۵ فروردین هم‌زمان با حمله موشکی حکومت به‌اسرائیل، روز اجرای طرح حجاب و عفاف، تحت عنوان ”طرح نور“ اعلام شده بود، تلاشی برای بازپس گرفتن سنگر فتح شده حجاب در پرتو ایجاد فضای جنگی در جامعه. اما در مکان‌های مختلف مردم با مزدوران گشت ارشاد درگیر شدند و مهم‌تر اینکه زنان شجاع با بی‌حجابی در مقابل

رژیم ایستاده‌اند. در واقع از همان آغاز سال زنان و مردان با رقص مختلط در خیابان‌ها عزم خود را برای جمع کردن کل بساط آپارتاید جنسیتی اعلام داشته اند.

این اتفاقات ناتوانی حکومت را در مقابله با مردم نشان می‌دهد. مردمی که با اعتراضات هر روزه تداوم انقلاب را فریاد می‌زنند که بازتابش را به‌روشنی در گفتمان‌های جامعه می‌بینیم. مردم نشان داده‌اند انتخابشان علیه "جنگ ایران و اسرائیل" سرنگونی جمهوری اسلامی است.

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳

۱۵ آوریل ۲۰۲۴

سنگربانان بی‌حجابی و ناخداهای آزادی

مینا بهروزی

در روز یکشنبه ۲۶ فروردین به دنبال فرمان خامنه‌ای و دیگر امام‌جمعه‌های دزد و مال‌مردم‌خور خشک‌مغز و مجلس دزد، خیابان‌های شهرهای ایران و بخصوص تهران به قرق گله‌های اسلامی از جمله حجاب بانان و مجریان طرح شکست‌خورده "حجاب و عفاف" درآمد و حمله به زنان مخالف حجاب اجباری و طرفداران آزادی و برابری دوباره ازسر گرفته شد.

محمد مقیمی، وکیل دادگستری از بازداشت و ضرب‌وجرح شدید آتنا فَرقَدانی خبر داد و اضافه

کرد که آتنا "در اعتراض به بازداشت، قرار وثیقه صادر شده را نپذیرفته" و به همین دلیل "به زندان شهرری (قرچک) منتقل شده است."

دشمنی جمهوری اسلامی با زنان و مردم پایانی ندارد. تا این رژیم به‌زور سرنیزه و دستگیری و اعدام سر کار باشد مجبوراً همیشه باید آماده مبارزه واعتراض برای احقاق حقوق انسانی خود و همه جامعه باشیم. بعنوان نمونه در کرمانشاه وقتی می‌خواستند زنی را دستگیر و به داخل ون منتقل کنند، مردمی که در صحنه حاضر بودند اجازه این کار را به مأموران مزدور حکومت اسلامی ندادند. این یکی از راه‌حل‌هایی است که از طریق آن می‌توانیم رژیم جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی وادار کنیم.

بهترین راه‌حل اما، بی‌حجابی میلیونی در خیابان‌ها، پارک‌ها، پاساژها و همه معابر عمومی است که رژیم را عملاً فلج می کند و همه طرح‌های جمهوری تبهکار اسلامی را می‌تواند خنثی و نابود نماید و گامی مهم در راستای و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی باشد.

حتماً رژیم هم می‌خواهد هزینه آزادی و بی‌حجابی را هرچه بیشتر بالا ببرد و به همه راه‌های بگیروببند و زندان و ضرب و شتم و شکنجه ادامه دهد. اما آنچه مسلم است جمهوری اسلامی هرگز نخواهد توانست خاکریز حجاب اجباری را که توسط انقلاب زن زندگی آزادی تسخیر شده است و با بی‌حجابی همگانی ادامه پیدا کرده و با مقاومتمان و زیر بار نرفتن در برابر زورگویان قاتل و فاسدان دزد و چپاولگران

متجاوز آنرا تثبیت کرده‌ایم، پس بگیرد. ما برای همیشه حجاب اجباری، این پرچم حکومت اسلامی، را به زیر خواهیم کشید و به دنبالش حکومت نکبت اسلامی را باقدرت اتحاد و همبستگی به زباله‌دان تاریخ خواهیم انداخت. انقلاب زنانه ما انقلابی زیر رو کننده و آگاهانه برای جامعه‌ای انسانی و علیه هر نوع تبعیض و بخصوص علیه آپارتاید جنسیتی است. دستان ما در دست هم است و ایستاده‌ایم تا پایان. در این نبرد تاریخی چهره‌های مبارزی چون آتنا فَرقَدانی، "ناخداهای آزادی" و سنگر شکنان علیه حجاب اسلامی هستند. برای آزادی‌اش می‌جنگیم.

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳

۱۵ آوریل ۲۰۲۴

حکومت اسلامی و کاهش امید به زندگی

سیاوش آذری

داده های سازمان ثبت احوال نشاندهنده کاهش میانگین سن مرگ و میر از ۶۶,۹ سال به ۶۶,۲ و همچنین کاهش سن امید به زندگی از ۷۶ به ۷۴ سال در ایران در طی سالیان گذشته است. بنا بر این داده ها میزان نرخ خام مرگ نیز نسبت به هر هزار نفر از پنج به شش افزایش یافته است. رقم اخیر، برای نمونه دو سال کمتر از ترکیه و سه سال کمتر از عربستان است. همچنین در میان استان های کشور گیلان با ۷۱,۳ سال بالاترین و سیستان و بلوچستان با ۵۰,۷ سال پایینترین میانگین سن مرگ و میر را داراست.

مسلما مرگ بخش جدایی ناپذیری از زندگی است اما نکته مهم چگونگی شرایط زیست و به تبع آن نحوه مرگ انسان ها است. حتی نیم نگاهی به این آمار و ارقام رابطه مستقیم میان شرایط مادی زندگی انسان ها و طول عمر، انتظارات آنان از و امیدشان به زندگی را مشخص میسازد. میانگین سن مرگ و میر در سیستان و بلوچستان یعنی محرومترین استان کشور به طرز بارزی پایینتر از میانگین کل کشور است. بعلاوه همین میانگین کشوری در مقایسه با کشورهای همجوار به مراتب پایینتر است. دربسیاری از کشورهای مجاور از جمله ترکیه، عربستان و کشورهای حاشیه خلیج شرایط کار مانند میزان حداقل دستمزد، طول هفته

کاری، سختی شرایط کار و میانگین درآمد مردم به مراتب بهتر از ایرانِ تحت سیطره رژیم اسلامی است. همچنین وضعیت زیست محیطی در این کشورها مانند میزان آلودگی هوا در کلان شهرها که از مهمترین عوامل در بروز بیماریهای قلبی و تنفسی است بسیار بهتر از ایران است. دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی و پزشک و دارویی در ایران به مراتب بدتر از همین کشورهای اسلامزده است که در آن کشورها به علت سلطه مذهب و دخالت آن در زندگی مردم انسان ها، در مقایسه با کشورهای اروپایی و آمریکایی، افسرده تر هستند.

همه اینها در کشوری صورت می گیرد که بر دریای عظیمی از منابع و ثروتهای طبیعی قرار دارد که با

بهره برداری مناسب و در خدمت کل جامعه قرار دادن آنها میتوان شرایط رفاه و شادی و زندگی بسیار بهتری را برای عموم مردم تامین نمود. ریشه کل این مصائب و شرایط مرگبار تحمیل شده بر مردم رژیم اسلامی و اقتصاد دزدسالار مبتنی بر چپاول و استثمار با هدف بالا کشیدن و به جیب زدن این ثروت توسط آیت الله های میلیاردر و اعوان و انصار ریز و درشت رژیم است. انقلاب زنانه جاری با برافراشتن پرچم زندگی راه برونرفت از این بحران و غلبه بر بختک مرگ اسلامی را بروشنی نشان میدهد.

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳

۱۵ آوریل ۲۰۲۴

ایستادگیِ زندانیان سیاسی در اهواز

کیوان جاوید

به‌حکم محمد نیازی، مدیر داخلی زندان شیبان اهواز، ۱۷ زندانی سیاسی در این زندان از حق ملاقات با خانواده و دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی محروم شده‌اند.

وب‌سایت هرانا، روز یکشنبه، ۲۶ فروردین‌ماه، اعلام کرد که محمدعلی عموری، مختار البوشوکه، جابر البوشوکه، عبدالامام زائری، علی حلفی، یحیی ناصری، علی صیاحی، ایوب پرکار، غلامحسین کلبی، عبدالزهرا هلیچی، فارس عموری (رماحی)، محمدرضا مقدم، محمد مؤمنی تیماس، حسین سبحان نصاری،

جابر صخراوی، محمد لویمی و حسن سواری از روز گذشته "ممنوع‌الملاقات" هستند.

در بدو امر اینطور به نظر می‌رسد که این زندانیان سیاسی در اهواز نیستند که نه‌تنها در مقابل رژیم سر خم نمی کنند که مورد بیشترین تعرض حکومت نیز قرار گرفته و حتی از اولیه‌ترین حقوق زندانی که ملاقات با اعضای خانواده است محروم شده اند. در نگاه اولیه اینطور تداعی می‌شود که رژیم دست بالا دارد و زندانی نه‌تنها در اسارت است، بلکه "زندانی در زندان" برای آنها ساخته اند. اینها البته یک واقعیت است. زندان‌های جمهوری اسلامی محلی برای شکنجه‌های مختلف و حق کشی‌های چندجانبه علیه زندانیان است. رژیم با اذیت و آزار زندانیان، فضای شکنجه آوری برای آنها و خانواده‌هایشان به

وجود می‌آورد تا تحمل زندان را برای آنها سخت‌تر و پُرهزینه‌تر کند. پیام رژیم این است که زندان نه فقط حذف فیزیکی زندانی از جامعه که محل شکنجه‌های مضاعف نیز هست. با این پیام می‌خواهند فضایی از رعب عمومی ایجاد کرده تا از اعتراضات مردم جلوگیری کنند.

اما پشت این حقیقتِ آزار و شکنجه زندانیان سیاسی یک واقعیت دیگر نیز به‌روشنی هویدا است. قدرتِ مقاومت و روحیه بالای زندانیان سیاسی که زندان را نیز به ابزار مبارزه علیه حکومت اسلامی تبدیل کرده‌اند. در زندان‌ها روحیه بالای مبارزاتی موج می‌زند و میارزه زندانیان سیاسی امتداد مبارزه مردم در خیابان‌ها است. امتداد اعتراضات و اعتصابات همه مزدبگیران که با تجمعات مداوم و منظم خود

خواب رژیم را آشفته‌تر از همیشه کرده‌اند. مبارزه در زندان‌ها در ایران ادامه انقلاب زن زندگی آزادی است. حمایت گسترده از بی‌حجابی سراسری و ادامه جنگ مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

در این راستا صدای رسای این ۱۷ زندانی سیاسی در اهواز می‌شویم و به آن عزیزان پیامی روشن می‌دهیم که در کنارشان هستیم. با انتشار علنی اسامی این عزیزان و احتمالاً انتشار تصاویر آنها یک‌قدم بیشتر به‌سوی معرفی‌شان در سطح ایران و کشورهای دیگر بر می‌داریم. رژیم در منگنه مبارزات ما است. رهایش نمی کنیم.

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳

۱۵ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

شماره ۷۰۶

۱۶ آپریل ۲۰۲۴ – ۲۸ فروردین ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

خط فقر مطلق و ناجیان زندگی

کیوان جاوید

اعدام متهمین مرتبط به مواد مخدر موقوف

سهیلا دالوند

سلمان رشدی و آزادی بیان

سینا پدرام

موشک‌پرانی به اسرائیل برای مقابله با مردم

محسن ابراهیمی

خط فقر مطلق و ناجیان زندگی

کیوان جاوید

روزنامه کار و کارگر، دوشنبه ۲۷ فروردین در گزارشی به وضعیت حقوق‌بگیران و کارگران در شرایط اقتصادی ایران پرداخت و اعلام کرد، دریافتی مزدبگیران در ایران ریالی اما هزینه زندگی آن‌ها دلاری است. بر اساس این گزارش، حداقل دستمزد ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزارتومانی، معادل ۱۷۳ دلار است.

بیایید ارزش ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان را برای ادامه زنده‌ماندن بررسی کنیم. ارزشی که با درنظرگرفتن افت شدید ریال در برابر دلار هر روز بی‌ارزش‌تر می‌شود. نیمی یا بیشتر از نیمی از دستمزد، صرف اجاره‌خانه می‌شود. باقی‌مانده

آن هم در بهترین حالت ظرف ده روز دود می‌شود و به هوا می‌رود. کارگران و همه مزدبگیران در ایران در فلاکت‌بارترین وضعیت ممکن با مرگ تدریجی دست‌وپنجه نرم می کنند. در ایران مردم زندگی نمی کنند، زنده‌اند تا کار کنند. خالقان همه امکانات و رفاهیات اجتماعی که خود در فلاکت زندگی می کنند. "خدایی که هستی می‌بخشد؛ اما خود زندگی نمی کند".

آیا این شرایط محتوم است و "تا بوده چنین بوده و چنین نیز خواهد ماند"؟ اینجا دیگر باید از یک جدال روزمره، یک نبرد طبقاتی و یک جنگ اجتماعی دائمی یادکرد. ایرانِ تحتِ حاکمیت زالوهای اسلامی، مافیاهای چندگانه و درهم‌تنیده و قاتلان بی‌رحم حاکم بر کشور تنها بخشی از واقعیت زندگی است. در طرف مقابل، شاهد تلاش میلیون‌ها انسان شریف و زحمت کشی هستیم که

علی‌رغم همه به بند کشیدن‌ها و شکنجه‌دادن‌ها و به گلوله بستن‌ها تسلیم ظلم نمی‌شوند. مردمی که اعتراض و اعتصاب می‌کنند تا به حق خود برسند؛ تجمع و تظاهرات می‌کنند تا دشمن را عقب برانند. مردمی که قیام و انقلاب بر پا می‌کنند تا زندگی کنند. در این مسیر اما باید شاهد اتحادها و همبستگی‌های بسیار بیشتری باشیم تا در یک نبرد هماهنگ و سراسری سنگرهای بیشتری را فتح کنیم.

جامعه ایران از یک نظر پیش‌قراول ساختن یک جامعه آزاد و برابر در همه جای دنیا است. انسان‌های بی‌شماری که رفاه و عدالت و آسایش را حق همگان می‌دانند. انسان‌هایی که یک‌درصدی‌های مفت‌خور و بیکارگان جنایت‌کار را می‌شناسند و مبارزه می‌کنند تا خود و همراه خود، همگان را رها کنند. مزد کم و فقر مطلق

در ایران همگان را به سرنگونی حکومت اسلامی رسانده است. نبردگاه اصلی در ایران پایان‌دادن به عمر حکومت اسلامی و ساختن جامعه‌ای انسانی است. جامعه‌ای فارغ از بردگی مزدی، تبعیضات و همه نابرابرهای اجتماعی.

سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۳

۱۶ آپریل ۲۰۲۴

اعدام متهمین مرتبط به مواد مخدر موقوف

سهیلا دالوند

بر اساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران، احکام اعدام اسماعیل حسنیانی ۲۹ساله و مرجان حاجی‌زاده ۱۹ساله با اتهامات مربوط به "مواد مخدر"، امروز ۲۷ فروردین ۱۴۰۳ در زندان مرکزی زنجان به اجرا درآمد. مرجان حاجی‌زاده در زمان بازداشت تنها ۱۶ سال و ۴ ماه سن داشت.

طبق همین گزارش از پنجشنبه ۲۳ فروردین تا یکشنبه ۲۶ فروردین، دست‌کم چهار زندانی در زندان‌های همدان، اصفهان و زنجان اعدام شدند. در روزهای یکشنبه و دوشنبه همین هفته، پنج

زندانی در زندان قزل‌حصار کرج و یک زندانی در زندان رشت برای اجرای حکم اعدام به سلول‌های انفرادی منتقل شدند.

اعدام زندانیان با اتهامات مربوط به مواد مخدر در سال‌های اخیر به طور مستمر افزایش‌یافته است. در سال گذشته میلادی، ۸۵۳ نفر اعدام شدند که ۴۸۱ نفر از آنها با جرائم مرتبط با مواد مخدر بوده است. جمهوری اسلامی در طول عمر پُر از جنایتش از اعدام به‌عنوان ابزار مرعوب کردن جامعه استفاده کرده است.

متهمین مربوط به مواد مخدر معمولاً به محروم ترین بخش جامعه متعلق‌اند که برای تأمین زندگی

خود به توزیع مواد مخدر و اعتیاد رو می‌آورند. این انسان‌ها توسط دست جمهوری اسلامی دو بار قربانی می‌شوند، یک‌بار به‌خاطر فقر و بیکاری به اعتیاد کشیده می‌شوند و بار دیگر توسط دستگاه قضایی حکومتی که خود یک کارتل قاچاق مواد مخدر است جانشان گرفته می‌شود.

کارزارها و تلاش‌های وسیعی برای نجات این انسان‌ها آغاز شده است. باتوجه‌به اینکه کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر، رژیم اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت محکوم کرده است؛ از طرف خود زندانیان سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه این اعدام‌ها راه افتاده است؛ و در سطح جهان بیش از ۸۰ نهاد ایرانی و بین‌المللی از سازمان

ملل خواسته‌اند جمهوری اسلامی را برای توقف این اعدام‌ها زیر فشار قرار دهد، باید برای گسترش و تقویت کارزارها علیه قتل حکومتی متهمین مرتبط با مواد مخدر و نجات آنها از چنگال دژخیمان اسلامی به هر شکل ممکن تلاش و مبارزه کرد.

سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۳

۱۶ آپریل ۲۰۲۴

سلمان رشدی و آزادی بیان

سینا پدرام

سلمان رشدی دو سال پس از حمله با چاقو و سوءقصد به جان وی در یک مصاحبه تلویزیونی به مسائل مختلف از جمله به موضوع آزادی بیان پرداخت.

دو سال پیش، سلمان رشدی که قرار بود در نیویورک در مورد آزادی بیان سخنرانی کند با چاقو مورد حمله قرار گرفت و یک‌چشم خود را از دست داد. در این مصاحبه تلویزیونی، وی به گوشه‌هایی از کتاب جدید خود، "چاقو" پرداخت و به گوشه‌هایی از جریان حمله به خود در آن روز شوم اشاره کرد. او با طنز زیبایی گفت وقتی با دکتری که جان او را

نجات داده بود ملاقات کرد، دکتر گفت که او بسیار خوش‌شانس بوده است. وی از پزشک خود پرسیده بود که در چه بخشی خوش‌شانس بوده و پزشک جواب داد: در این مورد که ضارب در کاربرد چاقو برای کشتن مهارتی نداشت.

سلمان رشدی کتاب جدیدش "چاقو" را یک داستان عاشقانه و به همان اندازه قصه‌ای ترسناک توصیف می‌کند. او گفت: "اینجا دو نیرو با هم برخورد می‌کردند، یکی نیروی خشونت، تعصب، خشک‌مغزی و دیگری نیروی عشق و ۰۰۰ در پایان، راهی که من متوجه می‌شوم این است که نیروی عشق قوی‌تر از نیروی نفرت است." رشدی در برنامه "۶۰ دقیقه"، گفت آمریکا در زمینه آزادی بیان با "لحظه بدی"

مواجه است و از هر دو جناح سیاسی انتقاد کرد.

سلمان رشدی یک‌بار به‌درستی گفت که "آزادی بیان خودِ زندگی است". آزادی بیان در تمامی ابعاد و اشکال فی‌الحال موجود آن مهم‌ترین حق هر انسان مدرن برای شکل‌دادن به یک زندگی شکوفا باید قلمداد شود.

آزادی بیان فی‌نفسه با پا گذاشتن هر انسان به دنیای خاکی، به‌صرف موجودیتش باید به‌عنوان حق انسانی هر فردی قلمداد شود. آزادی بیان در شکل پایه‌ای یعنی آزادی فعل‌وانفعال بشر با محیط پیرامون و اجتماعی‌اش است. این حق باید از لحظه‌ای که هر انسانی پا به عرصه وجود می گذارد تأمین شود. این

یعنی مصونیت پایین از دست‌درازی‌های بالا. آزادی بیان بدون قیدوشرط یعنی هیچ‌چیز مقدسی وجود ندارد. به اسم خدا، ملت، پرچم، خاک و مقدسات دیگر نمی‌توان هیچ حصاری دور آزادی هیچ انسانی برای ابراز عقاید، احساسات و تفکرات وی به هر شکلی کشید. به قول نوام چامسکی "اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، باید به آزادی بیان دیدگاه‌هایی که دوست ندارید معتقد باشید."

سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۳

۱۶ آپریل ۲۰۲۴

موشک‌پرانی به اسرائیل برای مقابله با مردم

محسن ابراهیمی

بعد از پرتاب بیش از ۳۰۰ پهپاد و موشک به آسمان اسرائیل با اسم رمز "یا رسول‌الله"، سران حکومت صف کشیده‌اند و رجز پیروزی می‌خوانند که عملیات بیش از انتظار به هدفش نائل شده است، معادله جدیدی رقم خورده است و "رژیم صهیونیستی" عبرت گرفته است! همچنان که انتظار می‌رفت پهپادها و موشک‌ها از نظر سیاسی کمانه کرده و به عمامه نایبان فاسد رسول‌الله اصابت کردند.

یک هدف حکومت از موشک‌پرانی گسترده به اسرائیل این بود که ته‌مانده‌های طرف‌دارش را که سال‌هاست با وعده فتح قدس سر کارشان گذشته

است دلخوش کند و کنار خود نگه دارد. هدف دیگرش این بو که به نیروهای نیابتی در منطقه امید بدهد. همان نیروهایی که در جریان جنگ غزه، از حکومت اسلامی چیزی تحویل نگرفتند جز اینکه خامنه‌ای گفت دست و پیشانی طراحان "طوفان الاقصی" را می‌بوسد!

اما هدف اصلی حکومت از حمله موشکی به آسمان اسرائیل، "انتقام سخت" از مردمی است که برای ساقط کردنش یک انقلاب سخت راه انداختند. هدف اصلی، انتقام از انقلاب زن زندگی آزادی است که شبح خوفناکش همچنان بالای سر خامنه‌ای و دارودسته‌اش چرخ می‌زند.

این بسیار سمبلیک و معنادار است که حکومت اسلامی دو عملیات را در یک روز انجام داد: به اسرائیل پهپاد و موشک فرستاد و به‌سوی مردم

در ایران عربده‌کش‌های نهی‌ازمنکر! هدف بود که شاید در فضای پرواز موشک‌ها، برای پس‌گرفتن سنگر "حجاب و عفاف" فرجی حاصل شود. هدف اصلی مقابله با مردمی بود که حکومت از سایه‌شان هم هراس دارد.

همان روز اول معلوم شد مردم نه‌تنها مرعوب نمی‌شوند؛ بلکه چنین ماجراجویی‌های نظامی مردم را منجرتر و خشمگین‌تر می‌کند. تجمع اعتراضی معلمان بازنشسته در مقیاس هزاران نفره در مقابل سازمان برنامه‌وبودجه نشان داد که اوضاع از چه قرار است. همان روزی که در آسمان موشک‌ها می‌غریدند، در زمین و در خیابان معلمان بازنشسته فریاد می‌زدند "فقط کف خیابان به دست میاد حقمان". همان وقت که سران حکومت عربده علیه اسرائیل‌می‌کشیدند،بازنشستگان‌علیه‌رئیس‌جمهور همین حکومت شعار می‌دادند: "رئیسی بی‌عرضه

برگرد برو به حوزه“!

مردم نه‌تنها با عملیات ”رسول‌الله“ نترسیدند، بلکه فضا آن‌چنان علیه دارودسته جانی ”رسول‌الله“ قوی بود که سپاه پاسداران تهدید کرد که ”با هر کسی در فضای مجازی از اسرائیل حمایت کند برخورد قاطع خواهد شد“! معلوم می‌شود دره عمیق میان مردم و حکومت فقط با جنازه نظام اسلامی پر خواهد شد!

سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۳

۱۶ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۰۷

۱۷ آپریل ۲۰۲۴ – ۲۹ فروردین ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

جنگ‌افروزی حکومت و واکنش‌های مردمی

شهلا دانشفر

داخل و خارج زندان‌ها علیه اعدام

شهاب بهرامی

زنان مغرور و رژیم مفلوک

یاشار سهندی

شاه و دین

حسن صالحی

با تمام قوا علیه حکومت و جنگ‌افروزی‌اش به میدان بیایید

حزب کمونیست کارگری ایران

جنگ‌افروزی حکومت و واکنش‌های مردمی

شهلا دانشفر

حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل و جنگ‌افروزی و بحران آفرینی‌اش بر فضای اعتراض جامعه شدت بخشیده است. مردم از یک سو شکست حکومت و خنثی‌شدن ۹۹ درصد از موشک‌های پرتابی‌اش به اسرائیل را به سخره می گیرند و از سوی دیگر هدف سیاسی حکومت برای بهره‌جویی از فضای جنگی برای تشدید سرکوبگری‌هایش را به چالش می کشند. تجمعات اعتراضی این روزها از جمله تجمع هزاران نفره بازنشستگان در تهران پاسخ محکمی به حکومت بود. همچنین بیانیه‌های اعتراضی منتشر شده بازتابی از خشم و اعتراض مردم بر سر جنگ است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان می‌نویسد: "حکومت حاکم بر ایران با فرستادن ده‌ها فروند پهپاد و موشک به اسرائیل حمله‌ای را آغاز کرده که حتی اگر به همین یک شب ختم شود، در نهایت قربانیان آن زنان، کودکان و فرودستانی خواهند بود که به سفره آن تعرض شده و از سفره آنان اسباب این موشک‌پرانی‌ها تأمین می‌شود... در جنگی تمام‌عیار هم بدیهی است که منافع هیچ یک از دو ملت گرفتار حکومت‌های مذهبی و فاشیست تأمین نخواهد شد و آوارگی و فقر دامنگیر مردمی می‌شود که در همین شرایط هم گرفتار تأمین حداقل‌های زندگی هستند."

شورای بازنشستگان ایران در بیانیه‌اش با تأکید بر بی ربطی جنگ به منفعت مردم و خاتمه فوری این بحران، می‌نویسد: "فضای جنگی و کوبیدن بر طبل مبارزه با دشمن، در حقیقت مقابله با

اتحاد و همبستگی و مقاومت‌های مردمی است که تغییر شرایط موجود را تصمیم گرفته‌اند. کارگران، بازنشستگان، زنان و کودکان، معلمان و دانشجویان، روستاییان فاقد آب و زمین به بهانه جنگ در معرض سرکوب بیشتری قرار می گیرند.“

اتحادیه آزاد کارگران ایران این جنگ را ماجراجویانه خوانده و می‌نویسد: ”این جنگ، جنگ دو قدرت ضدانسانی حاکم بر ایران و اسرائیل است که از بحران و ویرانی و انسان کشی ارتزاق می کنند.“

اتحاد بازنشستگان در بیانیه‌اش جنگ‌افروزی در هر شکلش را محکوم کرده و می‌نویسد: ”در ایران تورم و گرانی در سال جدید با شتابی بیشتر از همیشه سیر صعودی خود را طی می کند، اقتصاد بیمار کشور عملاً از درون رو به فروپاشی است و نتایج سال‌ها غارت و فساد و بی‌توجهی در تمام

ارکان جامعه به‌وضوح مشاهده می‌شود. اینک مردم ایران با زخم صدها مصیبت باید صدمات جنگی را تحمل کنندَ که خود هیچ نقشی در به‌وجودآوردن آن نداشته‌اند.“

جنگ حکومت با اسرائیل جنگی علیه مردم است و پاسخ به جنگ و ناامنی، گسترش اعتراضات و رهایی از جهنم جمهوری اسلامی است.

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳

۱۷ آپریل ۲۰۲۴

داخل و خارج زندان‌ها علیه اعدام

شهاب بهرامی

به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، دیروز سه‌شنبه شمار بیشتری از زندانیان سیاسی و غیرسیاسی در زندان‌های مختلف کشور از جمله قزل‌حصار، اوین و کرج، باتوجه‌به افزایش احتمال اجرای گسترده احکام اعدام، توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، دست به اعتصاب‌غذا زدند.

لازم به یادآوری است که کمپین "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" از سوی تعداد زیادی از زندانیان ایران سیزدهمین هفته خود را پشت سر می‌گذراند. اعتصاب‌غذای اخیر زندانیان علیه گسترش مخفیانه اعدام‌های روزهای اخیر بوده که رژیم

باتوجه‌به شرایط ملتهب جنگی به آن دست‌زده است.

در اواخر دی‌ماه سال گذشته، کارزار پرشوری علیه قطع اعدام‌ها در ایران بنام "کارزار جهانی علیه اعدام" با انتشار بیانیه مهمی اعلام موجودیت کرد. این کارزار در تاریخ ۳۰ دی، آکسیون‌ها و تظاهرات گسترده‌ای را در اغلب شهرهای اروپایی و آمریکای شمالی به‌ویژه در کانادا سازمان داد. یکی دیگر از اقدامات مهم این کارزار، "اقدام مشترک برای توقف اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر" است که این موضوع، در یک سطح وسیع اجتماعی طرح شده و به‌پیش می‌رود.

علی‌رغم اوج گیری وحشیگری‌های رژیم دررابطه‌با احکام جدید و گسترده اعدام‌ها در روزهای اخیر،

ما شاهد مبارزه خستگی‌ناپذیر و فزاینده، هم در زندان و هم در خارج از زندان هستیم. محکومیت جمهوری اسلامی از طرف نهاد حقوق بشر سازمان ملل به جرم جنایت علیه بشریت، همچنین تمدیدکردن فعالیت کمیته حقیقت‌یاب، متشکل شدن بیش از صد تشکل و نهاد مدنی و صدها فعال و شخصیت سیاسی و مدنی، زیر چتر کارزار جهانی نه به اعدام یا حمایت از این نهاد، نشانه رشد و گسترش مبارزه مردم علیه جنایت‌کاران اسلامی در ایران است.

برای ادامه کاری این مبارزات و به‌عقب‌راندن رژیم تا قطع کامل اعدام‌ها در ایران، باید دست به حمایت از و تقویت نهادهایی که هم اکنون به‌صورت متشکل فعالیت می‌کنند، زد. نهادهایی همچون "کارزار جهانی نه به اعدام"، "کمیته بین‌المللی

علیه اعدام " ، "فریدم ناو" و "کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی" که خود نیز عضوی از کارزار هستند، از این دسته‌اند.

برای رسیدن به هدف فوق، قطعاً ضروری است به سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی فشار آورد تا کمک‌های مالی و فنی خود به جمهوری اسلامی را تحت نام "مبارزه با مواد مخدر" بی‌درنگ قطع نمایند و تلاش برای تحت تعقیب نهادن باندهای حکومتی مواد مخدر و محکومیت جهانی رژیم را در دستور کار فوری خود قرار دهند.

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳

۱۷ آپریل ۲۰۲۴

زنان مغرور و رژیم مفلوک

یاشار سهندی

۲۷ فروردین حکومت اسلامی گله‌های بسیجی را پرچم‌به‌دست روانه خیابان کرد تا مثلاً "وعده صادق" را با نعره "حیدر، حیدر" جشن گرفته باشند. جشن نبود، واژه جشن از سرشان زیادی است، نمایشی بود برای اینکه روی اعصاب مردم راه بروند. تف و لعنت بود که نثارشان می‌شد.

۲۸ فروردین؛ صف نانوایی منتظر نوبت بودم. زنی با موهای رنگ شده که فِر ملایم به آنها داده بود و روی شانه‌هایش ریخته بود، همراه کودک خردسال خود از جلو صف گذر کرد. تصویر زیبا و پر از زندگی در میان این‌همه پلشتی و جنایت که حاکمان ترتیب

دادند.

ساعتی بعد در محل گشتی زدم که ببینم مزدوران سیاه‌پوش و باطوم به دست، همراه ون‌هایشان در میان نفرت عمیق مردم چگونه مأموریت سرکوب را به‌پیش می‌برند. کلاغان سیاهی که هر چه بودند جز انسان، جز زن بودن که این روزها زن سمبل غرور، شرافت و مقاومت است. اما این کلاغان که عمق نگاهشان چیزی نیست جز سیاهی به رنگ چادر نشانه بردگی که بر سرشان کشیده بودند، زیر نگاه شماتت مردم، چشمان تهی از زندگیشان به دنبال زنانی بود که بی‌هیچ توجهی به این جماعت در گذر بودند. "خانم این وضع حجابه! " تذکری بود که در پناه حمایت باتوم به دستان و شوکر به زنان می‌دادند.

مادری به همراه دختر نوجوانش درحالی‌که کلاه لباس هودی دخترش را روی سرش می‌کشید، با عصبانیت گفت: "درست شد! خب چند قدم آن طرف بَرش می‌دارم! با این دین زوری‌تان! " زنی میان‌سال که تذکر گرفته بود، خطاب به آن زن مأمور سیاه‌دل که می‌گفت: "این که مانتو نیست (اشاره به کُت جین که زن پوشیده بود) دگمه‌هایش را ببند! " زن لبخندی به آن مأمور تحویل داد گفت: "مشکل همین دگمه‌هاست! " و دختران و زنان دیگر که با وجود خطری که تهدیدشان می‌کرد، روسری‌هایشان را روی شانه آویخته بودند و بی‌پروا در پیکار خویش در رفت‌وآمد بودند.

مأموران مفلوک که این بار به دستور مستقیم آقا در خیابان بودند خوب می‌توانستند حس کنند درست در وسط دریای نفرت مردم ایستاده‌اند؛ این اما

وضعیت کل حکومت اسلامی در ایران است. موشک و پهپاد پرانی به سمت اسرائیل و تبلیغات دروغین حکومت هدف اصلی‌اش نه بیابان‌های اسرائیل بلکه زنان است.

جمهوری اسلامی همه چیز را باخته است، و هر روز بیشتر از روز قبل حس می‌کند که در محاصره مردمی است که مترصد این هستند که ضربه آخر را بزنند.

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳

۱۷ آپریل ۲۰۲۴

شاه و دین

حسن صالحی

بارها دیده‌ایم که رضا پهلوی چگونه از دین اسلام حمایت کرده است و حتی در هراس از گسترش دین ستیزی در میان مردم گفته است که اگر چنین شود ترجیح می‌دهد جمهوری اسلامی باقی بماند. حقیقت این است که از دیرباز سلطنت و دین با یکدیگر عجین بوده‌اند و نقش دین در این میان حقانیت بخشیدن به سلطنت بوده است. همانطور که از شاهنامه برمی‌آید اختیارات شاه محدود به ریاست کشور نبوده؛ بلکه ریاست دینی جامعه را نیز شامل می‌شده:

منم شاه با فره ایزدی

هم از شهریاری هم از موبدی

ایدئولوژی سلطنت اساساً با این خرافه مذهبی توأم بوده است که شاهان، همچون پیامبران و روحانیان، نمایندگان خدا بر روی زمین هستند. شعارهایی نظیر "شاه سایه خداست" یا "خدا، شاه، میهن" در حقیقت بیان همین وحدت است که تا زمان ما، بین سلطنت و دین حفظ شده است. بدین ترتیب منشأ قدرت شاه الهی است و همگان باید مطیع و فرمان‌بردار او باشند. هیچ‌کس حق مخالفت و مبارزه با او را ندارد. در طول تاریخ شاه و شیخ دست در دست هم داشته‌اند و برای بقای سلطه خود بر مردم به یکدیگر نان قرض داده‌اند. در اروپا خدمات متقابلی که سلطنت و کلیسا به یکدیگر کردند امری شناخته شده برای همگان است. تا

آنجا که به تاریخ ایران مربوط است، سال‌ها پیش که صحبت بر سر الغای سلطنت دوهزارساله بود، مدرس، از آخوندهای متنفذ، اعلام کرد که "حمله به پادشاهی حمله به شریعت مقدس است" و هنگامی که رضاخان از طریق ساخت‌وپاخت با روحانیت به تاج‌وتخت رسید، اظهار داشت که یکی از آرزوهای بزرگش "اجرای شرع مقدس اسلام" است. رضاخان با حمایت نهاد مذهب و شیوخی چون سید ابوالحسن اصفهانی و آشیخ عبدالکریم حائری شاه شد و پسرش نیز همیشه حمایت آیت‌الله‌هایی نظیر فلسفی و بروجردی را داشت. بی‌جهت نیست که رضا پهلوی دوم در پیام‌های خود سعی در نجات وجهه "اسلام ناب محمدی" دارد و تأکید می‌کند که دفاع او از "سکولاریته" به معنای دفاع از بی مذهبی نیست.

پادشاهی یک مقام موروثی است. قرارگرفتن در رأس یک ساختار سیاسی قدرت (چه با اختیارات تشریفاتی باشد و چه واقعی) به ژن و پیوند خونی گره‌خورده است. چنین سیستمی هیچ نوع مشروعیتی ندارد و از همین روست که دست خود را در انبان ارتجاع مذهبی فرومی‌کند. عبور از جمهوری اسلامی باید عبور از هر گونه ارتجاع مذهبی و شاهی باشد!

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳

۱۷ آپریل ۲۰۲۴

با تمام قوا علیه حکومت و جنگ‌افروزی‌اش به میدان بیایید!

حزب کمونیست کارگری ایران

مردم! این جنگ و کشاکش نظامی حکومت اسلامی و اسرائیل جنگی علیه شما است. این کشاکش یک هدف سیاسی را تعقیب می‌کند: عقب راندن مبارزات زنان و همه مردم، منحرف‌کردن فضای پربار سیاسی و اعتراضی و تشدید فضای امنیتی علیه جامعه. علیه انقلاب زن زندگی آزادی و علیه اهداف انقلاب. هزینه این موشک‌پرانی نیز تماماً از جیب مردم بیرون کشیده می‌شود.

امروز بر خلاف دوره جنگ عراق، نه مردم توهمی به

حکومت دارند نه حکومت توان سابق را. حکومت در اوج بحران و در سرازیری دست‌وپا می‌زند و موشک‌پرانی به اسرائیل، هم آن را بی‌آبروتر و منزوی‌تر کرد و زبونی‌اش را بیش‌ازپیش آشکار نمود.

حکومت مطلقاً توان درگیرشدن طولانی نظامی ندارد؛ اما همین فضای جنگی حکومت را نیز باید با تمام قوا به اعتراض فعال علیه اوباش حاکم تبدیل کرد. باید از زنان در مقابل اوباش حکومت قاطعانه حمایت کرد، باید علیه گرانی و فقر و محرومیت بیشتر به میدان آمد. باید نفرت از حکومت و جنگ و ناامنی‌اش را به اعتراض همه‌جانبه تمام بخش‌های جامعه علیه حکومت تبدیل کرد.

کلیه فعالین سیاسی، کارگران و دانشجویان، فعالین حقوق زن، دادخواهان، جوانان انقلابی، هنرمندان و روزنامه‌نگاران و همه مردم آزاده را به گسترش مبارزه علیه حکومت و سیاست‌های داخلی و خارجی‌اش فرامی‌خوانیم. دشمن ما همین‌جا است و همین‌جا باید سرنگونش کنیم.

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳

۱۷ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۰۸

۱۸ آپریل ۲۰۲۴ – ۳۰ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

رئیسی و کالبدشکافی یک اتفاق نظامی

منظر دریاکناری

مجله تایم و زنان تأثیرگذار!

آذر پویا

”اینترنت ملی“ یا شبکه جاسوسی وزارت اطلاعات

سینا پدرام

بدن و روان زنان، میدان تاخت‌وتاز

کیوان جاوید

رئیسی و کالبدشکافی یک اتفاق نظامی

منظر دریاکناری

رئیسی: {عملیات} وعده صادق هیمنه (عظمت) شکست‌ناپذیری اسرائیل را فروریخت.

به گزارش تسنیم، ابراهیم رئیسی صبح چهارشنبه، در مراسم رژه ارتش گفت: ارتش کنار ملت قرار گرفته است و برای دفاع از وطن و تمامیت ارضی و ارزش‌های انقلاب اسلامی اقدام می‌کند.

بیاییم از ابهت و اقتدار عملیات جمهوری اسلامی در موشک‌پرانی صحبت نکنیم. این را دیگر دنیا به چشم دیده است و بهترین تحلیل از این اقدام

نظامی نه در حرف بلکه در عمل، واقعیت موقعیت حکومت اسلامی را به ثبوت رسانده است. نکات دیگری در صحبت‌های رئیسی هست که می‌شود به آنها اشاره کرد.

اول بازی با وطن‌پرستی و دفاع از تمامیت ارضی است. با این ترفند قرار است خون مهین پرستی و دفاع از "سرزمین پدری" در رگ‌های ناسیونالیست‌ها به جوش بیاید؛ تلاشی عبث برای تأثیرگذاری یا جذب طرف‌داران "مرد میهن آبادی" به‌سوی حکومت اسلامی.

از نکات مطرح شده دیگر در این سخنان، تقدیس ارتشی است که ظاهراً با حمله موشکی به اسرائیل

در کنار ملت قرار گرفته است. ارتش ازاین‌جهت مهم است که احساس می‌شود همچون سپاه مورد تنفر مردم نیست و می‌شود در سایه این اتفاق برای این نیروی سرکوب و مدافع سینه‌چاک رژیم کسب اعتبار کرد. هر چه باشد دشمنی با سپاه دیگر اظهرمن‌الشمس است و نمی‌شود سپاه را با هیچ شعبده‌بازی ای به مردم حقنه کرد.

نکته بعدی اینکه رژیم ضعیف نیست و می‌تواند دست به چنین حمله گسترده نظامی بزند. پیام این است، حالا که چنین شد پس جمهوری اسلامی می‌تواند ماندگار باشد و دست به تعرض به مردم بزند. با این حساب رژیم می‌تواند در تقابل با انقلاب مردم، قدرتی از خود ترسیم کند

تا معترضان میلیونی مرعوب شوند و صحنه مبارزه اجتماعی را ترک کنند. اینها خواب‌وخیال دور از دسترس سران حکومت است که یک‌دنیا فاصله با واقعیت موجود دارد. جمهوری اسلامی حتی در این نمایش "اقتدار" نیز آبروباخته تر از گذشته شد.

پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۳

۱۸ آپریل ۲۰۲۴

مجله تایم و زنان تأثیرگذار!

آذر پویا

مجله تایم نرگس محمدی، برنده جایزه نوبل صلح و زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، را در میان ۱۰۰ چهره تأثیرگذار سال ۲۰۲۴ قرار داد و در مطلبی نوشت که او زندگی خود را وقف مبارزه با ظلم علیه زنان کرده و صدایش حتی از پشت میله‌های زندان بلند است. ” تایم ۱۰۰“ فهرستی است که مجله تایم طی ۲۵ سال گذشته منتشر کرده و در آن شخصیت‌های تأثیرگذار جهان را معرفی می‌کند.

مجله تایم به درست از نرگس محمدی به‌عنوان

یکی از چهره‌های سرشناسی نام‌برده است که صدای اعتراضش از پشت میله‌های زندان هم شنیده می‌شود. ضمن تبریک به این فعال حقوق بشری باید گفت واقعیت این است که اگر قرار بود نام زنان واجد شرایط برای ثبت در این لیست قرار بگیرند، می‌بایستی اسم تمام زن‌هایی را که چه از درون زندان‌ها و چه از بیرون آن، با جرئت و شهامتشان در مقابل یک رژیم وحشی و تا دندان مسلح ایستادگی کرده و از تمام خط‌قرمزها و بایدونبایدهای رژیم عبور کرده‌اند و دنیا را به تحسین واداشته‌اند در این لیست آورده شود. این لیست می‌توانست بسیار بلندبالاتر از اینها باشد اگر قرار بود اسم زنان تأثیرگذار در آن آورده شود. زنانی که دنیا را از خواب بیدار کرده و به جهانیان نشان دادند که ایران کشوری اسلامی نیست که

مردم ایران با رژیم حاکم بر آن هیچ سنخیتی ندارند که مردم خواهان یک زندگی مدرن و پیشرفته مطابق با شرایط دنیای امروز هستند و این زندگی را از پستوهای خانه‌هایشان به خیابان‌ها کشیده‌اند. نام همه این زنان باید در این گونه لیست‌ها دیده شود.

جا دارد در اینجا از زنانی یاد کنیم که طی ۴۵ سال حکومت اسلامی و چه پیش از آن به‌عنوان فعالین سیاسی یا در میدان‌های اعدام سربه‌دار شدند و یا در اثر شکنجه‌های جسمی و روحی جان عزیزشان را از دست دادند؛ ولی در مقابل غول توحش سرخم نکردند.

نرگس محمدی محصول شرایط انقلاب عظیم زن

زندگی آزادی است و به درست می گوید:
جمهوری اسلامی از سر استیصال خیابان‌ها را به میدان جنگ علیه زنان و جوانان تبدیل کرده تا درد بی‌علاج عدم مشروعیتش را تسکین دهد خیابان، از آن ما و پیروزی سرنوشت محتوم ماست.

پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۳

۱۸ آپریل ۲۰۲۴

"اینترنت ملی" یا
شبکه جاسوسی وزارت اطلاعات

سینا پدرام

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها در بودجه سال ۱۴۰۳ دولت شش هزار میلیارد تومان برای راه‌اندازی "اینترنت ملی" اختصاص داده که این رقم بیانگر افزایش ۲۰ درصدی است.

رژیم اسلامی بار دیگر برای تأمین هزینه‌های امنیتی بالای خود، قصد دارد از ثروت مردم بدزدد و پول‌هایی را که می‌شد خرج هزار و یک درد

این مردم بشود، در جیب گشاد مافیای هزارتوی اسلامی بریزد. اینترنت ملی اسم رمز کنترل مدیای اجتماعی و کنترل مردم است. تمام تلاش این رژیم در بازگرداندن کنترل در دست ارگان‌های سرکوب است. به همین دلیل ساده قرار است که میلیاردها تومان در جیب شرکت‌های وابسته به رژیم تحت نام فن آوری و ارتباطات و غیره سرازیر شود و نتیجه باز همان می‌شود که تاکنون در باقی پروژه‌های ورشکسته این رژیم شاهد بوده‌ایم.

نکته طنز "اینترنت ملی" این است که نه مشتری دارد و نه کسی برای آن تره خرد می‌کند؛ ولی طبق

معمول پول بی صاحاب را باید به حلقوم شرکای نامحترم بیت رهبری و نهادهای امنیتی رژیم بریزند. پروژه‌های ورشکسته‌ای که جز حیف‌ومیل پول مردم هیچ منفعتی برای مردم نداشته و نخواهند داشت. میلیاردها دلار صرف این می‌شود که امنیت رژیم را در مقابل انقلاب و خیزش مردم حفظ کنند.

با میلیاردها دلاری که صرف هزینه پروژه‌های امنیتی می‌شود، حجم قابل‌توجهی از رفاه و سعادت را می‌توان برای میلیون‌ها کودک و زن و پیر و جوان ایجاد کرد. هر روز از ادامه حیات رژیم، ادامه کابوسی است که ۴۵ سال گذشته آرامش میلیون‌ها

انسان در ایران را به هم زده است. برای آینده بهتر باید از شر این رژیم خلاص شد.

پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۳

۱۸ آپریل ۲۰۲۴

بدن و روان زنان، میدان تاخت‌وتاز

کیوان جاوید

سازمان ملل متحد هشدار داد که بدن زنان به "میدان‌های نبرد" سیاسی تبدیل شده است.

هشدارهای واقعی اما بی‌پشتوانه سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللیِ رسمی و دولتی در جهان راه به جایی نمی‌برد. اینَ هشدارها و این نهادها هم سیاسی‌اند و پیش از اینکه به سرنوشت و موقعیت زنان در سراسر جهان فکر کنند و برای رهایی زنان چاره‌اندیشی کنند، سازش با حکومت‌ها و جنبش‌های ضد زن و ساخت‌وپاخت با فرهنگ حاکم زن‌ستیز را به سیاست اصلی خود تبدیل کرده‌اند.

موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده حقیقتاً وحشتناک و غیرقابل‌باور است. زن در فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی انسان محسوب نمی‌شود. می‌توان زنان را در جنگ‌ها به غنیمت گرفت و به برده جنسی تبدیل کرد. می‌توان طالبان بود و زندگی را به کام زنان به جهنمی واقعی و زمینی تبدیل کرد. می‌توان همچون جمهوری اسلامی زنان را دستگیر یا تجاوز کرد تا پا پس بکشند و قوانین حجاب اسلامی را رعایت کنند.

می‌توان همه‌روزه از همه رسانه‌ها و از همه امکانات تبلیغی و همه منابر و مساجد سم ناموس‌پرستی را به جامعه تزریق کرد و باعث‌وبانی قتل‌های ناموسی شد. می‌توان از کودکستان تا دانشگاه زن‌ستیزی را وارد کتاب‌ها کرد. می‌توان حتی مراکز تولید فیلم‌های جهانی، همچون هالیوود و... را به محل تحقیر زنان و سوءاستفاده جنسی از هنرپیشگان زن

تبدیل کرد و از زن تصویری داد که اصلی‌ترین وظیفه‌اش سرویس جنسی و دلربایی جنسیتی است.

در این جاده صعب‌العبور مردسالارانه و آغشته و آلوده به تعصب مذهبی، در این دنیایی که زن برای برابری در همین کشورهای غربی باید به‌شدت بجنگد تا به حقوق و کرامت انسانی خود دست یابد و در مقابل انواع دست‌درازی‌های موجود به جسم و روان خود مبارزه کند و در مواقعی جنبش‌هایی همچون "می تو" را برای رساتر کردن صدا خود سازمان دهد، سازمان ملل و دولت‌های جهان و فرهنگ حاکم جایی ندارند.

در این جهان با حکومت‌های اسلامی سازش می کنند و چشم خود را بر همه جنایت‌هایی دولت‌ها و جنبش‌های اسلامی تحت عنوان احترام به مذاهب می‌بندند و انتقاد صریح و بی‌پرده از مذهب و اسلام

را بر نمی‌تابند.

داستان زندگی زنان اما می‌تواند این نباشد. یک انقلاب در یکی از مهم‌ترین کشورهای اسلام زده می‌تواند ورق را برگرداند. یک انقلاب زنانه همچون انقلاب زن زندگی آزادی می‌تواند صحنه تفکر و عمل اجتماعی و جهانی را به نفع رهایی زنان دگرگون کند. ما برای این می‌جنگیم.

پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۳

۱۸ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com

ایمیل:
journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:
www.instagram.com

تلگرام:
https://t.me/journalfarsi

ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۰۹

۲۰ آوریل ۲۰۲۴ – ۱ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

جنگ‌افروزی حکومت و پاسخ مردم

سؤال از حمید تقوایی

جنگ علیه زنان، جنگی علیه زندگی و آزادی

حسن صالحی

از نیکا تا آیدا شاکرمی

سیما بهاری

سرکنسول جمهوری اسلامی در آلمان پشت درِ بسته

نسان نودینیان

جنگ‌افروزی حکومت و پاسخ مردم

سؤال از حمید تقوایی

کیوان جاوید: تأثیرات تخاصم نظامی و فضای جنگی حاضر بر موقعیت رژیم را چگونه می‌بینید؟

حمید تقوایی: به نظر من جمهوری اسلامی بازنده این تقابل بوده است. حکومت، مانند غریقی که به هر چیزی چنگ می‌زند، برای نجات خود به موشک‌پرانی علیه اسرائیل دست زد؛ اما نتیجهٔ معکوس گرفت. در سطح جهانی بیشتر منزوی شد و تحت فشار بیشتری قرارگرفت و پاسخ مردم ایران نیز تمسخر و تحقیر حکومت و رجزخوانی‌های جنگی‌اش بود. جوکی در مدیای اجتماعی می‌چرخد

که اگر رژیم پراید به اسرائیل می‌فروخت تلفات بیشتری وارد می‌کرد!

در شرایط حاضر شاهد حملات تلافی‌جویانه متقابل بین جمهوری اسلامی و اسرائیل هستیم. روند و نتیجه این روند قابل‌پیش‌بینی نیست؛ اما نتیجه هر چه باشد تخاصم مستقیمی که بین جمهوری اسلامی و اسرائیل آغاز شده سرفصل دور تازه‌ای در منطقه و در ایران است که بازنده آن جمهوری اسلامی خواهد بود.

کیوان جاوید: این شرایط چه تأثیری بر سیر مبارزات مردم داشته است؟

حمید تقوایی: در مقابله با مردم نیز رژیم موقعیت

ضعیف‌تر و شکننده‌تری پیدا کرده است.
حزب ما از ابتدا اعلام کرد که جنگ واقعی جمهوری اسلامی با مردم ایران است. تلاش حکومت اینست که فضای اعتراضی در ایران و تعرضات مردم که بدنبال جشن‌های نوروزی و محکومیت رژیم به جرم جنایت علیه بشریت از جانب کمیته حقیقت‌یاب اوج گرفته بود، را به نحوی به عقب براند. برای مقابله با خیزش ۸۸ به هواپیمای اوکراینی شلیک کردند و در برابر انقلاب زن زندگی آزادی به اسرائیل و در هر دو مورد این حمله‌ای از سر استیصال و بن‌بست در برابر یک جامعه به‌پاخاسته بود.

تأثیرات این امر را فی الحال در فضای اعتراضی و مبارزات مردم مشاهده می‌کنیم. خامنه‌ای درهمان

سخنرانی عید فطر همراه با رجزخوانی علیه اسرائیل فرمان حمله به زنان را هم صادر کرد و بدنبال آن جنگ خیابانی بین اوباش حکومت و زنان شجاع بی‌حجاب در خیابان‌ها آغاز شد؛ اما رژیم فی الحال در این تقابل شکست‌خورده است. سنگر حجاب را زنان فتح کرده‌اند و موج اعتراضات فعالین و تشکل‌های مبارزاتی علیه توحش حکومت در خیابان‌ها، و به‌ویژه مقاومت و تعرض قهرمانانه زنان در همین چند روز اخیر، نشان می‌دهد که پیروز این جنگ خیابانی نیز زنان خواهند بود. حکومت جنگ را به خیابان‌ها کشانده و این امر فضای انفجاری ای در جامعه ایجاد کرده است که می‌تواند به حرکت اعتراضی گسترده‌تری از اعتراض به قتل حکومتی مهسا منجر بشود. اظهارات اخیر اژه‌ای رئیس قوه قضائیه بیانگر هراس حکومت از این امر

است. او امروز ۳۱ فروردین اظهار داشته "درباره قضیه عفاف و حجاب قطعاً ما نمی‌خواهیم هر فرد کم‌توجه به قوانین را در کف خیابان کیفر کنیم... با هنجارشکنان باید باتدبیر و هماهنگی و همکاری عمل شود". بدنبال این اظهارات فراجا، فرماندهی انتظامی رژیم، نیز اعلام کرده است "پلیس عاری از خطا و اشتباه نبوده و با هرگونه رفتار و کُنش اشتباه احتمالی مأموران نیز برخورد خواهد شد. صِرفاً با هنجارشکنانی که به حریم و حُرمتِ شهروندِ ایرانی تعدی می‌کنند برخورد قانونی توأم با دقت و حساسیت خواهد کرد. فضای فعلی و راهبرد فراجا در شرایط کنونی حفظِ نظم و انضباطِ اجتماعی در قالبی ایجابی و تذکره‌ای است."

این نوعی عقب‌نشینی از جنگ خیابانی به شرایط قبل

از سخنرانی خامنه‌ای علیه بی‌حجابی است. همین نمونه نشان می‌دهد که جنگ‌افروزی و فضاسازی جنگی هم نمی‌تواند دردی از حکومت دوا کند.

گردوخاک جنگ و تخاصم نظامی به‌زودی فرو خواهد نشست؛ ولی جنگ مردم با حکومت گسترده‌تر خواهد شد. شرایط حاضر زمینه‌های تعرض مردم در داخل و در خارج کشور را بیش از پیش فراهم کرده است.

شنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۰ آوریل ۲۰۲۴

جنگ علیه زنان، جنگی علیه زندگی و آزادی

حسن صالحی

این عنوان بیانیه‌ای است که شورای بازنشستگان ایران پنجشنبه ۳۰ فروردین منتشر کرده. این تنها یک نمونه از بروزات اعتراض گستردهِ جامعه نسبت به حملات وحشیانه به زنان است. در این بیانیه می‌خوانیم: «حکومت می‌خواهد جامعه ملتهب و معترض را به عقب براند. اما تمکین چنین جامعهٔ معترض، آگاه و مطالبه‌گری که خواهان عبور از شرایط موجود است، بسیار سخت، مشکل و می‌توان گفت غیرممکن می‌نماید.»

شورای بازنشستگان ایران تحلیل درستی دارد. این

جامعه به عقب بر نمی‌گردد و تسلیم نمی‌شود. بر عکس، این حکومت است که باید تسلیم مردم معترض شود. اینها فکر می‌کردند با مسئله اسرائیل فرصتی خوبی یافته‌اند که به زنان حمله کنند. از همان آغاز که جمهوری اسلامی بر سرِ کار آمد، این رژیم با حمله به زنان و تحمیل حجاب اسلامی اجباری به آنها، به کل جامعه حمله کرد. امروز نیز در شرایطی متفاوت دنبال همین است. تفاوت اما اینجا است که زنان در متن یک انقلاب شورانگیز با بی‌حجابی گسترده، خاکریز حجاب را فتح کرده و سیلی محکم زنان به حکومت، رژیم را سراسیمه کرده است. جمهوری اسلامی بدون حجاب تا سرنگون‌شدن فاصله چندانی ندارد. دوباره به جان زنان افتادند تا جامعه را خاموش کنند. فقط چند

روز کافی بود که نقشه شوم این رژیم نقش‌بر آب شود. رئیس قوه آدمکشی رژیم، محسن اژه‌ای، گفت: «زنان را در خیابان کیفر ندهید». حتی در میان خودشان صدای اعتراض نیز بلند است. می‌دانید چرا؟ چون که می‌دانند که هر گونه خشونتی علیه زنان، مثل برخوردی که با مهسا / ژینا امینی داشتند، می‌تواند به بر آمدی دیگر علیه حکومت تبدیل شود.

حالا کمی دست‌به‌عصا شده‌اند. ولی این پایان کار نیست. پایان کار از نظر ما این است که بپا خیزیم و این رژیم درمانده که هر روز ماندنش ظلم و جنایت بیشتری است را سرنگون کنیم. جمهوری اسلامی با چنگ‌انداختن به همه چیز و از جمله فضای جنگی قصد دارد ما را خفه کند. اما ما درد مشترکیم که

تنها می‌توانیم فریاد شویم. جمهوری اسلامی با حمله به زنان، دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی را هدف قرار داده است. ما می‌بایست ضمن مقابله متحدانه با این حملات وحشیانه، انقلاب ۱۴۰۱ را به سرانجام مطلوب خود، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی برسانیم. انقلابی که فرمان پیروزی‌اش برابری کامل زنان و مردان و لغو آپارتاید جنسیتی است.

شنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۰ آوریل ۲۰۲۴

از نیکا تا آیدا شاکرمی

سیما بهاری

نسرین شاکرمی، مادر جان‌باخته، نیکا شاکرمی روز پنج‌شنبه ۳۰ فروردین خبر داد که آیدا، دختر دیگرش، به دلیل نداشتن حجاب اجباری بازداشت و به زندان زنان شهرری منتقل شده است.

رژیم اسلامی یک‌بار دیگر شمشیر زنگ‌زده‌اش را از نیام بیرون کشیده است تا به خیال خود با خشونت و سرکوب و دستگیری، حجاب اسلامی -اجباری را به خیل عظیم زنان بی‌حجاب تحمیل کند. اگر حکومت ضد زن توانسته است طی ۴۴ سال قبل جامعه را به قعر جهنم اسلامی فروم ببرد، این بار هم می‌تواند.

زنان در صف مقدم انقلاب نوین در ایران حجاب را به صورت رژیم تف کرده‌اند و دست‌وپازدن‌های فعلی تنها تشنج پیش از مرگ حکومت است.

از نیکا تا آیدا به چشم خود می‌بینیم که چه انقلاب با شکوهی را از سر می‌گذرانیم! چقدر ارزشمند است تلاش یک جامعه به‌پاخاسته برای سرنگونی جمهوری اسلامی. در این راه چه جان‌های عزیزی را از دست داده‌ایم. اما با همه آن زخم‌های جگرسوز قطعاً نمی‌گذاریم خون جان‌باختگانمان پایمال شود. ما قهرمانان انقلاب زیبای خود را همچون جانمان عزیز می‌داریم و برای پیشروی و پیروزی این نبرد تاریخ‌ساز از هیچ‌چیز دریغ نخواهیم کرد. ما در این رزم سنگین، فرزندانمان را تنها نمی‌گذاریم. آیدا شاکرمی فقط خواهر نیکا نیست! او منم! او تویی!

او همه جوانان کف خیابان و همه آزادگان است. عشق مادرانه، عشق پدرانه و همراهی همه خواهران و برادرانش در راه دشواری که قدم بر می‌دارد همراه اوست.

آیدا شاکرمی تنها نیست. امروز آیدا در صف معلمانی است که با مشت گره‌کرده با شعار "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"جلودار مبارزه با حکومت سرکوبگر و کودک کُش هستند. آیدا و مادرش را بازنشستگانی همراهی می‌کنند که برای معیشت و منزلت می‌جنگند. ما همه با تو هستیم نسرین عزیز. مادر دو دختر شجاعی که انقلاب را تا اینجا پیش برده‌اند، ما شما را تنها نمی‌گذاریم. جمهوری اسلامی با طوفان خشم زنان و دختران جسور روبروست. با جوانان و مردمی روبروست که

قصد کوتاه‌آمدن ندارند.

ما صدای آیدا خواهیم شد. به دنیا معرفی‌اش می‌کنیم. جسارت و شجاعتش را تکثیر می‌کنیم. سیل بنیان‌کنی که دارد ریشه جمهوری اسلامی را می‌کند مهارشدنی نیست. جمهوری اسلامی باید از این نسل بی‌قرار و عاصی بترسد. می‌دانیم که می‌ترسند! کابوسشان خواهیم شد. عشق به زندگی که در نیکا و حدیث و سارینا‌ها زبانه می‌کشید، پشتوانه آیدا و همه ما خواهد بود و نمی‌گذارد به زمین بیافتیم. ما ایستاده‌ایم تا پایان!

شنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۰ آوریل ۲۰۲۴

سرکنسول جمهوری اسلامی در آلمان پشت درِ بسته

نسان نودینیان

مانفرد پنتس، وزیر امور اروپایی و بین‌المللی ایالت هسن آلمان با ارسال پیامی به سرکنسول گری جمهوری اسلامی در فرانکفورت اعلام کرد که منصور آیرم، سرکنسول جمهوری اسلامی اجازه ورود به ساختمان دولت ایالتی هسن آلمان را ندارد. در این مراسم پذیرایی، نمایندگان کنسولی ۹۷ کشور دعوت بودند.

اقدام وزیر امور اروپایی در ارتباط با راه‌ندادن سرکنسول (سردسته لانه جاسوسی و تروریست)

جمهوری اسلامی به ساختمان ایالتی هسن آلمان، اقدامی بجا و مهم است. با این اقدام آقای مانفرد پنتس دل میلیون‌ها ایرانی ضد حکومت اسلامی را شاد کرده است و مورد احترام همه ما ایرانیان سرنگونی طلب و همه آزادی‌خواهان و قرار می‌گیرد. هر درجه دوری‌جستن از مشتی جانی و تبهکار حرفه‌ای و در منزوی و بایکوت کردن این قاتلان مردم ایران و تروریست‌های حکومت اسلامی، قطعاً باعث بالا رفتن شأن و حرمت شخصی و ارزش‌های انسانی شما خواهد بود.

در کشورهایی که جمهوری اسلامی مکانی دایر کرده و نامش را "کنسولگری" و "سفارتخانه"

گذاشته است به چشم جهانیان در بیش از ۴ دهه گذشته خاک پاشیده است. از نظر مردم آزادیخواه در ایران حکومت اسلامی نماینده مردم نیست. حکومتی تبهکار و قاتل است که جان صدها هزاران نفر را به شیوه‌های مختلف گرفته است، اگر برای مردم آلمان حمل نماد نازیسم و عکس هیتلر به دلیل فاشیسم و جنایت علیه بشریت جرم است و در قانون اساسی و مجوز تظاهرات آثار و نماد فاشیسم هیتلری غیرقانونی است و استفاده از نماد فاشیسم پیگرد قانونی دارد، از نظر مردم آزادیخواه در ایران، هزاران خانواده دادخواه و اعدامیان و جان‌باختگان، همکاری و همراهی و نوشیدن حتی یک فنجان قهوه، با سران ریزودرشت حکومت اسلامی مشمئزکننده

و آزاردهنده است.

قامت و شأن انسانی مقامات دولت آلمان از نظر مردم آزادیخواه کوتاه شده است. در لانه‌های جاسوسی دولت آقای مانفرد پنتس ده‌ها نفر از تروریست‌ها، فعالین سیاسی و رهبران اپوزیسیون از جمله فریدون فرخزاد و صادق شرفکندی را ترور کردند، دولت‌های فخیمه آقای مانفرد پنتس با وجود ترورها، برای منادیان قتل‌ها، همچون خاتمی، ظریف و امیر عبداللهیان و... فرش قرمز پهن کرده‌اند. این بساط باید برچیده شود.

تعطیلی سفارت هلند تا اطلاع ثانوی و راه‌ندادن سرکنسول جمهوری اسلامی توسط آقای مانفرد

پنتس گامی بسیار کوچک در همراهی با مردم است. بایکوت و بستن لانه‌های تروریستی حکومت تبهکار جمهوری اسلامی خواست مردم آزادیخواه و شعار انقلاب زن زندگی آزادی است.

شنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۰ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال

شماره ۷۱۰

۲۱ آوریل ۲۰۲۴ – ۲ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

مرگ آریان یاوری، خودکشی یا قتل حکومتی؟

سینا پدرام

سنگ مزار براق و موی زنان؛ کابوس جلادان

یاشار سهندی

شکست محتوم حکومت علیه بی حجابی

سیامک بهاری

کاپیتان حسین حسینی، یک بغل، هزار بغل

کیوان جاوید

رژیم اسلامی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر

سیاوش آذری

مرگ آریان یاوری، خودکشی یا قتل حکومتی؟

سینا پدرام

آریان یاوری، معترض ۱۹ ساله‌ای که در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ بازداشت شده بود پس از خودکشی جان باخت.

تجربه دوران بازداشت، شکنجه، تهدید، ضرب و شتم فیزیکی، تعرض جسمی و روحی، تهدید به کشتن اعضا خانواده در صورت عدم همکاری، شکنجه اعضا خانواده در مقابل چشمان زندانی برای گرفتن اعتراف، تجاوزات جنسی و غیره هر کدام می‌توانند نقطه شروع برای پدیدارشدن مشکلات روحی، عاطفی و جسمی در فرد زندانی

باشند.

ویژگی سیستم جزایی رژیم اسلامی از ابتدای پیدایش آن، این است که امر سرکوب انقلاب ۵۷ و خیزش‌های اجتماعی ۴۵ سال گذشته را در دستور کار خود قرار داده است. اعدام و زندان‌های طولانی مدت برای حتی "زندانیان عادی" سیاست عمومی رژیم برای ارعاب کل جامعه ایران است.

پدیده "خودکشی" زندانیان سیاسی و به‌ویژه انقلابیون انقلاب زن زندگی آزادی پس از گذران دوره بازداشت و یا زندان، به درست نگرانی‌های بسیاری را برانگیخته است. به درست مردم رژیم

اسلامی را مسئول مستقیم این خودکشی‌های دلخراش می‌دانند.

بسیاری از جوانان انقلابی بدون هیچ تجربه فعالیت سیاسی در چنگال خونین نیروهای امنیتی اسیر می‌شوند و بسیاری تحت آزارها و شکنجه‌های جسمی و روحی سختی قرار می‌گیرند که دلیل اصلی بیماری‌های روحی و در برخی موارد خودکشی آنان است و به این اعتبار باید رژیم را وادار کرد تا امکانات لازم برای گرفتن کمک‌های ویژه پزشکی و روانی پس از آزادی در اختیارشان قرار داده شود.

از سوی دیگر در غیاب هرگونه امکانات لازم از

جانب رژیم اسلامی، این وظیفه ما فعالین اجتماعی و سیاسی و اطرافیان این انقلابیون است که در کنار آنان باشیم و از هیچ کمک فکری، روحی و پزشکی دریغ نکنیم. انتقال تجربه برای تحمل فشارهای بعد از زندان و شکنجه‌های روحی و جسمی در طول مدت زندانی بودن یکی از بزرگ‌ترین کمک‌هایی است که می‌توان انجام داد.

به‌عنوان یک زندانی سیاسی سابق با سال‌ها تجربه در مبارزات سیاسی و آشنایی با زندانیان مختلف توصیه اصلی من به دوستان و خانواده‌های این انقلابیون شریف این است که در کنار آنان باشیم و شرایط روحی ویژه آنان را دریابیم. رژیم

اسلامی با تهدید آنان حتی بعد مدت زندان سعی در ایجاد فشار روانی مضاعف است. ”خودکشی“ این عزیزان قتل عمد دولتی است و رژیم اسلامی به‌خاطر این جنایت علیه بشریت مسئول است.

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۱ آوریل ۲۰۲۴

سنگ مزار براق و موی زنان؛ کابوس جلادان

یاشار سهندی

صالح میرهاشمی، مجید کاظمی و سعید یعقوبی، از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی، بعد از شکنجه‌های فراوان در اردیبهشت سال ۱۴۰۲ در زندان اصفهان به قتل رسیدند. بعد از یک سال تعهدنامه‌ای که شامل ۱۱ بند است را جلو خانواده مجید کاظمی گذاشتند که سنگ مزار نباید «براق» باشد، عکس مجید نباید عمودی باشد، هیچ‌گونه متن ادبی نباید حک شود، هیچ مراسمی برای نصب آن گرفته نشود و همه چیز باید با مسئولین هماهنگ باشد و نهایتاً تأکید شده ارگان‌های حکومتی هیچ مسئولیتی در نگهداری

سنگ مزار ندارند. تهدید کردند در صورت «هر گونه تخطی» از این تعهدنامه باید در مقابل «مرجع قضایی» پاسخگو هستند.

همه این یاوه‌های حکومتی چیزی نیست جز وحشت حکومت اسلامی، حتی از سنگ مزار یک جان‌باخته انقلاب. ترس در تمام ارکان این حکومت رخنه کرده است. ترس از زنده‌بودن انقلاب، ترس از شعله‌کشیدن تظاهرات خیابانی که بی شک باقدرت هرچه‌تمام‌تر می‌آید که بساط حکومت را برچیند.

آمدن دست پیش بگیرند که پس نیفتند؛ اما با دیوار محکم مقاومت مردم و بخصوص زنان روبرو

شدند. طی یک هفته گذشته نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در خیابان‌ها ایران جولان دادند، اما دارند فکر می‌کنند که چگونه نیروهایشان را عقب بکشند که موجب شورش وسیع، یا جشن همگانی یا موج وسیع‌تری از بی‌حجابی نگردد. روز شنبه اول اردیبهشت، آشکارا تعدادشان نسبت به روزهای گذشته بسیار کمتر شده بود. در گذر از کنار سرکوبگران که در خیابان بودند، یک «سرهنگ» به بردگان چادربه‌سر تأکید می‌کرد: «درگیر نشوید فقط تذکر» و یک بیسیم به دست لباس‌شخصی، به‌شدت بر این امر تأکید گذاشت.

بی‌جهت نیست که از یک سنگ مزار براق به وحشت می‌افتند. این مزارها نشانه‌ای از دادخواهی

و جایی برای پیمان بستن به ادامه راه جان‌باختگان و انقلاب شده‌اند. برق این مزارها مانند تیری به‌سوی سرکوبگران شلیک می‌شود. موی زنان در باد بهاری چون صاعقه‌ای بر سرِ حکومت فرود آمده است. اعتراضات بی‌وقفه بازنشستگان و کارگران و پرستاران در آستانه بریدن نفسِ حکومت است. حکومت اسلامی هر اقدامی می کند به ضد خودش تبدیل می‌شود چون مردم تصمیم دارند که کار این رژیم را یکسره کنند.

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۱ آوریل ۲۰۲۴

شکست محتوم حکومت علیه بی حجابی

سیامک بهاری

”برخی محافل سیاسی و مطبوعاتی در حکومت از ”پایان طرح نور“ سخن به میان آورده‌اند.“

فقط یک هفته پس از اعلام جنگ و قشون‌کشی کل نیروی سرکوب حکومتی به خیابان‌ها علیه حق آزادی جامعه و بی‌حجابی زنان، حالا دارند مفتضحانه، مستأصل و شکست‌خورده عقب می‌نشینند. هزیمت حکومت اسلامی در مقابل قدرت و ایستادگی زنان و حمایت بی‌دریغ جامعه واضح‌تر از پیش نشان می‌دهد که سنگر فتح شده علیه حجاب نه‌تنها همچنان در دست زنان باقی‌مانده که بی‌حجابی سراسری دارد با قدم‌های استوارتر کل صحنه را

تسخیر می‌کند.

روشن بود که فرمان یورش به زنان با اسم رمز "طرح نور" نقشه توافق شده و استراتژیک در فردای موشک‌پرانی به اسرائیل است. تا با اتکا به ایجاد فضای جنگی و ملتهب، حکومت برای بازپس گیری سنگرهایی که در خیزش انقلابی زن زندگی آزادی ازدست‌داده بود، مذبوحانه تقلا کند.

شکست مفتضحانه ماجراجویی در حمله به اسرائیل سنگین‌تر از آن شد که حکومت پیش‌بینی کرده بود. لاجرم باید این هزیمت را با یورش و سرکوب فوق خشن، علیه مردم و پیشروی‌هایی که مردم به حکومت تحمیل کرده‌اند جبران می‌کرد. وحشیانه به خیابان‌ها ریختند و چنانچه محتوم بود، شکست

بزرگ دیگری را تجربه کردند.

پس از شش روز مشخص شد که این جامعه مرعوب شدنی نیست. شعارهای شبانه علیه حکومت دوباره زبانه کشید.مقاومت‌وایستادگی‌جمعی‌شد.مشخص شد همه آن نیروی سرکوب بی‌رحم و آدم‌کشی که به میدان آورده‌اند نه‌تنها حریف مردم نیست که دارد قالب تهی می‌کند. این را سران حکومت به‌وضوح‌دیدند.جناح‌های‌مافیای‌حکومتی‌به‌سرعت فهمیدند که دارند قافیه را می‌بازند. فهمیدند نیروی سرکوب توان رویارویی با مردم را ندارد. این مردم برآمده از یک خیزش انقلابی‌اند که عزم دارند کار را یکسره کنند.

پس باید خود "آقا" که فرمان حمله را صادر کرده

بود، اول جام زهر را نوش جان کند. "کارهای بی‌قاعده و بدون برنامه نباید انجام بگیرد". تأکید خامنه‌ای فرمان عقب‌نشینی سریعا است. رئیسی و اژه‌ای، سپس فراجا و بدنه حکومت یکی پس از دیگری با استیصال خواهان تغییر استراتژی سرکوب زنان شدند. تا اینجا تناسب قوا به‌صراحت به نفع مردم علیه حکومت است.

پیروزی زنان علیه حجاب یک پیروزی نهادینه شده است که با هزینه‌ای بسیار گزاف به‌دست آمده است و باید به سکوی پرش اعتراضات وسیع‌تر برای به زیر کشیدن کل حکومت بدل شود.

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۱ آوریل ۲۰۲۴

کاپیتان حسین حسینی، یک بغل، هزار بغل

کیوان جاوید

حسین حسینی، دروازه‌بان و کاپیتان تیم استقلال که در تاریخ ۲۴ فروردین به دلیل بغل کردن یکی از زنان هوادار در ورزشگاه به پرداخت جریمه نقدی محکوم شده بود، در این مورد گفت: "این ۳۰۰ میلیون تومان را پرداخت می‌کنم؛ فدای سر آن هوادار خانم."

پس از آن "بغل" تعدادی از نیروهای انتظامی مستقر ورزشگاه اراک، با کاپیتان استقلال به دلیل در آغوش گرفتن این هوادار درگیر شدند که هم‌زمان تماشاگران با شعار "بی‌شرف، بی‌شرف"

از کاپیتان حسینی دفاع کردند.

عجب غوغایی در ایران در جریان است. باورکردنی نیست. چرا باورکردنش دیگر اصلاً سخت نیست. در قلب "جهان اسلام" جایی که هیولاهای ضد زندگی، مسلح به انواع سلاح‌های کشتارجمعی و برخوردار از همه امکانات سرکوب به حاکمیت ننگین خود، افتان‌وخیزان ادامه می‌دهند، زنانی در ابعاد میلیونی نبض مبارزات جامعه را به دست گرفته‌اند. زنانی با پیشروترین خواسته‌های انسانی در تقابل با حکومتی هستند که نماینده همه جهل و خرافه و عقب‌ماندگی و جنایت سازمان‌یافته است.

در چنین جامعه‌ای زنان در همراهی همه جوانان و کل جامعه فرهنگ انسانی و مدرن امروزی را به یک نُرم و باور اجتماعی تبدیل می‌کنند. این تغییر فرهنگ، این پیشروی سیاسی و مبارزاتی در خفا انجام نمی‌شود. میادین ورزشی، خیابان‌ها، مراکز کار و درمان و هر جا که زندگی جریان دارد عرصه‌هایی از سازماندهی مبارزاتی است. مبارزاتی فردی و جمعی.

یک بغل - هزار بغل- میلیون‌ها بغل. این بغل‌ها یک تعرض سیاسی و در ادامه انقلابمان برای سرنگونی حکومت اسلامی و ایجاد یک جامعه سکولار و ضد مذهبی است. این حرکت و عمل باید تکرار و تکثر شود. جنبش بغل را به راه

بیندازیم تا خاری باشد در چشم حکومت در حال سقوط. زنده‌باد آن دختر شجاع و مدرن و پاینده باد کاپیتان محبوب که آن "۳۰۰ میلیون تومان جریمه را فدای سر آن هوادار خانم" کرد.

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۱ آوریل ۲۰۲۴

رژیم اسلامی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر

سیاوش آذری

مقامات گمرک بلغارستان روز شنبه ۲۰ آوریل از کشف یک محموله ۴۰۳ کیلوگرمی هروئین به ارزش ۸,۵ میلیون یورو خبر دادند. بنا به اظهارات این مقامات گمان می‌رود که مبدأ این محموله مواد مخدر ایران باشد.

استعمال مواد مخدر و اعتیاد معضلی است که از شرایط اجتماعی موجود از جمله فقر، ناامیدی از آینده و اتمیزه‌شدن آحاد جامعه نشئت می گیرد. در این میان تولید و توزیع مواد مخدر نیز صنعتی با سودی صدها میلیارددلاری در کنترل کارتل‌های

مواد مخدر و مافیای بین‌المللی است. اینکه ادامه کاری این صنعت تنها با حمایت دست‌اندرکاران دستگاه‌های دولتی و پلیس و گمرک ممکن است نیز از بدیهیات است.

در این میان اما جنبش ضد بشر اسلام سیاسی و حکومت‌های مافیای اسلامی نظیر جمهوری اسلامی و طالبان نقش ویژه‌ای در تولید و توزیع مواد مخدر در سطح بین‌المللی دارند. تولید و توزیع مواد مخدر در سطح جهان نه‌تنها منبع به‌جیب‌زدن سودهای کلان توسط دست‌اندرکاران رژیم اسلامی بلکه همچنین یکی از منابع تأمین مالی نیروهای جنبش ارتجاعی اسلامی و نیروهای تروریستی در منطقه است. صدور تروریسم و

صدور مواد مخدر در حجم گسترده دوروی سکه موجودیت رژیم تروریسم و اختلاس و آدمکشی اسلامی در ایران است.

اما همانطور که صدور تروریسم به جهان برای بقای رژیم اسلامی و ادامه سرکوب مردم در داخل کشور لازم و ضروری است، صدور مواد مخدر به جهان نیز ابزاری برای امتداد سیاست تحمیق و سرکوب جامعه در ایران است؛ قربانیان بلافصل تروریسم و مافیای مواد مخدر اسلامی در قدرت مردم ایران هستند.

دین نشانه بدبختی و درماندگی حاصل از وضع موجود و "افیون توده‌ها" است؛ رژیم سرکوب و

جنایت اسلامی و تولید و توزیع تروریسم و مواد مخدر در سطح جهان تجسم و تجلی مادی مالیخولیای حاصل از این افیون است. پایان‌دادن به کار مافیای اسلامی مواد مخدر همچون پایان‌دادن به کار جنبش و تروریسم اسلامی کار ما مردم و دستور انقلاب زن زندگی آزادی است.

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۱ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال

شماره ۷۱۱

۲۲ آپریل ۲۰۲۴ – ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

بی‌حجابی بلای خانمان‌سوز حکومت

اصغر کریمی

شهروندان بهائی را تنها نگذاریم

منظر دریاکناری

دینا قالیباف در حلقهٔ مهرِ انقلاب

سیما بهاری

ترانه علی‌دوستی و نمک بر زخم حکومت

کیوان جاوید

بی‌حجابی بلای خانمان‌سوز حکومت

اصغر کریمی

حسین شریعتمداری، نماینده خامنه‌ای در روزنامه کیهان، روز یکشنبه در واکنش به توییت فضائلی مبنی بر "تذکر گرفتن برخی مسئولان به دلیل برخوردهای نامناسب با بی‌حجاب‌ها"، بی‌حجابی را بلای خانمان‌سوز خواند و نوشت: "بیت رهبر معظم انقلاب سخنگو نیاز ندارد و چنانچه تذکری ضرورت داشته باشد، مستقیم و با ذکر مأخذ از سوی دفتر معظمٌ‌له (آقایان گلپایگانی و حجازی) به اطلاع مخاطبان آن اعم از مسئولان یا مردم می‌رسد".

دادستان کل رژیم گفت: "بسیاری از بانوان که حجاب شرعی را مراعات نمی کنند فرزندان همین

سرزمین و دختران و خواهران ما هستند و ما بنا نداریم برای نوامیس این مملکت پرونده قضائی درست کنیم".

فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ از تشکیل گروه "سفیران مهر" خبر داد و گفت اعضای این گروه‌ها آموزش‌دیده‌اند تا حفظ حجاب اجباری را "به‌صورت جدی‌تر در میان اصناف، ادارات، بازار، معابر، بوستان‌ها، تفرجگاه‌ها و حمل‌ونقل عمومی تهران" پیگیری کنند.

تعدادی از نمایندگان مجلس به انتقاد از خشونت علیه زنان پرداختند و هشدار دادند که این شیوه‌ها جواب نمی‌دهد و سال ۱۴۰۱ هزینه زیادی برای آن پرداختیم. برخی رسانه‌های نزدیک به حکومت نیز انتقادهای مشابهی را مطرح کرده‌اند.

این صحبت‌های ضدونقیض و این شکاف در سطوح مختلف حکومت به دنبال عقب‌نشینی‌های خامنه‌ای، اژه‌ای و فراجا فقط نشان از یک موضوع مهم دارد: ترس و وحشت از شعله‌ورشدن مجدد انقلاب. حکومتی که بخواهد به جنگ بزرگی با جامعه برود نیاز به انسجام دارد؛ اما هر کس در حکومت ساز خودش را می‌زند. یک روز تهدید می‌کنند روز بعد می‌گویند منظورمان این نبود. یکی تهدید می‌کند یکی به او هشدار می‌دهد. یکی قانون را به رخ می‌کشد و دیگری به او گوشزد می‌کند که هنوز طرح حجاب و عفاف را نتوانسته‌ایم تصویب کنیم.

حکومت، از خامنه‌ای تا سپاه و قوه قضاییه و مجلس و همه می‌خواهند با هر درجه سرکوبی که لازم بدانند به بی‌حجابی پایان دهند. اما نمی‌توانند. نه انسجام دارند نه حتی نیروی سرکوبشان آمادگی

دارد.

از تشکل‌های مردم تا مدیای اجتماعی، از دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها تا بخش‌های مختلف کارگران، از دادخواهان تا هنرمندان و نویسندگان ورزشکاران مردمی و وکلا و پزشکان همه‌جا و به هر شکل که می‌توانیم اعتراض کنیم، تشکل‌هایمان را گسترش دهیم و هر جا به زنان حمله می‌کنند جمع شویم و جلو دستگیری و تعرض به زنان را بگیریم تا دور جدید وحشیگری علیه زنان را قاطعانه به شکست بکشانیم و کمر حکومت را خرد کنیم.

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۲ آپریل ۲۰۲۴

شهروندان بهائی را تنها نگذاریم

منظر دریاکناری

”پانزده شهروند بهائی ساکن بهارستان اصفهان به دادگاه فراخوانده شدند.“

مژگان پور شفیع نسرین خادمی، آزیتا رضوانی خواه شعله آشوری، مژده بهامین، بشری مطهر، سارا شکیب، سمیرا شکیب، رؤیا آزادخوش، نوشین همت، شورانگیز بهامین، ساناز راسته، مریم خورسندی، فیروزه راستی نژاد و فرخنده رضوان پی با دریافت ابلاغیه‌ای به شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان احضار شدند.

احضار، آزار، اخراج از کار، محرومیت و زندان سرنوشت بهاییان در طول حاکمیت اسلامی‌های ضد بشر در ایران است. فشار و اذیت و آزار بر بهاییان البته سابقه طولانی‌تری دارد و به فعالیت ضدبشری جماعت "انجمن حجتیه" در زمان شاه برمی‌گردد. آن هیستری ضد بهایی در میان مرتجعین اسلامی در حال حاضر به بزرگ‌ترین جنایت سازمان‌یافته حکومتی تبدیل شده است.

آیا ما مردمی که در یک انقلاب برای رهایی همه شهروندان از دست تبهکاران اسلامی حضور داریم؛ آیا ما که پرچم بی‌حجابی را پیشاپیش جنبش سرنگونی به اهتزاز درآورده‌ایم؛ ما مردم عاصی و

منزجر از مذهب که بزرگ‌ترین نافرمانی مدنی و ضدیت با مذهب را نمایندگی می‌کنیم؛ ما جوانانِ دختر و پسر و زنان و مردان که آزادی را برای همه فریاد می‌زنیم، آری همه ما! آیا به‌اندازه کافی علیه این ستم و حق‌کشی و جنایت سازمان‌یافته حکومتی به میدان آمده‌ایم؟ آزادی مذهب و بی مذهبی و باور به هر اعتقادی حق پایه‌ای هر شهروند است. باورمندان به هیچ اعتقادی نباید مورد تبعیض قرار بگیرند و دولت باید در مقابل اعتقادات شهروندان "کور" باشد. این آزادی فردی و مذهبی به‌صورت وقفه‌ناپذیر از شهروندان بهایی در ایران سلب شده است. پس در دفاع از آنها فریاد اعتراضمان را آن‌چنان بلند کنیم که

دیوارهای حکومت اسلامی شکاف بردارد و بر سرش فروبریزد. شهروندان بهایی در ایران را در آغوش محبت خود بگیریم و تنهایشان نگذاریم.

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۲ آپریل ۲۰۲۴

دینا قالیباف در حلقهٔ مهرِ انقلاب

سیما بهاری

”نرگس محمدی، زندانی سیاسی، در پیامی صوتی از زندان اوین اعلام کرد که دینا قالیباف، زن جوان مخالف حجاب اجباری با تن کبود و روایت آزار جنسی به بند زنان زندان اوین منتقل شده است.“

حکومت باز هم اراذل‌واوباش خود را به خیابان‌ها گسیل کرده تا بلای جان مردم و به‌خصوص جوان‌ها شوند. لازم به گفتن است که اینها همیشه نان مفت می‌خورند و ایجاد مزاحمت می‌کنند. مدت‌هاست که بخش‌های مختلف در جامعه با صد زبان و با صد مدل اعتراض دارند می‌گویند که بیدی نیستند

که با این بادها بلرزند. همین چند روزی که گشت ارشاد در خیابان‌ها مردم را زده و در حد اعلا خشونت به خرج داده، مقاومت زنان ضد حجاب و اعتمادبه‌نفس آنها، مهره‌های درشت حکومت را به‌غلط کردن انداخته. سعی می‌کنند اعمال گشت ارشاد را به گردن نگیرند. بارها گفته‌ایم و نشان داده‌ایم که به عقب بر نمی‌گردیم. ما حرکتمان روبه‌جلو است. انقلابمان را حفظ می‌کنیم. برای حفظ زندگی و حیاتمان باید این انقلاب پیروز شود.

جمهوری اسلامی در جبهه‌های جنگ با "دشمن خارجی" باخته است. فرماندهان سپاهش را ازدست‌داده و نتوانسته از "اسرائیل" و "آمریکا" زهرچشم بگیرد. "دشمن داخلی" هم هر روز پیشروی‌هایی را به او تحمیل می‌کند. نرگس

محمدی می‌گوید که تلفن همراهش را در زندان از او گرفته‌اند. اما علی‌رغم این موضوع، پیامش از دیوارهای زندان عبور کرده و در فضای مجازی در حال چرخیدن است. او به درست می‌گوید "این بار حکومت از سر استیصال جنگی تمام‌عیار را علیه زنان به راه انداخته."

آنجا که لازم باشد سیم‌های خاردار دور زندان تبدیل به سیم کارت‌های قوی می‌شود تا ارسال کننده صدای زندانیان مورد تجاوز قرار گرفته باشد. تا صدای اعتراض زندانیان و قدرت مقاومتشان باشند. همین همراهی و همگامی از بیرون و درون زندان حکومت را می‌ترساند.

دینا قالیباف را با بدنی زخم‌خورده به اوین منتقل

کرده‌اند. تنش کبود و زخمی است. اما مطمئن هستیم که عزم و اراده‌اش با عزم جزم دانشجویان امیرکبیر، با بی‌حجابانی که دلاورانه مقابل "خواهر زینب‌های" جیره‌خوار می‌ایستند، و همین‌طور آغوش پُر مهر هم‌بندی‌هایش و اراده و شهامت زندانیانی که سه‌شنبه‌های اعتراضی را رقم زده‌اند گره خواهد خورد و انقلاب زن زندگی آزادی را باز هم به جلو هدایت خواهد کرد.

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۲ آپریل ۲۰۲۴

ترانه علی‌دوستی و نمک بر زخم حکومت

کیوان جاوید

نادره حکیم‌الهی، مادر ترانه علی‌دوستی از ابتلای دخترش به یک "بیماری با منشأ نامشخص" خبر داد و گفت: "حال دخترم خوب نبود؛ اما حالا خوب است."

ترانه در جریان اعتراضات سراسری "زن، زندگی، آزادی" به دلیل همراهی با این انقلاب و از سربرداشتن حجاب مدتی بازداشت شد. اما بعد از آزادی نیز بی‌حجاب در انظار عمومی حضور یافت.

دلیل اینکه ترانه محبوب دل‌های همه فعالین و

مدافعان انقلاب زن، زندگی، آزادی شده است بسیار روشن و طبیعی است. ترانه علی‌دوستی به‌عنوان یک هنرپیشه صاحب‌نام و مطرح و غیرحکومتی همیشه محبوب بوده است. اما در دل انقلاب ۱۴۰۱ وقتی حجاب برمی‌دارد و شعار زن، زندگی، آزادی به دست می‌گیرد، حجم، اندازه و وسعت جغرافیایی دوست‌داشتن او به‌صورت بی‌نظیری افزایش می‌یابد.

مگر نه اینکه انقلاب صدا و چهره و انگیزه‌های فردی و جمعی برای پیروزشدن می‌خواهد؟ مگر نه اینکه هر انسان خوشنامی می‌تواند به سهم خود در آتش انقلاب بدمد و حکومت ضدمردمی را در انزوا و منگنه بیشتر قرار بدهد؟ مگر نه اینکه شخصیت‌های هنری و سیاسی و علمی و مردمی نیز باید دوش بدوش همه آحاد جامعه برای افزایش

دامنه اعتراضات خیابانی و امید به پیروزی تلاش کنند؟ ترانه با اعتبار داخلی و جهانی خود در قُله انقلاب برای آزادی و برابری و رهایی مردم از دست بزرگ‌ترین ارتجاع مذهبی و حکومتی قرن بیست و یکم قرار گرفت تا همه مردم دامنه و زیبایی این انقلاب را بیشتر مشاهده کنند.

همین جایگاه ترانه باعث شد تا به بند کشیده شود. اما بر اثر فشارهای داخلی و بین‌المللی این رژیم درمانده مجبور به آزادی او شد. هر چند ممنوع‌الکار شد؛ اما ترانه در یک اظهارنظر صریح و جانانه گفت: "من پارچه‌ای که خواهرانم را کشت برای فیلم‌های شما به سر نمی‌کنم."

حالا ترانه علی‌دوستی با یک بیماری با "منشأ ناشناخته" مواجهه شده است. همه ما مردم ایران

آن منشأ را می‌شناسیم و اصلاً ناشناخته نیست. فقط باید با کارد جراحی انقلاب آن منشأ را بیرون کشید و دور انداخت. با افزایش فشار در ایران و در جهان علیه حکومت اسلامی ترانه را با همه توان مورد حمایت قرار می‌دهیم. هر اتفاقی برای این مبارز ضد حکومت اسلامی بیفتد مقصر این رژیم جنایت‌کار است.

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۲ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com

ایمیل:
journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:
www.instagram.com

تلگرام:
https://t.me/journalfarsi

ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۱۲

۲۳ آپریل ۲۰۲۴ – ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

تجاوز جنسی، ننگی همیشگی بر پیشانی رژیمی‌ها

سینا پدرام

اعدام پسر در پی پدر!

حسن صالحی

با افزایش بهای بلیت اتوبوس و مترو مقابله کنیم

محسن ابراهیمی

سامان صیدی و عقب‌نشینی رژیم

میلاد رابعی

گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر!

حزب کمونیست کارگری ایران

تجاوز جنسی، ننگی همیشگی بر پیشانی رژیمی‌ها

سینا پدرام

دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ضمن سرکوب اعتراضات زن، زندگی، آزادی، بازداشت‌شدگان را شکنجه و به آن‌ها تعرض جنسی و تجاوز کرده‌اند.

تعرض و تجاوز جنسی به زندانیان سیاسی و بخصوص زندانیان زن پدیده‌ای جدید و مربوط به چند سال گذشته رژیم اسلامی نیست. در طول تمامی عمر این رژیم، تعرض و تجاوز جنسی به‌عنوان ابزار کثیف اعتراف‌گیری‌های اجباری به کار گرفته شده است.

دیده‌بان حقوق بشر روز دوشنبه ۲۲ آوریل - ۳ اردیبهشت در گزارشی ویژه در این مورد نوشت: "تعرض‌های جنسی شدید بخشی از الگوی گسترده‌تر نقض جدی حقوق بشر برای سرکوب مخالفان است" به گزارش سازمان عفو بین‌الملل که سال پیش منتشر شد استفاده گسترده از " تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی" در مقابله با انقلاب زن زندگی آزادی توسط رژیم اسلامی به اجرا گذاشته شده بود. این سازمان حداقل اسناد ۴۵ نفر در این مورد را جمع‌آوری و بررسی کرده است.

این روشن است که این فرد متجاوز و در اینجا نیروهای سرکوبگر، و نه فردی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است، باید داغ ننگ این عمل را با خود داشته باشد. باید این فرهنگ مترقی را

رشد دهیم که شخصی که مورد تعرض و تجاوز جنسی قرار گرفته است، فردی است چنان قوی که رژیم و اوباشان آن را وادار کرده است که برای شکست روحی او به شنیع‌ترین و سخیف‌ترین اقدامات دست بزنند.

ما بارها گفته‌ایم که تمامی عاملان و آمران این جنایات باید به‌پای میز محاکمات بین‌المللی کشیده شوند. تمامی سران رژیم اسلامی مسئولین مستقیم جنایت علیه بشریت هستند. حال که سازمان‌ها و نهادهای مختلف سازمان ملل با اسناد و شواهد ارتکاب رژیم به این جنایات را به اثبات رسانده‌اند، موقعیت مناسبی است که دولت‌های غربی را وادار به تجدیدنظر در روابطشان با رژیم اسلامی نیم. خواست بایکوت رژیم اسلامی از تمامی مجامع بین‌المللی باید در دستور کار هر روزه مردم و فعالین قرار بگیرد.

از سوی دیگر تمامی فعالین سیاسی و اجتماعی باید با تمامی امکانات خود به قربانیان این جنایات کمک‌های لازمه را برسانند. انقلابیون آزاد شده از چنگ این دژخیمان نباید تنها بمانند.

.

سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۳ آپریل ۲۰۲۴

اعدام پسر در پی پدر!

حسن صالحی

در فهرست اسامی افرادی که اخیراً به دست حکومت اسلامی اعدام شده‌اند متأسفانه نام فریبرز دادگر، ۳۶ساله، هم دیده می‌شود که در زندان سپیدار اهواز به دار آویخته شد. فریبرز سه سال پیش به اتهام حمل مواد مخدر بازداشت و به اعدام محکوم شده بود. شغلش سرامیک‌کار و پدر یک فرزند بود. پدر فریبرز نیز سال ۸۷ به اتهام مواد مخدر در همان زندان اعدام شده بود.

با خواندن این خبر چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ آیا سرنوشت ما این است که جانیان حاکم بر ایران هر وقت که دلشان خواست یکی از

ما را به دلیل خطائی کرده و یا ناکرده اعدام کنند و جانمان را بگیرند؟ آیا می‌توان انتظار داشت که فرزند فریبرز از این مهلکه جان سالم به در ببرد؟

فکر اینکه فرزند فریبرز دادگر هم ممکن است به سرنوشت پدرش دچار شود، تنم را می‌لرزاند و مصمم‌تر می‌شوم که جلوی این جنایت و آدمکشی را بگیرم. فرزند فریبرز و فرزندان بقیه مردم باید آینده روشن‌تری نسبت به ما داشته باشند و در رفاه و خوشبختی زندگی کنند، در جامعه‌ای به‌دور از فقر و اعدام. چنین دورنمائی به من انگیزه بیشتری برای تداوم مبارزه علیه اعدام و تغییر این وضع می‌دهد.

یک‌مشت قاتل و جنایت‌کار که خودشان سرکرده

همه گروه‌های مافیایی و باندهای مواد مخدر در کشور هستند و از این طریق ثروت‌های افسانه‌ای به جیب زده‌اند به جان مردم فقیر افتاده‌اند که برای تأمین زندگی‌شان مجبور به خرده‌فروشی مواد مخدر شده‌اند. فریبرز و پدرش قربانیان نظامی هستند که جمهوری اسلامی آفریده است. این حکومت زندگی خوب و شایسته و مرفه را با گسترش فقر و بیکاری و سرکوب از آنها دریغ کرد و نهایتاً جانشان را گرفت چون‌که برای بقای زندگی‌شان راه دیگری در مقابل خود نیافتند. آن‌کس که در این میان مسئول است و باید پاسخگو باشد، جمهوری اسلامی است که تمام امکانات جامعه را در خدمت پروار کردن خود و عمله‌واکره‌اش بکار گرفته است و ذره‌ای هم به فکر مردم نیست.

ما نباید حتی ذره‌ای به جمهوری اسلامی حق دهیم که شهروندان را اعدام کند. اعدام قتل عمد دولتی است. با سلب حیات، هیچ جامعه‌ای به شکوفایی نرسیده است. تنها با بهتر کردن زندگی انسان‌ها ما می‌توانیم از بلایای اجتماعی خلاص شویم. در این راه اولین مانع یعنی جمهوری اسلامی باید برداشته شود.

سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۳ آپریل ۲۰۲۴

با افزایش بهای بلیت اتوبوس و مترو مقابله کنیم

محسن ابراهیمی

حکومت اسلامی تصمیم تازه‌ای برای دست‌درازی به معیشت کارگران، به سفره میلیون‌ها مردم زحمت‌کش و محروم جامعه گرفته است. رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر تهران از افزایش بهای بلیت مترو، اتوبوس و کرایه تاکسی از اول اردیبهشت خبر داده است. بر اساس اظهارات او، نرخ بلیت تک سفر که فعلاً ۳۳۰۰ تومان است، برای سال ۱۴۰۳ حداکثر مبلغ ۴۳۰۰ تومان خواهد شد! نرخ کرایه تاکسی‌ها هم ۴۵ درصد افزایش خواهد داشت!

مثل همه موارد دیگر، افزایش واقعی هزینه مسافرت با مترو و اتوبوس و تاکسی بسیار بیشتر از نرخ اعلام شده خواهد بود. همانطور که در سال‌های قبل اتفاق افتاده است.

سؤال این است حکومتی که با جمعیت وسیعی از مردم خشمگین، متنفر، منزجر و معترض مواجه است؛ حکومتی که سرانش همچنان در کابوس بازگشت امواج انقلاب "زن زندگی آزادی" آرام و قرار ندارند؛ حکومتی که همین‌الان برای بازپس‌گرفتن "سنگر اول" حجاب اجباری که تسخیر شده است راهی پیدا نمی‌کند، حکومتی که با افزایش قیمت بنزین، جرقه یکی از تکان‌دهنده‌ترین خیزش‌های سیاسی در آبان ۹۸ را زد، چرا و با چه محاسبه‌ای هنوز "درس" نگرفته است و هنوز اصرار دارد تعرض به

معیشت مردم را ادامه دهد؟

پاسخ روشن است: اصرار دارد؛ چون برای نیازهای تروریستی‌اش در منطقه و سرکوبش در داخل به پول نیاز دارد. چون حفظ نیروهای نیابتی در منطقه و حفظ نیروهای سرکوب در داخل برای بقای سیاسی‌اش حیاتی است و برای حفظ آنها به پول نیاز دارد. چون بقای سیاسی‌اش در داخل به پُر کردن جیب‌های گشاد حسن نصرالله و اسماعیل هنیه و رهبران حشدالشعبی و حوثی‌ها گره‌خورده است. چون هزینه تأمین ۳۵۰ پهپاد و موشک به اسرائیل پول می‌خواهد، پولی که با جادو و جنبل توسط خامنه‌ای و مجتبی و سرداران سپاه فراهم نمی‌شود و می‌خواهد با تعرض به زندگی میلیون‌ها خانواده محروم جامعه تأمین کند! تعرضی که این بخش جامعه را که هر روز باید با همین وسایل

نقلیه سر کار بروند و بر گردند را مجبور خواهد کرد از خوراک و پوشاک و درمان و آموزش خود و کودکانشان بزنند تا بتوانند زنده بمانند!

اول مه، روز جهانی کارگران، روزی که فضا برای یک جنبش اعتراضی متحد و سراسری فراهم است نزدیک می‌شود. باید در فضای اول مه، در کنار مطالبات دیگر، با این تعرض جدید حکومت به معیشت کارگران و بخش‌های محروم جامعه مقابله کنیم.

سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۳ آپریل ۲۰۲۴

سامان صیدی و عقب‌نشینی رژیم

میلاد رابعی

طبق گزارش رسانه‌ها سامان صیدی (یاسین)، خواننده معترض و زندانی سیاسی، با رأی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، به پنج سال زندان در تبعید در یکی از شهرهای استان کرمان محکوم شده است.

خبر فوق از طرفی مایه خوشحالی است؛ زیرا سامان صیدی اوایل مهر ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات زن، زندگی، آزادی بازداشت و به محاربه متهم شد. ابتدا برای او حکم اعدام صادر شد، اما دیوان عالی کشور این حکم را نقض کرد. از سوی دیگر حکم تازه دادگاه انقلاب نیز حکمی کاملاً ظالمانه

و غیرعادلانه است. سامان یاسین باید بدون هیچ قید و شرطی آزاد شود چرا که او اساساً جرمی مرتکب نشده است.

کاملاً روشن است که تغییر حکم اعدام به حبس در تبعید در دیوان عالی نتیجه غور و بررسی دقیق پرونده سامان و یک تصمیم حقوقی نبوده است. این نشانه تسلیم دستگاه قضایی رژیم در مقابل فشارهای مردم و معترضین و مخالفین اعدام است. قطعاً اگر این مبارزات نبود و حکومت تناسب قوا را به سود خود می‌دید همان حکم اولیه را اجرا می‌کرد. رژیم اسلامی بهتر از هر کسی می‌داند که اتهاماتی که متوجه سامان و امثال او می‌کند کاملاً دروغ و ساختگی است.

سامان و هم‌نسلان او، آنهایی که در عرصه موسیقی

فعالیت دارند تنها جرمشان فریادزدن خواست‌های اکثریت مردمی است که جانشان به لبشان رسیده و جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. فعالیت‌های این جوانان در هیچ جای جهان نه‌تنها جرم نیست؛ بلکه از دید بسیاری یکی از وظایف مهم هر هنرمند و موزیسینی است.

در مورد نفس احکام زندان در تبعید که از "اختراعات" حکومت اسلامی است هم به‌قدری مضحک و بی‌پایه است که حقوق‌دانان مختلفی آن را زیر سؤال برده‌اند. ما مجال پرداختن به این موضوع را نداریم؛ اما ادغام دو مجازات تبعید و زندان را هم باید به کارنامه سیاه این حکومت اضافه کرد. بگذریم از اینکه چنین احکامی اعترافی آشکار به شرایط وحشتناک زندان‌های دورافتاده حتی در مقایسه با زندان‌های شهرهای بزرگ است.

در سال‌های اخیر بارها ثابت شده که عکس‌العمل حکومت و میزان شدت عملش در مقابله با معترضین و بازداشت‌شدگان مستقیماً متأثر از عمل مردم معترض و جنبش انقلابی است. با اتحاد و همبستگی و با تشکل و سازمان‌یافتگی می‌توان این حکومت در حال احتضار را بیش‌ازپیش به لحظه محتوم سرنگونی‌اش نزدیک کرد و اجازه تعرض بیشتر به زندانیان و جنبش اعتراضی را به او نداد. عقب‌نشینی اخیر رژیم در مقابل حجاب نمونه‌ای از این واقعیت بود.

سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۳ آپریل ۲۰۲۴

گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر!

حزب کمونیست کارگری ایران

گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر!

اول مه روز کارگر، روز بشارت‌دهندگان یک‌دنیای بهتر است. اول مه روز طبقه‌ای است که ثروت تولید می‌کند و خود محروم است. روز طبقه‌ای که دیگر نمی‌پذیرد. طبقه‌ای که مصمم است که خود و کل جامعه را از چنگال و سلطه مفت‌خوران و استثمارگران بی‌خاصیت خلاص کند.

جهانی دیگر را می‌توان و باید با دست‌های خویش بسازیم. جهانی مرفه و انسانی. جهانی بدون سلطه و سلطه‌گران، بدون زندان و زندانبانان، بدون اعدام و تبعیضات. جهانی که مهساها و نیکاها و آرمیتاها و ستارهایمان آرزوی آزادی و شادی را به گور

نمی‌برند. اول مه روزی برای آزادشدن آزادی است. روز رهاشدن فریاد. روزی که بیرون می آییم، دست‌به‌دست هم می‌دهیم و پیمان می‌بندیم که نیروی متحدمان را علیه قدرت‌مداران مفت‌خور به کار گیریم. اول مه روز ماست. روز همه آنهاست که جهان را انسانی می‌خواهند و قدرت همبستگی خود را می‌شناسند.

اول مه روز جهانی کارگر را به همه ستمدیدگان و از جا برخاستگان، به همه مردم شادباش می گوییم.
زنده‌باد اول مه!

سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۳ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com

ایمیل:
journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:
www.instagram.com

تلگرام:
https://t.me/journalfarsi

ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۱۳

۲۴ آپریل ۲۰۲۴ – ۱۵اردیبهشت ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

به مناسبت فرارسیدن اول مه، روز جهانی کارگران

یک سؤال از شهلا دانشفر

”لشکر“ مادران پارک لاله علیه ارتش مضمحل

کیوان جاوید

آیدا شاکرمی با لبخندی سرشار از اعتمادبه‌نفس

میلاد رسایی‌منش

از اسماعیل بخشی حمایت کنیم

یاشار سهندی

به مناسبت فرارسیدن اول مه،
روز جهانی کارگران

یک سؤال از شهلا دانشفر

محسن ابراهیمی: در آستانه اول مه ۱۴۰۳، هشت تشکل و نهاد کارگری، بازنشستگان، پرستاران، زنان و دادخواهان "میثاق ۱۴۰۳" را منتشر کرده‌اند. برجسته‌ترین نکات این میثاق در شرایط سیاسی امروز ایران چه‌ها هستند؟

شهلا دانشفر: میثاق هشت تشکل به مناسبت روز مهمی، چون روز جهانی کارگر منتشر شده است. اولین نکته مهم آن تجدید عهد با منشور "زن زندگی آزادی" است که با امضای بیست تشکل کارگری و اجتماعی در بهمن ۱۴۰۱ در کوران انقلاب

”زن، زندگی، آزادی“ منتشر شده بود. منشوری که از اعماق جامعه برخاست و موجی از حمایت را همراه داشت. منشوری که پاسخی واقعی، عملی و رادیکال به مسئله اتحاد صفوف مردم بود و با کنارزدن تحرکات راست و منشورهایشان بر خواسته‌ها و مضمون انقلاب عمق بخشید. امروز میثاق هشت تشکل بار دیگر همه نهادها و تشکل‌های مردمی و فعالین اجتماعی را به اتحاد مبارزاتی حول آن منشور فراخوانده است.

میثاق از اعتراضات گسترده کارگری و بخش‌های مختلف مردمی و به طور ویژه جنگ شجاعانه زنان علیه تعرضات وحشیانه حکومت به انقلاب زن زندگی آزادی و برای پس گرفتن سنگر فتح شده حجاب سخن گفته و می‌نویسد: عهد ما این بوده است ”ایستاده‌ایم تا پایان“ و بر همین پیمان و میثاق می‌مانیم و مسیر رهایی از فقر، ستمگری‌ها

و تبعیضات را دنبال خواهیم کرد.

یک تأکید مهم میثاق همان سرسخن منشور بیست تشکل است که با اشاره به اعتراضات مردمی در انقلاب زن زندگی آزادی می‌نویسد: ”این اعتراضات ملهم از جنبش‌های بزرگ و مدرن اجتماعی و خیزش نسل شجاع و جسوری است که مصمم‌اند بر تاریخ عقب‌ماندگی و عقیم ماندن آرمان برپایی جامعه‌ای آزاد و عدالت‌محور با رفاه بنیادین در ایران، نقطه پایانی بگذارند .“

در تداوم این گفتمان‌ها امضاکنندگان میثاق، شش خواست فوری را اعلام کرده‌اند که یک‌بند مهمش پایان‌دادن به حجاب اجباری و هر شکلی از آپارتاید و تبعیض جنسی و جنسیتی، لغو تمامی قوانین و سنت‌های تبعیض‌آمیز علیه شهروندان بر اساس تعلقات و گرایش‌ها جنسی

و جنسیتی آنها و به‌رسمیت‌شناختن حقوق افراد رنگین کمانی‌ها و اعلام برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌ها و اجرایی‌شدن آن است. این میثاق با تأکید بر اینکه اعدام قتل عمد دولتی است، بر ممنوعیت و توقف کامل اعدام‌ها تأکید و با اعلام مخالفتش علیه صدور و اجرای هر نوع مجازات اعدام و قصاص تحت هر عنوانی، خواستار ممنوعیت هرگونه شکنجه روحی، جسمی و اعتراف گیری اجباری شده است.

به‌رسمیت‌شناختن آزادی بی‌قیدوشرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، و منع دخالت مذهب در امور جامعه و بالاخره آزادی بدون قیدوشرط زندانیان سیاسی و لغو تمامی احکام و پرونده‌های امنیتی و محاکمه عاملین سرکوب اعتراضات مردمی، بندهای دیگر میثاق است. در اولین بند میثاق نیز علیه هرگونه تبعیض، ستم طبقاتی، فقر

و علیه دستمزدهای بی‌شرمانه ۱۴۰۳ برای کارگران و همه مزدبگیران و افزایش مالیات‌های کمرشکن اعلام اعتراض شده و بر جمع شدن بساط پیمانکاران چپاولگر و پایان‌دادن به همه اشکال قراردادهای برده‌وار موقت کاری تأکید شده است. بعلاوه از بیمه‌های اجتماعی همچون درمان رایگان و تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تأمین مسکن برای کل جامعه سخن گفته است. در پایان، میثاق نیز کشتار مردم غزه توسط اسرائیل و حملات حماس علیه مردم اسرائیل و سیاست‌های جنگ‌طلبانه حکومت به‌شدت محکوم شده و اعلام می‌کند: نمی‌توانید با گسترش دامنه جنگ مبارزات مردم را به عقب برانید.

امضاکنندگان میثاق به درست از مفاد منشور بیست تشکل و شش مطالبه فوری خود میثاق ۱۴۰۳ به‌عنوان پلتفرم اتحاد مبارزاتی مردم سخن

گفته و همه مردم را به پیوستن به آن فرامی‌خوانند.

در آخر لازم است تأکید کنم که فضای پر التهاب جامعه نشان می‌دهد که اول مه امسال هم روزی در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی خواهد بود. باید با تجمعات گسترده، نمایش گسترده بی‌حجابی و تبدیل این روز به روزی مهم در جنگ بر سر حجاب، در برابر تعرضات وحشیانه حکومت به این سنگر فتح شده انقلاب بایستیم و با بیانیه‌های اعتراضی و کیفرخواست‌ها، پیام ما باید تداوم قدرتمند انقلاب باشد.

.

چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۴ آپریل ۲۰۲۴

"لشکر" مادران پارک لاله علیه ارتش مضمحل

کیوان جاوید

مادران پارک لاله در بیانیه‌ای تاکید کردند که باوجود سرکوب فزاینده حکومت، دستاوردهای اعتراضات زن، زندگی، آزادی، بازگشت‌ناپذیر است.

لشکر مادران پارک لاله با سلاح امید، ماشین سرکوب حکومت اسلامی را زیر رگبار گرفته‌اند. این مادران داغدار که عزیزان دلبند خود را در اعتراضات سال ۸۸ ازدست‌داده‌اند، بی‌وقفه با قامتی استوار در حال مبارزه‌ای تاریخی و نفس‌گیر علیه قاتلان اسلامی به‌پیش می‌تازند.

این مادران دلاور همراه و هم دوش میلیون‌ها نفر

در سراسر ایران، زمین را زیر پای سران هراسیده از انقلاب داغ کرده‌اند. این حضور خستگی‌ناپذیر مادران پارک لاله با تنی زخم‌خورده از جنایات رژیم اسلامی محصول یک رویداد تاریخی بی‌نظیر است. محصول پس راندن اسلام از فکر و فرهنگ اجتماعی و مستأصل کردن حکومت اسلامی. در این نبرد که ریشه در تار و پود جامعه دارد، هر روز به نیروی انقلاب رهایی‌بخش مردمی افزوده می‌شود و مداوماً سپاه در حال اضمحلال حکومت اسلامی انسجام سیاسی خود را از دست می‌دهد.

در این شرایط اجتماعی که حاکمان ضد بشر اسلامی بی‌محابا و بی‌وقفه به مردم یورش می‌برند و به بند می‌کشند و اسیر و شکنجه می‌کنند، مردم نه‌تنها پا پس نمی‌کشند که سنگر به سنگر

با همه توان، سرودخوانان و پای‌کوبان به‌پیش می‌رانند تا راهی برای بازگشت ارتجاع اسلامی باز نباشد و برای همیشه این حکومت را با همه ویرانگری‌هایش و با کل تباهی بجا گذاشته از ۴۵ سال جنایتش به گور بسپارند.

مادران پارک لاله، همراه با همه مادران، پدران و خانواده‌های جان‌باختگانِ راه آزادی و برابری، یک لشکر عظیم ارتشی هستند که از کران تا کران در دل‌وجان مردم ریشه دوانده‌اند. ارتشی مسلح به همه خواسته‌ها، امیدها و امیال انسانی، همراه با همه زیبایی‌های زندگی؛ ارتشی برای رهایی از فقر و فلاکت اقتصادی و نجات‌یافتن از همه نظام‌ها و حکومت‌های دیکتاتوری.

در این جنگ جدید که حکومت برای تحمیل حجاب به زنان آغاز کرده است، ما مردم باز هم با همه توان و با بسیج همه نیروی اجتماعی خود به میدان خواهیم آمد و همان‌طور که مادران پارک لاله نیز تأکید کرده‌اند نشان خواهیم داد که "دستاوردهای اعتراضات زن، زندگی، آزادی، بازگشت‌ناپذیر است". انقلاب ما دریای خروشانی است که هیچ سدی یارای مقابله با آن را ندارد.

چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۴ آپریل ۲۰۲۴

آیدا شاکرمی با
لبخندی سرشار از اعتمادبه‌نفس

میلاد رسایی‌منش

آیدا شاکرمی خواهر زنده‌یاد نیکا شاکرمی، از آیکون‌ها و چهره‌های انقلاب زن زندگی آزادی، زن جسوری که با ظهور نخستین زبانه‌های آتش انقلاب، به کف خیابان رفت و حجابش را سوزاند؛ اما توسط نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی ربوده و بعد از شکنجه و تجاوز به قتل رسید، روز سه‌شنبه ۴ اردیبهشت پس از چند روز بی‌خبری از زندان آزاد شد. نخستین تصویری که از آیدا پس از آزادی منتشر شده است، تصویر زنی است بی‌حجاب، با لبخندی که نشان از اعتمادبه‌نفس بالای وی دارد، و

دسته گلی که سمبل واکنش جامعه نسبت به آزادی و مبارزات و جسارت و شجاعت او است.

آزادی آیدا شاکرمی و انتشار تصویری بی‌حجاب دقایقی پس از آزادی، ضمن اینکه نشان از شکست و حقارت رژیم اسلامی است، تصویری تمام‌قد از انقلاب زنانهٔ در جریان، علیه حکومت اسلامی است که دستش تا آرنج به خون زنانی که تن به حجاب ندادند آغشته است.

آیدا شاکرمی سمبل و نماد خواست جامعه برای سرنگونی یکی از تاریک‌ترین و متحجرترین حکومت‌ها در دنیا است. آیدا شاکرمی یکی از میلیون‌ها زنی است که بلافاصله پس از آغاز طرح جدید رژیم اسلامی برای حمله مجدد به زنان، با

حضور بی‌حجاب در خیابان‌ها، خامنه‌ای و اوباش اسلامی‌اش را در منظر جامعه جهانی سکه یک پول کرده‌اند. آنچه مسلم است، قدرتمند شدن انقلاب زن زندگی آزادی بیش از هر زمان دیگری است. انقلابی که می‌رود یک‌بار برای همیشه تکلیف اسلام در قدرت و حکومت اسلامی را یک‌سره کند

چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۴ آپریل ۲۰۲۴

از اسماعیل بخشی حمایت کنیم

یاشار سهندی

چند روزی بود که اسماعیل بخشی، رهبر جسور کارگران هفت‌تپه در استوری‌هایش شمارش معکوسی شروع کرده. این موجب نگرانیِ همکارانش را در هفت‌تپه فراهم کرده بود، و ایضاً همه کسانی که دوستدارش بودند.

همکارانش در کانال مستقل کارگران هفت‌تپه نوشته بودند: "-۱ جریان استوری‌اش چیه؟ وای به حال اون کسایی که ناراحتش کرده باشن. -۲ حالا که فهمیدیم قول و وعده بازگشت به کار که حرفش بود الکیه باید کاری کنیم. -۳ هر چی داریم از اسماعیل و فعالین صادق هست. وقتشه

یک کار اساسی بکنیم. وضعیت هفت‌تپه هم که هر روز خراب‌تر میشه. هم برای خودمون هم برای دینی که به اسماعیل داریم باید حرکتی اساسی و قدرتمند بکنیم. لطفاً اینا رو بحث کنید و به هم خبر بدیم.“

شمارش معکوس به پایان رسید و مشخص شد این شمارش معکوس برای ”پایان سکوت، سلام بر مبارزه، سلام بر اتحاد، سلام بر پیروزی، سلام بر آزادی“ بوده است.

در مبارزه طبقه کارگر کسی به کسی یا به جایی بدهکار نیست که سکوتش بخواهد موجبات سرزنش او را فراهم آورد. میدان مبارزه در جنبش کارگری میدان هم قسم شدن نیست که اگر کسی در میانه راه بهر دلیلی سکوت کرد موجب

سرزنش او باشد. این میدانی است که هر کسی بتواند گوشه‌ای از کار را پیش ببرد، قدم به‌پیش می‌گذارد. در مبارزه برای زندگی بهتر و برای منزلت و معیشت، جایی برای شماتت کسی نیست اگر روزی نخواست در این مبارزه باشد، یا نقش کمتری به عهده بگیرد.

اسماعیل بخشی که زمانی زمین زیر پایش می‌لرزید این‌چنین به میدان مبارزه برگشته است. اما حقیقت این است او در میدان مبارزه بود. نامش حضور مداومی نه‌تنها در میان کارگران هفت‌تپه داشت؛ بلکه بخش مهم و بسیار تأثیرگذار از مبارزه جنبش کارگری به نام او گره‌خورده است. اسماعیل بخشی، "اداره شورایی" را بار دیگر بر سر زبان‌ها انداخت که بعد از آن ما می‌توانستیم مدعی شویم که آلترناتیو طبقه کارگر خطاب به

کل جامعه اعلام گردیده است. او بود که دستگاه جهنمی وزارت اطلاعات را به مبارزه طلبید.

اسماعیل بخشی تصمیم گرفته است از حالا نقش بیشتری بر عهده بگیرد. کارگر هفت‌تپه‌ای در پیامی نوشته است: "از اسماعیل عزیز حمایت می‌کنیم. همکاران منتظر بودند که اسماعیل چه مطلبی میخواد بگه. الان فهمیدیم که بازهم بحثش سر مبارزه و مطالبه‌کردن حق‌وحقوق و انسانیت و اتحاد و آزادی است. درود بر اسماعیل عزیز. همراه و پشتیبانت هستیم."

چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۴ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com

ایمیل:
journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:
www.instagram.com

تلگرام:
https://t.me/journalfarsi

ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۱۴

۲۵ آپریل ۲۰۲۴ – ۱۶اردیبهشت ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

خشم عمومی از صدور حکم اعدام توماج

کیوان جاوید

جفنگیات خامنه‌ای در آستانه روز کارگر

محسن ابراهیمی

بودجه‌های سرسام‌آور برای نیروهای مسلح باید لغو شود!

سینا پدرام

حجاب پاشنه آشیل جمهوری اسلامی

آذر پویا

تراژدی احمدرضا جلالی

شهاب بهرامی

خشم عمومی از صدور حکم اعدام توماج

کیوان جاوید

دادگاه انقلاب اصفهان، روز چهارشنبه ۵ اردیبهشت در اقدامی جنون زده توماج صالحی عزیز را به اتهام افساد فی‌الارض، به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم کرده است.

از اولین دقایق انتشار این خبر دریایی از خشم و انزجار همراه با تحرکی گسترده همه دوستداران توماج و ادامه‌دهندگان انقلاب زن زندگی آزادی را به صحنه آورده است. همه یک‌صدا با مشت‌های گره‌کرده و با چهره‌هایی مصمم، تنها یک هدف را دنبال می‌کنند و یک خواست فوری را فریاد می‌زنند: توماج باید آزاد گردد.

در رسانه‌های اجتماعی غوغایی برپا است. هر کس که نامی از توماج شنیده است و دل به سرنگونی جمهوری اسلامی بسته است و همه آنها که برای آزادی و انسانیت سینه سپر کرده‌اند دیشب را با یک فکر به صبح رسانده‌اند و امروز را با یک هدف آغاز کرده‌اند: توماج باید آزاد گردد. خطر این حکم ضدبشری اعدام باید از سرِ توماج قهرمان برداشته شود. توماج صدای رسای جامعه‌ای در حال نبرد، امید به پیروزی انقلاب مهسا و تداوم خواست و اراده مردمی است که علیه فقر و نابرابری و دیکتاتوری جانشان به لب رسیده است و برای سرنگونی حکومت اسلامی و ساختن یک جامعه آزاد و برابر؛ جامعه مرفه و خوشبخت پا به میدان مبارزه گذاشته‌اند. توماج عصاره و چکیده

یک قرن مبارزه برای خلاصی از شر دیکتاتوری و خفقان سلطنتی و استبداد مذهبی – اسلامی است.

باخبر حکم اعدام برای توماج قهرمان ما، خارج کشور به میدان جنگ علیه این حکم ضدانسانی تبدیل می‌شود. شهر به شهر دارد خود را برای مقابله آماده می‌کند. تجمعات را باید وسیعاً گسترش داد. هر کس در این روزها آب در دست دارد زمین بگذارد و به جمع معترضان بپیوندد. اگر رژیم در حال محک‌زدن صف انقلاب است، امروز فرصت مناسبی است تا ببینند، نبض انقلاب بیش از هر زمان دیگر در جهت سرنگونی با نظم تمام می‌تپد. در همه شهرهای ایران، در هر کوچه و خیابان و در محل کار و کارخانه نام توماج را فریاد بزنیم و تصویرش را بر درودیوار شهر منقش

کنیم.

خشم عمومی از صدور حکم اعدام توماج

این یک نبرد به‌یادماندنی است. علیه حکم اعدام توماج آن‌چنان فریادمان را بلند کنیم که زمین بلرزد و حکومت جنایت‌کار اسلامی تسلیم اراده ما مردم شود و این حکم جنایت‌کارانه را لغو و قهرمان ما را آزاد کند. همه توماج باشیم. همچنان که توماج یکی از همه ما است.

.

پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۵ آپریل ۲۰۲۴

جفنگیات خامنه‌ای در آستانه روز کارگر

محسن ابراهیمی

حکومت اسلامی انواع و اقسام جمعیت کرایه‌ای در اطراف بیت رهبری دارد که بنا به مناسبت‌های مختلف پای منبر خامنه‌ای جمع می کند تا برایشان وراجی‌های همیشگی را تکرار کند. در آستانه روز جهانی کارگر، بخشی از این جمعیت همیشه در صحنه را پای منبر او نشاندند و او این خزعبلات را پس داد:

”رکن جهش تولید کارگر است؛ با جهش تولید، کشور و آحاد مردم ثروتمند می‌شوند و جیب و دست کارگر پر می‌شود. به فرموده پیامبر خاتم (ص)، خداوند هرکسی که کارش را درست، متقن و

محکم انجام دهد، دوست دارد. بوسه پیامبر (ص) بر دستان پینه‌بسته یک کارگر بالاترین تجلیل از کار و کارگر است. با شرط پرهیز از تنبلی و کاهلی، از دل‌سختی‌ها و گرفتاری‌های تحمیلی بدخواهان، فرصت‌ها و گشایش‌های بیشتری برای پیشرفت ظهور خواهد کرد و ملت ایران، به فضل الهی، به افق روشن آینده خواهد رسید"!

می‌توان تصور کرد آن میلیون‌ها کارگری که همه ثروت جامعه را خلق می‌کنند؛ اما خود از آن محروم‌اند؛ کارگرانی که معیشتشان همه‌روزه و مدام توسط درنده‌های اسلامی حاکم در ایران چپاول می‌شود، با شنیدن این اراجیف از دهان رهبر نظامی که تجسم بی‌سابقه‌ترین تعرض به معیشت کارگر است، چه حالی پیدا می‌کنند!

حتماً به ریش او می‌خندند وقتی این دغل‌کار عمامه دار با زر مفت در باره "بوسه پیامبر بر دستان پینه‌بسته کارگر" حتی فکر فریب کارگران را به مغزش راه می‌دهد! کارگرانی که مدت‌هاست مشت گره کرده‌اند تا پوزه خونین خامنه‌ای و دزدان اسلامی حاکم را به خاک بمالند!

کارگران جواب این اراجیف را قبلا در هزاران اعتصاب و اعتراض کوبنده داده‌اند وقتی خطاب به دزدان حاکم فریاد زده‌اند: "کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است"؛ وقتی علیه "ثروت‌های نجومی، فلاکت عمومی" اعتراض کرده‌اند؛ وقتی با شعار "ملک نجومی تو، ما را بی‌مسکن کرده" هشدار داده‌اند که چه بر سر کاخ‌هایشان خواهد آمد؛ وقتی سر حکام ستمگر داد زده‌اند: "مرگ بر

ستمگر، درود بر کارگر"؛ وقتی نفرتشان از بردگی مزدی را با شعار "کارگران بیدارند، از استثمار بیزارند" برملا کرده‌اند؛ وقتی با طنین بلند سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادگی"، عزم جزمشان برای رهایی از نظام سراپا ستم را فریاد زده‌اند؛ و بالاخره وقتی در رژه‌های کوبنده‌شان در خیابان، چشم در چشم سرکوبگران و پاسداران سرمایه و چپاول فریاد زده‌اند: "فقط کف خیابان به دست میاد حقمان"!

پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۵ آپریل ۲۰۲۴

بودجه‌های سرسام‌آور برای نیروهای مسلح باید لغو شود!

سینا پدرام

محاسبات رادیو فردا نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۳ برای نیروهای مسلح خود دست‌کم ۱۷ میلیارد دلار به طور رسمی بودجه اختصاص داده است. بنا به این گزارش حدود یک‌سوم بودجهٔ نظامی این رژیم به "تأمین اجتماعی نیروهای مسلح" اختصاص دارد. درعین‌حال ۲۷ درصد این بودجه به سپاه و ۱۵ درصد آن به ارتش تعلق گرفته است. همچنین سهم فرماندهی نظامی ۱۹ درصد و سهم وزارت دفاع ۵ درصد تعیین شده است.

البته هیچ یک از این ارقام دقیق نیست. به‌خاطر عدم شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی سپاه، محاسبه هزینه‌های نیروهای نظامی رژیم غیرممکن است. به این اعتبار بودجه نیروهای سرکوب رژیم می‌تواند بسیار بیشتر از ارقام ذکر شده در بودجه امسال باشد.

یک نگاه کوتاه به لیست نیازهای واقعی مردم در ایران نشان می‌دهد که اختصاص تقریباً ۲۰ درصد کل بودجه این کشور برای تأمین نیروهای سرکوبگر، دلیل اصلی فلاکت و مشقتی است که مردم، از پیر تا جوان، باید هر ساله متحمل شوند.

یک لحظه در نظر بگیرید با این ۱۷ میلیارد دلار بودجه

سالانه چه تعداد مدرسه و دانشگاه و بیمارستان در سطح استانداردهای جهانی می‌توان ساخت؟ یک حساب و کتاب سرانگشتی کافی است تا ببینید با این مقدار پول چه حجم از داروهای موردنیاز مردم می‌توانند به شکل رایگان در اختیار شهروندان قرار بگیرد. با این حجم سرمایه که صرف گسترش تروریسم در منطقه و دنیا می‌شود و چند میلیون واحد خانه و آپارتمان می‌توانست با هزینه‌های پایین در اختیار مردم در ایران قرار بگیرد؟

واقعیت این است در جامعه‌ای که بر اساس عدالت اجتماعی و برابری اقتصادی و آزادی بنا شده باشد، ارتش و هر نوع نیروی سرکوب، به جزء زاید و

پارازیتی جامعه تبدیل خواهد شد. انحلال ارتش حرفه‌ای، سپاه پاسداران، بسیج و هر نوع نیروی سرکوبگر یکی از خواست‌های انقلاب جاری در ایران است. جامعه آزاد و برابر می‌تواند نظم جامعه را توسط نیروهای انتظامی داوطلبِ مردمی تضمین و برقرار کند.

پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۵ آپریل ۲۰۲۴

حجاب پاشنه آشیل جمهوری اسلامی

آذر پویا

احمد وحیدی، وزیر کشور: "فراجا با زنانی که مقابل قانون حجاب بایستند، برخورد می‌کند". رئیس دیوان عالی کشور هم می‌گوید: "چه معتقد به مبانی دینی باشید چه نباشید باید حجاب را رعایت کنید". احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی کشور گفت: "وظیفه و تکلیف قانونی و شرعی ما حکم می‌کند که این مأموریت "منظور پیشبرد طرح به‌غایت ارتجاعی نور" را با جدیت و دقت و هوشمندانه استمرار بخشیم." از طرفی چندی پیش خامنه‌ای، اژه‌ای و فراجا به ارگان‌های سرکوب و اوباش حکومت به دلیل تندرویشان تذکر دادند و گفتند: "منظورمان کیفر زنان در خیابان نبوده

است".

از همین چند اظهارنظر ضدونقیض می‌شود به‌سادگی متوجه شد که جمهوری اسلامی در کنترل جامعه و بخصوص زنان، برای رعایت حجاب اجباری در چه تنگنایی گیر کرده و در چه گردابی دست‌وپا می‌زند. دیگر خودشان هم به گفته‌ها و قوانینشان اعتماد و اعتقادی ندارند. هر چه عرصه جامعه را به زنان تنگ‌تر می‌کنند، اختلافات بین خودشان عمیق‌تر شده و سردرگم‌تر از همیشه به هذیان‌گویی می‌افتند.

حکومتی که حیاتش به تار موی زنان گره‌خورده است و هیچ وظیفه‌ای به‌جز مبارزه با زنان شجاعی که برایش طرح هم خرد نمی‌کنند، برای خود قائل نیست باید فاتحه خودش را بخواند و هر چه زودتر

شرش را از سر جامعه کم کند. از همان وقتی که ویدا موحد حجابش را بر سر چوب کرد و باشهامت بر روی سکوی قهرمانی ظاهر شد، تا در اعتراضات سال ۱۴۰۱ همان موقع که زنانِ سراسر دنیا در حمایت و پشتیبانی از زنان در ایرانَ قیچی به دست گرفته و موهایشان را بریدند، به سران یک حکومت جانی این پیام را دادند که شما را نمی‌خواهیم که با ریختن بخشی از موهایمان به زمین شما و قوانین متحجرتان را هم به زباله‌دان تاریخ می‌ریزیم که شکنجه و زندان را تحمل می‌کنیم؛ ولی شجاعانه در میدان‌های ورزشی به استقبال ورزشکاران محبوبمان رفته و آنها را بغل می‌کنیم.

به این جنگ نابرابر و ناعادلانه باید پایان داد. باید همه مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب، تمام آنانی

که از این وضعیت جانشان به لب رسیده و خواهان جامعه‌ای آزاد هستند، تمام کسانی که تشنه یک زندگی شاد و مرفه هستند، دست‌به‌دست هم داده، به میدان آمده و جانیان حاکم را به زیر بکشند. فقط و فقط با سرنگونی این قاتلان می‌شود انتظار آرامش داشت. سرکوب، شکنجه، تجاوز و زندان دیگر بس است. جمهوری اسلامی باید برود.

پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۵ آپریل ۲۰۲۴

تراژدی احمدرضا جلالی

شهاب بهرامی

هشت سال از بازداشت احمدرضا جلالی، شهروند سوئدی - ایرانی در ایران می‌گذرد. وی که به دعوت دانشگاه تهران برای سخنرانی در کنفرانسی به ایران رفته بود به اتهام نخ‌نمای جاسوسی برای دولت اسرائیل دستگیر شد و پس از سال‌ها تحمل شکنجه و سلول انفرادی به اعدام محکوم شد.

رژیم تروریستی حاکم بر ایران که سابقه‌ای بسیار طولانی در دستگیری افراد دو تابعیتی برای مبادله با تروریست‌های دستگیرشده‌اش دارد، پا را از این هم فراتر نهاده و با دستگیری شهروندان و اتباع اروپایی، تلاش می‌کند همان‌گونه که توانست

اسدالله اسدی، دیپلمات - تروریست خودش که قصد بمب‌گذاری در پاریس را داشت با یک شهروند بلژیکی مبادله کند، می‌خواهد احمدرضا جلالی را نیز با حمید نوری معاوضه کند.

حمید نوری با نام مستعار حمید عباسی از اعضای سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۱ وارد دادستانی شده و اثبات شده است که یکی از مهره‌ها و مأمورین مهم در "هیئت مرگ" بوده و در زمان "کشتارهای تابستان ۱۳۶۷" دستیار محمد مقیسه در زندان گوهردشت بوده است. دادگاه رسیدگی به اتهامات وی، متهم به مشارکت در اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی عقیدتی در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ پایان یافت. این دادگاه با برگزاری ۹۲ جلسه، ۹ ماه به درازا کشید. دادگاه، حمید نوری را به ۲۰ سال زندان محکوم کرد.

بعد از قطعیت‌یافتن حکم نوری، حکومت اسلامی "یوهان فلودوروس" شهروند سوئد و از دیپلمات‌های اتحادیه اروپا در امور تجارت که به ایران سفر کرده بود را بعد از ۱۵ ماه بی‌خبری و بازداشت، به جرم همکاری با رژیم "صهیونیستی" به اعدام محکوم کرد. ماجرای این گروگان‌گیری و مذاکرات بی‌حاصل دیپلماتیک" همچنان ادامه دارد.

اما دررابطه‌با حکم احمدرضا جلالی، به‌جز تلاش بی‌وقفه همسرش، "ویدامهران‌نیا"،ایرانیان‌درخارج کشور نیز شدیداً فعال بوده و با جمع‌آوری طومار و نامه‌های اعتراضی، برگزاری آکسیون و تظاهرات گوناگون به‌ویژه از جانب "کمیته بین‌المللی علیه اعدام" و کمیته "آزادی زندانیان سیاسی" سعی کردند توجه و حمایت افکار عمومی را نسبت به

قربانیان و جنایات بی‌شمار رژیم اسلامی حاکم در ایران جلب کنند.

در ایران آتشفشانی در حال انفجار و فوران است، آتشفشانی که می‌آید تا هر چه ویروس کشنده اسلامی را از روی زمین پاک و محو کند، تا شکوفه‌های زندگی در گلستانی زیبا و پاکیزه، دوباره جان گیرند. آن روز می‌آید، به استقبالش برویم.

پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۵ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com

ایمیل:
journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:
www.instagram.com

تلگرام:
https://t.me/journalfarsi

ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۱۵

۲۷ آوریل ۲۰۲۴ – ۸ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

روز جهانی کارگر روز حقیقت است

حمید تقوایی

موجی علیه حکم اعدام توماج

حسن صالحی

دندان‌پزشکی در ایران، قماری پر مخاطره!

سینا پدرام

رپ توماج، شعار کف خیابان

یاشار سهندی

بهشت داوطلبانه احمد خاتمی و جهنم زوری ما

کیوان جاوید

روز جهانی کارگر روز حقیقت است

حمید تقوایی

روز جهانی کارگر روز اعتراض به همه تبعیضات و نابرابری‌ها و فقر و فلاکت و جنگ و ویرانی است که جهان ما را فراگرفته است و جهان ما، جهان سلطه نظام سرمایه‌داری در همه کشورها است.

می‌گویند این دو ربطی به هم ندارند. می‌گویند اگر فقر و فلاکتی هست بخاطر تنبلی یا بی لیاقتی فقراست. می‌گویند دیکتاتوری و سرکوب ناشی از انحصارطلبی و یا بدذاتی دیکتاتورهاست، تبعیض و نابرابری بخاطر تفاوت‌های بیولوژیک است، جنگ و کشتار ناشی از تقابل منافع و مقدسات ملی –

میهنی دو کشور است، و خطر نابودی کره ارض هم اصلاً وجود خارجی ندارد! و یا اگر هست ربطی به سودپرستی سرمایه‌داران مفتخور ندارد.

اینها را البته یک‌درصدی‌های حاکم، یعنی اقلیت مفتخوری که همه‌جا قدرت و ثروت را در دست دارد، می‌گویند! اما اول مه روز حقیقت است! روز برملاکردن ریشه همه تبعیضات و نابرابری‌ها و مصائبی که طبقه حاکم به همه چیز نسبت می‌دهد به‌جز نظامی که مبنای قدرت و ثروت اوست!

اول مه روز همه بردگان مزدی است که هر چه بیشتر کار می‌کنند خود محروم‌تر و سرمایه‌داران مفتخور پروارتر می‌شوند! روزجهانی کارگر روز توده عظیم مردمی است که نظام بردگی مزدی را بر نمی‌تابند؛

روز همه قربانیان تبعیض طبقاتی و کلیه تبعیضات و مقدسات و خرافاتی که نظم سرمایه برای بقای خود به آن نیازمند است. روز جهانی کارگر روز نمایندگی شدن همه کودکانی است که هر روزه به علت بیماری‌های قابل‌پیشگیری در جهان سرمایه‌داری زده ما می‌میرند. هر ۴,۴ ثانیه یک کودک! روز جهانی کارگر روز همه انسان‌های شریفی است که چنین نظامی ضدانسانی را نمی‌خواهند و نمی‌پذیرند.

جمهوری اسلامی جرثومه تمام‌وکمال چنین نظامی است. سرمایه‌داری اسلامیزه‌شده‌ای که تمام مصائب و نابرابری‌های نظام بردگی مزدی را، در شدیدترین و فاجعه‌آمیزترین شکلش، با اتکا به اسلام و قوانین و مقدسات و فرهنگ کپک‌زده ۱۴۰۰ سال قبل، به مردم ایران تحمیل کرده است.

این حکومت به کمک سرمایه‌داری جهانی به قدرت رانده شد تا انقلاب ۵۷ را به خاک و خون بکشد اما امروز انقلاب دیگری با پرچم زن زندگی آزادی به میدان آمده است. انقلابی که جمهوری اسلامی را به همراه نظامی که برای بقای خود به چنین توحشی نیازمند است، در هم خواهد کوبید.

امسال روز جهانی کارگر، می‌تواند گام مهم دیگری باشد در پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی علیه کل حکومت و نظام جمهوری اسلامی!

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۷ آوریل ۲۰۲۴

موجی علیه حکم اعدام توماج

حسن صالحی

از همان روز چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ که خبر صدور حکم اعدام برای توماج صالحی انتشار یافت، جوش و خروش وسیعی در اعتراض به این حکم جنایتکارانه آغاز شد. مگر می‌شود برای پسری که در ترانه‌هایش درد و رنج ما را فریاد زده است به خیابان نیامد؟ مگر می‌شود که در خانه نشست و به جمهوری اسلامی اجازه داد که برای یکی از نمادهای انقلاب زن زندگی آزادی حکم اعدام صادر کند؟

نبردی به وسعت جهان برای نجات توماج آغاز شد. در ایران ورزشکاران، هنرمندان، دادخواهان،

زندانیان، کنشگران نهادها و تشکل‌های مختلف مردمی، مدافعین حقوق زن و رنگین کمانی‌ها و... این حکم ظالمانه را محکوم کردند. بر درودیوار شهرها پلاکاردها و شعارهایی برای آزادی وی مُنقَش شد.

در خارج کشور شهرهای مختلفی یکی پس از دیگری علیه حکم اعدام توماج به اعتراض در آمدند. موجی که همچنان ادامه دارد و انتظار می‌رود که طی روزهای آتی ده‌ها شهر دنیا درگیر کارزار برای نجات توماج صالحی شوند. کارزار جهانی نه به اعدام در ایران با کمک حامیان خود مبتکر سازماندهی آکسیون در ۱۳ کشور و ۳۴ شهر دنیا بوده است. حکم اعدام توماج از سوی بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، رؤسای دولت‌های جهان، نمایندگان پارلمان‌ها و کفیل‌های سیاسی توماج در

آلمان و اتریش و همچنین نهادهای حقوق بشری مورد اعتراض قرار گرفته است.

جمهوری اسلامی می‌خواست که با کوبیدن مُهر اعدام بر پیشانی توماج به جامعه بگوید که هیچ اعتراضی را بر نمی‌تابد. ولی وقتی که خشم عمومی مردم در ایران و جهان را دید از احتمال تغییر حکم اعدام توماج به حبس طولانی‌مدت سخن گفت. زهی بی‌شرمی و وقاحت! ما می‌گوییم که توماج حتی نباید یک‌لحظه هم در زندان بماند و فوراً و بی‌قیدوشرط باید آزاد شود و آنگاه جنایتکاران از حبس طولانی‌مدت وی سخن می‌گویند!

مبارزه برای نجات توماج صالحی همچنان ادامه دارد. ما به کمتر از آزادی توماج راضی نمی‌شویم.

اما کارزار نجات توماج تنها کارزاری برای نجات یک نفر نیست. کارزاری برای نجات ده‌ها معترضی است که در بند اسارت رژیم هستند و زیر حکم اعدام قرار دارند. ما فقط صدای توماج نیستیم. صدای عباس دریس، حبیب دریس، مجاهد کورکور، احمدرضا جلالی، کامران شیخ، مهران بهرامیان، جمشید شارمهد و ده‌ها و صدها نفر دیگر نیز هستیم.

اعدام قتل عمد دولتی است. همه احکام اعدام باید لغو شوند. همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و معترضین دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند.

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۷ آوریل ۲۰۲۴

دندان‌پزشکی در ایران، قماری پر مخاطره!

سینا پدرام

درحالی‌که به علت افزایش سرسام‌آور هزینه‌های دندانپزشکی، آمار پوسیدگی دندان در ایران به میزان چشمگیری در حال بالارفتن است و بنا بر آمار رسمی، هر ایرانی ۳۰ تا ۴۰ساله به طور متوسط ۱۲ تا ۱۳ دندان خراب دارد، یافته‌ها نشان می‌دهد که شماری از مردم برای درمان دندان‌هایشان مجبورند به درمانگاه‌های غیرقانونی یا افراد غیرمتخصصی که در برخی آرایشگاه‌های زنانه حضور دارند، مراجعه کنند.

موضوع سلامت جسمی و روانی برای سال‌های

متوالی است که در صدر مشکلات و معضلات مردم ایران قرار گرفته است. تمامی آمار و ارقام اخیر نشان می‌دهد که خدمات درمانی و به‌ویژه خدمات دندان‌پزشکی در وضعیت وخیمی قرار دارد و مسئولیت مستقیم این وضعیت، سیاست‌های ضدانسانی رژیم اسلامی است.

رابطه سلامت دهان و دندان با سلامت جسمی و بخصوص سیستم گوارشی بر هیچ‌کسی پوشیده نیست. پوسیدگی دندان‌های شیری تأثیرات جسمی و روحی مخربی در کودکان به‌جای می‌گذارد.

صنعت سلامت در ایران بر اساس سود مافیای

”سلامت“ بنا شده است. آنچه در آن غایب است کلماتی مانند خدمات رایگان و خدمات درمانی پیشگیرانه است. واقعیت این است تا زمانی که کل سیستم درمانی ایران به سیاست پیشگیرانه تغییر جهت ندهد، هیچ پیشرفت محسوسی در همگانی شدن خدمات درمانی و بهداشتی نخواهیم دید. برای چنین تغییری، نیاز به رژیم سیاسی است که نه پاسدار سود سرمایه‌داران ”مافیای دارو و پزشکی“ بلکه طرفدار بهبود شرایط زیستی و درمانی شهروندان باشد.

خواست درمان رایگان و بخصوص خواست فوری دندانپزشکی رایگان به‌ویژه برای کودکان اولین اقدام مؤثر در بهبود سلامت شهروندان خواهد

بود. می‌توان با در دسترس قراردادن رایگان مسواک، خمیردندان، دهان شورهای مخصوص با ماده فلوراید بالا در مدارس، ویزیت رایگان دندان‌پزشکی هرچند ماه یک‌بار در کودکستان‌ها و مدارس به شکل پیشگیرانه و مؤثر با این معضل پزشکی مقابله کرد.

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۷ آوریل ۲۰۲۴

رپ توماج، شعار کف خیابان

یاشار سهندی

خامنه‌ای و جمهوری اسلامی با صدور حکم اعدام توماج صالحی به قول گوهر عشقی به سیم آخر زده است. این سرنوشت همه رژیم‌های دیکتاتوری است که به اعدام متوسل می‌شوند، شاید طناب نجاتشان باشد در گردابی که خود موجبات شکل‌گیری آن را فراهم کرده‌اند.

برخی مدعی‌اند که جمهوری اسلامی "بحران زی" است. عمداً این حکم را صادر کرده تا توجهات را به‌جای دیگر ببرد! اما حرف گوهر عشقی بسیار درست‌تر است از اصلاح‌طلبی است که اجباراً

”اپوزیسیون جناح حاکم“ شده است.

جمهوری اسلامی در دو هفته گذشته با سر به دیوار محکم انقلاب برخورد کرد وقتی که با خشونت ذاتی‌اش در پی شکار زنان برآمد که با سوزاندن حجاب و برداشتن آن در حیات خود این حکومت ضدبشری، خاکریز اول این نظام را فتح کرده بودند و با مقاومتشان در دو هفته گذشته نشان‌دادند قصد ندارند این سنگر انقلاب را پس بدهند. حکم توماج یکی از آخرین تیرهای ترکش این حکومت است که شاید وحشت خود را از نیستی محتوم، مخفی کند به وقتی که صدای اعتراضات بار دیگر نه‌تنها در ایران، بلکه از سراسر جهان بلند شده باشد.

یکی از جلوه‌های باشکوه انقلاب زن زندگی آزادی، موسیقی است که هر نوایی از سازی بر می‌خیزد و صدایی از گلویی بیرون می‌آید، حکم سقوط حکومتی است که با هر چه نشانه عواطف انسانی است دشمنی دارد. خاکریزهای جمهوری اسلامی یکی‌یکی در حال سقوط است. توماج با رپ که از درد مردم و از مقاومت و وقت جنگیدن گفت، طوفان به پا کرد.

آخر هفته گذشتهٔ اضطرابی، شروع جنگی که از آن ما نبود، نفس‌ها را در سینه مردم حبس کرده بود. این هفته شور و هیجانِ اوج‌گرفتن مجدد اعتراضات، بی شک خواب را از چشم سرکوبگران

ربوده است و اضطراب را به جان آنها انداخته است.

و اکنون باید هم‌صدا با توماج در کف خیابان شعار داد:

مأمور

معذور

از بالا دستور

سوراخ موش بخر!

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۷ آوریل ۲۰۲۴

بهشت داوطلبانه احمد خاتمی و جهنم زوری ما

کیوان جاوید

بعد از دو هفته از یورش مجدد و از روی استیصال حکومت در تحمیل حجاب اسلامی به زنان، احمد خاتمی، این ویروس مرگ‌زا، در نمازجمعه دیروز تهران گفته‌است: "به‌زور کسی را به بهشت نمی‌بریم، اما جلوی ناهنجاری خواهیم ایستاد."

"کسی را به‌زور به بهشت نمی‌بریم" از اختراعات جناح حسن روحانی بود وقتی بر آنها مسلم شد که زنان در برابر حجاب اسلامی تا پای جان می‌جنگند و همه مردم از این فرهنگ انسانی پوشش آزاد حمایت می‌کنند. این عقب‌نشینی قطره چکانی را زنان با شکستن سد حجاب و خلق یک انقلاب

زنانه همچون سیل در همه تاروپود جامعه جاری کردند. سیلی که حکومت را با خود تا ته باتلاق نیستی می‌برد.

در تکمیل آن مزخرفات حسن روحانی و دولت درمانده‌اش حالااحمدخاتمی‌به‌نمایندگی‌ازخامنه‌ای و رئیسی و بقیه شریک جرم‌های حکومتی‌اش، یک‌بند به آن التماس نامه قبلی اضافه کرده است تا عقب‌نشینی حکومتشان را با یک تبصره به نقطه پرشی برای حمله به زنان و همه مردم تبدیل کنند. "جلوی ناهنجاری خواهیم ایستاد". این قرار است آن کلید طلایی حکومت باشد.

در جواب با این چرندیات، زنان دارند با بلندترین صدای ممکن، طوری که کوه را به حرکت در می آورد

و آب دریاها پر تلاطم می‌شود، به حکومت می گویند، ناهنجار و بی‌ربط به زندگی تویی، فقر تویی، درد تویی، زجر تویی. این پیام چیزی جز ادامه انقلاب برای ادامه زندگی و رسیدن به دنیای خوشبختی نیست. دنیایی که آزادی و برابری به زیباترین خط ممکن بر دروازه آن حک شده باشد.

به خاتمی‌های بیچشم و رو، و همه دریده دهان‌های حکومت اسلامی می‌گوییم بهشت زوری و غیره زوری پیشکش شما. اما مطمئن باشید ما مردم با انقلابمان شما را به‌زور به جهنم روانه می‌کنیم.

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۱ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۱۶

۲۸ آپریل ۲۰۲۴ – ۹اردیبهشت ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

توماج، تظاهرات باشکوه و رژیم درمانده

کیوان جاوید

می‌مانیم و می‌ایستیم تا پایان

سیما بهاری

ارزش کارگر در نگاه خامنه‌ای

اصغر کریمی

دوراهی مدرک یا مهارت

سینا پدرام

دیوارکشی مرزی با بودجه سه میلیارددلاری

سیاوش آذری

توماج، تظاهرات باشکوه و رژیم درمانده

کیوان جاوید

هزاران نفر برای آزادی توماج و در دفاع از انقلاب زن زندگی آزادی در شهرهای مختلف جهان تجمع کردند.

حکم جنایت‌کارانه اعدام برای توماج صالحی، خواننده محبوب انقلاب زن زندگی آزادی موجی از اعتراض در داخل و خارج کشور به راه انداخت. روز جمعه و شنبه ۲۶ و ۲۷ آوریل (۷ و ۸ اردیبهشت) در ده‌ها شهر هزاران نفر دست به تظاهرات زدند و خواهان لغو حکم اعدام توماج و آزادی فوری او و سایر زندانیان محکوم‌به‌اعدام شدند.

در این تجمعات که به فراخوان کارزار جهانی علیه اعدام، کمیته بین‌المللی علیه اعدام، نهادها و احزاب و سازمان‌های مختلف برگزار شد، ده‌ها سخنران علیه جمهوری اسلامی سخنرانی کردند، خواهان لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و قرارگرفتن سپاه پاسداران در لیست تروریسم شدند و حمله به زنان را شدیداً محکوم کردند. این تجمعات انعکاس گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت. در روزهای آینده نیز تجمعات دیگری فراخوان داده شده است.

حکومت زبون اسلامی در بد مخمصه‌ای گرفتار آمده است. از هر دری وارد می‌شود و هر اندازه

که بر ابعاد جنایاتش می‌افزاید تا بلکه از "شر این مردم" و از دست این انقلاب جان سالم بدر ببرد باز هم در باتلاق دیگری گیر می‌افتد و باز هم باعث اتحاد بیشتر مردم در ایران و سراسر دنیا می‌شود. این رژیم در گرداب انقلاب اسیر است. بر تعداد اعدام‌های روزانه‌اش افزوده و با درنده‌خویی هر چه بیشتر به جان زنان بی‌حجاب و مردم عاصی از اسلام و حکومت اسلامی افتاده است. نتیجه عقب‌نشینی در برابر این تهاجم افسارگسیخته به زنان بی‌حجابی و خشم و انزجار مردم نسبت به حکومت در ابعادی گسترده‌تر شده است.

در خارج کشور یک‌بار دیگر ایرانیان و مدافعان انقلاب زن زندگی آزادی به خیابان آمدند و با

تظاهرات باشکوه خود نشان دادند در سرنگونی حکومت اسلامی هیچ مرزی نمی‌شناسند. این روزها رمز اتحاد همه آزادی‌خواهان سرنگونی‌طلب که برای نابودی جمهوری اسلامی و رهایی از چرخه فقر و نابرابری و دیکتاتوری به میدان آمده‌اند نام بزرگ توماج است. توماج در قلب همه ما است و انقلاب با نام او به‌پیش می‌تازد.

فراخوان‌های تجمع در اعتراض به‌حکم اعدام توماج صالحی در ۱۳ کشور و ۳۴ شهر ضمیمه است.

سوئد:استکهلم -مالمو - گوتنبرگ -هلسینگبوری
آمریکا: واشینگتن - نشویل - مینه‌سوتا هلند:

خرونینگن – دنهاگ کانادا: ونکوور – کبک – تورنتو – مونترال – اتاوا – هالیفاکس آلمان: فرانکفورت – برلین – هامبورگ – کاسل – کلن فرانسه: پاریس – گرونوبل – تولوز نروژ: اسلو – استاونگر فنلاند: تورکو سوئیس: ژنو – زوریخ انگلیس: لندن ایتالیا: جنوا – میلان دانمارک: آرهوس – کپنهاگ استرالیا: بریزبین

یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۸ آپریل ۲۰۲۴

می‌مانیم و می‌ایستیم تا پایان

سیما بهاری

”سازمان حقوق بشر ایران روز جمعه هفتم اردیبهشت، با اشاره به اینکه طی پنج‌روز ۲۳ تن در زندان‌های مختلف ایران اعدام شده‌اند، نسبت به افزایش چشمگیر اعدام‌ها در هفته‌های اخیر هشدار داد.“

جمهوری اسلامی دارد با آتش‌بازی می‌کند. شاید خودشان هم می‌دانند، اما چاره‌ای هم ندارند. شاید انتظار داشتند دمیدن در تنور جنگ باز هم مثل زمان جنگ ایران و عراق برایشان نعمتی شود. آن موقع با نعمت جنگ انقلاب را سرکوب کردند. این بار هم دوست داشتند انقلاب زن زندگی آزادی را

بکوبند و مردم را با ترس به خانه‌هایشان بفرستند. این بار نمی‌شود!

هفتهٔ گذشته از حکم اعدام توماج صالحی – این فرزند شجاع انقلاب – گفتند و گویی کبریتی به انبار باروت خشم مردم زدند. بار دیگر در بیش از پنجاه شهر جهان مردم با مشتهای گره‌کرده و چهره‌های مصمم به خیابان‌ها آمدند و در روزهای آینده می‌آیند تا یک‌صدا فریاد بزنند "توماج صالحی آزاد باید گردد". در تظاهراتهای برگزار شده نام تک‌تک عزیزانی که زیر حکم اعدام هستند فریاد زده شد. مردم آمده‌اند تا برای همیشه این حربهٔ کثیف را از دست حکومت آدمکش در بیاورند. این بار قصد عقب‌نشینی ندارند. در خیابان‌های شهرهای مختلف ایران می‌بینیم که

مأموران مزدور حکومت، زن و مرد، کف بر دهان و نفرت در چشم‌هایشان، به زنان هجوم می‌آورند و امیدوارند که آنها را بترسانند و عقب برانند. اما با مقاومت دختران جوان جیره‌خواران حکومتی در این هجوم افسارگسیخته نیز شکست خوردند.

علی‌رغم این فضا حکومت همچنان می‌کشد. جانیان آدمکش طی پنج‌روز ۲۳ نفر را کشتند. جمهوری اسلامی از همیشه ضعیف‌تر است. موقعیتش در داخل بسیار شکننده است. آنها خشم ما را می‌بینند. باید اعتراضاتمان را بیش‌ازپیش سازمان دهیم. باید برای ۱۲ اردیبهشت روز جهانی کارگر آماده شویم. در صفوف هزاران نفره خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی شویم. فقط با جمعیت زیاد می‌توانیم مقابل اعدام‌ها

بایستیم. مقابل زندان‌هایی که رژیم اعلام می‌کند می‌خواهد دست به اعدام بزند، تجمع‌های بزرگ سازمان دهیم. خانوادهٔ کسانی که حکم گرفته‌اند را تنها نگذاریم. بر درودیوار شهرها علیه اعدام شعارنویسی کنیم. اعدام به هر دلیلی محکوم است و نباید اتفاق بیفتد. در خارج و داخل کشور باید هم صدا باشیم و نگذاریم حکومت به جنایاتش ادامه دهد.

یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۸ آپریل ۲۰۲۴

ارزش کارگر در نگاه خامنه‌ای

اصغر کریمی

خامنه‌ای در میان جمعیت کرایه‌ای در روز ۵ اردیبهشت گفت: "تبدیل‌شدن کار به ارزش در اذهان عمومی موجب افزایش میل و اشتیاق به کار می‌شود. در این صورت هر کارگری در نگاه مردم، یک انسان ارزشمند می‌شود".

کارگر در نگاه مردم یک انسان ارزشمند است؛ اما برای این پفیوزها کارگر وقتی ارزشمند می‌شود که بیشتر کار کند و سود بیشتری برای انگل‌های حاکم ایجاد کند! این نگاه کل طبقه حاکم به کارگر است.

بر خلاف اراجیف این الدنگ، کار از ابتدای نظام سرمایه‌داری به کالا تبدیل شده، توسط سرمایه‌دار

خریده می‌شود، به کار می‌افتد و ارزش تولید می کند. مشکل این است که سهم کوچکی از ارزشی که از کار کارگر تولید می‌شود نصیب خودش می‌شود. بخش اصلی ارزش تولید شده توسط کارگر، یعنی ارزش اضافه نصیب سرمایه‌دار می‌شود.

خامنه‌ای در این سخنرانی از سرمایه‌داران به‌عنوان کارآفرینان صحبت کرده است. اما این سرمایه و سرمایه‌دار نیست که به قول خامنه‌ای و کل طبقه حاکم کارآفرین‌است.این کارگراست که کارآفرین است، نیازهای جامعه یعنی غذا و پوشاک و مسکن و خدمات تولید می کند و امکانات تولید بیشتر را هم فراهم می کند؛ یعنی مدام کارآفرینی می کند.اما خود هر چه بیشتر کار می کند، ثروت و سرمایه اقلیت مفت‌خور حاکم بیشتر می‌شود.بخشی ازارزش اضافه حاصل از کار کارگر به جیب سرمایه‌دار می‌رود و صرف زندگی لوکس او می‌شود، بخشی صرف

سرکوب یعنی دولت، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار طبقه حاکم برای تحت انقیاد نگاه‌داشتن توده‌های تحت استثمار شامل بوروکراسی حاکم، نیروی سرکوب و زندان‌ها و مذهب و غیره می‌شود و بخشی هم صرف ابزار تولید بیشتر یعنی کارآفرینی بیشتر می‌شود که در خدمت سرمایه‌دار قرار می‌گیرد. هر جا هم سرمایه‌دار تشخیص داد که کارخانه‌ای را ببندد و سرمایه‌اش را در جای دیگری به کار بیندازد کارگر را اخراج می‌کند و هر جا کارگر دست به اعتراض زد نیروی سرکوب و قوه قضاییه را سراغش می‌فرستد.

این جوهر مناسبات سرمایه‌داری در سراسر جهان است؛ اما تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، کارگر باید در بی‌حقوقی کامل نگه داشته شود و از حق اعتراض و اعتصاب و تشکل محروم باشد تا سرمایه سودآور باشد.

همه مصائب جامعه سرمایه‌داری از تبعیض و نابرابری، فقر و بیکاری، اعتیاد و تن‌فروشی و خشونت و ناامنی و بی‌حقوقی اکثریت جامعه از همین مناسبات ظالمانه سرچشمه می گیرد. هدف ما ریشه کن کردن بنیادهای اقتصادی و سیاسی این نظام است و تنها در این صورت است که می‌توان بر ویرانه‌های این نظام جامعه‌ای انسانی، برابر و مرفه برای همه شهروندان بنا کرد.

یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۸ آپریل ۲۰۲۴

دوراهی مدرک یا مهارت

سینا پدرام

بنا به گزارش بسیاری از روزنامه‌ها، در ایران علاقه به ورود به دانشگاه‌ها کاهش ۵۰ درصدی داشته است. روند نزولی شرکت در تحصیلات دانشگاهی دلایل متعدد و پیچیده‌ای دارد. از وضعیت وخیم اقتصادی تا تغییر اساسی مهارت‌ها به دلیل عروج انقلاب انفورماتیک و هوش مصنوعی، جاماندن دانشگاه‌ها در تطبیق با شرایط جدید رشد حوزه‌های متنوع کاری، گسترش شبکه‌های اجتماعی که گزینه‌های کاری متنوع‌تری را در اختیار قرار داده است و دلایل تکنیکی دیگر، در کاهش استقبال جوانان از رشته‌های دانشگاهی تأثیر عمده‌ای داشته‌اند.

داده‌های آماری نشان می‌دهد که ۴۰ درصد بیکاران در ایران را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. سیستم آموزشی در ایران مانند باقی جهان سرمایه‌داری، در چهارچوب تربیت نیروی کار متخصص برای بازار کار سرمایه‌داری به سوخت‌وساز خود مشغول بوده است.

در یک سیستم سرمایه‌دارانه جذب این نیروی کار در بخش‌ها و شاخه‌های متعدد اقتصادی قطعاً تابعی از روندهای عمومی‌تر اقتصادی است و افت‌وخیزهای اقتصادی درصد این جذب و یا رانده‌شدن این نیروی کار متخصص از شاخه‌های اقتصادی غیر بارآور به بخش‌های سودآور را تعیین می‌کند و یا مورد تأثیر قرار می‌دهد.

در ایران اسلام زده با مردسالاری نهادینه در

ایدئولوژی هیئت حاکمه، وضعیت جذب زنان تحصیل‌کرده در بازار کار وضعیتِ بغرنج‌تری دارد. موضوع بیکاری حاد زنان قطعاً به‌عنوان حربه‌ای برای مقابله با جنبش کارگری ایران و تحت‌فشار قراردادن این طبقه به‌کاررفته است. بر اساس آمارها، بیکاری زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی، سه برابر بیشتر از مردان است.

در یک سیستم اجتماعی مبتنی بر رفاه شهروندان و نه سوداندوزی عده‌ای سرمایه‌دار میلیاردر، به هر رو خود پدیده آموزش‌وپرورش از سطح دبستان تا مقطع دانشگاه باید مورد یک بازبینی اساسی قرار بگیرد. از سوی دیگر خود این مؤسسات، یعنی مدارس و دانشگاه‌ها به یک بنگاه اقتصادی پُر درآمد تبدیل شده‌اند که هدفشان نه ارتقا فکری، اجتماعی و دانشی جوانان بلکه کسب درآمدهای

هنگفت است.

آموزش در هر سطحی باید به یک پروسه رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی بدل شود. این تنها بدیل انسانی برای دگرگونی ریشه‌ای معضل آموزش است.

یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۸ آپریل ۲۰۲۴

دیوارکشی مرزی با بودجه سه میلیارد دلاری

سیاوش آذری

بنا بر گزارش خبرگزاری فارس مجید میراحمدی معاون امنیتی - انتظامی وزارت کشور جمهوری اسلامی از تخصیص بودجه سه میلیارد یورو برای دیوارکشی و انسداد مرزها باهدف تأمین "امنیت کشور" و "جلوگیری از قاچاق انسان و سلاح" توسط نیروهای مسلح خبر داده است. در ادامه این گزارش آمده است که الویت در این طرح دیوار و فنس‌کشی در مسیرهایی است که قاچاق انسان و سلاح از طریق آن انجام می‌گیرد و "مرز افغانستان بخشی از این اولویت است".

اولین نکته حائز اهمیت مسئولیت بلافصل جمهوری

اسلامی در بی‌ثبات کردن افغانستان است. در ۴۴ سال گذشته رژیم اسلامی حاکم در ایران به سازماندهی، تسلیح و تقویت مالی انواع گروه‌های تروریستی اسلامی پرداخته و نقش مستقیمی در عروج جنبش ضدانسانی اسلام سیاسی در افغانستان داشته است. دریافت مواد مخدر از جمله هروئین و تریاک از افغانستان توسط سپاه پاسداران و تحویل سلاح به گروه‌های مسلح اسلامی و طالبان بخشی از رابطه پنهان این مافیای اسلامی در دو طرف است.

بعلاوه ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر مبارزه با قاچاق اسلحه و مواد مخدر از طریق ساخت دیوار و فنس بیش از اندازه مسخره و پوچ است. "نیروهای مسلح" رژیم از جمله سپاه پاسداران خود از بزرگ‌ترین سازمان‌های مافیای قاچاق

اسلحه و مواد مخدر در ایران و سرتاسر جهان هستند. نکته دیگر اینکه درآمد حاصل از قاچاق سازمان‌یافته سپاه یکی از منابع تأمین مالی و تسلیح نیروهای تروریستی اسلامی در منطقه است که خود آنها مهم‌ترین عامل در ایجاد بی‌ثباتی، جنگ و قدرت‌گرفتن رژیم‌های دیکتاتوری و اقدام به مهاجرت گسترده انسان‌ها متعاقب آن است.

دیوارکشی و جلوگیری از ورود پناه‌جویان و مهاجران افغانستانی به کشور برگ دیگری از جنایات جمهوری اسلامی علیه شهروندان افغانستانی است. مسئول مستقیم ناامنی فقر، بیکاری و فساد نه شهروندان افغانستانی که خود قربانیان جهنمی دیگر هستند که برادران آدم‌خوار رژیم در افغانستان به پا کرده‌اند؛ بلکه جمهوری اسلامی و دست‌اندرکاران ریزودرشت و آخوند میلیاردرها

و فرماندهان سپاه پاسداران و بسیج و در رأس آنها رهبر الدنگشان است.

بعلاوه این طرح بهانه‌ای برای بالاکشیدن و به‌جیب‌زدن میلیاردها دلار دیگر از ثروت عمومی است که می‌تواند و باید صرف بهبود اوضاع معیشتی مردم و ارتقا رفاه تمامی شهروندان گردد. انقلاب جاری با به زیر کشیدن جانیان اسلامی حاکم و برپایی جامعه‌ای انسانی این دیوارها را نیز خواهد شکست.

یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۸ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com

ایمیل:
journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:
www.instagram.com

تلگرام:
https://t.me/journalfarsi

ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۱۷

۲۹ آوریل ۲۰۲۴ – ۱۰ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

با توماج از اهواز تا تورنتو

کیوان جاوید

خانه‌های امن در جامعه ای ناامن!

آذر پویا

توماج: ”یاد آر که مرگ نسیانم“

یاشار سهندی

غزه و اعتراضات دانشجویی در آمریکا

محسن ابراهیمی

اعتراض و اعتصاب عمومی در روز ۱۲ اردیبهشت

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

با توماج از اهواز تا تورنتو

کیوان جاوید

همزمان با برگزاری تجمع‌های اعتراضی ایرانیان در شهرهای مختلف جهان و اعتراض به صدور حکم اعدام توماج صالحی، بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی اهواز در اعتراض خیابانی خود، علیه صدور حکَم اعدام توماج شعار دادند: "توماج یه ملته، ملت رو آزاد کنید."

یکی از شهرهای جهان که در دفاع از جان و آزادی توماج، این "پسر جهان" خوش درخشید و قلب‌های فراوانی را در ایران و جهان شاد کرد، شهر تورنتو در کانادا بود. یکی از شرکت کنندگان

که به‌تازگی از ایران برای دیدار با فرزندش به تورنتو سفرکرده است می‌گوید. ”نگران بودیم که بارندگی مانع از حضور گسترده مردم شود. اما با رسیدن به محل تظاهرات غرق در تعجب و شادی و مسرت شدیم. ما که در هیچ تظاهرات این‌چنینی شرکت نکرده بودیم و حسرت به دلمان مانده بود، در این روز نیرو گرفتیم و غرق شادی شدیم. جمعیتی بزرگ (گفته می‌شود هشت هزار نفر) با شعارهای انقلابی و تند علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی توماج. جمعیت را به وجد آورده بود.“

همین شاهد می‌گوید: ”خیلی دوست داشتم چندخطی بنویسم و از درد و رنج خودم در شرایطی

که برادرم در دهه شصت در زندان جمهوری اسلامی زیر شکنجه بود و هر روز مقامات امنیتی به ما خبر می‌دادند که اعدامش می‌کنیم، بگویم. اما سخنرانی برایم دشوار بود، اما بابک یزدی سنگ تمام گذاشت و با بلندگویی که در دست داشت منبع شور و هیجان برای همه بود.“

از خوزستان تا ده‌ها کشور و نزدیک به صد شهر جهان. توماج در حلقه محبت و حمایت میلیونی قرار گرفت. نه فقط با تظاهرات خیابانی بلکه با نوشتن و اظهارنظرکردن و تومار جمع‌کردن و در مدیای شخصی نوشتن، توماج یک‌بار دیگر به قلب‌های مردم آماده انقلاب راه یافت و جمهوری اسلامی با دو چشم از حدقه بیرون‌زده‌اش دید که

باد کاشت؛ اما توفان درو کرد. اتحاد مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی منبع نیروی عظیمی است که منجر به "معجزه" انقلاب می‌شود.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۹ آوریل ۲۰۲۴

خانه‌های امن در جامعه ای ناامن!

آذر پویا

سازمان بهزیستی "پناهگاه زنان خشونت‌دیده" در ارومیه را تعطیل کرد. این تیتر خبردردناکی است که روزنامه شرق روز گذشته اعلام کرده است.

فاطمه باباخانی، مدیر مرکز حمایت از زنان و دختران خشونت‌دیده "مهر شمس آفرید" در حساب ایکس خود نوشت: "پناهگاه کوچک برای زنان خشونت دیده، پناهگاه عزیز تر از جانمان خانه امن غیر دولتی "مهر شمس آفرید" با بدترین شکل ممکن تعطیل شد."

خشونتِ نه تنها خانگی بلکه خشونت قانونی علیه زنان و کودکان هر روزه بطور آشکار در کوچه و خیابان اعمال میشود. روزانه شاهد اخبار و کلیپهائی هستیم که اوباشان حکومتی چگونه زنان را کشان کشان به داخل ون های دولتی میاندازند و برای اینکار از هیچگونه اعمال وحشیانه از باتوم و لگد تا تجاوزهای جنسیتی ابا ندارند. در چنین شرایطی ایجاد خانه های امن برای زنانی که در منزل توسط همسر، پدر، برادر و بطور کلی افراد مذکر خانواده مورد خشونت قرار میگیرند نه تنها معنا و مفهومی ندارد بلکه امری دست نیافتی بنظر میرسد.

در حکومتی که "زن کشی" تحت نام قتلهای ناموسی برای حفظ آبروی خانواده جرم محسوب نمیشود و

قاتل با کمال خونسردی سربریده را بدست گرفته در خیابانهای شهر «میزان غیرت و مردانگیش» را به رخ دیگران میکشد؛ در کشوری که پدر شبانه با تبر به سراغ دختر ۱۴ ساله اش میرود و فردای آنروز با خیال راحت خود را به کلانتری محل معرفی میکند، در جائیکه شهردار سابق پایتخت بعد از قتل همسرش، مورد لطف و مرحمت ماموران کلانتری قرار میگیرد و هزاران نمونه مشابه، انتظار داشتن خانه های امن برای حمایت از زنان و کودکان بی سرپناه شاید رویائی شیرین اما دست نیافتی بنظر بیاید.

قربانیان خشونت در ایران کم نیستند؛ اینرا میشود از آمار "قتلهای ناموسی"، خود کشیها و .... متوجه

شد. در قوانین بسیاری از کشورها قربانیان خشونت تحت حمایت قانونی قرار گرفته و خشونت خانگی جرم انگاری شده است. تا هر زمان و تا هر نوع ستمی علیه زنان وجود دارد خصوصا در کشوری مثل ایران که مردسالاری در پناه قوانین متحجر اسلامی جان و زندگی زنان را تهدید می کند، بستن هر کدام از این خانه ها یعنی قتل و شکنجه تعداد بیشتری از زنان. به هر طریق ممکن باید از موسسین چنین اماکنی حمایت کرده و اجازه نداد خانه های امن، این جان پناه قربانیان خشونت از جامعه جمع شوند.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۹ آوریل ۲۰۲۴

توماج: "یاد آر که مرگ نسیانم"

یاشار سهندی

یک نکبتی به اسم "محسن افشانی" که در باتلاق جمهوری اسلامی رشد کرده و هنرپیشگی‌اش در خدمت پلشتی حاکم است، اطمینان داده که توماج اعدام می‌شود! می‌گوید: "مملکت قانون داره، کف خیابان جای اعتراض نیست"! اکبر گنجی که دیگر حنایش رنگ ندارد اما نبضش هنوز با جمهوری اسلامی می‌زند اطمینان داده که توماج اعدام نخواهد شد. از مریدش، خمینی نقل کرده "هر چیزی که موجب وهن اسلام است قطعاً حرام است" و گله کرده چرا یک "قاضی نابخرد" هزینه روی دست جمهوری اسلامی گذاشته که فردای لغو حکم اعدام توماج

صالحی "خارجی‌ها و مخالفان جمهوری اسلامی ادعا خواهند کرد که در اثر فشار ما بود" و تأکید کردند "آبروی نداشته جمهوری اسلامی رفت، با لغو قطعی این حکم هم نظام صاحب آبرو نخواهد شد و اکثریت مردم به آن اعتماد نخواهند کرد". این دو، دوروی سکه حکومت جنایت‌کار اسلامی هستند. هر دو اعتماد خود به جنایتکاران حاکم را به‌حساب مردم می‌نویسند. کوتوله‌هایی که یکی مورد غضب نظام واقع شده و دیگری در آن می‌چرد.

توماج ترانهٔ "بازمانده آبان" را خواند که خیلی چیزها فراموش نشود، و ما مجبوریم خیلی چیزها را به فراموشی نسپاریم. جرم بزرگ او همین بود که نخواست نکبتی که در این ۴۵ ساله بر سر ما مردم

فروریخته شده فراموش شود و یادآور شد "من خروش یه خشمم، غیظم، ریزش یه سدم، سیلم/ از درون یه رنگم، طفلم، لطیف مثل مرگم، شعرم".

روزگاری فروغ چنین سرود: "تنها صداست که می‌ماند." و صدا وقتی ماندگار می‌شود که پژواکی یابد و بیش از آن این صدا بخواهد یک چیزهای را مدام تو گوش ما، همه فریاد کند: "تابش ناگریزِ نورم، رویش ناگزیرِ بذرم".

توماج صدایش ماندگار است، چون مرگ نسیان را فریاد کرد و از رویش ناگزیر جوانه‌ها گفت. این صدا پژواک یافت؛ چون مردمی عزم کرده‌اند که زیباترین انقلاب جهان، انقلاب زنانه را به سرانجام

خود برسانند که شعارش زندگی و آزادی است.

حکومت درمانده با صدور حکم اعدام توماج می‌خواهد ثابت کند هنوز در بر پاشنه جنایت و تباهی می‌چرخد. ولی هر قدمی برمی‌دارد بر ضد خودش تبدیل می‌شود. پایان داستان آن گونه نیست که اکبر گنجی و آن دیگری که در خدمت نظام پلشت اسلامی هستند می گویند، بلکه پایان داستان را توماج‌ها، "یکی ازهزاران" به شیرینی خواهند نوشت وقتی مردمی مصمم شده اند تا بر این بساط تباهی حاکم نقطه پایانی بگذارند.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۹ آوریل ۲۰۲۴

غزه و اعتراضات دانشجویی در آمریکا

محسن ابراهیمی

دانشگاه‌های آمریکا در هفته‌های اخیر به میدان اعتراضات وسیع دانشجویان با خواست پایان نسل کشی ارتش اسرائیل در نوار غزه تبدیل شده است. اعتراض به جنایات دولت اسرائیل در غزه به حق است و باید از آن دفاع کرد. اما در متن اعتراضات دانشجویان، اتفاقات دیگری رخ می‌دهد که باید تصویر روشنی از آنها داشته باشیم.

ازیک‌طرف جریان دست راستی حاکم در اسرائیل و از طرف دیگر جریانات اسلامی ضد یهود به هر شکل ممکن سعی می کنند از فضای اعتراضی جاری در دانشگاه‌های آمریکا، برای پیشبرد اهداف فاشیستی

و مذهبی‌شان استفاده کنند. ازیک‌طرف، بنیامین نتانیاهو، اعتراضات دانشجویان را با "یهودی‌ستیزی در دهه ۳۰ میلادی در دانشگاه‌های آلمان" مقایسه می‌کند؛ سیاستمداران دست راستی در هیئت حاکمه آمریکا و رسانه‌های دست راستی مثل فاکس نیوز، یک جنگ صلیبی به نفع نتانیاهو و علیه هر نیرویی که خواهان پایان‌دادن به نسل‌کشی در غزه و راه‌حل دو دولت مستقل و زندگی صلح‌آمیز میان همه مردم در اسرائیل و فلسطین هستند راه می‌اندازند و در چنین فضایی تعدادی دانشجوی معترض به اتهام یهودستیزی دستگیر می‌شوند و از طرف دیگر، مثل همیشه مرتجعین اسلامی تلاش می‌کنند در متن چنین اعتراضاتی برای تحرک ضد یهودی میدان پیدا کنند؛ طوری که حتی دستگاه تبلیغاتی حکومت اسلامی هم تلاش می‌کند این

اعتراضات را در جهت سیاست‌های یهودی‌ستیزانه و ارتجاعی نظام اسلامی بالا بکشد و حتی بی‌شرمانه برای آزاد بیان دانشجویان در آمریکا اشک تمساح بریزد!

باید حساب دانشجویان معترض که خواهان پایان‌دادن به نسل کشی در غزه و زندگی صلح آمیز در چهارچوب دو دولت اسرائیل و فلسطین هستند را از دار و دسته‌های اسلامی جدا کرد که سعی می‌کنند به چنین اعتراضات دانشجویی رنگ و بوی ضد یهودی بدهند. باید مخصوصاً به حکام اسلامی اعلام کرد که دنیا از پرونده خون‌آلودشان علیه آزادی بیان و مردم معترض در ایران آگاه است و وضعشان خراب‌تر از آن است که حتی سعی کنند قیافه مدافع آزادی بیان در آمریکا را به

خود بگیرند. باید در کنار محکوم‌کردن قاطعانه نسل‌کشی دولت اسرائیل در غزه، در کنار حمایت قاطع از دو دولت مستقل در کنار هم هر منفذی برای سوءاستفاده سیاسی سران فاشیست اسلامی در ایران به نام همدردی با مردم غزه را ببندیم. توحش حماس در هفت اکتبر علیه شهروندان اسرائیل با حمایت جمهوری اسلامی نشان داد که حکومت اسلامی خود یک عامل اصلی فراهم‌کردن زمینه برای تداوم اعمال جنایتکارانه دولت اسرائیل علیه مردم غزه است.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۹ آوریل ۲۰۲۴

فراخوان به اعتراض و اعتصاب عمومی
در روز ۱۲ اردیبهشت

حزب کمونیست کارگری ایران

”شبکه زن زندگی آزادی“ در اعتراض به احکام اعدام، جنگ علیه زنان و فقر و فلاکت فراخوان اعتصاب عمومی در مراکز کار، حمل و نقل و خدمات عمومی، دانشگاه‌ها و مدارس و کسبه و بازار برای روز ۱۲ اردیبهشت، روز جهانی کارگر، داده است.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از این فراخوان حمایت میکند و کلیه مراکز کارگری، بخش‌های مختلف خدمات، حمل‌ونقل، کسبه‌وبازارودانشگاه‌ها و مدارس و همه مردم معترض را فرامیخواند که

در روز ۱۲ اردیبهشت دست به اعتراض و اعتصاب بزنند.

ما همچنین کلیه احزاب و سازمان‌های سیاسی و کلیه نهادها و تشکل‌های کارگری و مردمی را به حمایت از فراخوان اعتراض و اعتصاب عمومی در روز جهانی کارگر فرامیخوانیم. فی‌الحال بخش‌های مختلف بازنشستگان برای روز ۱۲ اردیبهشت فراخوان به تجمع در تهران و شهرهای دیگر داده‌اند و بسیاری از فعالین انقلاب زن زندگی آزادی از فراخوان اعتصاب و اعتراض سراسری حمایت کرده‌اند.

حمله وحشیانه به زنان و حکم اعدام توماج صالحی و خطر اعدام زندانیان سیاسی دیگر و از طرف دیگر

فقر و فلاکتی که گریبان اکثریت مردم را فراگرفته است، در کنار دزدی‌ها و اختلاس‌های مفتخوران حاکم جامعه را از خشمی عمیق لبریز کرده است. همه جا فریاد مردم بلند است. زنان مقاومت میکنند، بازنشستگان در شهرهای مختلف تجمع میکنند و علیه اعدام و حجاب اجباری و علیه این وضعیت فلاکت‌باری که حکومت به جامعه تحمیل کرده است شعار میدهند، کارگران علیه دستمزدهای شرم‌آور دست به اعتصاب میزنند، دانشجویان به اشکال مختلف در اعتراض هستند، زندانیان اعتصاب میکنند و شجاعانه در مقابل ظلمی که به آنها و به جامعه میشود قد علم کرده‌اند، دادخواهان، جوانان، پرستاران، کشاورزان، کامیونداران، مالباختگان، کولبران و سوخت‌بران، نویسندگان، وکلا، هنرمندان

و ورزشکاران از این اوضاع به ستوه آمده و به اشکال مختلف خشم و اعتراضشان را نشان میدهند. در خارج کشور نیز بار دیگر هزاران نفر علیه اعدام و در حمایت از زنان به میدان آمده و تحرک تازه و قدرتمندی را در شهرهای مختلف جهان شروع کرده‌اند. در چنین شرایطی روز جهانی کارگر فرصتی است تا همه مردم، زنان و جوانان و همه مردم انقلابی متحد و یکپارچه علیه حکومت منفور و جنایتکار اسلامی، علیه مفتخوران و دزدان حاکم به میدان بیایند، اعتصاب و اعتراض کنند، زنان هر چه گسترده‌تر بدون حجاب به خیابان بیایند تا از هر طرف طفیلی‌های حاکم را محاصره کنیم.

حکومت در اوج بحران و شکاف‌های درونی دست و

پا میزند و هر سر کوب و جنایتش با اعتراض کوبنده مردم مواجه میشود. با یک حرکت متحد و یکپارچه در سراسر کشور به میدان بیاییم و ارگان‌های سرکوب حکومت را فلج کنیم. این فرصت تاریخی را نباید از دست بدهیم.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲۹ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۱۸

۳۰ آپریل ۲۰۲۴ – ۱۱اردیبهشت ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

حجاب، حجاب، شعارشان، دزدی و غارت کارشان

سینا پدرام

موشکافی در پرونده قتل دایانای ۱۱ساله

کیوان جاوید

”سوانح کار“ و حکومت جنایت اسلامی

سیاوش آذری

۱۵ سال مجازات زندان برای هم‌جنس‌گرایی در عراق

سمیر نوری

حجاب، حجاب، شعارشان،
دزدی و غارت کارشان

سینا پدرام

عنوان این مطلب شعاری از طرف کارگران و بازنشستگان است.

اوضاع سیاسی جامعه ایران مانند هر جای دنیا ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های خود را داراست. آنچه که در ادبیات سیاسی به‌عنوان مبارزه طبقاتی از آن یاد می‌شود در اشکال سیاسی متنوعی هر روزه در عرصه سیاسی ایران به نمایش گذاشته می‌شود. پرچالش‌ترین مبارزه طبقاتی که در ایران امروز در جریان است مسئله حجاب و آزادی زن است. شعار بالا رابطه حجاب و مبارزه طبقه کارگر برای امر تأمین معیشت و حقوق رفاهی را به موجزترین

شکلی بیان کرده است.

نگاهی به روزنامه‌ها و رسانه‌های ایران نشان می‌دهد که چرا میلیاردرهای اسلامی، سران ارگان‌های سرکوب رژیم و سرداران سپاه، آخوندهای ریزودرشت، حوزه‌های جهلیه و غیره با یک صف آرایی مضحک، یک‌صدا معضل حجاب اجباری و لایحه عفاف و حجاب را اولویت ویژه رژیم ارزیابی می کنند. حسین نوری همدانی، مرجع تقلید، "طرح نیروی انتظامی برای مقابله با بی‌حجابی را ضروری دانست" و گفت: "ما نگران اقتصاد و معیشت مردم هستیم و به همان ترتیب هم درباره حجاب به‌شدت حساسیم." رئیس کمیسیون قضایی مجلس گفت: "این کمیسیون ایرادات شورای نگهبان به لایحه عفاف و حجاب را برطرف و مجدداً این لایحه را به شورا ارسال کرده است." و بالاخره بعدازاین همه

بالا و پایین کردن‌ها کاشف به عمل آمد که بودجه روحانیون افزایش ۱۰۰ درصدی پیدا کرده است و مجموع بودجه نهادهای مذهبی و فرهنگی وابسته به روحانیون بیش از ۶۷ هزار میلیارد تومان تعیین شده است!

رابطه حجاب اجباری، حمله به زنان، حمله به رفاهیات جامعه، حمله به کودکان کار و خیابان، حمله به کارگران را با رانت‌خواری‌ها، اختلاس‌ها و جیب میلیاردرهای اسلامی از این روشن تر نمی توان نشان داد. در اینکه مبارزه طبقاتی و مبارزه برای یک جامعه انسانی، یک جامعه برابر و آزاد، یک جامعه سوسیالیستی با مبارزه روزمره سیاسی و معیشتی چه ارتباطی با هم دارند، شفافیتی در سپهر سیاسی‌اجتماعی ایران وجود دارد که در کمتر جامعه‌ای در حال حاضر می‌توان یافت.

جامعه برابر و آزاد، جامعه‌ای سوسیالیستی در ایران، از خلل‌وفرج این مبارزات عروج خواهد کرد: از مبارزه برای حق پوشش اختیاری تا مبارزه برای آزادی بیان، تا مبارزه برای آموزش رایگان و غیرمذهبی تا مبارزه برای حق داشتن مسکن مناسب و درخور شأن انسان و حق یک زندگی انسانی و برابر و بدون تبعیض برای همه شهروندان به‌عنوان یک حق مسلم شهروندی.

سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

۳۰ آپریل ۲۰۲۴

موشکافی در پرونده قتل دایانای ۱۱ساله

کیوان جاوید

روز پنجشنبه، شش اردیبهشت وقتی اسم و عکس دایانا با چهره معصوم و دوست‌داشتنی در مدیای اجتماعی منتشر شد و "کمپین معلولان" در شبکه ایکس از مفقودشدن این دختر خبر داد و برای پیداکردن این گم شده در حال مدد خواهی بود، "تیمی مجرب و باسابقه از کارگاهان کارکشته" به یُمن بهره‌بردن از تکنیک کشف اسرار در نظام اسلامی (شکنجه) بسیار سریع پرده از راز یک جنایت برداشت. مادر دایانا دختر مبتلا به اوتیسمش را با ضربات کارد به قتل رساند و جسدش را در باغ خارج شهر به آتش کشید.

سنگدلی، بی‌رحمی، شیطان صفتی و هر صفات منفی ای که به ذهن می‌آید را می‌توان نثار این مادر قاتل کرد. مگر ممکن است مادری فرزندش را این‌چنین در اوج قساوت قلب به قتل برساند؟ چگونه توانسته است بدن نحیفش را این‌چنین آماج ضربات کارد کند؟ چگونه توانسته است جان‌کندن دخترش را ببیند و منتظر بنشیند تا آخرین قطرات خونش از بدن خارج شود و آنگاه بر جنازه‌اش کبریت بکشد و شاهد سوختنش باشد؟ ظاهراً ما با یک هیولا روبرو هستیم. کارآگاهان زبردستِ دوره‌دیده در سیستم اعتراف گیری جمهوری اسلامی خیال همه را راحت کردند. قاتل شناسایی شد و احتمالاً به‌زودی طناب دار به زندگی‌اش پایان می‌دهد. آیا پرونده این قتل باید اینجا بسته شود؟

موشکافی در پرونده این جنایت که با عاملیت مادر شروع شد همکاران و همدستان قهار و بی‌رحم‌تری دارد. دایانا دچار بیماری اوتیسم بود. در ایران تحت حاکمیت جانیان حاکم، این قاتلان زنجیره‌ای، بیماران تحت پوشش خدمات درمانی نیستند، فقرا تحت حمایت سیستم بیمه‌های رفاهی نیستند. فقر و فلاکت چهره و سازنده جامعه‌ای است که در خط بقا با مرگ و نیستی و نابودی فیزیکی و روحی دست‌وپنجه نرم می‌کند. در این جامعه دختری با مشکلات جسمی و روحی به دنیا می‌آید و این زندگی لعنتی به این مادر نگون‌بخت اجازه نمی‌دهد با خیال راحت از این فرزند بیمار خود مراقبت کند. غارتگران حاکم مسئولیتی در برابر زندگی مردم ندارند و نتیجه این می‌شود که می‌بینیم. حکومت اسلامی توانسته است از یک

مادر که می‌توانست همیشه عاشق دخترش باشد، یک قاتل بی‌رحم بسازد.

قاتل دایانا، مادر به آخر خط رسیده و تهی شده از عاطفه‌اش است. اما سازمان‌دهنده این قتل حکومت اسلامی است. با برپایی یک جامعه انسانی بر ویرانه‌های جمهوری اسلامی، دایاناها به قتل نمی‌رسند، از زندگی لذت می‌برند.

سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

۳۰ آپریل ۲۰۲۴

"سوانح کار" و حکومت جنایت اسلامی

سیاوش آذری

بنا بر آمار پزشکی قانونی "سوانح کاری" در ایران در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ بیش از ۱۱ درصد افزایش داشته است. در یک سال اخیر دو هزار و ۱۱۵ کارگر جان خود را ازدست‌داده و ۲۷۷ هزار و ۳۷۷ کارگر مصدوم گشته‌اند. این آمار به معنی کشته‌شدن بین پنج تا شش و مصدوم شدن ۷۶۰ کارگر در روز است. سقوط از ارتفاع، اصابت جسم سخت، برق‌گرفتگی، سوختگی و کمبود اکسیژن به ترتیب اصلی‌ترین علل مرگ کارگران را تشکیل می‌دهند.

البته در این آمار، به مرگ بر اثر شدت کار و طول روز کاری که شکلی دیگر از جنایات نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران است اشاره‌ای نشده است.

ستم و حق‌کشی سازمان‌یافته بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصاد سرمایه‌داری است. هدف تولید در نظام سرمایه‌داری، استثمار هر چه بیشتر کارگران و افزایش سود است. افزایش طول روز و شدت کار، کاهش دستمزد به نازل‌ترین سطح ممکن، کاهش هزینه تولید از طریق عدم به‌کارگیری وسائل ایمنی و ایجاد شرایط مناسب ایمنی کاری از جمله شیوه‌های مورداستفاده سرمایه در این راستا است. از منظر سرمایه جان و سلامت شخص کارگر فاقد کمترین ارزش است و تا جایی که به کسب سود کمک بیشتر می‌کند در محاسبات ملحوظ می‌گردد. اما یکی از

مهم‌ترین حربه‌های سرمایه برای افزایش سودآوری استفاده از ابزار دولت و رژیم‌های دیکتاتوری و ایجاد خفقان از طریق سرکوب عریان و تحمیل فقر و محرومیت و شرایط اسفناک زندگی بر مردم است.

بااین‌حال به یُمن صدها سال مبارزه بی‌امان طبقه کارگر و مزدبگیران، جامعه قادر به تحمیل برخی محدودیت‌ها بر سرمایه و تنظیم قوانین برای ایجاد شرایط ایمنی کاری مناسب‌تر و انسانی‌تر شده است. اما جمهوری اسلامی مبتنی بر اختلاس، رشوه و اقتصاد مافیایی و دزدسالار پشیزی ارزش برای همین دست‌آوردهای حداقلی و جان انسان‌ها قائل نیست. شرایط غیرانسانی کنونی در محیط‌های کاری حاصل تحمیل شرایط زیست این اقتصاد اسلامی دزدسالار است.

در مقابل، مبارزه مردم علیه رژیم اسلامی بی‌وقفه ادامه دارد و اکنون در هیبت یک انقلاب و با پرچم زن زندگی آزادی به پیش می‌رود. مطالبه شرایط مناسب و ایمنی کاری و اعتراض علیه تحمیل شرایط غیرانسانی در محیط‌های کار قدمی مهم در جهت پیشروی و پیروزی این انقلاب و ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر کرامت و رفاه انسان‌ها و عاری از بردگی مزدی و استثمار است.

سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

۳۰ آپریل ۲۰۲۴

۱۵ سال مجازات زندان برای هم‌جنس‌گرایی در عراق

سمیر نوری*

تعدادی از نمایندگان متحجر مجلس عراق قطعنامه‌ای به پارلمان عراق ارائه دادند تا قانون مبارزه با فحشا صادر شده در سال ۱۹۸۸ را به قانون مبارزه با فَحشا و هم‌جنس‌گرایی تغییر دهند. در این قطعنامه برای افرادی که خارج از ازدواج رابطه جنسی برقرار کنند و برای همجنس‌گرایان مجازات اعدام و برای کسانی که هم‌جنس‌گرایی یا فحشا را تبلیغ می‌کنند و یا پزشکانی که برای تغییر جنسیت اقدام به عمل جراحی می‌کنند مجازات زندان در نظر گرفته شده است.

تحت‌فشار سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی،

ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام و فشار اتحادیه اروپا و آمریکا، پارلمان عراق با حضور ۱۷۰ نماینده از مجموع ۳۲۹ نماینده، پس از تغییراتی در پیش‌نویس قطعنامه در روز ۲۷ آوریل آن را تصویب کرد. در این مصوبه مجازات اعدام به ۱۰ تا ۱۵ سال حبس و پرداخت جریمه تغییر کرد. طبق این مصوبه هر پزشکی که جراحی تراجنسیتی انجام دهد و هر کسی که هم‌جنس‌گرایی را تبلیغ کند به یک تا سه سال زندان محکوم می‌شود و هر رسانه‌ای که هم‌جنس‌گرایی و آزادی جنسی را تبلیغ کند ممنوع می‌شود. تا قبل از تصویب این قانون هم‌جنس‌گرایی در قوانین عراق جرم تلقی نمی‌شد.

آنها عامدانه مغلطه کردند و رابطه جنسی خارج از ازدواج را فحشا و هم‌جنس‌گرایی را ناهنجاری جنسی نامیدند تا هیچ رسانه‌ای حق دفاع از

هم‌جنس گرایی را نداشته باشد. این قانون از سوی احزاب شیعه وابسته به جمهوری اسلامی صادر شده و نمایندگان آنها نیز در جلسه برای رأی‌گیری شرکت داشتند. جمهوری اسلامی نه‌تنها در ایران، بلکه در کل منطقه به دنبال سرکوب، استبداد و آپارتاید جنسیتی است.

این قانون آزادی بیان را نیز تماماً سلب می‌کند، جامعه را به عقب می‌برد و همه کسانی را که از همجنس گرایان و آزادی روابط جنسی میان افراد بزرگسال دفاع می‌کنند تهدید می‌کند. این مصوبه در چارچوب قوانین اسلامی و شریعت قرون‌وسطایی نوشته شده و ازدواج متعه و موقت و اسلامی را که چیزی جز فحشای رسمی و اسلامی نیست به قانون تبدیل کرده است.

ما سوسیالیست‌ها، برابری‌خواهان و فعالان علیه

اعدام، اعتراض کردیم و توانستیم نمایندگان مجلس را مجبور کنیم که مجازات اعدام در پیش‌نویس این قانون وحشیانه را حذف کنند، اما کلیت این قانون ارتجاعی به تصویب نمایندگان مرتجع پارلمان عراق رسید. ما در برابر این قوانین ارتجاعی و اسلامی سکوت نمی‌کنیم.

*سمیر نوری دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق است.

این متن از عربی به فارسی ترجمه شده است.

سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

۳۰ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com

ایمیل:
journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:
www.instagram.com

تلگرام:
https://t.me/journalfarsi

ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

زورنال

شماره ۷۱۹

۱ مه ۲۰۲۴ – ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

ویژه اول ماه مه، روز جهانی کارگر

اول مه بر همه ۹۹ درصدی های ایران و جهان مبارک باد

سلام بر زندگی با اول ماه مه

از طرف سردبیران و دست‌اندرکاران ژورنال

ژورنال، اول ماه مه - روز جهانی کارگر را به همه شما ۹۹ درصدی‌های ایران و جهان تبریک می‌گوید.

در این ویژه‌نامه که به مناسبت این روز تاریخی تهیه شده است تنها فرازهایی از جدال نظری، سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر را در برابر دنیا و نظام سرمایه‌داری زالو صف مشاهده می‌کنید. اول ماه مه روز جهانی کارگر فقط یک جشن در یک روز معین نیست. این روز فراتر از همه روزها و جشن‌ها یادآور مهم‌ترین نبرد تاریخی همه "هیچ بودگان" جهان در برابر طبقه‌ای است که رنج بشریت تأمین‌کننده "گنج" بی‌پایان آنها است.

ما این روز را جشن می‌گیریم؛ چون تا همین امروز و علی‌رغم اینکه جهان هنوز اسیر مناسبات اسارتبار سرمایه‌داری است، بدون نبرد بی‌امان این طبقه دستاوردهای رفاهی و سیاسی و اقتصادی

کنونی برای بشریت متصور نبود. اول ماه مه امتداد مبارزه هر روزه همه مردم برای رهایی از فقر و نابرابری و به‌دست‌آوردن آزادی و رفاهی همگانی است.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱ مه ۲۰۲۴

طبقه کارگر و آزادی

آزادی آرمان و خواستی است که ظاهراً همه در مورد آن توافق دارند. اما آزادی از دید طبقه کارگر اساساً از درک رایج کاپیتالیست‌ها و دولت‌هایشان تفاوت دارد: طبقه کارگر اولاً خواهان آزادی‌های بی‌قیدوشرط است و برخلاف یک‌درصدی‌ها

آنرا به مقدسات ملی مذهبی و اخلاقی و غیره مشروط نمی‌کند، و ثانیاً از آزادی‌های سیاسی - مدنی فراتر می‌رود و خواهان آزادی از جبر اقتصادی است. جامعه، در نظامی که معیشت کارگر را برای کار کشیدن و استثمار او به گرو گرفته است، آزاد نیست. حتی برخورداری واقعی از آزادی‌های مدنی - سیاسی نیز مستلزم آزادی از جبر اقتصادی است. رهائی طبقه کارگر و کل جامعه در گرو نفی محدودیت‌ها و تبصره‌های ملی مذهبی قومی بر آزادی و مهم‌تر از آن نفی جبر اقتصادی است.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱ مه ۲۰۲۴

ما کار می‌کنیم که زندگی کنیم، زندگی نمی‌کنیم که کار کنیم

این شعار پلاکارد روز جهانی کارگر در تهران در سال ۱۳۸۶ بود. می‌خواهیم زندگی کنیم، شاد باشیم و رفاه و آزادی داشته باشیم. نمی‌خواهیم

سرمایه‌داران سی‌سال چهل سال هر روز از صبح تا شب شیره جانمان را بمکند و وقتی بازنشست می‌شویم با فقر و بدبختی و هزار نوع بیماری دست‌وپنجه نرم کنیم.

اگر نظام بردگی مزدی حاکم نبود همه می‌توانستند هفته‌ای بیست ساعت کار کنند و از تمام امکانات رفاهی برخوردار باشند. در این نظام فقط اقلیتی انگل، زندگی دارند، بقیه باید تا جان دارند برای این انگل‌ها کار کنند. برای زندگی به معنی واقعی کلمه، این نظام را باید از ریشه درآورد. این کار انقلاب سوسیالیستی است.

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳
۲۰ مارس ۲۰۲۴

جنبش کارگری و زنان

موقعیت اجتماعی زنان در همه جای جهان با مردان تفاوت دارد. تفاوت از نوع کار، رشته‌های تحصیلی، دستمزد متفاوت برای کار مشابه و هر آنچه که می‌تواند به زندگی اجتماعی انسان‌ها مربوط باشد، مانعی دوچندان در برابر زنان به

وجود می‌آورد.

طبقه کارگر یک صنف در میان اصناف دیگر نیست. طبقه کارگر ناجی رهایی بشر است و برای رهایی از نظام اسارت‌بار سرمایه‌داری در همه سنگرها رودرروی طبقه حاکم قرار می‌گیرد. در ایرانِ تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، ستم جنسیتی و مبارزه علیه این ستم در رأس مبارزه جنبش کارگری قرار دارد. به این دلیل گفته می‌شود انقلاب علیه جمهوری اسلامی، انقلابی زنانه است. این انقلاب پیروز نمی شود مگر اینکه سرنگونی جمهوری اسلامی به رهایی همه انسانها منجر شود.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱ مه ۲۰۲۴

جنبش کارگری و مساله مذهب

شغل مذهب خدمت کردن به طبقات دارا، سرکار گذاشتن توده‌های محروم کارگران با وعده رستگاری آن جهانی و تن دادن به بردگی مزدی در این جهان

بوده است!

ایران زیر سلطه حکومت اسلامی، گویاترین نمونه این نقش مذهب است. در ایران اما اسلام در نقش ایدئولوژی به خون کشیدن انقلاب برای عدالت اجتماعی سرکار آمد و در قالب مافیای آیت‌الله‌ها، در قالب سپاه و بسیج و زندان و شکنجه مستقیماً در مقابل کارگران قرار گرفت و به همین دلیل، در ایران، اسلام نه‌تنها قدرت تخدیر کارگران را ندارد؛ بلکه خود، همراه طبقه حاکم موضوع مبارزه است. شعار اخیر کارگران بازنشسته، "حجاب حجاب شعارشون، دزدی و غارت کارشون"، یکی از جلوه‌های برجسته تقابل کارگران با میلیاردرهای حاکم و ایدئولوژی اسلامی‌شان است.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱ مه ۲۰۲۴

کارگران و مجازات اعدام

طبقه کارگر ایران در مبارزه برای احقاق حقوق خود با حکومتی روبروست که در دفاع از سرمایه‌داران، کارگران را دستگیر و زندانی می‌کند، شلاق می‌زند و حتی ترور و اعدام می‌کند.

بخشی از قربانیان مستقیم اعدام کارگران بوده‌اند و آنجا هم که اعدام برای سرکوب جامعه بکار رفته، مبارزات و اعتراضات کارگری در سایه آن راحت‌تر مورد تعرض قرار گرفته است.

اعدام چماق سرکوب کارگران و کل جامعه است. طبقه کارگر که در حفظ ستم و استثمار هیچ نفعی ندارد با هر گونه خشونت دولتی علیه شهروندان مخالف است و پرچم دفاع از زندگی را در دست دارد. اعدام پاسخ دیکتاتورها و تأمین زندگی مرفه پاسخ کارگران به مصائب اجتماعی است.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱ مه ۲۰۲۴

جنبش کارگری و جرم سیاسی

جرم سیاسی یعنی رسمیت دادن به دیکتاتوری و حفظ مناسباتی که فقر و فلاکت و استثمار را ابدی و ازلی می‌کند. در جامعه‌ای که جایی برای فقر و فلاکت نباشد، جرم سیاسی نیز وجود نخواهد داشت. در جامعهٔ انسانی، آزادی بیان و

اندیشه بی‌قیدوشرط حق همه شهروندان است و هر کجا، توسط هر مقام و در هر شرایطی اسمی از جرم سیاسی به میان بیاید، دستان خونین دیکتاتورها و دیکتاتوری هویدا خواهد شد.

جنبش طبقه کارگر جهانی و همین‌طور جنبش کارگری در ایران، در همراهی با اکثریت عظیم مردم ستم‌دیده بی‌وقفه علیه آنچه که "جرم سیاسی" گفته می شود ایستاده است و به این معنا با همه قوا علیه دیکتاتوری طبقه حاکم مبارزه می کند.

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳

۲۰ مارس ۲۰۲۴

آزادی، برابری، رفاه

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک‌دنیای ایده‌آل بی‌شک یکی نیست. اما با این‌همه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چندهزارساله جامعه بشری دائماً به‌عنوان شاخص‌های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده‌اند، تاحدی‌که دیگر به‌عنوان مفاهیمی

مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته‌اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص‌ها قرار دارند.

دقیقاً همین ایده‌آل‌ها بنیادهای معنوی کمونیسم کارگری را تشکیل می‌دهند. کمونیسم کارگری جنبشی برای دگرگونی جهان و برپایی جامعه‌ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱ مه ۲۰۲۴

جنبش کارگری و ناسیونالیسم

ناسیونالیسم مخرب‌ترین ایدئولوژی طبقه سرمایه‌دار است که به نام ملت، وطن، میهن و میهن‌پرستی، اکثریت عظیم آن وطن یعنی طبقه کارگر را بچاپند و هر اعتراض کارگران را هم به نام وطن‌فروشی و خیانت به میهن در هم بکوبند. وطن واقعی سرمایه‌داران اما کیف‌های

پولشان است. کیف‌هایی که صاحبانش عاشق هر جایی در جهان هستند که کارگرش ارزان‌تر، سودش بیشتر و وضعش امن‌تر است.

ناسیونالیسم، دنبال تخریب اتحاد در صف جنبش کارگری است. در داخل هر کشور، با الصاق هویت ملی و قومی و زبانی به بخش‌های مختلف کارگران و در سطح جهان، تحریک کارگران "وطن" در مقابل کارگران "دشمن"

جنبش کارگری برای مبارزه متحدانه، باید با ناسیونالیسم به‌عنوان یک کلاهبرداری سیاسی مقابله کند!

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱ مه ۲۰۲۴

زنده‌باد منشور ۲۰ تشکل

در دی‌ماه ۱۴۰۱، به دنبال روزهای طوفانی انقلاب زن زندگی آزادی، بیست تشکل کارگری، معلمان، زنان، بازنشستگان، دانشجویان و دانش‌آموزان منشوری اعلام کردند که به‌واقع پرچم این انقلاب بود.

مطالبات اساسی سیاسی و اقتصادی مردم که در دوازده بند این منشور آمده از آزادی‌های بی‌قیدوشرط سیاسی تا برابری کامل حقوق زن و مرد، لغو مجازات اعدام، برچیده‌شدن ارگان‌های سرکوب و مصادره اموال اشخاص و نهادهایی که زندگی مردم را غارت کرده‌اند و ممنوعیت دخالت مذهب در قوانین کشور، پرچم اتحاد مردم علیه همه مصائب اقتصادی و سیاسی و برای پایان‌دادن به صدسال استبداد و عقب‌ماندگی مذهبی و غیرمذهبی است. تنها حول چنین خواست‌هایی می‌توان متحد شد، سرنگون کرد و جامعه‌ای مدرن و انسانی ساخت.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱ مه ۲۰۲۴

زنده باد اداره شورایی

انقلاب زن زندگی آزادی، انقلابی برای پایان‌دادن به هر نوع حکومت آقابالاسر است. مردم حق دارند در همه تصمیمات محیط کار و زندگی خود و در سطح کلان کشور مشارکت و تصمیم‌گیری کنند و این تنها با حاکمیت شورایی، از پایین تا بالا، ممکن است نه با پارلمان. پرچم اداره شورایی را

اسماعیل بخشی در دل مبارزات طوفانی هفت‌تپه در سکوی سخنرانی فعالین اعتصاب اعلام کرد و با استقبال کارگران و بخش زیادی از جامعه روبرو شد.

زنده‌باد اداره شورایی، زندگی شورایی و حاکمیت شورایی

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱ مه ۲۰۲۴

رهایی بشر و لزوم لغو بردگی مزدی

برآمدن جامعه سرمایه‌داری مصادف است با پدیدارشدن عصر روشنگری و به میدان آمدن آرمان‌های آزادی، برابری و کرامت انسانی. بشری که تا دیروز رعیت به شمار می‌آمد اکنون به‌عنوان شهروند از حق تعیین سرنوشت خود برخوردار

گشته بود. اما ظهور دنیای نوین زنجیرهایی نامرئی را بر دست‌وپای شهروند "آزاد" زده بود: اجبار به بردگی مزدی. شهروند اکنون می‌توانست فروش نیروی کار در ازای مزد برای بقا را انتخاب کند و یا مرگ از گرسنگی.

آزادی تنها در دنیایی ممکن است که از اقتدار پول و بردگی مزدی رها شده باشد؛ دنیایی که تأمین‌کننده نیاز همه انسان‌ها باشد و هر انسان به‌اندازه توانش در خدمت این جامعه انسانی باشد.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱ مه ۲۰۲۴

طبقه کارگر و قدرت سیاسی

در جوامع طبقاتی قدرت سیاسی در دست طبقه‌ای است که وسائل تولید را در دست دارد. اما طبقه کارگر خواهان نفی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید است. از دید طبقه کارگر تولید باید در خدمت کل جامعه باشد و بوسیله همه مردم

کنترل و اداره شود.

از نظر سیاسی این به معنای نفی دولت مافوق مردم و در دست‌گرفتن قدرت سیاسی بوسیله توده مردمی است که در شوراها سازمان‌یافته‌اند. دولت شورایی دولت به معنی متعارف آن، سلطه یک‌طبقه بر کل جامعه، نیست؛ بلکه ارگان اداره امور است. این اساس و رکن نظام سوسیالیستی است که طبقه کارگر در چشم‌انداز جامعه قرار می‌دهد.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱ مه ۲۰۲۴

یک‌دنیای بهتر

روز جهانی کارگر
همبستگی و همدلی کارگران
روز جهانی کارگر همبستگی و همدلی کارگران
روز جهانی کارگر همبستگی و همدلی کارگران
روز جهانی کارگر

مذهبی و غیرمذهبی حتی در دنیای به‌اصطلاح مدرن امروز، ایده‌هایی که هریک به نحوی علاج‌ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ می‌کنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده‌های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان‌پذیری و حتی اجتناب‌ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا می‌تواند از محرومیت‌ها و مشقات و کمبودها و زشتی‌های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان‌ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چندوچون دنیای فردا مؤثر است، یک نگرش ریشه‌دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده‌های وسیع مردم را جهت می‌دهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق

دارد، به امید و اعتقاد انسان‌های بیشمار و نسل‌های پی‌درپی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، به دست خود انسان، ضروری و میسر است.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱ مه ۲۰۲۴

زنده باد روز جهانی کارگر

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۲۰

۲ مه ۲۰۲۴ – ۱۳ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

اول ماه مه امسال در ایران، یک ارزیابی

شهلا دانشفر

توماج، نیکا و "زن زندگی آزادی" در میتینگ‌های اول مه

اصغر کریمی

اعتراضات اخیر، بار دیگر ایرانیان به خیابان‌ها بازگشتند

بابک یزدی

نیکای قهرمان، فراتر از زمان و مکان

کیوان جاوید

سپاه پاسداران باید تروریست اعلام شود!

محسن ابراهیمی

اول ماه مه امسال در ایران، یک ارزیابی

شهلا دانشفر

اول ماه مه امسال گامی مهم در جهت تداوم و تقویت انقلاب زن زندگی آزادی بود و عمقی دیگر به آن بخشید. در این روز ما شاهد قد علم‌کردن جنبش نوین کارگری در قامت صاحب جامعه بودیم که در پیشاپیش جامعه در حرکت است و کارگران در بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایشان و در شعارهای اعتراضی‌شان بطور واقعی دست به ریشه برده و کل سیستم بردگی و توحش حاکم را به نبرد طلبیدند بعلاوه مهم‌ترین مسایل جامعه از جمله جنگِ حکومت علیه زنان برای بازپس‌گرفتن سنگر فتح شده انقلاب، گسترش سرکوبگری‌های حکومت و

اعدام‌ها توسط رژیم برای عقب زدن انقلاب و فقر و فساد و چپاولگری حاکم را به موضوعات محوری در شعارهای اعتراضی و سخنرانی‌ها و به بندهای مهم قطعنامه‌ها و بیانیه‌های این روز تبدیل شدند. ضمن اینکه این اول مه گفتمان برای رفتن به‌سوی اعتصابات سراسری را تقویت کرد.

اول مه بازنشستگان با شعارهای "حجاب حجاب شعارشان، دزدی و غارت کارشان"، "روسری را رها کن فکری به حال ما کن" و فریاد "توماج یک ملته، ملت را آزاد کنید"، "نه تهدید نه زندان نه اعدام نیست جلودار ما" حلقه پیوند محکمی بین مبارزه علیه فقر و فساد و مبارزه علیه آپارتاید جنسیتی و جنایتکاری‌های حکومت ایجاد کردند و این را نه

فقط در اعتراضات کف خیابانی در چندین شهر، بلکه در سخنرانی‌ها از جمله در سخنرانی ابراهیم عباسی در نیشکر هفت‌تپه و در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های ویژه این روز دیدیم.

در همین راستا روی میز گذاشته شدن دوباره منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل که سال ۱۴۰۱ انتشار یافت و نقش مهمی در عقب زدن تحرکات راست و منشورهایش داشت، توسط هشت تشکل کارگری و اجتماعی با تأکید بر عاجل‌ترین مسائل جامعه نظیر حجاب، اعدام و وضع اسف‌بار معیشتی در شش خواست، اتفاق سیاسی مهمی بود. بعلاوه اولین بند قطعنامه مشترک سه تشکل شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، اتحادیه آزاد

کارگران ایران و سندیکای واحد تأکید بر تداوم بخشیدن به جنبش زن زندگی آزادی؛ و ارتقای، گسترش و عملی ساختن منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های صنفی و مدنی مردم ایران، بعنوان راه رهایی مردم ستمدیده از چنگال استبداد حاکم بود. بدین‌گونه جنبش کارگری بعنوان سدی محکم در برابر تعرضات حکومت به دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی، با تأکید بر نقطه پایان گذاشتن به حاکمیت صدسال بساط ستم و استثمار و اعمال قدرت از بالای سر مردم، راه پیشروی انقلاب را مقابل همه گذاشت.

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲ مه ۲۰۲۴

توماج، نیکا و "زن زندگی آزادی"
در میتینگ‌های اول مه

اصغر کریمی

انقلاب زن زندگی آزادی و اسم و عکس توماج صالحی در روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف اروپا، استرالیا و کانادا طنین انداخت.

تحت تاثیر انقلاب زن زندگی آزادی و درست چند روز پس از تظاهرات های بزرگی که در ۶۰ شهر جهان علیه حکم اعدام توماج و علیه یورش وحشیانه حکومت به زنان سازمان داده شد، ایرانیان زیادی در راهپیمایی‌ها و میتینگ‌های اول مه در بسیاری از شهرهای آلمان، فرانسه، انگلیس، سوئد، اتریش،

هلند، استرالیا، کانادا و ... حضور یافتند، با عکس‌ها و پلاکاردهایی از توماج، با پخش ترانه‌های توماج و با شعار زن زندگی آزادی، پوسترهایی از کارگران زندانی، از نیکا و دیگر جانباختگان انقلاب، از کارگران زندانی و بنرهایی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران و یا سپاه پاسداران تروریست است و جمهوری اسلامی باید بایکوت شود.

نفس شرکت طیف وسیعی از ایرانیان در مارش اول مه در کنار اتحادیه‌های کارگری نیز حائز اهمیت بود و طیفی از فعالین سیاسی ایرانی را به هم نزدیک کرد.

فعالین حزب کمونیست کارگری در اکثر این تجمعات با تجهیزات کامل، باندرول‌ها، پلاکاردها

و پوسترهای مختلف و بلندگوهایی برای شعار دادن به رسم همه سال‌های گذشته فعالانه حضور داشتند. امسال اما تفاوتش با سال‌های قبل این بود که ایرانیان زیادی نیز در این روز حضورداشتند و فضای اعتراض و انقلاب مردم ایران را در ابعاد وسیعی منعکس کردند.

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲ مه ۲۰۲۴

اعتراضات اخیر، بار دیگر ایرانیان به خیابان‌ها بازگشتند

بابک یزدی

در روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه گذشته یعنی ۲۶ تا ۲۸ آوریل در خارج کشور در اعتراض به حکم ظالمانه برای توماج صالحی و همچنین در اعتراض به موج جدید یورش به زنان، بار دیگر ایرانیان خارج کشور در بیش از ۶۰ شهر جهان و برخی نیز در ظرفیت‌های هزاران نفره به خیابان بازگشتند.

بسیاری از این تظاهرات از طرف "کارزار جهانی نه به اعدام در ایران" و یا "سازمان جی ان" که نزدیک به انجمن خانواده‌های پرواز پی اس ۷۵۲

است فراخوان داده شده و یا حمایت شده بود.

در تورنتو ما شاهد بزرگ‌ترین تظاهرات خارج کشور در روز یکشنبه ۲۸ آوریل بودیم که از طرف برخی از دانشجویان فراخوان داده شده بود و احزاب، سازمان‌ها و نهادهای مختلفی حمایت و یا شرکت کرده بودند. در این تظاهرات به روایت پلیس از ۸ تا ۱۰ هزار نفر شرکت کردند و بزرگ‌ترین اعتراض علیه رژیم اسلامی را در سال جاری سازمان دادند. سخنرانان که اغلب از دادخواهان یا داغداران، وکلای مردمی و خانواده‌های زندانیان سیاسی بودند خواهان گذاشتن سپاه در لیست تروریستی و همچنین بایکوت رژیم اسلامی شدند. حامد اسماعیلیون یکی از سخنرانان تورنتو بود که سخنرانی پرشورش با شعارهای رادیکال

و سرنگونی طلبانه جمعیت همراه بود. خیابان‌های تورنتو نیز بار دیگر طنین‌انداز شعارهای انقلابی و شورانگیز تظاهرکنندگان و حمایت آنها از توماج صالحی و آزادی زندانیان سیاسی و دفاع از انقلاب زن زندگی آزادی بود.

در شهرهای دیگر کانادا از جمله اتاوا، ونکوور، مونترال و هالیفکس نیز از طرف "کارزار جهانی نه به اعدام در ایران" و سایر جریانات، اعتراضاتی سازمان داده شده بود. در ونکوور نیز شاهد تظاهرات با شکوه و بزرگی بودیم. مینا احدی که برای نمایش فیلم زندگی و مبارزاتش به کانادا سفر کرده است یکی از سخنرانان ونکوور بود. وی از مبارزات و تجربیاتش در مبارزه علیه اعدام سخنانی ایراد کرد.

در شهرهای اروپا نیز از استکهلم و مالمو تا فرانکفورت و کلن و ... شاهد تظاهرات بزرگ و قابل‌توجهی بودیم. این تظاهرات شوروشوق تازه‌ای در میان ایرانیان خارج کشور ایجاد کرد، وسیعاً خبررسانی شد و بر فضای اعتراض در داخل کشور نیز بلافاصله تأثیر گذاشت.

تجمعات اعتراضی کارگران و بازنشستگان، فضای اعتراض در داخل ایران و تظاهرات باشکوه در خارج کشور در روز اول ماه مه امید به پیروزی را چندین برابر کرد. به خیابان‌ها باز می‌گردیم.

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲ مه ۲۰۲۴

نیکای قهرمان، فراتر از زمان و مکان

کیوان جاوید

اسنادی که سرویس جهانی بی‌بی‌سی به دست آورده حاکی از آن است نیکا پس از دستگیری و با دست‌های بسته مورد تعرض جنسی و ضرب‌وجرح قرار گرفته و بر اثر ضربات سه مأمور امنیتی کشته شده است.

در این لحظه خشم وجودم را فراگرفته و نیکای قهرمان، نیکای محبوب، نیکای زیبا و نیکای زندگی تماماً وجودم را تسخیر کرده است. حالا نیکا را می‌بینم که می‌گوید نترس، خشم خودت را مهار کن. بایست و بجنگ. بجنگ همچون

من. همچون مهسا، مثل سارینا و حدیثه و آیدا و مثل همه زنان درگیر این انقلاب زیبا. مثل همه پسران و مردان درگیر در این انقلاب.

نیکا با من حرف می‌زند، بی شک با همه ما حرف می‌زند. در چشم ما نگاه می‌کند و می‌گوید: من، دختری ۱۶ساله با هزاران آرزوی سرکوب شده در این انقلاب، حجاب اسلامی و اجباری این قاتلان را به آتش کشیدم و رهبر میدانی این انقلاب بودم. من در آن لحظات سخت و شوم که "پشت آن وانت بدون آرم و نشان توسط نیروهای امنیتی تجاوز شده و به وحشیانه‌ترین شکل ممکن به قتل رسیده‌ام"، به تو، به شما، به مردم ایران و همه انسان‌ها در جهان و همه نهادهای بین‌المللی و همه دولت‌های جهان می‌گویم. من تا آخرین

لحظهٔ نفس‌کشیدنم و تا آخرین قطره خونم در مقابل جلادان متجاوز ایستادم، شعار دادم و جنگیدم. من، نیکا شاکرمی التماس نکردم، تسلیم نشدم و تقاضای بخشش نکردم. من برای زن زندگی آزادی ایستادم و قهرمانانه جان باختم.

زندگی نیکا کوتاه بود. تحت حاکمیت جلادان اسلامی شور جوانی‌اش سرکوب شد. نیکا محکوم به دنیا آمده بود. محکومِ شدهِ توسط اسلام و حکومت اسلامیون جلاد. نیکا با قدم‌گذاشتن به این دنیا، برای بقاء خود به‌عنوان یک زن باید صدچندان می‌جنگید تا زنده بماند. با این‌همه، او شور بود و زندگی بود و امید. نیکای ما را وحشیانه به قتل رساندند؛ اما زندگی پابرجاست و برای زندگی باید جنگید و پیروز شد. قتل دلخراش

نیکا بی‌شک شعله‌های خشم ما را فروزان‌تر کرده و امید ما را به رهایی صدچندان می‌کند.

اگر مهسا در سن ۲۲ سالگی "مادر انقلاب زن زندگی آزادی" شده است، بی‌تردید نیکا در سن ۱۶ سالگی بزرگ‌ترین خواهر این انقلاب است. در لحظات سخت و نفس‌گیر اما به مادر، خواهر و خاله نیکای قهرمان می‌گویم یک جهان را با خود دارید. همچنان که همه جان‌باختگان این انقلابِ انسانی قلب‌های همه ما را تسخیر کرده‌اند.

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲ مه ۲۰۲۴

سپاه پاسداران باید تروریست اعلام شود!

محسن ابراهیمی

دیوید کامرون، وزیر خارجه بریتانیا در نشست یک کمیته پارلمان بریتانیا ضمن تأکید بر تأثیر گذاری "نظام تحریمی"شان برای مقابله با "کارهای غیرقانونی" سپاه، گفت که تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران می‌تواند به قطع روابط دیپلماتیک با حکومت اسلامی منجر شود. او اضافه کرد که در تروریستی اعلام کردن سپاه "یک نکته منفی وجود دارد و آن این است که این‌چنین اقدامی به روابط دیپلماتیک ما پایان می‌دهد، و... وقتی موضوع تلاش برای جلوگیری از تشدید درگیری‌ها مطرح می‌شود، وقتی صحبت از ارسال پیامی مستقیم به ایرانی‌ها

می‌شود، من ترجیح می‌دهم خودم با آنها گفت‌وگو کنم، نمی‌خواهم به همتای فرانسوی‌ام تلفن بزنم و بگویم، آیا می‌توانید به ایرانیان این پیام را ارسال کنید".

در پاسخ به وزیر خارجه بریتانیا:

اولاً رئیس همتای فرانسوی شما، یعنی امانوئل مکرون، در چهارچوب همان روابط دیپلماتیک مستقیم، درست در لحظات اوج‌گیری انقلاب زن زندگی آزادی، دستان خون‌آلود آیت‌الله قاتل را فشرد. آیت‌اللهی که دست خودش و سران حکومتش تا آرنج به خون نوجوانانی مثل نیکا شاکرمی آغشته است. دختر نوجوانی که همین دیروز در مستند سرویس جهانی بی‌بی‌سی معلوم شد چه بی‌رحمانه کشته شده است. مکرون آنموقع این "رابطه دیپلماتیک" با یک جنایتکار را اینطور توجیه کرد: "من خیلی

روشن گفتم که ما از حقوق بشر، به‌خصوص حقوق زنان دفاع می‌کنیم. البته در مورد برجام هم مفصل صحبت کردیم؛ ولی بر روی این مسئله تأکید کردم که این خیلی مهم است و اعتبار ایران مطرح است، و اینکه آنها باید این مسئله را حل کنند.“ چه اتفاقی افتاد؟ آنها ”این مسئله“، یعنی اعتراض مردم برای حقوق زنان را با زندان و شکنجه و کشتار پاسخ دادند.

ثانیاً، ”نظام تحریمی“ شما سران دول اروپایی، در واقع به یک حقه‌بازی سیاسی تبدیل شده است که عملاً با آن ادامه مماشات با نظام آپارتاید جنسیتی حاکم در ایران را توجیه می‌کنید. مردم ایران نه‌تنها خواهان اعلام سپاه پاسداران به‌عنوان یک نیروی تماماً تروریست هستند، بلکه خواهان قطع کامل روابط

دیپلماتیک، خواهان تعطیل‌کردن اماکنی هستند که با تابلو کنسولگری و سفارت به مراکز گسترش مساجد و مراکز تبلیغ و جذب نیرو برای تروریسم اسلامی تبدیل شده‌اند. اماکنی که در آنها جاسوسی علیه معترضین ایرانی، قاچاق اسلحه و پول‌شویی سازماندهی می‌شود. مردم ایران حتی فراتر از این خواهان بازداشت و محاکمه تروریست‌هایی هستند که به نام دیپلمات و با پنهان‌شدن پشت مصونیت دیپلماتیک، چمدان حاوی مواد منفجره حمل‌ونقل می‌کنند.

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۲ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۲۱

۴ مه ۲۰۲۴ – ۱۵ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

سوسیالیسم در یک نگاه

سؤال از حمید تقوایی

جولیان آسانژ و روز جهانی آزادی مطبوعات

ناصر شیشه‌گر

اینجا مرگ می‌کارند و زندگی درو می‌کنند

سیما بهاری

جهان متمدن در دفاع از توماج بپا می‌خیزد!

شهاب بهرامی

آزادی و روز جهانی آزادی مطبوعات

کیوان جاوید

سوسیالیسم در یک نگاه

سؤال از حمید تقوایی

کیوان جاوید: تعریف شما از سوسیالیسم چیست؟

حمید تقوایی: سوسیالیسم از نظر اقتصادی یعنی لغو مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و فوراً باید اضافه کرد که منظور از مالکیت خصوصی فقط مالکیت افراد نیست؛ بلکه مالکیت دولتی هم نوعی مالکیت خصوصی است. مالک سرمایه یک فرد باشد و یا تعاونی باشد و یا دولتی در هر حال اساس سرمایه‌داری سودا ندوزی و بردگی مزدی است. برای کارگری که استثمار می‌شود اینکه مالک سرمایه چه کسی است اهمیتی ندارد، مهم نفی شرایطی است که ثمره کار

کارگر نه در رفاه او بلکه در افزایش سود سرمایه و ثروت سرمایه‌دار متجلی می‌شود. آنچه رهائی واقعی کارگران و همه جامعه، ۹۹ درصدی‌هایی که در استثمار و سوداندوزی منفعتی ندارند، را تضمین می‌کند اداره و کنترل تولید و کل نظام اقتصادی بوسیله خود مردم است. مردم متشکل در شوراها باید خود کنترل تولید را در دست بگیرند. اینجا بحث بر سر مالکیت - به هر شکل جمعی و فردی دولتی و غیره- نیست، بلکه بر سر اداره امور بوسیله جامعه است. شوراها مالک کارخانه‌ها و وسائل تولید نیستند بلکه عامل اداره اقتصاد و مناسبات تولیدی در خدمت رفاه کل جامعه هستند.

از نظر سیاسی سوسیالیسم به معنی نفی قدرت مافوق مردم است. قدرت سیاسی مستقیماً در

دست شوراهای مردم قرار می‌گیرد که هر زمان اراده کنند می‌توانند مسئولین را عزل و نصب کنند. دولت در جوامع طبقاتی ابزار سلطه طبقه مالک بر وسائل تولید، در عصر ما طبقه سرمایه‌دار که اقلیت ناچیزی را تشکیل می‌دهد، بر کل جامعه است. نظام سوسیالیستی به سمت نفی جامعه طبقاتی، یا به قول مارکس فراتر رفتن از جامعه مدنی به جامعه انسانی، حرکت می‌کند و این به معنای نفی دولت به‌عنوان ابزار سلطه یک طبقه، و تبدیل آن به ارگان اداره امور جامعه است.

به طور خیلی فشرده می‌توان گفت سوسیالیسمی که ما خواهان آن هستیم بر سه رکن مبتنی است. اول: سازماندهی تولید باهدف و محور تأمین رفاه کل جامعه، دوم: رفع همه تبعیضات طبقاتی و ملی و

قومی و مذهبی و جنسی و جنسیتی، و سوم: تضمین آزادی‌های همه‌جانبه و بی‌قید شرط مدنی و اجتماعی و فرهنگی از جمله نفی جبر اقتصادی، یعنی نفی اجبار شهروندان به کار برای تأمین معیشت.

کیوان جاوید: جامعه سوسیالیستی موردنظر شما چه مختصاتی دارد که تا کنون در باره آنها یا گفته نشده یا کمتر گفته شده است؟

حمید تقوایی: نکته مهمی که کمتر درباره آن صحبت شده اینست که نظام و حکومت سوسیالیستی ایدئولوژیک نیست. کسی رانت ایدئولوژیک ندارد و در برخورداری از حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و شرایط معیشتی و رفاهی، عقاید و دکترین و طرز فکر افراد ملاک قرار نمی‌گیرد. تعلق یا عدم

تعلق آنها به احزاب و تشکل‌های مختلف نیز ملاک نیست. این ویژگی بسیار مهم است؛ چون صد و هشتاد درجه نقطه مقابل تجربه نظام‌های مدعی سوسیالیسم است.

نکته دیگر که خود یک نتیجه غیرایدئولوژیک بودن حکومت و نظام سوسیالیستی است، اینست که نظام سوسیالیستی نظامی تک‌حزبی نیست. اولاً آزادی بی‌قیدوشرط احزاب، همانند آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و رسانه‌ها و تشکل و اعتراض و اعتصاب، یک رکن نظام سوسیالیستی است و ثانیاً دولت ارگان هیچ حزبی نیست، بلکه همانطور که اشاره کردم، شورائی است. احزاب به هر اندازه بتوانند شوراها را به سیاست‌های خود متقاعد کنند در مسئولیت‌های دولتی نقش خواهند داشت.

خصوصیات دیگر هم می‌توان برشمرد؛ ولی دو جنبه فوق از جمله مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که نه‌تنها کمتر مورد تأکید نیروهای مدعی سوسیالیسم قرار گرفته، بلکه مهم‌تر از آن در نظام‌های مدعی سوسیالیسم تمام‌نفی‌شده‌است.اساس‌سوسیالیسمی که‌حزب‌مانمایندگی‌می‌کندانسانیت‌وبازگرداندن اختیار به انسان است. ما می‌خواهیم بشریت از "جامعه مدنی" فراتر برود و به قول مارکس به "جامعه انسانی یا انسانیت اجتماعی شده" برسد. هدف غائی سوسیالیسم چیزی جز این نیست.

شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۴ مه ۲۰۲۴

جولیان آسانژ و روز جهانی آزادی مطبوعات

ناصر شیشه گر

روز جهانی آزادی مطبوعات (سوم می برابر با ۱۴ اردیبهشت) به ما یادآوری می کند که چقدر آزادی بیان و مطبوعات در سطح جهان محدود شده است و چقدر لازم است که بشریت متمدن در مقابل این محدودیت ها بایستد.

نحوه رفتار با جولیان آسانژ و پاپوشی که علیه او ساخته شده نمونه بارز نقض آزادی مطبوعات در جهان است که هدفش ارعاب ژورنالیستها و به سکوت واداشتن افشاگران است. آسانژ در سال ۲۰۱۰ به سوئد رفت تا امکانات را برای استقرار

پایگاه اصلی ویکی لیکس در آنجا بررسی کند. اما مقامات آمریکایی که به دست داشتن او در افشای اسناد محرمانه پی برده بودند، در رسانه های گروهی، انواع افترائات و اقسام اتهامات را به او وارد کردند و بدون اینکه کوچکترین امکانی برای دفاع از خود به او بدهند او را به خاطر افشای جنایات جنگی آمریکا و انگلیس در عراق و افغانستان غیاباً به ۱۷۵سال زندان و مرگ محکوم کردند.

نیلس ملزر، گزارشگر ویژه سازمان ملل، در این مورد پنجاه سوال از وزارت امور خارجه سوئد پرسیده ولی این وزارتخانه به هیچ یک از آنها پاسخی نداده است. از سوی دیگر استفانیا مائوریتسی، روزنامه نگار ایتالیایی، به اتفاق پرسی برات، وکیل سوئدی، که خواهان دسترسی به ایمیل های رد و بدل شده

بین دادستانی کل سوئد و دادستانی انگلستان بودند، به آنها گفته شد که این اسناد پاک شده اند.

الآن قریب پنج سال است که جولیان آسانژ در زندان حفاظتی ویژه بلمارش در لندن حبس است و خطر اخراج به آمریکا او را تهدید میکند. فعلاً جای شکرش باقی است که آمریکا تا آذر ماه درگیر انتخابات رئیس جمهوری است و احتمال اخراج آسانژ کم است ولی برای هیأت حاکمه آمریکا و انگلیس مرگ او در زندان نیز مغتنم است.

البته دادگاهی که در لندن او را محاکمه کرده معترف است که آسانژ از حق آزادی بیان محروم شده و به علت تابعیت غیرانگلیسی اش مورد تبعیض قرار گرفته و هنوز هم خطر مرگ تهدیدش می کند. اما

این دادگاه مدارک و شواهد موجود مبنی بر نقشه آمریکا برای ربودن و کشتن او را مورد رسیدگی قرار نداده بلکه فقط از مراجع آمریکایی خواسته که در مورد رفتار انسانی با او تضمین بدهند.

سرنوشت جولیان آسانژ داستان غم انگیز قربانی کردن نه فقط یک انسان که یک حق پایه ای بخاطر منافع ضد انسانی سرمایه داری است. آسانژ را فراموش نکنید و به دفاع از وی برخیزید!

شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۴ مه ۲۰۲۴

اینجا مرگ می‌کارند و زندگی درو می‌کنند

سیما بهاری

سازمان حقوق بشر ایران پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت اعلام کرد: «جمهوری اسلامی در بازده زمانی ۲۸ فروردین تا ۱۱ اردیبهشت، هر پنج ساعت یک نفر را اعدام کرده است.»

بشر با نوآوری‌ها و تحقیقات زیاد در سال‌های اخیر به‌خصوص در حوزهٔ پزشکی به دستاوردهای بزرگی رسیده. تشخیص بیماری‌ها، جراحی‌های پیچیده، معاینات دقیق، با استفاده از هوش مصنوعی و با در خدمت گرفتن علم و تکنولوژی با اطمینان بیشتری پیش می‌رود. همهٔ تلاش این است که عمر انسان طولانی‌تر و باکیفیت‌تر شود.

جمهوری اسلامی اما با شقاوت تمام خنجر بر هنه‌اش را به روی انسانیت می کشد. هر پنج ساعت با اعدام زندگی را از یک نفر می گیرد و در دلِ بستگانش و همین‌طور کل انسانیت حفره‌ای ایجاد می کند که هرگز پُر نخواهد شد.

جامعه نشان داده که این سبعیت را نمی خواهد. علیه حکم اعدام توماج همگی یکپارچه شدیم. یکپارچه شدیم چرا که زندگی را دوست داریم. در تجمعات روز جهانی کارگر بازنشستگان و معلمان با صدای بلند، نام توماج را فریاد زدند و خواهان لغو حکم اعدام و آزادی‌اش شدند. ما گفتیم و فریاد زدیم در دفاع از جان و زندگی انسان‌ها تا آخر می‌جنگیم و حکومت اعدام را شکست می‌دهیم. جمهوری

اسلامی با هیچ ترفندی، دیگر نمی‌تواند مردم را بترساند و عقب براند. مردم از حکومت بیزارند و در طی انقلاب زن زندگی آزادی تنفرشان به تشکل و نهاد، و مطالباتش به بیانیه و میثاق تبدیل شده است.

جمهوری اسلامی حکومت اعدام و سنگسار و شلاق است. اما در طول این سال‌ها ما آموخته‌ایم که اگر با هم باشیم می‌توانیم کارهای بزرگی انجام دهیم. سنگسار را متوقف کردیم. ما در جهان صدای سکینهٔ محمدی آشتیانی شدیم که در معرض سنگسار بود و به جمهوری اسلامی نشان دادیم که قادریم جهان متمدن و بشریت مدافع انسانیت را با خود همراه کنیم.

امروز جنبش علیه اعدام جنبشی بسیار قوی و شناخته شده و در تمام جهان ریشه دارد. باید دست‌های بیشتری همراه شوند. نباید اجازه بدهیم ماشین اعدام جمهوری اسلامی زندگی‌ها را درو کند. رژیم جمهوری اسلامی با کشتار زنده است. ما می‌توانیم این ابزار را از دستش در آوریم. انقلاب دارد همهٔ کثافاتی که حکومت به جامعه تحمیل کرده را از ریشه می‌خشکاند. بازنشسته، معلم، کارگر، دانشجو و همهٔ بخش‌های جامعه تشنهٔ زندگی و خواهان حرمت هستند. صفوف خود را فشرده‌تر کنیم. یک‌صدا فریاد بزنیم: نه به اعدام! زنده‌باد زندگی

شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۴ مه ۲۰۲۴

جهان متمدن در دفاع از توماج بپا می‌خیزد!

شهاب بهرامی

در اخبار می‌خوانیم: "نزدیک به ۱۸۰ هنرمند، نویسنده، ورزشکار و کنشگر فرانسوی و ایرانی با ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهوری فرانسه از او خواستند تا از همه توان خود برای لغو حکم اعدام توماج صالحی، استفاده کند." (لوموند)
همچنین "بیش از ۴۰۰ نفر از بازماندگان جنگ ایران و عراق خواهان لغو حکم اعدام توماج صالحی شده‌اند".

سازمان معتبر بریتانیایی "ایندکس آن سنسورشیپ" یا "شاخص سانسور" روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت،

یک درخواست فوری از جانب خانواده توماج صالحی به دو نماینده ویژه سازمان ملل متحد برای تجدیدنظر در حکم اعدام این خواننده معترض ارسال کرده است، و البته که این لیست طولانی است.

زمانی "بیلی جوئل" نوازنده آمریکایی گفته بود: "من فکر می‌کنم موسیقی بیانی انفجاری از انسانیت است، موسیقی پیوندی جهانی است". وودی گاتری ترانه‌سرا، خواننده و نوازنده سوسیالیست آمریکایی با ترانه‌های اعتراضی‌اش، خود بیانی انفجاری برای دستیابی به جهانی انسانی بود. سیر تحول موزیک اعتراضی از کلاسیک‌هایی چون نینا سیمونه، باب دیلان، جان لنون، ویکتورخارا، باب مارلی، در ژانر کلاسیک‌های سول، بلوز، راک و

رِگه با تسمه نقاله پانک ها به رپرهای معترضی مثل توپاک شکور نابغه رپر اعتراضی رسید. توماج نه‌تنها ادامه‌دهنده راه و سبک توپاک است بلکه تکامل دهنده سبکی نو در موسیقی‌اش است که به لحاظ اجتماعی و هدایت جنبش اعتراضی و اعتراض آشکار و عریانش، با دفاع تمام‌قد از آزادی و برابری، در دفاع از انقلاب زن، زندگی آزادی، وی را به الگویی والا برای همه ستمدیدگان و به رهبری دانا در میدان مبارزه بدل کرده است. توماج می‌داند که موسیقی پیوندی جهانی است، او می‌داند با موسیقی‌اش جهان متمدن را به دفاع از انقلاب زنان و ستمدیدگان ایران فرامی‌خواند.

چند روز گذشته به‌راستی روزهایی برای توماج بود، غلغله‌ای در داخل و خارج در حمایت از توماج

و لغو فوری حکم جنایت‌کارانه اعدامش و برای آزادی بی‌قید و شرطش موج می‌زد، همه برخاستند، گوهر عشقی، دانشجویان، بازنشستگان، کارگران، معلمان و دیگر اقشار گوناگون اجتماعی، صدای توماج شدند. ایرانیان خارج از کشور، خیابان‌ها و میادین اصلی شهرها را با عکس‌های توماج و ما صدای توماج هستیم، قرق کردند. چرا که "و حالا زمان آن رسیده که کسی بیاید و فریاد بزند: جلادها باید بروند." (ویکتور هوگو) آری و این توماج بود که آمد و فریاد زد که جلادها کارتان تمام است، جارویتان می‌کنیم. زنده‌باد توماج!

شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۴ مه ۲۰۲۴

آزادی و روز جهانی آزادی مطبوعات

کیوان جاوید

گزارشگران بدون مرز در تازه‌ترین گزارش خود که روز جمعه ۱۴ اردیبهشت منتشر شد اعلام کرد حملات سیاسی علیه آزادی مطبوعات، از جمله بازداشت روزنامه‌نگاران و سرکوب رسانه‌های مستقل در یک سال گذشته به طور قابل‌توجهی در جهان افزایش یافته است.

در گزارش این نهاد، چهار کشور اسرائیل، عربستان سعودی، سوریه و ایران، به‌عنوان بزرگ‌ترین زندان‌های جهان برای روزنامه‌نگاران، در سال ۲۰۲۳ معرفی شده است. بر اساس این گزارش جمهوری اسلامی از نظر شاخص‌های روزنامه‌نگاری

در رتبه ۱۷۶ قرار دارد که همراه با کره شمالی، افغانستان، سوریه و اریتره در قعر جدول هستند.

این حمله افسار گسیخته به مطبوعات آزاد و به بند کشیدن روزنامه‌نگاران و در لیست سیاه قراردادن و حتی ترور خبرنگاران بی‌دلیل نیست. دیکتاتورها و حکومت‌های دیکتاتوری فقط یک‌روی سکه به بند کشیدن مطبوعات و آزادی بیان هستند. در ژورنال امروز ناصر شیشه‌گر از جنایتی که کشورهای غربی در حق جولیان آسانژ، این روزنامه‌نگار انسان‌گرا روا داشته می‌شود پرده برداشته است.

دیکتاتوری، سرکوب و به بند کشیدن آزادی باهدف کنترل مردم صورت می‌گیرد. کنترل مردم به دلیل این صورت می‌گیرد که علیه بی‌عدالتی و فقر و

فلاکت اقتصادی دست به مبارزه متشکل نزنند. هر کجا که مردم متشکل‌تر و سازمان‌یافته‌تر باشند بهتر از حقوق اجتماعی و سیاسی خود دفاع می کنند. اعتصاب و اعتراض متشکل و حق تشکل و بیان آزاد عقاید، سود اقتصادی و حاکمیت سیاسی طبقه حاکم در جهان امروز را به خطر می‌اندازد و برای حفظ سلطه این طبقه، ارتش و پلیس و لباس‌شخصی و نیروی اطلاعات و امنیت لازم می‌آید تا اعتراضات سر کوب و سازمان‌دهندگان اعتراضات از میدان بدر شوند. جنایت در حق الهه محمدی و نیلوفر حامدی دو خبرنگار شجاع مدافع انقلاب زن زندگی آزادی از نمونه‌های بارز سر کوب خبرنگاران در جمهوری اسلامی است.

گفته می‌شود در غرب و کشورهای اسکاندیناوی

آزادی مطبوعات و آزادی‌های مدنی و فردی به درجه بالایی و جود دارد و توسط دولت حفاظت می‌شود. این درست است؛ اما هر درجه از وجود این آزادی‌ها با خون‌دل و با مبارزه اجتماعی به دست آمده است و محصول نبرد جامعه با حاکمان سرمایه‌دار است. این نبرد برای محدودتر کردن آزادی بیان از سوی حاکمان در همه‌جا قابل‌مشاهده است. برای رسیدن به آزادی و از جمله آزادی مطبوعات باید از نظام سودپرستی که ضامن حفاظت از بردگی مزدی است فراتر رفت تا به جامعه برابر و انسانی رسید. آنگاه آزادی و برابری دو بال برای پروازِ آزاد اندیشه‌ها خواهند بود.

شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۴ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۲۲

۵ مه ۲۰۲۴ – ۱۶ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

مستند نیکا و لزوم بایکوت رژیم جنایت‌کار اسلامی

حسن صالحی

ترس رژیم اسلامی از زنان آزادی‌خواه

عطیه نیک‌نفس

دانشگاه تسلیم نخواهد شد

سیاوش آذری

علم الهدی، شاهنامه و حجاب

محسن ابراهیمی

زادروز کارل مارکس گرامی باد!

یادداشت سردبیر

مستند نیکا

و لزوم بایکوت رژیم جنایت‌کار اسلامی

حسن صالحی

مستند بی‌بی‌سی درباره چگونگی قتل فجیع و دردناک نیکا شاکرمی بازتاب جهانی یافته و خشم بسیاری را برانگیخته است. ازیک‌طرف ما مسحور شجاعت و ایستادگی یک نوجوان ۱۶ساله می‌شویم که در مقابل تجاوزگران سپاه پاسداران تاآخرین‌نفس از خود دفاع می‌کند و از طرف دیگر از قساوت و سنگدلی حاکمان جنایت‌کاری که تشنه‌به‌خون مردم هستند و هیچ ابایی از کشتن پیران و جوانان ما ندارند در حیرت فرومی‌رویم.

این اولین‌بار نیست که از جنایات مُدهش جمهوری اسلامی پرده‌برداری می‌شود. همین اواخر از سوی کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل و قبلاً به‌دفعات از سوی سازمان عفو بین‌الملل و یا در ایران تریبونال و آبان تریبونال و دادگاه حمید نوری در سوئد جنایات جمهوری اسلامی در دوره‌های مختلف ثبت شده‌اند. مسئله این است که این‌همه مستندسازی از جنایات به محاکمه سران رژیم در دادگاه‌های بین‌المللی و یا قطع رابطه سیاسی با جمهوری اسلامی نی انجامیده است. سازمان ملل قول داده که به اسناد قتل و تجاوز به نیکا شاکرمی رسیدگی کند. ولی سؤال این است که این رسیدگی قرار است به چه بینجامد؟ قاتلین نیکا در ایران همچنان مشغول قتل و جنایت هستند

و وقیحانه‌تر آنکه همه این جنایات را پرده‌پوشی و ارتکاب به آنها را انکار می‌کنند.

برای ما مسئله روشن است. جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران است. این رژیم تبهکار و مافیایی از همان آغاز به‌عنوان اسلحه ارتجاع و فاشیسم مذهبی برای سرکوب مردم حدادی شد و تا امروز برای ما ارمغانی غیر از جنایت و سرکوب و فلاکت نداشته است. حکومت اسلامی نماینده ضدیت با انسان و هر گونه مدنیت است و جایش هم باید در زباله‌دانی تاریخ باشد.

ما با دلی آکنده از درد و خشم به یاد نیکاها و همه کسانی که تا کنون به دست حکومت

اسلامی پرپر شده‌اند اعلام می‌داریم که به کمتر از محاکمه سران و دست‌اندرکاران رژیم راضی نمی‌شویم. ما اعلام می‌داریم که جمهوری اسلامی باید فوراً از همه مجامع بین‌المللی اخراج شود. ما می‌خواهیم که تمام سفارتخانه‌های این رژیم آدمکش بسته شود و جمهوری اسلامی بایکوت شود! سران رژیم باید همواره به‌خاطر داشته باشند که در فردای پیروزی انقلاب مردم با برگزاری محاکمات عادلانه به تک‌تک این جنایات نابخشودنی رسیدگی خواهد شد.

یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۵ مه ۲۰۲۴

ترس رژیم اسلامی از زنان آزادی‌خواه

عطیه نیک‌نفس

”سینا یوسفی، وکیل دادگستری اعلام کرد که رؤیا ذاکری، زن مخالف حجاب اجباری که دوران حبس خود را در زندان مرکزی تبریز سپری می‌کرد، از ۱۱ فروردین با تصمیم مقامات امنیتی به بیمارستان اعصاب و روان رازی منتقل شده است و به‌خاطر تحت‌نظر قرارگرفتن، امکان باخبر شدن از وضعیت او ناممکن شده است.“

دو سال است که رژیم اسلامی مشغول تصویب قانونی است که بتواند با آن به سرکوب زنان ادامه دهد و آن را به‌واسطه دولت و حکومتی که انتخاب

مردم ایران نیست، قانونی جلوه دهد. طی این دو سال نه‌تنها لایحه این قانون که بین مجلس اسلامی و شورای نگهبانش همچنان در رفت‌وآمد است باعث تفرقه درون رژیمی مزدوران اسلامی شده، بلکه زنان آزادی‌خواه ایران که خاکریز حجاب را فتح کرده‌اند با بی‌حجابی عملی آن‌چنان شرایط نفس گیری برای رژیم اسلامی رقم زده‌اند که این دیو زخم‌خورده به درودیوار چنگ می‌زند.

اعدام می‌کند، تجاوز و شکنجه می‌کند، احکام بلندمدت زندان صادر می‌کند، شلاق می‌زند، با شلیک مستقیم در خیابان‌ها می‌کشد، جریمه نقدی می‌کند و زنان مبارز زندانی را از ترس و وحشت از آنها به بیمارستان‌های روانی منتقل

می‌کند. اما همچنان زنان بی‌حجاب و حتی بدون همراه‌داشتن این ابزار نفرت‌انگیز در خیابان‌ها تردد می‌کنند.

رؤیا ذاکری، زنی که با جسارت حجاب اجباری را نپذیرفت به بیمارستان اعصاب و روان منتقل کرده‌اند با این خیال واهی که با ایجاد رعب و وحشت و دور نگاه‌داشتن زنان مبارز از جامعه، زنان به خانه برگردند و تن به بردگی رژیم اسلامی دهند! درحالی‌که زنان برابری‌طلب ایران بارها گفته‌اند: "ما عقب نمی‌کشیم و از راهی که به قیمت خون عزیزانمان طی شده است، برنمی‌گردیم."

رژیم اسلامی باید بداند که چراغ این انقلاب

پرقدرت و مدرن به دست زنان روشن شد و هرگز خاموش نخواهد شد. این انقلاب اصل نظام ضدزن اسلامی را نشانه گرفته و تا سرنگونی این رژیم و به زیر کشیدن اسلام سیاسی از اریکه قدرت همچنان متحدانه و متشکل ادامه خواهد داشت. "زن، زندگی، آزادی" مطالبه‌ای است که صدای تمامی مردم مورد ستم در ایران اسلام‌زده را فریاد می‌زند که کمر به نابودی این رژیم جنایت و فساد بسته‌اند.

یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۵ مه ۲۰۲۴

دانشگاه تسلیم نخواهد شد

سیاوش آذری

بنا بر اظهارات کارن ابری‌نیا دبیر کانون صنفی استادان دانشگاه از زمان آغاز انقلاب زن زندگی آزادی وزارت علوم در تعیین امور دانشگاه‌ها کاملاً نقش خود را ازدست‌داده و دولت رئیسی و «نهادهای متعدد» دیگر برای دانشگاه‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند. وی همچنین اظهار داشته که بعد از آغاز انقلاب جاری حدود ۲۰۰ تن از استادان دانشگاه از شغل خود محروم گشته و یا با محدودیت‌های جدی شغلی مواجه گشته‌اند.

البته این اولین و آخرین دخالت رژیم در امور

دانشگاه‌ها نبوده و نخواهد بود؛ جمهوری اسلامی از بدو روی کار آمدن و در مقاطع بحرانی مختلف از جمله در دوره سرکوب انقلاب ۵۷ و مقطع «انقلاب‌فرهنگی» به حمله به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پرداخته، هزاران دانشجو و استاد را از کار برکنار، تصفیه، دستگیر، زندانی و شکنجه کرده و ده‌ها تن از دانشجویان و استادان انقلابی را به جوخه آتش‌سپرده است.

دشمنی رژیم اسلامی با دانشگاه‌ها از روی قشری‌گری و تعصبات دینی و ایدئولوژیک نیست. گر چه چرندیات اسلامیزه کردن علوم طبیعی و انسانی هرازچندی از دهان سخنگویان و مجریان ریزودرشت رژیم از جمله رهبر الدنگشان مطرح می‌گردد؛ اما حضرات خوب می‌دانند که نه با

آیت‌الکرسی هسته اتم شکسته می‌شود و نه با دعای کمیل موشک و پهپاد پرانی امکان‌پذیر است. دلائل دشمنی با و حمله به دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان کاملاً زمینی و سیاسی است. مسئله باقی‌ماندن در قدرت و استمرار بساط دزدی، فساد، ارتشا، پول‌شویی، رانت، زمین، دریا و جنگل خواری و اقتصاد سرمایه‌داری دزدسالار به قیمت جان و زندگی مردم، آزادی زنان و جوانان، رفاه و شادی کودکان و سالمندان و محرومیت ۹۹ درصد از آحاد جامعه از شرایط زندگی درخور شأن انسان است.

حمله‌اخیر رژیم به دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان نه از موضع قدرت بلکه از سر ضعف و استیصال و نشانه شکست سیاست‌های جمهوری اسلامی

در تحمیل باورها و اسلامیزه کردن و به تمکین کشاندن دانشگاه‌ها، دانشجویان و استادان است. می‌توان و باید با اقدامات متحد از جمع‌آوری تومار و امضا تا سازماندهی اجتماعات و تظاهرات اعتراضی و در همبستگی با کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر اقشار معترض در مقابل تهدیدات و دست‌اندازی‌های رژیم علیه دانشجویان و استادان با تمام قوا ایستاد و رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد و انقلاب جاری را گامی به پیش برد. دانشگاه تسلیم نخواهد شد.

یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۵ مه ۲۰۲۴

علم الهدی، شاهنامه و حجاب

محسن ابراهیمی

گاهی اوقات میتوان از لابلای اظهارات سران حکومت اسلامی تصویر دقیقتری از درماندگی حکومت از یکطرف و قدرت مردم از طرف دیگر در جنگ حجاب گرفت. اظهارات علم الهدی درخطبه های نماز جمعه همین هفته در مشهد یک نمونه برجسته در این مورد است. او در این خطبه، با سر و عمامه اش یک شیرجه آخوندی به "تاریخ ایران باستان" زد و گفت که حتی دردورانی که "هنوز اسلام وارد ایران نشده بود، حجاب فرهنگ زنان بود." شاهد؟ "شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی که از قول منیژه به

عنوان نماد یک زن فرهیخته و ایرانی نقل کرده است: منیژه منم، دخت افراسیاب، برهنه ندیده تنم آفتاب.“

این روی آوردن حقه بازانه آخوندی به شاهنامه فقط نشان میدهد که لشگر شکست خورده اسلام در سنگر حجاب، دست به دامن منیژه شاهنامه شده است که شاید فرجی حاصل شود. این سخنان، در واقع اعتراف یکی از عمامه درشتهای حکومت اسلامی به این حقیقت است که اولا، اسلام و قران و احادیث و روایات و فتواها بدجوری به جنبش بیحجابی باخته اند. ثانیا، اعتراف به این حقیقت است که گشت ارشاد و حجاب بانها و فراجا و لباس شخصیها و یگان ویژه هم در اجرای فتوای علی خامنه ای که ”حجاب هم

حرام شرعی و هم حرام سیاسی است“، شکست سنگینی خورده اند.

علم الهدی از دست زنانی به فردوسی و شاهنامه آویزان شده است که قبلا فتوای خامنه ای در باره ”حرام شرعی و سیاسی“ را به هیچ گرفته اند؛ قداره بندان میدانی نظام را زمینگیر کرده اند؛ دور حجابهای به آتش کشیده شده با موهای افشان رقصیده اند و جنگ بزرگی برای نجات تن و جانشان از نظام اسلامی و حکامش آغاز کرده اند. آویزان شدن امام جمعه نظام در مشهد به بیتی از شاهنامه در مقابل این جنبش عظیم، بیشتر از خود فریبی، درماندگی و دست و پا زدن حکومت اسلامی را نشان میدهد.

نظام اسلامی با بیتی از شاهنامه به زنانی التماس میکند که قبلا به عربده های "ای زن به تو از فاطمه این گونه خطاب است ارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است" دهن کجی کرده اند؛ انقلابی به عظمت "زن، زندگی،آزادی" راه انداخته اند تا دیوار ساخته شده از آخوند و عمامه و عبا و مسجد و قرآن و فتوا میان خود و دریاها و آفتاب را در هم بشکنند و تن و جانشان را به آب و آفتاب بسپارند. منیژه شاهنامه اگر حتی یک روز در فضای رزمنده نیکاها و سارینا‌ها بود، به صف نبرد حماسی آنها می پیوست!

یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۵ مه ۲۰۲۴

زادروز کارل مارکس گرامی باد!

یادداشت سردبیر

امروز ۲۰۰ و ششمین سالگرد تولد کارل مارکس فیلسوف، تئوریسین و رهبر بزرگ کارگران و بشریت متمدن است. انسانیت و رهایی بشر با نام مارکس گره‌خورده است؛ رهایی از ناعدالتی، نابرابری، محرومیت، تبعیض، فقر، بردگی مزدی و مبارزه برای آزادی بی‌قیدوشرط بدون رجوع به آرا و تفکرات مارکس امکان‌پذیر نیست. به قول حمید تقوایی شاید با خواندن مارکس کسی انقلابی نشود؛ اما برای یک انقلابی، برای کسی که دغدغه تغییر وضع موجود و فرا رفتن از حدود جامعه بورژوایی و ایجاد جامعه‌ای انسانی

که شرایط رشد و شکوفایی تمامی توانایی‌های هر فرد انسان را مهیا سازد را دارد نظریات مارکس سلاحی بی‌نظیر است. زادروز مارکس را به‌تمامی خوانندگان ژورنال و همه کارگران و آزادی‌خواهان و برابری‌طلبان تبریک می‌گویم.

یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۵ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۲۳

۶ مه ۲۰۲۴ – ۱۶ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره:کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

اوج بی‌حجابی در درکه تماشایی است

منظر دریاکناری

مدونا و کنسرت عظیمش در برزیل

شهاب بهرامی

اخراج یک میلیون ۳۰۰ هزار نفر

کیوان جاوید

مارکس و شکوفایی جامعه انسانی

سینا پدرام

اوج بی‌حجابی در درکه تماشایی است

منظر دریاکناری

چند روزی است کیلپی در مدیای اجتماعی دست‌به‌دست می شود که نشان‌دهنده عمق تضاد جامعه انسانی با حکومت اسلامی در ایران است. زنی بی‌حجاب با شلوارک و تی شرت با قدم‌های استوار در مجاورت مردی جوان به‌سوی

قله می‌رود. شجاعت کمترین احساسی است که با دیدن این کلیپ به ذهن همه نقش می‌بندد.

جمهوری اسلامی آسمان و زمین را به هم می‌دوزد و نعره‌های گوش‌خراش می‌زند تا در وهله اول زنان و در ادامه آن همه مردم را به قول خودش منکوب و میخکوب وحشیگری خود کند. گشت‌های اوباش پشت‌سرهم، نیروهای مسلح و باطوم به دست در صفوفی طولانی و صرف هزینه‌های نجومی برای به زنجیر کشیدن دوباره زنان تنها نمونه‌هایی از اقدامات از سر جنون این حکومت است.

در تقابل با این سپاهیان مرگ و نیستی، این

دشمنان زندگی و زیبایی، ارتشی از شجاع‌ترین انسان‌ها با دست‌هایی خالی اما با قلبی سرشار از امید قدم در رهایی گذاشتند که پایان این راه آسمان رنگ شادی به خود می‌گیرد و زمین سرشار از طراوت و سبزه و نور می‌شود. این نبرد آخرین است علیه همه آن چیزهایی که زندگی مردم را به ویرانه‌ای تبدیل کرده و خوشی و خوشبختی را از مردم گرفته و جهنمی از همه بلایای واقعی برای مردم ساخته‌اند.

”درکه“ تنها یک نمونه نادر و کمیاب در ایران نیست؛ بلکه ادامه جنگ تمام‌عیار مردم با حکومت اسلامی در همه ابعاد وسیع اجتماعی است. یکی از میلیون‌ها نمونه که خواب حاکمان جاهل و

تبهکار را به کابوسی به پایان تبدیل کرده است. صلابت قدم‌های این زن شجاع زمین را زیر پای حکومت می‌لرزاند و دنیایی از احترام از سوی همه ما برای خود به بار آورده می‌آورد. این شجاعت میلیونی را بیش از این تکثیر کنیم.

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

۶ مه ۲۰۲۴

مدونا و کنسرت عظیمش در برزیل

شهاب بهرامی

”مدونا“ مشهور به ملکه ابدی موزیک پاپ قرن بیست و بیست و یک، روز شنبه ۱۵ اردیبهشت جهت سپاسگزاری و قدردانی از هوادارانش کنسرت بزرگی را در سواحل شهر ریودوژانیروی برزیل برگزار کرد که گفته می‌شود بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در این کنسرت حضور داشتند.

شاید راز این استقبال عظیم و کم‌نظیر در استعداد بی‌همتایش در عرصه موزیک و تلفیق آن با رقص‌های گروهی باشد، شاید در بی‌باکی و شجاعت بی‌همتایش در سنت‌شکنی و حمله به سنت‌های مردسالار

و مذهبی نگاه به زنان باشد، شاید در تمسخر و تحقیر کلیسا و به سُخره گرفتن "مریم مقدس" باشد: "مثل یک باکره"، "لا ایسلا بونیتا"، "مثل یک نیایش" و چرا که نه پاره‌کردن نسخه‌ای از "انجیل مقدس" در کنسرتی بزرگ. اگر بسیاری از منتقدین و صاحب‌نظران، مدونا را یکی از نوادر هنری که در عرصه هنر و زندگی اجتماعی تأثیرگذار بوده، دانسته‌اند؛ اما بسیاری از روزنامه‌های دست راستی، به عنوان هرزه و فاحشه‌ای که عرصه موزیک را به لجن کشیده و به مقدسات مذهبی ملت‌ها توهین کرده، بر او شوریده‌اند.

یکی از دلایل این استقبال، قطعاً نقش موسیقی در هارمونی بخشیدن به روح و روان مردم و تأثیر شگفت‌انگیز آن در زندگی است. شاید کنسرت

مدونا در برزیل بزرگ‌ترین کنسرت موزیک در تاریخ مدرن بعد از فستیوال موزیک "وود ستاک" باشد؛ اما این فقط جشنی از شادی بود درحالی‌که تأثیرات سیاسی - اجتماعی وودستاک، تمامی نسل‌های دهه هفتاد را متأثر ساخت.

اواخر دهه شصت میلادی هیپیسم و هیپیگری نسل جوان و عصیان زده را در غرب به‌سوی خود می‌کشید. نسلی که از جنگ ویتنام خسته و بیزار بود، نسلی که بر دوش فعالین نسل جنبش حقوق مدنی افق‌های دورتری را جستجو می‌کرد، در دوره‌ای که به دوران اعتراض و ناآرامی بزرگ از آن یاد می‌شد. جمعیت متنوع و نیم‌میلیون نفری وودستاک بازتابی از خودبیگانگی آن نسل و بازتابی از زمان‌های به‌سرعت در حال تغییر بود. هیپی‌ها با شعار "جنگ

نه، عشق" و برای آزادی، باقدرت بی‌همتای موزیک، پرچمی دست آن نسل دادند تا نویدبخش صلح و نه به جنگ، و عشق و آزادی باشند.

ایران تافته‌جدابافته نیست، ما هم پس از سرنگونی رژیم اسلامی، روزانه شاهد صدها کنسرت موزیک و رقص و شادی مردم خواهیم بود که بازگشت دوباره زندگی را جشن می گیرند. مدونا و مدوناهای فراوانی می‌توانند برای جمعیتی ده‌ها میلیون نفره در ایران چنین کنسرت‌هایی برگزار کنند. به امید آن روز.

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

۶ مه ۲۰۲۴

اخراج یک میلیون ۳۰۰ هزار نفر

کیوان جاوید

احمد وحیدی، وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران، از "اخراج یک میلیون و ۳۰۰ هزار اتباع خارجی از کشور طی یک سال گذشته خبر داد."

همچنین شنیدیم که دولت انگلیس قصد دارد هزاران پناه‌جوی جان به در برده از فقر و دیکتاتوری که از کشورهای مختلف، از جمله ایران به انگلیس پناه آورده‌اند را به روآندا در آفریقا اعزام کند. سیاستی که شدیداً مورد اعتراض بخش وسیعی از انسان‌دوستان در انگلیس قرار گرفته است.

اخراج پناهجویان افغانستانی از ایران و آنچه در دنیای پناهندگی در جریان است یک درد مشترک است. درد زیر پا گذاشته شدن انسانیت. این درد مشترک، البته دردِ ناسیونالیست‌ها و نژادپرستان در هیچ کجای جهان و از جمله در ایران نیست. این زندگی جهنمی و این خانه بدوشی دائمی و جهانی درد هیچ دولتی نیز نیست.

جمهوری اسلامی تا نیمه سال ۲۰۲۳ از حضور پناهجویان افغانستانی در ایران بیش از ۲۶ میلیون دلار از سوی نهادهای بین‌المللی دریافت کرده و همین بی حقوقی کامل باعث می‌شود که از کار شاق و طاق فرسا و برده وارِ این مهاجرین

نگون‌بخت اقلیتی سود پرست که بویی از انسانیت نبرده‌اند سود سرشار به جیب بزنند.

انسان، انسان است و مرز نمی‌شناسد. ایرانیان گریخته از ستم و جنایت جمهوری اسلامی و پناهجویان افغانستانی مقیم ایران از یک درد مشترک رنج می‌برند و آن هم پایمال‌شدن حقوق انسانی‌شان به دست مشتی اسلامیست ضد بشر حاکم بر این دو کشور است.

باید ستم بر مهاجرین افغانستانی در ایران و پایمال‌شدن حقوق ده‌ها هزار پناهجوی ایرانی در جهان را با یک معیار مورد قضاوت قرارداد و انسانیت را پاس داشت. در مقابل حکومت

اسلامی بایستیم و نشان بدهیم که می‌دانیم دشمن ما مهاجرین مقیم ایران نیستند و از آنها دفاع کنیم. به قول سارینای عزیز ما که گفت: ” فقط مخالف حجاب نیستیم، ما آن کسانی که در اتیوپی از گرسنگی می‌میرد را هم می‌بینیم“. سارینای‌های انقلابِ زن زندگی آزادی انسانیت را خوب می‌شناختند در بزرگداشت نام بزرگ آنها ما نیز مدافع حقوق انسان در همه جای جهان باشیم و مانع ستم سازمانیافته حکومت اسلامی در همدستی نژادپرستان ایرانی علیه مهاجرین افغانستانی در ایران شویم.

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

۶ مه ۲۰۲۴

مارکس و شکوفایی جامعه انسانی

سینا پدرام

به مناسبت ۵ مه، ۱۶ اردیبهشت، ۲۰۰ و ششمین سالگرد تولد کارل مارکس.

درنگی کوتاه بر اخبار روز، چهره کریه و وحشتناکی از جهان معاصر به دست می‌دهد. جنگ، ویرانی، کشتار، زندان، سرکوب آزادی، بی حقوقی اجتماعی واقتصادی، فقر جانکاهی که زندگی میلیاردها انسان را مچاله می‌کند و به تباهی می‌کشاند، کودکان کار و خیابان که زخمی هستند بر پیکر بشریت قرن حاضر، بشریتی که برای یک لقمه نان باید خوار و خفیف شود، کارگری که با ساعات کارش

ارزش گذاری می‌شود، و مذهب و زندان و دادگاه و نیروهای سرکوب و تحمیق که قرار است برای سود عده قلیلی سرمایه‌دار با زندگی انگلی، میلیاردها انسان را به تمکین بکشند.

مارکس نقاد زبردستی است که وضعیت اسفناک انسان در بند قوانین سرمایه را دید و تمامی بنیان‌های فکری و عملی سیستم موجود را جز به جز بادقت یک جراح حاذق تشریح کرد. در حیطه دانش بشری او بی‌هیچ شکی نگهبان و مرزبان مرزهای فکری بود. میراث فکری و نظری مارکس گنجینه‌ای وسیعی برای بسیاری از انقلابیون و انسان دوستان به شمار رفته و می‌رود. او سلاحی است کارا در تحلیل و تدقیق انسانیت زمانه ما و نقدی است بر هر آنچه غیرانسانی است.

اما نیاز ما برای مارکس امروز چیست؟ خدمات او چیست؟

به نظر می‌رسد نیاز انسان معاصر به مارکس از نیاز انسان به بهبود شرایط زندگی و قوانین حاکم بر آن نشأت می‌گیرد. نقد او به سیستم سرمایه‌داری و اداره جامعه مدنی نقدی است که انسانیت و بهبود زندگی انسان در سرلوحه آن قرار دارد. کتاب مانیفست کمونیست نمونه درخشان خواست‌های انسانی موجود تا عصر مارکس بودند. مطالباتی که پس از ۲۰۰ سال هنوز هم برایشان در ایران و بسیاری از نقاط جهان باید به پا خاست و جنگید.

ممنوعیت کار کودکان، حق آموزش و پرورش رایگان، بهداشت همگانی و بسیاری از مطالبات رفاهی و

ایمنی کاری و شغلی، ممنوعیت کار زنان باردار، ده‌ها خواسته رفاهی دیگر در تمامی نوشته‌های او بررسی و تدقیق شده‌اند. سهم او در مبارزه برای بهبود حقوق کودکان به‌هیچ‌وجه قابل‌اغماض نیست.

آنچه امروز انقلابیون ایران از سارینا‌ها، نیکاها و توماج‌ها گرفته تا انسان‌های گمنامی که نمی‌شناسیم برایش جنگیده و می‌جنگند، یعنی آزادی و برابری انسان‌ها رشته‌ای است که مارکس را به ما پیوند می‌دهد و او را به‌عنوان انقلابی متفکر قرن حاضر به زندگی ما راه می‌دهد.

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

۶ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۲۴

۷ مه ۲۰۲۴ – ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

ماشین کشتار رژیم را زمین‌گیر کنیم

سؤال از حسن صالحی

قطع دارو و درمان برای تحمیل حجاب

سینا پدرام

رادان خواب حجاب را به گور می‌برد

عطیه نیک‌نفس

حصارکشی در پارک لاله: وحشت رژیم از انقلاب

سیاوش آذری

ماشین کشتار رژیم را زمین‌گیر کنیم

سؤال از حسن صالحی

محسن ابراهیمی: طبق اخبار منتشر شده در نیمه اول اردیبهشت، ۶۱ نفر توسط حکومت اسلامی اعدام شده‌اند. این انسان‌ها به چه اتهامی این‌چنین بی‌رحمانه به قتل می‌رسند؟

حسن صالحی: بله متأسفانه همین‌طور است. این میزان اعدام یک رشد تصاعدی را به نسبت ماه گذشته نشان می‌دهد. طبق گزارش‌های منتشر شده در فروردین‌ماه ۲۰ نفر اعدام شدند و حالا با اینکه اردیبهشت‌ماه تمام نشده است، این آمار سه برابر شده است. یعنی در این فاصلهٔ زمانی معین جمهوری اسلامی تقریباً هر شش ساعت یک نفر

را اعدام کرده است. به‌جز انور خضری که زندانی سیاسی و عقیدتی بود بیشتر کسانی که اعدام شده‌اند با اتهامات مرتبط با جرایم مواد مخدر و یا قتل اعدام شده‌اند. شاید نزدیک به ۶۰ یا ۷۰ درصد از اعدامی‌ها مربوط به مواد مخدر است. شمار قابل‌توجهی از اعدام‌شدگان از مناطق محروم جامعه مثل سیستان و بلوچستان هستند. اینها عمدتاً اقشار ضعیف جامعه هستند که به طور فله‌ای و با محاکمات ضدانسانی اعدام می‌شوند. البته فراموش نکنیم که جمهوری اسلامی حتی مخالفین خود را تحت عنوان مواد مخدر و یا ارتکاب به قتل، اعدام کرده است.

محسن ابراهیمی: در مقایسه با کشورهایی که حکم اعدام دارند، این تعداد کشتار انسان‌ها در فاصله کوتاه رکوردشکنی است. روی‌آوری حکومت به

این سطح گسترده از اعدام با چه هدفی صورت می‌گیرد؟

حسن صالحی: اهداف جمهوری اسلامی روشن است. در همه موارد اعدام، جمهوری اسلامی در پی ایجاد رعب و وحشت در جامعه است. بخصوص وقتی که جامعه از خشم می‌جوشد و آبستن بر آمد اعتراضات بزرگ اجتماعی است، جمهوری اسلامی می‌خواهد با اعدام و ایجاد فضای ارعاب جلوی اعتراضات را بگیرد. از آنجایی که می‌داند اعدام مخالفین سیاسی برایش پُر هزینه است، اعدام و کشتار فزاینده زندانیان غیرسیاسی را در دستور کار خود قرار داده است. ظاهر قضیه برای عده‌ای ممکن است گمراه کننده باشد. هدف جمهوری اسلامی مقابله با مواد مخدر و یا قتل و بزهکاری نیست. جواب قتل را با قتل عامدانه حکومتی نمی‌دهند. بعلاوه رژیمی

که سپاه پاسدارانش بزرگ‌ترین مرجع تولید و توزیع و قاچاق مواد مخدر است نمی‌تواند ادعایی در مبارزه با مواد مخدر داشته باشد. اینها همه عذر بدتر از گناه است. رژیم با هدف سیاسی معین، یعنی منکوب کردن جامعهٔ پُر التهاب ایران، می‌خواهد بساط کشتار و جنایت راه بیندازد و خشونت، مرگ و نیستی را رواج دهد.

محسن ابراهیمی: چگونه می‌توان در مقابل ماشین اعدام حکومت اسلامی سد ایجاد کرد؟

حسن صالحی: ما در مقابل این موج اعدام و آدمکشی راه دیگری نداریم جز آنکه قوی‌تر و نیرومندتر از گذشته وارد میدان شویم. اتحادی بزرگ‌تر و عظیم‌تر علیه اعدام‌ها بهترین سلاح مبارزه علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی است. باید صدای اعتراضمان را

بلندتر کرده و هزینه هر اعدام را برای جمهوری اسلامی سنگین‌تر کنیم. پاسخ ما به جنایت‌کاران اسلامی حاکم بر ایران روشن است: با عزمی راسخ‌تر و با قدرتی فزون‌تر به مبارزه علیه اعدام ادامه خواهیم داد تا این ماشین جنایت و آدم‌کشی را متوقف کنیم. طبعاً ما مخالف اعدام و به عبارتی مجازات مرگ به هر دلیل و یا جرمی هستیم. جنبش علیه اعدام تاکنون الگوهای مبارزاتی خوبی را به نمایش گذاشته است. از اعتصاب عمومی علیه اعدام در شهرهای کردستان تا اعتصاب در سمیرم برای جلوگیری از اعدام، از تجمع در مقابل در زندان‌ها و دادگستری‌ها تا شعاردادن علیه اعدام در اعتراضات جاری و تا فعالیت گسترده در شبکه‌های اجتماعی همه اشکال متنوعی از مبارزه علیه اعدام هستند. رژیم جنایت‌کار اسلامی در هدف خود یعنی به سکوت واداشتن جامعه موفق نشده است و پاسخ

خود را گرفته است. نباید بگذاریم جان‌های بیشتری گرفته شود تا این رژیم به حیات ننگین خود ادامه دهد. اعدام یعنی سلب حق حیات و انقلاب ما بر سر دفاع از زندگی است. مخالفت با هر گونه اعدام یعنی بجای کُشتن شهروندان دست به ریشه بردن و به درد و رنج آنها پایان‌دادن. یعنی جامعه‌ای را باید ساخت که همه احساس خوشبختی کنند. بعلاوه فلسفه سیستم قضایی نه انتقام بلکه باید اصلاح مجرمان و بازگشت دوباره آنها به جامعه باشد.

سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۷ مه ۲۰۲۴

قطع دارو و درمان برای تحمیل حجاب

سینا پدرام

بنا به گزارش خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی، رئیس سازمان غذا و دارو، وابسته به وزارت بهداشت، در مرکز ارتباطات ریاست‌جمهوری اظهار داشت: "رعایت حجاب اجباری در داروخانه‌ها در ارائه سهمیه به آن‌ها نقش دارد و اگر مؤثر نبود "متخلفان" به مراجع قانونی معرفی می‌شوند."

حجاب، آپارتاید جنسی و جنسیتی و آزادی زن معضلاتی هستند که رژیم اسلامی قادر به حلشان نیست. بودونبود رژیم به حجاب اجباری چنان گره‌خورده است که فقط انقلاب و سرنگونی رژیم

می‌تواند راهگشا باشد.

هر بار بخشی از جامعه را تحت‌فشار می‌گذارند و هر بار با سر به تخت سینه واقعیت امروز در جامعه ایران می‌خورند. حجاب‌بانان و گشت ارشاد منفورشان هر روزه جواب دندان شکنی از زنان و شهروندان تحویل می‌گیرند. این بار، می‌خواهند جامعه را با محدودیت دارویی مجبور به تمکین کنند. اینکه مافیای دارو چه سودهای سرشاری از فروش داروهای غیراستاندارد و تاریخ‌گذشته در ایران به جیب می‌زنند، موضوع ثانوی در برابر این جنایت بی‌شرمانه است که شهروندان را از داروهای موردنیاز خود محروم می‌کنند.

رژیم اسلامی به هر ریسمانی چنگ می‌زند تا بلکه

موضوع بزرگی مانند حجاب را به جامعه تحمیل کند، غافل از اینکه تمام ترفندهایشان در چهل و پنج سال گذشته نقش‌برآب شده است. واقعیت این است که با وجود یک بحران اقتصادی مزمن و فزاینده و در واقع به یُمن وجود رژیم اسلامی، هر فشار و سرکوبی به اعتراضات بیشتری خواهد انجامید. جامعه‌ای که به حقوق خود آشنا شده است، جامعه‌ای که برای حقوق خود بارها به پاخاسته است، حتی با سرکوب پلیسی و فاشیستی - اسلامی رژیم میلیاردرهای اسلامی منکوب نخواهد شد.

تشتت و اختلاف‌نظری که در سرتاسر دم‌ودستگاه رژیم و همه تصمیمات ریزودرشت روزانه رژیم بر سر میزان فشارهای پلیسی بر زنان و جامعه به چشم می‌خورد، حاکی از فشار واقعی است که جنبش‌های

مختلف اجتماعی و به‌ویژه جنبش ضد حجاب اجباری بر رژیم اسلامی هر روزه وارد می کند.

رژیم اسلامی می‌داند که با وجود و با ادامه قوانین ضد زن در ایران، خود وجود رژیم اسلامی زیر سؤال خواهد بود و درعین‌حال بدون وجود قوانین سرکوبگرانه، جامعه یک‌لحظه نیز این رژیم را تحمل نخواهد کرد. این آچمز سیاسی و نقطه کور هم‌زاد رژیم است و با سرنگونی رژیم برای همیشه از جامعه ایران رخت خواهد بست.

سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۷ مه ۲۰۲۴

رادان خواب حجاب را به گور می‌برد

عطیه نیک‌نفس

رادان، فرمانده کل فراجای رژیم گفته است: «در موضوع عفاف و حجاب همگان شاهدند که دشمن تا پشت درِ خانه‌های ما آمده و به دنبال گرفتن چادر از بانوان است که امروز به‌عنوان پرچم کشورمان محسوب می‌شود و اینکه دشمن امروز به همین سبب به دنبال کارزار خیابانی است و از این طریق می‌خواهد اذهان را تسخیر و جامعه را ناامن جلوه دهد. به این دلیل ما باید پای‌کار باشیم و این اجازه را به دشمن ندهیم.»

این اولین‌بار نیست که رژیم اسلامی برای بازگرداندن جامعه به شرایط قبلی و سرکوب همه‌جانبه زنان

با ابزار حجاب به فرهنگ پوسیده اسلامی‌اش پناه آورده است. از آن طرف ما ۴۵ سال است که می‌گوییم حجاب یک سبک لباس نیست، حجاب پرچم اسلام سیاسی است و یکی از ستون‌های رژیم اسلامی علیه کل مردم است. حالا رادان یکی از جانیان حکومت به جایگاه حجاب در ساختار حفظ نظام اعتراف می‌کند و می‌گوید: «حجاب پرچم کشورمان» است.

عفاف و حجاب، واژگانی ساختهٔ رژیم اسلامی برای دورنگه داشتن زنان از جامعه، برای اینکه هرکجا که لازم بود به اسم عفاف، زنان را از مطالبه حقوقشان باز دارد و بتواند گفتمان مردسالار را هرچه بیشتر تقویت کند. زن عفیف، به تعریف رژیم اسلامی، زنی است که باید گوش‌به‌فرمان باشد، بچه بزاید، سرویس جنسی دهد، بدنش در

تملک خودش نیست و در واقع برده‌ای است که حتی اسمش به‌عنوان مادر در مدارک شناسایی کودکش ثبت نمی‌شود.

بله جمهوری اسلامی در تنگنای خلاصی ناپذیری به‌واسطه مبارزه و مطالبه‌گری زنان جسور گرفتار شده است. سال‌های قبل برای عقب راندن زنان به قرآن و حدیث آویزان می‌شد، اخیرا به شاهنامه و حالا بازگشت به «فرهنگ». درحالی‌که حجاب، این سمبل بی حقوقی زنان، شاخصی کاملاً مذهبی و اسلامی برای حذف زنان از جامعه و سرکوب همه انسان‌ها است. از طرفی نسلی پیشرو که عمامه آخوند، این مظهر ارتجاع اسلامی و رژیم اسلامی را می‌پراند، از مذهب گذر کرده است و قرآن را نه‌تنها شیوه‌ای برای انسانی زیستن نمی‌داند، بلکه این کتاب ضدبشری را مایع ننگ، باعث عقب‌ماندگی

جامعه و به بردگی گرفتن زنان می‌داند.

زنان مبارز پایگاه حجاب رژیم را با هدف حذف تمامی این رژیم ضدزن نشانه گرفته‌اند و بعد از به‌دست‌آوردن این خاکریز مهم برای حکومت که نتیجه‌اش بی‌حجابی عملی است، دیگر به عقب برنمی‌گردند و تا ساختن جامعه‌ای سکولار و انسانی، انقلاب «زن، زندگی، آزادی» را ادامه خواهند داد. در این مبارزه همه ما باید در کنار و هم‌سنگر زنان در ایران باشیم.

سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۷ مه ۲۰۲۴

حصارکشی در پارک لاله:
وحشت رژیم از انقلاب

سیاوش آذری

در روزهای اخیر تصاویری مبنی بر حصارکشی در ضلع جنوبی پارک لاله در مساحتی بیش از ۲۰۰۰ مترمربع انتشاریافته است. در پاسخ به نگرانی شهروندان از ساخت‌وساز در محوطه پارک لاله و فضاهای سبز و مخالفت آنها با تخصیص بوستان‌ها و گردشگاه‌های عمومی برای بنای مساجد و مراکز دینی از طرف شهرداری و دیگر مقامات، طبق معمول اطلاع‌رسانی صورت نگرفته و مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران گفته که علی‌رغم نامشخص بودن علت حصارکشی "قرار نیست درختی قطع شود."

سکوت معنی‌دار مسئولین دررابطه‌با علت حصارکشی در پارک لاله از چند جهت حائز اهمیت است. در اینکه افراد خشکه‌مذهبیِ معتقد به خرافات دینی، از جمله آموزه "اشرف مخلوقات" بودنِ انسان، پشیزی ارزش برای فضای سبز، محیط‌زیست و بقای دیگرگونه‌ها و حق تفریح شهروندان و استراحت آنان در بوستان‌ها و تفریحگاه‌ها قائل نیستند شکی نیست، اما این ظاهر دینی - ایدئولوژیک تنها جلوه‌ای از مسائل و منافع زمینی مادی و سیاسی است. از بُعد اقتصادی تسخیر و مصادره فضاها و اماکن عمومی و تخصیص آنها برای ساخت‌وساز روشی برای تصاحب رانت و سود بیشتر از طریق سلب حق مردم از بهره‌مندی از فضای عمومی است. این روش یکی از ترفندهای سرمایه برای بالاکشیدن ثروت اجتماعی و از ارکان سرمایه‌داری دزد سالار

اسلامی مبتنی بر اختلاس و باندبازی و رانت‌خوار است.

اما وجه مهم‌تر مسئله سیاسی – امنیتی است: هدف رژیم اسلامی از ساخت مساجد در بوستان‌ها و تفریحگاه‌ها، قرق کردن فضاهای عمومی و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است. رژیم طرح ایجاد پایگاه‌های امنیتی – نظامی برای مقابله با موج بزرگ‌تری از اعتراضات انقلابی خیابانی را در دستور دارد و استمرار حکومت الله و منافع زمینی نمایندگان و سخنگویان خدا از جمله آخوند میلیاردرها و آقازاده‌ها را تنها از طریق سرکوب توده‌های به‌پاخاسته ممکن می‌بینند.

اما طرح رژیم برای ایجاد پایگاه‌های امنیتی – نظامی از پیش شکست‌خورده است؛ زیرا موازنه

قدرت میان جامعه و حکومت اسلامی به یُمن پیشروی‌های انقلاب زنانه جاری به نحو بارزی به سود مردم تغییر کرده است. سکوت مقامات حکومتی دررابطه‌با محتویات طرح ساخت‌وساز در پارک لاله نشانه وحشت رژیم از واکنش و اعتراض مردم است، واکنشی که گوشه‌ای از آن را در مقابله با طرح ساخت مسجد در پارک قیطریه و پاسخ مردم به بسته‌شدن تفرجگاه‌ها در سیزده‌بدر شاهد بودیم. سکوت رژیم سرشار از ناگفته‌هاست!

سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۷ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۲۵

۸ مه ۲۰۲۴ – ۱۹ اردیبهشت۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

معلمان شایسته بیشترین حمایت‌ها هستند

محسن ابراهیمی

روز حکومتی دختر و آپارتاید جنسیتی

کیوان جاوید

خامنه‌ای و نیچروان بارزانی

نسان نودینیان

زنان زندانی، اراده شکست‌ناپذیر برای رهایی

سهیلا دالوند

تلاش بیهوده برای بازسازی خاکریز حجاب

یاشار سهندی

معلمان شایسته بیشترین حمایت‌ها هستند

محسن ابراهیمی

محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران و عضو شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، در گفتگویی با رسانه "امتداد" بر دو موضوع بسیار مهم تأکید کرده است: او به مطالبه "دستمزد بالای خط فقر" به‌عنوان یک تلاش "متحدکننده اقشار مختلف اجتماعی" و "همبستگی میان معلمان، کارگران، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران و سایر گروه‌های اجتماعی" تأکید کرده است. همچنین او "عادی‌سازی حضور خیابانی" را یکی از دستاوردهای اعتراضات صنفی معلمان و سایر جنبش‌های اعتراضی می‌داند. طوری که معلمان علی‌رغم تلاش حکومت برای سرکوب گسترده، "بازداشت، زندان و پرونده‌سازی" و "ممانعت از

برگزاری مجامع عمومی تشکل‌های صنفی و تلاش برای انحلال آنها" به فعالیت اعتراضی‌شان در سطح کشور ادامه داده‌اند.

به قول حبیبی ۷۰ درصد مردم ایران در شرایط زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در چنین وضعیتی دیدیم که همین امسال هم بر اساس تصمیم بی‌شرمانه شورای‌عالی کار، حداقل دستمزد کارگران کمی بیشتر از ۷ میلیون تومان در ماه خواهد بود که یک‌چهارم خط فقر اعلام شده بر اساس آمارهای خود حکومت است. روشن است که در چنین وضعیتی، مبارزه برای افزایش دستمزد به بالای خط فقر و به طور مشخص دستمزدی در حد تأمین یک زندگی انسانی مستقیماً به معیشت اکثریت عظیم جامعه مربوط است.

اعتراضات معلمان عرصه‌های وسیع‌تری از افزایش دستمزد را دربر می‌گیرد که تماماً با زندگی میلیون‌ها شهروند جامعه مستقیماً مربوط هستند. مبارزه علیه کالایی کردن آموزش و خواست آموزش رایگان به‌عنوان یک حق ابتدایی یک خواست همیشگی معلمان بوده است. بر اساس آمار رسمی که قطعاً خیلی پایین‌تر از آمار واقعی است، بالای یک میلیون کودک از تحصیل محروم هستند. پایان‌دادن به دست‌درازی ایدئولوژی اسلامی به ذهن و روان کودکان، اعتراض به امنیتی‌کردن اعتراضات معلمان، بسته‌شدن پرونده‌های امنیتی، آزادی بدون قیدوشرط معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی جزو خواسته‌های همیشگی معلمان بوده است.

بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و محکوم‌کردن حکم اعدام توماج صالحی، و در

یک سطح وسیع‌تر محکوم کردن جنایات حکومت در انقلاب زن زندگی آزادی و کلاً اعدام‌ها و توحش علیه زنان، حضور اعتراضی معلمان شاغل و بازنشسته در روز جهانی کارگر و معلم نشان‌دهنده نقش فعال معلمان در اعتراض به وضع موجود است. حضور معلمان بازنشسته در این مبارزات هم نشان می‌دهد که معلمان همچنان برای معیشت و منزلت کل جامعه و علیه دزدان حاکم در میدان مبارزه حضور دارند. معلمان شاغل و بازنشسته شایسته بیشترین حمایت‌ها از جانب کل جامعه هستند!

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۸ مه ۲۰۲۴

روز حکومتی دختر و آپارتاید جنسیتی

کیوان جاوید

سال گذشته دیوارنگاره میدان ولی‌عصر با شعار "گره روسری‌مو محکم می‌بندم" به مناسبت روز دختر منتشر شده بود. امسال دختر حاضر در این دیوارنگاره روسری به سر ندارد مشغول شیردادن به یک نوزاد، جاروکشیدن خانه، ماساژ پدر و بازی با برادرش است.

انزجار و تنفر دوکلمه‌ای است که فوراً به ذهن هر انسان شریفی می‌رسد. "روز دختر" روز حکومتیِ آپارتاید جنسیتی و ادامه جنایت سازمان‌یافته یک حکومت کریه ضد زن که با سرازیر کردن میلیاردها دلار پول در حوزه تبلیغات، تلاش دارد

از راه‌های جدیدتری همان سیاست ابدی و ازلی کردن ستم‌کشی زنان را دنبال کند.

می گویم راه جدیدتر، زیرا سال قبل همین دیوارنگاره که سازمان‌دهندگانش زیر نظر سپاه "فعالیت تبلیغی" می کنند دختر نگون‌بختی را نشان داده و نوشتند "گره روسری‌مو محکم می‌بندم". امسال که تیر حکومت به سنگ خورده و بی‌حجاب‌ها علی‌رغم حضور انواع آفت‌های حکومتی، تحت نام گشت ارشاد و امربه‌معروف و نیروی انتظامی و لباس‌شخصی و... ، آن‌چنان بلایی سر رژیم آورده‌اند که بعضاً به نظر می‌رسد این زنان در پاریس و استکهلم و دیگر شهرهای اروپایی در حال قدم‌زدن هستند.

پیام این دیوارنگاره با آن قبلی دررابطه‌با وظایف

دختران، "این زنان آینده"، همان است که حکومت طی ۴۵ سال گذشته به جامعه پمپاژ کرده است. بردگی زنان، زیر پا له کردن کرامت و هویت انسانی زنان، بردگی جنسی و اسارت خانگی و فرزندآوری و پرستاری از فرزند. همه اینها یعنی لگدمال کردن انسانیت زنان در پیشگاه اسلام و خدا و حکومت اسلامی.

این نگاه حکومت و تلاش برای بردگی جنسیتی زنان اگر بر فرض محال تماماً اجرا شود تازه اول بدبختی زنان است. این زن در این فرهنگ پوسیده و ناموس‌پرست اسلامی، جایی در جامعه ندارد. از عاشق شدن و عشق‌ورزی و زندگی مستقل انسانی محروم است. این زن اگر غیرت مردانه افراد ذکور فامیل را جریحه‌دار کند قابل کشتن و سربریده

شدن است و قاتل برای حفظ ناموس نه‌تنها مجازات نمی‌شود که جایزه حکومتی دفاع از ناموس و شرف و دین هم دریافت می‌کند.

اما... اما این داستان حکومت اسلامی زیادی مسخره و منزجرکننده است. زنان در قلب جامعه ایران در حال خونین‌ترین و سخت‌ترین نبرد عصر حاضر هستند. نبردی که یکی از مهم‌ترین دستاوردهایش پایان اسلام و خرافه و ارتجاع اسلامی است و ما مردم به این تحول بنیادی نام زیبای انقلاب زنانه داده‌ایم.

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۸ مه ۲۰۲۴

خامنه‌ای و نیچروان بارزانی

نسان نودینیان

نیچروان بارزانی ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۶ می ۲۰۲۴ همراه تعدادی از اعضای حکومت اقلیم کردستان در تهران با سران حکومت اسلامی، خامنه‌ای و رئیسی دیدار کرده است. این دیدار در اتاق ویژه دیدارهای خامنه‌ای با فرماندهان قاتل سپاه پاسداران انجام گرفته است.

درباره اهداف سفر نیچروان بارزانی گمانه‌زنی‌ها زیاد هستند؛ بررسی توافقات امنیتی جمهوری اسلامی با دولت مرکزی، قرارداد «امنیت مرزی» که در اسفندماه سال ۱۴۰۱ توسط اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق با جمهوری اسلامی بسته شده است، و همچنین غلبه بر اختلاف دو حزب

اقلیم کردستان (حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی) در ارتباط با «انتخابات» پارلمان محلی در کردستان، به نفع باقل بارزانی رهبر اتحادیه میهنی، متحد اصلی سپاه قدس و شریک اصلی تروریسم سپاه قدس در کردستان، از جمله اهداف این نشست است. حزب نیچروان بارزانی مخالف برگزاری «انتخابات» در ۲۱ خرداد ۱۴۰۳ است و حزب باقل بارزانی موافق برگزاری آن در این تاریخ است.

جمهوری اسلامی با سرکوب و اعدام به‌قصد نهایی کردن سرنوشت انقلاب زن زندگی آزادی به میدان آمده است. جمهوری اسلامی اگر بتواند خیزش مردمی و انقلابی زن زندگی آزادی را سرکوب نهایی کند. دستاوردهای این خیزش را از صحنه اعتراضی جامعه و مبارزات زنان و جنبش علیه

اعدام را باز پس گیرد، نیاز به تأمین رابطه فعال به‌دور از تنش با نیروهای نزدیک از جمله دولت عراق و اقلیم کردستان دارد.
سفر نیچروان بارزانی و ملاقات با او در اتاق فرماندهان سپاه که فرمان اعدام و سرکوب اعتراضات چند سال گذشته از آنجا صادر شده برای رسیدن به اهدافی است که جمهوری اسلامی شروع کرده است و احزاب متشکل در اقلیم کردستان نشان داده‌اند که پتانسیل بالایی برای همکاری با جمهوری اسلامی و سپاه تروریستی قدس دارند.

آنچه واضح است؛ شکاف سیاسی و اجتماعی عظیمی در سطح میلیونی میان مردم و جمهوری اسلامی ایجاد شده، بی‌حجابی همگانی‌تر شده و سیاست سرکوب زنان بی‌حجاب با هزینه‌های زیادی برای

جمهوری اسلامی پیش می‌رود. مردم معترض علیه فلاکت و فقر، علیه اعدام و سرکوب و طرح نور و اوباش تبهکار جمهوری اسلامی جبهه‌ای وسیع را تشکیل می‌دهند. نبردی وسیع و نفس‌گیر در جریان است.

از نظر مردم در کردستان عراق و ایران، احزاب ناسیونالیست و اسلامی در اقلیم کردستان با همکاری‌های راهبردی و کمک و همراهی با سپاه قدس و ترور بیش از صد نفر از فعالین سیاسی در این منطقه توسط جمهوری اسلامی، احزابی رسوا و افشا شده هستند.

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۸ مه ۲۰۲۴

زنان زندانی، اراده شکست‌ناپذیر برای رهایی

سهیلا دالوند

نرگس محمدی زندانی سیاسی روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت در یادداشتی در اینستاگرام به زندانی بودن ۲۱ زن زندانی سیاسی – عقیدتی بالای ۶۰ سال در بند زنان زندان اوین اشاره کرد. طبق نوشته وی از میان ۶۹ زن زندانی سیاسی – عقیدتی اوین، ۲۱ زن بالای ۶۰ سال سن متحمل حبس هستند از جمله نسرین جوادی، مهوش شهریاری، کبری بیگی، راحله راحمی و ناهید تقوی.

نرگس محمدی ضمن اشاره به شرایط سخت زندان

و محرومیت این زنان استوار و مقاوم، می‌نویسد که اینها با وجود فشارها و بیماری‌های مزمن و محرومیت از دسترسی به دارو درمان و امکانات پزشکی، نه تنها عقب‌نشینی نمی کنند؛ بلکه با دادن پیام‌ها و نامه‌های حمایت از زندانیان سیاسی، علیه احکام اعدام و حمایت از مبارزات روزمره مردم در جامعه، به مبارزه خود از درون سیاه‌چال‌های این رژیم زن‌ستیز ادامه می‌دهند.

و به قول نرگس محمدی به‌راستی که حضور این زنان در صف مخالفانی که حاضر به پرداخت سنگین‌ترین هزینه‌ها هستند، نشان از به‌پاخاستن عموم زنان برای آزادی و برابری، و نشان از عصیان جامعه علیه تبعیض و ستم و سلطه دارد. جامعه‌ای که از رژیم دینی استبدادی گذر کرده و سودای طرحی نو برای آزادی و برابری دارد. مردم عزیز

این کشور و جوانان سربلند به‌ویژه دختران دلیر و جسور، آگاه و دلگرم باشند که تا زمانی که چنین مادرانی در صف مبارزان ایستاده‌اند، استبداد ناکام و آزادی پرقدرت خواهد بود.

این رژیم ضد زن، این رژیم آپارتاید جنسی و جنسیتی از بدو حاکمیتش با سرکوب، زندان و صدور احکام سنگین و با تصویب قوانین به‌شدت عقب‌مانده و ارتجاعی، به‌قصد به‌عقب‌راندن زنان به پستوی خانه به زنان حمله کرد. اما زنان از همان ابتدا علیه این رژیم با قوانین واپس‌گرایانه و ضد زن پا در میدان مبارزه گذاشتند و انقلابی را رقم زدند که آزادی‌خواهی، برابری‌طلبی و رهایی از هر گونه ستم، تبعیض و تمام قوانین زن‌ستیزانه را فریاد می‌زند.

حضور این زنان در زندان‌ها نشان از اراده شکست‌ناپذیر آنها برای رسیدن به جامعه‌ای است که شعار زن، زندگی، آزادی سرلوحه آن است و آنها شایسته بهترین حمایت‌ها از طرف کلیه آحاد جامعه هستند. باید دست در دست همدیگر و در هر کوی و هر برزن نام این اسطوره‌های شجاعت و مقاومت فریاد زده شود و تلاش کنیم برای آزادی آنها و همه زندانیان سیاسی.

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۸ مه ۲۰۲۴

تلاش بیهوده برای بازسازی خاکریز حجاب

یاشار سهندی

جمهوری اسلامی به‌خاطر پافشاری زنان، برای ابتدایی‌ترین حق خود، رفتن به ورزشگاه و دیدن مسابقات تیم‌های محبوب خود، بخصوص فوتبال مجبور گردید درب ورزشگاه‌ها را به روی زنان باز کند. اما تا توانسته زهر خود را ریخته، بدین صورت که با بی‌شرمی دورترین جایگاه ممکن را به زنان اختصاص داده، آنها را محاصره و سعی کرده حتی از دید دوربین‌های تلویزیونی دور باشند و مانع خبرنگاران از عکاسی از این تماشاچیان شده است. "جیمی جامپ" دو زن در یک مسابقه و به آغوش کشیدن یکی از این زنان توسط دروازه‌بان تیم

استقلال و درگیری بعدی میان دروازه‌بان و نیروهای انتظامی حکومت و حمایت همه‌جانبه تماشاچیان از دروازه‌بان، خون جمهوری اسلامی را به جوش آورد. در این میان توهین یکی از تماشاچیان مرد علیه زنان در مسابقه‌ای دیگر، ظاهراً بهانه‌ای به دست حکومت داد که سعی کرده دوباره مانع ورود زنان به ورزشگاه‌های فوتبال شود. می گویند آن فحاشی "کار خودشان" بوده تا بهانه جور شود!

دستور دادند برخی بازی‌ها بدون حضور زنان برگزار شود. روزنامه جوان، متعلق به سپاه به "ذهن کوته‌بین کت‌وشلوار پوش‌های" از جنس خودشان، متلک انداخته که با دستور منع ورود زنان به دو ورزشگاه" یعنی به تمام جهان اعلام کرده‌ایم نمی‌توانیم یک جمعیت اندک را مدیریت کنیم!

” و البته همه می‌دانیم که در جمهوری اسلامی، ”مدیریت“ اسم رمز سرکوب است.

مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال به خیال خودش زرنگی به خرج داده و برای لیگ فوتبال در سال بعد بخشنامه کرده که هواداران تیم‌ها باید هویت داشته باشند تا بلیت به آنها تعلق بگیرد و صندلی‌ها هم مشخص باشد! این یعنی یک باشگاه می‌تواند از ثبت زنان به‌عنوان هوادار خودداری کند و در نتیجه نه بلیت دارند و نه صندلی!

حکومت اسلامی در خیابان از زنان شکست‌خورده، سعی دارد با گروگان گرفتن دارو، صندلی ورزشگاه‌ها، پلمب مکان‌ها، و بستن صفحات

رسانه‌های اجتماعی خاکریز حجاب را پس بگیرد. باید گفت: تمام شد؛ خاکریز حجاب سقوط کرد. عکسی از بازی نساجی مازندران و پرسپولیس منتشر شده که زنی از دریچه‌ای در دیوار سیمانی مشرف به استادیوم، به تماشای بازی نشسته و زن که متوجه است عکاسی از او مشغول عکس گرفتن است، دست خود را به علامت پیروزی بالا می آورد. همین یک عکس کافی است که نشان دهد جمهوری اسلامی باز هم شکست خورد.

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۸ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۲۶

۹ مه ۲۰۲۴ – ۲۰ اردیبهشت۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

در سالگرد اعدام فرزاد کمانگر

کیوان جاوید

جنایات اسرائیل زبانشان را دراز کرده

کاظم نیکخواه

بهائیان، قربانیان ستم جنسیتی و دینی

ناصر شیشه‌گر

بحران اینترنت و بحران موجودیت رژیم

سیاوش آذری

حجاب را باد برد!

آذر پویا

یورووِیژن و جنگ غزه!

شهاب بهرامی

در سالگرد اعدام فرزاد کمانگر

کیوان جاوید

فرزاد کمانگرِ قهرمان، این معلم کودکان محروم در کردستان به دلیل دفاع از انسانیت و مقابله با حکومت اسلامی همراه با علی حیدریان، شیرین علم‌هولی، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان، در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ در محوطه زندان اوین به دار کشیده شد.

فرزاد در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۸۵ وقتی برای پیگیری درمان بیماری برادر بیمارش به تهران رفته بود دستگیر و بعد از تحمل بیش از "هزار و سیصد شصت روز" اسارتِ توأم با شکنجه در یک محاکمه

فرمایشی چنددقیقه‌ای در بیدادگاه حکومت اسلامی محکوم‌به‌اعدام شد. اجرای حکم اعدام فرزاد پایان کابوس حکومت نبود. نبرد علیه حکومتِ اعدام و مبارزه برای به زیر کشیدن این جانیان مرگ پرست بی‌هیچ وقفه‌ای در ایران جریان یافت و به اینجا رسید که آوازه‌اش در همه دنیا پیچید. شعله انقلاب زن زندگی آزادی از مزار مهسا امینی زبانه کشید و به آتشفشان عظیم اجتماعی تبدیل شد.

فرزاد کمانگر در همه لحظاتِ در اسارت بودنش یک‌پارچه شور بود و امید. فرزاد در سخت‌ترین روزهای اسارتش نور رهایی و زندگی بهتر را می‌دید و تصور آن روزی را می‌کرد که انقلاب بساط این جانیان را برچیند. آن آرزوها شیرینِ بپا خاستن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی با انقلاب

زن زندگی آزادی تا همین لحظه تحقق‌یافته است.
از روزی که فرزاد کمانگر قهرمان به خاک افتاد
تا همین امروز هزاران جوان و مبارزه آزادی‌خواه و
برابری‌طلب دیگر به خون کشیده شدند، اما رؤیا
همان است، هدف و امید همان است که پیش از
فرزاد کمانگر در دل هزاران زندانی سیاسی از دهه
شصت تا همین امروز جوانه‌زده تا ما مردم ایران
شاهد درخت تنومند انقلاب باشیم.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ فرزاد با همه آرزوهای
شیرین و پاک انسانی از دانش‌آموزان محرومش
در خطه کردستان گرفته شد. اما فرزاد تنها به
دانش‌آموزانش، به خانواده مبارز و خصوصاً فقط به
مادر دلیر و شجاعش، "دایه سلطنه"، تعلق نداشت.
فرزاد پژواک رهایی از ستم و فقر بود. قدرت عظیم

امید به اینکه می‌شود دیکتاتورها را به‌زانو در آورد و انسانیت را سرود زندگی کرد.

در چهاردهمین سالگرد اعدام فرزاد کمانگر همراه با یاد عزیزش پیمان می‌بینیم که انقلاب زن زندگی آزادی را به سرانجام برسانیم و خوشبختی را همگانی کنیم. یاد فرزاد و همه فرزادهای انقلابِ زیبای ما هرگز فراموش نمی‌شود.

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۹ مه ۲۰۲۴

جنایات اسرائیل زبانشان را دراز کرده

کاظم نیکخواه

محمد مقیمی، رئیس دانشگاه تهران، معترضان حامیان فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا را "امت جهانی" خواند. وقتی اسلامی‌ها و آخوندها بخشی از مردم را امت می‌خوانند منظورشان مردم مسلمان است. این شخص هم خود یکی از منصوبان ولی‌فقیه در رأس دانشگاه است و همین نکته را مدنظر دارد که همه آن صدها هزارنفری از مردم که در دنیا دارند علیه جنایات ارتش اسرائیل تلاش می کنند به امت مسلمان تعلق دارند. این روزها چنین صداهایی از درون حکومت اسلامی زیاد شنیده می‌شوند که اعتراضات مردمی در دنیا را به‌حساب دفاع از اسلامی‌ها می گذارند.

در واقع جنایات فجیع دولت دست راستی اسرائیل زبان این کثافات را که در همه جای دنیا زیر ضرب جنبش و انقلاب زن زندگی آزادی بودند دراز کرده است. به همین نحو جنایات فجیع حماس در ۱۷ اکتبر علیه زن و مرد و کودکان بی‌دفاع اسرائیلی، زبان فاشیست‌های اسرائیلی را دراز کرد و توانستند برای کشتار مردم غزه نیرو بسیج کنند. این هر دو نیروی کثیف و ضدانسانی یکدیگر را تغذیه می کنند. اسلام خمینی که می‌خواهد همه اسرائیلی‌ها را به دریا بریزد و فاشیسم یهودی که حق زندگی ساده را از فلسطینیان سلب کرده و هر روز جنایات فجیعی را علیه آنها مرتکب می‌شود، به هم نیرو می‌دهند و وجودشان مدیون دیگری است و به یکدیگر نیاز دارند. یکی بدون دیگری قابل‌تصور نیست.

جنبشی جهانی علیه جنایات اسرائیل در غزه در جریان است و هیچ ربطی به دفاع از اسلامی‌ها و جمهوری اسلامی ندارد. اینها همان مردمی هستند که در اوج انقلاب زن زندگی آزادی همراه با مردم ایران فریاد نابود باد جمهوری اسلامی را سر دادند و اکنون نیز علیه کشتار دولت اسرائیل به خیابان آمده‌اند و هیچ ربطی به امت مسلمان ندارند.

همبستگی جهانی در دفاع از حقوق انسانی همه مردم یک فاکتور مهم در پیشرفت جامعه بشری است. مردم شریف جهان به همان اندازه که از جنایات نتانیاهو علیه مردم فلسطین ابراز انزجار می کنند، علیه جنایات حکومت اسلامی و تروریست‌های اسلامی علیه مردم ایران و فلسطین و جاهای دیگر ابراز انزجار کرده و می کنند و این یک نقطه درخشان در

دنیاست. جمهوری اسلامی که امثال مقیمی متعلق به آن‌اند در دنیا منفورتر از آنست که با جنایات نتانیاهو بتوانند ذره‌ای تطهیر و احیایش کنند.

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۹ مه ۲۰۲۴

بهائیان، قربانیان ستم جنسیتی و دینی

ناصر شیشه گر

حملات اخیر حکومت اسلامی به زنان بهایی بخشی از جنگ مغلوبهٔ این رژیم با زنان است که اساساً ریشه در زن‌ستیزی حکومت دارد. وجه دیگر این مسئله جنبهٔ ایدئولوژیک آن است که پای رژیم در آن می‌لنگد.

«جامعهٔ جهانی بهائیان» روز سه‌شنبهٔ گذشته، هجدهم اردیبهشت، گزارش داد که موج حمله به زنان بهائی در طی هفته‌های اخیر تشدید شده و از ۸۵ شهروند بهائی که ظرف دو ماه گذشته به دادگاه‌های اسلامی احضار یا زندانی شده‌اند، در حدود هفتاد و پنج درصدشان، یعنی ۶۵ تن،

زن هستند. به‌علاوه، هم اکنون دو سوم از مجموع زندانیان بهائی در ایران زن هستند.

تعیین‌کننده‌ترین عرصهٔ مبارزه با حکومت اسلامی در انقلاب زن زندگی آزادی نبردی است که بر سر حجاب درگرفت و تمام مردم دنیا شاهد بودند که چگونه حکومت در برابر زنان به نحو مفتضحانه‌ای شکست خورد. در چنین شرایطی، اصلاً عجیب نیست که حکومت برای تسلی خود و جبران شکست‌هایش به ستمگری و زورگویی نسبت به یک اقلیت دینی روی بیاورد.

با قاطعیت می‌توان گفت که حکومت اسلامی نمایندهٔ نازیسم در قرن حاضر است. این رژیم که سر تا پایش بر اساس انواع تبعیض‌های اجتماعی بنا شده، بیش از همه بر بهائیان تبعیض

اعمال کرده است، به‌طوری که اکنون بهائیان جزو بی‌حقوق‌ترین شهروندان ایران هستند. شرح ظلم و ستم‌هایی که در طی چهل و پنج سال گذشته در حق بهائیان روا شده کتابی است قطورتر از قرآن. زیرا اقلیت‌ها معمولاً ضعیف‌ترین اقشار جامعهٔ ما را تشکیل می‌دهند و سرکوبشان توسط حکومت‌های خودکامه آسان‌تر است. اما رژیم جنگ بر سر حجاب را باخت و بی‌حجابی روی ایدئولوژی اسلامی عملاً خط بطلان کشید. حال رژیم خیال می‌کند که با حمله به بهائیان می‌تواند اقتدار و اعتبار ایدئولوژی اسلام در ایران را اعاده کند و با حمله به بهائیان، در صفوف به هم ریخته‌اش وحدت ایجاد کند تا بتواند قوی‌تر در میدان مصاف با مردم انقلابی ظاهر شود. تمام خیرات و برکات این سیاست برای حکومت همین است.

فکرش را بکنید، نازیسم اسلامی دارد در امواج انقلاب زن زندگی آزادی دست‌وپا می‌زند؛ ولی با آزار یک اقلیت دینی می‌خواهد خودش را از شر غرق‌شدن نجات دهد! این هم درست مانند مضحکهٔ مواجههٔ نظامی رژیم با اسرائیل است. یکی از مهم‌ترین هدفهای انقلاب زن زندگی آزادی این است که دین را از دولت جدا کند و به هر گونه تبعیض، من‌جمله ستم و زورگویی به پیروان ادیان دیگر و یا خداناباوران، پایان دهد.

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۹ مه ۲۰۲۴

بحران اینترنت و بحران موجودیت رژیم

سیاوش آذری

ایران تحت سیطره رژیم اسلامی در میان ۱۰۰ کشور با بیشترین تولید ناخالص ملی در جهان پس از میانمار دومین اینترنت پر اختلال و پس از چین دومین اینترنت محدود و یکی از کندترین اینترنت‌های جهان را دارد. بنا بر اظهارات یکی از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس اسلامی "وضعیت اینترنت در کشورهایی مثل عراق، افغانستان و پاکستان به‌مراتب از ما بهتر است". بنا به گفته مقامات رژیم "عملاً ۹۰ درصد مردم از فیلترشکن استفاده می‌کنند". در این حال وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی مدعی شده است که "فردا پوشش فیبر نوری به ۷/۵ میلیون خانوار خواهد رسید و اینترنت به‌سرعت نور می‌رسد."

نقش اینترنت در اقتصاد سرمایه‌داری امروز بر همگان آشکار است. تراکنش‌های مالی، اطلاع‌رسانی دررابطه‌با نیازهای بازارهای مختلف و تأمین سفارشات، تبادل اطلاعات دررابطه‌با وضعیت هوا، ترافیک هوایی، دریایی و زمینی، رهیابی، مبادلات علمی و مشارکت در پروژه‌های مختلف پژوهشی نمونه‌های کوچکی از وابستگی فرایند تولید به اینترنت در این دوره محسوب می گردند. دسترسی به اینترنت و داشتن شبکه اینترنتی ای کارا و پر سرعت از عناصر زیرساختی لازم برای ادغام در بازار جهانی سرمایه به شمار می‌آیند.

نکته اینجاست که حاکمان و متصدیان امورِ سرمایه‌داری اسلامی دزد سالار در ایران، علی‌رغم وقوف بر اهمیت برخورداری از اینترنت باکیفیت بالا برای ادغام در بازار سرمایه جهانی قادر به تأمین این نیاز نیست. شاید عوامل تکنولوژیک

و کمبود نیروی مادی و انسانی در ناتوانی در این امر دخیل باشند؛ اما علت اصلی "وضعیت بحرانی" اینترنت در ایران همچون وضعیت بحرانی اقتصاد، سیاسی است. اما در تمایز با بحران مزمن اقتصادی که ریشه در موجودیت رژیم اسلامی دارد، بحران اینترنتی از بحران استمرار موجودیتِ جمهوری اسلامی نشئت می گیرد که با اعتلای اَنقلاب زنانه جاری بیش‌ازپیش تشدید شده است.

به بیانی دیگر بحران اقتصادی مزمن جمهوری اسلامی حاصل موجودیت رژیم، اما بحران اینترنتی نشانه بحران وجودی آن است. مخرج مشترک هر دو بحران، موجودیت رژیم اسلامی است. همچنان که تأمین رفاه اقتصادی شهروندان و برخورداری آنها از منزلت و معیشت انسانی در گرو رهایی از جمهوری دزدسالار اسلامی است، برخورداری از تمامی حقوق انسانی و شهروندی از جمله حق

کامل دستیابی به اطلاعات و حق آزادی بیان عقاید و نظرات از جمله از طریق رسانه‌های اجتماعی با سرنگونی جمهوری اسلامی متحقق خواهد گشت.

این تقلاها پاسخگوی بحران موجودیت رژیم نیست. عدم توسعه پهنای باند، اختلال و فیلتر دیگر اثر ندارد.

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۹ مه ۲۰۲۴

حجاب را باد برد!

آذر پویا

این روزها اخبار و مطالب زیادی در مورد بدحجابی، بی‌حجابی، حجاب اجباری و اختیاری، در مدیای اجتماعی و بعضاً در سر تیتر اخبار دیده می‌شود، ولی اصطلاح "شل حجابی" واژه جدیدی است که در گفتار محمد موحدی آزاد، دادستان کل کشور وارد ادبیات آخوندی شده و بیان‌کننده حقیقتی انکارناپذیر است.

ظاهراً آقایان هیچ مسئله و معضلی نگرانشان نمی‌کند، تمام مشکلات مملکت از جمله گرانی، بیکاری، بی‌مسکنی، وضعیت فاجعه‌بار درمان،

ناامنی و هزار درد دیگر که زندگی مردم را تحت تأثیر خود قرار داده است مشغله این بی‌دردها نیست فقط همین یک مشکل مانده که فکر می کنند با طرح چند لایحه و باز کردن افسار چند قاتل حرفه‌ای در خیابان‌ها می‌توانند به‌زور سرکوب و زندان آن را حل کنند. هر چه بیشتر قانون و قاعده وضع می کنند بی‌حجابی بیشتر گسترش می‌یابد. این بار می‌خواهند با دستورالعملی از سوی دادستانی کل برای فراجا شاید از این راه افراد را "متنبه" کنند و به بی‌حجابی پایان دهند.

واقعیت این است که سران حکومت و مردم در ایران در دو دنیای متفاوت و کاملاً متقابل هم زندگی می کنند. مردم در ایران و بخصوص جوانان راه خود می‌روند و کار خود را می کنند. احتمالاً شما هم

کلیپی را دیده‌اید که دختری کلاه به سر چگونه قاطع و با خونسردی جواب مأموران نهی‌ازمنکر را می‌دهد و بدون ترس و واهمه راهش را ادامه می‌دهد. از این گونه وقایع به‌وفور می‌توان دید.

بکار گیری واژه "شل حجابی" و طرح انواع لوایح و تذکر مسئولین به مأموران خودشان برای اجرای صحیح طرح‌هایشان نه فقط برای دلداری و حمایت از مأموران چماق به دستشان است بلکه دارند شانس خود را امتحان می‌کنند تا شاید با به‌کارگیری سیاست چماق و نان‌شیرینی بتوانند جامعه را مرعوب کرده و بی‌حجابی در حال گسترش را کنترل کنند. ولی طرح و رده‌بندی قوانینشان و استفاده از تمام ابزارها و امکانات برای پیشبرد اهدافشان خود نشان‌دهنده اذعان

به شکست سیاستی است که مدت‌هاست تاریخ مصرفش گذشته و دیگر کارائی ندارد.

به این ناجیان جهل و جهالت باید یادآور شد که مدت‌هاست حجاب را باد با خود برده است، طوفانی عظیم در راه است که هر آن، خود شما و تمام دم‌ودستگاه مفت‌خوری و جفنگ‌بافی‌هایتان را زیرورو خواهد کرد. فکری به حال خود کنید و به قول توماج قهرمان تا دیر نشده سوراخ موشی برای خودتان دست‌وپا کنید.

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۹ مه ۲۰۲۴

یورووِیژن و جنگ غزه!

شهاب بهرامی

شصت و هشتمین دوره مسابقات موسیقی «یورووِیژن» روز سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت در حالی در "مالمو" سومین شهر بزرگ سوئد آغاز شد که جنگ غزه بر آن سایه افکنده است.

اواسط دهه پنجاه میلادی اروپای خسته و داغان از دو جنگ خونین و خانمان‌سوز اول و جنگ جهانی دوم، تازه از زیر آوار قد راست کرده بود. دول سرمایه‌داری در رقابت بر سر تقسیم و غارت جهان، قاره سبز را به مرز نیستی سوق داده بودند. ثمره این رقابت‌های جنون‌آمیز، کشته‌شدن ده‌ها

میلیون نفر و نابودی بیشتر زیر ساخت‌های حیاتی در کشورهای درگیر در جنگ بود. با عروج دو ابرقدرت جدید و تقسیم اروپا به شرق و غرب، زمزمه افسانه اروپای قدرتمند و متحد که از منظر تاریخ هیچگاه متحد نبود به صدایی رساتر بدل می‌شد. جنگ سرد نیز یکی از عوامل مؤثر در این فضاسازی بود. در چنین حال و هوایی، بازسازی هویت اروپایی به سطح آمد. هنر قبل از سیاست به پیشوازش شتافت.

اما هنر، در همان سطح سیاسی شد و تقریباً سیاسی ماند، چرا که اروپامحوری، خود عین سیاست بود. سال ۱۹۵۶ میلادی اولین فستیوال موزیک اروپایی با نام "یورورویژن" در سوئیس و با شرکت ۷ کشور اروپایی کلید خورد. شعار "موسیقی متحد می کند"

بر تارکش نقش‌بست و به شعار معرفه و هویتی یورووِیژن بدل گشت. از آن زمان تا به امروز بر سر استفاده بهینه و تبلیغاتی، تلاشی آشکارا و نهان از جانب شرکت‌های بزرگ و دولت‌های نیمه سیویل در جریان بوده تا به‌گونه‌ای ممکن مهر خود را بر این فستیوال حک کنند.

جنبش‌های گوناگون اجتماعی نیز در این میان برای رساندن صدا و مطالبات خود تلاش می‌کنند در این مراسم‌ها دیده شوند و پیامشان به گوش جهانیان برسد. جنبش‌های محیط زیستی، ضد انرژی هسته‌ای و جنبش‌های ضدجنگ از این دسته‌اند.

سال گذشته جنگ اوکراین مهرش را کوبید و

سمپاتی جهانی نسبت به مشقات مردم اوکراین و جنایات دولت پوتین را از طریق یورووِیژن به دنیا مخابره کرد. امسال نوبت به غزه رسید. به تخمین پلیس مالمو، قرار است تظاهرات ده‌ها هزارنفره علیه کشتار مردم بی‌دفاع غزه و محکوم‌کردن جنایات قصابان حماس، در روز فینال مسابقات انجام شود. در این هیاهو، صدای "خواننده اسرائیلی را از فستیوال بیرون اندازید" بیش از بیش برجسته است. امسال هم هنر برای هنر نماند و تسلیم واقعیت بیرونی شد.

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۹ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۲۷

۱۱ مه ۲۰۲۴ – ۲۲ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

رضا پهلوی و اتحاد؟

اصغر کریمی

خاتمی و داستان گدایی از درگاه خامنه‌ای

سینا پدرام

ایپزود شکست سینمای گلخانه ای در ایران

یاشار سهندی

هشدار "مراجع تقلید" قم، به مردم فشار نیاورید

کیوان جاوید

از ماشین بخار تا هوش مصنوعی

سؤال از حمید تقوایی

رضا پهلوی و اتحاد؟

اصغر کریمی

رضا پهلوی در مصاحبه با مجری شبکه ۴ رادیو بی‌بی‌سی که گفت بخشی از دلیل فروپاشی ائتلافی که سال گذشته شکل گرفت و شما هم جزئی از آن بودید بخاطر رویکرد بیش ازحد تند و انعطاف‌ناپذیری اطرافیان شما بود و به همین خاطر بسیاری در اپوزیسیون نوعی بی‌اعتمادی به شما دارند و شما را نماینده آینده ایران نمی‌بینند، گفت "نقش من این است که در دوره گذار تا جای ممکن اتحاد ایجاد کنم ... مکانیزم تغییر ایجاد پارلمانی است که نمایندگان مردم در آن در مورد آینده بحث کنند و تصمیم بگیرند".

رضا پهلوی و بخشی از اپوزیسیون بی‌خاصیت شیفتگی عجیبی به "دوره گذار" و "پارلمان" دارند. گویا انقلابی صورت نمی‌گیرد، دم و دستگاه سرکوب و حاکمیت مورد هجوم قرار نمی‌گیرد و جایی تسخیر نمی‌شود، بلکه "گذار" آنهم مسالمت‌آمیز صورت میگیرد، یک پارلمان درست میشود و به امثال رضا پهلوی میگویند بفرمایید برای آینده ما تصمیم بگیرید.

نه جناب اولا بر خلاف میل شما مردم انقلاب می کنند، ثانیا انقلاب نمیکنند که یک دولت آقابالاسر درست کنند و اختیاراتشان و سرنوشت‌شان را به آن بسپارند. مردم به کمتر از اداره شورایی در تمام سطوح محلی و سراسری رضایت نخواهند

داد. ثالثا، مردم به افرادی به عنوان نماینده خود اعتماد میکنند که قبل از هر چیز در انقلاب نقشی دارند و در دوره انقلابی، نه دوره گذار!، نقش سازنده و متحدکننده‌ای ایفا میکنند. به افراد و احزابی که در برنامه و فعالیت‌های روزمره‌شان خواست‌های عمیق و دیرینه مردم را با صدای رسا اعلام کرده‌اند. شما نه انقلاب میخواهید، نه نماینده ساده‌ترین خواست‌های مردم از انحلال نیروهای سرکوب و کوتاه کردن دست مذهب و آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی تا رفاه و برابری و پایان دادن به هر نوع تبعیضی هستید.

نقش متحدکننده! شما و مشاوران و ساواکی‌ها و اطرافیان لمپن و هیچکاره اما مزاحم شما را همه دیده‌اند. طبعا هر حزب و شخصیتی همان نیرویی

را دور خود جمع میکند که شایسته آن است. بساط سلطنت در ۱۳۵۷ به خاک سپرده شد اما شبح آن که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی توسط رسانه‌ها زنده شد اینبار توسط مردم انقلابی برای همیشه دفن و همراه با آن بساط ائتلاف‌بازی‌های شخصیت! های بادکنکی و پارازیت‌ها هم جمع شد. انقلاب پالایش زیادی یافت و شخصیت‌هایی دیگر، فرهنگی دیگر و روح و جسمی دیگر را به میدان آورد. حتی رسانه‌های دست راستی هم دارند پنبه‌ها را از گوششان درمیاورند.

شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۱ مه ۲۰۲۴

خاتمی و داستان گدایی از درگاه خامنه‌ای

سینا پدرام

محمد خاتمی در یک فایل صوتی که منتسب به اوست، با بیان دلایل عدم مشارکتش در "انتخابات" اسفندماه گذشته می‌گوید: "یکبار هم ما در کنار مردم قرار بگیریم". او می‌گوید اصلاح‌طلبان تاکنون از حکومت "گدایی" می‌کردند.

اوضاع اپوزیسیون "قانونی"، آنچه که مدت‌ها به بال دوم نظام مشهور بود، رقت‌بار است. در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران، اپوزیسیون یک نظام خود را در این حجم بی‌آینده‌تر، متوهم‌تر و مالیخولیایی‌تر نیافته است. این حضرات بیشتر از خود رژیم به ادامه

حیات رژیم دخیل بسته‌اند. حیات این اپوزیسیون "مشوش‌الدوله" چنان به رژیم گره‌خورده است که با هیچ جراحی از اصل و ریشه حکومتی خود جدا نمی‌شود.

اگر بشود نقطه آغازی برای این استیصال موجودیتی پیدا کرد باید به تاریخ شعار " اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" اشاره کرد. معنی عملی موقعیت امثال خاتمی یعنی هرچه کوچک‌تر شدن حلقه رهبری و لخت و عورتر شدن جناح حاکم و بحرانی‌تر شدن و بی‌افق‌تر شدن آن و به این اعتبار پایان عمر اصلاح‌طلبی در همه سطوح سیاسی و اجتماعی.

آقای خاتمی با "صراحت کلام" ویژه این بزرگوار،

اقرار می‌کند که تاکنون از حکومت "گدایی" می‌کردند و به‌ظاهر این بار کاسه صبرش لبریز شده است. این انتظار بی‌جایی است که ایشان حتی از یک خواست ساده مردم حمایت و یا هم جهت با منافع مردم عمل کند. او در پایان این فایل صوتی می‌گوید: "یکبار هم ما در کنار مردم قرار بگیریم، نه در کنار ضدانقلاب و تحریم. بگوییم تا این مجلس و شورای نگهبان است دیگر در انتخابات شرکت نمی‌کنیم". عجب شجاعتی! عجب مخالفت باشکوهی! امثال خاتمی هیچ‌وقت کنار مردم قرار نمی‌گیرند اما مردم از همین شکاف‌ها برای پیشروی خود استفاده لازم را خواهند کرد.

طول و عرض مخالفت این بنده خدا فقط تا دم در مجلس و شورای نگهبان امتداد پیدا می‌کند. چنان

سنجیده "انتقاد" می‌کند که خاطر بیت رهبری را مکدر نکند. طنز قضیه در این است که اصولاً خود "رهبر" تند و تیزتر از حضرت به خودی‌های رژیم می‌تازد.

سایه انقلاب زن زندگی آزادی در ایران همچنان گسترده است. انقلاب تمامی گفتمان‌ها و جدال‌های اجتماعی را به نفع مردم تغییر داده است. انقلاب دلیل واقعی تمامی سیاست گذاری‌های فعلی رژیم و اپوزیسیون اصلاح‌طلب آن است. حتی لقب نیمچه اپوزیسیون هم برازنده این شیادان نیست.

شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۱ مه ۲۰۲۴

ایپزود شکست سینمای گلخانه ای در ایران

یاشار سهندی

محمد رسول اف، فیلمساز معترض به ۸ سال زندان و توقیف اموال و شلاق محکوم شده است. همه اینها به خاطر این است که بعد از آزادی از زندان که زمان زیادی از آن نمی گذرد، فیلمی به اسم "دانهٔ انجیر معابد" ساخته است که به بخش مسابقه جشنواره فیلم کن که از ۲۵ اردیبهشت شروع میشود راه یافته است. نکته برجسته فیلم اخیر رسول اف این است که بازیگران زن این فیلم بدون حجاب جلو دوربین رفتند. اتفاقی که همگان انتظار داشتند مانند حجاب سوزان بعد از سقوط حکومت اسلامی رخ دهد. جمهوری

اسلامی از خشم با تهدید بازداشت و ممنوع الکاری به عوامل فیلم فشار آورده بود که جلوی رسول اف را بگیرند که این فیلم را به جشنواره ارسال نکند. این اتفاق نیفتاد و حکم ظالمانه در مورد او صادر شد.

از اواسط دهه ۶۰، در اوج کشتار در زندانها و شکار مبارزان در خیابانها، جشنواره های فیلم، مانند کن یا برلین کاملا آگاهانه به ویترین جمهوری اسلامی تبدیل شده بودند. کسانی مانند مخلباف که متهم به شکار هنرمندان معترض در خیابانهای تهران و سردمدار تصفیه وسیع در سینمای ایران بود، همراه با کسانی مانند عباس کیارستمی به سوگلی این جشنواره ها تبدیل شده

بودند. عباس کیارستمی معتقد بود که "سانسور موجب خلاقیت میشود!" بعدها به این اسامی کسانی مانند، ابوالفضل جلیلی و جعفر پناهی و اصغر فرهادی و مجید مجیدی هم اضافه شدند. که این آخری محبوب خامنه ای و بازیگر فیلم "بایکوت" مخلمباف بود؛ فیلمی تبلیغاتی علیه زندانیان سیاسی و مدافع کشتار این زندانیان. برخی از این فیلمها حتی در ایران به نمایش در نمی آمدند، همین حضور بین المللی اما کافی بود که از چهره ضد فرهنگی جمهوری اسلامی تصویر دروغین بسازد. حضور "سینمای گلخانه ای" تا همین دو سه سال اخیر ادامه داشت و مسئولان جشنواره ها به اعتراضات توجه نشان نمی دادند.

انقلاب زن زندگی آزادی تاثیر خود را روی سینما نیز گذاشت. برخی بازیگران زن حجاب برداشتند و ابتذال سینمای دولتی را به چالش کشیدند. با انعکاس جهانی صدا و تصویر این انقلاب، جشنواره های بین المللی نیز سیاست خود را تغییر دادند و دیگر به سینمای دولتی ایران اجازه حضور نمی دهند. همزمان با شکست آن سینمای حکومتی، باید همین امروز علیه حکم زندان و ممنوع الکار شدن رسول اف تمام قد ایستاد و رژیم را عقب راند.

شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۱ مه ۲۰۲۴

هشدار "مراجع تقلید" قم به مردم فشار نیاورید

کیوان جاوید

به گزارش "گروه خبر" ابراهیم رئیسی روز ۲۰ اردیبهشت، در ادامه سفرهای استانی خود، برای دومین بار وارد قم شد و با تعدادی از "علما و مراجع تقلید" دیدار و گفت‌وگو کرد.

در هشدار به رئیسی همه آیت‌الله‌های شکم سیر و بی‌درد، و البته هراسان از انقلاب در یک چیز متفق‌القول بودند. "فشار فایده ندارد". مکارم شیرازی تأکید کرد که "راهکار حل مسائل و مشکلات فرهنگی کشور تدبیر، تشویق و کارهای

فرهنگی است و در این مسائل فشارآوردن فایده‌ای ندارد". جوادی آملی بر حفظ کرامت مردم تأکید کرد و گفت: مسئولین باید تمام همتشان این باشد که با مردم باادب و احترام و بر اساس کرامت برخورد شود". نوری همدانی بر شرایط سخت معیشتی مردم تاکید کرد و گفت: "هر کجا قدم می‌گذارید مردم از گرانی و سختی زندگی می‌گویند."

مذهب عموماً در حاشیه قدرت حاکم می‌ایستد و منتقد نیم‌بند حاکمین می‌شود و نقش سوپاپ‌اطمینان به خود می‌گیرد تا شعله خشم مردم به انقلاب تبدیل نشود. پیشوایان مذهبی بی‌وقفه تلاش می‌کنند انتقادات مردم از حاکمین،

از درخواست‌های متواضعانه فراتر نرود. مذهب آه انسان درمانده است و وجود فقر و فساد و بی‌عدالتی را توجیه می‌کند و رسیدن به رستگاری را به آن دنیای موهوم حواله می‌دهد.

این پرده استتار در ایران به سبب در قدرت قرارگرفتن مذهب از هم دریده شده است. یک جامعه ۸۷ میلیونی تماماً به نقش مافیای مذهب پی برده. مذهبی که مسلح به همه سلاح‌های کشتارجمعی از هر وسیله‌ای به دفاع از غارتگری می‌پردازد و در عیان‌ترین شکل ممکن رودرروی مردم ایستاده و از موجودیت سیاسی خود و ارتجاع فرهنگی حاکم دفاع می‌کند.

هشدار این آیت‌الله‌های حاکم که خود سازندگان این فلاکت عمومی‌اند دردی از حکومت درمان نمی‌کند. حکومت اسیر در گردابی از بحران‌های متنوع در انشقاق گسترده غوطه‌ور است. همگی به‌خوبی می‌دانند نرمش در برابر مردم معنا ندارد و درعین‌حال به تجربه‌دیده‌اند سرکوب نیز خشم مردم را انباشته‌تر و انفجاری‌تر می‌کند تا در موقعیتی مناسبت تر در صفوفی به هم فشرده‌تر ارکان حکومت را بلرزانند و از هم بپاشانند. این رژیم کارش از هشدار گرفتن گذشته است. بین مردم و حکومت تنها سلاح حکم می‌راند.

شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۱ مه ۲۰۲۴

از ماشین بخار تا هوش مصنوعی

سؤال از حمید تقوایی

کیوان جاوید: هوش مصنوعی در خدمت بشر یا نابودگر تمدن بشری؟

حمید تقوایی: هوش مصنوعی یک دستاورد انقلاب صنعتی چهارم است که قدرت تولیدی بشر را در چند دهه اخیر صدها برابرِ چند سده اخیر افزایش داده است و این روند با رشدی تصاعدی ادامه دارد. انقلابات صنعتی موجب گسترش رفاه و پیشرفت تمدن است و نه عامل نابودی آن. اگر ماشین بخار و موتورهای احتراقی و الکتریسیته تمدن را نابود کرد، انقلاب الکترونیک و هوش

مصنوعی هم خواهد کرد! هوش مصنوعی هم، مثل هر نوآوری تکنولوژی تولیدی دیگری، نه تنها نابودگر تمدن بشری نیست بلکه یک دستاورد آن و در خدمت کل بشریت است. تولید بیشتر یعنی رفاه و اوقات فراغت بیشتر. اگر در نظام سرمایه داری این امر اتفاق نمی افتد، مانع نظامی است که حول سود و سودآوری می چرخد. در نظامهای موجود کامپیوتریزه شدن و بکارگیری رباتها و هوش مصنوعی در تولید، خود ر ا نه در رفاه بیشتر مردم، بلکه در افزیش سود و ثروت یک در صدیها نشان میدهد، و این حاصل مناسبات تولیدی کاپیتالیستی است و نه رشد تکنولوژی.

یکی از نکات مهمی که در نقد هوش مصنوعی

گفته می‌شود اینست که جای تفکر انسانی را می گیرد و یا حتی، آنطور که آقای ایلان ماسک – مالتی میلیاردر صاحب کارخانه اتومبیل‌سازی تسلا و شبکه ایکس و چند شرکت غول‌پیکر دیگر – چندی پیش ادعا کرد، از هوش بشری پیشی می گیرد. این نظریه درکی سطحی از هوش دارد. هر وقت ماشینی بسازند که اثری مثل هملت بنویسد و یا مثل حافظ و گوته شعر بگوید و یا تابلویی مثل لبخند ژوکوند خلق کند، و در زمینه علوم، نظریه‌ای مثل داروینیسم و نسبیت اینشتین تئوریزه و تدوین کند، آن زمان می‌توان ادعا کرد که ماشین بپای بشر رسیده است. اما چنین احتمالی نزدیک به صفر است. به نظر من دستاوردهای فکری و هنری بشری در دنیای

دیجیتال و منطق دوارزشی دیجیتال قابل‌دستیابی نیست.

کیوان جاوید: گفته می‌شود با گسترش هوش مصنوعی مشاغل از بین می‌روند و بیکاری گسترش می‌یابد

حمید تقوایی: این توضیح وارونه واقعیت است. واقعیت اینست که بکمک هوش مصنوعی با ساعت کار خیلی کمتری می‌توان محصولات بمراتب بیشتری تولید کرد. این امر، در یک جامعه انسانی که تولید در خدمت رفع نیازهای کل جامعه است، به معنی کاهش ساعات کار و اوقات فراغت بیشتر برای کارگران خواهد بود.

اما البته جواب کاپیتالیستی این مساله اخراج کارگران بمنظور سودآوری بیشتر است. طبق گزارشاتی که در سال جاری منتشر شده کارگران در رشته‌هایی که ربات بکار گرفته شده ۸۹ درصد کارآمدتر بوده‌اند. یعنی در این صنایع با کاهش ۸۹ درصد ساعات کار می‌توان میزان تولید و تعداد کارگران با همان سطح دستمزد را حفظ کرد. اما از دید سرمایه‌دار این به معنی اخراج ۸۹ درصدی کارگران و افزایش ۸۹ درصدی سود است. پژوهش جدید توماس پیکتی، اقتصاددان فرانسوی که با نوشتن کتاب "سرمایه در قرن بیست و یکم" معروف شد، نشان می‌دهد در ۳۰ سال اخیر رشد درآمد نیمه پایینی مردم آمریکا، صفر بوده است درحالی‌که درآمد یک درصد

ثروتمند ایالات متحده رشدی ۳۰۰ درصدی داشته است. در بقیه جهان هم وضع به همین قرار است.

فاکتور مهمی که این رشد ۳۰۰ درصدی در آمد سرمایه داران را فراهم کرده انقلاب الکترونیک و بکارگیری کامپیوتر و ربات‌ها و اخیراً هوش مصنوعی است که در سی سال اخیر قدرت تولید و بارآوری کار را بطور جهشی و تصاعدی افزایش داده است.

اما رشد تکنولوژی که امروز به سودهای کلان ترجمه می‌شود، درعین‌حال شرایط عینی را برای جامعه سوسیالیستی روز بروز بیشتر فراهم می‌کند. هوش مصنوعی هر اندازه بیشتر در

تولید بکار گرفته شود، امکان تولید حجم انبوه کالاهای موردنیاز بشر با زمان کار هر چه کمتری، بیشتر فراهم می‌شود و این خود امکان‌پذیری سوسیالیسم را بیش‌ازپیش در چشم‌انداز جامعه قرار می‌دهد. همانطور که فاصله عظیم بین ثروت‌های نجومی یک‌درصدی‌ها و فقر ۹۹ درصدی‌ها - به گزارش آکسفام هشت نفر در دنیا ثروتی برابر با نیمه فقیر جمعیت دنیا دارند - بیانگر ضرورت سوسیالیسم است.

شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۱ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۲۸

۱۲ مه ۲۰۲۴ – ۲۳ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

عمامه‌داران و کلاهک هسته‌ای

محسن ابراهیمی

قتل‌های ناموسی زنان رخدادی سیاسی

سیاوش آذری

بدن زن، انتخاب زن

عطیه نیک‌نفس

علیرضا زاکانی و وام‌های "رؤیایی"

سینا پدرام

عمامه‌داران و کلاهک هسته‌ای

محسن ابراهیمی

کمال خرازی، مشاور امور بین‌الملل رهبر جمهوری اسلامی، اخیراً در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی الجزیره، ضمن تأکید بر ظرفیت حکومت اسلامی در تولید بمب هسته‌ای، اعلام کرد در صورت تهدید موجودیت جمهوری اسلامی، دکترین هسته‌ای حکومت تغییر خواهد کرد. چهار سال پیش هم وزیر وقت اطلاعات جمهوری اسلامی گفت: "رهبری فتوا داده‌است که سلاح هسته‌ای حرام است؛ اما اگر گربه را در گوشه‌ای گیر بیندازند، ممکن است رفتارش با وقتی که گربه آزاد است فرق کند." قبل‌تر هم علی‌اکبر صالحی، رئیس اسبق سازمان انرژی اتمی

اعلام کرده بود: "همانطور که یک خودرو برای تکمیل‌شدن به شاسی، موتور، جعبه‌دنده و بقیه اجزا نیاز دارد، صنعت هسته‌ای هم اجزای متفاوتی دارد که ما همه آنها را آماده کرده و تنها با سرهم کردن این اجزا می‌توانیم به اهداف موردنظر خود برسیم".

همه این اظهارات یعنی اینکه سران خود حکومت دارند خطاب به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صاف‌وساده می گویند احمق هستید اگر تصور کنید که فتوای خامنه‌ای واقعاً برای اجتناب از اتمی شدن بوده است. همین چند نمونه از اظهارات سران حکومت اسلامی نشان می‌دهد که حکام اسلامی از همان اول به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دروغ گفته‌اند و مدیران کل این آژانس را سرکار گذاشته‌اند تا برای رسیدن به بمب هسته‌ای وقت

بخرند.

دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی از همان ابتدا مسلح شدن به بمب هسته‌ای بوده و هنوز هم همان را ادامه می‌دهد. تنها تفاوت با گذشته این هست که امروز با زمین‌گیر شدن جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای و جهانی حکومت، با تبدیل‌شدن سرنگونی به مسئله بخش‌های بیشتری از مردم، با خیزش‌های وسیع خیابانی و نهایتاً با انقلابی به گستردگی و عمق "زن، زندگی، آزادی" عزم حکومت برای مسلح شدن به بمب هسته‌ای بیشتر و آشکارتر شده است.

واقعیت این است که حکومت اسلامی هر چقدر حیات سیاسی خود در داخل ایران را به طور جدی‌تری در خطر می بیند، همان قدر بیشتر احساس نیاز می کند

که بقای سیاسی‌اش را به ایفای نقش به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای گره بزند. منشأ نیاز به‌ظاهر شدن به‌مثابه یک قدرت هسته‌ای منطقه‌ای در اینجاست. اما حکومت اسلامی را مردم در داخل سرنگون خواهند کرد. با مسلح شدن به کلاهک هسته‌ای ممکن است بتوانند از دولت‌ها اخاذی سیاسی کند، اما نخواهند توانست عمامه‌ها را نجات دهد.

یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۲ مه ۲۰۲۴

قتل‌های ناموسی زنان رخدادی سیاسی

سیاوش آذری

بنا بر آمارهای رسمی از آغاز سال ۱۴۰۳ تا کنون دست‌کم ۲۳ زن توسط اعضای مذکر خانواده‌هایشان به قتل رسیده‌اند. این در حالی است که بنا بر همین داده‌های رسمی در ۱۰ ماه اول سال ۱۴۰۲ بیش از ۱۰۰ زن به بهانه‌های مختلف به قتل رسیده‌اند. البته برخی پژوهشگران آمار حقیقی جنایت علیه زنان و قتل‌های ناموسی را بسیار بالاتر از این ارقام ارزیابی می‌کنند. برای نمونه طبق آمار منتشر شده در برخی پایان‌نامه‌ها در سال ۱۴۰۲ بین ۳۷۰ تا ۴۵۰ زن در نتیجه قتل‌های ناموسی جان خود را ازدست‌داده‌اند. نکته حائز اهمیت دیگر افزایش قتل‌های ناموسی و

زن‌کشی در کلان‌شهرها از جمله تهران است.

مسلماً مشکلات اقتصادی، فقر، بحران‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگ و باورهای مردسالارانه، تعصب و پیش‌داوری‌های جنسیتی، فرهنگی و قومی از جمله عواملی هستند که موجب افزایش خشونت و جنایت علیه زنان می‌گردند. اما مهم‌ترین عامل افزایش خشونت علیه زنان و قتل آنان رژیم آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی است.

این رژیمی است که در قوانینش زنان نیمه‌انسان محسوب می‌گردند. این رژیمی است که تلاش در به تمکین کشاندن زنان در مقابل زندان حجاب را دارد. این رژیمی است که دینی که مبنای قوانین و حقوق آن را تشکیل می‌دهد زنان را کشتزار مردان

تعریف می‌کند و این همان رژیمی است که با قتل مهساها و سارینا‌ها و هزاران زن دیگر در عمل ثابت کرده که‌خود بزرگ‌ترین قاتل زنجیره‌ای زنان‌است. به این معنی خشونت علیه زنان و قتل‌های ناموسی نه مسائلی مبتنی بر عوامل فرهنگی و "اقتصادی" و معیشتی بلکه پیش از هر چیز رخدادهایی سیاسی و نیازمند پاسخی سیاسی هستند.

مردم و بالاخص زنان در ایران با وقوف کامل بر این حقیقت برای حل نهایی و همیشگی زن‌ستیزی سیستماتیک و فرهنگ مردسالار و زن کُش پرچم انقلاب زنانه را برافراشته و دست به ریشه مصائب برده‌اند. سرنگونی جمهوری اسلامی مهم‌ترین گام در راستای پایان‌دادن به آپارتاید جنسیتی و فرهنگ و باورهای زن‌ستیزانه و برقراری آزادی و برابری است.

با سرنگونی رژیم الله و نمایندگانش در روی زمین و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی کل بساط دین، باورها، تعصبات و اخلاقیات مردسالارانه منبعث از آن نیز به موزه جنایات علیه بشریت سپرده خواهند شد.

یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۲ مه ۲۰۲۴

بدن زن، انتخاب زن

عطیه نیک‌نفس

«هم‌زمان با تلاش مضاعف جمهوری اسلامی برای مقابله با حق آزادی پوشش زنان ایران، نهادهای حقوق بشری نسبت به نقض حقوق باروری در ایران، ابراز نگرانی کردند. مجموعه فعالان حقوق بشری در ایران روز جمعه ۲۱ اردیبهشت در گزارشی تفصیلی از قوانین محدودکننده و اعمال تبعیض‌آمیز در حوزه «سلامت باروری» زنان نوشت که جمهوری اسلامی استقلال زنان بر بدن و سلامت باروری خود را به طور سیستماتیک، محدود و با رویه‌های تبعیض‌آمیز آن را تضعیف کرده است.»

اسلام و به‌تبع آن رژیم‌های اسلامی با قوانین

زن‌ستیزانه‌شان همیشه زنان را سرکوب کرده‌اند و نمی‌خواهند که بدن زنان در اختیار خودشان باشد. این اعمال، جنایت نه فقط بر زنان بلکه بر تمام جامعه است. وقتی نیمی از جامعه که زنان هستند ازنظر سلامت جسم و روان زیر فشار، تهدید، اجبار و سرکوب به سر می‌برند، مردم آن جامعه نمی‌توانند سالم و شاد زندگی کنند.

در ایران اسلام زده به‌واسطه وجود رژیمی فاسد و جنایت‌کار مردم از حقوق اولیه انسانی محروم‌اند، هر روزه مردم با بحران‌های نفس گیری از جمله تورم، نبود داروهای ضروری، بی‌خانمانی، نبود آزادی بیان، تبعیض جنسیتی و البته سرکوب همه‌جانبه درگیرند.

در این شرایط غیرانسانی زنان، به دلیل دردسترس نبودن امکانات بهداشتی باروری، به‌ویژه در

شرایطی که به صورتی گسترده مورد تبعیض قانونی و اجتماعی قرار دارند، در صورت بارداری مجبور به نگه‌داشتن آن جنین می‌گردند. درحالی‌که این حق هر زنی است که به شکلی رایگان از بهترین امکانات پیشگیری بارداری بهره‌مند و در صورت نیاز و متناسب با توصیه‌های علم پزشکی قادر به سقط‌جنین در کلینیک‌های مجهز باشد.

از طرفی رژیمی اسلامی در مقابل جسارت و شجاعت زنان مبارز و برابری‌طلب مستأصل شده و نمی‌داند دیگر با کدام حربه زنان را به عقب براند، به همین دلیل از هر طرف سرکوبش را افزایش می‌دهد با این توهم که با حذف زنان از جامعه، بتواند مبارزات مردم را سرکوب کند. غافل از اینکه مردم از تمام فرصت‌ها برای پیشبرد انقلابشان استفاده می‌کنند.

جمهوری اسلامی و یا هر دولت دیگری حق ندارد بجای زنان تصمیم‌گیری و برای زنان تعیین تکلیف کند. تا اسلام و اوباش اسلامی در مسند قدرتمند هیچ زنی به حقوق انسانی‌اش نمی‌رسد. پیروزی انقلاب «زن، زندگی، آزادی» کوتاه‌ترین و سرراست‌ترین راه احقاق حقوق زنان و همه مردم و رسیدن به دنیایی برابر و بهتر است.

یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۲ مه ۲۰۲۴

علیرضا زاکانی و وام‌های "رؤیایی"

سینا پدرام

یاشار سلطانی، روزنامه‌نگار، در پی ادعای علیرضا زاکانی، شهردار تهران، درباره پرداخت وام بانکی با بهره متداول به مدیران زیرمجموعه‌اش، اسناد مربوط به سود "رؤیایی" این وام‌های میلیاردی را منتشر کرد و اظهار داشت: "زاکانی اخیراً ده‌ها میلیارد وام اجاره مسکن از بانک شهر به مدیران خود با سود ۶ درصد پرداخته است." به نوشته او، این سود "برای مردم عادی و حتی کارمندان خود شهرداری هم یک رؤیاست و این وام تنها وام پرداختی به مدیرانش نیست! "

وعده‌های توخالی برای مردم و رانت‌خواری‌های

افسانه‌ای برای دار رو دسته‌ها و باندهای رژیمی نه امر جدیدی است و نه منحصراً به دوره رئیسی مربوط است. از آغاز کار رژیم اسلامی و با ادامه حکمرانی این جماعت، ما هر شب باخبر یک اختلاس به‌خواب‌رفته‌ایم و باخبر دزدی حکومتی دیگری چشم گشوده‌ایم.

رابطه فساد و دیکتاتوری رابطه‌ای است چندوجهی اما به طور ویژه می‌توان دید که هر چه انتظار حاکمان برای ماندن در قدرت کمتر و محدودتر باشد، میزان و ابعاد فساد بالاتر است. ماهیت و ترکیب هیئت حاکمه نیز از فاکتورهای دیگر تشکیل‌دهنده گستردگی فسادها مالی و اداری به‌حساب میاید.

اما در مورد فساد گسترده و نهادینه شده در رژیم اسلامی ما با یک پدیده جدید مواجه هستیم. مهم‌ترین ویژگی رژیم اسلامی عدم تثبیت سیاسی آن از بدو استقرار آن است. به یک معنا این رژیم هرگز موفق نشد که از خود در میان توده‌های مردم تصویر ماندگار بودن ارائه دهد. سیاست از این ستون به آن ستون و ناپایداری حکومت حتی در رفتارهای سیاسی جناح‌ها و باندهای مختلف نیز کاملاً قابل رویت است. رسیدن به قدرت برای هر باندی فقط در یک بازه زمانی دریچه کوتاهی است برای اختلاس و رسیدن به ثروت‌های نجومی.

بدون تردید در سیستم حاکمیتی که نظارت مردم بر امور دولتی و اداری به شکل مستقیم و مشارکتی اعمال شود، چنین معضلاتی کمتر فرجه و محمل

بروز برای خود پیدا می‌کند. از سوی دیگر فساد مالی گسترده و سطح رفاه مردم رابطه بسیار مستقیم دارند. به عبارت بهتر وام‌های "رؤیایی" دزدی آشکار شهرداری از جیب مردم است. هرچه این اختلاس‌ها و رانت‌خواری‌ها "رؤیایی‌تر" می‌شود سفره مردم و کارمندان همان شهرداری تهران خالی‌تر و سختی‌های زندگی‌شان مهیب‌تر.

یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۲ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۲۹

۱۳ مه ۲۰۲۴ – ۲۴ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

حکومت حسن روحانی دشمن آزادی بیان

کیوان جاوید

شکنجه زندانیان سیاسی با بحران ساس

سهیلا دالوند

مافیای زباله و زباله گردهای نگون‌بخت

تهمینه صادقی

اینجا بغلان است، آدمیت را سیل برده است!

سیامک بهاری

مبارزه با مذهب، چگونه؟

سؤال از مصطفی صابر

حکومت حسن روحانی دشمن آزادی بیان

کیوان جاوید

حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین جانیان اسلامی در واکنش به رد صلاحیتش در "انتخابات" اسفندماه گذشته اعلام کرد: "نامه شورای نگهبان [در تشریح دلایل رد صلاحیت] به من ثابت می‌کند که عالی‌ترین مقام منتخب مستقیم ملت ایران حتی در حد یک شهروند هم از حق آزادی بیان برخوردار نیست! "

این نامه حسن روحانی چیزی جز اعتراف یکی از بالاترین و قدیمی‌ترین مقامات حکومت اسلامی به این نیست که این جانیان از اولین لحظه

به‌قدرت‌رسیدن تاهمین‌امروز دشمنان قسم‌خورده آزادی بیان بوده و هستند. اعتراف روحانی دارد با صدای بلند این حقیقت را جار می‌زند که مردم در ایران حق دارند برای سرنگونی این حکومت از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

یک‌لحظه به این فکر کنیم اگر روحانی رد صلاحیت نمی‌شد و می‌توانست وارد مجلس ارتجاع اسلامی شود آیا دیگر چنین انتقاداتی نسبت به یاران قدیمی خود مطرح می‌کرد؟

روحانی و جناح درمانده‌تر از جناح خامنه‌ای را از چنگ‌انداختن به اهرم‌های قدرت محروم کردند؛ چون تشخیص دادند با خط و سیاست

جناح روحانی حکومت اسلامی سریع‌تر رو به سرنگونی می‌رود. خط حاکم حکومتی اشاعه بی‌دروپیکر تروریسم اسلامی و حکومتی در منطقه و قدرت‌نمایی نظامی و حمایت تسلیحاتی وسیع از مزدوران منطقه ای خود است. خط روحانی سازش گام‌به‌گام با آمریکا است. خط حاکم در ایران حداکثر فشار برای مقابله فرهنگی و تحمیل حجاب به زنان و خط روحانی کنترل گام‌به‌گام و باز کردن سر سوزنی از اختناق فرهنگی علیه زنان است. این اختلاف بنیادی این دو بخش حکومتی است که هر کدام در نبرد با مردم و برای کنترل انقلاب مردم روش امتحان پس داده و البته شکست‌خورده متفاوتی ارائه می‌دهند.

خط روحانی در حکومت خریداری ندارد. حالا که این مُهره کارساز در ساختار جمهوری اسلامی که مشارکت در ده‌ها هزار قتل حکومتی در پرونده خود دارد همچون کاغذتوالت بعد از مصرف دور انداخته شده به یاد مردم و نقض آزادی بیان افتاده است.

دیر آمدی و هرگز به آرزوی خود که بازگشت به قدرت باشد نخواهی رسید. انقلاب بساط همه شما را جارو می‌کند. دیگه تمومه ماجرا.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

شکنجه زندانیان سیاسی با بحران ساس

سهیلا دالوند

ضیا نبوی، زندانی سیاسی و فعال سابق دانشجویی که برای گذراندن حکم یک سال حبس در زندان اوین به سر می‌برد، از شیوع ساس در بند هشت زندان اوین خبر داده است. او در نامه اش شرایط شیوع ساس در این بند را اینگونه توصیف کرده که زندانیان حتی با خوردن قرص‌های خواب قوی هم نمی‌توانند بخوابند.

سهیل عربی، زندانی سیاسی در تبعید نیز در خاطراتش می‌نویسد: "یک شب تو زندان تهران بزرگ، تیپ یک، دارالقرآن خواب بودم، دماغم تازه شکسته بود،

با دهان نفس می‌کشیدم، یک ساس از سقف افتاد تو حلقم.“ او ادامه می‌دهد: ”ما هر هفته تو زندان فیبر تخت‌ها رو آتش می‌گرفتیم و تمیز می‌کردیم، ولی باز زندانی جدید با خودش ساس و شپش و گال می‌آورد.“

رژیم اسلامی نه‌تنها با شکنجه، محرومیت از دارو و درمان، محرومیت از حق ملاقات، محرومیت از ارتباط تلفنی، تراکم و نبود فضای مناسب، نبود آب آشامیدنی سالم، عدم تفکیک جرایم، زندگی جسمی و روانی زندانیان را در معرض خطر قرار می‌دهد، بلکه با پایین نگه داشتن عامدانه کیفیت زندگی و به‌شدت غیرقابل‌تحمل در زندان‌های قرون‌وسطایی خود، بیشتر زندانیان را تحت شکنجه و اذیت و آزار قرار می‌دهد.

این‌شرایط‌حاکم‌برزندان‌هانشان‌دهنده‌نادیده‌گرفتن حقوق ابتدایی و بهداشتی زندانیان از طرف رژیم اسلامی است که سلامت روحی و جسمی آنها را به‌صورت سیستماتیک مورد هجوم قرارمی دهد. سندی دیگر است بر بیارزش بودن جان انسان‌ها برای جمهوری اسلامی و نقض مکرر حقوق ابتدایی زندانیان.

بیان حقیقت و افشای انواع شکنجه‌هایی که در زندان‌های جمهوری اسلامی در جریان است تازه شروع حرکتی است که باید با اقدامات مشخص تعرضی تر پاسخ بگیرد. در این مبارزه خانواده‌های زندانیان، اعم از سیاسی و غیرسیاسی نقش اساسی دارند.مدارک‌واسناداین‌شکنجه‌های‌روحی‌وجسمی

باید جمع آوری شوند. سازمان‌های مدافع حقوق انسان از جمله "کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی" این اسناد را در اختیار سازمان‌های بین‌المللی قرار می‌دهند تا اهرم فشار جهانی بر جمهوری اسلامی باشد. افکار عمومی جهان نیز در این زمینه می‌تواند با استناد به این مدارک انکارناپذیر، جمهوری اسلامی را وادار کند که انواع شکنجه در زندان‌های این رژیم پایان یابد و همه زندانیان سیاسی در ایران آزاد شوند.

فعالین و مبارزان جنبش سرنگونی در ایران باید در دفاع همه‌جانبه از زندانیان سیاسی اقدامات مشخص و فوری در دستور فعالیت خود بگذارد.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

مافیای زباله و زباله گردهای نگون‌بخت

تهمینه صادقی

درآمد ماهانه ۳۰ میلیون تومانی مافیای زباله از هر زباله گرد.

رضا محمدی، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند می‌گوید: "کارگری که در مخزن زباله، زباله‌گردی می‌کند، ده میلیون تومان درآمد دارد درحالی‌که زباله بیش از ۴۰ میلیون تومان ارزش دارد، اما مافیای زباله‌گردی این زباله را ده میلیون تومان می‌خرد، یعنی به‌ازای هر زباله گرد، مافیای زباله‌گرد، سی میلیون تومان کاسبی می‌کند".

او معتقد است که ۶ هزار زباله گرد در تهران

وجود دارد و این افراد بیش از ۶ هزار، ۳۰ میلیون تومان ماهانه درآمد دارند.

خبرگزاری مهر نیز می‌نویسد: "بیش از ۴ هزار و ۷۰۰ کودک زباله گرد در تهران زندگی می کنند که ۴۰ درصد آنها تنها نان‌آور خانواده‌اند. این کودکان در معرض انواع بیماری‌های عفونی مانند هپاتیت و ایدز، بیماری‌های پوستی و... هستند. زباله گردان ۱۵ تا ۱۷ سال حدود ۳۰ درصد از این کودکان را تشکیل می‌دهند؛ این آمار بین افراد ۱۱ تا ۱۲ سال نیز ۲۳ درصد است؛ اما ساعت‌های کاری آنها بسیار بالاست و تا پاسی از شب نیز ادامه دارد."

این زنگ خطری باید باشد در مقابله قاطع و همه‌جانبه علیه این بهره‌کشی برده‌وار که زندگی این بخش محروم از طبقه کارگر در ایران را به تباهی می‌کشاند. اینجا دیگر نقش جنبش‌های مبارزاتی که در جهت رفاه عمومی و منزلت و معیشت، رودرروی حکومت قرار دارند بسیار برجسته می‌شود. بخش عمده این کارگران که در قعر فقر و فلاکت گرفتار آمده‌اند را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند و تعداد قابل‌توجهی از آنها مهاجرین از افغانستان هستند که اسیر حکومت فاشیستی اسلامی‌اند.

تشکل‌های کارگری، معلمان و بازنشستگان. جنبش دانشجویی و فعالین حقوق مدنی و انسانی

باید دفاع از این اسرای مافیای اسلامی را به یک رکن مبارزه برای زندگی بهتر برای همه ساکنین (شهروندان) در ایران تبدیل کنند. این محکومان فقر و فلاکت حکومت اسلامی، فاقد امکان مبارزه متشکل در دفاع از معیشت و منزلت خود هستند. حمایت از این بردگان نظام سرمایه‌داری اسلامی وظیفه انسانی ما است. یک‌لحظه درنگ نکنیم.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

اینجا بغلان است، آدمیت را سیل برده است!

سیامک بهاری

”ما نه غذا داریم، نه آب آشامیدنی، نه سرپناه، نه پتو، نه هیچ‌چیز، سیل همه چیز را ویران کرده است!“

این فریاد مردم مستأصلی است که از روز جمعه، ۲۱ اردیبهشت تا کنون پس از سیل ویرانگر در شمال افغانستان در بغلان، برکه و فلول به حال خود رها شده‌اند!

پس از نادیده‌گرفتن اخطارهای مکرر اداره هواشناسی که سیلاب‌های هولناکی در راه است!

بارندگی شدید، مناطق بزرگی از شمال افغانستان را در بر گرفت. از پیش فرصت کافی بود که برخی مناطق تخلیه شوند. مردم آموزش ببینند، امکانات زیستی پیش از فاجعه به منطقه ارسال شود، مسیل‌ها پاک‌سازی شود. با وجود همهٔ اخطارها اما کوچک‌ترین آمادگی و اقدامی از سوی حکومت طالبان نه‌تنها صورت نگرفت؛ بلکه پس از فاجعه نیز بی‌توجهی به جان بازماندگان و آسیب‌دیدگان ادامه دارد.

طبق برآورد سازمان‌های امدادی قریب به یک میلیون نفر و از آن میان بیش از سیصد هزار کودک بی‌خانمان، بدون دسترسی به آب آشامیدنی، غذا و لباس، بی‌سرپناه، گرسنه و مجروح و بیمار در

روستاهای ویران شده، غرق در گل‌ولای گیر افتاده‌اند. از ۴۲ خانه در یک روستا چیزی باقی نمانده است. بیش از ۲۶۰۰ خانه به‌طورکلی در روستاهای شیخ جلال، شهرک صلح و شرشر از دهستان‌های بغلان مرکزی و برکه و نیز در منطقه فلول تخریب شده و تمام منطقه را سیل برده است! صدها تن کشته و زخمی شده‌اند، هزاران خانه ویران و غیرقابل‌سکونت است.

یکی از امدادگران محلی با استیصال می‌گوید: "جان و معیشت کودکان شسته شد. سیل ناگهانی روستاها را فراگرفت، خانه‌ها را از بین برد و دام‌ها را کشت. مناطق آسیب‌دیده در ولایت بغلان با وسایط نقلیه‌ای قابل‌دسترس نیست! اگر بتوان

کمکی ارسال کرد تنها به‌وسیله حیوانات بارکش میسر است!“

پس سه روز از وقوع فاجعه تیم‌های نجات و تجهیزات هنوز به منطقه نرسیده و مردم مصیبت‌زده با ابتدایی‌ترین امکانات با مشقت و فلاکت دارند عزیزانشان را از میان گل‌ولای بیرون می‌کشند. مانند همیشه زنان و کودکان قربانیان اصلی‌اند. مانند زلزله ویرانگر هرات، طالبان برای نجات و حتی دفن اجساد زنان نیز برخورد متعصبانه و تبعیض‌آمیز دارند.

سیل اگرچه یک حادثه طبیعی شمرده می‌شود؛ اما کاملاً قابل‌پیشگیری است و می‌توان از لطمات

آن جلوگیری کرد. بی‌توجهی به مصیبت‌دیدگان، نبود امکانات امدادی و درمانی و خدماتی، دیگر ربطی به بلایای طبیعی ندارد. طالبان مسئول مستقیم خسارات و تلفات و لطماتی است که سیل‌زدگان شمال افغانستان متحمل شده‌اند. نباید مردم بلادیده افغانستان در اسارت جانیان اسلامی طالبان رها شوند. باید به دادشان رسید.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

مبارزه با مذهب، چگونه؟

سؤال از مصطفی صابر

کیوان جاوید: آیا مذهب را می‌شود از سیاست جدا کرد؟

مصطفی صابر: خیر، نمی‌شود. سیاست یک امر عینی و خارج از اراده هرکسی است. مذهب هم ساخته‌وپرداخته خدایان نیست، بلکه یک پدیده عینی اجتماعی و تاریخی است. تا وقتی که سیاست هست و مذهب هست این دو برهم دیگر تأثیر متقابل می گذارند.

در مراحل اولیه تحول اجتماعی بشر، وقتی که هنوز

مالکیت خصوصی، طبقات و دولت شکل نگرفته بود، چیزی به‌عنوان سیاست به معنای طبقاتی و امروزی وجود نداشت. مذهب نیز به شکل و با خاصیت امروزی‌اش نبود. مذاهب اولیه، مثلاً آنیمیسم یعنی روح قائل‌شدن برای کوه و حیوانات و نیاکان، یا شمینیسم، جادوگری و غیره، منطبق بود با جوامع اشتراکی و اولیه. هم مذهب سازمانیافته و هم سیاست هر دو محصول شکل‌گیری جامعه طبقاتی، یعنی جامعه مبتنی بر استثمار اکثریت توسط یک اقلیت حاکم است. در این دوره نقش اجتماعی مذهب تغییر کرد و معمولاً در خدمت حفظ حاکمیت طبقات دارا قرار گرفت و گاه نیز پرچم جنبش‌های اجتماعی برای تغییر اوضاع شد.

در دوره پیشا سرمایه‌داری، مذهب رسمی، آخوند

و کشیش و خاخام در خدمت خان و فئودال بود. بورژوازی برای برقراری حاکمیت خود پرچم رفرم مذهبی و نهایتاً جدایی مذهب از دولت را برافراشت و با پیشرفت علم و صنعت، به میزان زیادی نفوذ تاریخی مذهب و جهل و خرافه عقب رانده شد. با این‌همه، گرچه در خیلی جوامع اصل جدایی دولت از مذهب کم‌وبیش برقرار شد، اما مذهب همچنان از لحاظ سیاسی نقشی مهم به نفع حفظ وضع موجود و منافع بورژوازی ایفا می کند. در اواخر قرن بیستم و تمام طول قرن بیست و یکم ما شاهد برگشت و عروج مذهب سیاسی بخصوص به شکل اسلام سیاسی هستیم که نقش کاملاً ارتجاعی در خدمت حاکمیت سرمایه و علیه کارگران و زنان و همه اقشار جامعه ایفا کرده است. نمونه بارز آن جمهوری اسلامی است.

کیوان جاوید: چرا جدایی مذهب از دولت مهم است؟

مصطفی صابر: جدایی مذهب از دولت اولین گام جدی در جهت رهاکردن بشر از شر خرافه و جهل و مذهب است. جدایی مذهب از دولت، از آموزش‌وپرورش و سلب امتیازات تاریخی مذهب مثل نقشش در ازدواج و تولد و مرگ و غیره، کمک زیادی خواهد کرد که نقش سیاسی مذهب تقلیل یابد و بهر حال اهرم امتیازات دولتی و قانونی از آن گرفته شود. در این حالت مذهب از امتیازات بی‌شماری که بدیهی قلمداد می‌شود، مثل انتقال طبیعی مذهب از والدین به فرزندان، محروم می‌شود. مذهب مثل هر انجمن و بنگاه دیگر شامل علنیت،

شفافیت می‌شود و در معرض حسابرسی شهروندان قرار می‌گیرد و به جایی که تعلق دارد؛ یعنی به باور مؤمنین و پیروانش رانده می‌شود. دولت در این حالت کاملاً خصلت غیرمذهبی به خود می‌گیرد و آزادی بی‌قید شرط بیان و عقیده و از جمله آزادی مذهب و بی مذهبی را برقرار می‌کند.

کیوان جاوید: مذهب به‌عنوان جهل در چه شرایطی ریشه‌کن می‌شود؟

مصطفی صابر: تا کنون متناسب با هر درجه از پیشرفت علم و صنعت و اعتلای اجتماعی از نقش جهل و خرافه و مذهب در جامعه کاسته شده است. اما ریشه‌کن‌شدن مذهب بستگی به این دارد تا تمامی زمینه‌های اجتماعی بقای مذهب از جمله

فقر، نابرابری، ازخودبیگانگی، محرومیت و تبعیض و گرایشات عقب‌مانده از بین برود. فقط در جامعه‌ای که انسان از هرگونه استثمار و نابرابری رها می‌شود و تماماً بر سرنوشت خود حاکم می‌شود، در جایی که آزادی و برابری جهان‌شمول انسانی و علم مبنای زندگی اجتماعی قرار گیرد می توان تصور کرد نقشی برای مذهب باقی نخواهد ماند. در آنجا مذهب مثل خیلی محصولات ماقبل تاریخ "انسانیت اجتماعی شده"، نظیر دولت و سیاست به مفهوم امروزی آنها، نهایتاً زوال پیدا خواهد کرد.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۳۰

۱۴ مه ۲۰۲۴ – ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

پرستاران در ایران نیاز به حمایت دارند!

سینا پدرام

زیباکلام را گرفتند، آخرش چی میشه!

یاشار سهندی

بورسیه تحصیلی برای دانشجویان آمریکا در ایران

میلاد رسایی‌منش

کودک‌کُشی پوتین در اوکراین

سیاوش آذری

پرستاران در ایران نیاز به حمایت دارند!

سینا پدرام

دبیرکل خانه پرستار کشور گفت: "طی یک ماه گذشته، ۳ نفر از پرستاران ما در خواب فوت کردند و دلیل فوتشان، "سندروم کاروشی" و مرگ بر اثر کار زیاد بود. امروز، پرستاری که در بیمارستان‌های ما کار می‌کند، یک پرستار خسته و بی‌انگیزه و فرسایش داده شده است که اگر مهاجرت نمی‌کند، ترک کار می‌کند و تغییر شغل می‌دهد! "

خبر فوق دیگر خبر خاصی نیست. امری نیست که استثنایی تلقی شود. شرم‌آور است. دردناک است. فاجعه است. هر بخشی از صنعت یک کشور زیر

استاندارد باشد، قطعاً دودش به چشم عامه مردم می‌رود. فرقی نمی‌کند که این صنعت اتومبیل‌سازی باشد یا صنعت سلامت زیر سلطه نظام اسلامی که بیشتر به صنعت قتل عمد شبیه است تا هر چیزی دیگر.

آیا شرم‌آور نیست که پرستاران در یک کشور معین که میلیاردها دلار نفت و دیگر ثروت‌های طبیعی و انسانی آن حد و حصری نمی‌شناسد، باید از فقر و فشار کار جان خود را از دست بدهند؟ این بردگان مزدی صنعت سلامت چه گناهی کرده‌اند که این‌گونه باید به صُلابه کار کشیده شوند؟ گستاخی بی‌شرمانه‌ای از طرف صاحبان بیمارستان‌ها و کلینیک‌های خصوصی و دولتی در کار است که این‌چنین جان انسان‌هایی که کار شریفشان نجات

جان انسان‌هاست را به مخاطره می‌افکنند.

جان کلام این است. باید استانداردهای درمانی در ایران را به بالاترین سطح جهانی رساند. باید شرایط کار و معیشت کادر درمانی را با تمامی وجود به سطح بالاترین استانداردهای جهانی رساند و به اولویت‌های نخستین سیاست اقتصادی کشور تبدیل کرد.

واقعیت امر این است که با وجود اختلاس‌های میلیاردی، با وجود مافیای دارو و درمان، با ادامه این رژیم اسلامی که پشیزی برای جان شهروندان ارزش قابل نیست، خودکشی کادر درمانی، اضمحلال و مرگ تدریجی و یا نا به هنگام کادر درمانی به خبر "روزمره" تبدیل خواهد شد.

وقت آن است که از نگهبانان جان انسانی، با تمامی وجود و از جان‌ودل نگهبانی کنیم. صدای اعتراض پرستاران و کادر درمانی باشیم. می‌توان و باید با سازمان‌های درمانی و پزشکی جهانی وضعیت اسفناک پرستاران را در میان گذاشت، از آنها یاری خواست و صدای اعتراض پرستاران در سطح جهان شد.

سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۴ مه ۲۰۲۴

زیباکلام را گرفتند، آخرش چی میشه!

یاشار سهندی

جمهوری‌اسلامی با دستگیری صادق زیباکلام یادآور شد که حتی کسی که روزی اعلام کرده بود برای ماندن حکومت حاضر است تفنگ به دست بگیرد را نیز زندانی می‌کند.

زیباکلام در تمام جاهایی که حرف زده تلاش کرده نشان‌دهد "تغییر بنیادی" خوب نیست. همین جمهوری اسلامی را می‌شود بزک و تحمل کرد تا شاید روزی روزگاری کارها از طریق صندوق رأی که جمهوری اسلامی ساخته، سروسامان بگیرد. ایشان با عباس میرزا قاجار هم‌ذات‌پنداری می‌کند که چرا ایران

عقب‌مانده است و "ما چگونه ما شدیم" و هم‌زمان سعی کرده در "رفسنجانی بی‌روتوش" نشان دهد که "سردار سازندگی" می‌توانست آرزوهایی از جنس آرزوهای عباس میرزا را به سرانجام رساند. بعد متوسل شد به خاتمی، این هم نشد. بعد دخیل به روحانی بست. این یکی روی دستش ماند و دیگر نمی‌توانست کسی را دعوت به صندوق رأی کند. درعین‌حال در تصویر رؤیایی از "چکمه رضاخان میرپنج" مدعی شد که اگر او نبود، ظاهراً ایران، ایران نبود. یک کتاب هم نوشت تحت عنوان "شاه کشتار نکرد!". در دولت بازرگان هم نماینده این دولت در سرکوب کردستان بود. در انقلاب‌فرهنگی و سرکوب دانشگاه هم نقش داشته است.

"چرا شما را نمی‌گیرند و آخرش چی میشه؟" عنوان

آخرین کتاب صادق زیباکلام است که قرار بود همان روز دستگیری از آن "رونمایی" کند. خود ایشان بارها در برنامه تلویزیونی در شبکه‌های مختلف به طنز می گفت: داخلی‌ها می گویند تو طرف براندازها هستی و خارج‌نشین‌ها می گویند چرا تو را نمی گیرند! وسعی می کرد با این جمله برای خودش اعتبار کسب کند و بگوید طرف هیچ کس نیست الا ایران؛ ظاهراً ایشان در مقوله "وطن‌پرست‌های" شهرام همایون جا می گیرد.

اما "آخرش چی میشه؟" صادق زیباکلام‌ها می‌توانند در خماریِ رؤیای عباس میرزا بمانند. اما نزدیک به یک قرن و نیم تلاش مردم ایران برای رهایی از نکبت سلطنت و شریعت، دو بازوی تحکیم سرمایه‌داری در ایران خاموشی ندارد. وقتی که

مردم در کف خیابان حق خود را فریاد می‌کنند، به این مردم رؤیاهای شاهزاده قاجار و پهلوی را نمی‌شود فروخت و گفت: "پاسپورت معتبر، استثمار با برنامه، ایران آباد؛ همین بسه، دیگر چی می‌خواهید!" آخرش جمهوری اسلامی به‌حکم یک انقلاب باید برود. انقلاب زن زندگی آزادی راه را بازکرده است. در آن شرایط زیباکلام‌ها هم در آزادی تمام و بی‌قیدوشرط می‌توانند بدون خطر دستگیری هر چه که می‌خواهند بگویند

سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۴ مه ۲۰۲۴

بورسیه تحصیلی برای دانشجویان آمریکا در ایران

میلاد رسایی‌منش

در رسانه‌های وابسته به حکومت آمده است که عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی گفته است: «بورسیه دانشجویان آمریکایی در دانشگاه‌های ما که به دلیل حمایت از فلسطین به آن‌ها ظلم و از تحصیل آن‌ها جلوگیری شده، هیچ منع قانونی ندارد». او افزود: «آن‌ها می‌توانند در رشته‌های تحصیلی خود در دانشگاه‌های ما ادامه تحصیل دهند».

برخی ممکن است گمان کنند که صحبت‌های وی

صرفاً جنبه تبلیغاتی دارد و بعید است کسی تا این اندازه احمقانه و از واقعیت دور باشد. گذشته از اینکه چقدر این ادعا درست باشد، به نظر می‌رسد رژیم اسلامی در بخش پروپاگاندا همچنان فکر می‌کند می‌تواند با دادن ضداطلاعات و فاکت‌های غلط، حتی بخشی از افکار عمومی جامعه در ایران و در منطقه و جهان را تحت‌تأثیر خود قرار دهد.

صحبت‌های خسروپناه که فرسنگ‌ها تا واقعیت فاصله دارد، دروغی آن‌قدر بزرگ و فاحش است که حکومت امیدوار است به‌خاطر بزرگی دروغ هم که شده بتواند اذهان مردم، بخصوص افرادی که در ایران زندگی نمی‌کنند را تحت‌تأثیر خود قرار دهد. نگاهی به کارنامه حکومت اما نشان می‌دهد که رژیم اسلامی در بُعد پروپاگاندا و مسموم کردن

اذهان مردم نیز شکست‌خورده است. همین ادعای ابلهانه عبدالحسین خسروپناه در صفحات مجازی سوژه شوخی و خنده کاربران شده است. سینا ولی‌الله مجری برنامه طنز در تلویزیون «ام بی سی پرشیا» هم این موضوع را دست‌مایه طنز در برنامه پر بیننده خود قرارداد. سینا ولی‌الله در پاسخ خسروپناه گفت که آیا می‌خواهید دانشجویان را با بردن به ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تنبیه کنید یا پاداش دهید؟

این دست از ادعاها که آخوندهای «درجه هشتم» حکومتی ازجمله خسروپناه مطرح می‌کنند، در یک بُعد سفاهت آخوندهای حاکم را عیان می‌کند، و در بُعدی دیگر با استناد به واکنش جامعه، نشان‌دهنده شکست عمیق حکومت اسلامی در

بحث پروپاگاندا و اقناع جامعه نسبت به ادعاها و گفتمان‌های حکومت است.

سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۴ مه ۲۰۲۴

کودک‌کُشی پوتین در اوکراین

سیاوش آذری

بنا بر گزارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، بر اساس آمار راستی‌آزمایی شده رسمی از آغاز تعرض نظامی پوتین به اوکراین قریب به دو هزار کودک جان خود را ازدست‌داده و یا مجروح شده‌اند. احتمالاً آمار واقعی کودکان کشته و یا زخمی شده در جنگ بسیار بیشتر از این آمار رسمی است؛ اما همین تعداد قربانی نیز نشانگر عمق سبعیت عملکرد ضدانسانی پوتین و هیئت حاکمه روسیه است.

بعلاوه ارتش روسیه با فرمان پوتین تا کنون صدها تن از کودکان اوکراینی را ربوده و غیرقانونی به

روسیه انتقال داده است؛ همچنین کودکان اوکراینی در کنار زنان قربانی اعدام‌های دسته‌جمعی، تجاوز و خشونت جنسی سربازان ارتش روسیه بوده‌اند. این اعمال موجب متهم شدن پوتین در دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل جنایات جنگی و ربودن کودکان اوکراینی گشت که منجر به صدور حکم بازداشت او و ماریا الکسیوانا لووا- بلوا، کمیسر حقوق کودکان در دفتر رئیس‌جمهوری روسیه با اتهامات مشابه شد.

کودکان و سالمندان از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در هنگام بروز درگیری‌ها و خشونت نظامی هستند. جدای از کشته و یا مجروح شدن، کودکان بر اثر ازدست‌دادن والدین و دیگر اعضای خانواده با فشارها و مشقات روانی و مادی جدی مواجه

می‌شوند و اثرات این فشارها برای سال‌های طولانی بر جسم و جان آنان سنگینی می‌کند. در این شرایط صدبار بیشتر باید گفت کودکان مقدم‌اند!

جنایات جنگی پوتین به‌ویژه علیه کودکان نشانگر بی‌پایه بودن ادعاها و پروپاگاند جنگی پوتین و دستگاه مافیایی دولت روسیه مبنی بر دخالت نظامی در اوکراین برای مبارزه با نازیسم، فاشیسم و حمایت از شهروندان روس‌تبار اوکراین است؛ بهانه و ادعایی که قند در دل "چپ محور مقاومتی" چه در داخل ایران و چه در جهان آب می‌کرد. هدف هیئت حاکمه روسیه و شخص پوتین از جنگ علیه اوکراین تغییر توازن قوای سیاسی در تقابل و رقابت با قدرت‌های غربی برای دست بالا داشتن در معادلات و مذاکرات آینده و باج‌گیری از آنان

است. این جنایات همچنین نشانگر آن است که برای باقی‌ماندن در صحنه، پوتین و هیئت حاکمه روسیه قابلیت ارتکاب جنایات بزرگ‌تر از جمله استفاده از سلاح اتمی را دارند.

باید در مقابل این جنایت با تمام قوا ایستاد و موجبات دستگیری پوتین و شرکایش و محاکمه در دادگاه‌های بین‌المللی را فراهم آورد.

سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۴ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۳۱

۱۵ مه ۲۰۲۴ – ۲۶ اردیبهشت۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

مرگ بر اثر هوای مسموم

ناصر شیشه‌گر

هفتم ژوئن تجمع اعتراضی علیه حضور جمهوری اسلامی در آی ال او

شهلا دانشفر

زنان آسیب‌دیده و رژیم بانی آسیب

سوسن صابری

خاکریز فتح‌شده حجاب و توهمات رژیم

عطیه نیک‌نفس

مرگ بر اثر هوای مسموم

ناصر شیشه‌گر

رئیس مرکز هوا و تغییر اقلیم سازمان به‌اصطلاح حفاظت از محیط‌زیست رژیم اعلام کرده است که "در بررسی‌های انجام شده، طی سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۶ هزار نفر بر اثر آلودگی هوا جان خود را ازدست‌داده‌اند." البته این آمار فقط ۳۳ شهر را دربر می‌گیرد و عدهٔ جان‌باختگان ناشی از آلودگی هوا در کل کشور در حدود ۴۰ هزار نفر است.

آدمی می‌ماند که به چنین رئیسی که خودش اعتراف می‌کند که بنزین و خودروی بی‌کیفیت دو عامل اصلی آلودگی هواست چه بگوید؟ او از مرگ

تکان‌دهنده ۲۶ هزار نفر بر اثر استنشاق هوای آلوده و مسموم طوری حرف می‌زند که گویی این‌همه مرگ مایه مباهات و افتخار حکومت است. علل آلودگی هوا در ایران معلوم است و راه‌های مقابله با آن نیز وجود دارد. بااین‌حال هوای مسموم ابعاد فاجعه‌انگیز و مهلکی در ایران پیدا کرده و هر سال باعث بیماری‌های ریوی و سرطان و مرگ‌ومیر هزاران انسان می‌شود. کاملاً روشن است که لاقیدی حکومت عامل اصلی فاجعه‌ای است که به بار آمده، زیرا این حکومت اساساً ارزشی برای جان و سلامت انسان‌ها قائل نیست، چه رسد به حفاظت از محیط‌زیست!

تمام پروژه‌های اقتصادی و نظامی حکومت اسلامی بدون ذره‌ای توجه به عواقب زیست‌محیطی و

بهداشت و سلامتی انسان‌ها انجام می‌گیرد. این وضعیت در طول حاکمیت رژیم تدریجاً به نابودی محیط‌زیست در ایران منجر شده است. آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها، نابودی تالاب‌ها، خشک‌شدن رودها، خشک‌شدن دریاچه‌ها، گسترش بیابان‌ها، طوفان ریزگردها، آلودگی منابع آبی، فرونشست بی‌وقفهٔ زمین‌ها، آلودگی‌های صنعتی، تخلیهٔ زباله‌های بیمارستانی در طبیعت، تخریب دنیای وحش، نابودی آبزیان، تخریب پوشش گیاهی زمین و مراتع، بازی با مواد هسته‌ای، اینها نمونه‌هایی از تخریب سیستماتیک محیط‌زیست توسط حکومت هستند. هیچ موجودی در امان نیست. نه انسان، نه گیاه و نه حیوان.

حکومت اسلامی در طول زمامداری‌اش جان

شهروندان حاضر را گرفته که هیچ، جان و سلامت میلیون‌ها انسان در آینده را نیز از قبل تباه کرده است. اصولاً چه تضمینی وجود دارد که قلمروی ایران که هم اکنون برای ساکنانش سرطان‌زا و مرگبار است، برای نسل‌های آینده قابل‌سکونت باشد؟

گام اول در راه پی‌افکندن جامعه‌ای تندرست و هماهنگ با طبیعت، درخور انسان و متمدن، این است که از حکومت سلب‌کنندهٔ حیات در ایران سلب قدرت شود. برای حفظ سلامتی و آتیهٔ کودکانمان هم که شده باید هرچه سریع‌تر این کار را کرد.

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۵ مه ۲۰۲۴

هفتم ژوئن تجمع اعتراضی علیه حضور جمهوری اسلامی در آی ال او

شهلا دانشفر

سوم تا چهاردهم ژوئن (۱۴ تا ۲۵ خرداد) صد و دوازدهمین کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار در ژنو برگزار می‌شود. نمایندگان جمهوری اسلامی از جمله شرکت‌کنندگان در این کنفرانس هستند. "کمیته هماهنگ‌کننده تجمع اعتراضی ژنو" در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی و در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران فراخوان به تجمع داده است. حزب کمونیست کارگری، کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) و گروه‌های مختلف دیگری از نیروهای سرنگونی‌طلب در این آکسیون شرکت می‌کنند.

به همین مناسبت کمپین برای آزادی کارگران زندانی بیانیه‌ای تحت عنوان "حکومت اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج و در سطح جهان بایکوت شود" منتشر کرده که در آن آمده است: "حضور جمهوری اسلامی حکومت فاشیست و آپارتاید جنسی، حکومت اعدام و کشتار و ضد کارگر و ضدانسان در سازمانی که نام کارگر را با خود حمل می‌کند، شرم‌آور است." این بیانیه به لیستی از جنایات حکومت در جریان انقلاب زن زندگی آزادی و سرعت یافتن ماشین جنایت و سرکوب حکومت اشاره می‌کند و با استناد به گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل که ابعاد جنایات جمهوری اسلامی در انقلاب زن زندگی آزادی را "مصداق جنایات علیه بشریت" نامیده است، نسبت

به تداوم این جنایات هشدار داده و می‌نویسد: "طبق گزارشات هم اکنون در ایران در هر شش ساعت یک نفر اعدام می‌شود. شماری از معترضین انقلاب از جمله توماج صالحی، عباس دریس، حبیب دریس، مجاهد کورکوری، رضا رسایی، مهران بهرامیان، و فاضل بهرامیان در خطر اعدام هستند. مردم ایران به بیشترین حمایت‌های بین‌المللی نیاز دارند و باید جلوی اعدام‌ها را گرفت."

بیانیه با اشاره به جنگ حکومت با زنان بر سر حجاب و گسترش اعدام‌ها و ایستادگی مردم برای حفظ دستاوردهایشان، از تشدید فشارهای امنیتی بر معلمان، فعالین کارگری و زندانی بودن شمار بسیاری از آنان همراه دیگر معترضین جامعه خبر می‌دهد. سرانجام بیانیه با اشاره بر تجربه تاریخی

اخراج نمایندگان حکومت نازیست آلمان در دهه ۱۹۳۰ از آی ال او، بر اخراج جمهوری اسلامی تأکید می‌کند و با اضطراری خواندن شرایط مبارزات کارگران و مردم ایران، بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی تأکید و خواستار پشتیبانی وسیع اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انسان‌دوست جهانی از کارزار اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او شده است.

ما با این گفتمان‌ها در آکسیون اعتراضی در ژنو شرکت و می‌کوشیم صدای اعتراض کارگران و مردم ایران و صدای انقلاب زن زندگی آزادی باشیم.

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۵ مه ۲۰۲۴

زنان آسیب‌دیده و رژیم بانی آسیب

سوسن صابری

«سرای غزل» یکی از مراکز متعلق به مؤسسه خیریه «طلوع بی‌نشان‌ها» با حکم تخلیه شهرداری تعطیل شد. این مرکز از سال‌ها قبل به زنان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب و معتاد و بی‌خانمان خدمات بهداشتی و حمایتی و درمانی ارائه می‌کرد. این پنجمین مرکز حمایت از زنان آسیب‌دیده شهر تهران است که در عرض نزدیک به سه سال گذشته مجبور به تعطیل شده‌اند. تمامی این مراکز نهادهای غیردولتی هستند که با کمک مردم راه‌اندازی شده و فعالیت می‌کردند.

عجیب نیست؟ مردمی با نیت‌های انسان‌دوستانه

دست به تشکیل انجمن‌هایی با هدف حمایت از زنان آسیب‌دیده می‌زنند، اما توسط حکومت جلوی فعالیتشان گرفته می‌شود. این نهادها مشغول به کاری بوده‌اند که در حقیقت وظیفه حکومت است. اما چرا؟ در پاسخ به دو دلیل اصلی می‌توان اشاره کرد. یک دلیل خود موضوع کار است. زنان و آن‌هم زنان آسیب‌دیده اجتماعی، معتاد و بی‌خانمان. در این حکومت سرمایه و اسلام، انسان کلاً ارزش و جایگاهی ندارد و حکومت در قبال شهروندانش بی‌وظیفه است. در این جهنم زن که باشی و آن‌هم معتاد و بی‌خانمان که دیگر حسابت روشن است. حکومت نه‌تنها هیچ برنامه و اقدامات در دستوری در قبال آسیب‌دیدگان جامعه ندارد، بلکه حتی به‌عنوان باعث‌وبانی اصلی این فلاکت و بدبختی، با سنگ‌اندازی در مقابل فعالیت نهادهایی که

قصدشان حمایت از آسیب‌دیدگان است می‌ایستد.

دلیل اصلی دیگر را باید در مخالفت رژیم با تشکل و تحزب و هر فعالیت سازمان‌یافته‌ای جست. در سال‌های اخیر ده‌ها انجمن مردم‌نهاد توسط حکومت غیرقانونی اعلام شده و بعضاً فعالینش دستگیر شده‌اند و فعالیتشان با ترفندهای مختلف به تعطیلی کشانده شده است. از نهادهای حمایت از کودکان کار و خیابان بگیرید تا انجمن‌های مدافع حقوق زنان، محیط‌زیست و غیره. این حکومت هیچ تشکل غیرخودی و مردمی را برنمی‌تابد. جلوگیری از فعالیت نهادهای حامی زنان آسیب‌دیده را هم باید در این چارچوب دید. حتی فعالیت خیریه غیرحکومتی را هم نمی‌پذیرد. همه چیز باید تحت کنترل رژیم باشد.

البته تا جایی که به متشکل شدن برمی‌گردد، علی‌رغم سرکوب و تعطیل‌کردن‌ها شاهد تشکیل ده‌ها انجمن و نهاد مردمی و انواع جمع‌ها و شبکه‌های مردمی هستیم. رژیم امروز تعطیل می‌کند، فردا مردم‌نهاد تازه‌ای می‌سازند. حکومت با این ترفندها نه جلوی متشکل شدن را می‌تواند بگیرد و نه فعالیت‌های مدنی و انسان‌دوستانه را. از حق تشکل و فعالیت‌های مدنی و حق زندگی درخور انسان برای زنان و مردان آسیب‌دیده حمایت کنیم.

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۵ مه ۲۰۲۴

خاکریز فتح‌شده حجاب و توهمات رژیم

عطیه نیک‌نفس

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد جمهوری اسلامی، با اشاره به اینکه نزدیک به بیست سال از آغاز تأسیس بنیاد بازی‌های رایانه‌ای می گذرد، گفت: "اگر به اولویت‌هایی که بر اساس آنها کارها تولید می‌شود توجه کنیم، آثار تولید شده در حوزه عفاف و حجاب، فلسطین و موضوع پیشرفت است."

اساس اسلام و رژیم‌های اسلامی بر جنایت، فساد و سرکوب استوار است. یکی از ستون‌های اصلی این بنیاد ضدانسانی، سرکوب و حذف زنان از جامعه با ابزارهایی از قبیل حجاب، عفاف، نگاه

جنسیتی به زن و اعمال تبعیض جنسیتی است. حالا رژیم اسلامی به دلیل مبارزات جسورانه و درخشان زنان برابری‌طلب یکی از مهم‌ترین پایه‌هایش یعنی حجاب را ازدست‌داده و با توهم بازگرداندن دوباره حجاب، به هر حربه‌ای چنگ می‌زند: طرح لایحه حجاب و عفاف، جریمه نقدی، نصب دوربین در سطح شهر، گشت متوحش ارشاد، شکنجه، بازداشت، شلاق، زندان، کشتن در مترو و حالا ساخت بازی‌های کامپیوتری با موضوع حجاب. به کمک این بازی‌ها می‌خواهد از سنین پایین مغز کودکان را شستشو داده و زن‌ستیزی را بنیادی کند. غافل از اینکه انقلاب "زن، زندگی، آزادی" پرت‌کردن حجاب و سردادن شعار علیه این رژیم و قوانینش را به دبستان‌ها هم برد و ما شاهد چه صحنه‌های شورانگیزی از مبارزات

دختران دبستانی بودیم و هستیم.

زنان با بی‌حجابی، علی‌رغم توحش رژیم اسلامی، عملاً به رژیم اسلامی هر روزه می‌گویند که ما به عقب برنمی‌گردیم و شرایط بسیار سخت و کشنده‌ای را برای رژیم ضدزن اسلامی به وجود آورده‌اند که نه‌تنها باعث بالاگرفتن اختلافات درونی بین مقامات و آیت‌الله‌ها و مزدوران رژیم شده، بلکه برخی از سران رژیم از ترس مدام به خامنه‌ای گوشزد می‌کنند که دست از این‌همه سرکوب و سبعیت بردارد. یکی از رسانه‌های خود رژیم اسلامی اعتراف می‌کند که طی تحقیقات میدانی به‌عمل‌آمده‌شان در شهر تهران، در مقابل سیل عظیم زنان بی‌حجاب در جامعه، گشت ارشاد و دیگر پروژه‌های سرکوبگرانه رژیم

شکست‌خورده‌اند.

رژیم اسلامی آب در هاون می‌کوبد؛ زیرا زنان مبارز در ایران اسلام‌زده دستاوردهایی که به قیمت خون هزاران مبارز آزادی‌خواه به‌دست‌آمده را به هیچ قیمتی از دست نمی‌دهند و تا رسیدن به جامعه‌ای سکولار و برابر نمی‌گذارند آتش انقلاب خاموش شود.

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۵ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۳۲

۱۶ مه ۲۰۲۴ – ۲۷ اردیبهشت۱۴۰۳

سردبیر این شماره:کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

خسرو بشارت بعد از ۱۴ سال اسارت اعدام شد

پیام آذر

بیماران دیالیزی زندان اوین و ساسِ حکومتی

پیمان بخشایش

کشمکش در مجلس اسلامی بر سر تعطیلی روز شنبه

محسن ابراهیمی

تهاجم فرهنگی مردم به فرهنگ منحط اسلامی

کیوان جاوید

خسرو بشارت بعد از ۱۴ سال اسارت اعدام شد

پیام آذر

خسرو بشارت، زندانی اهل کردستان، پس از تحمل بیش از ۱۴ سال حبس، سحرگاه چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت در زندان قزل‌حصار اعدام شد. چهار تن از هم پرونده‌ای‌های خسرو، شامل قاسم آبسته، ایوب کریمی، داوود عبداللهی و فرهاد سلیمی در نیمه دوم سال گذشته اعدام شدند و حکم انور خضری هم دو هفته پیش اجرا شد. به‌این‌ترتیب هر شش متهم پروندهِ قتل عبدالرحیم تینا، امام‌جماعت مسجد خلفای راشدین مهاباد که در سال ۱۳۸۷ توسط افراد ناشناس کشته شده بود اعدام شدند.

اعتراف زیر شکنجه‌های فجیع تنها "مدرکی" است که جمهوری اسلامی به آن نیاز دارد تا مخالفین سیاسی و زندانیان دیگر را اعدام کند.

رژیم اسلامی به خیال خود می‌خواهد جواب به‌پاخاستن مردم کردستان در انقلاب زن زندگی آزادی را بدهد. خیال می کند می تواند این موج عظیم انقلابی در کردستان و همه جای ایران را با اعدام زندانیان سیاسی ای که ۱۴ سال در اسارت این جانیان بودند مهار کند. سد حکومت اسلامی یارای مقاومت در برابر نفرت و انزجار مردم را ندارد و حقیرتر و ضعیف‌تر از آن است که بتواند انقلاب مردم برای سرنگونی را عقب براند یا در هم بشکند. آنچه که می‌میرد و از بین می‌رود قطعاً این حکومت درهم‌شکسته و روحیه باخته اسلامی است.

اعدام خسرو و دیگر یارانش در ادامه کشتار صدها نفری است که جمهوری اسلامی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی در خیابان‌ها به قتل رساند یا اعدام کرد؛ ادامه کور کردن و تجاوزکردن به اسرای این انقلاب است. اگر همه جنایت‌های مکرر و بی‌وقفه جمهوری اسلامی توانسته است جامعه را مطیع، گوش‌به‌فرمان و هراسناک کند تا تن به همه بدبختی‌های موجود بدهند، اعدام خسرو بشار هم خواهد توانست در جهت آرزوهای رژیم مردم را مرعوب کند.

مردم کردستان همراه با همه مردم در سراسر ایران تنها با عزم راسخ‌تر برای ریشه‌کن‌کردن جمهوری اسلامی به میدان می‌آیند. رژیم اسلامی قدرت مهار جامعه را ندارد. هر اعدام فقط پرونده جنایت‌کاران

اسلامی را قطورتر می کند. مرگ بر حکومت اعدامی اسلامی.

پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۶ مه ۲۰۲۴

بیماران دیالیزی زندان اوین و ساسِ حکومتی

پیمانَ بخشایش

خبر را که می‌خوانم مو به تنم سیخ می‌شود. بیمارستان طالقانی از پذیرش بیمار دیالیزی از بند هشت زندان اوین به دلیل آلودگی به ساس سر باز زد. ضیا نبوی، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین از شیوع ساس در بند هشت زندان اوین خبر داده است. او در نامه‌اش شرایط شیوع ساس در این بند را این گونه توصیف کرده که زندانیان حتی با خوردن قرص‌های خواب قوی هم نمی‌توانند بخوابند. مسئولین زندان اوین اما منکر وجود ساس در بند هشت می‌شوند و زندان اوین را یکی از پاک‌ترین مکان‌ها می‌دانند.

بیمار دیالیزی احتیاج دارد که هر هفته و معمولاً سه بار دیالیز شود تا زائدات انباشته شده در کلیه‌ها از طریق دیالیز دفع شود. به گردن‌نگرفتن وجود ساس توسط مسئولین زندان اوین و هم‌زمان عدم‌پذیرش بیماری که از زندان آمده است دیالیز بگیرد تا زنده بماند، هر دو شخص بیمار را در تنگنا قرار می‌دهد و جانش را به خطر می‌اندازد. این شکنجه توأمان باید فورا پایان یابد.

متوجه هستم که مسئولیت اصلی با جمهوری ارتجاعی و قرون‌وسطایی اسلامی است، اما مسئولین بیمارستان طالقانی چطور؟ مگر می‌شود به بیمار خدمات نداد؟ در هیچ کجای دنیا نمی‌شود به هر دلیلی از ارائه خدمات به بیمار سر باز زد. مگر این که یک دسیسه سیستماتیک ما بین مسئولین زندان

اوین و بیمارستان طالقانی برای تحت‌فشار گذاشتن زندانیان سیاسی بیمار در جریان باشد. اگر این‌طور نیست مسئولین بیمارستان فوراً در کنار زندانیان قرار بگیرند و حکومت اسلامی را برای پاکیزه کردن زندان‌ها و از جمله اوین تحت‌فشار بگذارند و افشا کنند.

درک مسئله برای من که یک پزشک در انگلستان هستم سخت است. بیمار با ایدز، هپاتیت، شپش یا ساس گزیدگی هم که وارد شود، در همان بیمارستان شستشو می‌شود، دارو می‌گیرد یا اتاق مجزایی می‌گیرد و به اموراتش مثلاً همان دیالیز، رسیدگی می‌شود.

بربریت حاکم بر ایران پایانی ندارد. دنیا را از این

جنایت آگاه کنیم. علیه این سیاست نازیستهای حاکم بر ایران اعتراض کنیم. خانواده‌های زندانیان سیاسی‌مدارک‌بیشتری‌جمع‌آوری‌کنندوتشکل‌های مبارزاتی در ایران وضعیت زندان‌ها را زیر نظر داشته باشند. در کنار همه این اقدامات خواست آزادی بی‌قیدوشرط همه زندانیان سیاسی را به یک مبارزه دائمی تبدیل کنیم. بربریت حاکم بر ایران پایانی ندارد. تنها راه‌حل پایان‌دادن به اوضاع غیرانسانی، سرنگون‌کردن نظام جمهوری اسلامی است.

پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۶ مه ۲۰۲۴

کشمکش در مجلس اسلامی بر سر تعطیلی روز شنبه

محسن ابراهیمی

بر اساس اخبار رسانه‌ها، بعد از بارها جنجال و کشمکش، روز شنبه به‌عنوان دومین روز تعطیلی هفته در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. منتظرند شورای نگهبان معلوم کند که این مصوبه مغایر با قوانین الهی و شریعت اسلامی هست یا نه!

«اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی» مدافع اصلی تعطیلی شنبه بوده است. با این استدلال که این کار «می‌تواند بر تجارت و اقتصاد کشور تأثیر مثبت داشته باشد» و در جهت «امنیت ملی» است. روشن است تا نظام اسلامی سر کار است، با چنین

تصمیماتی، از نظر اقتصادی آبی برای اکثریت محروم مردم گرم نمی‌شود. اما ظاهراً این بار تعداد بیشتری از مفت‌خوران در مجلس قانع شده‌اند که تعطیلی شنبه به نفع «امنیت ملی» یعنی امنیت نظام است!

اما دلایل مخالفت با چنین تصمیم ساده‌ای دلیل دیگر است که باید هر چه زودتر دست نظام اسلامی از زندگی مردم کوتاه کرد.

دلایل چه‌ها هستند؟ شنبه نباید تعطیل شود؛ چون شعار سال رشد تولید است و باید بیشتر کارکرد. یعنی همه‌جا نگران جیب‌های گشادشان هستند. اما دلایل مضحک‌تر که دست‌مایه شوخی و طنز و تمسخر گسترده شده است اینها هستند: تعطیلی روز شنبه همراهی با دین یهود است. پنجشنبه

برخلاف روز شنبه، روز مناسبی برای «زیارت اهل قبور» است. جمعه روز خاص و نماد اسلام است درحالی‌که شنبه نماد یهود است و یکشنبه هم نماد مسیحیت است. مشکل فقط تعطیلی یک روز نیست، مسئله تغییر نظم اجتماعی است. تعطیلی شنبه مصداق ترک مقاومت و افتادن در دام دشمن است و اهانت به‌نظام مقدس جمهوری اسلامی است و بالاخره اینکه «رهبری بارها نسبت به عواقب پیروی از سبک زندگی کفار هشدار داده است»!

این دلایل را نباید فقط به‌حساب سفاهت یا وفاداری مذهبی کسانی گذاشت که بویی از تمدن و انسانیت نبرده‌اند. مسئله به‌سادگی سیاسی است. سنگری به بزرگی حجاب را ازدست‌داده‌اند. دین‌وایمان که یک ستون اصلی نظامشان است بربادرفته است. به وضعی دچار شده‌اند که حتی به حفظ «سنگر

اسلامی جمعه» در مقابل «تهاجم یهودی شنبه» هم راضی هستند!

بعد از تعیین تکلیف با نظام اسلامی، یکی از اقدامات برای هماهنگی با جهان متمدن، می‌تواند تبدیل بند زیر از برنامه حزب کمونیست کارگری به یکی از قوانین باشد: «تعطیلی دو روز متوالی در هفته. انتقال روزهای تعطیل در هفته به شنبه و یکشنبه برای هماهنگی با اکثر کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای پیشرفته صنعتی».

پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۶ مه ۲۰۲۴

تهاجم فرهنگی مردم به فرهنگ منحط اسلامی

کیوان جاوید

روزنامه هم‌میهن در شماره امروز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت در گزارش از نتایج یک نظرسنجی نوشته است: "تمایل به فرزندآوری در بین زنان خانه‌دار کم شده و بیش از نیمی از شرکت کنندگان در نظرسنجی موافق رابطه قبل از ازدواج دختر و پسر هستند."

شرکت کنندگان در نظرسنجی به اینکه مردان باید تصمیم گیرنده اصلی خانواده‌ها در امور مهم اقتصادی باشند یا اینکه خانه‌داری زنان به حفظ

کانون خانواده کمک می کند نیز پاسخ منفی دادند. در این گزارش آمده است: "دیدگاه جامعه نسبت به نقش‌های کلیشه‌ای زنان از جمله خانه‌داری، ارث‌بَری برابر زنان و مردان و حق طلاق برای زنان مثل مردان در حال تغییر است."

انقلاب یعنی دگرگونی در همه سطوح جامعه. یعنی به‌پاخاستن و دست به ریشه بردن و خشکاندن هر آنچه که بویی از ارتجاع برده باشد؛ یعنی بر زمین زدن کهنه‌پرستی و عقب‌ماندگی و به گُل نشاندن درخت سبز زندگی. هر گاه در یک جامعه، کل روبنای سیاسی و فرهنگی و اقتصادی موجود مورد حمله اکثریت شهروندان قرار بگیرد آنگاه می‌توان انتظار داشت تحولات مثبت و زیرورو‌کننده و

ساختاری در زندگی مردم پدید بیاید. در ایرانِ امروز ما در چنین مرحله‌ای هستیم. ما با یک عصیان کور و از سر خشم آنی به جنگ حکومت اسلامی نمی‌رویم. مردم دارند در عمیق‌ترین سطوح ممکن دست به ریشه فساد و عقب‌ماندگی فرهنگی و سیاسی می‌برند. مردم اسلام و مذهب حاکم را در سطح حکومتی و ایدئولوژیکی نشانه گرفته‌اند.

آزادی و برابری، رفاه و خوشبختی با چنین رویکردی در یک کشور می‌تواند جایگزین عقب‌ماندگی و فقر و فلاکت و ارتجاع واپس‌گرای مذهبی، ناسیونالیستی و قومی شود. انقلاب زن زندگی آزادی با عمق فوق‌العاده انسانی ای که نمایندگی می کند بی‌شک می‌تواند ساختار نوین‌ترین و انسانی‌ترین

جامعه معاصر در دنیای حاضر را برقرار کند.

پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۶ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۳۳

۱۸ مه ۲۰۲۴ – ۲۹ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

حجاب برگیران و آینده ایران

سینا پدرام

پروین موسوی و تونل مرگ

منظر دریاکناری

تهاجم رژیم به بهاییان سیاسی است

کیوان جاوید

۴۲ دو سال زندان برای دمیرتاش: بن‌بست اردوغان

سیاوش آذری

جنگ، صلح، زندگی انسانی

سؤال از مصطفی صابر

حجاب برگیران و آینده ایران

سینا پدرام

دلفین مینویی، خبرنگار فرانسوی - ایرانی روزنامهٔ فیگارو، افزایش فشار رژیم جمهوری اسلامی برای تحمیل حجاب را گوشزد می‌کند؛ اما درعین‌حال می‌نویسد که جنبش اعتراضی ایرانیان عمیق و پایدار است. به قول یک دختر نوجوان ایرانی: "بالاخره خسته‌شان خواهیم کرد."

یک هفته پیش انصاف‌نیوز در یک گزارش میدانی نیز نشان داد که گشت ارشاد و غیره در بعضی از ساعات روز فقط در ۵ درصد شهر تهران می‌توانند حضور داشته باشند. در همین گزارش سؤالی نیز

طرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا "سیاست گذاران برای پیشبرد کامل این طرح قادرند که برای تمام مکان‌ها در تمام زمان‌ها نیروی لازم را تأمین کنند؟"

جدال بر سر حجاب، یک جواب دارد و آن شکست و زمین گیر شدن رژیم است. این نه یک حدس و آرزو بلکه یک واقعیت آماری نیز هست. واقعیت آماری ای که از یک واقعیت عمیق‌تر و بطیئی تر نشئت می‌گیرد. انقلاب و نیروهای درگیر در آن سؤالی را در مقابل جامعه قرار داده‌اند که با موجودیت رژیم اسلامی در تقابل و تناقض قرار دارد.

حجاب اجباری ماهیت رژیم اسلامی را تعریف می‌کند. هر تَرَکی در اعمال سیاست حجاب اجباری، تَرَکی عمیق در شیشه عمر رژیم اسلامی است. مجادله بر سرِ بودونبود حجاب، مجادله جامعه بر سر آینده خود نیز هست. پیروزی در این عرصه فقط یک وجه، یک پله و یک جلوه از حرکت جامعه ایران به‌سوی آزادی‌های وسیع‌تر، برابری اقتصادی، عدالت اجتماعی و فرهنگی و رفاه عمومی است.

آنچه واضح است استیصال رژیم در مقابل اعتراضات جوانان، زنان و همه مردم ایران است. آنچه که روشن‌تر است، خلاقیت‌های هر روزه مردم برای اضمحلال ماشین جنگی رژیم است.

آنچه که ضروری است اتحاد و تشکل این مبارزان زیر پرچم حزب انقلاب است. حزبی از جنس آینده. حزبی برای انسان و انسانیت آینده. حزبی که قهرمانانش برای آینده مبارزه می‌کنند. حزبی از جنس حزب کمونیست کارگری.

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۸ مه ۲۰۲۴

پروین موسوی و تونل مرگ

منظر دریاکناری

در ساعت‌های آغازین روز شنبه در ایران، حداقل پنج نفر در زندان مرکزی ارومیه در ارتباط با جرایم مرتبط با مواد مخدر اعدام شده‌اند. یکی از اعدام‌شدگان، پروین موسوی است که انتقالش به سلول انفرادی برای اعدام، به شورش در بند زنان انجامیده بود.

ما نان صبحانه‌مان را در چای مرگ فرومی‌کنیم تا زندگی را آغاز کنیم. ما سپیده هر صبح را با آواز قناری‌ها و چهچه بلبل‌ها و طنین دلنیش ترانه‌های شاد و موسیقی ای که زندگی را زیباتر می‌کند

شروع نمی‌کنیم. ما زاده غم و عذاب الهی شده‌ایم. انگار نه‌تنها نفرین خدای اسلام که نفرین همه خدایان هزاران‌هزار ساله به اسم ما نوشته شده است. انگار هدف از طلوع خورشید و بارش باران و روئیدن درخت و حرکت زمین برای مجازات ما مردم ایران است.

اعدام یکی از شنیع‌ترین و ضد بشری‌ترین حربه‌هایی است که برای به انقیاد کشیدن انسان بکار گرفته می‌شود. قتل‌های اخیر در زندان ارومیه از جمله قتل پروین موسوی نیز دقیقاً به همین منظور که ما را بترسانند و شکست بدهند اجرا شده است.

در نبرد با یکی از فاسدترین حکومت‌های ضدانسانی، جامعه ایران انزجار خود را علیه اعدام‌ها، این قتل عمد دولتی، به نمایش گذاشته است. یکی از شعارهای تأثیرگذار در جریان انقلاب زن زندگی آزادی "نه به جمهوری اسلامی نه به اعدام‌های انتقام‌جویانه" است و باید اضافه کنیم که همه اعدام‌ها با هدف انتقام و مرعوب و منکوب کردن جامعه صورت می‌گیرد. همانطور که مطالبه مهم دیگری می‌گوید ما با هر اعدام و به هر بهانه و دلیلی مخالفیم و اعدام باید ملغی شود.

آنچه در ایران شاهد وقوع هر روزه آن هستیم فقط پایمال‌شدن انسانیت نیست. آن‌سوی دیگر

تصویر، تلاش برای زندگی انسانی را می‌بینیم. تلاشی بی‌پایان و مداوم برای سرنگون‌کردن جمهوری اسلامی و ساختن جهانی پُر از ترانه و نغمهٔ شادی و زیبایی‌های زندگی. ایران یکی از سیاسی‌ترین جنگ‌ها را با یکی از جانی‌ترین حکومت‌های موجود در جهان آغاز کرده است و پیروزی این نبرد، تصویر مرگ و نیستی و تباهی را برای همیشه محو خواهد کرد. برای این زندگی است که ما انقلاب می‌کنیم. انقلابی برای زندگی همه پروین‌ها.

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۸ مه ۲۰۲۴

تهاجم رژیم به بهاییان سیاسی است

کیوان جاوید

شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان، ۱۵ زن بهائی را به اتهام "ترویج" عقاید بهائی درمجموع به ۷۵ سال حبس محکوم کرده است. این شعبه روز پنج‌شنبه، ۲۷ اردیبهشت‌ماه برای هریک از این ۱۵ زن شامل نسرین خادمی، شعله آشوری، ساناز راسته، مریم خورسندی، فیروزه راستی، شورانگیز بهامین، سارا شکیب، سمیرا شکیب، بشری مطهر، فرخنده رضوان‌پی، رویا آزادخوش، مژگان پورشفیع، نوشین همت، مژده بهامین و آزیتا رضوانی‌خواه، حکم پنج سال زندان صادر کرده است.

هر چند از نظر حکومت اسلامی تقابل، تعرض، دستگیری و محرومیت‌های بی‌شمار اجتماعی علیه بهاییان امری مربوط به "فعالیت تبلیغی و آموزشی، انحرافی مغایر با شرع مقدس اسلام" محسوب می‌شود، اما، و مهم‌تر از هر چیز این تعرضی سیاسی است. رژیم منفور اسلامی با حمله "به نقطه ضعیف و آسیب‌پذیر" در حال ارسال مداوم یک پیام به کل مردم ایران است. پیامی که نشان دهد این رژیم می کُشد، به زندان می‌افکند و رحم سرش نمی‌شود. همین سیاستِ عمده رژیم دررابطه‌با موج وسیع اعدام زندانیان غیرسیاسی (مواد مخدری) و... نیز هست.

محاسبه حکومت اشتباه محض است. جامعه ایران

ضد مذهبی‌تر، مدرن‌تر و سیاسی‌تر از اینها است که تعرض به بهاییان را به دیده اغماض بنگرد و جنایت رژیم را نادیده بگیرد. آنچه که باعث این گستاخی ضدبشری جمهوری اسلامی شده است، به این مربوط است که یک تقابل میدانی علیه "بهایی ستیزی" سیستماتیک جمهوری اسلامی هنوز شکل نگرفته است.

اینجا دیگر حرف آخر را مثل همه جای دیگر قدرت اجتماعی و سازمان‌دادن اعتراضات تعیین کننده خواهد زد. در شعارها و مطالبات اعتراضات ضد حکومتی و حتی "صنفی و اقتصادی" می‌شود و باید در حمایت از شهروندان از زندگی ساقط شده بهایی نیز فعال بود. در تظاهرات خارج کشور یکی

از اهرم‌های فشار بر حکومت اسلامی بلندکردن پرچم علیه "بهایی ستیزی" رژیم اسلامی باید باشد.

احکام صادره علیه این شهروندان منتسب به بهاییت باید فوراً لغو شود. همبستگی و حمایت از بهاییان می‌تواند به یک جنبش وسیع اجتماعی تبدیل گردد. "زن زندگی آزادی" آن‌چنان همه‌جانبه و انسانی است که هیچ نوع از ستم و نابرابری و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان را برنمی‌تابد.

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۸ مه ۲۰۲۴

۴۲ دو سال زندان برای دمیرتاش:
بن‌بست اردوغان

سیاوش آذری

عصر پنجشنبه ۱۶ مه شعبه ۲۲ دادگاه کیفری آنکارا صلاح الدین دمیرتاش رهبر سابق حزب دموکراتیک خلق را به ۴۲ سال زندان محکوم کرد. از جمله اتهامات وارده بر دمیرتاش رهبری و هدایت اعتراضاتی است که در پی حمله داعش به کوبانی در مناطق کردنشین ترکیه رخ داد که منجر به کشته‌شدن بیش از ۳۰ تن از معترضین به دست نیروهای امنیتی ترکیه شد.

این تصمیم در پی زمزمه‌های برخی ناظرین و

سیاست‌مداران اسلام‌گرای طرفدار اردوغان مبنی بر نیاز به "عادی‌سازی" فضای سیاسی ترکیه به دنبال شکست سنگین حزب عدالت و توسعه در انتخابات شهرداری‌ها گرفته شد. نکته حائز اهمیت دیگر هم‌زمانی رأی این دادگاه با عفوِ ژنرال‌های سابق ارتش ترکیه که به اتهام تلاش برای براندازی حکومت از طریق کودتای نظامی در زندان به سر می‌بردند توسط اردوغان است.

این تصمیمات بیش از هر چیز نشانه بحران و بن‌بست اردوغان و اسلام سیاسی در ترکیه است: از سویی اردوغان برای باقی‌ماندن در قدرت نیاز به همکاری احزاب اپوزیسیون و حمایت بخش وسیعی از جامعه را دارد. از دیگر سو موقعیت ضعیف اردوغان وی را وادار به ائتلاف با حزب فاشیست حرکت ملی

کرده است که انعکاس این "همکاری" در رقابت و کشمکش اسلام‌گرایان و فاشیست‌ها در به چنگ آوردن موقعیت‌های کلیدی در دولت از جمله دستگاه قضایی و دادگاه‌های عالی و دخالت در امور و تصمیمات آنها قابل رویت است. دو تصمیم فوق‌الذکر برای حفظ ائتلاف موجود و همچنین جلب رضایت ملی‌گرایان "کمتر" افراطی یا همان کمالیست‌ها است.

همه اینها در حالی صورت می‌پذیرد که سرمایه‌داری ترکیه با بحران عمیق اقتصادی، کمبود سرمایه و خودداری سرمایه بین‌المللی از سرمایه‌گذاری در ترکیه به دلیل زیر پا گذاشته شدن اصل تفکیک قوا، دخالت نهادهای سیاسی در امور قضایی و عدم تمکین به قوانین از جمله اصول قانون اساسی روبرو

است. عروج اردوغان و اسلام سیاسی به قدرت نتیجه این بحران و باقی‌ماندنش در قدرت عامل تشدید آن است.

جامعه ترکیه آبستن تحولات عمیق و انفجار اجتماعی است. شرط "عادی" شدن فضای سیاسی و بهبود اوضاع مردم و گسترش آزادی‌های سیاسی و مدنی در ترکیه جارو شدن اسلام سیاسی و اردوغان از صحنه سیاسی توسط مردم با هدف برقراری جامعه‌ای برابر و آزاد و انسانی است.

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۸ مه ۲۰۲۴

جنگ، صلح، زندگی انسانی

سؤال از مصطفی صابر

کیوان جاوید: جنگ چرا به وجود می‌آید و چطور برای همیشه به موزه تاریخ می‌پیوندد؟

مصطفی صابر: جنگ یک واقعیت تلخ تاریخ بشر است. بخصوص از وقتی که انسان‌ها قادر شدند مازاد بر مصرف خود را تولید کنند، رفته‌رفته مالکیت، استثمار، طبقات و دولت شکل گرفت. در این جوامع طبقاتی، از جمله در جوامع بورژوایی حاضر، جنگ به یک جزو اساسی و محوری سیاست و زندگی اجتماعی بدل شد. کافی است به دوروبرمان نگاه کنیم و ببینیم چه جنگ‌های خانمان‌سوز و

ضدبشری جریان دارد و چطور مناسبات و معادلات اجتماعی را تعیین و البته زندگی میلیون‌ها انسان را تباه می‌کند و تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. حالا جنگ‌های جهانی اول و دوم و بسیاری جنگ‌های وحشتناک دیگر بماند.

متأسفانه تا وقتی حاکمیت مالکیت خصوصی و طبقات و مرز و منافع متفاوت و دولت‌های مافوق مردم و تا بیخ دندان مسلح وجود دارد، کماکان "جنگ ادامه سیاست" و در مقاطعی هم تمام سیاست خواهد بود. بشر، یا صحیح‌تر بشرِ مالک یا همان طبقه حاکم، امروز آنقدر مهمات اتمی و غیر اتمی در اختیار دارد که برای چند بار نابودکردن کل تمدن بشری بر این کره زیبا کافی است. پایان جنگ و خطر جنگ برای بشریت فقط می‌تواند

مترادف با پایان‌دادن به عصر حاکمیت سرمایه این آخرین شکل جامعه طبقاتی باشد. وقتی استثمار و بهره‌کشی و طبقات از بین برود، وقتی که انسان‌ها در جوامعی متکی بر تعاون، همکاری، رفاه، برابری، احترام و اعتلای همگان زندگی کنند، جنگ هم نقش تاریخی خود را از دست می‌دهد.

کیوان جاوید: چرا شعار صلح در دنیای امروز گمراه کننده است؟

مصطفی صابر: مطمئن نیستم با فرض سؤال شما تماماً موافق باشم. برای مثال شعار انقلاب اکتبر در روسیه "نان، صلح، آزادی" بود. این انقلاب، نقش مهمی در پایان‌دادن به جنگ اول جهانی ایفا کرد و زندگی بشر را از خیلی جهات تغییر داد.

اما شاید منظور شما کاربرد شعار صلح در دهه‌های اخیر است که در این حالت موافقم و فکر می کنم برای مثال در قبال حمله بوش پدر به عراق شعار صلح شعاری پاسیفیستی بود. چرا که می‌خواست به اوضاع قبل از جنگ برگردد حال آنکه دنیا عوض شده بود و باید سیاست فعالی در قبال این تغییر وضع اتخاذ می‌شد. درهرحال باید هر جنگ را به طور مشخص بررسی کرد. برای مثال در قبال جنگ اسرائیل و حماس هم شعار صلح اصلاً کافی نیست. بلکه نه فقط باید خواست که جنگ فوراً قطع شود؛ بلکه باید همه آغازگران و ادامه‌دهندگان این جنگ تماماً ضدبشری، چه حماس و چه دولت اسرائیل و حامیان آنها، محکوم و محاکمه شوند و همچنین باید طرح دو دولت متساوی‌الحقوق فلسطینی و

اسرائیلی اجرا شود.

کیوان جاوید: زندگی انسانی چگونه برقرار می‌شود؟

مصطفی صابر: بالاتر به‌نوعی و در سطحی تجریدی به این سؤال پرداختم. اینجا چند کلمه خیلی مشخص اضافه کنم.

بیاید یک لحظه بر شعار انقلاب مردم ایران، زن زندگی آزادی، تعمق کنیم. این انقلاب و این شعار فقط آنتی‌تز جمهوری اسلامی نیست، بلکه آنتی‌تز کل وضعیت موجود دنیاست. آنتی‌تز جنگ وحشتناکی است که حماس مورد حمایت جمهوری اسلامی آغاز کرد و نتانیاهو دارد با نسل کشی ادامه می‌دهد. این شعار دارد راه پیشروی به‌طرف ساختن یک زندگی

انسانی را پیش پای کل بشر امروز می گذارد. بیخود نیست که این شعار را با شعار انقلاب کبیر فرانسه، آزادی برابری برادری، مقایسه کردند و آنرا در ادامه و تکمیل کننده آن ارزیابی کردند. زندگی انسانی در پیروزی هرچه کامل‌تر انقلابات زن زندگی آزادی و گرفتن اختیار زندگی به دست انسان‌هایی که هیچ نفعی در استثمار و نابرابری و تبعیض طبقاتی و البته جنگ ندارند، می‌تواند برقرار شود.

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۸ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۳۴

۱۹ مه ۲۰۲۴ – ۳۰ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره:سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

نرگس محمدی و دراکولا

کیوان جاوید

تکثیر شجاعتی به نام توماج و ترس رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

زندگی را آب‌برد، مسئولین را خواب

آذر پویا

معلولیت و مبارزه برای حقوق معلولان

سینا پدرام

فتح سنگر حجاب، حرمت حجاب و چادر را از میان می‌برد؟

پیام آذر

نرگس محمدی و دراکولا

کیوان جاوید

مصطفی نیلی، وکیل نرگس محمدی اعلام کرد: "جلسه رسیدگی به پرونده جدید خانم نرگس محمدی روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار خواهد شد."

نرگس محمدی روز شنبه ۲۹ اردیبهشت، اعلام کرد که به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "به دلیل اعتراض به تعرض جنسی به زنان" قرار است روز سی‌ام اردیبهشت محاکمه شوم و خطاب به دستگاه قضایی جمهوری اسلامی گفت: "موظف هستید دادگاه علنی با حضور خبرنگاران مستقل و فعالان زنان و حقوق

بشر و وکلایم برگزار کنید.“

دراکولای کریه، خون تازه می‌خواهد تا به حیات ننگین خود ادامه دهد. آنچه که در باره این موجود خونخوار شنیده‌ایم همگی در ابعاد میلیارد برابر در وجود حکومت اسلامی جمع شده است. حکومتی که تماماً از خون مردم تغذیه می‌کند تا با هر روز بیشتر ماندن زندگی‌های بیشتری را نابود کند.

این موجود کریه، خبیث و ضد زندگی اما دوران سختی را می گذراند. یک جامعه علیه این مظهر فساد و جنایت به‌پاخاسته است. از کودکان در مدارس ابتدایی که در تقابل با زوزه کشی‌های اسلامی سرود شادی‌بخش زندگی می‌خوانند تا دختران و پسران

نوجوان که عزم سرنگونی کرده‌اند و پرچم زیبای شادی و زندگی انسانی را به دست دارند. از آنها که کار می‌کنند تا جامعه با کار و تلاش و تولید آنها زنده بمانند تا پرستاران و اطبا و معلمین و خلاصه همهٔ زندگی در یک هارمونی به‌هم‌پیوسته مرگ این دراکولا را آرزو دارند و برای نابودی‌اش تلاش می‌کنند.

در این فضای موجود، زندانیان سیاسی در اوج قدرت، جمهوری اسلامی را به مصاف می‌طلبند. محاکمه زندانیان سیاسی تبدیل به محاکمه همه جنایات رژیم شده است. داستان واقعی تازه از اینجا شروع می‌شود. رژیمی که قرار است با محاکمات فرمایشی و مسخره خود زندانیان و مردم را بترساند، خود

وحشت‌زده است.

نرگس محمدی در این فضای عمومی است که خطاب به حکومت می‌گوید دادگاه علنی برگزار کنید. این دادگاه علنی هم اکنون در جریان است و "قاضی" و هیئت‌منصفه" حکمشان را علیه قاتل زنجیره‌ای، این دراکولای واقعی صادر کرده‌اند. شاهدان این دادگاه همه مردم ایران، رسانه‌های بین‌المللی و افکار جهانی‌اند. علیه مضحکه محاکمه نرگس محمدی متحد و یک‌صدا می‌شویم و هم‌زمان انقلابمان را به‌پیش می‌بریم.

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۹ مه ۲۰۲۴

تکثیر شجاعتی به نام توماج و ترس رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

ایرنا، رسانه حکومتی، با استناد به اطلاعیه زندان اصفهان نوشت: "درباره ادعاهای اخیر در مورد عدم دسترسی فرد زندانی به نام "توماج صالحی" به تلفن یا عدم اعطای ملاقات به او به اطلاع می‌رساند که این زندانی محکوم هم‌اکنون بنا بر حکم صادره دادگاه انقلاب اصفهان در زندان مرکزی استان تحمل حبس می‌کند و برخلاف جوسازی مستمر این مجرم در فضای مجازی یا اظهارات وکلای نامبرده در مورد ممنوعیت تماس تلفنی یا تعلیق ملاقات، وی نیز مانند سایر

زندانیان دسترسی کاملی به این امکانات که در راستای حقوق شهروندی در زندان‌هاست، دارد.“ توماج صالحی، خواننده جسور، مبارز و مردمی، صدای تمامی اقشار تحت ستم رژیم اسلامی و حمایتش از انقلاب مدرن و پیشرو ”زن، زندگی، آزادی“ یکی از نمادهای این انقلاب است. این موضوع ترس و وحشتی در دل رژیم به وجود آورده که به او حکم اعدام دادند. غافل از اینکه رژیم با صدور احکام اعدام برای اشخاص محبوبی چون توماج که مطالبه ۴۵ساله مردم را در اشعارش فریاد می‌زند، گور سرنگونی خود را عمیق‌تر می‌کند.

موج اعتراضات علیه حکم غیرانسانی اعدام توماج

آن‌چنان جهانی و گسترده شده است که کمتر کسی در دنیاست که از این توحش اسلامی بی‌خبر باشد. مردم ایران چه در داخل و چه در خارج از کشور، هنرمندان معروف جهانی، احزاب و گروه‌های مختلف مخالف رژیم اسلامی و مردم دنیا علیه این حکم به پا خاستند، به خیابان‌ها آمدند و بیانیه صادر کردند.

رژیم درمانده از تکثیر شجاعتی به نام توماج وحشتش افزون شده و حالا بعد از انتشار خبر ممنوعیت توماج در استفاده از تماس تلفنی و داشتن ملاقات حضوری، این خبر را "کذب" می‌خواند و می گوید "طبق قوانین زندان‌ها" این حق هر زندانی است. رژیمی که با قوانین ضدانسانی اسلامی‌اش

انسان‌ها را به بند می‌کشد از حق‌وحقوق همین انسان‌ها حرف می‌زند. درحالی‌که همه می‌دانیم زندانیان در شکنجه‌گاه‌های این رژیم چه شرایط وحشتناکی را سپری می‌کنند.

عقب‌نشینی رژیم و تقلا برای منتشرنشدن اخبار مربوط به توماج گویای این است که باید مبارزات و اعتراضات گسترده علیه این حکم شنیع را تا لغو این حکم و آزادی توماج صالحی متحدانه و در بعدی جهانی ادامه دهیم.

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۹ مه ۲۰۲۴

زندگی را آب‌برد، مسئولین را خواب

آذر پویا

بر اساس آخرین خبرها، شمار جان‌باختگان سیل اخیر در استان خراسان‌رضوی به ۱۲ تن رسیده است.

محمدحسین درودی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز خراسان رضوی روز شنبه گفت بر اساس بازدیدهای میدانی، فیلم‌های حادثه و مستندات، «مقصران احتمالی حادثه» شناسایی و با آنان اعم از نهادهای عمومی، غیرعمومی، اشخاص حقوقی و حقیقی برخورد می‌شود.

فاجعه‌ای دیگر جان‌های عزیزی را گرفت، خانه‌های زیادی را بر سر ساکنانش خراب کرد، زندگی‌هایی را آب با خود برد و مسئولین بی‌مسئولیتی که بجای اظهار شرمساری و همدردی با مردم آسیب‌دیده و فکر راه چاره‌ای برای جبران اندکی از خسارات وارده با لاقیدی شانه بالا می‌اندازند. حسن کلیدری رئیس گروه پدافند غیرعامل و مدیریت بحران شهرداری سیل خانمان‌برانداز را «آب‌گرفتگی» و وسایل نقلیه زیر آب را «کارتنی» خواند. واقعاً زهی بی‌شرمی!

در جهانی زندگی می‌کنیم که حتی یک نفر هم نمی‌بایستی از وقوع بادوباران و «بلای طبیعی» زندگی‌اش را از دست بدهد. بشر امروز برای

جلوگیری از «وقایع طبیعی» مخرب چاره‌اندیشی کرده، علم را در خدمت به زندگی انسان‌ها گرفته، وقایع را قبل از وقوع پیش‌بینی کرده و به ساکنین اطلاع می‌دهد. ساختمان‌سازی را به نحوی برنامه‌ریزی کرده‌اند که با شدیدترین زلزله‌ها کمترین آسیب به ساکنین وارد شود. امکانات رفاهی در اختیار آسیب‌دیدگان می‌گذارند و مسئولین مربوطه تمام تلاششان را می‌کنند تا ساکنین منطقه کمترین آسیب‌های جسمی، روانی و اقتصادی را ببینند.

در جهنم جمهوری اسلامی آنچه که موردتوجه نیست همانا جان عزیز انسان‌ها است. احمد وحیدی وزیر کشور برای همدردی با بازماندگان

سیل اخیر وعده رایگان بودن هزینه خاک‌سپاری کشته‌شدگان را داد و محمدحسین درودی دادستان عمومی و انقلاب مرکز خراسان رضوی وعده برخورد با مقصران احتمالی حادثه را.

در جمهوری اسلامی همه راه‌ها به بگیر و به بند و نهایتاً زندان و شلاق ختم می‌شود. احتمالاً این بار هم عده‌ای از مسئولین دست چندم را دستگیر و زندانی می‌کنند و بعد از افتادن آب‌ها از آسیاب مجدداً آزاد و باعزت و احترام در جای دیگری سازمانشان می‌دهند.

برای تمام جنایات ۴۵ سال اخیر، کل سران حکومت باید محاکمه و مجازات شوند. برای

پیشگیری از سوانح و حوادث طبیعی راه‌های علمی بسیاری وجود دارد که با روی کار آمدن یک دولت مردمی امکان استفاده از آنها به وجود می‌آید.

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۹ مه ۲۰۲۴

معلولیت و مبارزه برای حقوق معلولان

سینا پدرام

رضا ملک‌زاده، استاد دانشگاه و فوق‌تخصص گوارش و کبد وزیر بهداشت دوران رفسنجانی در گفتگویی با وب‌سایت خبر آنلاین، قانون "جوانی جمعیت"، محدودیت‌های به وجود آمده برای غربالگری و همچنین محدودیت در تهیه وسایل پیشگیری از بارداری را اشتباه عنوان کرد و گفت: "قوانین وضع شده در خصوص محدودیت‌ها در غربالگری و سقط درمانی یکی از دلایل افزایش به‌دنیاآمدن نوزادان دارای معلولیت است."

ما در ژورنال بارها به این موضوع پرداخته‌ایم و

من خوانندگان عزیز را به خواندن مصاحبه حمید تقوایی دراین‌خصوص تحت عنوان "سقط‌جنین آری یا نه؟" رجوع می‌دهم.

اما موضوع رفتار و نگرش جامعه به معلولین جسمی و روحی به‌ویژه معلولیت‌های ژنتیکی از دوران تولد خود حاصل‌جمع روابط اقتصادی حاکم و نگرش‌های مذهبی و سنتی رایج در جامعه است. انسان "معلول" انسانی است که "ارزش" خود را برای سیستم اقتصادی حاکم ازدست‌داده است و "سربار" محسوب می‌شود.

شاید به‌جرئت بتوان گفت که درجه رفتار جامعه با موضوع معلولیت درجه انسانی بودن آن جامعه

را منعکس می‌کند. در جوامع حاضر حق‌وحقوق انسانی معلولین به‌اندازه‌ای رعایت می‌شود که آن جامعه مجموعاً توانسته باشد حقوق انسانی آنان را به طبقات حاکم و دولت‌هایشان تحمیل کرده باشد. حقوق معلولین خود حاصل و انعکاسی از مبارزات اجتماعی و جنبش‌های مساوات‌طلبانه قرن‌های اخیر است.

در ایران نیز جنبش مطالباتی معلولین یک جنبش زنده و فعال است. این حرکات شایسته حمایت و سازماندهی هستند. ایجاد تسهیلات و امکانات رفاهی ویژه و مناسب برای شکوفایی استعداد هر فردی حتی با "معلولیت‌های" مختلف از اولین اقداماتی است که باید از هر حکومتی انتظار

داشت. معلولیت، ناقض داشتن حقوق اجتماعی نیست بلکه نیاز به حقوق ویژه و مناسب با هر نوع آن را برمی‌انگیزد.

زمانی که ایران و جوامع انسانی دیگر بر اساس "سود" و پر کردن جیب سرمایه‌داران حاکم سازمان داد نشده باشند، آنگاه حتی کلمه "معلولیت" از فرهنگ عمومی رخت خواهد بست و به گذشته انسان بدل خواهد شد. تا آن موقع جدال و مبارزه ادامه دارد.

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۹ مه ۲۰۲۴

فتح سنگر حجاب، حرمت حجاب و چادر را از میان می‌برد؟

پیام آذر

عباس عبدی روزنامه‌نگار اعتماد می‌نویسد که "مقابله با زنان نه‌تنها مشکل حجاب را حل نمی‌کند، بلکه حرمت چادر را هم از بین می‌برد." با انقلاب زن زندگی آزادی سنگر حجاب توسط زنان و مردان آزادی‌خواه فتح و حکومت درمانده شده و اعتراض‌های درونی حکومت بالا گرفته که وای، وای حجاب بر بادرفت. این یعنی اینکه ما به نقطه حساس رژیم اسلامی ضربه وارد کرده و یکی از ستون‌های خیمه اسلام را شکستیم.

عباس عبدی دارد به سران حکومت اسلامی هشدار می‌دهد که شما حرمت حجاب و چادر را هم از بین برده‌اید و می‌خواهد با نصیحت حکومت را قانع بکنند به‌خاطر حجاب کل حاکمیت اسلامی را به خطر نیندازند و در میان طرف‌داران حکومت ریزش ایجاد نکنند.

امثال عبدی خوب می‌دانند که جنگ اصلی مردم با کل حاکمیتی است که سفره کارگران را خالی و معلمان و بازنشستگان را روزبه‌روز فقیرتر و حقیرتر کرده است. دانشجویان و استادان و نیروی کار متخصص را از درس و تدریس محروم کرده و فراری داده است، کودکان را تبدیل به نان‌آوران خانواده کرده و به بهاییان و

معتقدین به مذاهب دیگر دست‌درازی می کند. از کردستان تا بلوچستان در سراسر ایران بر مردم تعرض کرده و حق‌وحقوق انسانی را زیر پا نهاده است. رنگین کمانی‌ها را آزار و تحقیر نموده و محیط‌زیست را به نابودی کشیده و منابع مالی را غارت و منابع طبیعی را که ثروت جامعه است پیش‌فروش کرده است. از همین رو به بهانه حجاب خواهان تخفیف در این جنگ هر روزه خیابان هستند.

و اما نگرانی‌های عبدی به بهانه حجاب و چادر دوره‌اش گذشته است و تأثیری در جنگ رودرروی حکومت اسلامی ضد زن با زنان و مردم آزادی‌خواه در خیابان‌های ایران ندارد.

ما مردم همانطور که جبهه حجاب را تسخیر کردیم تصمیم خود را عزم کرده‌ایم که همه انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب دست در دست هم کاخ خامنه‌ای را نیز تسخیر کنیم و سرنگونی جمهوری اسلامی را جشن بگیریم.

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۹ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

زورنال

شماره ۷۳۵

ویژه به هلاکت رسید رئیسی جلاد

۲۰ مه ۲۰۲۴ – ۳۱ اردیبهشت۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

سقوط تان مبارک

متحد و یکپارچه

علیه جمهوری اسلامی

برای سقوط حکومت اسلامی

#میریم_تا_سرنگونی

هیچ زمان چون امروز

کیوان جاوید

هیچ زمان چون امروز به یاد همه جان‌باختگان که به دست جلادان جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند نبوده‌ام.

هیچ‌زمان‌چون‌امروز چهره‌خانواده‌های‌جان‌باختگان یک جا در خاطرم نقش نبسته است.

مادرانی که در داغ به‌قتل‌رسیدن دلبندشان عزادار همیشگی شده‌اند.

پدران، خواهران و برادرانی که داغ ازدست‌دادن بهترین‌های زندگی‌شان را برای همیشه با خود دارند.

اعدام‌شدگان سالهای ۶۰، مادران خاوران، خانواده به خون نشسته ندا آقا سلطان – دی‌ماه ۹۶ – آبان ۹۸ و بالاخره هیچ زمان، هیچ زمان چون امروز به یاد جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی نبوده‌ام.

مرگ رئیسی جلاد تنها یک‌لحظه کوچک از شادی عمومی مردمی است که به دست این حکومت فقط

عذاب کشیده‌اند و کشته و زندانی داده‌اند.

شادی بزرگ، بزرگ‌ترین جشن تاریخ مردم ایران با سرنگونی جمهوری اسلامی در راه است. ما مردم این تاریخ زیبای زندگی را با مبارزه‌مان برای سرنگونی می‌سازیم.

تاریخی که به مرگ و نیستی و تباهی نه می‌گوید و بر اولین صفحه تاریخ خود بعد از سرنگونی جانیان اسلامی به خط زیبا و درشت می‌نویسد: زنده‌باد زندگی.

از هیئت مرگ به ورطه مرگ

سینا پدرام

خبر سقوط هلیکوپتر ابراهیم رییسی موجی از کامنتهای مختلف در مدیای اجتماعی را دامن زد.

در عین حال در شهرهای مختلف مردم به اشکال گوناگون به شادی پرداختند.

رژیم اسلامی چنان نفرتی را در میان شهروندان به وجود آورده است که مرگ هریک از سران آن، شادی و شعف مردم را به همراه دارد.

از سوی دیگر ترس رژیم از خیزش های آتی به اندازه ای بالاست که هر خبر و واقعه ای برایش هزینه ساز میشود و به یک امر امنیتی تبدیل میشود. شوخی تر از همه، اظهارات خامنه ای در ساعات اولیه خبر سانحه هلیکوپتر رییسی بود. خامنه ای گفت "ملت نگران نباشد، اختلالی در کار مملکت به وجود نمی آید." هیچ جمله ای نمیتوانست بی خاصیتی رییسی برای بیت رهبری را بهتر از این بیان کند.

”فرود سخت“اسم بی مسمایی برای سقوط هلیکوپتر رییسی است. اما سقوط سخت بی شک در انتظار رژیم اسلامی است.

از منظر مردم ایران، به سبک فیلمهای وسترن ، رییسی فرد تبهکاری بود که در بالای تصویرش نوشته شده است؛ ”تحت تعقیب، زنده یا مرده.“

خبر مرگش

آتشفشانی و جشن شادی در تهران

مرگ ساز و مرگ پرست به کام مرگ

از طرف سردبیران ژورنال

رئیسی، یکی از رؤسا و پیشتاز و سردمدار در همه جنایت‌های جمهوری اسلامی است.

رئیسی از بیست سالگی مسئولیت‌های کلیدی در دادستانی‌ها و دادگاه‌ها و هیئت مرگ حکومت اسلامی داشته است.

هر چند مرگ این جانی ضد انسان باعث خوشحالی مردم ایران و همه انسان‌دوستانی شد که نام و آوازه‌اش را شنیده بودند؛ اما این خوشحالیِ انتقام نیست. مرگِ مرگ سازان و مرگ پرستان است

که باعث خوشحالی مردمی می‌شود که عاشق زندگی‌اند اما این زندگی انسانی از آنها به‌زور گرفته شده است.

بی شک دیدن رئیسی‌های جلاد در دادگاه‌های مردمی و علنی شور و شعفی هزار برابر به ارمغان می‌آورد، تنها جای تأسف شاید اینجا باشد.

رئیسی جلاد مرد!

کاظم نیکخواه

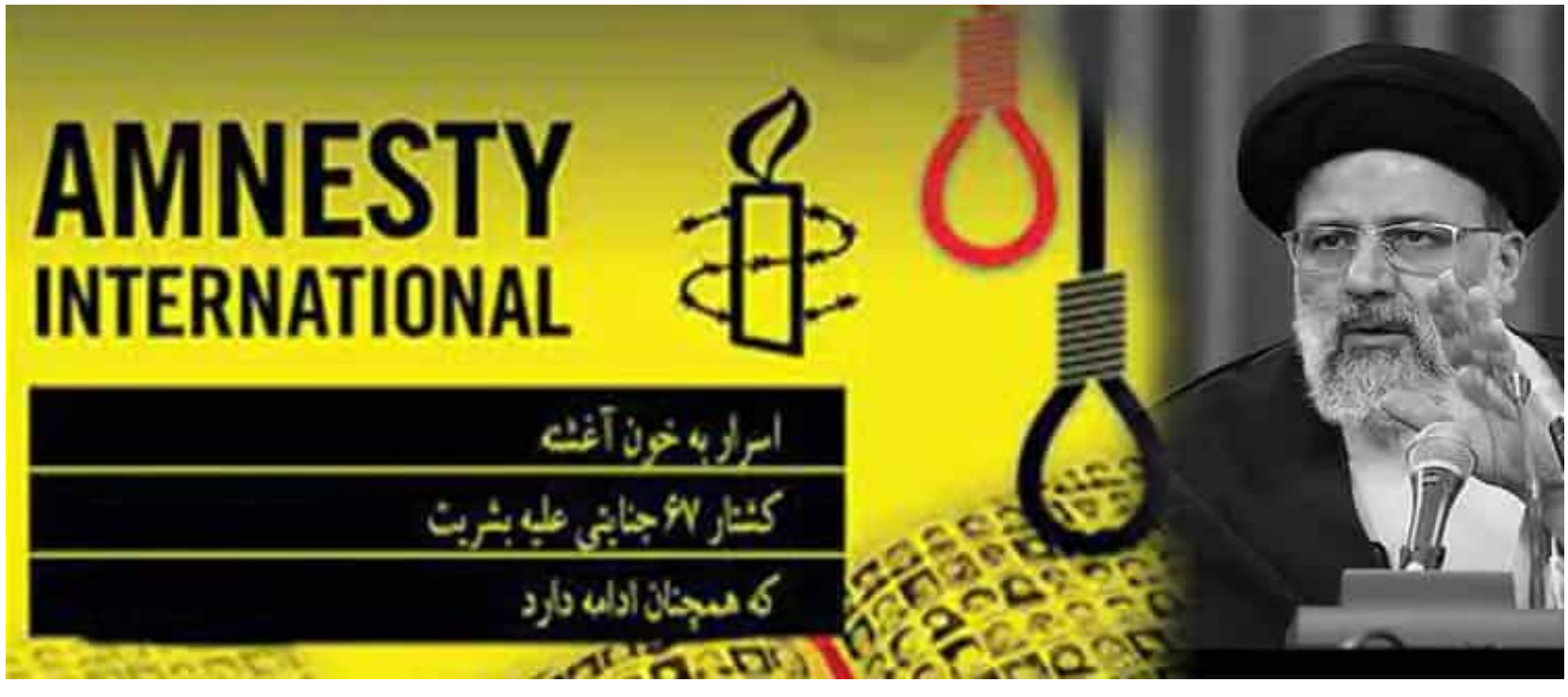

رئیسی را آخوند مرگ می‌نامند. او در حکومت چپاول و جنایت، کسب‌وکارش اعدام بود. شمار زندانیانی که با تصمیم مستقیم رئیسی اعدام شدند به هزاران نفر می‌رسد. او کار جلادی را به‌عنوان دادستان کرج شروع کرد. بعدتر هم تمام پست‌هایش مستقیماً به همین کسب‌وکار مرتبط بود: دادستان همدان، دادستان تهران، رئیس

بازرسی کل کشور، معاون قوه قضائیه، دادستان کل کشور، دادستان دادگاه ویژه روحانیت، معاون قوه قضائیه، و رئیس قوه قضائیه. انگار بو می‌کشید کجا بهتر می‌تواند بکشد! تا همین روزهای اخیر هم ماشین اعدام در حکومتش فعال بود.

دو روز قبل از مرگش در یک روز ۱۰ نفر را اعدام کردند. بارزترین پرونده رئیسی عضویت در «کمیته مرگ سال ۶۷» بود که هزاران زندانی سیاسی را در عرض چند هفته به جوخه اعدام سپرد. حتی برخی روزنامه‌های جهان با تیتر جلاد از رئیسی اسم بردند.

شب گذشته با پخش خبر مرگ رئیسی در چندین

شهر از جمله تهران و سقز جوانان دست به شادی و آتش‌بازی زدند. اما با مرگ او آرزوی محاکمه این قاتل و شکنجه‌گر حکومت در دادگاه‌های مردمی بر بادرفت. شادی واقعی مردم زمانی است که سرنگونی کل حکومت جلادان را شاهد باشیم. پرونده رئیسی هم آن روز روی میز خواهد آمد.

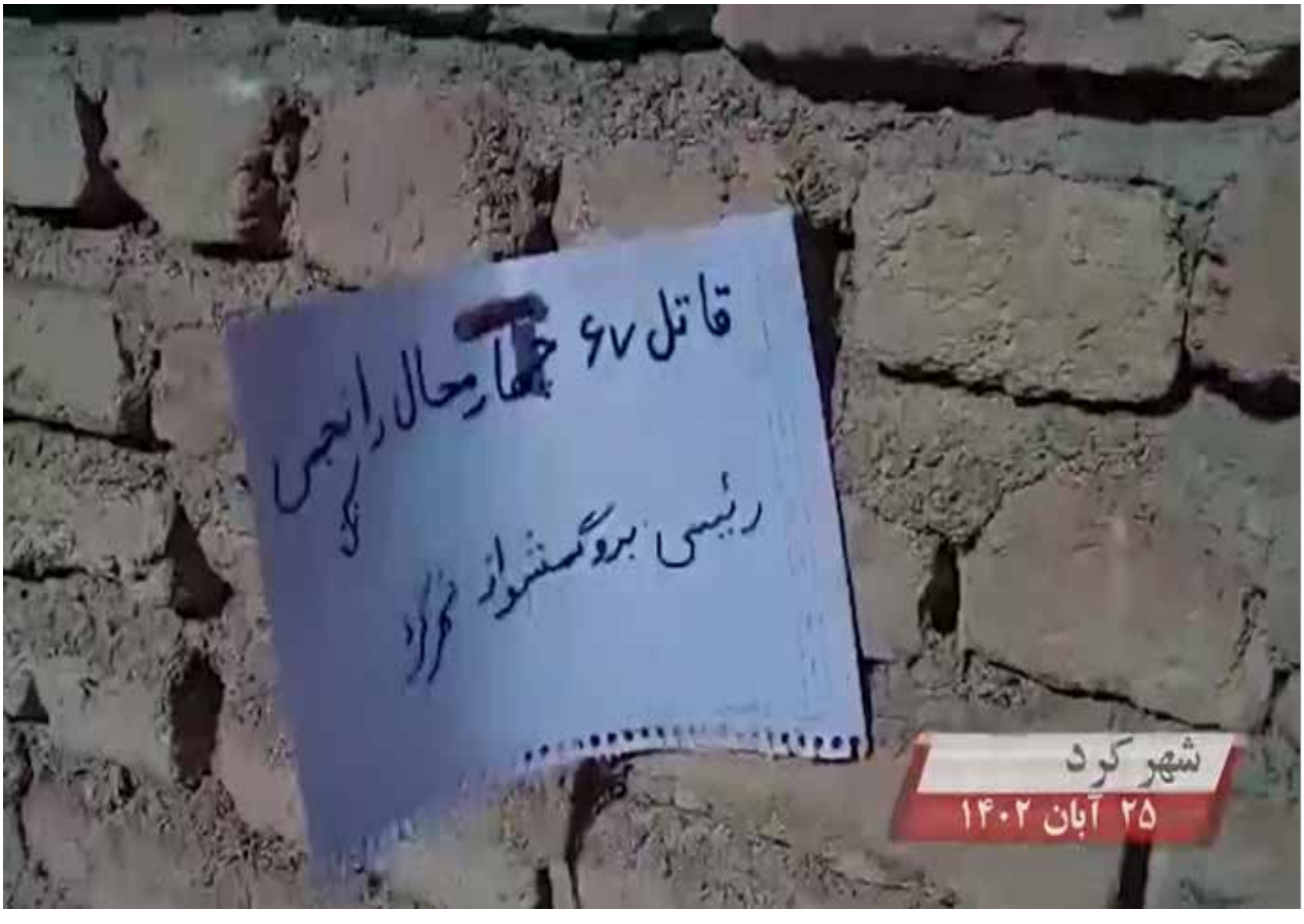

خامنه‌ای تنهاتر از تنها

سیاوش آذری

با مرگ رئیسی یکی از حلقه‌به‌گوش‌ترین یاران خامنه‌ای از بین رفت. رژیم اسلامی در ورطه اختلافات شدید اسیر شده است. برای بقا نه‌تنها مجبور است با تمام توان و بکارگیری همه امکانات

عمر ننگینش را با قتل و جنایت از امروز به فردا برساند، همچنین مجبور است رقبای داخلی خود را از میدان خارج کند. قتل رفسنجانی یکی از بارزترین این جنگ بقا در داخل حکومت بود.

هر رئیس‌جمهوری که در این نظام پُر از کشمکش و همیشه در بحران روی کار آوردند با خامنه‌ای به‌طورجدی مشکل‌ساز شد. نمونه بارز آن احمدی‌نژاد که ظاهراً قرار بود چشم‌وچراغ خامنه‌ای باشد. نمونه بعدی حسن روحانی که در تمام عمر نگینش کلیدترین پست‌های سیاسی و امنیتی را در جمهوری اسلامی عهده‌دار بود و حالا آن‌چنان مثل کاغذتوالتِ مصرف شده دور انداخته شده است که دیگر جایی در حاکمیت

اسلامی ندارد.

رئیسی این عنصر پاچه خار خامنه‌ای مُرد و با مرگش یک خلأ قدرت دیگر برای حکومت اسلامی بجا گذاشت. جای خالی این عنصر جنایتکار به‌راحتی برای جمهوری اسلامی پُر نمی‌شود.

این حکومتِ سراپا دروغ

از میان کامنت ها

”دو نفر از سرنشینان بالگرد در چند نوبت با ما ارتباط برقرار کردند.“

محسن منصوری معاون اجرایی ”رئیس‌جمهور“ گفت: ”از زمان حادثه چندین بار با بالگرد ارتباط برقرار شده است از نقاط امیدوارکننده موضوع این بوده که هم با یکی از سرنشینان بالگرد و هم با عزیزان کادر پرواز ارتباط برقرار شده و این نشان می‌دهد که ما میزان سختی حادثه خیلی بالا نبوده دو تن از عزیزان داخل هلی‌کوپتر در چند نوبت با ما با عزیزان ما ارتباط برقرار کردند.“

عمر دروغ‌بافی‌های سران حکومت خیلی کوتاه است. این احمق‌ها حتی به این فکر نمی‌کنند چند ساعت بعد دروغشان رو می‌شود.

امیدواریم عمر سران حکومت هم هر چه کوتاه‌تر شود.

”خامنه ای ضحاک میکشیمت زیر خاک!“

پیام آذر

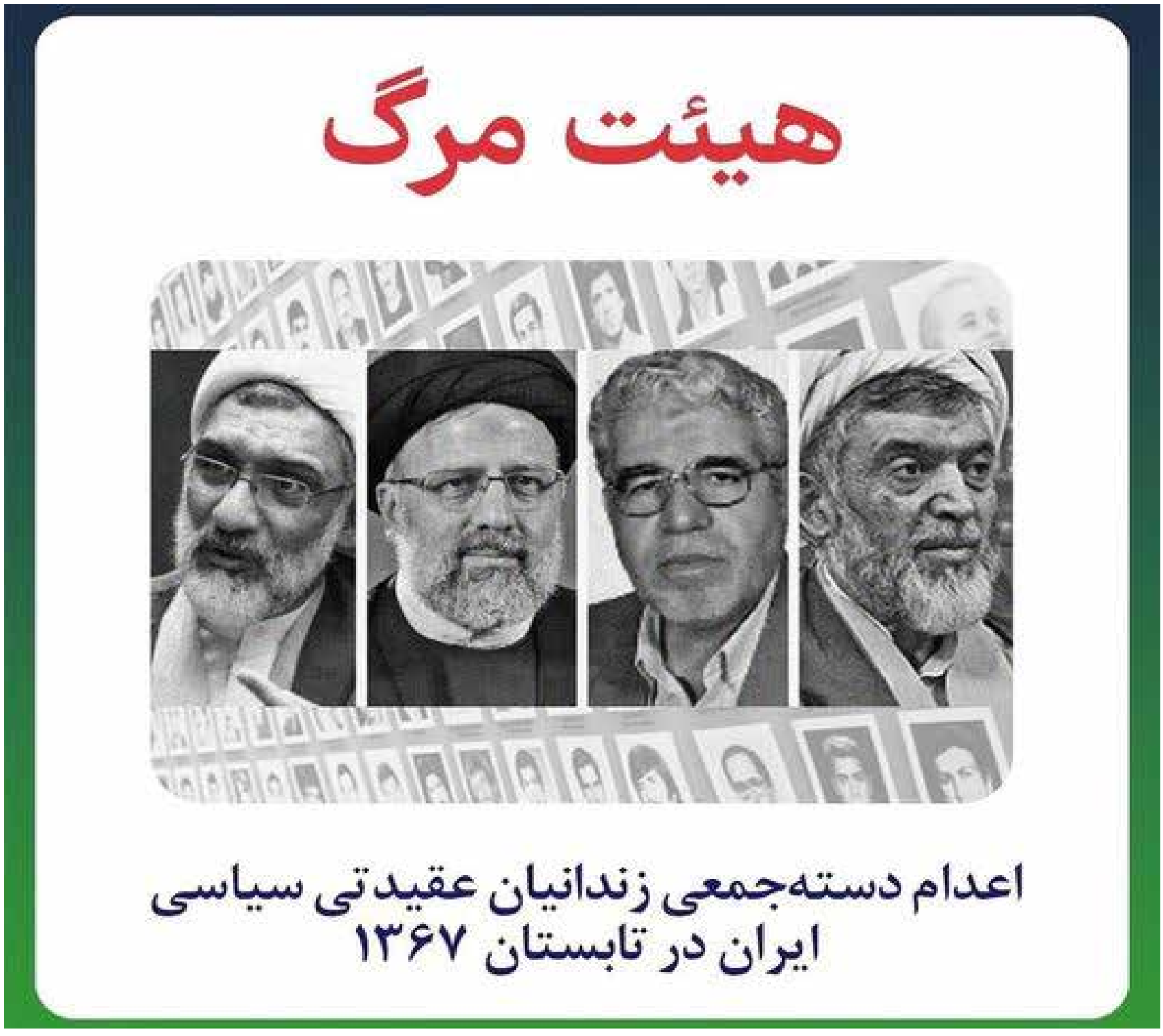

رئیسی این آیت‌الله قاتل، رئیس هیئت مرگ

زندانیان سیاسی در سال ۶۷، کسی که بی‌رحمانه بسیاری از رفقای هم‌بندم را به دستور خمینی منفور به دار کشید و آنها را در خاوران دسته‌جمعی زیر خاک کرد و سال‌های سال خانواده‌ای خاوران را در حسرت عزیزان خود گذاشت، در سقوط هلیکوپتر به هلاکت رسید.

رئیسی این به‌ظاهر چشم‌وچراغ خامنه‌ای و معروف به آیت‌الله اعدام در ادامه جنایاتش در دوران سه سال ریاستش به‌عنوان رئیس‌جمهور بیش از ۸۰۰ تن را اعدام کرد.

مرگ رئیسی در هر شرایطی چه عمدی یا برنامه ریزی شده یک مرگ شادی‌آفرین بود. او جان

منفورش را باخت تا مردم ایران برای چند روزی هم شده خوشحالی را حس کنند و دل هزاران خانواده عزیز ازدست‌داده شاد شود.

من یکی از زندانیان سیاسی جان بدر برده دهه ۶۰ هرچند که دلم می‌خواست این آیت‌الله قتل و غارتگر را در دادگاه‌های علنی و جهانی ملاقات کنم، بااین‌حال از مرگش مثل عموم مردم ایران بسیار به وجد آمده‌ام و از صمیم قلب به‌تمامی ستمدیدگان و دادخواهان تبریک می‌گویم. باور دارم که از سقوط هلیکوپتر تا سقوط جمهوری اسلامی راه زیادی نیست.

بازار طنز داغ است

از میان کامنت ها

در همین مدت کوتاه صدها پیام طنزآمیز دررابطه‌باسقوط هلیکوپتر رئیسی و همراهانش منتشر شده است.

از جمله: "پیام به خرس‌ها و گرگ‌ها: "چشم امید یک ملت به شماست!

" برای اولین‌بار در تاریخ یک ملت در حال دعا که یک سانحهٔ هوایی تلفات جانی داشته باشد!

دبیرکل اتحادیه گرگهای ایران ضمن
رد ادعای خورده شدن رییسی
توسط گرگها تصریح کرد:
ما گوشتخوار هستیم، لاشخور
نیستیم.

در یک مصاحبه جدی در یک برنامه تلویزیونی مهمان برنامه با سقوط هلیکوپتر رئیسی ابراز نگرانی کرد که "امیدوارم برای جانوران جنگل خطری پیش نیامده باشد" و مجری نیز عکس العملی نشان نداد. این است واقعیت جامعه ای که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی است.

خامنه‌ای ۵ روز عزای حکومتی اعلام کرد

رژیم از مرگ جلاد خودش عزا گرفته است. اما ما مردم در تقابل با جانیان اسلامی رقص و شادی سازمان می‌دهیم و آتش‌بازی عمومی بر پا می‌کنیم. مردم از مرگ جلاد حکومت اسلامی غرقِ در شادی و خوشی شده‌اند. این شادی را

تکثیر می‌کنیم.

خامنه‌ای یکی از نوکرصفت‌ترین، فاسدترین و حلقه‌به‌گوش‌ترین مدافعان خود را ازدست‌داده است و مردم به همین دلیل از مرگ این آیت‌الله دزد و قاتل به شعف آمده‌اند.

باهدف مبارزه با جمهوری اسلامی و به‌منظور تضعیت هر چه بیشتر جمهوری اسلامی، مرگ رئیسی جلاد را به فرصتی دیگر برای به میدان آمدن و اعتراض‌کردن تبدیل کنیم.

ما نمی‌گذاریم جمهوری اسلامی فضایی حاکی از ترس و ارعاب به وجود بیاورد. ما مردم در برابر

عزای حکومتی با همه توان و از هر فرصتی و در هر مکان و زمان، مرگ رئیسی و دیگر جانیان همراهش را به فرصتی برای انزجار از حکومت تبدیل می‌کنیم.

همه با هم متحد و همبسته به‌سوی سرنگونی جمهوری اسلامی به‌پیش می‌رویم.

حقیقی ترین طنز مردم

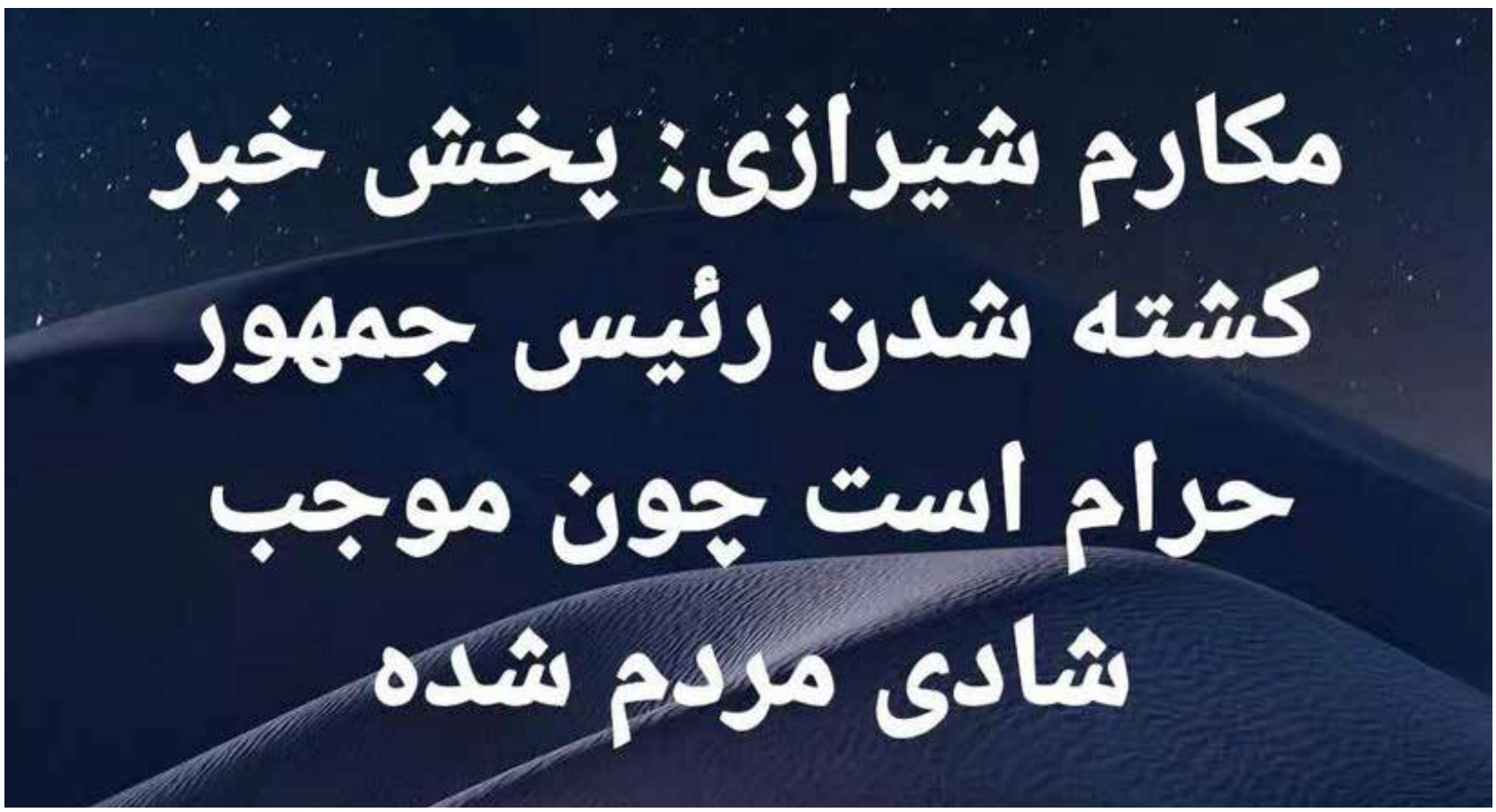

مرگ بر جمهوری اسلامی

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۳۶

۲۱ مه ۲۰۲۴ – ۱ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

هلاکت رئیسی و تأثیرات روانی و سیاسی

دیلا روژمان

سقوط جلاد و خانواده‌های دادخواه

سهیلا دالوند

مرگ رئیسی و تسلیت‌های بی‌شرمانه

محسن ابراهیمی

رئیسی جلاد کشته شد!

حزب کمونیست کارگری ایران

هلاکت رئیسی و تأثیرات روانی و سیاسی

دیلا روژمان

مرگ ابراهیم رئیسی واکنش‌های احساسی متفاوتی در بین مردم ایجاد کرده است. عده‌ای قلیل از حکومتی‌ها غرق در اندوه‌اند، درحالی‌که بخش وسیعی از جامعه با نوعی از آسودگی، خوشحالی و امید مواجه شده‌اند.

کسانی که در سوگ مرگ رئیسی نشسته‌اند، افرادی هم‌هویت و همسو با سیاست‌های او هستند، این افراد باتجربه بحران هویت وجودی، با احساسی عمیق از سردرگمی و آسیب‌پذیری روبرو شدند. در مقابل، اکثریت جامعه، با مرگ رئیسی احساسی از

خوشحالی، آسودگی و امید را تجربه می‌کنند. حتی اگر مرگ یک نفر از هزاران جنایت‌کار جمهوری اسلامی را کافی ندانند!

حاکمیت استبدادی اغلب احساسات درماندگی، استرس و اضطراب مزمن را تشدید می‌کند. جنایت‌کارانی مانند رئیسی که بر مسند قدرت نشسته‌اند، تداعی‌گر این احساسات منفی‌اند. مرگ آنان، به معنای آسودگی از این احساسات است و به عبارتی "پیروزی نمادین" محسوب می‌شود. پیروزی‌های نمادین علیه دیکتاتورها، پیروزی‌هایی است که ممکن است بلافاصله ساختار قدرت را تغییر ندهند، اما نقش حیاتی در مبارزه گسترده‌تر برای آزادی و عدالت دارند و به‌عنوان نمادهای قدرتمند مقاومت، امید و روح تسلیم‌ناپذیر انسانی،

عمل می‌کنند. پیروزی‌های نمادین به طرق مختلف بر جنبش‌های عدالت‌خواهی تأثیر می‌گذارند.

این پیروزی‌ها اغلب توجه بین‌المللی را به رژیم‌های سرکوبگر جلب می‌کنند، نقض حقوق بشر را برجسته می‌کنند و همبستگی جهانی را با جوامع تحت ستم، تقویت می‌کنند. همه جهان این روزها شاهد شادی و جشن ایرانیان دادخواه هستند و رئیسی را با لقب "جلاد تهران" نام می‌برند و از جنایت "هیئت مرگ" آگاه می‌شوند. افزایش توجه و آگاهی، به افزایش پوشش رسانه‌ای و فشار بر دولت‌های استبدادی و تقویت صدای فعالان می‌انجامد.

پیروزی‌های نمادین می‌توانند شجاعت و انگیزه را در جمعیت تحت ستم توسعه دهند. این انگیزه برای

ادامه مقاومت و گسترش اعتراض پایدارتر برای دادخواهان، ضروری است. افراد با انگیزه و انرژی حاصل از پیروزی‌های نمادین می‌توانند در ساخت جنبش‌های مقاومتی مقتدرانه‌تر و سازمان‌یافته‌تر همراه شوند و گروه‌های مخالف متنوع را در اطراف اهداف مشترک متحد کنند چرا که در چنین شرایطی هیجانات مشابهی را فارغ از اختلافات تجربه می کنند.

این پیروزی‌ها در حافظه فرهنگی و تاریخی جوامع باقی می‌مانند و به نسل‌های آینده به‌منظور ادامه مبارزه برای آزادی الهام می‌بخشند و در نهایت، پیروزی‌های کوچک یا حتی نمادین، قدرت مردمی را بالا خواهد برد و به تغییر اساسی، سقوط دیکتاتوری، شکل گیری عدالت و تحقق آزادی خواهد انجامید.

سقوط جلاد و خانواده‌های دادخواه

سهیلا دالوند

ابراهیم رئیسی، هنگام بازگشت از مراسم افتتاح سد "قیزقلعه‌سی" در استان آذربایجان، با سقوط هلی‌کوپتر در منطقه ورزقان به همراه حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه، امام‌جمعه تبریز، استاندار آذربایجان شرقی و فرمانده یگان حفاظت رئیس‌جمهوری کشته شدند.

ابراهیم رئیسی قاضی مرگ، در سال ۵۹ با دادیاری در دادستانی کرج شروع و با داشتن مقام دادستانی در استان‌های مختلف ادامه داد و در سال ۱۳۶۷، عضو هیئت چهارنفره مشهور به "هیئت مرگ" بود که در فاصله دو ماه و طی محاکمات چنددقیقه‌ای

هزاران تن از زندانیان سیاسی را به جوخه‌های اعدام سپرد.

رئیسی علاوه بر مسئولیت مستقیم اعدام هزاران زندانی سیاسی، در سرکوب اعتراضات سال‌های ۸۸، ۹۸، ۱۴۰۱ و کشتار صدها نفر از معترضین در انقلاب زن، زندگی، آزادی، و همچنین اعدام تعدادی از آنها نقش مستقیم داشت.

ساعاتی پی از اعلام به هلاکت رسیدن او، خانواده‌های دادخواه، از مادران خاوران تا دادخواهان آبان و هواپیمای اوکراینی تا جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان انقلاب زن، زندگی، آزادی و اقشار مختلفی از شهروندان ستمدیده و تحت تبعیض با ابراز تأسف به‌خاطر اینکه فرصت محاکمه رئیسی در یک

دادگاه بین‌المللی از دست رفت، از مرگ رئیسی و همراهانش ابراز شادمانی کردند.

منصوره به‌کیش از خانواده‌های خاوران با پخش کلیپی از رقص و پایکوبی نوشته است: "با تمام وجود در شادی آزادی‌خواهان ایران و زنان مبارز و تمام خانواده‌های زخم‌خورده و دادخواه شریکیم." سعید افکاری، برادر نوید افکاری، ورزشکار اعدام شده نوشت: "امیدوارم حداقل برای چند لحظه هم که شده ذره‌ای از دردی که ما کشیدیم رو تجربه کرده باشی". فرهاد محمودی، برادر فریدون محمودی از جان‌باختگان انقلاب زن، زندگی، آزادی، در شبکه اجتماعی نوشت: "ته دل خوشحال شدم و امیدوارم خیلی زود سرنگونی جمهوری اسلامی را هم همگی ببینیم" دایه‌شریفه‌مادر رامین حسین‌پناهی می‌گوید:

”خوشحالم جلاد دیگری کم شد، خوشحالم چون امروز هزاران مادر داغدیده مثل من خوشحال‌اند“

”جوانا طیمسی، همسر محسن مظلوم که بهمن‌ماه ۱۴۰۲ اعدام شد، نوشت: ”برای محسن، پژمان، وفا، محمد و همه اعدامی‌ها“.

در بسیاری از شهرها در ایران مردم با آتش‌بازی و رقص و پایکوبی شادی کردند و در بعضی از کشورهای دیگر هم در مقابل سفارت خانه‌ها یا مراکز شهرها رقص و پایکوبی را انداختند.

مرگ رئیسی به‌معنای بسته‌شدن پرونده جنایت‌هایش نیست و باید روزی در دادگاه مردمی، به جنایت‌های او نیز در کنار دیگر جنایت کاران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت رسیدگی شود.

مرگ رئیسی و تسلیت‌های بی‌شرمانه

محسن ابراهیمی

بعد از شنیدن خبر «فرود سخت» هلیکوپتر حامل رئیسی، تنها نگرانی مردم این بود که نکند رئیسی جان سالم بدر برده باشد. وقتی معلوم شد که او در «سقوط سخت» کشته شده است، مردم غرق شعف و شادی شدند. یک نشانه دیگر از عمق شکاف مردم و حکومت که فقط با نابودی حکومت اسلامی پر می‌شود.

چند کشور در دنیا و تاریخ سیاسی جهان می‌شناسید که در آن رئیس‌جمهور در یک سانحه هوایی کشته شود و کشور غرق شادی شود؟ ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد در این مورد هم

منحصربه‌فرد است. همان مردمی که با کشته‌شدن رئیسی رقص و پایکوبی راه می‌اندازند، با حکم اعدام خواننده محبوبشان طوفانی از خشم و نفرت و اعتراض بروز می‌دهند. شادی از کشته‌شدن رئیسی و نفرت از حکم اعدام توماج دوروی یک حقیقت هستند: حکومت اسلامی جایی در این جامعه ندارد و مردم در کمین نشسته‌اند تا روزی کارش را تمام کنند.

تسلیت بعضی از سران دول غرب مثل سوئیس و فرانسه و ایتالیا به مناسبت مرگ ابراهیم رئیسی سرشار از بی‌شرمی سیاسی است. اینها همان کشورهایی هستند که در اوج انقلاب زن زندگی آزادی، در پارلمان‌ها و محافل حکومتی‌شان به اشکال مختلف همبستگی با انقلاب مردم ایران

نشان داده می‌شد.

خطاب به هر مقام دولتی که با تسلیت به جمهوری اسلامی، با هر بهانه و ملاحظه به‌اصطلاح دیپلماتیک مرتکب رذالت سیاسی می‌شوند اعلام می‌کنیم که مردم ایران، خالقین انقلاب زن زندگی آزادی، هر گونه ابراز «همدردی» با حکومت اعدام و شکنجه آن‌هم دررابطه‌با به هلاکت رسیدن یکی از جانی‌ترین مقاماتش را نه فراموش خواهند کرد و نه خواهند بخشید. اعلام می‌کنیم که کوچک‌ترین موضع سیاسی مماشاتگرانه شما با حکومت اسلامی در قالب تسلیت به مردن یک جنایت‌کار علیه بشریت، در کارنامه سیاسی‌تان به‌عنوان همکاری و همدستی با یکی از خون‌ریزترین حکومت‌های تاریخ بشر ثبت خواهد شد.

رئیسی جلاد کشته شد!

حزب کمونیست کارگری ایران

بالاخره بعد از ۱۸ ساعت خبررسانی قطره چکانی، صبح امروز سخنگوی دولت رئیسی سقوط هلیکوپتر حامل او و امیر عبداللهیان وزیر امور خارجه، سید محمد آل هاشم امام‌جمعه تبریز، مالک رحمتی استاندار آذربایجان و سردار سید مهدی موسوی و سه خدمه هلی‌کوپتر را اعلام کرد.

خبر مرگ رئیسی با موجی از رقص و شادی در میان مردم همراه بود و شب گذشته جوانان در شهرهای مختلف به آتش‌بازی دست زدند و شادی کردند. در رسانه‌های اجتماعی نیز ابراز خوشحالی طنز و جوک فراگیر شد.

حکومت اسلامی، حکومت مرگ و اعدام است و تمام دست‌اندرکارانش دستشان به خون و جنایت آغشته است. اما عرصه موردعلاقه رئیسی در این حکومت به طور ویژه صدور احکام اعدام بود و تمام پست‌هایش مستقیماً به قتل و اعدام مربوط می‌شد. او در ۲۰ سالگی کار خود را به‌عنوان دادستان کرج شروع کرد و سپس به‌عنوان دادستان همدان، دادستان تهران، رئیس بازرسی کل کشور، معاون قوه قضائیه، دادستان کل کشور، دادستان دادگاه ویژه روحانیت، معاون قوه قضائیه و رئیس قوه قضائیه به کسب‌وکار اعدام ادامه داد. او یکی از سه عضو کمیته مرگ سال ۶۷ بود که هزاران نفر را که بسیاری فله‌ای در خیابان‌ها دستگیر شده بودند در عرض چند هفته به جوخه اعدام سپرد.

در دوره ریاست‌جمهوری رئیسی بیش از ۵۰۰ نفر از مردم معترض در انقلاب زن زندگی آزادی به قتل رسیدند و هزاران نفر مجروح و ده‌ها هزار نفر زندانی شدند. بیش از ۸۰۰ نفر از زندانیان نیز تنها در سال ۲۰۲۳ با اتهامات مختلف اعدام شدند.

رئیسی شاخص و سمبل کل حکومت اسلامی بود. او به‌عنوان "آیت‌الله قاتل" و "قصاب تهران" شناخته می‌شد، و مورد نفرت عمومی مردم بود، کانون رانت دادن و رانت‌خواری بود، شاخص بارز عقب‌ماندگی و وعده‌دادن و عمل‌نکردن بود و بسیاری از صفاتی را که کلیت این حکومت چپاولگر و جنایت‌کار را نمایندگی می‌کند یک جا در خود جمع کرده بود.

مرگ رئیسی در زمانی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی با بحران‌های عمیقی روبروست. فضا و گفتمان سرنگونی در ادامه انقلاب زن زندگی آزادی بسیار گسترده است. بحران و فلج اقتصادی صدای اعتراض بخش‌های مختلف کارگران و بازنشستگان و معلمان و مردم محروم را بلند کرده است. حجاب اسلامی این پرچم حکومت اسلامی توسط زنان دور انداخته شده است. در سطح بین‌المللی نیز حکومت در معرض بحران و کشاکش‌های تازه‌ای قرار دارد و مرگ رئیسی همه این بحران‌ها را تشدید می‌کند.

با مرگ رئیسی آرزوی محاکمه او در دادگاه‌های علنی مردمی بر باد می‌رود. اما دور نخواهد بود روزی که با سرنگونی حکومت اسلامی پرونده کل

جنایات او و همه جنایت‌کاران حکومت را جلو بکشیم و یاد همه عزیزانی که به دست او و دیگر شکنجه‌گران و قاتلان حکومت اسلامی به قتل رسیدند را گرامی بداریم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۳۷

۲۲ مه ۲۰۲۴ – ۲ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سوسن صابری

در این شماره ژورنال

مرگ رئیسی جلاد و کیفرخواست مردم

شهلا دانشفر

مرگ جلاد و ممنوعیت شادی مردم

سینا پدرام

کار، کار خودشان است؟!

شهاب بهرامی

مرگ رئیسی در غزه و انقلاب جاری در ایران

سیاوش آذری

مرگ رئیسی جلاد و کیفرخواست مردم

شهلا دانشفر

با مرگ رئیسی مردم شادی‌ها کردند، با تبریک به یکدیگر در خیابان‌ها شیرینی پخش کردند و بر فراز آسمان بساط آتش‌بازی راه انداختند. خانواده‌های دادخواه با رقص و شادی فریاد دادخواهی سر دادند. این دادخواهی فقط در کف خیابان نبود. بلکه بیانیه‌های منتشر شده از سوی نهادهای مختلف مردمی، تداوم اعتراضات بازنشستگان و سربلند کردن اعتراضات بیشتر در نفت، گوشه‌های برجسته دیگر این واکنش‌ها در تداوم بخشیدن به انقلاب علیه حکومت رئیسی‌ها است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در بیانیه "ابراهیم رئیسی از هیئت مرگ تا مسموم‌سازی دانش‌آموزان" ضمن اشاره به پرونده پر از جنایت رئیسی از جمله عضویتش در هیئت مرگ سال ۶۷ و اعدام هزاران زندانی سیاسی، از بحرانی‌ترین وضعیت آموزش‌وپرورش در دوره وی می‌نویسد: "مسمومیت‌سازی مدارس دختران، حمله نیروهای نظامی و امنیتی به مدارس، ضرب و شتم و کشته‌شدن بیش از ۸۰ دانش‌آموز و دو معلم، بازداشت و زندانی کردن کودکان دانش‌آموز از سیاه‌ترین لکه‌های آسمان وزارت آموزش‌وپرورش در دوران ریاست‌جمهوری رئیسی بود. همچنین برخوردهای امنیتی از جمله زندان، اخراج و بازنشستگی اجباری معلمان، روش استخدام معلمان تازه با جذب سه هزار طلبه، کمبود شدید معلم در هفته‌های نخستین

سال تحصیلی و نرسیدن کتاب‌های درسی برخی پایه‌ها تا یک‌ماهه‌اول،از دیگر نشانه‌های ناکارآمدی آموزش‌وپرورش در دولت سیزدهم می‌باشد.“ شورای هماهنگی در ادامه چنین کیفرخواستی با اعلام دوباره مخالفتش با سیاست‌های حاکم بر آموزش‌وپرورش و محکومیت کودک‌کشی در همراهی با سایر دادخواهان بر محاکمه آمران و عاملان قتل و کشتار مردم طی قیام‌ها تأکید می کند.

جمعی‌از زندانیان‌اعتصابی ”سه‌شنبه‌های‌نه‌به‌اعدام“ می‌نویسند: ”۱۸ ساعت در تلویزیون برای عامل قتل‌عام سال ۶۷ به عزاداری پرداختند. درعین‌حال محکومان به اعدام و خانواده‌های آنها را روزها و هفته‌ها با طناب اعدام بر گردنشان و عملاً هم بر گردن خانواده‌هایشان نگه می‌دارند تا جنایتشان را

تکمیل کرده باشند.“ و تأکیدشان بر لغو مجازات اعدام و پایان‌دادن به حکومت استبداد مذهبی حاکم است.

نهاد دادخواهان در بیانیه ”از هیئت مرگ تا سه‌شنبه‌های سیاه اعدام“ می‌نویسد: ”مرگ او به منزله بسته‌شدن پرونده جنایات وحشتناکی که در آن عاملیت داشته، نمی‌باشد. قطعاً پرونده او در دادگاه‌های مردمی تحت عنوان یکی از عاملین کشتار و جنایت و تجاوز، گشوده خواهد شد.“

بدین گونه امروز جامعه با خواست محاکمه تک‌تک سران حکومت در دادگاه‌های مردمی در قامت بلندتری دادخواه قربانیان جنایات رئیسی و کل رژیم است.

مرگ جلاد و ممنوعیت شادی مردم

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌ها، دادستان کل کشور، با انتشار بخشنامه‌ای کاربران رسانه‌های اجتماعی را تهدید به "برخورد سریع، مؤثر و بازدارنده" کرد. او به دادستان‌های سراسر کشور گفت باید با افرادی که با انتشار مطالبی درباره کشته‌شدن رئیسی اقدام به "توهین" یا "مخدوش ساختن امنیت روانی جامعه و تشویش اذهان عمومی" می کنند، به‌شدت برخورد کنند.

فکاهی قضیه این است که رژیمی که حتی نیروی کافی برای کنترل اعتراضات ریزودرشت و زنان

بی‌حجاب را ندارد، اکنون قمپز در می‌کند و ادعای کنترل شادی مردم در ابعاد میلیونی را دارد. این نمونه واضحی از "فرار روبه‌جلو" رژیم در مواجهه با حتی "اتفاقات" به نظر " طراحی" شده است. این بار نیز مانند همیشه "شادی" مردم به یک "خلاف حقوقی" تبدیل شده است و پای تمامی نهادهای سرکوبگر رژیم را به میان کشانده است.

فعالین حقوق بشر، بازماندگان و خانواده‌های زندانیان اعدام شده توسط ابراهیم رئیسی در دهه‌های مختلف هر کدام به سهم خود، از کشته‌شدن "آیت‌الله اعدام" ابراز خوشحالی کردند. مردم ایران بر گور جلاد می‌رقصند. هیچ‌چیزی عادلانه‌تر از واکنش مردم ایران نیست و امروزه هیچ‌چیزی جسورانه‌تر

از ابراز شادی فردی و جمعی نیست. با مرگ این نماد خشونت و جنایت در رژیم آیت‌الله‌ها، روزنه‌ای دیگر برای ابراز وجود اجتماعی شهروندان باز شد و درست به این اعتبار، رژیم بار دیگر خود را در مقابل خلاقیت‌های مردم دست‌بسته یافت.

ثبات سیاسی رژیم با هر حادثه‌ای زیر سؤال می‌رود و مشکل اساسی این است که رژیم اسلامی بدون "حادثه و حاشیه" نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. اختلافات داخلی رژیم آن‌چنان بالاست که حتی یک سانحه هوائی منجر به کشمکش در بین باقی جنایت‌کاران رژیم و فرصت برای ابراز وجود در بین مردم می‌شود.

اینکه "مرگ جلاد" دسیسه داخلی و حکومتی است یا "حادثه" هوائی غیرقابل‌پیش‌بینی، موضوع بحث بسیاری از تحلیل‌گران و فعالین قرار گرفته است، اما آنچه که در چند روز گذشته برجسته بود، نفرت مردم از رژیم و نمادهای آن و نهادینه‌شدن ابراز وجود اجتماعی مردم در هر اتفاق بالقوه در ایران است. انقلاب زن زندگی آزادی هنوز در عمق جامعه در حال نقب‌زدن است و دنبال فرصتی است برای اعتلا و ابراز وجود دیگر.

کار، کار خودشان است؟!

شهاب بهرامی

مهرداد بختیاری و صبا بختیاری، عمو و عمه پویا بختیاری، با انتشار پست‌های جداگانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی خبر دادند که بهروز قدیمی، مسئول فنی هلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی، پسر عمه آنها بوده است. آنها توضیح بیشتری نداده‌اند و نوشته‌اند: «یاد و نامش گرامی، روحش شاد».

یکی از کاربران صفحات مجازی از داخل نوشته «هر چقدر هم که خودتان را در شهرک‌های امنیتی و نظامی و با چندلایه حفاظتی - امنیتی پنهان کنید، اون نگهبان شهرک، آن محافظ، آن سرباز، نگهبان

دور پادگان، آن میوه‌فروش، آن نظافتچی، آن باغبان یکی از همین نفرات ملت است و به‌هرحال یک روزی آره...!»

در این دو سه روز گذشته با ابراز علنی خوشحالی، شادمانی و پایکوبی مردم به‌خاطر سانحه هلیکوپتر حامل رئیسی، انعکاس این شادمانی در مطبوعات خارجی نیز مکان ویژه‌ای یافت. نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» روز سه‌شنبه کاریکاتوری منتشر کرد. در این کاریکاتور زنی را نشان می‌دهد که گوشواره‌هایی به شکل بالگرد دارد و بر روی آن نوشته شده «ایران: بالگرد، زن زندگی آزادی»

اما جدای از این فضای شادمانی، بازار شایعات هم در مورد حذف و جنگ و دعوای داخلی، نقش

مجتبی خامنه‌ای، دست‌داشتن دولت اسرائیل، نقش رئیسی و عبداللهیان در نزدیکی به پوتین و روسیه و جدال داخلی بر سر نزدیکی با آمریکا و مذاکرات عمان و.. به‌شدت داغ شد.

رژیم مافیایی حاکم، طی چهل و پنج سال گذشته ده‌ها نفر از خودی‌ها و مهره درشت‌های نظامی و غیرنظامی خود را در جنگ و دعواهای داخلی بر سر تقسیم قدرت از صحنه سیاست حذف کرده و یا سربه‌نیست کرده است؛ بنابراین طبیعی است در چنین فضایی که هیچ‌گونه راست‌گویی و شفافیتی در هیچ زمینه‌ای جز دروغ و تحریف از طرف «نظام» وجود ندارد، بازار شایعات در میان مردم قوت بگیرد و خود عاملی به فشار بیشتر از طرف مردم شود. این جنگ روانی از همان روز حادثه

شروع شده و به نظر نمی‌رسد به این زودی‌ها یقه رژیم را رها کند. به‌احتمال زیاد در روزهای آینده شاهد روشن‌تر شدن ابعاد تاریک و پنهان شده این حادثه باشیم. اما آنچه روشن است اینکه سقوط هلیکوپتر برای چند صباحی شادی عمیقی را در میان مردم و مخصوصاً خانواده‌هایی که عزیزانشان توسط رئیسی و حکومت رئیسی‌ها گرفته شده‌اند دامن زد و بازار انواع طنزهای گزنده مردم علیه حکومتیان را داغ کرد.

مرگ رئیسی در غزه و انقلاب جاری در ایران

سیاوش آذری

بنا بر گزارشی منتشره در رسانه‌ها، مردم غزه به مرگ رئیسی با بی‌تفاوتی برخورد کرده‌اند. برخی افراد در پاسخ به سؤالات خبرنگار خبرگزاری فرانسه او را از عاملین تخریب و ویرانی غزه شمرده و گفته‌اند "او هرگز از ما حمایت نکرد، هرگز خواستار برقراری آتش‌بس نشد و هرگز در کنار ما نایستاد. او به‌هیچ‌وجه ارتباطی به ما ندارد."

جنبش راست چه در ایران و چه در جهان و بینش بستر اصلی حاکم در اتاق‌های فکر و دانشگاه‌های دولت‌های غربی و آکادمیسین‌ها گرایش شدیدی

به همسان‌پنداری حکومت‌ها و نیروهای حاکم بر یک کشور و ساکنین این کشورها و مناطق دارند.

علت اصلی این رویکرد نه فقر معرفتی بلکه منافع کاملاً زمینی و سیاسی دولت‌ها و جنبش‌های سیاسی است. برای دولت‌های غربی این همسان‌پنداری بهانه مماشات با این نیروهای سیاه تحت لوای "دیالوگ انتقادی" و در راستای ادامه بده‌بستان و تأمین منافع بیشتر بوده است. برای نیروهای سیاه و دولت‌های مرتجع حاکم در خاورمیانه و شمال آفریقا حکمِ وسیله استمرار حاکمیت با حمایت مشروط و یا نامشروط همین دولت‌های غربی و حقنه کردن خود بر اذهان عمومی غرب به‌عنوان نمایندگان مشروع مردم ساکن این کشورها و منطقه را داشته است. در دست فاشیست‌های در قدرت در

اسرائیل برای توجیه نسل‌کشی و جنایات جنگی علیه فلسطینیان مورداستفاده قرار گرفته و برای جنبش راست و نیروهای ناسیونالیست و بی‌ربط به جنبش مردم آزادی‌خواه و انقلابی در ایران بهانه کوبیدن بر طبل عرب‌ستیزی و افغان‌ستیزی در راستای منحرف‌کردن انقلاب و اجرای نقش در زدوبندهای پشت پرده و از بالای سر مردم و نجات رژیم سرمایه‌داری.

انقلاب زن زندگی آزادی با افشای هرچه بیشتر ماهیت رژیم در سطح جهانی در ضربه‌زدن به سیاست همسان‌پنداری حکومت‌ها و مردم، بسیار مؤثر بوده است. بی‌تفاوتی و واکنش منفی مردم غزه به مرگ رئیسی امتداد جشن و پایکوبی مردم

در ایران به دنبال کشته‌شدن این جلاد و رئیس هیئت مرگ است. سرنگونی رژیم اسلامی و پیروزی انقلاب جاری در ایران سوت پایان حاکمیت اسلام سیاسی در منطقه خواهد بود و سیاست مماشات دولت‌های غربی با نیروها و دولت‌های مرتجع و توجیهات "نظری" این سیاست را، همچون رئیسی سخت بر زمین خواهد کوبید.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۳۸

۲۳ مه ۲۰۲۴ – ۳ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

تبعات مرگ رئیسی

اصغر کریمی

سازمان عفو بین‌الملل و رسیدگی به جنایات رئیسی جلاد

حسن صالحی

ماشاءالله کرمی‌ها تنها نیستند

یاشار سهندی

شرط مهم حل مسئله فلسطین

محسن ابراهیمی

نوجوان پاکستانی با "قلب هندی"

کیوان جاوید

تبعات مرگ رئیسی

اصغر کریمی

تحلیلگران سیاسی تقریباً همه متفق‌القول هستند که رئیسی در تعیین سیاست‌های نظام نقشی نداشته و این خامنه‌ای است که سیاست‌های حکومت را تعیین می‌کند و نتیجتاً سیاستی تغییر نمی‌کند. این یک واقعیت است. رئیسی یک سیاست‌مدار نبود و دستورات را از خامنه‌ای و سپاه می‌گرفت. رئیسی اساساً یک پُست بود، نه بیشتر و با مرگ او نه سیاست‌های داخلی و نه بین‌المللی تغییری نخواهد کرد.

مرگ رئیسی و نحوه مرگ او، بی‌شک یک اتفاق

شوم برای کل حکومت بود. مرگ او علاوه بر اینکه فرصتی برای مردم بود که شادی کنند و علیه حکومت جنگ روانی راه بیندازند، مجموعه‌ای سؤال فنی و ابهامات امنیتی و خبررسانی‌های متناقض، را در میان ارگان‌های حکومت دامن زده و بلبشویی را در تصمیم‌گیری‌های حکومتی نشان می‌دهد. اما مهم‌تر این است که رئیسی تنها رئیس‌جمهوری بود که مورد غضب خامنه‌ای قرار نگرفته بود. او دربست مطیع خامنه‌ای بود. اراده‌ای از خود نداشت و همراه با رؤسای قوه قضاییه و مقننه حکومت، تصویر یکدستی از جناح حاکم می‌دادند. مرگ او درحالی‌که این هسته حکومت روزبه‌روز کوچک‌تر شده است، موجب دردسرهایی برای حکومت خواهد شد. رقابت‌ها و افشاگری‌ها بلافاصله شروع می‌شود و نهایتاً "انتخابات" بی‌رونقی در هفته‌های

آینده خواهند داشت و در مقابل مردم شکننده‌تر خواهند شد.

اما تحلیلگران در مورد قدرت خامنه‌ای اغراق می‌کنند. طوری صحبت می‌کنند که گویی خامنه‌ای بر مبنای یک استراتژی منسجم و درازمدت تصمیم می‌گیرد و حکومت تصمیمات او را اجرا می‌کند. مطلقاً این‌طور نیست. خامنه‌ای، در معیت سپاه، در حکومت موقعیت بلامنازعی دارد؛ اما سیاست‌های حکومت اساساً برای بقا است و از این ستون به آن ستون فرج است. برای چنین حکومت بحرانی و در حال افول هیچ بخش رهبری آن، و مشخصاً خامنه‌ای به‌عنوان منفورترین فرد حتی در میان خود حکومتیان، تصمیم مستقل و استراتژی باثباتی نمی‌تواند داشته باشد. ازیک‌طرف تحت فشارهای بین‌المللی مدام

مجبور به کرنش می‌شوند و از طرف دیگر تحت‌فشار جنبش سرنگونی مجبور به کوتاه‌آمدن می‌شوند. حکومتی که از نظر اقتصادی بحرانی است، تمام مقدساتش سکه یک پول شده، هر دو سال یکبار با خیزش توده‌ای مواجه میشود و ارکانش به لرزه می‌افتد و محور سیاست‌های اقتصادی و نظامی و سیاسی‌اش حفظ خود میباشد، دادن یک تصویر پرقدرت از رهبر آن ربطی با واقعیت ندارد. مرگ رئیسی حلقه یاران خامنه‌ای را باز هم کوچک‌تر و به این معنی موقعیت خامنه‌ای را ضعیف تر کرد.

سازمان عفو بین‌الملل و
رسیدگی به جنایات رئیسی جلاد

حسن صالحی

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای گفته است، مرگ ابراهیم رئیسی نباید مردم ایران را از حق عدالت، حقیقت و غرامت به‌خاطر جنایاتی که او در دهه ۶۰ مرتکب شده، محروم کند. جامعه بین‌الملل باید هم‌اکنون راهی برای پاسخگویی مسئولان جنایت بیابد.

سازمان عفو بین‌الملل به حقیقت مهمی اشاره دارد. مرگ قاتلان و جلادان، پرونده مملو از جنایات آنها را نمی‌بندد. پرونده ابراهیم رئیسی همچنان باز

است و باید به همه جنایاتی که وی مرتکب شده است، رسیدگی شود. درست است که رئیسی بدون محاکمه مرد؛ ولی هم آثار جنایات وی پابرجاست و هم حکومتی که او نماینده آن بود همچنان به اعمال جنایت کارانه‌اش ادامه می‌دهد.

رئیسی در طول حیاتش یکی از مهره‌های اصلی دستگاه قتاله جمهوری اسلامی یعنی قوه قضائیه بود. او به‌عنوان یکی از اعضای هیئت مرگ در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ نقش مستقیمی داشت و به این گذشته، بی‌شرمانه افتخار می‌کرد. رئیسی در دوره ریاست قوه قضائیه مسئول بیش از ۴۰۰ اعدام و از جمله تنی چند از فعالین سیاسی و معترضین نظیر نوید افکاری و روح‌الله زم بود. در

جریان انقلاب زن زندگی آزادی در زمان دولت او حداقل ۵۰۰ تن از معترضین این انقلاب کشته شدند و ده‌ها هزار نفر بازداشت و زندانی گردیدند. لیست این جنایات بلند و طولانی است. تاکنون هیچ کدام از سران جمهوری اسلامی به‌خاطر این جنایات نه جوابگو بوده‌اند و نه محاکمه شده‌اند.

با اینکه بسیاری از اعمال جنایت‌کارانه سران و دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی به درست جنایت علیه بشریت نام گرفته است؛ ولی در هیچ دادگاهی به این جرایم رسیدگی نشده است؛ بلکه برعکس برای آنها نوعی مصونیت قضایی وجود داشته که حتی آنها را از پاسخگویی معاف کرده است. درحالی که مردم ایران از مرگ این جانیان ابراز خوشحالی می‌کنند

متأسفانه دولت‌های ریاکار سرمایه‌داری مُرده آنها را با دعا و صلوات و ابراز تسلیت همراهی می‌کنند. شرم بر کسانی باد که سعی در شُستن این‌همه جنایات دارند و این حیاط‌خلوت کشت‌وکشتار را برای جمهوری اسلامی فراهم آورده‌اند.

اینجا نیز ما مردم هستیم که نباید بگذاریم جنایات آدمکشانی چون رئیسی با مرگ او به بوته فراموشی سپرده شود. این پرونده از نظر ما همچنان مفتوح است و همانطور که نهادهای مدنی در ایران بعد از مرگ رئیسی نشان دادند قصد دارند مجدانه آن را پیگیری کنند.

ماشاءالله کرمی‌ها تنها نیستند

یاشار سهندی

حکومت اسلامی کلیه اموال ماشاءالله کرمی، پدر جان‌باخته محمدمهدی کرمی را به جرم دادخواهی از فرزندش، اعم از خانه و ماشین و هرآنچه که این خانواده دادخواه دارند مصادره کرده، و این پدر داغدیده را به شش سال زندان محکوم شده است. پدری که به قول خودش فرزندش را «با پول دست‌فروشی» بزرگ کرده و حکومت او را به قتل رسانده. سوای دو اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به‌قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی»، ماشاءالله کرمی متهم به «تحصیل مال نامشروع و پول‌شویی» شده و دراین‌رابطه

هم محاکمه شده است! درحالی‌که انگلی مانند کاظم صدیقی با یک فقره «زمین‌خواری» هزار میلیاردتومانی مدعی هست با «آبروی مؤمن نباید بازی کرد! « راست‌راست راه می‌رود. این یک مورد از بی‌شمار ستمگری جمهوری اسلامی است، ستمگری در بی‌نهایت آن.

ماشاءالله کرمی، انسان گمنامی که در گوشه‌ای از ایران با دست‌فروشی روزگار می‌گذراند به‌واسطه قتل حکومتی پسرش به جمع بزرگ خانواده‌های دادخواه پیوست، و نشان داد بسیارانی مانند او که نامشان در هیچ جا مطرح نیست، چگونه می‌توانند نشان دهند قلب بزرگی دارند. او علاوه بر به دوش کشیدن داغ فرزند زحمت‌کش خود، یک دم از این غافل نشد که نام محمد حسینی، معترضی که

همراه با پسر جان‌باخته خود با طناب دار به قتل رسید، را بزرگ بدارد و دادخواه او هم باشد. او در اقدامی تحسین‌برانگیز از اقدامات وکیلی که سعی کرده بود محمد مهدی را نجات دهد تشکر کرد؛ آن وکیل اذعان کرد انتظار چنین عملی را نداشته است. در اقدامی دیگر بر سر مزار مهسا امینی حاضر شد و دست در دست پدر مهسا بر دادخواهی پافشاری کرد و با همه خانواده‌های دادخواه همدردی کرد.

جامعه رها شده از چنگ فقر و استبداد و دیکتاتوری، جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی را بزرگ می‌دارد و خانواده‌های این عزیزان را در آغوش می‌گیرد تا مرهمی باشد بر همه دردهای بی‌پایان آنها. همین امروز هم این نمادهای مبارزه برای

رهایی و آزادی نامشان باید بزرگ داشته شود. با بزرگ داشتن ایشان می‌توان به جامعه نشان داد ماشاءالله کرمی تنها نیست. ما که برای دنیایی نوین و زیبا و انسانی مبارزه می‌کنیم بی شماریم.

شرط مهم حل مسئله فلسطین

محسن ابراهیمی

موضع اخیر سه کشور اسپانیا، نروژ و جمهوری ایرلند که در اقدامی هماهنگ از تصمیم خود برای به‌رسمیت‌شناختن کشور فلسطین در ۲۸ ماه مه خبر داده‌اند، مسئله فلسطین و راه‌حل آن را بار دیگر به رأس موضع‌گیری‌ها و مناظره‌های حاد سیاسی رانده است.

همچنان که انتظار می‌رفت دولت نتانیاهو به این اتفاق با خشم واکنش نشان داد و دولت خودگردان فلسطین هم از آن به‌عنوان "یک‌لحظه تاریخی" استقبال کرد. واکنش حماس این وسط جالب‌توجه

است. عزت الرشق، از رهبران ارشد حماس از این اتفاق به‌عنوان یکی از دستاوردهای "طوفان الاقصی" استقبال کرد. حماس که در آرزوی راه‌انداختن حاکمیت اسلامی از "رودخانه تا دریا" یعنی به دریا ریختن مردم اسرائیلی آن منطقه جغرافیایی است، عملاً دارد می‌گوید در فرصت مناسب یک ۷ اکتبر تازه‌ای راه خواهد انداخت.

حکام اسلامی چه می‌گویند؟ آنها فعلاً مشغول جنازه چرخانی هستند و در رسانه‌هایشان در باره موضع حماس خبررسانی می‌کنند. حکومت اسلامی مدت‌هاست در باره مسئله فلسطین یکی به میخ یکی به نعل می‌زند. از یکطرف همچنان بر طبل توخالی نابودی اسرائیل می‌کوبد و از طرف دیگر نماینده دائمش در سازمان ملل اخیراً به

قطعنامه پیشنهادی اردن رأی مثبت داد که شامل به‌رسمیت‌شناسی راه‌حل دو کشوری است. این موضع پریشان ناشی از یک تناقض واقعی است که حکومت اسلامی در میان آن گیرکرده است. از یکطرف دست کشیدن از اسرائیل‌ستیزی به‌مثابه یک رکن ایدئولوژیک ممکن نیست. از طرف دیگر در داخل با چالش‌های سیاسی تکان‌دهنده و در منطقه و جهان با انزوای سیاسی مواجه است.

علی‌رغم به‌رسمیت‌شناسی دیپلماتیک تشکیل یک دولت فلسطین مستقل در کنار دولت اسرائیل توسط بیش از ۱۴۰ کشور، تا کنون راه‌حل دو کشور تحقق‌نیافته است. چرا؟ چون صرف به‌رسمیت‌شناختن راه‌حل دوکشوری کافی نیست. باید دست نیروها و دولت‌هایی را کوتاه

کرد که از تداوم مسئله فلسطین ارتزاق می‌کنند و حاضر نیستند مسئله فلسطین حل شود. دولت‌ها و نیروهایی که در دو سوی این مناقشه به سیاست‌های نژادپرستانه و فاشیستی همدیگر نیاز دارند. باید تکلیف را با دو دولت نژادپرست، فاشیست و مذهبی اسرائیل از یکطرف و جمهوری اسلامی و باندهای اسلامی وابسته‌اش از طرف مقابل تعیین تکلیف کرد.

نوجوان پاکستانی با «قلب هندی»

کیوان جاوید

عایشه رشید "کاردیومیوپاتی" مادرزادی دارد، وضعیتی که پمپاژ خون را برای قلب دشوار می کند. مادر عایشه می گوید: "پزشکان پاکستان گفتند برای درمان مناسب باید به هند یا کانادا برویم."

راه دشوار رسیدن به هند یکی دیگر از جدال‌های این دختر نوجوان برای زنده‌ماندن بود. زیرا دو دولت هند و پاکستان از زمان تقسیم شبه‌قاره هند در سال ۱۹۴۷ تا کنون دشمنان سرسخت یکدیگر بوده‌اند. کشمکش‌ها و اختلافات میان این دو کشور ریشه ناسیونالیستی و دینی دارد.

بااین‌حال تقاضای ویزای این خانواده برای سفر به هند مورد قبول واقع شد.

سرانجام پس از ۱۰ ماه انتظار قلب اهداکننده ۶۲ ساله‌ای از دهلی برای پیوند به عایشه آماده شد. مادر عایشه می‌گوید این لحظه‌ای از شادمانی و آسودگی ناب برای خانواده ما بود.

این خبر نه‌تنها یک موفقیت شادی‌بخش برای عایشه و خانواده او است که نشان می‌دهد انسانیت مرز نمی‌شناسد و دشمنی بین انسان‌ها زاده نظام‌های حاکم بر جهان است. ما مردم را با اختلافات دینی و قومی و ناسیونالیستی از هم جدا می‌کنند. از بدو تولد تفاوت‌ها و تنفر ملی و قومی و مذهبی را در گوش ما زمزمه و بیگانه‌هراسی را

در روح و روان ما نهادینه می کنند. از ما "نژاد برتر" و از آنها "نژاد پست"می‌سازند. با مغزشویی مداوم از ما وطن‌پرستانی می‌سازند که حاضر باشیم خون همسایگانمان را بر زمین بریزیم و به این افتخار کنیم که خون و نژاد و ژن ما با بقیه تفاوتی بنیادی دارد. هندی دشمن پاکستانی و پاکستانی دشمن هندی، فارس دشمن عرب و عرب دشمن آن یکی می‌شود.

اینها همه ابزار سودبری یک‌طبقه است. حاکمانی که برای غارتگری و استثمار انسان‌ها، تفرقه و جدایی و تنفر از انسان‌ها با چهره‌ها و زبان‌ها و اعتقادات دیگر را بی‌وقفه به‌سوی ما بمباران می کنند تا خود از همه نعمات زندگی بهره‌مند شوند.

خبر پیوند قلب عایشه نشان می‌دهد که انسانیت مرز ندارد. ما همه از یک نژاد هستیم، نژاد انسان. انسانیت تنها در ورای این نظام سودپرست و ضدانسانی متبلور می‌شود و جهان در یک همبستگی انسانی جهانی در هم‌زیستی کامل در کنار هم از زندگی نهایت لذت را می‌برد. به امید آن روز.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

زورنال

شماره ۷۳۹

۲۵ مه ۲۰۲۴ – ۵ خرداد۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

جمهوری اسلامی و زنده و مرده رئیسی

پاسخ به ۸ سؤال

بعد از مرگ رئیسی صدها سؤال مطرح شده و جامعه در مقیاسی بی‌سابقه به این مسئله مهم عکس‌العمل نشان داده است. توجه شما را به این گفت‌وگو جلب می‌کنم. مصاحبه‌شوندگان هر کدام به یک سؤال پاسخ داده‌اند. با تشکر از همه این دوستان. کیوان جاوید

سؤال: جایگاه رئیسی در ساختار قدرت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اصغر کریمی: رئیسی از زاویه جایگاهش در سلسله‌مراتب حکومتی از بالاترین مقامات حکومت بود؛ اما از نظر سیاسی مهره مهمی نبود. سیاستمدار دست چندم حکومت بود. کاراکتر

ویژه‌ای نداشت. از آنجاکه به‌شدت گوش‌به‌فرمان خامنه‌ای بود، رئیس‌جمهور شده بود. به او آیت‌الله قاتل، قصاب تهران و آیت‌الله اعدام می‌گفتند به این خاطر که عضو هیئت مرگ جمهوری اسلامی در سال ۶۷ بود و بعدتر نیز این شغل را در پست‌های مختلف و تا وقتی زنده بود ادامه داد. همین سوابق او را به ریاست‌جمهوری رساند. نه نقشی در سیاست‌گذاری‌های مهم حکومت داشت و نه مبتکر ایده‌های مشعشعی برای حکومت بود.

همه مقامات جمهوری اسلامی در میان مردم منفورند. رئیسی جزء منفورترین‌ها بود و هزاران شاکی خصوصی داشت یا بهتر است بگویم دارد. بد نیست به یکی دیگر از صفاتی که از طرف

بازنشستگان به او نسبت‌داده‌شده هم اشاره کنم: رئیسی بی‌عرضه برگرد برو به حوزه.

رئیس‌جمهور شدن رئیسی یک دلیل دیگر هم داشت و آن اینکه حلقه مغضوبین بسیار گسترده شده و حلقه اطرافیان وفادار خامنه‌ای به حداقل رسیده است. باید یکی را از لیستی محدود بیرون می‌کشیدند، قرعه به نام رئیسی افتاد. مرگ او درهرصورت ضایعه‌ای برای حکومت و شخص خامنه‌ای است.

سؤال: چه کسی می‌تواند جای خالی رئیسی را به‌عنوان یک نوکر حلقه بگوش خامنه‌ای پُر کند؟ آیا اصلاً ممکن است؟

شهلا دانشفر: تعیین جانشین برای رئیسی معضلی برای حکومت است؛ اما جنایتکار دیگری جای او منصوب خواهد شد. ولی به طور واقعی رئیسی جانشینی ندارد. این درجه حلقه‌به‌گوشی و سرافکندگی در مقابل خامنه‌ای را تقریباً نمی‌شود با فرد دیگری جبران کرد. یادمان باشد تمامی رئیس‌جمهورهای قبلی با خامنه‌ای سرشاخ شده بودند و به این دلیل پیداکردن فردی مثل رئیسی شاید بتوان گفت برای حکومت غیرممکن باشد. این را هم اضافه کنم که به گفته مردم رئیسی مُرد؛ اما پرونده وی، پرونده جنایات کل حکومت است و باز می‌ماند. مرگ رئیسی ادامه پایان عمر جلادانی چون او توسط مردمی است که انقلاب

را فریاد می‌زنند. این همان پیامی است که قبلاً نیز مردم و به‌ویژه بازنشستگان در اعتراضاتشان با فریاد "رئیسی بی‌عرضه برگرد برو تو حوزه"، "رئیسی دروغگو حاصل وعده‌هات کو"، "دولت شش کلاسه همین روزها خلاصه" رئیسی و کُل سرکوبگری‌های حکومت را به چالش کشیدند و با سخن‌گفتن از جامعه‌ای انسانی، شعار "زنده‌باد زندگی مرگ بر بردگی" سر دادند. در چنین شرایطی است که مرگ رئیسی به‌اتفاق سیاسی مهمی تبدیل شده و بر فضای اعتراضی جامعه تأثیر گذاشته است. با چنین فریادهایی مردم هم پاسخ محکمی به حکومت و سرکوبگری‌هایش دادند و هم به مماشات گری دول جهانی.

سؤال: رژیم روز ۸ تیر را روز انتخابات رئیس‌جمهوری تعیین کرده است. موقعیت رژیم در این انتخابات چگونه خواهد بود. از دعواهای درونی تا برخورد مردم به این مضحکه جدید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کاظم نیکخواه: رئیسی مهره‌ای کلیدی در حکومت اسلامی نبود. او یک جنایتکار تا مغز استخوان و مطیع خامنه‌ای بود. او از بیست‌سالگی دنبال پست‌هایی بود که بتواند هرچه بیشتر جنایت کند. از دادستانی تا رئیس و معاون قوه قضائیه تا کمیته مرگ سال ۶۷ و امثال اینها. به همین دلیل مرگ او بر فضای جامعه تأثیر تحول بخشی گذاشت و علاوه بر جشن و شادی،

کارنامه حکومت اعدام را جلو کشید. بخش‌های مختلف مردم جشن گرفتند و شادی کردند، نهادهای مردمی وسیعاً از او به‌عنوان جلاد و قاتل یاد کردند و کارنامه‌اش را پیش کشیدند و کل حکومت را زیر ضرب گرفتند و محکوم نمودند. این فضا در جنبش سرنگونی روح تازه‌ای دمید و فضای انقلاب را به نحو غیر قابل برگشتی تقویت نمود. فکر می‌کنم روزهای قبل و بعد از انتخاب جانشین رئیسی هم این گفتمان و این فضا یک گام جلوتر خواهد رفت. انتخاباتشان وسیعاً بایکوت خواهد شد، صندوق‌هایشان خالی خواهد ماند، روحیه نیروهایشان پایین‌تر خواهد رفت و شادی عمومی از مرگ رئیسی باز زنده خواهد شد و مردم به آنها تعرض خواهند کرد.

رئیسی مُرد؛ اما کارنامه رئیسی و دیگر جلادان حکومتی تا محاکمه دست‌اندرکاران خبیث این رژیم در دادگاه‌های مردمی باز خواهد ماند.

سؤال: موج شادی از مرگ رئیسی را چگونه ارزیابی می‌کنید. حس انتقام یا افسوس از اینکه نماند تا محاکمه شود؟

حسن صالحی: مردم خوشحال هستند چون می‌دانند با مُردن هر کدام از این جانیان هم ایران و هم جهان جای بهتری خواهد بود. بخصوص فردی چون رئیسی که دستش به خون هزاران‌هزار نفر آغشته بود. درعین‌حال مردم می‌دانند نبود مهره‌های مهمی چون رئیسی می‌تواند به بحران

و تشتت در میان‌بالایی‌ها دامن بزنند و از این نظر ضعف دشمن را می‌بینند و خوشحال می‌شوند.

در مورد حس انتقام که پرسیده‌اید ممکن است کسانی باشند که این احساس را داشته باشند؛ ولی تصور من این است که مردم ایران انتقام‌جو نیستند. می‌خواهند این رژیم سرنگون شود. دادخواه و دنبال آن هستند که همه سران و دست‌اندرکاران رژیم که در قتل و جنایت دست داشته‌اند محاکمه شوند و از تکرار این جنایات در آینده جلوگیری شود. با این وجود مردم از مرگ "قصاب تهران" خوشحالند چرا که می دانند سقوط کل حکومت جلادان است.

شماری هم البته افسوس می‌خورند که رئیسی چرا بدون محاکمه مُرد. ولی مُردن یک دژخیم پرونده مملو از جنایت آنرا نمی‌بندد. این پرونده از نظر ما باز است و باید به همه جنایات رئیسی رسیدگی شود.

سؤال: صدها جوک و لطیفه از اتفاقات واقعی و خیالی در مرگ رئیسی ساخته شده است. این موج تمسخر رژیم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سینا پدرام: لطیفه و جوک ساختن برای افراد و مقامات یک رژیم بخشی از مبارزه سیاسی مردم با این دولت‌ها و هیئت حاکمه است.

این حجم از تمسخر مرگ دیکتاتور و قصاب تهران رابطه مستقیم با انقلاب زن زندگی آزادی دارد. به قول جرج اورول هر جوکی مانند یک انقلابِ کوچک هست. انقلاب امری است جدی و فکاهی و طنز، بخش "جدی‌تر" آن است. طنز و فکاهی یعنی شکستن فضای رعب و وحشت. فکاهی و طنز سیاسی اسلحه‌ای قوی از سوی "پائینی‌ها" بر علیه "بالایی‌ها" است.

مرگ رئیسی بار دیگر فرجه‌ای بود تا نفرت مردم از رژیم با موجی از شادی و طنز در هم بیامیزد. از لحظه سقوط "هلیکتلت" رئیسی تا تصاویر "اتاق بحران" با چند نقشه کاغذی در مقابل فرمانده هان سپاه در عصر و دنیای دیجیتال، از

خبر "دخالت" خارجی‌ها تا توطئه "مجتبی" همگی منبع انبساط‌خاطر مردم شدند. در مقابل تمامی دستگاه تبلیغات رژیم یک‌تنه اعلام کرد که رژیم اسلامی مانند "ماهی تابه تفلون" است که هیچ یک از این اتهامات به آن نمی‌چسبد.

سؤال: چقدر امکان می‌دهید که قتل رئیسی برنامه زیری شده باشد؟ اگر برنامه‌ریزی‌شده بود چرا باید برای قتل یک مُهره گوش‌به‌فرمان خامنه‌ای دست به چنین کاری بزنند. دست پنهان چه کسانی می‌تواند در کار باشد؟

کیوان جاوید: قرائن زیادی وجود دارد و توجه‌ها را به این سمت جلب می‌کند که سقوط هلیکوپتر

رئیسی می‌تواند اقدامی داخلی باشد. این را نه‌تنها کارشناسان و کسانی که فاکتها را دنبال کردند، بلکه روزنامه‌های داخل که به باندهای مختلف درون حکومت هم مرتبط هستند مطرح می‌کنند.

اینکه چرا یک غلام حلقه بگوش خامنه‌ای که غیر از اطاعت از "رهبر" حرفی نمی‌توانست به زبان بیاورد باید به قتل برسد، باید گفت طبعاً ما داریم از حکومت باندهای تروریست و آدمکش که می‌خواهند سهم بیشتری از قدرت داشته باشند حرف می‌زنیم، کسانی که می‌خواهند به امکانات مادی بیشتری دسترسی داشته باشند.

این باندها از فرماندهان سپاه تا قالیباف‌ها و دیگر

مافیای جنایتکار در رأس قدرت حکومت اسلامی هستند. لیست این جانیان و باندها بسیار وسیع است که می‌توانند برای منافع مادی و سیاسی خود دست به هر قتل و کشتاری حتی در درون حکومت بزنند. کسی چه می‌داند شاید مجتبی خامنه‌ای احساس نگرانی کرده باشد و ترتیب قتل این پادوی متملق را داده باشد تا راه برای رهبر شدن خودش هموارتر شود. اما حتی اگر توطئه‌ای هم در کار نباشد وجود همین گفتمان عمومی نشان‌دهنده عدم اعتماد توده مردم به حکومت آدمکشی است که می‌تواند هر جنایتی را حتی در میان صفوف خودش مرتکب شود.

سؤال: با مرگ رئیسی دولت‌هایی در سطوح

مختلف نماینده به ایران فرستادند و یا تسلیت گفتند و سازمان ملل پرچمش را نیمه‌افراشته کرد، جایگاه این اقدام را چگونه ارزیابی می‌کنید و در برخورد به این دولت‌ها چه باید کرد؟

محسن ابراهیمی: تکلیف اردوغان اسلامی و شیخ‌هایی از حاشیه خلیج و باند تبهکاری مثل طالبان که با هیچ معیاری دولت نیست برای تسلیت گفتن به مناسبت هلاکت آیت‌الله اعدام معلوم است. آنها در واقع هراسشان از پس‌لرزه‌های انقلاب زن زندگی آزادی را بروز داده‌اند که شبحش آینده‌شان را تیره‌وتار می‌کند. تکلیف شناخته‌شده‌ترین تروریست‌های اسلامی مثل حماس و حزب‌الله و حشدالشعبی و حوثی‌ها هم

روشن است که عازم تهران شدند تا در پوشش تسلیت، سهم بیشتری از غارت مردم به دست رژیم اسلامی را به جیب بزنند.

اما تسلیت بعضی از سران دول غرب و مخصوصاً سازمان ملل برای پرچم نیمه‌افراشته با توجیه مضحک و دغل کارانه "عرف دیپلماتیک" برای هلاکت "آیت‌الله قاتل" که عفو بین‌الملل از او به‌عنوان مرتکب "جنایات علیه بشریت" نام‌برده است، یک لکه ننگ چرکین و خونین در کارنامه سیاسی آنهاست.

ما خالقان انقلاب زن زندگی آزادی، به آنها هشدار می‌دهیم که از دغلکاری و حسابگری‌های

کوته‌بینانه و مشمئزکننده تحت پوشش "عرف دیپلماتیک" که عملاً یک رذالت دیپلماتیک است دست بردارند. قبل از آنکه دیر شود از انقلابیون زن زندگی آزادی عذرخواهی کنند. پیش از برآمد موج بعدی انقلاب باشکوه زن زندگی آزادی، این لکه ننگ چرکین و خونین را از پیشانی خود پاک کنند.

سؤال: مرگ رئیسی در روند انقلاب زن زندگی آزادی چه تأثیری دارد؟

مصطفی صابر: جواب این سؤال را روشن‌تر از هرجا می‌توان در عکس‌العمل خامنه‌ای پیدا کرد. هنوز ساعاتی از خبر گم‌شدن هلی‌کوپتر حامل رئیسی

نگذشته بود که خامنه‌ای خود را ناگزیر دید تا به مردم اطمینان خاطر بدهد که هر اتفاقی برای رئیسی بیفتد هیچ تأثیری بر امور ندارد و همه چیز امن‌وامان است! خامنه‌ای حتی قبل از اینکه خبر مرگ رئیسی قطعی شود داشت به مردم هشدار می‌داد که یک‌وقت تصور نکنید حالا که رئیسی سقوط کرد کل نظام سقوط خواهد کرد.

انقلاب زن زندگی آزادی آنجاست. دارد به حیات خود و به تطور و تحول و تکامل خود در عمق جامعه ادامه می‌دهد. کسی درست نمی‌داند کی و چطور مجدداً سربلند کند. اما هر کسی می‌تواند حدس بزند که این بار مجرب‌تر و رادیکال‌تر و زیرورو کننده‌تر خواهد بود. مرگ رئیسی و

خوشحالی مردم از آن پیام حضور و تهدید انقلاب را هم به رژیم رساند و هم به دنیا. حالا احتمال تشدید کشمکش‌های درونی جمهوری اسلامی به دنبال سربه‌نیست شدن رئیسی، برگزاری حتی یک انتخابات باسمه‌ای، و یا هر عاملی که ذره‌ای باعث تضعیف جمهوری اسلامی شود و یا بتواند به‌عنوان بهانه‌ای برای حرکت جمعی توسط مردم استفاده شود، همه می‌تواند در جهت قدرت‌گیری انقلاب عمل کند.

شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۳

۲۵ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۰

۲۶ مه ۲۰۲۴ – ۶ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

اعتراضات روبه‌جلو کارگران

نسان نودینیان

خاوران میعادگاه دادخواهان و هراس رژیم

سیما بهاری

مراکز تروریستی رژیم اسلامی باید بسته شود

عطیه نیک‌نفس

حکم دادگاه کیفری لاهه علیه نتانیاهو و رهبران حماس!

محسن ابراهیمی

اعتراضات روبه‌جلو کارگران

نسان نودینیان

شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت و گاز ۲۹ اردیبهشت از اعتصاب کارگران پیمانی در کنگان خبر داد. از روز شنبه پنجم خرداد ۱۴۰۳ اعتراض کارگران در سه شرکت در فاز ۱۴ کنگان در پارس جنوبی شروع شده. در روزهای بعد کارگران در چند پروژه دیگر به اعتصاب پیوسته‌اند. علاوه بر ۱۲۰۰ کارگر شاغل در فاز ۱۴ سایت کنگان، کارگران داربست بند شرکت گسترش صنعت پادنا، برق و ابزار دقیق شرکت ستاره تاراز در سایت یک بوشهر، برق و ابزار دقیق شرکت جهانپارس مس سرچشمه، پتروشیمی دهلران در دشت عباس و رنگ و عایق

شرکت سازه پاد سایت یک بوشهر در اعتراض به عدم افزایش دستمزد و حقوق‌ها اعتصاب کرده‌اند. یک کارگر پیمانی در عسلویه گفت: ”برخی پیمانکاران افزایش ۳۵ درصدی حداقل دستمزد را نپذیرفته‌اند و افزایش مزد و مزایای شغلی را اعمال نکرده‌اند. مزد بسیاری از کارگران پروژه‌ای پارس جنوبی در سال جدید افزایش نیافته و پیمانکاران هنوز همان حقوق سابق را پرداخت می‌کنند و به هیچ‌کس پاسخگو هم نیستند؛ در واقع، حقوقی که در فروردین گرفتیم با حقوق سال قبل هیچ فرقی نداشت.“

اعتصابات دور اخیر کارگران پیمانی نفت در بخش‌های مختلف رودررویی آشکار کارگران با پیمانکاران حریص و تبهکار است که به شیوه‌های

مختلف برای افزایش دستمزدها علیه کارگران صف‌بندی کرده‌اند. کارگران اعلام کرده‌اند؛ "باتوجه‌به افزایش سرسام‌آور نرخ تورم مزد باید در تمامی رده‌های شغلی ۴۵ درصد افزایش یابد. اما پیمانکاران حریص و مفت‌خور حتی زیر بار افزایش ۳۵ درصد حقوق ابلاغی شورای‌عالی کار هم نرفته‌اند."

محور مشترک اعتراض‌های کارگری استثمار وحشیانه دولت و کارفرماها است؛ پایین‌بودن دستمزدها، کار سخت و طولانی، تأخیر در پرداخت دستمزدها، افزایش نرخ تورم و گرانی روزافزون، پایین آمدن قدرت خرید کارگران، بیکاری و اخراج، زندگی و معیشت میلیون‌ها کارگر را چنبره ناامنی مطلق قرار داده.

دور اخیر اعتصابات و اعتراضات مداوم کارگران پیمانی نفت، مقابله آنها به پاسخ و عملکرد ضد کارگری دولت و کارفرماها است. در چند سال گذشته دولت‌های تبهکار جمهوری اسلامی خصوصی‌سازی‌ها را افرایش داده، دست پیمانکاران و کارفرماها را برای افزایش فشار در محیط کار بر کارگران در جهت افزودن هر چه بیشتر بر دارایی پیمانکاران و کارفرماها که خود بخش‌هایی جدانشدنی از دوایر بیت رهبری، مجلس و سپاه پاسداران هستند، بازتر کرده است.

خاوران میعادگاه دادخواهان و هراس رژیم

سیما بهاری

گزارش‌ها از ایران حاکی از آن است که مأموران نیروی انتظامی، امنیتی و لباس‌شخصی جمهوری اسلامی روز جمعه چهارم خرداد، مانع ورود خانواده‌های زندانیان سیاسی اعدام شده در دهۀ ۶۰ به گورستان خاوران شدند.

خاوران چه جای ترسناکی برای رژیم جمهوری اسلامی است. می‌خواستند صافش کنند و جنایاتشان را با سیمان بپوشانند. بارهاوبارها سنگ‌های قبرها، حتی آنها که نام ونشانی ندارد را شکسته‌اند و ویران کرده‌اند. به خانواده‌هایی که عزیزی در آنجا

دارند یورش برده‌اند، دستگیر کرده‌اند، و حتی مانع عزاداری‌شان شده‌اند.

اما این سند جنایت ازبین‌رفتنی نیست. با تلاش بازماندگان و جنبش دادخواهان، این گورستان به‌عنوان مکانی محترم، در قلب همهٔ بازماندگان، همهٔ آزادی‌خواهان و همهٔ آحاد جامعه حک شده است.

این روزها که حکومت یکی از مهره‌های آدمکش خود را ازدست‌داده و مشغول نمایش عزاداری هستند، و از طرفی شادی خانواده‌های دادخواه را از مرگ رئیسی جنایت‌کار می‌بینند، بسیار جری‌تر و عصبانی‌تر هستند. مداح وقیحشان نوحه‌سرایی

می‌کند و به حکومتی‌ها وعدهٔ ادامهٔ راه رئیسی، قاتلِ شناخته شده را می‌دهد.

خودشان هم می‌دانند که جامعه به عقب بر نمی‌گردد. روزهایی که می‌کشتند و با کامیون جنازه جابه‌جا می‌کردند دیگر گذشته است. مردم، همان خانواده‌های دادخواه، همان زنان و دختران شجاع، همان مردمانی که رژیم را طی انقلاب زن زندگی آزادی، به ستوه آورده‌اند دیگر به عقب باز نمی‌گردند. اگر اوباش رژیم مانع حضور خانواده‌ها در خاوران می‌شوند از ترس تجمع خانواده‌هاست. می‌دانند که خاوران میعادگاه دادخواهان پابرجا است.

رئیسی مُرد پیش از آنکه در دادگاهی عادلانه محاکمه شود. پیش از آنکه در مقابل دوربین‌ها و در مقابل چشمان مردم جهان به کشتارهایش و به جنایاتش و به ساختن خاوران‌ها اقرار کند. سمبل مرگ مُرد. اما در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی پروندهٔ رئیسی باز خواهد شد، چرا که پروندهٔ رئیسی پروندهٔ همهٔ سران حکومت است. در مقابل عموم مردم به جنایاتشان اعتراف خواهند کرد. آن‌وقت جهان به‌خاطر چند دهه کشتار عاشق‌ترین و شریف‌ترین انسان‌ها اشک خواهد ریخت و قهرمانی‌های خانواده‌های دادخواه را ارج خواهد نهاد. تا آن روز شیرین پیروزی خانواده‌های جان‌باختگان خاوران را در مبارزه‌شان یاری‌رسانیم و با آنها باشیم.

مراکز تروریستی رژیم اسلامی باید بسته شود

عطیه نیک‌نفس

روز شنبه ۲۵ مه ۲۰۲۴، تصاویری از «حمله» طرف‌داران جمهوری اسلامی به معترضان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، پلیس لندن روز جمعه اعلام کرد که در این درگیری چهار نفر مجروح شدند و یک نفر نیز بازداشت شده است. گزارش‌ها حاکی است که این درگیری در جریان مراسم یادبود برای کشته‌شدن ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم، و همراهانش روز جمعه در شمال غربی لندن، روی داد.

رژیم فساد، جنایت و تروریسم اسلامی برای در

قدرت ماندن، علاوه بر جنایاتی که در ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه انجام می‌دهد، مراکزی را در تمام دنیا به نام «مراکز اسلامی» و یا «مساجد» دارد که در این اماکن علاوه بر تظاهر به «عبادت» اعمالی دیگر با اهدافی پلید نیز صورت می‌پذیرد.

این مراکز با هدف بسط و گسترش اعمال تروریستی این رژیم، سازماندهی نیروهای اوباش اسلامی، ترویج حجاب، کودک‌همسری، شناسایی فعالین سیاسی مخالف جمهوری اسلامی و سازماندهی ترور آنها، برگزاری مراسم‌های مذهبی و مراسم‌های یادبود جانیان و قاتلان به هلاکت رسیده اسلامی است.

سال‌هاست که اپوزیسیون و به طور مشخص

حزب کمونیست کارگری ایران، تلاشی مستمر و پیگیر برای بسته‌شدن این لانه‌های جاسوسی انجام می‌دهد و بارها گفته‌ایم این مراکز ناامنی و خطر تروریسم اسلامی را هر روز در جامعه بیشتر می‌کنند.

حالا با به هلاکت رسیدن ابراهیم رئیسی این جنایت‌کار بی‌بدیل، قاتل تمامی این ۴۵ سال و عضو هیئت مرگ دهه ۶۰، اراذل‌واوباش رژیم اسلامی مستأصل و در سراشیبی سقوط کـه می‌خواهند با سوگواری برای رئیسی از اعمال جنایت‌کارانه او سفیدنمایی کنند حتی در مقابل پلیس لندن هم نمی‌توانند توحش اسلامی‌شان را کنترل کنند و به معترضان حمله و آنها را مصدوم می‌کنند.

اپوزیسیون و فعالین سیاسی که برای سرنگونی رژیم اسلامی مبارزه می‌کنند باید هرچه وسیع‌تر و متشکل‌تر برای بسته‌شدن نه فقط مراکز اسلامی بلکه سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های این رژیم که مراکز پرورش تروریسم اسلامی هستند، اقدام کنند. دیگر بر کسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، بلکه قاتل آنهاست و دولت‌های جهان نباید به‌عنوان یک دولت عادی با آن در ارتباط باشند. بایکوت این رژیم را باید با جدیت تمام پیش برد و دولت‌ها را. به این منظور تحت‌فشار بیشتر قرارداد.

حکم دادگاه کیفری لاهه علیه نتانیاهو و رهبران حماس!

محسن ابراهیمی

کریم‌خان، دادستان ارشد دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه (ICC)، طی بیانیه‌ای خواستار صدور حکم بازداشت نتانیاهو، نخست‌وزیر و یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل و همچنین سه رهبر حماس، اسماعیل هنیه، یحیی سنوار و محمد الضیف شد. کریم‌خان می‌گوید که همه این افراد مسئول جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در نوار غزه و اسرائیل هستند. روز ۲۴ مه نیز این دیوان به اسرائیل دستور داد تا عملیات در رفح را متوقف کند.

در بیانیه کریم‌خان هم در مورد رهبران جنایت کار دولت نتانیاهو صریحاً به مواردی از جمله "تأثیرات استفاده‌از گرسنگی به‌عنوان یک روش جنگی، همراه با سایر حملات و مجازات‌های دسته‌جمعی علیه مردم غیرنظامی غزه، تحمیل سوءتغذیه، تحمیل تشنگی، رنج عمیق و شمار فزاینده مرگ‌ومیر در میان جمعیت فلسطینی، از جمله نوزادان، کودکان و زنان" و همچنین در مورد جنایات رهبران حماس به "قتل، گروگان‌گیری، تجاوز جنسی و شکنجه" به‌عنوان جنایت علیه بشریت اشاره شده است.

این اتفاق بسیار خوشحال‌کننده و امیدبخش برای میلیون‌ها انسان ستمدیده در باریکه غزه، ساحل غربی و اسرائیل است. روشن است تا زمانی که این بیانیه به تصمیم دادگاه تبدیل شود و این

جنایت کاران در خطر دستگیری قرار گیرند هنوز فاصله داریم. اما نتانیاهو و رهبران حماس "حق" دارند از این بیانیه به‌شدت خشمگین شوند، چون بیانیه دادستان ارشد دارد مسیر محاکمه جنایت کاران جنگی، نژادپرستان فاشیست مذهبی در هر دو طرف مناقشه تاریخی فلسطین را هموار می کند.

این هم جالب و البته قابل‌انتظار است که رسانه‌های حکومتی جمهوری اسلامی به نحو مضحکی اعلام‌جرم علیه نتانیاهو و گالانت را برجسته می کنند و اعلام‌جرم علیه رهبران حماس را درز می گیرند. می‌دانند که چنین بیانیه‌ای مسیر اعلام‌جرم علیه خود سران حکومت اسلامی را هموار می کند.

بیانیه دادستان ارشد دادگاه کیفری لاهه از دو نظر برای ما مردم ایران یک اتفاق بسیار مهم انسانی و سیاسی است. اولاً، آغازی بسیار مهم برای افسار زدن به جانیان دست راستی حاکم در اسرائیل در یکی از دهشتناک‌ترین جنایت‌ها علیه زنان و مردان و کودکان و میلیون‌ها فلسطینی محروم و تحت ستم است. ثانیاً، این بیانیه راه را برای بیانیه‌ها و اقدامات مشابه علیه نه‌تنها رهبران حماس، بلکه رهبران جنایت‌کار حکومت اسلامی که یک بازیگر اصلی در جنگ ضدبشری حماس و دولت اسرائیل علیه شهروندان منطقه هستند هموار می‌کند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۱

۲۷ مه ۲۰۲۴ – ۷ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

اعتراف مجتبی ذوالنوری و نزدیکی انقلاب
کیوان جاوید

ویژگی‌های کاندیداهای ریاست‌جمهوری
منظر دریاکناری

گلایه رئیسی، پاسخ امام علی و پاسخ مردم
سیاوش آذری

فاشیسم و کاریکاتورش در انگلیس!
مصطفی صابر

اعتراف مجتبی ذوالنوری و نزدیکی انقلاب

کیوان جاوید

مجتبی ذوالنوری، نایب رئیس دوم مجلس یازدهم شورای اسلامی و از نامزدهای ریاست دوازدهمین دوره مجلس، با اذعان به تضعیف جایگاه قوه مقننه در جمهوری اسلامی گفت: "اگر مجلس یک سال تعطیل شود هیچ‌کسی ککش هم نمی‌گزد."

نه‌تنها مجلس اسلامی که تمام پیچ و مهره‌های این حکومتِ زنگارگرفته دارد از هم می‌گسلد. آن از شورای نگهبانش که همه اعضای ذی‌نفوذ را با برانکارد و دستگاه اکسیژن روی صندلی می‌نشانند و یک تیم مجهز پزشکی مجرب بالای

سرشان هست تا سقط نشوند و بتوانند بعد از مرگِ رهبر، آقا مجتبی را بر تخت بنشانند. این هم از مقام ریاست‌جمهوری‌اش که جانش در کوه‌های زیبای آذربایجان، گرفته شد.

در میان صفوف حکومت اسلامی به‌حکم بحران‌های عدیده و لاعلاج "سگ دیگر صاحبش را نمی‌شناسد". هر گروه و دسته‌ای برای اینکه بتواند از خان یغما بیشتر نصیب ببرد و بدزد و بخورد و تاراج کند، در حال دسیسه‌چینی علیه باندهای رقیب است. همه باندهای مافیایی در درون حکومت می‌دانند که وقت زیادی برای پُر کردن بیشتر حساب‌های بانکی داخلی و بین‌المللی خود ندارند. خیال می‌کنند که می‌توانند بعد از

سرنگونی در گوشه دنجی از جهان با تغییر قیافه و عوض‌کردن اسم باقی عمر را به‌خوبی سپری کنند. خیال می‌کنند.

در آن سو مردمی را در اوج فقر و گرفتار در دست حکومتی فاسد و در اسارت بیکاری ده‌ها میلیونی و فاقد امکانات درمانی و رفاهی و خشمگین از این‌همه جنایت سازمان‌یافته، مشاهده می‌کنیم.

کلید اما همین‌جا است که در قفل در می‌چرخد. مردم دشمن خود را می‌شناسند. اسلام و ارتجاع دینی‌اش را با همه وجود خود حس کرده‌اند، ستم مذهبی و جنایت سازمان‌یافته دولتی علیه زنان را روزانه در برابر چشمان خود مشاهده می‌کنند

و با همه وجود علیه آن به‌پاخاسته‌اند. این جامعه مملو از اعتراض و اعتصاب و تجمع برای احقاق حقوق بربادرفته‌اش است. با این درجه از تنفر از یک حکومت و بااین‌همه روشن‌بینی برای آنچه که مردم برای امروز و آینده خود می‌خواهند، رژیم اسلامی قدرت مقابله با این مردم را ندارد. باید بگذارد و گورش را گم کند. انقلاب گردابی است که رژیم را به کام خود می‌کشد. برای آن روز هر روز آماده‌تر می‌شویم.

ویژگی‌های کاندیداهای ریاست‌جمهوری

منظر دریاکناری

وزارت کشور جمهوری اسلامی می‌گوید: "کسانی که سوابق سوء امنیتی در فتنه ۸۸ دارند، نمی‌توانند نامزد ریاست‌جمهوری شوند."

پذیرش یک شرط دیگر هم با شناختی که از حکومت ترور و قاتلین زنجیره‌ای جمهوری اسلامی داریم - حالا نه علنی که پشت‌صحنه - احتمالاً در برابر کاندیدهای ریاست‌جمهوری گذاشته می‌شود: اینکه امضا بدهند بعد از انتخاب اگر کشته شدند، ادعا نشود که توسط آقا مجتبی یا باندهای وابسته به این یا آن جریان در درون

یا بیرون سپاه یا بیت رهبری به قتل رسیده‌اند. باید امضا بگذارند و شاکی شوند که به‌خاطر تحریم آمریکا، هلیکوپتر یا هواپیمایشان با کمبود وسایل یدکی روبرو بوده و به این دلیل راه خانه را گم‌کرده است.

یک شرط دیگرش شاید تعهد گرفتن از خانواده این شهدای مرتبط با امام اول شیعیان، آقا امام‌زمان و... باشد که بعداً مثل مادر آیت‌الله رئیسی مدعی نشود: اگر پسر عزیزش ابراهیم جان به دست کسانی به قتل رسیده است، خدا انشا الله از آنها نگذرد.

این کاندیداها باید شروط دیگری را هم در

”پیشگاه ملت مؤمن و مسلمان“ امضا کنند و با صدای خودشان در برابر دوربین بازجو خبرنگاران بیت رهبری اعلام کنند که انگشتر سوخته - نظیر همانی که از بقایای جسد سوخته قاسم سلیمانی یا جسد ابراهیم رئیسی - باقی‌مانده است باید تقدیم رهبری بشود.

در دو دور قبل اسم محمود احمدی‌نژاد و علی لاریجانی توسط شورای نگهبان، این پاسدار ولایت و کرامت و امامت علی خامنه‌ای خط‌خورده است. حالا اما؛ تا این لحظه فقط یک شرط اعلام شده است: سوابق سوء امنیتی در فتنه ۸۸ نداشته باشند. یعنی تا حالا هنوز راضی به این نشده‌اند که برادر خاتمی در یک بمب‌گذاری به لقا الله بپیوندد.

لیاقت خاتمی نیز در صورت پُر روشدن همچون "حجت‌الاسلام" رفسنجانی همانا غرق‌شدن در یکی از استخرهای مجلل رؤسای جمهور سابق است. در این مورد خاص البته حجت‌الاسلام خاتمی نباید انتظار داشته باشد توسط رهبر برای ایشان هم نماز میت خوانده شود.

حالا با این اوصاف چه کسی کاندید نوشیدن شربت شهادت می‌شود، دیگر بستگی به این دارد که چقدر دنبال‌کردن راه انبیا و رسیدن به فیض الهی شهادت را از دل‌وجان پذیرفته باشند. شاید قرعه شهادت به نام سعید جلیلی بیفتند. این گوی و این میدان.

گلایه رئیسی، پاسخ امام علی و پاسخ مردم

سیاوش آذری

در یک ویدیو کلیپ احمد مروری، "تولیت استان قدس رضوی" داستانی تعریف می کند که گویا رئیسی در هنگام زیارت مقبره علی، امام اول شیعیان، در هنگام نماز با او صحبت کرده است. اینکه جفنگ گویی و اراجیف بافی آخوندها از میتومانیا (درغگویی بیمارگونه) ناشی میشود یا از شارلاتانیزم و یا استفاده از مواد روانگردانِ ویژه موردی است که نیاز به پژوهشهای پزشکی، روانشناختی و جامعه شناختی دارد. اما مسلما پیروی این مومنین و مقربین درگاه الهی از سیرت

و سنت رسول دقلکارشان نیز در این میان نقش بسزایی بازی میکند چرا که محمد نیز مدعی گفتگو با جبرئیل، پرواز به عرش بر پشت خر بالدار و دو شقه کردن ماه و چسباندن مجدد این دو قطعه به هم شده بود.

با اینهمه پرداختن به این اراجیف خالی از لطف نیست. بنا بر ادعای احمد مروری، علی بعد از گلایه رئیسی مبنی بر اینکه "شما که به ما پاسخ نمیدهید" و در هنگام نماز بر پشت او زده و میگوید "شما اگر برای خدا کار کنید ما هم پشتیبانی می کنیم". رئیسی در واکنش به پشت خود نگاه می کند و کسی را نمیبیند. آخوند احمد مروری در ادامه می گوید که حضرت به

این خاطر با چنین تعجیلی به رئیسی پاسخ می دهد که او برای خدا کار کرده است. گذشته از اینکه نماز رئیسی باطل است (و احتمالا خدا برای تنبیه او ناهار نخورده جانش را گرفت) حقیقتی در این داستان نهفته است: این جانیان با نام خدا بساط زندان و شکنجه و اعدام راه انداختند؛ برای خدا قتل عام شهریور ۶۷ را ترتیب دادند، آپارتاید جنسیتی راه انداختند؛ در این راه حقوق کارگران و مزدبگیران را بالا کشیده بساط اختلاس، رشوه، پولشویی و اقتصاد دزدسالار و مافیایی برپا کردند؛ در یک کلام برای برپایی حکومت خدا بر روی زمین و ساختن جهنمی بنام جمهوری اسلامی زدند، کشتند، تجاوز کردند، چاپیدند و بردند و خوردند.

زنان و مردم آزاده و بپاخاسته در ایران اما پاسخ واقعی این مفلوکین که علاج مالیخولیای آنان نیز هست را بخوبی میدانند: مقابله رو در رو با رژیم، به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی و به خاک مالیدن پشت و پوزه این جانیان و خدایشان.

فاشیسم و کاریکاتورش در انگلیس!

مصطفی صابر

بدنبال فراخوان به برگزاری انتخابات زودتر از موعد توسط نخست وزیر انگلیس، ایشان احیای خدمت وظیفه اجباری را بعنوان وعده انتخاباتی خود اعلام کرده است. بدین معنی که هر جوان ۱۸ ساله، یا باید مدت یک سال کامل در نیروهای مسلح خدمت کند و یا هر ماه، در دو روز آخر هفته، برای کار اجتماعی در نهادهایی مثل آتش‌نشانی، پلیس و یا بهداشت و درمان ملی بریتانیا داوطلب شود. ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا گفته که این برنامه برای جوانان هدفی مشترک ایجاد خواهد کرد و باعث ایجاد حس افتخار در بریتانیا

خواهد شد!

آیا بوی فاشیسم از این عبارات به مشام نمی رسد؟

اگر سایر توجیهات حزب محافظه کار در دفاع از خدمت اجباری نظامی را بشنوید، این بو حتی آزار دهنده تر هم میشود: "روح ملی" را تقویت میکند. به جوانان کمک میکند از "بیکاری و جرم و جنایت" دور شوند. و نظایر اینها.

اما این وعده انتخاباتی بیشتر باعث شوک و تمسخر در بریتانیا شده است. مخالفت ها و تعجب ها بیشتر از سوی طرفداران تقویت ارتش

در انگلیس می آید. آنها میگویند چند ده هزار جوان ۱۸ ساله داوطلب جز دردسر فایده ای برای ارتش ندارند. برخی آنرا خودکشی سیاسی و تلاش از سر استیصال حزب محافظه کار برای پیروزی در انتخابات چهارم ژوئیه دانسته اند. نظر سنجی ها حاکی از فاصله زیاد حزب محافظه کار در پس رقیب اش حزب کارگر است. ظاهرا بدنه سنتی حزب محافظه کار به ایده احیای نظام وظیفه اجباری علاقه مند است و حالا آقای ریشی سوناک میکوشد مگر آنها را برای انتخابات آینده به حرکت درآورد!

برگشت به ایده نظام وظیفه اجباری که بیش از ۶۰ سال است ملغی شده است، میتواند کلک

انتخاباتی مسخره آقای سوناک باشد و با موقعیتی که حزب محافظه کار در انگلیس دارد بیشتر شبیه کاریکاتوری از فاشیسم است. اما فاشیسم حتی کاریکاتورش هم خطرناک است!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۲

۲۸ مه ۲۰۲۴ – ۸ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

قاتل رفت، دزد آمد

محسن ابراهیمی

پیرامون حضور رسول‌اف در جشنواره کن

سینا پدرام

سازمان ملل و رئیسی قاتل

کیوان جاوید

سپاه در فهرست تروریسم

منظر دریاکناری

قاتل رفت، دزد آمد

محسن ابراهیمی

محمد مخبر، کفیل رئیس‌جمهور معدوم حکومت اسلامی، در اولین اظهاراتش، از اقدام دولت رئیسی در حمله موشکی به اسرائیل، پرتاب موشک به خاک پاکستان و اقلیم کردستان عراق تمجید کرد. او گفت در نتیجه این حملات، هیچ تغییری در وضعیت اقتصادی کشور به وجود نیامد: "سه کشور زده شده. اسرائیل یا رژیم اشغالگر قدس را می‌زنیم. قیمت ارز همان است. تورم همان است. نقدینگی همان است. بازارمان پُر از مایحتاج مردم است."

محمد مخبر کسی است که نامش با فسادها، دزدی‌ها

و رانت‌های کلان حکومتی گره‌خورده است. او جنایت‌کاری است که در جریان همه‌گیری کرونا با وعده تولید واکسن، مسئول مرگ هزاران شهروند است. وقتی کرونا بیداد می‌کرد و خامنه‌ای واردات واکسن‌های معتبر را ممنوع کرد، محمد مخبر ادعا کرد با تولید واکسن توسط بنیاد برکت، به‌زودی جمهوری اسلامی به یکی از قطب‌های تولید واکسن تبدیل می‌شود.

کفیل دزد آیت‌الله قاتل راست می‌گوید! "تغییری در اقتصاد کشور به وجود نیامد"! در وضعیت اقتصادی سپاه، بسیج، آیت‌الله‌ها، امام‌جمعه‌ها، خیل وسیعی از لایه‌های بالایی که کل نظام سرکوب و چپاول را می‌چرخانند تغییری به وجود نیامده است. درآمد حزب‌الله و حماس و حوثی‌ها و حشدالشعبی هم سر

جایش است.

در اقتصادِ میلیون‌ها مردم محروم چطور؟ اقتصاد میلیون‌ها بیمار که مجبورند از ابتدایی‌ترین نیازهایشان بزنند تا داروهای حیاتی موردنیازشان را در بازار قاچاق تهیه کنند؟ اقتصاد خانواده‌هایی که کودکانشان به‌خاطر فقر خانواده از مدرسه و بازی و شادی محروم می‌شوند، به کودکان کار تبدیل می‌شوند، به صف سوختبران و کولبران می پیوند؟ اقتصاد بازنشستگانی که برای رهایی از زندگی زیر خطر فقر ناگزیرند در سرما و گرما مبارزه کنند؟ اقتصاد معلولینی که اکثراً قربانیان ماجراجویی‌های جنگی نظام اسلامی هستند و مجبورند گاهی تا پنج سال برای گرفتن ویلچر در صف بمانند؟

کفیل دزد آیت‌الله قاتل وقتی از کشور و اقتصادش حرف می‌زند منظورش جمهوری اسلامی و اشغالگران اسلامی و حماس و حزب‌الله و حوثی‌ها و باندهای اسلامی در عراق و سوریه هستند، نه مردمی که انقلاب فراموش‌نشدنی زن زندگی آزادی را راه انداختند تا این نظام را در هم بکوبند.

بی‌دلیل نیست که در شبکه‌های اجتماعی، معدوم شدن رئیسی، عضو هیئت مرگ تابستان ۶۷ و کفالت مخبر که در اکثر نهادهای مافیایی مسئولیت دارد را با کنایه‌ای گزنده استقبال کردند: "قاتل رفت. دزد آمد".

پیرامون حضور رسول‌اف در جشنواره کن

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌های مختلف، رسول‌اف کارگردان ایرانی هنگام دریافت جایزه ویژه هیئت داوران هفتاد و هفتمین دوره جشنواره فیلم کن، قبل از هر چیز از همکارانش که در ایران هستند و تحت‌فشار "رژیم ستمگر" قرار دارند یادکرد. رسول‌اف در ارتباط با وضعیت ایران گفت: "مردم ایران به گروگان گرفته شده‌اند". وی همچنین از شجاعت بازیگران زن فیلم و تمامی زنان ایرانی که به مقاومت مشغول‌اند، قدردانی کرد. رسول‌اف از وضعیت توماج صالحی و محکومیتش به اعدام نیز سخن گفت و از مخاطبانش خواست "اجازه ندهند

که رژیم جمهوری اسلامی با مردم چنین رفتار کند".

رسول‌اف، فیلمش "دانه انجیر معابد"، بازیگران و گروه همکاران وی شایسته تقدیرند و باید مورد تحسین همگان قرار بگیرند. این کمترین کاری است که می‌توان در حق این هنرمندان شجاع انجام داد. فیلمی که شاید به درست "سرسپردگی" قضات و قوه قضائیه در برابر خامنه‌ای و سران رژیم را زیر ذره‌بین می‌برد و به یک مفهوم سرسپردگی کل سیستم قضاوت را نشان می‌دهد.

قوه قضاییه در ایران بخش بزرگی از دم‌ودستگاه سرکوب است. ارگان سرکوب و اشاعه رعب و وحشت است. تمامی اجزای قوانین اسلامی و شرعی

جاری در دستگاه قضایی برای سرکوب و به تمکین کشاندن شهروندان طراحی شده است. "عدالت قضایی" رژیم اسلامی مظهر "بی حقوقی" شهروندان است.

هنر و هنرمندان در ایران تا آنجا که حتی کوچک‌ترین موضوع اجتماعی و انسانی را مورد بررسی هنری قرار بدهند، خود را در مقابل رژیم حاکم و تمامی دستگاه سرکوب پیدا می‌کنند. تولیدات هنری و جامعه همواره یک رابطه مستقیم ندارند و هنرمندان از مجاری مفهومی مختلفی به بیان واقعیات یک جامعه می‌پردازند. اما هنر در دوره‌های انقلابی و در یک جامعه متحول بسیار مستقیم‌تر و سر راست‌تر به سراغ معضلات می‌رود.

هنرمندانی که دغدغه آزادی و عدالت دارند، از جامعه و تلاش و مبارزه نیروهای اجتماعی انرژی می‌گیرند و به همان جامعه و تلاش‌ها و مبارزه‌شان نیرو می‌دهند. هنر و هنرمند به پژواک جامعه تبدیل می‌شود.

حضور رسول‌اف در فستیوال "کن" پژواک صدای انقلاب مردم بر علیه یک رژیم ستمگر اسلامی است. هنرمندی که به‌عنوان دوست انقلاب زن زندگی آزادی و خصم رژیم اسلامی با استقبال گرم در جشنواره کن مواجه شد.

سازمان ملل و رئیسی قاتل

کیوان جاوید

علیه گرامیداشت ابراهیم رئیسی که قرار است دهم خردادماه در سازمان ملل متحد برگزار شود، نرگس محمدی، این اقدام را تقبیح و آن را «روز گرامیداشت چوبه‌های دار، اعدام و کشتارجمعی علیه مردم ایران» توصیف کرد.

در تقبیح این عمل زشتِ سازمان ملل اعتراضات گسترده‌تر می‌شود. از تدارک تجمع در برابر مقر سازمان ملل در نیویورک تا اعتراضات خیابانی در کشورهای اروپایی. تنفر بسیاری از مردم ایران نیز از اینکه یک نهاد بین‌المللی که ادعای دفاع از

حقوق بشر را مطرح می کند؛ اما در کنار خون‌خوران تاریخ قرار دارد، مدام در حال گسترش است. در ادامه این تنفر و محکوم کردن سازمان ملل، نرگس محمدی نیز اعلام کرده که چنین مراسمی «روز گرامی داشت چوبه‌های دار و اعدام و کشتارجمعی علیه مردم ایران» است.

فشار بر سازمان ملل باید گسترش پیدا کند. باید این دوستان واقعی دیکتاتورها و رژیم‌های آدمکش در چشم مردم ایران و جهانیان بی‌آبرو شوند. باید حقیقت این بند و بست‌های حقیرانه و آوانس دادن به جانیان را برملا کرد. باید گفت که این قدرت انقلاب و حضور مردم در اعتراضات خیابانی بود که رهبران سازمان ملل را واداشت که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی بعضاً در کنار مردم

ایران قرار بگیرند و رژیم قاتل نوجوانان و جوانان معترض در ایران را محکوم کند.

باید به یاد داشته باشیم این نهاد سازمان دول است نه ملل. حقیقت محض این است که این نهاد قرار است بین دولت‌ها بالانس و سازش و نزدیکی ایجاد کند و هدفش کمک به بهتر زیستن مردمی نیست که در نبرد با دولت‌های ضدبشری نظیر جمهوری اسلامی هستند.

بااین‌وجود ما مردم، انقلابیون آزادی‌خواه و انسان‌دوست از هر فرصتی استفاده می‌کنیم تا از همه ابزارهای موجود رژیم جانی اسلامی را بیش از همیشه در همه‌جا عقب برانیم. قدرت متحد ما می‌تواند در عرصه انزوای جهانی جمهوری اسلامی

مؤثر باشد. این اعتراضات و اتحاد ما کمک خواهد کرد تا صدای «کمیته‌های حقیقت‌یاب» داخل سازمان ملل علیه رهبران سازش‌کار این سازمان رساتر شود. به این قدرت ایمان داشته باشیم و اعلام کنیم که این مراسم منزجرکننده باید لغو شود. برگزاری چنین مراسم یادبودی توهین به مردمی است که ده‌ها هزار کشته روی دستشان مانده است؛ اما بی‌وقفه در حال نبرد برای سرنگونی جمهوری اسلامی‌اند. شرمتان باد که در کنار جنایت‌کار قرار گرفته‌اید.

سپاه در فهرست تروریسم

منظر دریاکناری

چند کشور عضو اتحادیه اروپا قصد دارند با استناد به یک حکم دادگاه دوسلدورف آلمان در مورد پرونده آتش‌سوزی در عبادتگاه یهودیان در شهر بوخوم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست این اتحادیه از سازمان‌های تروریستی قرار دهند.

جانتان در بیاید چرا این‌قدر "بکنیم، نکنیم" می‌کنید. آخر دیگر منتظر چه هستید تا یک نیروی خطرناکِ سازمان یافته غرق در امکانات مالی و انواع سلاح کشتارجمعی را در لیست یک سازمان تروریستی قرار بدهید؟ کسی که در خیابان با یک

چاقو به رهگذری حمله یا حتی اشخاصی را تهدید به قتل کند فوراً دستگیر می‌کنند و خطرش را علیه شهروندان از بین می‌برند. ۴۵ سال است که حکومت مذهبی تروریست و سازمانده ترانزیت مواد مخدر در اروپا و جهان راست – راست می گردد و شما رهبران کشورهای اروپایی مدام استخاره می‌کنید و تسبیح می‌چرخانید که این جانیان را در لیست تروریستی قرار بدهید یا ندهید.

مشکلات شما البته قابل درک است. شما با حکومت اسلامی و انواع رژیم‌های غارتگر و خون‌ریز و جانی و خطرناک به‌خودی‌خود مشکلی ندارید. بالاخره بخش وسیعی از دنیا به دست همین همکاران و هم‌طبقه‌ای‌های شما اشغال شده است و همین‌ها هستند که با توسل به زندان و آدم‌ربایی و شکنجه

و زندان و اعدام دارند منافع جامعه سرمایه‌داری و سرمایه‌داران را تأمین می کنند.

اما دنیا فقط یک رو ندارد. روی دیگر این دنیا که به دست شما در حال ازبین‌رفتن است، مردمی هستند که قرار نیست زانو بزنند و تسلیم زندگی برده‌وار و مرگ شوند. همین نیرو است که بر شما دولتیان فشار می آورد تا تکانی به خود بدهید و از امکانات موجود در جهت افسار زدن به تروریست‌هایی نظیر سپاه پاسداران استفاده کنید.

برای اینکه دست دول اروپایی را بگیریم تا در جهت تحقق این خواست مردم ایران برای بایکوت جمهوری اسلامی قدم بردارند و در وهله اول سپاه تروریست اسلامی را تحریم کنند، ما میلیون‌ها

ایرانی جان بدر برده از دست رژیم اسلامی با کمک همه مردم انسان‌دوست و متمدن جهان می‌توانیم دست به اقدام مشترک بزنیم. به امید اتحادهای هر چه بزرگ‌تر علیه تروریسم و حکومت تروریست اسلامی در ایران.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۳

۲۹ مه ۲۰۲۴ – ۹ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سوسن صابری

در این شماره ژورنال

هلاکت رئیسی و منفعت نظام

سیاوش آذری

احکام بیش از ۶۰ سال حبس برای فعالان گیلانی

منظر دریاکناری

کنگره حزب کمونیست کارگری

کیوان جاوید

این منم، من زنم

عطیه نیک‌نفس

پیام دانش‌آموزان به جمهوری اسلامی

یاشار سهندی

هلاکت رئیسی و منفعت نظام

سیاوش آذری

جعفر منتظری رئیس دیوان عالی جمهوری اسلامی گفت که در طول مدت عمر رژیم حوادثی از قبیل مرگ رئیسی کم نداشته‌ایم و هرچند اینها هزینه‌های سنگینی به نظام تحمیل کرد؛ اما در مجموع به نفع انقلاب تمام شد. وی مرگ رئیسی را در امتداد مرگ بهشتی، رجایی و باهنر و "فرماندهان، بزرگان ارتش، روحانیون و سپاه" قلمداد کرد و گفت "این هزینه‌ها برای نظام دستاوردهای ارزشمندی داشت. او همچنین گفت که "رئیسی، برخلاف برخی دیگر از مسئولان، جمهوری اسلامی و اوامر خامنه‌ای را یک جا پذیرفته بود و اظهار امیدواری کرد "ان‌شاءالله

مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری بابصیرت، حزم و دوراندیشی بتوانند جایگزین مناسبی را انتخاب کنند.“

این سخنان بیش از هر چیز نشانه سردرگمی منتظری در قبال به هلاکت رسیدن رئیسی است. در اینکه افراد بسیاری در سطوح بالای رژیم آماده احراز مقام ریاست‌جمهوری رژیم هستند شکی نیست. مسئله اینجاست که مضحکه انتخاباتی در جمهوری اسلامی، به‌ویژه در سال‌های اخیر و به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی که موجب انشقاق و تشتت بیشتر در صفوف رژیم و بالاگرفتن رقابت و کشمکش جناح‌ها و باندهای رقیب گشته، معضلی نه برای مردم؛ بلکه برای سران و رهبران رژیم و شخص خامنه‌ای بوده است.

مسئله، حفظ توازن قوا میان جناح‌های رژیم در حین حفظ برتری بلامنازع خامنه‌ای است. هر شخصی که به مسند ریاست‌جمهوری رژیم گمارده شود، ولو مانند رئیسی قاتل فاقد شخصیت و گوش‌به‌فرمان خامنه‌ای باشد، بنا بر ساختار جناحی و باندی که ذاتی رژیم و جنبش اسلام سیاسی است پتانسیل رودررو قرارگرفتن با خامنه‌ای و در نتیجه تشدید کشمکش‌های درونی رژیم را دارد. این صف‌بندی‌ها و تقابلات، همانطور که منتظری تلویحاً اشاره می‌کند، در مواردی، و شاید از جمله همین مورد اخیر، حتی منجر به حذف فیزیکی طرف مقابل می‌گردد.

مخاطب ان‌شاءالله گفتن و آرزوی بصیرت کردن رئیس دیوان عالی، خامنه‌ای و دیگر سردمداران رژیم‌اند. آرزوی منتظری بیان دعای از سر ترس و

نماز وحشت سران رژیم از افزایش تنش و تشتت در صفوف خود و شعله‌ور گشتن انقلاب جاری و خیزش مجدد توده‌ای مردمی است که مترصد سرنگونی حکومت اسلامی و به پیروزی رساندن انقلاب جاری هستند. انقلاب این آرزویشان را نیز به گور خواهد سپرد.

احکام بیش از ۶۰ سال حبس برای فعالان گیلانی

منظر دریاکناری

شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر در رشت احکام بیش از ۶۰ سال حبس برای فعالان حقوق زنان و فعالان سیاسی در استان گیلان را تأیید کرد.

به‌این‌ترتیب، زهره دادرس به اتهامات "تشکیل گروه باهدف برهم‌زدن امنیت ملی" به ۹ سال و شش ماه حبس محکوم شده است. هشت زن دیگر به نام‌های فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، شیوا شاه سیا، نگین رضایی، متین یزدانی، آزاده چاووشیان و زهرا دادرس نیز با همین اتهامات

هریک به تحمل ۶ سال و سه ماه و ۱۷ روز زندان محکوم شده‌اند. دو تن دیگر از متهمان این پرونده، جلوه جواهری و هومن طاهری نیز هریک حکم یک سال حبس دریافت کرده‌اند.

اولین تصور از دیدن این خبر شاید این باشد که رژیم اسلامی در نبرد برای بقای خودش نه‌تنها کوتاه نمی‌آید و در برابر مردم و فعالین سیاسی عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه با تمام قوا می‌ایستد و سرکوب می‌کند. بله رژیم کوتاه نمی‌آید و برای سرنگون‌نشدن تنها می‌تواند دست به سرکوب بزند وبه‌بند بکشد وحتی به‌صورت بی‌وقفه دست به‌اعدام بزند. همانطور که سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید: "سه‌چهارم اعدام‌های ثبت‌شده جهان در ایران در

سال ۲۰۲۳ اجرا شده است". این حقیقتی تلخ و ناگوار است که مردم برای انسانی زیستن درگیر مبارزه با یک حکومت تا دندان مسلح هستند.

روی دیگر زندگی در ایران گستردگی مبارزه است. همین تعداد از فعالان و مبارزین سیاسی در گیلان را می‌توان به همه شهرها و استان‌های ایران تسری داد تا معلوم شود که مبارزه متشکل و غیر متشکل در ایران موج می‌زند و حجم بالای دخالت در زندگی سیاسی و مقابله با حکومت اعدام و فقر و نابرابری همه‌جا و همه‌روزه جریان داد.

هر دستگیری به اهرمی برای مبارزه بیشتر علیه رژیم تبدیل می‌شود و خواست آزادی این عزیزان فضای

جامعه را پُر می کند. این رژیم در برابر قدرت وسیع اجتماعی که مصمم به سرنگونی جلادان اسلامی است، نمی‌تواند همه مردم را به بند بکِشد. این حکومت در برابر این عزم اجتماعی نابود می‌شود. این است حقیقت ناب مبارزه در ایران. مردم گیلان، معلمان و فعالین حقوق زن، دانشجویان و فعالین کارگری می‌توانند کارزار وسیعی را برای لغو احکام این عزیزان شروع کنند و دانشجویان و معلمان و همه فعالین در سراسر کشور را برای چنین کارزاری به حرکت درآورند.

کنگره حزب کمونیست کارگری

کیوان جاوید

از روز ۱۱ تا ۱۳ خرداد (۳۱ مه تا ۲ ژوئن) کنگره ۱۳ حزب کمونیست کارگری ایران برگزار می‌شود. ویژگی‌های بارز این کنگره چیست و چه اهمیتی می‌تواند در پیشبرد انقلاب زن زندگی آزادی داشته باشد؟ اصولاً چرا باید برگزاری کنگره یک حزب سیاسی برای توده مردمی که اکثر آنها مستقیماً درگیر فعالیت حزبی نیستند مهم باشد؟

حزب انقلاب، اولین ویژگی این کنگره است. کنگره یک حزب سیاسی و انقلابی در وهله اول و فوراً باید روشن کند راه سرنگونی چیست و چه

نیروی اجتماعی می‌تواند در مبارزه برای سرنگونی دخیل و مؤثر باشد. اینجا دیگر پای همه مردم، همه شهروندان در میان است. اینجا همانطور که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی نیز مشاهده شد، پای نوجوانان دانش‌آموز و دانشجویان و معلمان و بازنشستگان و کارگران به خیابان کشیده می‌شود یا باید کشیده شود. اینجا از پدربزرگ و مادربزرگ و معتقدین به آرا و افکار گوناگون نیز سرنگونی را راه بقا و ادامه زندگی و دست‌یافتن به زندگی بهتر می‌دانند. یک حزب سیاسی انقلابی باید بتواند حزب همه این مردم باشد.

اما جاده انقلاب صاف و سرراست نیست. باید همه مردم را متحد کرد؛ باید راه سرنگونی را مشخص کرد؛ باید راه پیروزی را ترسیم کرد. در

هر شرایط انقلابی که مردم می‌خواهند حکومتی را سرنگون کنند انواع احزاب و طبقات و باورهای گوناگون سیاسی وارد میدان می‌شوند که لزوماً همه آنها برای آزادی جامعه و رهایی مردم نیستند. هستند جریاناتی که می‌خواهند بدون دست‌بردن به ریشه، شاخ و برگ‌ها را هرس کنند و قدرت را به دست بگیرند. سرنگونی حکومت پهلوی و روی کار آمدن خمینی و رژیم اسلامی یک نمونه بارز است. مردمی که برای آزادی و برابری به‌پاخاسته بودند؛ به دلیل نبود یک حزب انقلابی که بتواند انقلاب را به‌سوی رهایی و آزادی هدایت کند، اسیر حکومت اسلامی شدند.

حزب کمونیست کارگری به قدرت مردم متکی است و باید این مردم را متشکل و متحد کند و

سازمان بدهد. برای این کار هر روز برنامه و طرح و نقشه دارد. موانع جدید را می‌بیند و راه انقلاب را هموار می کند. کنگره ۱۳ حزب کمونیست کارگری برای پیشروی بیشتر در امر سرنگونی جمهوری اسلامی و دخیل کردن توده‌های هر چه بیشتر مردم برای چنین نبردی است. حزب کمونیست کارگری برای آزادی و برابری همه انسان‌ها مبارزه می کند و به همین دلیل پرچم حکومت انسانی برای جامعه انسانی را به دست دارد. این پرچم باید توسط همه ما مردم به دست گرفته شود. توجه به این کنگره با این دلایل حائز اهمیت است. از طریق تلویزیون کانال جدید کنگره حزب را دنبال کنید.

این منم، من زنم

عطیه نیک‌نفس

روز بیست و هشتم مه (۸ خرداد) روز جهانی بهداشت قاعدگی نام‌گذاری شده است. بهداشت چه از نظر فیزیکی و چه از جنبه روانی آن در این مورد بسیار مهم است. ولی من در این نوشته نه به این موضوع بلکه می‌خواهم نگاهی کوتاه به دوران قاعدگی زنان در کشور اسلام زده ایران بیندازم.

باوجود رژیمی سراسر زن‌ستیز، زنان در ایران از کودکی مورد سرکوب سیستماتیک قرار می گیرند و زن بودن به‌خودی‌خود جرم محسوب می‌شود. بدن زن و هر آنچه به او متعلق است مایه خجالت او باید باشد و باید پنهان شود. بنا بر احکام ضدزن

اسلامی زنی که در دوران قاعدگی است نجس و ناپاک محسوب می‌شود و حضورش در بعضی اماکن مذهبی ممنوع است. این "خون ناپاک" که اولین شروع جاری‌شدنش، مجوز تجاوز اسلامی به کودکانی که دیگر "زن" محسوب می‌شوند است، برای میلیون‌ها زن جز تحقیر و احساس شرم چیزی ببار نداشته است. حتی برای خرید نوار بهداشتی پنهان شده در یک کیسه نایلون سیاه باید خجالت کشید.

اما چاره چیست؟

. باید از طریق هر مدیا و تریبونی که در دست داریم از زن بودنمان به‌عنوان یک انسان حرف بزنیم، از بدنمان که سرکوب شده، از اینکه هر ماه در دوران قاعدگی چه اتفاقی برای ما می‌افتد،

چه نیازهایی قبل از شروع این سیکل، در حین این سیکل و بعد از آن داریم.

از اینکه بدن من نه‌تنها مایه شرم من نیست، بلکه با افتخار زنی هستم که بدنم، نیازهایم و بهداشت آن را می‌شناسم و به آنها اهمیت می‌دهم، حرف بزنیم. از اینکه زن بودن، انسان بودن و داشتن تمامی حقوق انسانی، حق من است، حرف بزنیم و صدالبته باید متشکل به جنگ با بی حقوقی اسلامی برویم.

دنیایی برابر را بسازیم که در آن هیچ دختر نوجوانی به دلیل پریود شدنش تحقیر و سرکوب و شرم‌زده نشود و زن به‌عنوان یک انسان را با تمام نیازهایش به رسمیت بشناسد. در یک کلام انقلاب "زن، زندگی، آزادی" را به پیروزی برسانیم.

پیام دانش آموزان به جمهوری اسلامی

یاشار سهندی

آخوندی به نام محمدحسین پورثانی، معاون وزارت آموزش‌وپرورش حکومت، در سمیناری که هدفش بسط و توجیه سرکوبگری است، با بیان اینکه «شیخ زکزاکی به‌تنهایی و بدون هیچ سازمان، هیئت و تشکیلاتی افراد بسیاری را شیعه کردند»، گفت: «متأسفانه ما با وجود تمام این تشکیلات، بعضاً نمی‌توانیم حتی یک پیام را به دانش‌آموزان برسانیم.»

در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ دو بسیجی در جریان مراسم چهلم حدیث نجفی کشته شدند.

یکی در اکباتان و دیگری در کرج. معترضین مشهور به «بچه‌های اکباتان» هم اکنون زیر شکنجه سپاه هستند و مهدی کرمی و محمد حسینی را با طناب دار به قتل رساندند تا به بسیجیان سرکوبگر قوت قلب بدهند که حکومت به‌جای یک کشته خود می‌تواند چندین نفر را به اتهاماتی واهی بکشد. حالا طرحی با نام آن دو بسیجی سرکوبگر راه انداخته‌اند، تا به دست عده‌ای نوجوان باتوم و سلاح بسپارند و به جان هم‌نسلان خود بیندازند.

اولاً شیخ زکزاکی در نیجریه به پشتوانه پول و حمایت همه‌جانبه جمهوری اسلامی در پی شکار کسانی از جنس بسیجیان در ایران است. در ثانی و مهم‌تر از آن باید گفت که اکثریت ۹۹ درصدی دانش‌آموزان در ایران اتفاقاً «پیام « جمهوری

اسلامی را دریافت کرده‌اند. دشمنی جمهوری اسلامی با علم و تمدن، با شادی و جوانی و نفس زندگی را دانش‌آموزان به‌خوبی درک کردند که علیه جمهوری اسلامی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی به اعتراض برخاستند. دانش‌آموزان، بخصوص دختران دانش‌آموز، پیام جمهوری اسلامی را به‌خوبی دریافت کردند وقتی از سوی حکومت اسلامی طی چندین ماه مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند. ساریناها، نیکاها، آرمیتاها و ابوالفضل‌ها، سیاوش‌ها، کومارها سمبل نسلی هستند که پاسخ جمهوری اسلامی را با جان خود دادند.

جمهوری اسلامی خیلی روی خودش حساب می‌کرد که نسل‌اندرنسل دانش‌آموزان را در مدارس با محیط پادگانی و حوزه‌ای، با کتب درسی

که تماماً مذهب زده است به نفع خود مصادره کند. اما با وجود والدین معترض این دانش‌آموزان و انسان‌های شریف دیگر، با وجود ماهواره و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و رفتار ضدانسانی و ریاکارانه تمامی کارگزاران حکومت، دانش‌آموزان نسل‌اندرنسل به‌سرعت متوجه شدند که حکومت اسلامی سد بزرگی در راه آرزوهای آنهاست. این نسل با شرکت وسیع خود در اعتراضات خیابانی پیام روشنی به همه کارگزاران رژیم دادند که هر چه سریع‌تر به فکر سوراخ‌موش باشند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۴

۳۰ مه ۲۰۲۴ – ۱۰ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

فریاد طلب کمک از درون زندان قزل‌حصار

کیوان جاوید

دانه انجیر معابد، تمسخر دستگاه سرکوب

سینا پدرام

نجات شنبه از دست آیت الله‌های تهی مغز

منظر دریاکناری

گرسنگی ۶ و نیم‌میلیون کودک در افغانستان

پتی دبونیتاس

فریاد طلب کمک از درون زندان قزل‌حصار

کیوان جاوید

گروهی از زندانیان قزل‌حصار با انتشار یک ویدئو از درون زندان، به تاریخ هشتم خرداد ۱۴۰۳، از همه ما طلب کمک کرده‌اند. در این ویدئو زندانیان می‌گویند که اینجا هر هفته ۱۰ تا ۲۰ نفر از ما را اعدام می‌کنند و مقامات زندان با توهین و خشونت با ما رفتار می‌کنند.

بی‌دفاع‌ترین، سرکوب‌شده‌ترین، بی حقوق ترین انسان‌های گرفتار به دست جمهوری اسلامی تحقیقاً زندانیان عادی هستند. زندانیان خرده پای متهم به فروش مواد مخدر و غیر وابسته به

مافیای حکومتی، این بی‌کس‌ترین و تنهاترین انسان‌هایی که هم در بیرون از زندان زندگی ناامیدانه و بی‌آینده‌ای داشتند و هم در درون زندان انسانیتشان بی‌رحمانه زیر چکمه‌های جلادان له می‌شود. انسان‌هایی که زنده هستند تا مقامات و زندانبانان و رؤسای زندان برای حس قوی‌بودن خود و "اجرای عدالت اسلامی" به آنها توهین کرده و زندگی نداشته آنها را در زندان تبدیل به جهنم کنند. این محکومین به زندگی در باتلاق حکومت اسلامی مجازات و اعدام می‌شوند تا جمهوری اسلامی اقتدار خود را به رُخ همه ما مردم بکشد. اقتداری که دیگر فقط پوسته‌ای ظاهری از آن برجامانده است.

ما مردم چه پاسخی به این وضعیت داریم؛ ما تشکل‌های مدنی و مبارز که زندگی را و خوشی و خوشبختی و عدالت و زیبایی را برای همه می‌خواهیم. ما که می‌دانیم فقر چگونه زندگی‌ها را تباه می‌کند و انسان‌های بیشماری را به کام اعتیاد و فروش مواد مخدر و فروش تن می‌کشاند. ما خیل بی‌شمار سرنگونی طلب‌هایی که می‌خواهیم با انقلابی به بزرگی زن زندگی آزادی این رژیم را به زیر بکشیم و انسانیت را بر ویرانه‌های حکومت اسلامی برقرار کنیم، در مقابل این‌همه توهین و تحقیر و شکنجه و اعدام این زندانیان بی‌پناه چه اقدامی بکنیم؟

مسلماً اقدام امروز ما نه‌تنها می‌تواند این رژیم

آدم‌کش را وادار به عقب‌نشینی کند، همچنین شان و جایگاه انقلاب ما را نیز در دفاع از انسانیت صدچندان بالاتر می‌برد. ما برای رهایی و آزادی به میدان آمده‌ایم و دفاع از حقوق انسانی همه شهروندان وظیفه همه ما است.

به کمک این زندانیان بشتابیم و آنها را تنها نگذاریم. اعدام‌ها در ایران باید فوراً متوقف، و شرایط به‌شدت ضدانسانی زندان‌ها باید از اساس دگرگون شود.

دانه انجیر معابد، تمسخر دستگاه سرکوب

سینا پدرام

ستاره ملکی، هنرپیشه فیلم دانه انجیر معابد که اخیراً توانست به‌صورت مخفیانه از ایران خارج شود و در فستیوال فیلم کن شرکت کند در مصاحبه‌ای با شبکه ایران اینترنشنال به چگونگی ساخته‌شدن فیلم "دانه انجیر معابد" با کارگردانی محمد رسول‌اف به شکل مخفیانه با اکیپ ۳۰ نفره سخن گفت. از دوران سخت و پُر هراس فیلم‌برداری زیر سایه شوم فشارهای پلیسی رژیم اسلامی گفت و از شجاعت همکاران خود و مادرش که شجاعت را به او آموخته است.

فیلم "دانه انجیر معابد" که در جشنواره فیلم کن موفق به اخذ جایزه ویژه داوران شد، داستان زندگی خانوادگی یک قاضی دادگاه انقلاب است که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی با گم کردن اسلحه خود به دختران و همسر خود مشکوک می‌شود.

نکته اساسی در ساخت این فیلم این است که در ایران کاملاً به شکل پنهانی ساخته شده است و علی‌رغم تمامی تلاش رژیم اسلامی برای جلوگیری از نمایش آن در فستیوال کن، توانست اذهان عمومی را بار دیگر به‌سوی سرکوب زنان در ایران جلب کند. صرف‌نظر از پیام سیاسی این فیلم، حضور زنان بی‌حجاب در این فیلم خود یک بیانیه بر علیه رژیم اسلامی است. از سوی دیگر، نشان‌دهنده عجز پلیس

و ارگان‌های امنیتی در سرکوب هنرمندان، زنان و مردان معترض و مخالف رژیم است که قصد دارند به هر شکلی درماندگی رژیم اسلامی را به نمایش بگذارند.

اینکه این فیلم به‌صورت مخفیانه در ایران تهیه و تولید شده است، پوشالی بودن "اقتدار" خامنه‌ای و شرکا را نشان می‌دهد. فقط حضور این فیلم در فستیوال کن به ریشخند کشیدن تمامی دم‌ودستگاه سرکوب رژیم، از لباس‌شخصی‌ها تا سپاه و برادران "غیبی" رژیم، و قطعاً نمایش به سُخره گرفتن دیکتاتور درمانده مافیای اسلامی است. این به‌تنهایی خود یک پیروزی بر علیه تمامی دستگاه سرکوب در ایران است.

نجات شنبه از دست آیت‌الله‌های تهی مغز

منظر دریاکناری

”آیت‌الله“ ناصر مکارم شیرازی که جایگاه کم بدیلی در جمهوری اسلامی، به‌عنوان مراجع تقلید دارد در پاسخ به استفتایی (فتوا خواستن) درباره تعطیلی روز شنبه گفت: ”انجام این کار در بلاد مسلمانان تشبه به یهودیان و تضعیف فرهنگ اسلامی است.“

سه مذهب ”ابراهیمی“، مسیحیت و یهودیت و اسلام، سه روز از ۷ روز هفته را به خود اختصاص داده‌اند. جمعه‌ها برای اسلام مهم است تا به قول آیت‌الله‌های تهی‌مغز: ”سنت‌های اسلامی مربوط به

”پنجشنبه‌شب‌ها“؟! به فراموشی سپرده نشود.“

شنبه برای خشک‌مغزهای ارتودوکس یهودی به این دلیل مهم است که تمام روز آتش روشن نکنند و از غذای مانده شب قبل بخورند و پشت یک دیواری بایستند و با ”خدای یهوه“ راز و نیاز کنند و بگویند: ”خدا را شکر می‌کنیم که ما را زن نیافرید.“

روز یکشنبه هم به این دلیل به مسیحیان اختصاص یافت که کلیساها را از خیل مؤمنین به خدا پُر کنند تا کشیش فارغ از تجاوز جنسی به خواهران راهبه و کودکان بی‌گناه اسیر دست کلیسا، ”گوسفندان عیسی مسیح“ را به راه راست هدایت کنند و به

بهشت فرابخوانند.

اما خوشبختانه انسانیت و مدنیت اسیر در منجلاب مذهب نیست. جهان متمدن با افسار زدن به مسیحیت و کلیسا یک گام بزرگ در انزوا و بی آبرویی مسیحیت خصوصاً در کشورهای غربی برداشته است. بزرگ‌ترین انقلاب ضد کلیسایی در فرانسه قرن ۱۸ بساط این مردان مرگ که در خدمت خدا بودند را برچیده و همه ارضی عظیم آنها را مصادره کرده است.

دین یهود در این زمانه کاملاً بی‌رمق و دست‌وپابسته و در انزوا قرار گرفته است. تنها حاکمیت دست راستی در اسرائیل است که تلاش نافرجامی برای

زنده نگه‌داشتن این عقب‌مانده ترین و ارتجاعی ترین دین در کره زمین به خرج می‌دهد. (مادر ادیان تک خدایی) راست افراطی و مذهبی در اسرائیل از زنده نگه‌داشتن این دین سود سرشار مادی نیز می‌برد.

تکلیف اسلام نیز در ایران روشن می‌شود و نابودی جمهوری اسلامی سنگ بنای پایان این ارتجاع دینی خواهد بود. آن‌وقت روزهای هفته هم مثل بسیاری دیگر از نیازهای بشری از دست مذهب رها می‌شود.

از تعطیلی روز شنبه در ایران مذهب‌زدایی کنیم و در یک نبرد دیگر رژیم را عقب برانیم.

گرسنگی ۶ و نیم‌میلیون کودک در افغانستان

پتی دبونیتاس

سازمان غیردولتی "کودکان را نجات دهید" در گزارشی پیش‌بینی کرد که حدود ۶.۵ میلیون کودک در افغانستان در سال ۲۰۲۴ سطوح بحرانی گرسنگی را تجربه خواهند کرد. این سازمان در گزارشی که روز سه‌شنبه هشتم خردادماه، ۲۹ ماه مه - منتشر کرده است، تصریح می‌کند که تقریباً ۳ نفر از هر ۱۰ کودک افغانستانی امسال با بحران یا سطوح اضطراری گرسنگی روبرو خواهند شد. این سازمان در ادامه تأکید می‌کند که بنا بر آمار پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۴ حدود ۲.۹ میلیون کودک زیر پنج سال از سوءتغذیه

حاد رنج ببرند.

خشم همه احساسم را بیان نمی‌کند. اسیر یاس هم نمی‌شوم. این دنیای نابرابر را می‌بینم و به دنبال این می‌گردم که چرا باید زیباترین پدیده زندگی انسانی، این‌چنین به تارج برود و گل‌های نورسیده این جهان هستی در بی‌غذایی مفرط زجر بکشند و در برابر چشمان ما پژمرده و خشکیده شوند.

وضعیت کودکان افغانستان را با مولتی میلیونرهای حکومت پیشین در افغانستان مقایسه کنید. بعد از روی کار آوردن دوباره طالبان توسط دولت آمریکا، همه سران حکومت پیشین دولت

افغانستان با خانواده و فامیل و دوستان درجه یک خود روانه کشورهای عربی شده و در رفاه مطلق زندگی می‌کنند. همین چند روز پیش در خبرها خواندم که قیمت خرید خانه‌هایشان در کشورهای حاشیه خلیج سر به میلیون دلار می‌زند.

در این گیرودار و در این دنیایی که هر ۴.۴ ثانیه یک کودک می‌میرد، تنها یک تلنگر می‌تواند ما را به انسانیت و مبارزه برای حق انسان وصل کند. یادمان هست وقتی سارینای جوان در برابر دوربین، فلسفی‌ترین، برابری‌طلب‌ترین و انسانی‌ترین کلمات را بیان کرد: ”ما نه‌تنها به فکر خودمان که به فکر گرسنگان تانزانیا هم هستیم و برای همه برابری می‌خواهیم. در ادامه

راه و در ادامه مبارزه سارینای‌های بزرگ که به وسعت جهان در حال مبارزه‌اند، ما هم دست به اقدام بزنیم و مانع از مرگ همه کودکان و از جمله مرگ کودکان در افغانستان شویم. در ایران که میلیون‌ها پناهجوی افغانستانی زندگی می‌کنند آنها را چون برادران و خواهران خود بدانید و نگذارید جمهوری اسلامی تخم نفرت بین شما بکارد. یک نژاد و آن هم نژاد انسان. یادمان نرود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۵

۱ ژوئن ۲۰۲۴ – ۱۲ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

در میانه میدان کنگره ۱۳

کیوان جاوید

افتضاح سازمان ملل با صندلی‌های خالی

پیام آذر

سپاه پاسداران زیر ضرب اتحادیه اروپا

بابک یزدی

در میانه میدان کنگره ۱۳

کیوان جاوید

امروز شنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۳ در انتهای سالن همراه با همه نمایندگان و مهمانان کنگره در حال گوش دادن به پیام‌ها به کنگره هستم. شور و هیجان ازیک‌طرف و از سوی دیگر امید و غرور و افتخار درهم‌آمیخته است تا من هم بیننده و شنونده این پیام‌ها و سخنرانی نمایندگان باشم.

حواسم مدام با شنیدن بخش‌های شورانگیز صحبت‌های نمایندگان پرت می‌شود. همین حالا اعلام شد که "مهران کارگر معدن" تقاضای عضویت در حزب داده است و کنگره با دست‌زدن

از این عضویت استقبال کرد.

روز قبل وقتی زن مبارزی که به‌تازگی از ایران به آلمان آمده است، ضمن اینکه مرا مورد محبت زیادی قرارداد، گفت با مصاحبه‌هایت در کانال جدید با حزب آشنا شدم و آثار زیادی از کمونیسم کارگری را مطالعه کردم و حالا افتخار عضویت در حزب را دارم. طبعاً شنیدن این خبر برای من همراه با موجی از شادی بود. افتخار از کاری که کردم و تأثیری که گذاشتم.

دست‌زدن‌ها و تشویق کردن‌ها، مرتب سخنرانی‌ها را قطع می‌کند و مدام حواسم پرت می‌شود. با خود فکر می‌کنم چه نیازی بود که در این روزهای

داغ که مباحث هیجان‌انگیزی در کنگره جریان دارد حتماً ژورنال را منتشر کنیم. حقیقت این است که منتشرنشدن ژورنال حتی برای یک روز اصلاً در برنامه ما نمی‌گنجد. این نشریهٔ روزانه حتی اگر بتواند در هر شماره فقط یک یادداشت داشته باشد و این یک یادداشت حتی فقط بتواند بر یک خواننده تأثیر مثبت و انقلابی بگذارد، باید منتشر شود.

اینجا فقط کلمات است که گوشم را می‌نوازد. کلمات همچون ترنم باران، سرریزشدن دلنواز آبشار و نوازش نسیم خنک در هوای گرم تابستانی است که وجودم را تسخیر می‌کند. این البته همه حقیقت این کنگره نیست. در ساعات

استراحت، احوالپرسی‌ها و بغل‌کردن‌های ممتد بخش دیگری از تازه کردن دیدارها است. آیا اینها نکات مهمی است؟ البته اگر در بطن و متن مبارزه روزمره فعالیت‌های حزب کمونیست کارگری باشیم، جواب مثبت است. اینجا حرف از عمل است. عملی که حال و آینده‌ای را ترسیم می‌کند که قطعاً بدون حضور سیاسی و عملی رهبری و کادرها ممکن نمی‌شود.

اینجا خشم و اراده و برنامه در هم می‌آمیزد تا راه رهایی یک جامعه تشنه آزادی و برابری کوبیده تر و هموارتر شود. اینجا چهره‌های جوانانی در برابر چشمانمان رژه می‌روند که در مقابل هارترین حکومت ضدبشری به پا خاستند؛ اما به خاک

افتادند.

اینجا کنگره انقلاب، کنگره زن زندگی آزادی در جریان است. انقلابی که خشت بر خشت گذاشت و به اینجا رسید و قلب جهان متمدن را تسخیر کرد. این کنگره همه کارگران و همه مردم ایران است که برای پایان‌دادن به فقر و تباهی و استثمار دور هم جمع شده‌اند. اینجا قلب حقیقت می‌تپد. این افتخاری است برای بودن در کنگره انقلابی و کمونیست.

افتضاح سازمان ملل با صندلی‌های خالی

پیام آذر

مراسم "یادبود" ابراهیم رئیسی در سازمان ملل، به یک افتضاح به‌یادماندنی برای رژیم اسلامی تبدیل شد.

درحالی که صدها مخالف حکومت جمهوری اسلامی در برابر مقر سازمان ملل در نیویورک تجمع کرده و شعار "ننگ بر سازمان ملل" سر می‌دادند، سالن مجمع عمومی سازمان ملل در مراسم یادبود رئیسی خالی ماند.

مراسم یادبود ابراهیم رئیسی روز پنج‌شنبه ۱۰

خرداد در مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد برگزار شد. هیئت‌های نمایندگی بسیاری از کشورها از شرکت‌دراین‌مراسم‌خودداری کردندوعکس‌های منتشر شده نشان می‌دهند سالن مجمع‌عمومی در زمان برگزاری این مراسم تقریباً خالی است.

انگار سازمان ملل پا در یک کفش کرده بود که آبروی خودش را بیشتر ببرد. هر چه اعتراضات بیشتر و طومار علیه این اقدام سازمان ملل وسیع‌تر شد، به گوش کر دبیرکل سازمان ملل و سازمان‌دهندگان این افتضاح سیاسی فرو نرفت که نرفت و در "غم" ازدست‌دادن یکی از خونخوار ترین جانیان تاریخ ایران مراسم یادبود گرفتند.

سازمان ملل اگر به حال خودش رها شود مدام در صف و در کنار دیکتاتورها می‌ایستد. اما وقتی فشار سیاسی بالا باشد، تأثیر عمیقش را بر همه سیاستمداران خواهیم دید. همین صندلی‌های خالی یک نمونه فشار سیاسی است تا تعداد وسیعی از نمایندگان سازمان ملل در این مراسم چندش‌آور شرکت نکنند.

درعین‌حال که ما از اقدام اکثریت اعضای سازمان ملل خوشحالیم و از آن استقبال می‌کنیم، اما شرکت‌نکردن در چنین مراسم مسخره‌ای را اصلاً کافی نمی‌دانیم. نمایندگان دولت‌ها باید متحدانه تلاش کنند که تروریست‌های اسلامی حاکم بر ایران را از سازمان ملل بیرون بیندازند. هدف ما

این است و یقین داریم که با موج بعدی انقلاب زن زندگی آزادی که خیابان‌ها را زیر پای خود به لرزه در خواهد آورد، ضربات بسیار سنگین‌تری به جمهوری اسلامی در مجامع بین‌الملل وارد خواهیم آورد. تا آن روز شیرین پیروزی، مردم ایران همراه با مدافعان بین‌المللی این انقلاب نوین، فشار سنگین خود را بر نهادهای دولتی از جمله سازمان ملل حفظ خواهیم کرد.

سپاه پاسداران زیر ضرب اتحادیه اروپا

بابک یزدی

اتحادیه اروپا به شکل رسمی محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی و اسماعیل قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و قرارگاه خاتم‌الانبیا سپاه پاسداران را تحریم کرد.

هیچ کس مثل ما ایرانیان در خارج کشور از تحریم همه‌جانبه سپاه تروریست پاسداران خوشحال نمی‌شود. هیچ انسانی همچون مجروحین انقلاب زن زندگی آزادی و خانواده‌های جان‌باختگان، از روز اول حاکمیت این رژیم تا همین امروز از انزوای بیشتر جمهوری اسلامی و تلاش برای بایکوت جهانی جمهوری اسلامی بیشتر خوشحال نمی‌شود.

این لیست وسیع‌تر است. همه ما که علیه این رژیم به میدان آمدیم تا حق خود را بگیریم؛ تا زندگی خود را طلب کنیم؛ تا در برابر دیکتاتوری و تبهکاری این حکومت بایستیم، از شنیدن این خبر خوشحالیم. اما این شعف و شادی ما همین‌جا پایان نمی‌پذیرد.

این اصلاً کافی نیست که چند مُهره کلیدی رژیم فقط برای موشک‌باران اسرائیل که کاملاً برای حکومت یک آبروریزی و شکست نظامی بود، یا برای ارسال پهپاد به روسیه مورد تحریم قرار بگیرند. رژیم اسلامی مظهر تروریسم در خاورمیانه و سمبل آدمکشی در منطقه است. این رژیم در جریان قیام سه سال پیش در عراق شریک قتل

بیش از ۸۰۰ انقلابی مخالف اسلامیون حاکم در عراق است. رژیمی که فقط با زبان ترور و کشتار با دنیا صحبت می‌کند باید تماماً بایکوت و منزوی شود. کل حکومت باید در دنیا بایکوت شود و همه لانه‌های جاسوسی رژیم تحت نام سفارتخانه باید تعطیل شوند.

این حکومتِ کشتار مردم ایران است و ما مردم زمانی تماماً خوشحال می‌شویم که همه دولت‌های جهان در کنار مردم ایران قرار بگیرند و جمهوری جنایت، حکومت آپارتاید جنسیتی و ضد انسان اسلامی را بایکوت کنند. این خواست بسیار کلیدی ما است. رژیم اسلامی را به قول حمید تقوایی باید در خارج از ایران هم سرنگون کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۶

۲ ژوئن ۲۰۲۴ – ۱۳ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

عبور از بازی مسخره "انتخابات"

کیوان جاوید

معیشت فلاکت‌بار و آلترناتیو چپ

سینا پدرام

مدارس تخریبی و اقتصاد دزدسالار اسلامی

سیاوش آذری

عبور از بازی مسخره "انتخابات"

کیوان جاوید

محمود احمدی‌نژاد، از رؤسای جمهور پیشین حکومتِ جنایت اسلامی که پرونده پُر از کشتار و جنایتش در ایران و جهان زبانزد است، روز یکشنبه ۱۳ خرداد راهی ستاد مرکزی وزارت کشور شد و برای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کرد.

ما این بازی مسخره انتخاباتی را خصوصاً در این اوضاع اجتماعی باید هزار بار بیشتر مورد حمله قرار دهیم. حکومت می‌خواهد با این به‌اصطلاح تنوع کاندیدها شرایطی برای مردم به وجود بیاورد که

این‌طور القا شود که قرار است با حضور افرادی ظاهراً "جنجالی" چون احمدی‌نژاد اتفاقی بیفتد. حکومت دست چند مُهره امتحان پس داده مثل علی لاریجانی را که در دور قبل رد صلاحیت شده بود را هم باز گذاشت تا با ثبت‌نام، "شوری" در فضای سیاسی ایران ایجاد کند تا اصل جنگ مردم با حکومت حتی برای چند هفته هم که شده کم‌رنگ بشود.

رژیم بعد از مرگ رئیسی البته بیش از گذشته در مخمصه قرار گرفته است؛ زیرا مرگ رئیسی باعث شده دریچه دعواها بین باندهای تا دندان مسلح حکومت بازتر شود. رژیم از این جدال داخلی بین مافیاهای حکومتی وحشت دارد و واقعاً برای کنترل اوضاع طرح و برنامه فکر شده‌ای ندارد. این سردرگمی حکومت را به اصلی برای پیشروی بیشتر

تبدیل کنیم.

در این فضا، موضوع جامعه نباید این باشد که چه کسانی کاندید می‌شوند. موضوع مثل همیشه باید ادامه همان راهی باشد که دو سال پیش با انقلاب زن زندگی آزادی شروع شد و هم اکنون نیز در اشکال مختلف ادامه دارد.

این روزها باید بیش از گذشته تلاش کرد تا سازمان‌یافته و متشکل، حجاب‌ها را بیش از گذشته برداشت و به خاک مالید. باید اعتراضات معیشتی (اقتصادی - رفاهی) را وسیع‌تر کرد. باید در هر شکل ممکن، مذهب را بیش از همیشه سکه یک پول کرد. باید کل جامعه را صدچندان، بیشتر از همیشه برای سرنگونی حکومت اسلامی بسیج کرد.

این داستان احمقانه و مسخره حکومت اسلامی نباید حتی یک‌لحظه ما را مشغول خود کند. با همه توان برای ادامه انقلاب.

معیشت فلاکت‌بار و آلترناتیو چپ

سینا پدرام

باقر، کارگر خدماتی حداقل‌بگیر: "برای یک خانواده ۵ نفره، هر ماه در بهترین حالت یک کیلو گوشت گوساله می‌خرم؛ خرید گوشت گوسفند اصلاً نداریم."

آمارها گویای یک فلاکت اقتصادی در ایران است. سطح معیشت چندبرابر زیر خط فقر است. روز شنبه ۱۲ خرداد خبرگزاری ایلنا طی گزارشی اذعان کرد که "اراده‌ای" از سوی دولت برای "ترمیم دستمزد" کارگران وجود ندارد. صرف‌نظر از ادبیات خسته‌کننده خبرگزاری‌های در ایران در

مورد مسائل معیشتی و دستمزد کارگران، وضعیت زندگی کارگران در ایران به‌قدری حاد است که خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های دولتی نیز قادر به لاپوشانی این حجم از مشکلات نیستند.

بسیاری از مزدبگیران در ازای ۱۰ ساعت کار روزانه، ماهانه ۸ میلیون تومان دستمزد دریافت می‌کنند و هیچ‌گونه مزایای دیگری برایشان تعلق نمی‌گیرد. این در حالی است که تشکل‌های کارگری در ایران سال گذشته اعلام کردند که هزینه زندگی بیش از ۳۰ میلیون تومان در ماه است. این رقم باتوجه‌به رشد قیمت‌ها و تورم ماه‌های گذشته به نظر می‌رسد که هنوز پایین‌تر از مقدار واقعی است که بتواند نیازهای یک خانواده کارگری را تأمین کند.

عواقب دستمزدهای پایین در وضعیت جسمی و روحی کارگری بسیار وخیم و نگران‌کننده است. این درعین‌حال باعث بروز نابسامانی‌های خانوادگی، مشکلات روحی در میان کودکان، پیدایش اختلالات جسمی و به‌تبع آن بالارفتن هزینه‌های درمانی شده است. عواقبی که لیست آن بسیار طولانی است.

آنچه خبرگزاری ایلنا و سران رژیم را نگران کرده است، وضعیت وخیم مردم و مزدبگیران نیست؛ بلکه کشیده‌شدن پای این مزدبگیران به اعتراضات خیابانی است. همه گزارش‌ها از اوضاع نابسامان اقتصادی و عدم توانایی و بهتر است بگوییم عدم خواست رژیم در جوابگویی به مطالبات کارگران و کارمندان حکایت دارد.

در ساله‌ای اخیر ما شاهد کشیده‌شدن پای کارکنان دولت و وزارت‌خانه‌ها به تجمعات خیابانی بوده‌ایم و به‌تدریج ما شاهد سراسری و پک پارچه شدن این اعتراضات هستیم. گره‌خوردن این اعتراضات به اعتراضات خیابانی وسیع‌تر جوانان و مردم و درعین‌حال مقبولیت فزاینده آلترناتیو چپ جامعه و احزاب چپ مانند حزب کمونیست کارگری می‌رود که آینده سیاست در ایران را تعیین کند.

مدارس تخریبی و اقتصاد دزدسالار اسلامی

سیاوش آذری

بنا بر گفته عباس زارع، مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران بیش از یک‌سوم از مدارس استان تهران یا باید تخریب شوند و یا نیاز به مقاوم‌سازی دارند و برای حل این مشکل ۵۰ هزار میلیارد تومان لازم است. او همچنین اشاره کرده که بزرگ‌ترین مشکل در راه نوسازی تأمین زمین است. چند سال پیش هم عبدالرضا فولادوند، مدیرکل آموزش‌وپرورش استان تهران عدم توانایی وزارت آموزش‌وپرورش در بازسازی و نوسازی مدارس را به شمار زیاد حقوق‌بگیران و هزینه‌های جاری نسبت داده بود. جالب اینکه مرکز پژوهش‌های

مجلس ۲۱ اردیبهشت امسال در گزارشی اعلام کرد که وزارت آموزش‌وپرورش به فرهنگیان بیش از ۴۴ هزار میلیارد تومان بدهکار است و امسال نیز قادر به پرداخت بدهی خود نخواهد بود.

البته همه چیز مثل روز روشن است. مشکل کمبود زمین نیست: مشکل اقتصاد دزدسالار مبتنی بر رانت و زمین‌خواری و آخوندهای میلیاردر و آقازاده‌ها هستند که نمونه کوچکی از چپاول ثروت‌های عمومی توسط آنها را در ماجرای زمین‌خواری صدیقی امام‌جمعه موقت تهران شاهد بودیم. مشکل کمبود پول نیست؛ اختلاس‌های نجومی معرف همگان است و هنوز خاطره چای دبش سه میلیارددلاری که گوشه کوچکی ازاین‌دست اختلاس‌ها است، در حافظه‌ها زنده است. مشکل

تعداد زیاد فرهنگیان نیست چنان که حتی خود این حضرات به کمبود معلم و هزاران کلاس درس بدون آموزگار اذعان دارند و همچنین میزان بدهکاری دولت به فرهنگیان را نیز خودشان بیان کرده‌اند.

مشکل نه کمبود منابع است و نه کمبود نیروی کار حرفه‌ای و متخصص. مشکل سیستم مبتنی بر استثمار و سوداندوزی و حکومت اسلامی سرمایه در ایران است که تنها به دنبال غارت منابع و ثروت مردم و پُر کردن جیب‌ها و حساب‌های بانکی آخوندهای میلیاردر و اعوان‌وانصار بیت رهبری در داخل و خارج کشور هستند. مشکل بختک رژیم اسلامی است که برای استمرار موجودیت خود میلیاردها دلار پول را صرف سپاه و بسیج و

دستگاه سرکوب و حمایت از تروریسم در منطقه و جهان می‌کند.

برقراری جامعه‌ای که آزادی، برابری، منزلت انسانی و رفاه همگان بر پرچمش نقش بسته باشد تنها راه برون‌رفت از این اوضاع است. انقلاب جاری تنها با این چشم‌انداز به پیروزی خواهد رسید.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۷

۳ ژوئن ۲۰۲۴ – ۱۴ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

مظفر صالح نیا، مبارزی صالح علیه نابرابریها

از طرف دست اندرکاران ژورنال

پایان کنگره ۱۳ و دور جدید تعرض

کیوان جاوید

پیروزی یک زن چپ‌گرا در انتخابات ریاست‌جمهوری مکزیک

منظر دریاکناری

مظفر صالح نیا، مبارزی صالح علیه نابرابریها

از طرف دست اندرکاران ژورنال

مظفر صالح‌نیا صبح روز شنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۳ بر اثر سکته قلبی درگذشت. مظفر صالح‌نیا، فعال جنبش کارگری، عضو هیئت‌مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و گروه کوهنوردی چل‌چمه بود. او بارها طی سال‌های اخیر توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی احضار، بازداشت و شکنجه شده بود. نهادهای امنیتی سال گذشته نیز این فعال کارگری اهل کردستان را تهدید کرده و از او خواسته بودند که در سالگرد اعتراضات سراسری از شرکت در مراسم‌ها خودداری کند.

جهان از نگاه مظفر آنطور که باید باشد:

من، مظفر صالح‌نیا اهل کردستان، شیکاگو یا کارگری از قلب ژوهانسبورگ در آفریقایی جنوبی‌ام. من زاده شده در خوزستان یا آذربایجانم. من از خطه شمال ایران یا از تبار انسان در آمریکای لاتینم. نام من مظفر است، سازمانده و فعال کارگری، شهروند جهانم که علیه فقر و فساد و همه سختی‌ها به‌پاخاسته ام و مبارزه علیه جهنمی‌ترین حکومت سرمایه‌داری جهان را به جان خریده‌ام تا فرزندان من و تو و ما همچون ما داغ لعنت خوردگان این شرایط نباشند.

من یک کارگر مبارز، یک سوسیالیست بی تخفیف نسبت به مصائب این نظام استثمارگر هستم. من

برای اتحاد انسان‌ها علیه نابرابری‌ها آستین بالا زده و برای متشکل کردن آنها از هیچ کوششی دریغ نکرده‌ام. من، مظفر صالح‌نیا، اما آن جهان زیبای آزاد و برابر را که قرار بود با سرنگونی این حکومت فساد و چپاولگر و غارتگر ضد انسان برپا کنیم را ندیدم. قلب من از حرکت باز ایستاد و دیگر در کنار شما و هم‌سنگرتان نیستم که برای ساختن یک‌دنیای زیبای انسانی دوش‌به‌دوش هم بجنگیم. اما آن دریچه‌ای که از آن افق زیبا با منظره‌های رؤیایی را در چشم‌انداز می‌دیدم پابرجا است. افق پیروزی بر حکومت اسلامی و برقراری یک‌دنیای بهتر برای همگان را می‌گویم.

از شما می‌خواهم برای به زیر کشیدن حکومت

اقلیتی دزد استثمارگر و ضد بشر همه با هم و دست در دست هم دهیم و از "کرد بلوچ آذری" بجنگیم برای آزادی و برابری.

یاد مظفر صالح‌نیا، این انسان مبارز و فعال جسور کارگری برای همیشه در دل‌های همه ما زنده خواهد ماند وبا آرمان‌های والای انسانی و سوسیالیستی این فرزند کار عهد می‌بندیم که تا سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری از پا ننشینیم.

پایان کنگره ۱۳ و دور جدید تعرض

کیوان جاوید

کنگره ۱۳ حزب کمونیست کارگری بعد از سه روز فعالیت فشرده و نفس‌گیر به کار خود پایان داد. این کنگره از تاریخ ۱۱ خرداد شروع و تا پایان روز یکشنبه ۱۳ خرداد ادامه داشت. حزب کمونیست کارگری کجا ایستاده بود و حالا قرار است کجای تاریخ مبارزه و نبرد بی‌امان علیه جمهوری اسلامی قرار بگیرد؟

کنگره که با سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی لیدر حزب شروع به کارکرد، این انتظار حقیقی را به وجود آورد که باید دستاوردهای تا کنونی را

ارج گذاشت؛ اما نباید به این بسنده کرد. باید با قاطعیت به‌پیش رفت و سنگرهای بیشتری را فتح کرد. او در سخنرانی خود این چشم‌انداز پیروزی قطعی را ترسیم کرد.

کنگره با گزارش اصغر کریمی فضایی را دامن زد که حتی برای فعالین، اعضا و کادرهای حزب که در خلق همه این دستاوردها در صف اول مبارزه قرار داشتند تحسین‌برانگیز، غرورآفرین و امیدبخش بود. حاضرین در کنگره حین ارائه گزارش به وجد می‌آمدند و با دست‌زدن و هوراکشیدن صحبت‌های اصغر کریمی، رئیس هیئت اجرایی حزب را قطع می‌کردند تا باز هم ادامه گزارش بر ابعاد دیگری از نبرد سازمان‌یافته

حزب علیه جمهوری اسلامی تأکید بگذارد.

در این کنگره قطعنامه‌ها و قرارهای زیای به بحث گذاشته شد و نمایندگان بند به بند گزارش را از نگاه تیزبین و موشکاف خود گذراندند و نهایتاً همه قرارها و قطعنامه‌هایی که فرصت طرح آنها در کنگره بود با هم‌نظری و همدلی بی‌نظیری تصویب شدند. تصویب این قرار و قطعنامه‌ها با همدلی بالا البته دور از انتظار نبود؛ زیرا حزب این جهت‌گیری سیاسی را بی‌وقفه دنبال کرده و به‌پیش برده بود. کنگره در واقع داشت مُهر تأیید بر نگاه و عمل‌هایی می‌گذاشت که رهبری حزب همه آنها را پراتیک کرده بود.

این کنگره نشان داد که حزب کمونیست کارگری برای عقب راندن موانع گام‌های بزرگ‌تری برخواهد داشت. حزب نه‌تنها بر سازماندهی‌های گسترده‌تر برای کسب پیروزی‌های بیشتر علیه حکومت اسلامی تأکید گذاشت، بلکه راه پیروزی قطعی و سرنگونی جمهوری اسلامی را با شفافیت بی‌نظیری ترسیم کرد. نه‌تنها راه سرنگونی که راه به ثمر رساندن انقلاب و پایان‌دادن به صدسال دیکتاتوری و فقر و نابرابری را نیز جلوی چشم همگان گرفت.

کارهای بسیاری در پیش است و دست‌های بیشتری باید در دست حزب کمونیست کارگری قرار بگیرد تا پیروزی نهایی به دست بیایید. نمایندگان

کنگره از میان کاندیداهای عضویت در کمیته مرکزی ۶۱ نفر را به‌عنوان اعضای این ارگان انتخاب کرد و این کنگره شورانگیز با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی و سرود انترناسیونال به کار خود پاین داد... برخیز ای داغ لعنت خورده...

پیروزی یک زن چپ‌گرا
در انتخابات ریاست‌جمهوری مکزیک

منظر دریاکناری

کلودیا شینبام اولین زنی است که در یک انتخابات عمومی در ایالات متحده، مکزیک یا کانادا پیروز می‌شود. او مسیر پیچیده‌ای پیش رو دارد. او با بلندکردن پرچم رفاه عمومی بر رقبای دست راستی خود در این انتخابات پیروز شد. پیروزی شینبام گامی بزرگ در کشوری است که در منگنه مردسالاری و مذهب کاتولیک است. این مذهب ارزش‌ها و نقش‌های سنتی‌تری را برای زنان ترویج می‌کند و سد راه پیشروهای برابریخواهانه است.

ما خوانندگان ایرانی شاید زیاد از وضعیت جامعه مکزیک ندانیم یا روزمره وقایع سیاسی این کشور را دنبال نکنیم. اما آنچه حائز اهمیت است پیروزی یک زن چپ‌گرا در کشوری است که کلیسا به‌عنوان یک مافیای بزرگ در کنار کانون‌های عدیده کارتل‌های مواد مخدر در آن از قدرت بالایی برخوردار است. مکزیک نیز مثل همه کشورهای جهان اسیر نظام سرمایه‌داری، اسیر فقر و نابرابری و درگیر در مبارزه‌ای سخت و نفس‌گیر علیه یک‌درصدی‌های میلیاردری است که برای کسب سود و چنگ‌انداختن بر دارایی‌های جامعه به جان مردم افتاده‌اند. در این کشور پُر جمعیت که در جنوب آمریکای شمالی

واقع است نیز برای تضمین منفعت سرمایه‌داران و ادامه بقای سیستم سرمایه‌داری، حاکمان از نیروی سرکوبگر و زندان بهره می‌برند تا مردم برای احقاق حقوق انسانی خود به این سیستم ضدانسانی تعرض نکنند.

در چنین شرایطی یک نیروی چپ متشکل، یک حزب که با شعار رفاه عمومی به صحنه می‌آید با کسب یک پیروزی بزرگ، رقبای مدافع بازار آزاد و سرمایه‌داری هار را شکست میدهد تا شاید مرهمی باشد بر درد مردمی که گرفتار فقر و فلاکت اقتصادی شده‌اند. مردمی که طبقات دارا برای کنترل آن‌ها، مذهب و مردسالاری و ارتش و باندهای مواد مخدر را به خدمت گرفته‌اند.

اینکه چنین رئیس جمهوری با شعار رفاه عمومی بتواند تماماً بر همه این موانع پیروز شود تردید وجود دارد. کلودیا شینبام نمی‌تواند بدون دست به ریشه بردن و برهم‌زدن مناسبات و ساختارهای نظام سرمایه‌داری حاکم بر مکزیک رفاه عمومی را پیاده کند. این جامعه در اسارت نظام سرمایه‌داری است و حداکثر کاری که بشود در این جامعه انجام داد رفرم‌هایی به نفع مردم است. برای برابری همه انسان‌ها باید دست به ریشه برد و ریشه همه این مصائب سرمایه‌داری عصر حاضر است.

نکته حائز اهمیت اما این است که در اوج

قدرت‌گیری راست افراطی و یکه‌تازی ترامپیسم آمریکا، این صدای چپ‌گرای است که از آمریکای لاتین شنیده می‌شود و این در خود یک پیروزی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۸

۴ ژوئن ۲۰۲۴ – ۱۵ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سوسن صابری

در این شماره ژورنال

هشدار خامنه‌ای: واهمه از فروپاشی رژیم

سیاوش آذری

هراس حکومت اسلامی از دادگاه علنی

محسن ابراهیمی

مضحکه انتخابات یک‌درصدی‌ها و مردم

سوسن صابری

دختر ۱۴ساله و انتخابات

سینا پدرام

هشدار خامنه‌ای: واهمه از فروپاشی رژیم

سیاوش آذری

روز دوشنبه چهاردهم خرداد ماه خامنه‌ای در سخنرانی خود به مناسبت سالگرد مرگ خمینی اعلام کرد که "ملت ایران (بخوان رژیم اسلامی) برای اینکه بتواند در معادلات پیچیده بین‌المللی منافع خود را حفظ و عمق راهبردی خود را تثبیت کند و رخنه‌های اقتصادی را پر کند، به یک رئیس‌جمهوری فعال، پرکار، آگاه و معتقد به مبانی انقلاب نیاز دارد." او همچنین به نامزدهای ریاست‌جمهوری هشدار داد که در رقابت انتخاباتی "بدگویی، تهمت و لجن‌پراکنی کمکی به پیشرفت کارها نمی‌کند و به آبروی ملی لطمه می‌زند."

دو نکته ویژه در این سخنرانی به چشم می‌خورد. یکم، رژیم اسلامی ازیک‌طرف در گرداب انقلاب گیر افتاده و از طرفی دیگر و باز هم به یمن انقلاب جاری در سطح بین‌المللی منزوی‌تر از گذشته شده است. حکومت خدا برای برون‌رفت از این بحران، در سطح بین‌المللی برای باقی‌ماندن سر میز معامله با قدرت‌های غربی، حمایت سیاسی، مالی و تسلیحاتی از نیروهای نیابتی خود در منطقه را گسترش خواهد داد و در داخل کشور به تشدید سرکوب مخالفان و معترضین خواهد پرداخت و برای مقابله با موج بعدی اعتراضات توده‌ای نیروهای انتظامی و اراذل‌واوباش خود را به حالت آماده‌باش در خواهد آورد.

نکته دوم؛ اما مهم‌تر در هشدار خامنه‌ای مبنی بر خودداری از "تهمت و لجن‌پراکنی" نهفته است:

مسئله بی‌آبرو شدن رژیم و افشاشدن اختلاس‌ها، رشوه‌خواری‌ها، دزدی‌ها و دیگر رسوایی‌های مقامات ریزودرشت رژیم از جمله رهبر الدنگشان نیست؛ این موضوعات جزئی از دانش عمومی مردم در ایران محسوب می‌گردد. مسئله اصلی اوضاع درهم‌ریخته رژیم، تشتت در صفوف آن و عدم توانایی در یکپارچه کردن قدرت حکومت اسلامی است. رژیم در چنان وضعیتی است که حتی قادر به برگزاری بدون دردسر شعبده‌بازی انتخاباتی نیست. از نظر خامنه‌ای کمتر یا بیشتر دزد بودن تأثیری در تعیین رئیس جمهور بعدی ندارد. واهمه واقعی او تشتت بیشتر در صفوف رژیم و خطر فروپاشی کل دستگاه جمهوری اسلامی در مقابل برآمد انقلابی آتی که طلایه‌های آن از هم اکنون دیده می‌شود است. خامنه‌ای این بار اما حقیقت را می گوید: انقلاب زنانه

جاری صفوفشان را تارومار خواهد کرد و طومارشان را برای همیشه در هم خواهد پیچید.

هراس حکومت اسلامی از دادگاه علنی

محسن ابراهیمی

نرگس محمدی روز دوم اردیبهشت در یک فایل صوتی با اعلام اینکه "دینا قالیباف، روزنامه‌نگار و زن مخالف حجاب اجباری با تن کبود و روایت آزار جنسی" به بند زنان زندان وارد شده، گفت: "از تک‌تک مردم در داخل و خارج از کشور می‌خواهم علیه جنگ، تعرض، تجاوز و ضرب و شتم زنان، یکسره‌فریادشویم".دستگاه‌قضایی‌جمهوری‌اسلامی فوراً علیه او پرونده جدیدی باز کرد و احضارش کرد که برای محاکمه در ۱۹ خرداد به اتهام تبلیغ علیه نظام حاضر شود. نرگس محمدی اعلام کرد خواهان محاکمه علنی با حضور خبرنگاران مستقل

و فعالان زنان و حقوق بشر و وکلایش و با همراهی شهادت‌دهندگان و راویان تعرض جنسی حکومت دینی استبدادی به زنان است. سی و شش زن زندانی سیاسی هم از جمله ناهید تقوی، هستی امیری، ویدا ربانی، گل‌رخ ایرایی، مریم یحیوی، وریشه مرادی، محبوبه رضایی، نسیم سیمیاری، سکینه پروانه، سپیده قلیان، پروین میرآسان و آنیشا اسداللهی، از خواست محاکمه علنی او حمایت کردند.

با هر پرونده‌سازی جدید برای یک زندانی سیاسی، بار دیگر ماهیت و ساختار مافیایی دستگاه قضایی حکومت اسلامی بیشتر برملا می‌شود. معلوم می‌شود که پرونده‌سازی مدام و مکرر علیه زندانیان سیاسی، یک پروژه سازمان‌یافته و یک رکن ساختاری سیستم

قضایی حکومت است. سیستمی که در آن از پیش برنامه‌ریزی می‌شود تا در وقت خود علیه زندان سیاسی باز شود و زندانی آزاد نشود. در موارد زیادی حتی بعد از پایان دوره محکومیت زندانیان سیاسی و درست در آستانه آزادی با یک پرونده‌سازی تماماً بی‌پایه مانع آزادی زندانیان شده‌اند و همین روال را ادامه خواهند داد.

خواست دادگاه علنی از طرف نرگس محمدی و حمایت قاطعانه زنان زندانی از آن، بار دیگر معلوم کرد که جسارت و عزم زنانی که در اسارت این حکومت هستند برای چالش حکومت و دستگاه قضایی‌اش حدومرز نمی‌شناسد. حکومت نتوانسته است حتی زندانیان را مرعوب کند.

هراس دستگاه قضایی و امنیتی حکومت از محاکمه علنی یک فعال سیاسی آن‌هم با حضور خبرنگاران و وکلا و شهادت‌دهندگان و راویان تعرض جنسی به این خاطر است که با شهادت قربانیان آزار جنسی در یک محاکمه علنی، عملاً دادستان و بازجو و قاضی و کل سیستم قضایی حکومت در مقابل چشمان مردم در صندلی اتهام قرار گرفته و محاکمه خواهند شد.

با حمایت از این خواست باید زیر پای حکومت را هر چه بیشتر خالی کنیم.

مضحکه انتخابات یک‌درصدی‌ها و مردم

سوسن صابری

نسرین شاکرمی، مادر دادخواه نیکا شاکرمی در اینستاگرام خود نوشته: «شرکت در انتخابات یعنی شراکت در تمامی جنایات جمهوری شیطانی و مهر تأیید بر همه آنها.» شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی، به معنی «شراکت در قتل و کشتار و تجاوز به انسان‌های بی‌گناه» و «شکنجه و کور کردن و زندانی کردن بی‌گناهان» و مشارکت در «گسترش فقر و فساد و فحشا و آواره‌کردن مردم» به شمار می‌آید.

پس از به هلاکت رسیدن رئیسی و نمایش چندروزه

جنازه‌چرخانی در شهرهای مختلف، این روزها سردرآوردن یک دزد و جانی دیگر از صندوق مضحکه انتخاباتشان، مشغله جدید سران رژیم است. تشتت بین دسته‌های درون حکومت و عمق اختلافاتشان بر سر قدرت و جانشینی رئیسی چنان بالا گرفته که خامنه‌ای را وادار به سوت‌زدن وسط دعوا کرده است. بر سرشان داد می‌زند که همدیگر را افشا نکنند و فحاشی را هم کنار بگذارند. این وضعیت درون حکومت است.

تا جایی که به مردم برمی‌گردد؛ اعتراضات هر روزه کارگران و بازنشستگان، اعتراض و سرپیچی هرروزه زنان از قانون حجاب رژیم، انتخابات بسیار بی‌رونق همین چند ماه پیش و شادی و شیرینی پخش کردن‌های مردم به مناسبت به درک

واصل‌شدن قصاب تهران، از همین حالا درجه شرکتشان در این سیرک به‌اصطلاح انتخابات را معلوم کرده است. سرکوب و کشتار و اعدام و فقر و فساد و اختلاس و نابودی محیط‌زیست و بی‌آبی و هزار مصیبت دیگر، کوچک‌ترین ابهامی برای شرکت احتمالی مردم باقی نگذاشته است. دوران به‌اصطلاح انتخاب بین بد و بدتر سال‌هاست که گذشته است. مردم به‌خوبی می‌دانند که شرکت در سیرک انتخابات، شرکت در جنایت و گسترش فقر است و از همین حالا با ساختن ده‌ها جوک و طنز این سیرک را به سخره گرفته‌اند. به جز عوامل و جیره‌خواران رژیم کسی به میل خود در این مضحکه شرکت نخواهد کرد.

باید باتوجه‌به توازن قوا از این فرصت استفاده

کرده و این سیرک را در داخل و خارج از کشور بر سرشان خراب کنیم. به‌ویژه در خارج کشور که آزادی عمل بیشتری وجود دارد، با تجمعات اعتراضی وسیع در مقابل لانه‌های جاسوسی رژیم و هر جا که قصد برپایی صندوق رأی داشته باشند، زمین را زیر پایشان داغ کنیم. جمهوری اسلامی علی‌رغم این مراسم مضحک و هر جانوری که از صندوق بیرون بیاورد، به‌حکم انقلاب زن زندگی آزادی رفتنی است.

دختر ۱۴ساله و انتخابات

سینا پدرام

در مدیای اجتماعی کلیپ تأثرآوری از یک دختر دیالیزی ۱۴ساله اهل شوش که با آمبولانس بدون کولر (کولر خراب) اورژانس به بیمارستان ابوذر اهواز اعزام می‌شود، پخش شده است. از قرار این دختر به دیالیز نیاز داشته و دچار تشنج شده است. بیمارستان شوش به علت خرابی دستگاه سی‌تی‌اسکن و نبود دستگاه نوار قلبی مجبور به انتقال وی به بیمارستان دیگری در اهواز شده است. وحشتناک‌تر از همه وضعیت درب‌وداغان و فرسوده آمبولانسی است که این انتقال در آن صورت می‌گیرد. پرستار همراه به‌خاطر گرمای

جانکاه مجبور شده است که با کارتن به این دختر چهارده‌ساله باد بزند تا گرما را تحمل کند و زنده بماند. مادر این دختر درحالی‌که گریه می‌کند، فریاد می‌زند و می‌پرسد مسئولین کجا هستند. او می‌پرسد چرا تو فکر صندلی‌هایتان هستید و به فکر اینها نیستید.

شنیدن صدای پر اضطراب مادری که دخترش در چنگال مرگ اسیر شده است برای هر شنونده‌ای دردآور است. این صدای استیصال نیست. این صدای خشم و اعتراض است. صدای مطالبه‌گری جامعه‌ای است که حق خود را می‌خواهد. صدای مادر و شهروندی است که به حق خود آگاه است. می‌داند که حقش و نصیبش از زندگی بیشتر از این باید باشد. حق دخترش بیشتر از آن آمبولانس

اسقاطی است که خدمه آن و بیمارانی که با آن منتقل می‌شوند، متأسفانه باید صبح تا شب تاوان دزدی‌ها و اختلاس‌های یک عده مافیای سرمایه‌دار و یک‌مشت آیت‌الله میلیاردر را بدهند.

درعین‌حال، صدای این مادر، صدای "شوش" است. صدای اعتراض تمام مردم به‌جان‌آمده است.

روزی که این زن و میلیون‌ها شهروند دیگر بتوانند اعتراضاتشان را در تشکل‌های مردمی، محلی و سراسری متحدانه اعلام کنند، روزی است که بساط این مافیای سرمایه‌داران برچیده خواهد شد. انقلاب زن زندگی آزادی، صرف‌نظر از فراز و نشیب‌هایش، مدت‌هاست که فراخوان همبستگی مردم بر علیه رژیم اسلامی را اعلام کرده است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۴۹

۵ ژوئن ۲۰۲۴ – ۱۶ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

درباره کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری

دو سوال از اصغر کریمی

”انتخابات“ انتصاباتی یا انقلاب، راه کدام است؟

سینا پدرام

اهدای جایزه بین‌المللی ”هاول“ به توماج صالحی

محسن ابراهیمی

عروج راست افراطی و پناهجوستیزی

سیاوش آذری

درباره کنگره سیزدهم
حزب کمونیست کارگری

دو سوال از اصغر کریمی

کنگره حزب کمونیست کارگری در روزهای ۱۱ تا ۱۳ خرداد (۳۱ مه تا ۲ ژوئن) برگزار شد. برجسته‌ترین ویژگی کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری چه‌ها بودند؟

اصغر کریمی: اصلی‌ترین ویژگی شرایط سیاسی بیرون ما است که کنگره در آن برگزار می‌شد. این کنگره پس از شروع انقلاب زن زندگی آزادی است، انقلابی که همه چیز را به معنی واقعی کلمه تغییر داده است. از جمله تأثیرات مهمی روی خود

ما گذاشته است. البته نه اهداف و مبانی فکری و سیاسی ما، بلکه روی سبک و شیوه فعالیت سیاسی و میدانی که بخش مهم و حیاتی فعالیت حزب است.

اما خود کنگره سیزدهم نیز ویژگی‌هایی داشت که به نظر من آن‌هم متأثر از انقلاب بود، از مضمون مباحث و قرارها و قطعنامه‌ها تا مهمانان کنگره، و از گزارشات مسئولین حزب تا پیام‌هایی که طیف گسترده‌ای از فعالین از ایران به کنگره فرستاده بودند. یک ویژگی دیگر طیف جوانانی بودند که در کنگره حضور داشتند، عضو هیئت‌رئیسه کنگره بودند و برخی از آنها به عضویت در کمیته مرکزی نیز انتخاب شدند. مهمانانی با تفکرات سیاسی مختلف در کنگره حضور داشتند که در همین دوره انقلاب با فعالیت حزب و فعالین حزب در

کارزارهای مختلف آشنا شده بودند و آمده بودند تا از نزدیک آشنایی بیشتری با حزب پیدا کنند. بعلاوه طبق معمول کنگره‌های حزب علنی بود و تمام لحظات آن از تلویزیون کانال جدید و مدیای اجتماعی پخش می‌شد.

این کنگره حزبی بود که در کانون‌های داغ مبارزه از مراکز کار و دانشگاه‌ها و مدارس تا اعتراضات بازنشستگان، از مبارزات زنان علیه بی‌حجابی و آپارتاید جنسیتی تا مبارزات جوانان، حضور دارد و نقش تأثیر گذاری ایفا می کند. انقلاب زن زندگی آزادی هزاران فعال و سازمانده را در داخل و خارج کشور به میدان مبارزه کشانده بود که هر کدام نقش ویژه و تأثیر گذاری ایفا کردند و با کوله‌باری از تجربه در صحنه مبارزه حضور دارند. گزارشات

مسئولین ارگان‌های روبه‌داخل و خارج حزب و کارزارها نیز ملهم از تأثیر این طیف وسیع فعالین و آشنایی و همکاری با آنها بود.

باتوجه‌به قطعنامه‌ها و قرارها و بحث‌هایی که در کنگره مطرح شد، این کنگره چه چشم‌اندازی را در مقابل حزب قرار می‌دهد؟

اصغر کریمی: آنچه در چشم‌انداز قرار دارد نیز تحت‌تأثیر تحولات سیاسی به‌ویژه در بیست ماه گذشته تغییر زیادی کرده است. روحیه مبارزاتی مردم تغییر کرده، امید به پیروزی در میان مردم موج می‌زند، جنبش‌های وسیعی فعال هستند و همانطور که در پاسخ به سؤال قبل توضیح دادم، طیف وسیعی از فعالین خوش‌فکر، مدرن و آزادی‌خواه به میدان

آمده‌اند که شناخت و آشنایی با آنها، همراهی و همکاری با آنها و معرفی حزب به آنها در داخل و خارج کشور از اولویت‌های حزب است. در گزارش هیئت اجرایی که به کنگره ارائه دادم گفتم که علی‌رغم اینکه شاهد تظاهرات‌ها و تجمعات خیابانی گسترده نیستیم؛ اما انقلاب در میانه راه است، دلایل و انگیزه‌هایی که به انقلاب منجر شده نه‌تنها کاهش نیافته؛ بلکه عمیق‌تر شده است، علی‌رغم سرکوب هر روزه روحیه جامعه بالاست، فضای انقلابی در جامعه حاکم است، دانشگاه‌ها مرکز جدال هر روزه است، کردستان به‌عنوان یک سنگر محکم انقلاب همچنان پرتحرک است، بازنشستگان هر روز رادیکال‌تر، متشکل‌تر و آگاهانه‌تر تجمع می‌کنند، بی‌حجابی بارزترین نمود تداوم انقلاب است و به این معنی قدرت دوگانه‌ای جریان دارد و هر لحظه

شاهد موج‌های بعدی انقلاب هستیم. روشن است که در چنین شرایطی چه وظایف سنگینی روی دوش حزب قرار دارد.

نفس دستگیری هر روزه طیف وسیعی از فعالین اجتماعی، دانشجو، معلم، کارگر، زن بی‌حجاب، نویسنده، فعال مدیای اجتماعی، دستگیری به جرم بهائی بودن، به جرم دادخواهی و به هزار جرم دیگر نشان می‌دهد که با جامعه‌ای در جوش‌وخروش و حکومتی وحشت‌زده مواجهیم. بی‌حجابی میلیونی در جریان است، جنبش علیه اعدام فعال است، اعتصابات کارگری و اعتراضات طیف‌های مختلف مردم و افشای مقامات و ارگان‌های حکومت در سراسر کشور هر روز و هر لحظه جریان دارد و این‌قدر طیف فعال و سازمانده در جامعه گسترده

است که رژیم را واقعاً کلافه کرده و یک‌صدم آنها را هم قادر نیست دستگیر کند. همین روزها شاهد مراسم بزرگ خاک‌سپاری مظفر صالح‌نیا، یک فعال کارگری، سیاسی، خوشنام و محبوب در سنندج بودیم، مراسمی که یک آکسیون سیاسی علیه حکومت بود؛ اما رژیم قادر به جلوگیری از آن نبود. در خارج نیز تحرکات ایرانیان در شهرها و کشورهای مختلف بالاست. از این مثال‌ها بسیار زیاد است. اینها نمودهای بارز یک جامعه سر پا است و روشن است که حزبی که در میدان حضور دارد، دنیایی کار در مقابل خود دارد.

"انتخابات" انتصاباتی یا انقلاب، راه کدام است؟

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌هامجتبی‌ذوالنوری،نایب‌رئیس پیشین مجلس گفت: "رئیس‌جمهور باید روحیه انقلابی و ارزشی داشته باشد، به‌گونه‌ای که رهبری نفس راحتی بکشد و با کسانی که سکان‌دار اداره کشورند، در چالش نباشد." این خادم درگاه بیت رهبری حکمت "انتخابات" انتصاباتی را به همین سادگی بیان کرده است. در همین رابطه، محمدرضا نقدی، معاون هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران گفت: "در انتخابات پیش‌رو باید ببینیم چه کسی در مسیر رهبری است و با او زاویه نمی‌گیرد، او را باید مبنا

برای انتخاب قرار دهیم.“ نقدی افزود: ”مسئله ولایت‌مداری رئیسی از مسئله خدمتگزاری او به‌مراتب مهم‌تر بود.“

خوب این بنده خدا هم موضوع انتخابات را بی‌رودربایستی اعلام کرده است که چاکر منشی بیت رهبری اصل اول ”انتخابات“ است. شمخانی مشاور سیاسی رهبر هم نوشت: ”همه کاندیداها و هوادارانشان باید به یاد داشته باشند که ادب مرد به زِ دولت اوست.“ تفسیر و توضیح این ”معما“ و ”سخن حکیمانه“ را به عهده خوانندگان می گذارم.

موضع و مشغله باندهای مافیای اسلامی، از خامنه‌ای تا پادوهای دستمال به دست ایشان در مورد انتخابات

کاملاً روشن است. قداره‌بند بعدی باید بهتر از رئیسی به روی مردم و انقلاب شمشیر بکشد. سوی دیگر قضیه مردم و مشکلات اقتصادی و اجتماعی ۸۵ میلیون گروگانی است که در دست این مافیای اسلامی سرمایه‌داری اسیر و عاصی شده‌اند.

اما در این محاسبات، انقلاب زن زندگی آزادی مهم‌ترین فاکتور واقعی و تحلیلی عرصه سیاسی ایران است. این انقلاب توانایی‌ها و خلاقیت‌های بسیاری در جامعه دامن زده است و چالش‌های اساسی را در برابر رژیم اسلامی قرار داده است.

جامعه لوح نانوشته‌ای نیست که با یک "انتخابات" انتصاباتی و مضحک، فرمان "نقطه سر خط" را به آن

داد. معضلات اقتصادی اجتماعی در ایران راه‌حل انقلابی دارد نه راه‌حل "انتخاباتی". حجاب، فقر، اعدام، خفقان، جهل و خرافه پراکنی، کمبود مدرسه و بیمارستان و در یک کلام نبود کرامت انسانی حاصل وجود این رژیم اسلامی مافیایی سرمایه‌داری است. نمایش مضحک "انتخابات" یکی از راه‌حل‌های رژیم برای ادامه حیات ننگینش در مقابل این معضلات است. انقلاب اما راه‌حل مردم برای ساقط کردن نظام اسلامی و به‌دست آوردن تمامی خواسته‌هایشان در یک نظام انسانی است.

اهدای جایزه بین‌المللی "هاول" به توماج صالحی

محسن ابراهیمی

بنیاد حقوق بشر (HRF) در تاریخ سوم خرداد (۲۳ مه) خبر داده بود که جایزه واتسلاو هاول در سال ۲۰۲۴ را به‌صورت مشترک به توماج صالحی، خواننده ایرانی محکوم‌به‌اعدام و دو هنرمند اویغور و ونزوئلایی اهدا می‌کند. انجمن آزادی اسلو روز سه‌شنبه ۱۵ خرداد، در شانزدهمین نشست خود در اسلو در پایتخت نروژ، در یک مراسم تجلیل و قدردانی، جایزه بین‌المللی سالانه «هاول» را به توماج به‌عنوان یکی از سه دریافت‌کننده آن اهدا کرد.

هنگام اهدای جایزه، در متن قرائت شده از طرف انجمن آزادی اسلو اعلام شد که توماج محکوم‌به‌اعدام در پشت میله‌های زندان است و نمی‌تواند در این مراسم شرکت کند. در این متن با اشاره به سخنان توماج در باره امید که گفته بود «مرگ اصلی ناامیدیه، اگه ناامید بشیم حرکت نمی کنیم. منفعل میشیم. اگر حرکت نکنیم تمام شانس‌ها و فرصت‌هایی که داریم را از دست می‌دهیم»، از او همچون «بارقه امید، نماد مقاومت و مدافع خستگی‌ناپذیر حقوق بشر» یاد شد که مردم ایران او را «پسر ایران و قهرمان خطاب می کنند.» انسانی که از «عشق، صلح، همبستگی و امید» صحبت می کند؛ اما جمهوری اسلامی او را با اتهام «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم می کند؛ انسان مبارزی که حکومت از شجاعتش، شجاعتی

که «دیوار ترس از دیکتاتوری را به لرزه درآورد و از بین برد» می‌ترسد؛ انسانی که حکم اعدام گرفته است؛ چون به صدای مردم، آسیب‌دیدگان اعتراضات، خانواده کشته‌شدگان و معترضانی تبدیل شده است که با نیروهای امنیتی حکومت مبارزه کردند.

انجمن آزادی اسلو در متن قرائت شده روی سه نکته مهم هم تأکید کرد: اولاً اعلام کرد که در نبود حمایت دول غرب، جمهوری اسلامی می‌تواند معترضان بیشتری را به قتل برساند؛ ثانیاً، اعلام کرد که با وجود سرکوب‌ها، اعدام‌ها و زندانی کردن‌ها، مردم ایران همچنان برای آزادی مبارزه می‌کنند؛ و بالاخره، خطاب به حاضران در مراسم فراخوان داد برای آزادی توماج از چنگ حکومت

اسلامی تلاش کنند.

تعلق جایزه بنیاد حقوق بشر به توماج صالحی یک‌بار دیگر نشان می‌دهد که از یکطرف جنایات حکومت اسلامی بیش‌ازپیش در جهان محکوم می‌شود، و از طرف دیگر تلاش و عزم و شجاعت مردم برای به پایین کشیدن جمهوری اسلامی در جهان بیش‌ازپیش همبستگی جلب می‌کند و همه اینها قطعاً نقش مشوق مردم در مقاومت و مبارزه علیه حکومت اسلامی را ایفا می‌کند.

عروج راست افراطی و پناهجوستیزی

سیاوش آذری

ونسان کوشتل، فرستاده ویژه دفتر امور پناهجویی سازمان ملل در مرکز و غرب حوزه مدیترانه، ضمن ابراز نگرانی از تشدید سیاست‌های مهاجرستیزانه در اتحادیه اروپا گفت که چنین رویکردی می‌تواند بر سیاست سایر کشورهای مهاجرپذیر تأثیر منفی بگذارد. این در حالی است که راست افراطی در اروپا در حال عروج است و دولت‌های اروپایی نیز بر طبل مهاجرستیزی می‌کوبند و هم‌صدا با راست افراطی پناهجویان و مهاجران را عامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی که در واقع محصول سیستم سرمایه‌داری است، قلمداد می‌کنند.

مسئله مهاجرت و پناهجویان از چند جنبه قابل‌بررسی است. اولاً، بزرگ‌ترین عامل مهاجرت افراد از محل زندگی خود مصائب اقتصادی و محرومیت از مواهب یک زندگی در شأن انسان، فشار سیاسی و سرکوب، تهدید به زندان و شکنجه و اعدام به‌خاطر باورهای سیاسی و عقیدتی، تبعیضات ملی، قومی، نژادی و جنسیتی، جنگ و نسل‌کشی است که در تاریخ معاصر تمامی اینها چیزی جز نتیجه ضروری کارکرد روابط سرمایه‌دارانه و دولت‌ها و سیاست‌های برآمده از آن نبوده است. حکومت اسلامی در ایران، جنگ میان نیروهای نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی، عربستان، ترکیه و آمریکا در سوریه، لشکرکشی پوتین به اوکراین، جنگ میان نیروهای مختلف

اسلامی و قوم‌گرا در سودان از جمله نمونه‌ها در تأیید این ادعا هستند.

ثانیاً سیاست دولت‌های حاکم بر کشورهای "مهاجرپذیر" در بر سر کار آوردن و مماشات با دول مرتجع و دیکتاتوری حاکم بر کشورهای مبدأ برای تأمین منافع اقتصادی و کسب سود عامل مهمی در شکل‌گرفتن تراژدی پناهجویان است. بعلاوه، دول مقصد با بکار گرفتن مهاجران در کارهای سخت و طاقت‌فرسا و محروم‌کردن آنان از بسیاری از حقوق اجتماعی هم نرخ سود سرمایه را افزایش می‌دهند و هم موجب کاهش ارزش متوسط اجتماعی نیروی کار می‌گردند. این دول همچنین با نشانه گرفتن مهاجران و پناهجویان به‌عنوان علت بحران مزمن اقتصادی، بیکاری و

فقر نسبی، سیاست‌های ریاضت اقتصادی خود را توجیه کرده و اذهان عمومی را از ریشه اصلی مشکلات اجتماعی و اقتصادی منحرف می‌نمایند.

آخر اینکه بنا بر ماده سیزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر تعیین محل اقامت و زندگی از جمله حقوق پایه‌ای هر فرد است. پایمال کردن این حق تحمیل عقب‌گرد از دست‌آوردهای انسانی به جامعه است. دفاع از حقوق پناهجویان و مهاجران جزو لاینفک دفاع از حقوق انسان‌ها و انسانیت است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۰

۶ ژوئن ۲۰۲۴ – ۱۷ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

هذیان‌های یک حکومت مدافع حجاب

سیما بهاری

محیط‌زیست و حکومت فاجعه

کاظم نیکخواه

انتخابات، دیکتاتوری، دمکراسی، آزادی

کیوان جاوید

قطعنامه شورای حکام علیه برنامه هسته‌ای حکومت اسلامی

محسن ابراهیمی

هذیان‌های یک حکومت مدافع حجاب

سیما بهاری

روح‌الله مؤمن نسب می‌گوید: "بی‌حجاب‌ها یا نفوذی‌اند و یا مشکل روانی دارند."

روح‌الله مؤمن نسب را می‌شناسید؟ او مهرهٔ شناخته شده‌ای است که نامش با فیلترینگ اینترنت گره‌خورده است. از مدافعان اصلی "طرح صیانت از فضای مجازی" است. او معتقد است "اگر یکی دو نفر از فروشندگان وی‌پی‌ان را به‌عنوان مفسدفی‌الارض اعدام کنند، بقیه دست و پایشان را جمع می‌کنند."

تمام این اظهارات مشعشع از تراوشات مغز پوسیده

روح‌الله مؤمن نسب است و حالا در رابطه با بی‌حجابی اظهاراتش را می‌شنویم. جمهوری اسلامی در دوران حیاتش در هر مخمصه‌ای گیر کرده و نتوانسته راه‌حلی برای برون‌رفت از آن پیدا کند، می گوید "کار دشمن خارجی" است. از پس بی‌حجابی بر نیامدند. لوایح و گشت ارشاد و حجاب‌بان از پس زنان بی‌حجاب بر نیامدند. حالا متوسل به همان ریسمان همیشگی شده‌اند: کار "اجنبی" است. بی‌حجاب‌ها فریب‌خورده‌اند و انگ دیگر اینکه روانی هستند. البته این حکم تازه‌ای نیست. مگر قبلاً هم بی‌حجاب‌ها را به مراکز روان‌شناسی ارجاع نداده‌اند؟! مگر برای تنبیه به کار در غسالخانه "محکوم" نکرده‌اند؟!

حکومت با ارجاع یک معترض علیه حجاب اجباری به روان‌شناس و کار در غسالخانه قصد دارد زنان

بی‌حجاب را تحقیر کند. از نظر خود مردم مراجعه خود انسان‌ها به روان‌شناس یا کار در غسالخانه هیچ ایرادی ندارد، اما همین مردم به ارجاع بی‌حجاب به روان‌شناس و کار در غسالخانه توسط حکومت به‌عنوان تنبیه اعتراض می‌کنند.

مردم با ارزش‌ها و قوانین حکومت سر جنگ دارند. حکومت به هر دروغی و به هر شگردی متوسل می‌شود تا قوانینش را در حلق جامعه فروکند. اما بی‌فایده است. زنان و مردان شجاع نمی‌پذیرند. می‌جنگند و هر آنچه بوی تعفن و گندیدگی دارد را پس می‌زنند. اگر روزی هزار بار زنان بدبختی چون انسیه خزعلی و جمیلهٔ علم الهدا آمار دروغین از وضع بد زنان غربی ارائه دهند و از خوشبختی زنان در کشور اسلام زدهٔ ایران بگویند، نسل جوان فقط

مسخره می کند و راه خودش را می‌رود. حجاب سنگر فتح شده به دست انقلابیون زن زندگی آزادی است. با رجزخوانی عنصر مرتجع و عقب‌مانده‌ای چون مؤمن نسب باز پس گرفته نمی‌شود. مردم دشمن خوشبختی خودشان را خوب می‌شناسند. می‌دانند که دشمنشان همین‌جاست و همین‌جا دارند گورش را می کنند.

محیط‌زیست و حکومت فاجعه

کاظم نیکخواه

پنجم ژوئن برابر ۱۶ خرداد روز جهانی محیط‌زیست است. در این روز مهم‌ترین خبر محیط زیستی در ایران آتش‌سوزی جنگل‌ها است. در واقع محیط‌زیست نیز یکی از قربانیان حکومت است. نابودسازی جنگل‌ها، تخریب منابع آبی، آلوده‌سازی مداوم هوا، نابودی خاک و زمین‌های کشاورزی، نابودسازی حیات‌وحش، و بسیاری جنبه‌های دیگر به حد فاجعه رسیده و متخصصان محیط‌زیست مدام هشدار می‌دهند. اما به‌جای اقدامی برای مقابله با فجایع، خود این متخصصان زندانی و شکنجه می‌شوند و حتی به قتل می‌رسند.

در روزهای اخیر آتش‌سوزی جنگل‌ها صدها هکتار جنگل را نابود کرد. می‌گویند علت گرما و خشکی هواست. اما علت اصلی حکومتی است که قاتل جنگل‌ها و هوا و آب است. محیط‌زیست در همه جای دنیا به دلیل استفاده از سوخت‌های فسیلی و غیره در حال تخریب است. دولت‌های مختلف زیر فشار جنبش مردمی، اقداماتی از قبیل سرمایه‌گذاری روی استفاده از انرژی‌های بازیاب شونده و سالم نظیر انرژی خورشیدی و باد و ماشین‌های برقی و غیره و محدود کردن سوخت‌های فسیلی سرمایه‌گذاری می‌کنند. اما در ایران روند عکس این است. مدافعان محیط‌زیست زندانی می‌شوند، و سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه‌هایی است که بیشترین نابودسازی زیست‌محیطی را به دنبال دارد نظیر استفاده گسترده

از سوخت مازوت و سوخت‌های فسیلی و امثال آن، سد سازی‌های بی‌رویه و سیاست‌های مخرب آبی برای به کار انداختن مراکز هسته‌ای و کارخانجات تسلیحاتی، قطع مداوم جنگل‌ها، و هزاران اقدام مخرب دیگر که نابودی رودها و دریاچه‌ها و تالاب‌ها و آلودگی فاجعه‌بار هوا و آب را به دنبال دارد. برای نمونه بحران کم‌آبی باعث شده در سال‌های اخیر شماری از شهرها و روستاهای ایران را برای روزها یا هفته‌های متوالی از دسترسی به آب لوله کشی محروم کرده است. علاوه بر این بحران‌ها، هشدارها درباره گستردگی فرونشست زمین در ایران و تبعات آن ادامه دارد. اوایل اردیبهشت امسال مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی هشدار داد ۴۹ درصد جمعیت ایران روی گستره‌های فرونشست و مجاور

آن سکونت دارند. کارشناسان هشدار می‌دهند که بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب تمامی کشور را در مرحله فوق‌بحرانی قرار داده و اکنون پدیده فرونشست، تبدیل به "تهدیدی سرزمینی برای ایران" شده است.

نتیجه اینکه نجات محیط زیست نیز در گرو سرنگونی حکومت اسلامی است. مردم خود این را به‌خوبی می‌دانند و برای آن دارند مبارزه و انقلاب می‌کنند.

انتخابات، دیکتاتوری، دمکراسی، آزادی

کیوان جاوید

سه انتخابات در سه کشور موضوع اخبار رسانه‌ها است.

نارندرا مودی، در انتخابات اخیر هند پیروز شد.

مناظرهٔ داغ و پرتنش رهبران حزب محافظه‌کار و حزب کارگر در آستانهٔ انتخابات سراسری این کشور برگزار شد. در این مناظره طیفی از موضوعات متنوع از مالیات و برنامه‌های اقتصادی تا مهاجرت و سیستم درمانی مطرح شد.

در ایران از محمود احمدی‌نژاد، علی لاریجانی تا وحید حقانیان که این آخری تا همین اواخر همیشه در کنار خامنه‌ای ظاهر می‌شد، کاندید «انتخابات» ریاست‌جمهوری شده‌اند.

همه این انتخابات‌ها با نام دمکراسی انجام می‌شود و وقتی در کشوری انتخابات به درجه‌ای آزادتر باشد و نظام حاکم به همه گروه‌های سیاسی و احزاب اجازه شرکت در انتخابات را بدهد آنگاه همین آزادی در ثبت‌نام کردن در مبارزه انتخاباتی، مظهر آزادی قلمداد می‌شود. اما آیا این‌همه آن چیزی است که جامعه در انتظارش به سر می‌برد و باید به آن مباهات کند؟

تکلیف حکومت‌هایی مثل جمهوری اسلامی

مشخص است. رژیم اسلامی یک دیکتاتوری مذهبی تمام‌عیار را نمایندگی می‌کند که در آن انتخابات با هیچ معیار جهان متمدن خوانایی ندارد.

کشور هند به‌خاطر انتخاباتش مادر دمکراسی دنیا نام‌گرفته است و نارندرا مودی با کارنامه‌ای از نژادپرستی هندو یک‌بار دیگر در رأس دولت قرار گرفته است. فقر و مرگ از گرسنگی در هندوستان، این کشور «مادر دمکراسی» بیداد می‌کند.

در انگلیس ۱۵ سال است که حزب محافظه‌کار در حاکمیت است، حزب کارگر که مخالف این حزب است در نبردی نفس‌گیر برای به دست‌گرفتن دولت است.

انتخابات در همه کشورها، انتخاب میان بد و بدتر

است. هر حزبی که به قدرت می‌رسد به وعده‌های انتخاباتی خود عمل نمی‌کند و یکی با سرعت بیشتر (حزب محافظ کار) و یکی با سرعت کمتر (حزب لیبر) از رفاهیات مردم می‌زنند، بیمه‌های درمانی را محدودتر می‌کنند، سن بازنشستگی را بالاتر می‌برند، مالیات را افزایش می‌دهند و در یک کلام مردم را یک‌قدم دیگر به فقر بیشتر سوق می‌دهند.

داستان زندگی بشر با صرف انتخابات تغییر نمی‌کند. انقلاب می‌تواند زمینه مناسب برای ریشه‌کن کردن نظام طبقاتی را فراهم کند و با کندن ریشه نابرابری‌ها و کاشتن نهال برابری، همراه و هم‌زاد خود آزادی را نیز به همراه می‌آورد. آزادی و برابری لازم و ملزوم یکدیگر هستند. دمکراسی هر چند در برابر دیکتاتوری یک دستاورد بسیار مهم

مبارزه مردم است؛ اما راهی برای رهایی جامعه از بند فقر و فساد و نابرابری و بردگی مزدی نیست.

قطعنامه شورای حکام علیه برنامه هسته‌ای حکومت اسلامی

محسن ابراهیمی

روز چهارشنبه ۵ مه، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه‌ای علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تصویب کرد که توسط سه کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان پیشنهاد شده بود. با تصویب این قطعنامه، آژانس از جمهوری اسلامی خواست که به پرسش‌های بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره موارد مشکوک در برنامه هسته‌ای خود پاسخ بدهد و از ایجاد مانع در مقابل فعالیت بازرسان مجرب آژانس خودداری کند. بریتانیا، فرانسه و آلمان در بیانیه‌ای اعلام کردند که شورای حکام باید مدت‌ها پیش، از

جمهوری اسلامی در باره تعهداتش بازخواست می‌کرد و تأکید کردند که جمهوری اسلامی "باید بلافاصله، به طور کامل و بدون هیچ ابهامی با آژانس همکاری کند."

تاکتیک جمهوری اسلامی تاکنون این بود که در آستانه اجلاس شورای حکام دیداری با مدیرکل آژانس ترتیب می‌داد، وعده‌هایی می‌داد تا از صدور قطعنامه علیه خودش ممانعت کند و ماجرا به شورای امنیت سازمان ملل نکشد. بعد از اینکه خیالش از عدم صدور قطعنامه راحت می‌شد، زیر همه وعده‌هایش می‌زد، هم حجم و هم غلظت اورانیوم غنی شده را بالا می‌برد و عملاً فاصله زمانی برای رسیدن به ساخت بمب اتم را کوتاه‌تر می‌کرد و در آستانه اجلاس جدید شورای حکام

بار دیگر همان سناریو تکرار می‌شد. حکومت اسلامی سال‌هاست که آژانس را با این روش و حقه‌بازی دیپلماتیک سرکار گذاشته است تا نهایتاً به هدف اصلی‌اش برسد که همان مسلح شدن به سلاح اتمی است.

این بار این تاکتیک شناخته شده حکومت اسلامی نگرفت و بلافاصله مقامات حکومت دست به تهدید برای اخاذی سیاسی زدند. تصویب قطعنامه را "اشتباه محاسباتی" خواندند که "نتیجه معکوس" خواهد داشت. یعنی اینکه غنی‌سازی اورانیوم را با سرعت بیشتری پیش خواهند برد. مدتی پیش هم، سران حکومت علناً دست به تهدید علنی زده بوند که اگر زیر فشار باشند ناگزیر"دکترین هسته‌ای" حکومت تغییر خواهد کرد.

روشن است که دنیا بدون جمهوری اسلامی مسلح به بمب هسته‌ای قطعاً دنیای امن‌تری است. قطعنامه شورای حکام پیشرفت هر چند کوچک علیه ماجراجویی اتمی جمهوری اسلامی است؛ اما ابداً کافی نیست. تکلیف حکومت اسلامی را باید پیش از رسیدن به سلاح اتمی یکسره کرد. این کار فقط و فقط با نابودی کامل این حکومت امکان‌پذیر است. رسیدن به این هدف بدون یک انقلاب تمام‌عیار پیروز ممکن نیست.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۱

۸ ژوئن ۲۰۲۴ – ۱۹ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

از انتخابات قلابی خودشان هم وحشت دارند

اصغر کریمی

فراخوان برای ارسال مستندات

حسن صالحی

همه با هم در دفاع از زندگی حسین شنبه‌زاده

کیوان جاوید

یاوه‌های میرسلیم علیه دو روز تعطیلی هفتگی

سینا پدرام

مضحکه انتخابات - کمدی سیاه

رضا درویش

از انتخابات قلابی خودشان هم وحشت دارند

اصغر کریمی

هنوز کاندیدها از برنامه‌های خودشان و در واقع لاف و گزاف‌های توخالی چیزی نگفته‌اند، وزیر اطلاعات و هیئت نظارت بر مطبوعات تهدیدهایشان را شروع کرده‌اند. نگرانی در حکومت حتی از همین انتخابات قلابی موج میزند. رسانه‌های مجاز و خودی را تهدید کرده‌اند که مبادا علیه انتخابات چیزی بگویند. خامنه‌ای گفته است "بدگویی، تهمت و لجن‌پراکنی به آبروی ملی لطمه می‌زند". جلسه‌ای در سطح روسای قوا و وزیر اطلاعات و صدا و سیما برگزار کرده‌اند که ببینند چه خاکی به سر خود بریزند. شکنندگی

در صفوف حکومت آشکارتر از هر زمان خود را نشان میدهد.

اینها همه ترس از مردمی است که بن‌بست‌ها و وحشت حکومت را تشدید کرده‌اند و منتظرند از هر فرصتی برای پیشروی خود استفاده کنند. وزیر اطلاعات باز هم دشمن یعنی اکثریت مردم متنفر از حکومت را آدرس کرده و گفته است که "با برنامه مخرب معاندین خارج‌نشین" باید مقابله کرد. اگر فضای انتخاباتشان را باز کنند و صلاحیت کاندیدهای اصلاح‌طلبان و اصولگراهای تکه‌پاره شده را تایید کنند "لجن‌پراکنی" علیه همدیگر و شکاف‌ها بالا میگیرد و مردم هجومشان را شروع میکنند و اگر فضای انتخاباتشان را ببندند و امکان رقابت میان باندهای مختلف را از میان ببرند

انتخاباتشان حتی از انتخابات قبلی هم بی‌رونق‌تر میشود. دستشان بسته است و قدرت مانور ندارند و بعلاوه بیش از هر زمان نیاز دارند که رئیس جمهور بعدی مثل رئیسی دربست مطیع رهبر باشد.

اما هر سیاستی در پیش بگیرند هم مردم، مثل همیشه، آبرویی برای هیچ کاندیدی باقی نخواهند گذاشت و هم حتی حریف خودی‌ها هم نخواهند شد و باید منتظر افشاگری‌ها و آبروریزی‌ها باشند. در شرایطی که بیش از دو سوم مقامات دوره‌های قبلتر و بخش زیادی از آیت‌الله‌ها و مراجع "تقلید" مغضوب شده و ناامید و ناراضی هستند، و حلقه تنگ هسته اصلی قدرت بیش از هر زمان کوچکتر و بی‌اعتبارتر شده است، کنترل

همزمان مردم و مدیریت خودی‌های ناراضی غیر ممکن است.

شکاف‌ها بیش از پیش سر باز میکند و حکومت از همیشه ضعیف‌تر از صندوق بیرون میاید. گسترش بی‌حجابی، گسترش اعتصابات و تجمعات کارگران، معلمان و بازنشستگان، آمادگی مردم در کردستان و سیستان و بلوچستان، تحرکات مختلف جوانان و مالباختگان و سایر اقشار مردم و تجمعات در خارج کشور، عکس‌العمل مردم به شکاف‌ها، بن‌بست‌ها و بحران تشدیدشونده حکومت خواهد بود. آمادگی همه‌جانبه مردم اساس مساله است.

فراخوان برای ارسال مستندات

حسن صالحی

کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل در ارتباط با نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی باتوجه‌به تمدید مأموریتش از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل، فراخوان خود برای ارسال مستندات به این کمیته را تمدید کرده است. این کمیته تصمیم دارد حجم زیادی از شواهد و مدارک مرتبط با نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اعتراضاتی که از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد، به‌ویژه موارد نقض مربوط به زنان و کودکان را، به طور جامع و مؤثر، مستندسازی،

راستی‌آزمایی، تثبیت و حفظ و نگه‌داری کند.
این کمیته درعین‌حال از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل موظف شده است تا در پنجاه و هشتمین جلسه این شورا، در اسفند ۱۴۰۳، گزارش و توصیه‌های خود را به این شورا ارائه کند.

این کمیته که به تاریخ ۲۹ آذر ۱۴۰۱ تشکیل شد، در اولین گزارش خود به شورای حقوق بشر سازمان ملل به تاریخ ۲۸ اسفند ۱۴۰۲ اعلام کرد که عملکرد جمهوری اسلامی از نقض حقوق بشر فراتر می‌رود و مصداق "جنایت علیه بشریت" است. این حقیقتی است که ما بارها بر آن تأکید داشته‌ایم و تأیید این موضوع از سوی یک نهاد

وابسته به سازمان ملل یک موفقیت بزرگ برای مردم ایران و یک شکست بزرگ برای جمهوری اسلامی بود.

از سوی دیگر کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل در گزارش خود تأکید داشت که برای پاسخگو کردن و همچنین پیگیرد قضایی مرتکبین به جنایت علیه بشریت و ناقضین حقوق بشر مکانیسمی وجود داشته باشد. اکنون بر اساس گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل و بر مبنای اصل صلاحیت قضایی جهانی، راه برای پیگرد و محاکمه جهانی جمهوری اسلامی کاملاً باز و هموار شده است.

اینها را باید به‌حساب دستاوردهای انقلاب زن

زندگی آزادی و جان‌فشانی‌های زنان و مردانی گذاشت که برای رهایی از چنگال جمهوری اسلامی جسورانه به خیابان آمدند و پیمان بسته‌اند تا پایان در صحنه بمانند. حضور پُررنگ انقلاب زن زندگی آزادی و فعالین آن در مجامع بین‌المللی بدون شک هر چه بیشتر عرصه را بر جمهوری اسلامی تنگ‌تر خواهد کرد و امکان لابی‌گری این حکومت جانی را محدود خواهد نمود. از همین رو بسیار اهمیت دارد که با کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل همکاری کنیم تا جمهوری اسلامی به‌پای میز محاکمه کشیده شود.

همه با هم در دفاع از زندگی حسین شنبه‌زاده

کیوان جاوید

دادستان رژیم در اردبیل می‌گوید که اتهام‌های حسین شنبه‌زاده، فعال شبکه اجتماعی، مترجم و ویراستار، "ارتباط با افسران رده‌بالای موساد"، "اهانت به مقدسات" و "تلاش برای خروج از کشور" است. حسین شنبه زاده در تاریخ ۱۱ خرداد بازداشت شد.

سر رژیم اسلامی، این هیولای مفلوک اما زخم‌خورده و خون‌ریز را باید به سنگ زد و همه مردم ایران را از شر این حکومت رهانید. این حکومت هر چه در داخل و خارج ضربات سهمگین‌تری می‌خورد

انتقامش را از مردم می‌گیرد. پرونده‌سازی‌های امنیتی و به خطر انداختن جان و سلامت زندانیان سیاسی و غیر سیاسی از جمله تخصص‌های ویژه این حکومت ضدبشری است.

همه با هم و باقدرت هرچه‌تمام‌تر صدای حسین و خانواده نگرانش باشیم. در ایران و جهان به هر شکل ممکن به رژیم اسلامی نشان بدهیم که انقلاب زن زندگی آزادی فرزندان خود را در آغوش گرم خود می‌گیرد و نه‌تنها تنهایشان نمی‌گذارد که همچون طوفان به جان قاتلین مردم می‌افتد. این قدرت را به حکومت نشان بدهیم.

بازتکثیر بیانیه خانواده حسین شنبه زاده

بیانیه خانواده حسین شنبه‌زاده در رابطه با وضعیت وی پس از بازداشت

اتهامات سنگینی که علیه نور دیده ما مطرح شده است، باتوجه‌به فعالیت حسین باهویت حقیقی‌اش در فضای مجازی قابل‌توجیه نیست.

ما در درجه اول نگران سلامتی حسین هستیم؛ چرا که از نهاد دستگیرکننده و محل نگه‌داری او مطلع نیستیم. او باید ابتدا از حقوق اولیه یک زندانی برخوردار باشد.

انتساب اتهاماتی سنگین به حسین به فاصله کمتر از ۲۴ ساعت از دستگیری، بدون برخورداری

از حق ارتباط به با وکیل و خانواده جای سؤال و نگرانی دارد.

ادعای متواری شدن حسین نیز قابل توجیه نیست؛ حسین از مدت‌ها قبل در شبکه ایکس از قصدش برای سفر به اردبیل سخن گفته بود و حتی تا ساعتی قبل از دستگیری نیز در همین شبکه از شهر اردبیل سخن می‌گفت و از خودش عکس منتشر می‌کرد.

شما حسین شنبه‌زاده را می‌شناسید. از پیامد این اتهامات سنگین نیز آگاهید. لطفاً در رسیدن صدای ما به گوش دلسوزان، کمک‌حال ما باشید.

یاوه‌های میرسلیم علیه دو روز تعطیلی هفتگی

سینا پدرام

مصطفی میرسلیم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بیان اینکه "طرح تعطیلی شنبه‌ها مشابهت‌هایی با یهودیان دارد"، به "خبرآنلاین: گفت: "کشوری که می‌خواهد رتبه اول را در منطقه به دست آورد و رشد سالانه‌اش ۸ درصد باشد، نیازمند اضافه‌کار همه ما است و نه اضافه‌کردن تعطیلی."

دو روز تعطیل در هفته یک خواست اساسی برای همه مردم ایران به شمار می‌رود و به اهمیت آن در بهبود سلامت جسمی و روانی کارگران، کارمندان

و حتی دانش‌آموزان و غیره در یادداشت‌های دیگر خواهم پرداخت.

میلیاردرهای اسلامی مانند میرسلیم بدون شک برای پُر کردن جیب خود و حساب‌های بانکی مفت‌خورهای میلیاردر مشابه خود با این مطالبه انسانی مقابله کرده و به بیهوده‌گویی خواهند پرداخت.

در دوره و زمانه‌ای که ۲ روز تعطیلی شنبه و یکشنبه در بسیاری از کشورها به قانون مبدل شده و رعایت می‌شود، تحمیل یک روز تعطیلی آخر هفته به هر بهانه‌ای چیزی نیست جز بی توجهی محض به نیاز میلیون‌ها انسان به استراحت و تمدید انرژی و بی مبالاتی ویژه سران رژیم در شناسایی حقوق

انسانی مردم.

از سوی دیگر و به‌ویژه در دنیای ارتباطات و مبادله و سیستم بانکی بین‌المللی، تعطیلی روز جمعه امری است که از جانب کارشناسان زاید تلقی می‌شود. ازاین‌رو، دو روز تعطیلی روزهای شنبه و یکشنبه، از زوایای مختلف بسیار اهمیت دارد. "یهودی" خواندن خواست تعطیلی روزهای شنبه، صرف‌نظر از یهودی‌ستیزانه بودنش که یک ویژگی خاص فاشیسم اسلامی است، بهانه‌ای پوچ برای استثمار مردم زحمت‌کش در ایران است.

ادعای اینکه برای رشد ۸ درصدی در سال نیاز به "اضافه کاری" است، حرف تمامی سرمایه داران داخلی و خارجی است. قطعاً منفعت یک

درصدی‌های مفتخور، در تناقض و تقابل کامل با منافع ۹۹ درصد جامعه است. "شکوفایی" اقتصادی برای مافیای اسلامی معنایی جز پُر شدن جیب این حضرات و فقر مضاعف برای مردم ندارد. با دو روز تعطیلی هفتگی می‌توان در مقابل این تعرضات بهتر مقابله کرد.

مطالبه دو روز تعطیلی در کنار مطالبت دیگر مانند ممنوعیت اضافه کاری، تقلیل مستمر کار هفتگی به ۳۵ ساعت و کمتر و غیره از خواست‌های انسانی جوامع مدرن امروزی است. طبقه کارگر و همه مزدبیگران باید با این خواست‌ها نیز به جنگ سرمایه داران و حکومت سرمایه داری اسلامی در ایران بروند.

مضحکه انتخابات – کمدی سیاه

رضا درویش

در میانه مضحکه انتخابات که این روزها در جریان است از همه مضحک‌تر می‌توان به صحنه‌های مرتبط با کاندید شدن احمدی‌نژاد اشاره کرد.

در ابتدا جمعی به درِ خانه احمدی‌نژاد می‌روند و سپس از میان جمع یک نفر که در انجام‌وظیفه پاچه خاری قابلیت بیشتری دارد دهان باز می‌کند و می‌گوید: "همه اقشار جامعه به این فهم رسیده‌اند با این روال، کار به جایی نمی‌رسد. اومدیم عاجزانه از شما خواهش کنیم آقای احمدی‌نژاد فداکاری کنید." بعد مشتی اراجیف

بهم می‌بافد که: ”دست شما رو می‌بوسیم، پای شمارو می‌بوسیم تورو خدا بیایید مردم را از این وضعیت نجات بدهید.“ در خاتمه احمدی نژاد به جماعت می‌گوید: ”دعا می‌کنیم بهترین‌ها برای ملت پیش بیاد.“

اما آنچه مسلم است این کمدی سیاه تراز آن است که حتی بتواند موجب خنده مردم بشود و در کارنامه یکایک عوامل رژیم آنقدر ردپای فساد و جنایت هست که انتخابات پیشِ رو مانند دیگر انتخابات اخیر نشان خواهد داد که این خیمه‌شب‌بازی‌ها در مسیر مبارزه مردم در جهت سرنگونی کمترین تردید و یا انحرافی ایجاد نخواهد کرد.

مردم معترض مدت‌هاست که به این درجه از آگاهی دست یافته‌اند که امکان‌داشتن یک زندگی انسانی نه با انتخابات نمایشی بلکه تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی میسر خواهد شد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۲

۹ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۰ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

جوانان در تهران در دفاع از توماج

کاظم نیکخواه

انتخابات رژیم اسلامی، انتصاب جلادی از میان جنایت کاران

عطیه نیک‌نفس

رژیم اسلامی، هوش مصنوعی و انقلاب زنانه

سیاوش آذری

دست‌فروشی زنان، دلایل و مخاطرات!

سینا پدرام

جوانان در تهران در دفاع از توماج

کاظم نیکخواه

روز گذشته ۱۹ خرداد گروهی از جوانان در تهران با دردست‌داشتن پلاکاردهایی در چهارراه‌ها از توماج صالحی، خواننده معترض، محکوم‌به‌اعدام حمایت کردند. بر این پلاکاردها عباراتی نظیر "توماج جان ماست"، "توماج صالحی را آزاد کنید" و "اعتراض جرم نیست" نوشته شده بود. قبلاً نیز تجمعات و شعاردادن‌های بسیار وسیعی از جانب جوانان در دفاع از توماج صالحی صورت‌گرفته بود. حرکت جسورانه دیروز این گروه از جوانان در تهران حرکتی فراگیر است که ادامه خواهد یافت.

صدور حکم اعدام برای توماج صالحی با موج وسیعی از اعتراض در ایران و در سطح جهان مواجه شد و حمایت از او همچنان ادامه دارد. توماج صالحی، خواننده و رَپِر معترض، آبان ۱۴۰۱ به دلیل حمایت از اعتراضاتِ زن زندگی آزادی دستگیر شد و اخیراً برای او حکم اعدام صادر شده است.

توماج در زندان زیر شکنجه‌های وحشتناک قرار گرفت؛ اما عقب ننشست و بعداً در پیام‌هایی از شکنجه‌های خود سخن گفت و اعلام کرد که کوتاه نخواهد آمد.

حکومت اسلامی حکومت زندان و شکنجه و اعدام است. این حکومت در میان مردم به‌عنوان یک نیروی بیگانه و منفور شناخته می‌شود و همچون

یک نیروی اشغالگر هیچ جایی در میان مردم ندارد. جنبش سرنگونی که در ادامه خود به انقلاب زن زندگی آزادی رسید، همه مردم را برای خلاصی از این نیروی منفور متحد کرده و عزم سرنگونی در جامعه بسیار وسیع است و زن و مرد و کودک را در بر می گیرد.

توماج صالحی با ترانه‌های خود به صدای این انقلاب در میان جوانان تبدیل شد و دستگیری و حکم اعدام برای او و دیگر معترضین عزم مردم را برای خلاصی از شر این حکومت عقب‌مانده و چپاولگر و ضد انسان بسیار بیشتر کرده است.

انتخابات رژیم اسلامی،
انتصاب جلادی از میان جنایت‌کاران

عطیه نیک‌نفس

گل‌رخ ایرایی، فعال سیاسی زندانی در اوین در نامه‌ای که روز پنج‌شنبه در صفحه "ایکس" او منتشر شد، با اشاره به برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری در ایران نوشت: "انتخابات، دیکته کردن خواست دیکتاتور به جامعه برای تکرار ادعای مشارکت مردم در سرنوشتشان است."

گل‌رخ ایرایی با فریاد اعتراض خویش از داخل زندان، همانند بسیاری از زنان و مردان مبارز و انقلابی در اسارت رژیم، زندان حکومت اسلامی را به

صحنه نبردی علیه رژیم الله تبدیل و حلقه محاصره جمهوری اسلامی به دست انقلاب زن زندگی آزادی را تنگ‌تر کرده است.

آزادی بیان یکی دیگر از حقوق انسانی است که در اسلام و به‌تبع آن رژیم اسلامی هرگز به رسمیت شناخته نشده است و یکی از بزرگ‌ترین موضوعاتی است که ۴۵ سال مردم ایران در آن نقشی ندارند و رأی و خواست آنها اصلاً تعیین کننده نبوده، انتخابات در رژیم اسلامی است.

حالا هم رژیم اسلامی به دلیل به هلاکت رسیدن رئیسی، یکی از بزرگ‌ترین جنایت کاران دنیا که در آغوش اسلام و رژیم ضدانسانی اسلامی پرورش یافته

بود، انتخابات زودهنگامی را برگزار می‌کند. البته بیش از انتخابات، این صحنه نمایش و رژه جلادان متعددی است که هرکدام خصوصیات و تبحر متفاوتی در سرکوب، شکنجه و کشتن انسان‌ها دارند.

رژیم اسلامی که در شرایط فعلی به دلیل مبارزات جسورانه مردم، چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی بسیار بی‌آبرو و درمانده است، به خیال خود می‌تواند از این مخمصه با انتصاب جلادی دیگر به سِمت ریاست‌جمهوری خود را رها کند. درحالی‌که مردم ایران سال‌هاست رژیم جمهوری اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسند و حتی زندان‌های آن را به میدان مبارزه علیه آن تبدیل نموده‌اند.

باید در ایران و تمام دنیا فریاد زد که این رژیم نماینده مردم ایران نیست؛ بلکه قاتل آنهاست و سیرک مضحک انتخاباتش همراه با زندان‌هایشان را نیز درهم شکست و بر سرشان فرود آورد. پیروزی انقلاب جاری تنها شکل ممکن تحقق آزادی‌های مدنی، از جمله آزادی بیان و حق انتخاب آزادانه، و بازگرداندن اختیار انسان به انسان است.

رژیم اسلامی، هوش مصنوعی و انقلاب زنانه

سیاوش آذری

به گزارش فاکس نیوز جمهوری اسلامی برای رصد و مقابله با بی‌حجابی و تحمیل حجاب اجباری به زنان به استفاده از هوش مصنوعی روی آورده است. همچنین لایحه همچنان سرگردان حجاب و عفاف بر استفاده از هوش مصنوعی برای شناسایی و برخورد با «مرتکبین رفتارهای غیرقانونی» و به‌کارگیری ابزارهایی مانند دوربین‌های ثابت و سیار تأکید می‌ورزد.

جدای از اینکه خود این ارقام، علی‌رغم استفاده

رژیم از به‌کارگیری این ابزار، نشانه عدم توفیق رژیم در جنگ خود علیه زنان است نکته‌ای در این خبر نهفته که باید به آن پرداخت. رژیم اسلامی علی‌رغم ایدئولوژی و گفتمان ضد مدرن و غرب‌ستیزانه خود از به‌کارگیری علوم و فن آوری‌های جدید که اتفاقاً محصولات غرب و جامعه مدرن هستند، و حتی سرمایه‌گذاری در این بخش، البته تا آنجایی که اقتصاد دزدسالار اسلامی اجازه بدهد، ابایی ندارد. در مقابل دول غربی نیز تنها هنگامی که منافع سیاسی و اقتصادی‌شان را در کشمکش با رژیم اسلامی و بلوک‌های رقیب در خطر می‌بینند اقدام به ایجاد محدودیت و جلوگیری از دسترسی جمهوری اسلامی و دیگر حکومت‌های دیکتاتوری به فن آوری‌های جدید از جمله هوش مصنوعی می‌نمایند.

این پدیده ناشی از ذات سرمایه‌دارانه مناسبات اجتماعی حاکم بر جهان امروز است. مسئله اصلی برای سرمایه و دولت به‌مثابه تظاهر سیاسی و حقوقی مناسبات سرمایه‌دارانه فراهم‌آوردن و تضمین شرایط انباشت سرمایه و افزایش سود است؛ بنابراین، آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و مدنی نه نتیجه ضروری سیستم سرمایه‌داری بلکه نتیجه مبارزات صدها ساله انسان‌ها و تحمیل آنان به سیستم موجود هستند. گرایش نظام سرمایه‌داری به ایجاد شرایط خفقان و رژیم‌های دیکتاتوری در شرایط اضطراری و بحرانی و تعلیق و حتی لغو متعاقب این آزادی‌ها قابل رویت است. تاریخ معاصر حاوی نمونه‌های فراوانی از این گرایش است. رژیم اسلامی خود یکی از نمونه‌های این شکل کارکرد سرمایه در شرایط بحرانی است.

به این معنی انقلاب زنانه جاری در ذات خود مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری از طریق مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. پیروزی نهایی انقلاب جاری تنها با درهم‌کوبیدن نظام سرمایه‌داری و ایجاد جامعه‌ای که آزادی، برابری، منزلت و رفاه شهروندان را تضمین کند میسر است.

دست‌فروشی زنان، دلایل و مخاطرات!

سینا پدرام

به گزارش "تجارت نیوز"، ازنقطه‌نظر پرویز براتی، جامعه‌شناس، قطعاً یکی از مهم‌ترین عوامل روی آوردن زنان به دست‌فروشی مشکلات معیشتی و اقتصادی است. او دراین‌رابطه گفت: "زنان مجبورند برای تأمین معاش، دوشادوش مردان کار کنند" و همچنین اضافه کرد: "جمعیت زنان دست‌فروش بعد از همه‌گیری کرونا دوبرابر افزایش پیدا کرده و زنان خانه‌داری که مجبورند به معیشت خانواده کمک کنند، به دست‌فروشی رو آورده‌اند."

دست‌فروشی دلایل متعددی و مختلفی در هر کشور

دارد، اما صرف‌نظر از مزایای آن برای خریداران، گستردگی این پدیده بدون شک نمایشگر وضعیت دشوار معیشتی مردم است. حضور زنان در این عرصه، مانند هر شاخه اقتصادی دیگر، نشان‌دهنده حضور زنان در حیات اقتصادی جامعه و شکستن تابوها و دیگر موانع سیاسی و فرهنگی در جامعه است. مانع تراشی‌های رژیم در برابر زنان حتی آنجا که می‌خواهند لقمه نانی برای خانواده خود به خانه ببرند، در واقعیت نتوانسته است زنان را "خانه‌نشین" کند.

خانه، آشپزخانه و تولیدمثل، جایگاهی است که توسط رژیم اسلامی برای زنان همواره تعریف شده است. واقعیت این است کار خانگی، کار مجانی و بدون مزدی است که در شکل میلیونی در ایران

توسط زنان هر روزه اجرا می‌شود و میلیاردها دلار به ثروت اجتماعی اضافه می‌کند.

دست‌فروشی در ایران بدون مشکلات و مخاطرات جسمی، روحی و حتی جانی نیست و دست‌فروشان مورد تعرض نیروهای به‌اصطلاح "انتظامی"رژیم قرار میگرند. زنان دست‌فروش در متروهای تهران وضعیت کاری خود را "نشستن در تونل مرگ و تحقیر برای امرارمعاش! " تعریف می‌کنند. اما می‌توان با این تعرضات مقابله کرد.

ایجاد مناطق امن برای دست‌فروشان، دفاع از دست‌فروشان زن در مقابل تعرضات نیروهای سرکوبگر توسط مردم و خریداران، ایجاد تشکلاتی که از حقوق دست‌فروشان دفاع می‌کند از جمله

اقدامات عاجل در این حوزه است. کار دست‌فروشی می‌تواند و باید هم امن و هم زنانه باشد. شاید روزی "صنم" دختر دانشجوی فقیری که برای تأمین معاش و شهریه دانشگاه خود، آخر هفته‌ها در میدان ولی‌عصر به دست‌فروشی می‌پرداخت، "کتابی" در مورد زنان دست‌فروش و آن چه بر آنان گذشته است، بتوانند بنویسد.

دست‌فروشی در ایران شغلی برای تامین یک زندگی متعارف نیست. همه این بخش از جامعه باید تحت پوشش بیمه‌های بیکاری مکفی قرار بگیرند یا از شغل مناسب برخوردار شوند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۳

۱۰ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۱ خرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

انتخابات رژیم اسیر در گرداب انقلاب

سؤال از مصطفی صابر

تجمعات شورانگیز و گسترده بازنشستگان

شهلا دانشفر

حمیده زراعی و دیوار کوتاه زندان

پیام آذر

کودک سربازان فرقه رجوی

محسن ابراهیمی

انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا

کیوان جاوید

انتخابات رژیم اسیر در گرداب انقلاب

سؤال از مصطفی صابر

کیوان جاوید: علی لاریجانی، وحید حقانیان، محمود احمدی‌نژاد، اسحاق جهانگیری، از جمله کاندیدهای مطرحی هستند که رد صلاحیت شدند. با این وضعیت موقعیت جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید. انقلاب زن زندگی آزادی کجای تصویر تحولات سیاسی در ایران قرار می‌گیرد. مردم چگونه از این موقعیت ناپایدار حکومت می‌توانند به نفع سرنگونی استفاده کنند؟

مصطفی صابر: از نظر مردم سال‌های سال است که همه این اسامی که نام بردید، و البته همه

آنهایی نیز که تأیید صلاحیت شده‌اند، سروته یک کرباس‌اند. همگی مشتی جنایتکار و جلاد و دزد و آدم‌خوارند.

تا قبل از اعتراضات ۹۶، انتخابات رژیم و یا صحیح‌تر، از صندوق درآوردن دزد و آدم‌خوار بعدی، فقط وقتی برای مردم مهم می‌شد که می‌دیدند می‌توانند با رأی‌دادن به این و یا آن شکافی در رژیم باز کنند و انسجام درون رژیم را بهم بزنند. اما با شعار "اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا"، مردم از این مرحله نیز عبور کردند. انقلاب زن زندگی آزادی، بروشنی نشان داد که مردم دریافته‌اند تنها راه واقعی تغییر اوضاعشان انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی

است.

بااین‌همه مردم خیلی زنده و سیاسی به تحولات نگاه می‌کنند و هر حرکت و دعوای درونی رژیم، از جمله انتخابات فعلی را، موشکافانه دنبال می‌کنند. همین حالا دارند برایشان جوک می‌سازند، تحقیر و تمسخرشان می‌کنند، و البته مترصدند از هر فرصتی برای ابراز مخالفت و بیزاری‌شان از کل جمهوری اسلامی استفاده کنند.

نکته مهم در مورد انتخابات فعلی، چنانکه در سؤال شما مستتر است، این است که صحنه اجرای این نمایش با همیشه متفاوت است. انقلاب زن زندگی آزادی مثل آتشی در زیر خاکستر حضور دارد و

رژیم را تهدید می‌کند. این را هم مردم می‌دانند و هم رژیم می‌داند. نمایش انتخاباتی رژیم دارد در چنین صحنه‌ای انجام می‌شود. در نتیجه به نظر من رژیم اسلامی از همیشه حساس‌تر و محتاط‌تر است که مبادا هیچ جنبه‌ای حتی در جریان مراسم باسمه‌ای کنترل شده انتخابات شکافی باز کند که مردم از آن ورود و ابراز وجود کنند.

همه ناظران و مفسران از جمله حتی امثال بی‌بی‌سی هم این را فهمیده و اعتراف می‌کنند که فضای بین مردم این است که انتخابات جمهوری اسلامی را وسیعاً تحریم کنند. اما دنیا را چه دیده‌اید شاید مردم فرصتی به دست بیاورند و بتوانند بساط انتخابات رژیم را آشکارتر بهم بزنند.

تا آنجا که به خارج از کشور برمی‌گردد می‌دانیم که همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی و نیروهای سیاسی مختلف از همین حالا دارند در شهرهای مختلف جهان برای برپایی تظاهرات و اجتماعات اعتراضی در برابر سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و مراکز رأی گیری جمهوری اسلامی آماده می‌شوند. آنها می‌خواهند از فرصت انتخابات استفاده کنند و عزم و اراده مردم ایران برای تداوم انقلاب و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در سراسر جهان به نمایش بگذارند.

تجمعات شورانگیز و گسترده بازنشستگان

شهلا دانشفر

یکشنبه ۲۰ خرداد روز اعتراضات گسترده بازنشستگان بود. اعتراضاتی به لحاظ کیفی متفاوت که نشانگر پیشروی‌های بیشتر است. در تهران بیش از سه هزار "معلم بازنشستهٔ ۱۴۰۰" بار دیگر مقابل وزارت آموزش‌وپرورش تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. همان بازنشستگانی که در ۲۶ فروردین هم‌زمان با حمله پهپادی و موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل و در فضای امنیتی ای که ایجاد شده بود به خیابان آمدند و پاسخ محکمی به سرکوبگری‌های حکومت دادند. روز گذشته همچنین تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی با همراهی دیگر

بخش‌های بازنشستگان ازجمله کشوری، فولادی، مخابرات، صف متحدتری از مبارزه را به نمایش گذاشت. در تهران همچنین بازنشستگان تأمین اجتماعی، فولاد و کشوری در کنار یکدیگر در مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع داشتند و در حالیکه حکومت با گسترش سرکوب و اعدام می‌کوشد دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی را باز پس بگیرد و جامعه را عقب بزند، آنها با شعار " تهدید زندان هرگز اثر ندارد" پیام کل جامعه را در مبارزه علیه فقر و فساد و برای رهایی از بساط بردگی و توحش حاکم اعلام داشتند.

"اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد" یک شعار مهم اعتراضی بازنشستگان است که خطابشان به همه مردم در اعتراض به فقر و بی تأمینی و بساط

چپاولگری حاکم است. روز گذشته در کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری در تجمع مشترکشان با فریاد این شعار و دیگر شعارهای اعتراضی خشم و نفرتشان را نسبت به کل بساط جهنمی حاکم اعلام داشتند. بخش‌های مختلف بازنشستگان در این شهر به برپایی تجمعی بزرگ برای سه‌شنبه ۲۲ خرداد فراخوان داده‌اند.

در شوش بازنشستگان از کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده بودند و با شعارهای اعتراضی خود و فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" زندگی ای بهتر و انسانی را طلب کردند.

در اهواز بازنشستگان با راهپیمایی در خیابان و شعارهایی چون "نه تهدید، نه زندان، نیست

جلودار ما“ ، ”درمان رایگان حق مسلم ماست“، ”عدالتی ندیدیم ما دیگه رأی نمیدیم“ و فراخوان به اتحاد فضای پُرشوری از اعتراض شکل دادند. نظیر همین اعتراض را در اصفهان از سوی بازنشستگان فولاد شاهد بودیم.

تجمعات گسترده، مشترک و متحدانه بخش‌های مختلف بازنشستگان با فریاد شعارهای اعتراضی علیه فقر، فساد، سرکوب و دزدی‌ها و برای داشتن معیشتی انسانی، بیش از بیش راه بازگشت اعتراضات مردمی به خیابان را باز می‌کند. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه و سد محکمی در برابر سرکوبگری‌های حکومت‌اند. از مبارزاتشان حمایت کنیم و به صف اعتراضشان بپیوندیم.

حمیده زراعی و دیوار کوتاه زندان

پیام آذر

حمیده زراعی در آبان ۱۴۰۱ با شرکت در انقلاب زن زندگی آزادی و در جریان مراسم چهلم حدیث نجفی بازداشت و به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس، دو سال تبعید به رشت، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال ممنوعیت حضور در فضای مجازی محکوم شد.

حمیده در شرایطی که حکم تبعید خود در رشت را می‌گذراند به علت امتناع از حجاب، در ۱۶ خرداد بازداشت و به زندان لاکان رشت منتقل شد. وی در اعتراض به این بازداشت از روز

۱۹ خرداد دست به اعتصاب‌غذای خشک زده و خواهان آزادی بی قید و شرط خود شده است.

حکومت ضد زن اسلامی تصور می‌کند که در این جنگ روزمره و رودررو با زنان با توسل به زندان و شکنجه می‌تواند سنگر ازدست‌داده حجاب را باز پس بگیرد، درصورتی‌که در این نبرد خیابانی، میلیون‌ها زن همراه با مردان آزادیخواه، گشت‌های نور و حجاب بانان، که همان زندانبانان و شکنجه‌گران حکومت اسلامی هستند، را به مصاف طلبیده و به سُخره گرفته‌اند.

جمهوری اسلامی حکومتی از هم پاشیده است که حتی توان سرپا ایستادن ندارد و هر لحظه

سقوط خودش را در پیش رو دارد و آینده‌ای برای خودش نمی‌بیند تلاش می‌کند که با سرکوب بیشتر پابرجا بماند.

حمیده زراعی این زن شجاع انقلاب زن زندگی آزادی به حق جمهوری ننگین اسلامی را به چالش کشیده است و با مقاومت خود در نپذیرفتن حجاب حکومت اسلامی، پرچم انقلاب زنانه را به سهم خود برافراشته‌تر کرده است.

حمیده همان حدیث نجفی، آن زن جوانِ شجاع و انقلابی است که برای رهایی از چنگال خونین حکومت اسلامی بپا خاست و شوربختانه به خاک افتاد. حمیده باوجوداینکه می‌دانست در تبعید

اگر حجاب خونین اسلامی را از سر بردارد، با خطر زندانی‌شدن روبرو می‌شود اما کوتاه نیامد و این لکه ننگ اسلامی را دور انداخت تا از هویت زنانه خود و از انقلاب زن زندگی آزادی دفاع کند. به دفاع از حمیده زراعی عزیز برخیزیم و رژیم را رسواتر و بی‌آبروتر کنیم. حمیدهٔ قهرمان تنها نیست. ما همه با هم هستیم.

کودک سربازان فرقه رجوی

محسن ابراهیمی

اخیراً در روزنامه لوموند گزارشی تحت عنوان "ما، کودک سربازان سازمان مجاهدین خلق" به قلم غزل گلشیری منتشر شده است که در آن نویسنده داستان تلخ و غم انگیز زندگی سه تن از اعضاء سابق سازمان مجاهدین خلق را حکایت می‌کند که از کودکی و نوجوانی به آن سازمان پیوسته بودند.

امیر وفا یکی از این سه فرد است که گوشه‌هایی از سرگذشت او نشان می‌دهد سازمان مجاهدین با ایدئولوژی اسلامی‌اش، یک فرقه تمام‌عیار است

که در آن مثل حکومت اسلامی، کودکان به طور سیستماتیک قربانی می‌شوند. امیر در سه‌سالگی، بعد از انتقال به عراق از والدین خود جدا می‌شود تا با اعمال فشار روحی به‌عنوان یک رزمنده پرورش یابد. در جریان حملهٔ آمریکا به عراق، صدها کودک مجاهد بدون والدین خود به اروپا، کانادا و آمریکا فرستاده می‌شوند. امیر وفا نیز در همین زمان به سوئد می‌رود؛ اما سرانجام با تلاش مادرش به عراق باز می گردد و مثل همه اعضا در معرض بی‌رحمانه‌ترین تعرضات روانی و تباهی تدریجی زندگی‌اش در جلسات "انتقاد از خود" و گزارش از "خیال‌پردازی‌های جنسی" اجباری قرار می گیرد تا در جریان مغزشویی سازمانیافته باور کند که مسعود رجوی "مثل پدر همه ما، مثل خدا بود."

در گزارش لوموند به "انقلاب ایدئولوژیک" اشاره می‌شود که مسعود رجوی در سازمان راه انداخت که در جریان آن، فرد دوم مجاهدین، مهدی ابریشمچی، همسرش مریم عضدانلو را طلاق داد تا مسئول اول یعنی مسعود رجوی با او ازدواج کند و هم‌زمان بر اساس دستور سازمانی، زوج‌های مجاهد اجباراً از هم جدا شوند، مجردها هم از ازدواج و تشکیل خانواده محروم شوند با این توجیه که "پیوندهای خانوادگی به مبارزه لطمه می‌زند". می‌توان تصور کرد که در جریان این مالیخولیای ایدئولوژیک و شارلاتانیسم سیاسی مسعود رجوی، کودکان متحمل چه رنج‌های عمیق روانی شده‌اند!

انقلاب زن زندگی آزادی نشان داد که موج عظیمی از ضدیت با دخالت مذهب در زندگی خصوصی و اجتماعی مردم در جامعه جریان دارد. نشان داد که در جامعه آینده بعد از سرنگونی نظام اسلامی، سازمانی که ایدئولوژی‌اش اسلام است و حجاب اسلامی بخشی از یونیفرمش است، جایی در نظام سیاسی آینده موردنظر مردم نخواهد داشت. اعضا و فعالین سازمان مجاهدین، هر چه سریع‌تر از این فرقه سیاسی دور شوند و به صف بزرگ مردم علیه حاکمیت اسلامی بپیوندند، هم به نفع کرامت انسانی خودشان و کودکانشان و هم به نفع رهایی از نظام ضدانسانی اسلامی است.

انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا

کیوان جاوید

نتایج انتخابات در ۲۷ کشور اروپایی برای تعیین ۷۲۰ عضو پارلمان اتحادیه اروپا، نشانگر افزایش حمایت از "راست‌های افراطی" است.

دولت‌های اروپایی، از هر حزبی که در قدرت هستند در بحران سیاسی و هویتی بسر می‌برند. جامعه در حال سکون نیست و هیچ حزبی برای کنترل اوضاع سیاسی برنامه روشن و هدفمندی ندارد. تندباد بحران‌های عدیده سیاسی و اقتصادی به‌سرعت آسمان اروپا را در می‌نوردد و بنیادهای فکری و ایدئولوژیکی همه احزاب سیاسی را در

هم می‌پیچد. احزاب گوناگون، از "راست افراطی" یا "راست میانه" تا "چپ ظاهراً افراطی یا "چپ میانه" و از سبز و نارنجی و از همه رنگ، با این نیت سر بر می‌آورند تا مجدداً به خاک کشیده شوند. بحران‌های عدیده و گیجی سیاسی همراه با بی‌هویتی ساختاری دامن همه احزاب را گرفته است.

در این اوضاع میلیون‌ها شهروند اروپایی زیر ضربات خورد کننده بحران اقتصادی، شرایط دشواری را تجربه می‌کنند و راهی نیز در چهارچوب احزاب و دولت‌های حاکم برای خلاصی متصور نیست. جامعه از وضعیت فعلی سرخورده، نگران و عاصی است. در این شرایط است که انتخابات برای تعیین

۷۲۰ نماینده پارلمان اروپا برگزار شد و راست فاشیست، افراطی و ضد خارجی خودی نشان داد. برنامه‌این‌راست، خارجی‌ستیزی‌و‌دشمن‌تراشی‌اش مالیخولیایی است. همچون ترامپ در آمریکا که با شعار آمریکا برای آمریکاییان به میدان آمده است، راست فاشیست در اروپا نیز با فرانسه برای فرانسه و آلمان برای آلمان و... به میدان آمده.

این قانون جامعه است که هر کجا چپ در قامت احزاب مدرن و انقلابی و با برنامه عمیق اقتصادی که تأمین کننده حداکثری زندگی و رفاهیات زندگی مردم باشد، از صحنه مبارزه طبقاتی غایب بماند، آنگاه هر بحران اقتصادی امکان فعال‌شدن احزاب راست را افزایش می‌دهد. برنامه‌های تبلیغی و

انتخاباتی راست از هر نوعش فریبی کوتاه‌مدت بیش نیست و نه‌تنها نانی به سفره کسی اضافه نمی‌کند؛ بلکه دامن زننده بی‌آیندگی و فقر و نابرابری بیشتر است. احزاب سرمایه‌داری رنگارنگ ویروس‌هایی هستند که تنها با یک برنامه واقعاً آزادی‌خواهانه، برابری‌طلبانه و سوسیالیستی به حاشیه رانده یا محو می‌شوند. اروپا نیز از این قاعده مستثنا نیست. بحران همه‌جانبه موجود در اروپا نتیجه وجود "خارجیان" نیست. وضعیت "خارجیان" یکی دیگر از نشانه‌های گندیدگی نظام سرمایه‌داری است. درعین‌حال هم اکنون قلب جامعه در خیابان می‌تپد و اعتراضات وسیع ضدنژادپرستی در اروپا باقدرت در جریان است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۴

۱۱ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۲ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

ارتش و درمان ناباروری!

میلاد رسایی‌منش

بازی‌های مضحک در نمایش انتخابات

رضا درویش

از تروریسم اسلامی تا فاشیسم ضد پناهنده

محسن ابراهیمی

اخراج مأمور حکومت اسلامی از فرانسه!

میلاد رابعی

قطعنامه شورای امنیت و امید پایان جنگ غزه؟

کاظم نیکخواه

ارتش و درمان ناباروری!

میلاد رسایی‌منش

کیومرث حیدری، فرمانده نیروی زمینی ارتش حکومت اسلامی با اشاره به اقدامات این نیروی نظامی برای درمان ناباروری زوج‌ها از سال ۱۳۹۶ و تولد صدها فرزند در نتیجه آن، گفت از سال ۱۳۹۹ تاکنون به‌صورت میانگین هر سال ۲۵۰ فرزند از سوی این زوج‌ها متولد شده‌اند. او افزود دولت در این زمینه به ارتش کمک می‌کند.

اینکه چرا یک ارگان نظامی در مسئله ناباروری که امری پزشکی و مربوط به فعالین مدنی و اجتماعی است دخالت می‌کند، ضمن اینکه شیوه اداره کشور

به‌صورت باندبازی و غیرعلمی در چهارچوب حکومت اسلامی را نشان می‌دهد؛ پیام آور این واقعیت است که رژیم اسلامی در بُعد فرهنگی قافیه را به جنبش‌های پیشرو در ایران باخته است. تغییر الگوی زندگی در ایران، بخصوص در بین زنان که منجر به کاهش خواست برای باروری شده است، از نظر حاکمیت اسلامی، نه انتخابی شخصی و مسئله‌ای اجتماعی که بحرانی امنیتی است که فرماندهان ارتش برای برون‌رفت از آن باید دست به اقدام بزنند! حکومت اسلامی که از استقلال و تغییر سبک زندگی زنان به‌شدت نگران است، و بودجه‌های زیادی را برای اسلامی و مردسالار نگه‌داشتن جامعه صرف کرده است، با باز گذاشتن دست نهادهای امنیتی و نظامی برای ورود به این امر به‌صورت ضمنی اعتراف می‌کند که کار از قانع کردن مردم گذشته، و باید با مشت

آهنین مردم را مجبور به فرزندآوری کرد.

پرسش اما این است که رژیم در چه زمانی و در چه مواردی با استفاده از نیروهای نظامی موفق به مهندسی فرهنگی شده که این بار بتواند به کمک ارتش مردم را مجبور به فرزندآوری کند؟ و چرا رژیم دزد و غارتگر اسلامی بجای فراهم‌کردن فرصت‌های اقتصادی و بهبود وضع معیشت مردم، با ورود نظامیان مردم را مجبور به کاری می‌کند که خلاف خواستشان و فراتر از توان اقتصادی‌شان است؟

گذشته از مضحک بودن حضور فرماندهان نظامی در امر فرزندآوری، این طرح هم به گواه تاریخ و علی‌رغم ادعای این مقام نظامی، نخواهد توانست

جامعه خواهان آزادی و مدرنیسم ایران را به عقب برگرداند. برعکس، مردم در مقیاس اجتماعی ارزش‌ها و الگوهای اسلامی را زیر پا گذاشته‌اند و دیریازود حکومت حامی این ارزش‌ها را هم زیر پایشان له خواهند کرد.

بازی‌های مضحک در نمایش انتخابات

رضا درویش

در میان چهار کاندید زن دو تن از آنان سعی کردند نقش زیرکانه‌ای در نمایش انتخابات بازی کنند. یکی از این دو کاندیدای زن حمیده زرآبادی (از طیف اصلاح‌طلبان) است. او در پاسخ به این سؤال که چه شد چادر را کنار گذاشت جواب می‌دهد: "در اثر اتفاقات اجتماعی جامعه‌مان تصمیم من تغییر کرد." او اضافه می‌کند که به حجاب اعتقاد دارد و معتقد است که این یک انتخاب است و اینکه "انتخاب شما می‌تواند این باشد که این را دوست نداشته باشی." حمیده زرآبادی در چارچوب سیاست "حفظ نظام اوجب واجبات است"، با یک زیرکی شیادانه با

واژگان دختران و زنان انقلاب "زن زندگی آزادی" صحبت می‌کند و آن‌چنان از حق انتخاب حرف می‌زند که گویا نمی‌داند دختران و زنان انقلاب "زن زندگی آزادی" در ایران برای داشتن حق انتخاب و مقابله با حجاب اجباری کف خیابان با مزدوران مسلح رژیم رودررو هستند، فقط به این خاطر که در پاسخ به تحمیل حجاب اجباری انتخابشان این است که بی‌حجاب باشند. البته، اکثریت جامعه ایران دست مردان و زنان حکومتی را خوانده‌اند و با چنین تردستی‌های مضحک و به‌اصطلاح زیرکانه نمی‌توان سر کارشان گذاشت.

دیگر بازیگر زیرک در نمایش انتخابات زهره الهیان کاندیدای اصول‌گراست که دیروز انصراف خود را

از ادامه کاندیداتوری اعلام کرد. خبرگزاری‌های حکومتی به آن دامن زدند تا انصراف زهره الهیان نه رد صلاحیت زنان از سوی شورای نگهبان بلکه پیروی این زن اصول‌گرا از "نگاه حکیمانه رهبرش" تلقی شود. این نقش زیرکانه هم البته فقط مصرف درون حکومتی دارد چرا که جامعه به ادا و اطوارهای انتخاباتی یک‌مشت جنایت‌کار تره‌هم خرد نمی‌کند.

اما با تأیید نهایی شش کاندیدای مرد در ادامه نمایش انتخابات باید این‌طور نتیجه‌گیری کرد که بقیه بازیگران در باندبازی انتخاباتی، تمایلی به ترک صحنه ندارند و می‌خواهند تا پرده آخر در صحنه بمانند. یعنی تا روز تصفیه‌حساب، روز قیام. آن هنگام که این بازیگران دوران سیاه در تاریخ

ایران یا جام زهر می‌نوشند و یا در مواجهه با مشت گره‌کرده مردم صحنه را ترک می‌کنند. مردمی که نه تماشاگر بلکه خود بازیگران یک عصر جدید برای ساختن ایرانی آزاد و بنانهادن جامعه مبتنی بر عدالت و رفاه و زندگی انسانی هستند.

از تروریسم اسلامی تا فاشیسم ضد پناهنده

محسن ابراهیمی

روز ۱۱ خرداد یک فرد متولد افغانستان به گردهمایی یک گروه راست افراطی ضد اسلام با چاقو حمله کرد که پنج تن از جمله یک فعال سیاسی مخالف اسلام و یک پلیس به‌شدت زخمی شدند. دو روز بعد پلیس بر اثر شدت جراحات جانش را از دست داد. در پی این اتفاق، وزیر کشور آلمان گفت: «هر کاری بتواند انجام می‌دهد تا اخراج مهاجران تبهکار به کشورهایی مانند افغانستان و سوریه را از سر بگیرد.»

همه می‌دانیم که در سال‌های اخیر، احزاب دست راستی و فاشیست و ضد پناهنده در کشورهای غربی نیرو گرفته‌اند و پناهجویان و مهاجرین را به‌عنوان منشأ وضع اقتصادی و بیکاری و غیره معرفی می‌کنند که اساساً محصول سیاست‌های احزاب حاکم در این کشورهاست. اما روشن است که اعمال تروریستی اسلامیون در این کشورها، در این دوره بیشترین نقش را در تغذیه نیروهای دست راستی و فاشیستی ایفا کرده است.

هراس شهروندان در غرب از تروریسم اسلامی واقعی است و فاشیسم در این کشورها از همین هراس تغذیه می‌کند. متقابلاً هراس مهاجرین و پناهجویان از نیرو گرفتن نیروهای دست راستی فاشیست هم واقعی است. با هر دونیرو باید مقابله

کرد.

ما مخالفین حکومت اسلامی، ما میلیون‌ها پناهجو که از دست حکومت‌ها و نیروهای تروریست اسلامی به کشورهای غرب پناهنده شده‌ایم در این اتفاقات نباید نظاره‌گر باشیم. درحالی‌که باید در کنار شهروندان دیگر علیه سیاست‌های راست افراطی فعال باشیم، اما باید به طور ویژه علیه تروریسم اسلامی در میدان باشیم. تظاهرات پناهجویان و مهاجرین افغانستانی مقیم آلمان در محکومیت عمل تروریستی مهاجم متولد افغانستان یک آکسیون مسئولانه علیه تروریسم اسلامی بود.

روشن است که نیروها و احزاب راست و فاشیست تلاش می‌کنند هراس واقعی از تروریسم اسلامی را

به سیاست‌های ضد پناهندگی تبدیل کنند و ورود پناهجو به این کشورها را سخت‌تر و حتی شرایط دیپورت را آسان‌تر کنند. با چنین سیاست‌هایی باید فعالانه مبارزه کنیم. اما درعین‌حال، باید تلاش کنیم کسانی که دست به ترور می‌زنند و مرتکب جنایت علیه شهروندان می‌شوند، در همان کشور دادگاهی و محاکمه شوند و بر اساس جرمشان محکوم شوند. برای مثال فردی مثل بشیر بی‌آزار که با اتهامات متعدد امنیتی در فرانسه بازداشت شده است باید در همان فرانسه به جرم پیش‌بردن اهداف امنیتی رژیم اسلامی که مرتکب جنایت علیه بشریت شده است محاکمه شود.

اخراج مأمور حکومت اسلامی از فرانسه

میلاد رابعی

به گزارش رسانه‌ها بشیر بی‌آزار، یکی از مدیران سابق صداوسیما با اتهام‌های امنیتی در فرانسه بازداشت شده است. وی بیش از یک هفته است که در بازداشت اداری برای اجرای حکم دیپورت از فرانسه به سر می‌برد.

باز هم یکی دیگر از تروریست‌های وابسته به حکومت اسلامی در قلب اروپا شناسایی شد تا مجدداً ثابت شود که رژیم اسلامی حتی یک‌لحظه از سیاست ایجاد آشوب و ترور در جهان دست برنمی‌دارد. وزارت کشور فرانسه در این باره اعلام

کرده است که فرد مذکور "یک عامل نفوذ ایران [جمهوری اسلامی] و مرتبط با سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی" است.

همه ما به‌خوبی از وجود عوامل نفوذی و شبکه سازمان‌یافته تروریست‌های وابسته به حکومت اسلامی آگاهیم. شبکه‌ای که مخالفین سیاسی و انسان‌های شریف متعددی را در کشورهای مختلف به قتل رسانده و به هر جرم و جنایتی برای گسترش نفوذ جمهوری اسلامی دست می‌زند. اما آن چه در این میان حائز اهمیت است توجه بیشتر از طرف کشورهای غربی به این موضوع و جدی گرفتن خطر تروریسم جمهوری اسلامی است.

این یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب زن،

زندگی، آزادی است. انقلابی که در آن مردم ایران بیش از همیشه توجه جهان را به عمق توحش و قساوت حکومت اسلامی جلب کردند و اسناد جنایات چند دهه این رژیم را پیش روی مردم و دولت‌های جهان ورق زدند.

حکم دادگاه حمید نوری و افشاگری‌های صورت‌گرفته در آن نیز یکی از نقاط عطف این تغییر نگاه جهانیان بود. دادگاه‌هایی مانند ایران تریبونال و آبان تریبونال نیز فضا را هر چه بیشتر به سمت بی‌آبروتر شدن جمهوری اسلامی تغییر دادند. از نقش جنبش دادخواهی نیز در این میان نباید غافل بود.

انتظار مردم ایران و شهروندان خود کشورهای غربی

از دولت‌ها این است که دست چنین جنایت کارانی را از سر جامعه کوتاه کنند و تلاش بیشتری در شناسایی عوامل رژیم اسلامی انجام دهند.

برای جلوگیری از نفوذ حکومت اسلامی قبل از هر چیز باید راه هرگونه مماشات دول غرب با جمهوری اسلامی را بست. باید خلأهای قانونی که امکان نفوذ این افراد را می‌دهند شناسایی و برطرف کرد. حکومت نباید بتواند به‌آسانی و به‌عنوان مشاور و رایزن فرهنگی و کارمند سفارت و تحت هر عنوان دیگری، به اقصی‌نقاط جهان تروریست اعزام کند. امنیت و آسایش شهروندان کشورهای غربی و مخالفین جمهوری اسلامی با وجود چنین تروریست‌هایی با خطرات بسیار جدی روبرو خواهد شد.

قطعنامه شورای امنیت و امید پایان جنگ غزه؟

کاظم نیکخواه

شورای امنیت سازمان ملل متحد روز دوشنبه ۲۱ خرداد با تصویب قطعنامه‌ای از پیشنهاد بایدن برای برقراری آتش‌بس میان اسرائیل و حماس حمایت کرد. بنا به گزارش‌ها چهارده عضو شورای امنیت به قطعنامه پیشنهادی آمریکا برای آتش‌بس رأی مثبت دادند، اما روسیه به آن رأی ممتنع داد.

قطعنامه مزبور بر یک آتش‌بس سه‌مرحله‌ای تأکید می‌کند. در وهله اول شامل یک آتش‌بس اولیه شش‌هفته‌ای و مبادله اسرای اسرائیلی در غزه با اسرای فلسطینی در زندان‌های اسرائیل است. مرحله دوم شامل آتش‌بس دائمی و آزادی اسرا

خواهد بود. مرحله سوم شامل تلاش برای بازسازی نوار ویران شده غزه است. ایالات متحده می گوید اسرائیل این پیشنهاد را پذیرفته است. حماس نیز از این قطعنامه استقبال کرده است.

به‌این‌ترتیب با تصویب این قطعنامه که هر دو طرف اصلی جنگ یعنی اسرائیل و حماس و همچنین آمریکا حامی اصلی اسرائیل، با آن موافقت دارند، می‌شود امیدوار بود که فشارهای جهانی برای پایان‌دادن به جنگ و جنایات دولت اسرائیل علیه فلسطینیان دارد به نتیجه‌ای می رسد. هرچند می‌دانیم که این پایان جنگ و خونریزی در این منطقه نیست و شعار نابودی اسرائیل از کره زمین توسط حماس و جمهوری اسلامی و پاک‌سازی قومی فلسطینیان توسط اسرائیل جایی

برای صلح پایدار باقی نمی‌گذارد. بدون کنارزدن این نیروهای خبیث از صحنه جهانی آرامشی برای مردم این منطقه قابل‌تصور نیست. اما حتی توقف موقت این کشتار خوشحال‌کننده است.

ارائه چنین قطعنامه‌ای از جانب آمریکا و توافق اسرائیل و حماس با آن، نتیجه اعتراضات گسترده مردمی و فشارهای جهانی علیه اسرائیل و حماس و همچنین آمریکاست. جنایات فجیع حماس در هفتم اکتبر سال پیش که ۱۲۰۰ نفر را در اسرائیل به شکل وحشیانه‌ای به قتل رساند و صدها نفر را به گروگان گرفت، بهانه‌ای به دست فاشیست‌های اسرائیلی داد تا یک پاک‌سازی قومی در غزه به جریان بیندازند و دولت نتانیاهو طی این هشت ماه بیش از سی هزار نفر از مردم بی‌پناه فلسطینی را

به قتل رساند و بقیه ساکنین غزه را آواره کرد. شرح جنایات ارتش اسرائیل در این مدت قابل‌وصف نیست و مصداق بارز جنایت علیه بشریت است. نتانیاهو و دست‌اندرکاران دولتش و همچنین تروریست‌های حماس باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاه‌های مردمی محاکمه شوند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۵

۱۲ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۳ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سوسن صابری

در این شماره ژورنال

۱۲ ژوئن روز جهانی مبارزه با کار کودکان، کار حرفه‌ای کودکان باید فوراً متوقف شود!

سیامک بهاری

صداوسیما از دست زنان عاجز شده است

اصغر کریمی

آتنا فرقدانی و وحشت رژیم

مینا بهروزی

پیروزی راست افراطی در فرانسه

پیام آذر

کشتار در غزه، نیاز فاشیست‌ها

یاشار سهندی

۱۲ ژوئن روز جهانی مبارزه با کار کودکان
کار حرفه‌ای کودکان باید فوراً متوقف شود!

سیامک بهاری

رفتار، طرز تلقی و جایگاه کودکان خصلت‌نمای جمهوری اسلامی در پایمال‌کردن نقشه‌مند حقوق کودکان است. حکومتی که تعریف حقوقی کودک در قانون اساسی و قوانین مدنی‌اش جایی ندارد و فقط در قوانین جزای اسلامی سراغ کودک می‌رود و "بلوغ شرعی" مرز کودکی را تعیین می‌کند و نهایتاً کودک یا شیرخوار است یا بزرگسال. نه‌تنها مانع به‌کارگیری کارگران خردسال و استثمار بی‌رحمانه آنان نخواهد شد که آن را به منبعی سرشار از سود برای کارفرمای بی‌رحم بدل می‌کند. هر چه دامنه

فقر تحمیلی بر جامعه شدت گرفته، بر بی‌شمار کودکان کار هم افزوده شده است. هر چه این کمیّت دردناک‌تر شده، بیشتر تلاش کرده‌اند آن را مخفی کنند.

آمار حقیقی درباره تعداد کارگران خردسالی که نان‌آور خانواده‌اند وجود ندارد. اما طبق آمارهای متناقض منتشر شده از سوی وزارت آموزش و پرورش، مرکز آمار ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس، در مجموع باید بیش از ۲۰ میلیون کودک واجد تحصیل باشند. اما جمعیت دانش‌آموزی کشور نزدیک به ۱۴ میلیون است. یعنی ۶ میلیون کودک یا وارد چرخه تحصیل نشده‌اند و یا بازماندگان از تحصیل هستند. بنا به آمارهای فوق قریب یک میلیون کودک اساساً فاقد شناسنامه و هویت هستند. یعنی جامعه

با فاجعه بیش از هفت میلیون کودک پرتاب شده به بازار بی‌رحم کار روبرو است.

جمهوری اسلامی به‌عنوان عامل اصلی کار حرفه‌ای کودکان، حداقل ۳۵ بار با طرح‌های سه‌گانه: «جمع‌آوری کودکان کار و خیابان»، «ساماندهی کودکان کار و خیابان» و «طرح حمایت اجتماعی از کودکان کار و خیابان»، قرار بوده کودکان را در مراکز تحت سرپرستی سازمان بهزیستی "جمع‌آوری" کند؛ اما در نهایت به دلیل عدم توان نگهداری از آنها، مجدداً به خیابان‌ها سپرده شدند، بحران و فلاکت اقتصادی عملاً سن کار کودکان را حتی به زیر هفت سال رسانده است.

حکومتی که بهره‌کشی از کار کودکان را تحت نام

«ایجاد اشتغال پایدار» قانونی می‌کند عامل اصلی تداوم استثمار کارگران خردسال و همه بلایای ناشی از آن است. کودکان کار و خیابان، از آسمان نازل نشده‌اند. بازتولید و محصول کارکرد حکومت دزدسالار اسلامی و تحمیل فقر و بیکاری و گرانی و عدم تأمین اجتماعی جامعه هستند.

جنبش دفاع از حقوق کودک برای توقف بی‌درنگ کار کودکان با جمهوری اسلامی ضد کودک دست‌وپنجه نرم می‌کند. این مصاف باید به سرانجام برسد و حرمت انسانی کودکان با تأمین یک زندگی ایمن، شاد و خلاق متحقق شود.

صداوسیما از دست زنان عاجز شده است

اصغر کریمی

سه‌شنبه‌شب ۲۲ خرداد در صداوسیمای حکومت درست قبل از شروع صحبت کاندیدها، می‌خواستند گزارشی از سطح شهر و حال و هوای انتخاباتی‌شان بدهند و فضای تهران را هم نشان دهند. گوینده می‌گوید ببینید در سطح شهر چه خبر است می‌رویم به‌طرف میدان رسالت. در این لحظه صدای خبرنگار میاید؛ اما دوربین آسمان را نشان می‌دهد. مجری می‌گوید: خبرنگار ما می‌گوید به دلیل تصاویر نامناسب و غیرقابل‌پخش، امکان پخش گزارش زنده را نداریم، برویم سراغ کاندیدها.

تصاویر نامناسب! زنان بی‌حجاب هستند که دوربین به هر طرف بچرخد نمی‌تواند از دست آنها خلاص شود. تصاویر مناسب! هم شش مرتجع فاسدند که چند دهه مشغول جنایت و چپاول و فساد بوده‌اند و زندان و شکنجه و تجاوز و فقر و بدبختی سازمان داده‌اند.

صداوسیما فعلاً مال شما است؛ اما شهرها و خیابان‌ها مال شما نیست! بی‌حجاب‌ها همه‌جا هستند و دست از سر شما برنمی‌دارند. خیالتان تخت باشد.

آتنا فرقدانی و وحشت رژیم

مینا بهروزی

محمد مقیمی وکیل آتنا فرقدانی، نقاش و کارتونیست، از محکومیت او به شش سال حبس توسط بیدادگاه رژیم خبر داد. وی در شبکه ایکس نوشت که آتنا فرقدانی به اتهامات توهین به مقدسات و تبلیغ علیه نظام به ترتیب به ۵ و ۱ سال حبس محکوم شده است.

جمهوری اسلامی ۴۵ سال است که به شیوه قهر مطلق در صدد سرکوب و کنترل جامعه بوده و این شیوه همچنان ادامه دارد. اما اگر تا قبل از قتل مهسا

ژینا امینی، شاید این سرکوب‌های سیستماتیک جواب می‌داد و مردم را تا حدودی می‌توانست مرعوب سازد، اما بعد از آن دیگر کارساز نبوده و شاهد انقلاب زن زندگی آزادی و در صف اول آن زنان بودیم. دیگر مردم عملاً از جمهوری اسلامی با تمام جناح‌بندی‌هایش عبور کرده‌اند و خواهان دگرگونی بنیادین و زیرو کننده و رهایی از تمام قید و بندهای متحجر اسلامی هستند. امروز مردم هر روزه در خیابان‌ها، در دانشگاه‌ها و مدارس و حتی در زندان‌ها اعلام می‌کنند که ترسی ندارند و چیزی برای ازدست‌دادن ندارند. جمهوری اسلامی هیچ حرمتی را برای این مردم نگه نداشته است. ازیک‌طرف تعرض به جسم و جان و روان آدم‌ها را از حد گذرانده و از طرف دیگر دست چپاولگری قاتل سران ریزودرشت حکومت برای مردم رو

شده است.

امروزه آتنا فرقدانی‌ها حکم بازداشت و احضار را فاقد ارزش می‌دانند و بعضاً حتی حاضر نیستند که به قید وثیقه آزاد شوند. زنان زندانی حاضر نیستند با حجاب به دادگاه بروند. زندانیان نه حکمی را قبول دارند نه خود حکم دهنده و نه کل حکومت را. فشارهای جمهوری اسلامی نه‌تنها باعث رعب و وحشت نشده؛ بلکه خشم و نفرت و همبستگی بین مردم را افزایش داده است. باعث خلق شجاعت و ازخودگذشتگی بی‌نظیر و جمعی شده است که یکی از نمونه‌هایش همین آتنای عزیزمان است. تا سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی این روند گسترش و شتاب بیشتری خواهد داشت.

پیروزی راست افراطی در فرانسه

پیام آذر

روز یکشنبه ۹ ژوئن انتخابات برای پارلمان اروپا در فرانسه برگزار شد و یک جوان ۲۷ساله بنام جردن باردلا که به‌تازگی ریاست حزب اجتماع ملی را به عهده گرفته است بالاترین رأی را آورد. برای اولین‌بار این حزب راست افراطی که درگذشته به رهبری ماری لوپن مخالف اتحادیه اروپا و همچنین علیه پذیرش خارجیان بوده و در این چند سال اخیر هم علیه جریانات اسلامی بوده و بعد از حمله تروریست‌های اسلامی به دفتر نشریه شارلی عبدو، دولت فرانسه را مسئول مستقیم این فاجعه اعلام کرده بود، توانسته است که نظرات بخش‌هایی از

فرانسوی‌ها را به خود جلب کند.
و البته فشارهای اقتصادی و گرانی و پایین آمدن قدرت خرید مردم و بیکار سازی‌ها و دست‌درازی دولت مکرون به سفره‌های کارگران و حقوق‌بگیران و پایین نگه‌داشتن دستمزدها از دلایل اصلی اعتراضات و همچنین بی‌تفاوتی مردم به موضوع انتخابات و روی‌آوری بخشی از مردم به جریانات دست راستی است.

فاکتور مؤثر دیگر در نتیجه این انتخابات، سیاست‌های احزاب جناح چپ پارلمان در چند سال اخیر است. موضع گیری‌های این احزاب در باره جنگ اوکراین و در این هشت ماه اخیر در قبال جنگ در خاورمیانه و موضع گیری و بعضاً سکوت دولت مکرون نسبت به کشتار و نسل کشی دولت

اسرائیل و از جانب دیگر دفاع کورکورانه احزاب چپ پارلمانی از حماس به‌عنوان "جنبش دفاع از مردم فلسطین" و اسلام‌پناهی این جریانات، همان تتمه اعتماد به جناح چپ پارلمان فرانسه را هم از بین برده است. همه اینها باعث شد که مردم فرانسه بدون اعلام رسمی تحریم انتخابات، در انتخابات اخیر شرکت نکرده و یارای سفید بدهند و ازاین‌رو جریان راست افراطی پیروز این انتخابات شد.

اما جوانان چپ که خطر راست افراطی و فاشیسم را در آینده زندگی روزمره و سیاسی خود حس کرده‌اند از روز دوشنبه ۱۰ ژانویه در سراسر فرانسه در میادین اصلی شهرها تجمعات اعتراضی ترتیب داده و از رهبران احزاب چپ خواسته‌اند که دست

به یک ائتلاف در مقابل راست افراطی زده و در انتخابات فوق‌العاده مانع پیروزی حزب اجتماع ملی شوند.

بعدازاین انتخابات انحلال مجلس ملی فرانسه توسط رئیس جمهور فرانسه اعلام شد. انتخابات زودرس در روزهای ۳۰ ژوئن و هفتم ژوئیه برگزار می‌شود. اینکه توازن قوا نتیجه انتخابات را به کدام سو می‌برد در هفته‌های آتی مشخص می‌شود.

کشتار در غزه، نیاز فاشیست‌ها

یاشار سهندی

بنا به خبری از تلویزیون ایران اینترنشنال روزنامه "وال‌استریت ژورنال" به "پیغام‌هایی" دست‌یافته که یحیی سنوار یکی از رهبران گروه حماس گفته است: "ریخته‌شدن خون غیرنظامیان در غزه به هدف گروه حماس در مقاومت در برابر اسرائیل کمک خواهد کرد." او می‌خواهد حماس به قیمت کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین در غزه دست بالا را در معادلات سیاسی در فلسطین پیدا کند و دولت اسرائیل هم به قیمت خون فلسطینی‌ها می‌خواهد دست حماس را کوتاه کند.

بیش از ۸ ماه است که نام غزه با خون، مرگ و کشتار عجین شده است. در تاریخ خونین که "سران و سلاطین" رقم زده‌اند، بسیار خوانده‌ایم که اهالی یک شهر بعد از یک محاصره جان‌فرسا، همگی قتل‌عام شدند. اگر آن قتل‌عام‌ها را در تاریخ می‌خوانیم، امروز نه در تاریخ بلکه پیش چشمان همه مردم دنیا و در هر لحظه قتل‌عام در غزه در جریان است. روزی نیست تصویری دردناک از کشتار کودکان و زنان و مردان، در چادر یا خیابان یا در ساختمانی مسکونی و مدرسه و یا بیمارستان منتشر نشود. برخی از این تصاویر خون را در رگ‌های انسان منجمد می‌کند. به معنای واقعی کلمه یک منطقه را با خاک یکسان کرده‌اند.

در غزه دو نیروی فاشیست به جان مردم فلسطین

افتاده‌اند. یک طرف دولت فاشیستی اسرائیل که نزدیک هشتاد سال است تنها جوابش به خواست مردمی که آواره ساخته و خواهان جا و مکانی برای زندگی هستند کشتار بوده؛ و از ۴۵ سال پیش نیروی دیگر، جنبش فاشیستی اسلامی که هر جا دستش به مردم اسرائیل می‌رسد می‌کشد که آخرین نمونه‌اش کشتار در ۷ اکتبر بود و همه اینها به قیمت جان مردم فلسطین و اسرائیل.

دو نیروی فوق ارتجاعی، به جان مردم فلسطین افتاده‌اند تا حقانیت نداشته خود را ثابت کنند. دو طرفی که از همدیگر ارتزاق می‌کنند و به هم انرژی می‌دهند که تداوم داشته باشند. دو طرفی که سخت تلاش کرده‌اند و می‌کنند که خواست دو دولت مستقل را به ضرب کشتار و تجاوز و

گروگان کشی ناممکن جلوه دهند، خواسته‌ای که می‌تواند پایانی بر این کشتار دائمی باشد.
تاریخ را باید امروز نوشت؛ سران دو طرف که جنایت‌کار جنگی شناخته شدند باید به محاکمه کشیده شوند، تا شاید التیامی بر زخمی کهنه و چرکین باشد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۶

۱۳ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۴ خرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

انتخاب ما سرنگونی است

سؤال از حمید تقوایی

”خیزش بازنشسته تیشه به ریشه می‌زند“

شهلا دانشفر

راحله شگفتی‌ساز زندانی در ایران

کیوان جاوید

از کاهش خرید میوه تا کاهش زندگی

منظر دریاکناری

انتخاب ما سرنگونی است

سؤال از حمید تقوایی

کیوان جاوید: درحالی‌که چندین نفر از کابینه ابراهیم رئیسی رد صلاحیت شدند و افرادی همچون علی لاریجانی نیز نتوانستند از فیلتر شورای نگهبان رد شوند، مسعود پزشکیان که در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۴۰۰ رد صلاحیت شده بود، این بار توانست از سد شورای نگهبان گذر کند.

آیا مسعود پزشکیان، کاندید نزدیک به اصلاح‌طلبان حکومتی می‌تواند تنور انتخابات رژیم را داغ کند؟ شرکت در این سیرک انتخاباتی و رأی ندادن به کاندید خامنه‌ای همچون دوران انتخاب خاتمی

آیا ممکن است یک‌بار دیگر تکرار شود؟ در این صورت این حرکت باعث مشروعیت داخلی و جهانی رژیم اسلامی نمی‌شود؟

حمید تقوایی: به نظرم هیچ ترفندی نمی‌تواند تنور انتخابات را داغ کند؛ چون مدت‌هاست مردم زمین را زیر پای کل حکومت داغ کرده‌اند. جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران است و نه حکومت ایران و این را بعد از نزدیک به دو سال جنگ بی‌امان بین مردم و رژیم، همه می‌دانند. حتی کودن‌ترین آخوندهای حکومتی می‌دانند اکثریت عظیم مردم از کل نظام و مقاماتش متنفر هستند و عزم جزم کرده‌اند حکومت این جانیان را به زیر بکشند. آخرین نمونه رقص و شادی مردم ایران بعد از

به هلاکت رسیدن ابراهیم رئیسی بود.

کاربرد و نقش ابزاری دو خردادی‌ها برای حکومت هم مدت‌هاست به پایان رسیده است. حتی اگر روحانی و خاتمی هم کاندید می‌شدند انتخاباتشان رونقی نمی‌گرفت. مردم از هر فرصتی برای تعرض بیشتر به حکومت استفاده می‌کنند و این سیرک انتخاباتی هم یکی از این فرصت‌ها است. به نظر من این انتخابات تنفر مردم از جمهوری اسلامی را بیش‌ازپیش در برابر چشم جهانیان قرار خواهد داد.

کیوان جاوید: سیاست اصولی در دل این شرایط انقلابی که باعث شده است رژیم بیش از هر

زمان دیگر مشروعیتش را از دست بدهد چه باید باشد؟ آیا لازم است به مردم برای اینکه در این سیرک حکومتی شرکت نکنند، هشدار داد؟

حمید تقوائی: به نظر من مردم نیازی به هشدار و رهنمود برای عدم شرکت در انتخابات ندارند. این حکومت است که برای کشیدن مردم بپای صندوق‌های رأی به درودیوار می‌زند و به جایی نمی‌رسد. اگر رهنمودی لازم است فراخوان و سازماندهی راه‌های مختلف گسترش اعتراضات و تعرض به کل حکومت در برخورد به این سیرک انتخاباتی است. فراخوان ما به همه فعالین و دست‌اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش‌های اعتراضی و به همه نهادها و تشکل‌ها

و نهادهای مبارزاتی اینست که به هر طریق می‌توانید با بیانیه‌ها و طومارها و فراخوان‌ها، و با سازماندهی متحدانه اعتراضات خیابانی از جمله حمایت فعال از تجمعات بازنشستگان به سیرک انتخاباتی حکومت با موج اعتراضی گسترده‌ای پاسخ بدهید. "انتخاب ما سرنگونی است". این شعار در انتخابات گذشته به‌وسیله مادران دادخواه اعلام شد و جا دارد این بار با صدای بلند از جانب همه مردم فریاد زده شود.

”خیزش بازنشسته تیشه به ریشه می‌زند“

شهلا دانشفر

یک اتفاق مهم در سه روز گذشته تجمع اعتراضی هزاران بازنشسته فرهنگی ۱۴۰۰ در تهران در مقابل سازمان برنامه بودجه در تهران است.

روز سه‌شنبه در دومین روز این اعتراض بود که یک زن بازنشسته با فریاد خشمگینانه علیه فقر بی‌حدوحصر اخطار داد و گفت: ”خیزش بازنشسته تیشه به ریشه می‌زند “ و این گفته او با کف‌زدن و همراهی جمعیت بزرگ بازنشسته‌ها پاسخ گرفت. این بازنشستگان در سه روز تجمع اعتراضی خود با شعارهای ”قدرت ما جمع ماست، رتبه‌بندی حق ماست“، ”فکر نکنید یه روزه، قرار

ما هر روزه "، "با اهل‌قلم هرکه درافتاد ورافتاد"، صحنه‌های قدرتمندی از اعتراض را شکل دادند. اعتراضی با این قدرت در کنار اعتراضات دیگر بخش‌های بازنشستگان در طول هفته که با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" کل جامعه را به اعتراض فرامی‌خوانند، حکومت را به وحشت انداخت.

از همین رو روز چهارشنبه در سومین روز اعتراض معلمان بازنشسته در تهران با حمله وحشیانه نیروی سرکوب حکومت روبرو شد و سرکوبگران دیوانه‌وار فریاد می‌زدند و جمعیت را به چند دسته متفرق و با فشار و تهدید به‌طرف میدان بهارستان سوق دادند. اما بازنشستگان تا ۱۲ ظهر در محل ماندند و چندین بار مسافت میدان

بهارستان تا سازمان برنامه‌وبودجه را طی کردند و فریاد شعارهایشان بلند بود. در این میان ده‌ها بازنشسته دستگیر شدند. در مقابل بازنشستگان مقاومت کرده و شماری را که عمدتاً زنان بودند را از چنگ سرکوبگران بیرون کشیدند.

در برابر این تعرض حکومت، تشکل‌های مختلف از جمله شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و شورای بازنشستگان ضمن گزارش خبرها یورش به تجمع بازنشستگان و دستگیری‌ها را محکوم کردند.

در کنار بازنشستگان بایستیم و با گسترش اعتراضاتمان پاسخ محکمی به گستاخی حکومت و یورش وحشیانه‌اش به صف اعتراض بازنشستگان

بدهیم. با بیانیه‌های مشترک اعتراضی بر آزادی فوری بازنشستگان دستگیر شده تأکید کنیم. ادامه تجمعات مشترک بخش‌های مختلف بازنشستگان و حمایت‌های مردمی قدم مهمی در این راستا ست.

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و فساد و بی تأمینی هستند. بازنشستگان با برافراشتن پرچم اتحاد مبارزاتی کل جامعه علیه فقر و فساد و با اعتراضات جانانه خود در دفاع از زنان و علیه اعدام‌ها به یک سنگر مهم دفاع از دستاوردهای انقلاب و به الگویی برای بازگشت اعتراضات مردمی به خیابان تبدیل شده‌اند. با تمام قوا از این سنگر مهم مبارزاتی حمایت و پشتیبانی کنیم.

راحله شگفتی‌ساز زندانی در ایران

کیوان جاوید

هرانا گزارش می‌دهد: "راحله راحمی پور، زندانی سیاسی مبتلا به تومور مغزی، از رسیدگی پزشکی مناسب محروم شده است. راحله راحمی پور به‌رغم نیاز به رسیدگی پزشکی تخصصی همچنان از اعزام به بیمارستان و رسیدگی درمانی محروم مانده است. پیش‌تر هرانا دلیل محرومیت پزشکی این زن دادخواه را خودداری او از پوشیدن حجاب اجباری گزارش کرده بود."

راحله راحمی پور از اعضای خانواده‌های دادخواه و مفقودشدگان در زندان‌های جمهوری اسلامی

بشمار می‌رود. درحالی‌که برادرش حسین و همسرش در دهه شصت بازداشت و اعدام شدند، مقام‌های جمهوری اسلامی نوزاد آنها به نام گلرو را هرگز به خانواده‌اش تحویل نداده و بدون ارائه گواهی فوت یا محل دفن مدعی شده‌اند که این کودک جان‌باخته است.

ما با چنین شگفتی‌سازهایی در تاریخ معاصر ایران روبرو هستیم. زنی از نسل عصیان، از نسل ایستادگی در برابر ستمگر؛ انسانی که زانوزدن در برابر دشمن هرگز به مخیله‌اش راه نیافته است؛ یک زن برای انقلاب و برای هویت انسانی. ما داریم از انسانی حرف می‌زنیم که ۷۲ساله است و از تومور مغزی شدیداً رنج می‌برد؛ اما

هدف والای انسانی‌اش را بزرگ‌تر از رنج خود می‌داند.

راحله از نسل دیروز است؛ نسلی که هزاران نفر از آنها در تنهایی و گمنامی و بدون اینکه اسمشان در رسانه‌ها درج شود یا در ایران و جهان برای آزادی آنها کمپین راه بیفتد، یا اینکه وکلای داخلی و جهانی فرصت دفاع از آنها را داشته باشند، به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. ما از انقلابیون و مبارزین دهه ۶۰ حرف می‌زنیم، نسل خاوران و ده‌ها مکان بی‌نام‌ونشان در گورهای دسته‌جمعی. این نسل دیروز خود را به نسل امروز وصل کرده است، به توماج‌ها و دیگر انقلابیون جوان که مشت بر آسمان می‌کوبند و برای آزادی و انسانیت

مبارزه می‌کنند.

راحله را باید به نیکا و سارینا و حدیث متصل کرد تا واقعاً مشاهده کرد که حکومت اسلامی گرفتار در چه گرداب هولناکی شده است. این حکومت منحوسِ ضد بشر در برابر آزادی و برابری و انسانیت درهم‌شکسته می‌شود. راحله را با فشار مضاعف و باقدرت انقلابمان آزاد کنیم. این زن از نسل انقلاب نباید حتی یک روز در زندان بماند.

از کاهش خرید میوه تا کاهش زندگی

منظر دریاکناری

گزارش‌ها از ایران حاکی از آن است که امسال فصل نوبرانه‌های میوه با قیمت‌های نجومی همراه شده و در کل، میزان خرید میوه در ایران یک‌سوم کاهش‌یافته است. گزارش می‌شود که تورم در بخش میوه و تره‌بار به‌اندازه‌ای بالا است که اقشار متوسط و ضعیف، هیچ چاره‌ای جز حذف کردن آن ندارند. رئیس اتحادیه فروشندگان می گوید قیمت هر کیلو گیلاس وقتی به مغازه‌ها می‌رسد حدود سیصد هزار تومان می‌شود.

قحطی ای در کار نیست. سیلی نیامده است

و خشکسالی "نسل میوه‌ها" را برنچیده است. میوه‌ها در هر رنگ و هر نوعِ آن در مغازه‌ها زیباترین تابلوهای نقاشی را به نمایش می گذارند و ما را به تماشا وامی‌دارند. تماشایی توأم با حسرت. میوه‌ها با طمع‌های وسوسه کننده جلوی چشم ما، اما فرسنگ‌ها از ما دور هستند. اینجا دیگر منطق پول حکم می‌راند. اینجا نیاز و میل و اشتیاق تسلیم یک واقعیت خشن بیرونی است. واقعیتی زشت و آزاردهنده به نام حکومت اسلامی.

ما و کودکانمان از کنار این انواع میوه‌های آبدار و زیبا و مفید نباید گذر کنیم. یک تابلوی ایست نانوشته ما را از نزدیک‌شدن به این "میوه

ممنوعه“ برحذر می‌دارد. انگار ”خدا“ ”آدم و حوا“ را از خوردن سیب یا انگور منع کرده باشد و این خاطیان آفرینش الهی با سرپیچی از امر الهی به زمین پُر از رنج و محنت تبعید شده باشند.

اینجا فقط میوه‌ها دور از دسترس نیستند. نان هم از سفره‌ها رخت بربسته و آزادی هم در اسارت است. هر چه هست ستم است و زندان و دستگیری. تا چشم کار می‌کند و گوش توان شنیدن دارد ما درد می‌بینیم و غم می‌شنویم. حکومت نماینده ”خدای یکتا و توانا“ به نمایندگی از خالق خود ما را از خوردن و آشامیدن و بهداشت و تفریح و آسایش و خوشبختی منع کرده است.

اما انسان شورشگر است. این راز دوم انسان است. این انسان در برابر ظلم و نابرابری به‌پاخاسته است. ما این جهنم را به زیباترین مکان ممکن برای زندگی تبدیل می‌کنیم. ما این حکومت پاسدار فقر و فلاکت را در هم می‌کوبیم و زندگی را به زیبایی، همگانی می‌کنیم. این رسالت انقلاب زن زندگی آزادی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۷

۱۵ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

فراخوان جهانی علیه مضحکه انتخاباتی

حسن صالحی

روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را گرامی بداریم

پریسا پوینده

رضا شهابی بی قید و شرط باید آزاد شود

رضا درویش

مجیدرضا رهنورد نماد زن زندگی آزادی بود

اصغر کریمی

دروازه جهنم با نگهبانانی بی‌رحم برای کولبران

نسان نودینیان

طالبان، معضل زنان و انقلاب زنانهٔ ایران

سینا پدرام

فراخوان جهانی علیه مضحکه انتخاباتی

حسن صالحی

در حالیکه بخش‌های مختلف حکومت و از جمله "اصلاح‌طلبان" دارند برای مضحکه انتخاباتی تعیین رئیس‌جمهوری بازارگرمی می‌کنند، تعداد زیادی از گروها و نهادها و سازمان‌های مختلف با اعلام یک فراخوانی جهانی مردم را به اعتراض علیه این نمایش حکومتی دعوت کرده‌اند. حدود پنجاه گروه، کمیته، کمپین، سازمان و حزب گفته‌اند که هدفشان این است در صفی واحد مضحکه انتخاباتی رژیم را افشا و رسوا کنند و پیام و خواست مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند.

موضوع حائز اهمیت در این فراخوان همگرایی گروه‌های مختلف و اعلام تشکیل یک صف واحد در مقابل سیرک انتخاباتی رژیم است. به هر میزان این همگرایی‌ها بین فعالین انقلاب زن زندگی آزادی بیشتر در جامعه تکثیر شود جمهوری اسلامی خود را در موقعیت شکننده‌تری خواهد دید. در حال حاضر حکومت سعی می‌کند با قراردادن فردی مثل پزشکیان از جبهه اصلاح‌طلبان حکومتی در لیست کاندیداها، مردم را به‌پای صندوق رأی بکشاند و به قول خودشان سرنگونی طلبی را حاشیه‌ای کنند. غافل از اینکه مردم سال‌هاست که از این نمایشات حکومتی و انتخاب میان بد و بدتر عبور کرده‌اند و برای

سرنگونی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته آن به میدان آمده‌اند.

اهمیت فراخوان نزدیک به پنجاه نهاد و گروه و سازمان این است که ما می‌توانیم در یک اقدام مشترک و واحد این تقلاهای رژیم را نه فقط خنثی کنیم؛ بلکه به جهانیان نیز نشان دهیم که ما به کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی راضی نمی‌شویم و با انقلاب خود دستیابی به آزادی و رهایی را متحقق خواهیم کرد.

در هر جا که هستید به فراخوان اعتراض به سیرک انتخاباتی رژیم پاسخ مثبت دهید و بخصوص در خارج کشور مراکز به‌اصطلاح رأی‌گیری رژیم

را به صحنه اعتراض متحدانه علیه این حکومت مستبد و جنایتکار تبدیل کنید.

۴۸ گروه، کمیته، کمپین، سازمان و حزب فراخوان دهنده ب ه ترتیب حروف الفبا:

- اتحاد برای آزادی، واشنگتن دی سی، ایالات متحده آمریکا
- اتحادیه سوسیال دموکرات ایران (اتحادیه سدا)
- اتحادیه نهادهای ایرانی استرالیا
- البرز زن زندگی آزادی، پاریس، فرانسه
-انسان آزاد، آلمان
- اوته ایران، اتحاد برای پایان دادن به اعدام

هادر ایران

- ائتلاف برای دموکراسی و آزادی،هامبورگ، آلمان
- ایران آزاد، سوئیس
- ایران پروتست، مالمو، لوند، هلسینگبوری
- ایرانیان جمهوری خواه استرالیا (یار)
- بنیاد مهسا، دانمارک
- جمهوری خواهان انقلاب مهسا (جام)
- جمهوری خواهان سکولار دمکرات، هامبورگ، آلمان
- حزب چپ ایران (غرب آلمان)
- حلقه اتحاد جوانان ایران
- خانه آزادی ترکمن
- دادخواهان ایران

- دادخواهان خاوران
- زن زندگی آزادی، گراتز، اتریش
- زن زندگی آزادی، گوتنبرگ، سوئد
-زن زندگی آزادی، ووپرتال، آلمان
- سازمان زنان کردستان ایران
-سازمان سراسری حق زن، سوئد
- شبکه ایرانیان نروژ
- شش رنگ، شبکه لزبین و ترنسجندرهای ایرانی
- صدای او باشید، کلن، آلمان
- کادر درمان برای حقوق بشر و دموکراسی (برلین مد)
- کارزار جهانی نه به اعدام در ایران
-کانون حامیان عدالت
- کانون خاوران

-کمپین برای آزادی کارگران زندانی
(Free Them Now)
-کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران
-کمیته بین المللی علیه اعدام
- کمیته همبستگی با انقلاب ایران، فرانکفورت، ماینز و ویسبادن
- کمیته نروژی - ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران
- کمپین نه به اعدام آری به حیات آزاد
- گروه حامیان انقلاب زن زندگی آزادی، واشنگتن دی سی، آمریکا
- گروه حقوق بشری بلوچستان
- گروه همبستگی با ایرانیان، ونکوور، کانادا
- مسیر اتحاد برای ایران (API)

- MCSDI ، آمریکا
- نسل برانداز، هامبورگ ، آلمان
- نیکا، شبکه ایرانیان خواهان آزادی و دموکراسی
- نهاد زنان کردستان علیه تبعیض
- نهاد نه به تابو نه به خشونت علیه زنان
- همایش ایرانیان هامبورگ
- همه برای ایران، سوئیس
- هنرمندان معترض دانمارک، آرهوس، دانمارک

روز جهانی حمایت از
زندانیان سیاسی را گرامی بداریم

پریسا پوینده

سال‌هاست تلاش شده است بیست ژوئن برابر با سی خرداد به یک روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران تبدیل شود. زندانیان سیاسی، این مبارزان شجاع در ایران که برای کرامت انسانی و یک زندگی بهتر برای من و شما و فرزندانمان، سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی و شکنجه‌های آن را به جان خریده‌اند.

هر ساله تلاش کردیم دفاع از آزادی فوری و بیقید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم‌انگاری

فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی، آزادی بیقید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، اجتماعات، اعتصاب، و لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر نوع شکنجه روحی و جسمی و اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان و لغو بی‌قیدوشرط قوانین تبعیض‌آمیز علیه تعلقات و گرایش‌های جنسی و جنسیتی، به‌رسمیت‌شناختن جامعه رنگین کمانیِ "ال جی بی تی کیو و..."، مطالباتی که به‌درستی در منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران و منشور مطالبات زنان پیشرو آمده را در دستور کار و مباحث اقدامات این روز قرار دهیم.

امسال نیز در چهاردهمین سال روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، کمیته آزادی زندانیان سیاسی این روز را به جایگاه "مبارزات زنان در جامعه"، "شکنجه دارویی"، "بازداشت خانواده‌های دادخواه و فعالین"، "دخالت و سرکوب فراملی" و "احکام اعدام" اختصاص داده است.

امسال این کنفرانس، با شرکت بیش از بیست نفر از چهره‌های شناخته شده سیاسی، خانواده‌های زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه، زندانیان سیاسی سابق، خانواده‌های جان‌باختگان پرواز ۷۵۲، نمایندگانی از پارلمان اروپا و کانادا، وکلای حقوق بشری، نمایندگانی از جامعه ال جی بی تی کیو، صدمه دیدگان چشمی انقلاب "زن،

رندگی، آزادی“ و فعالین حقوق بشر و عرصه جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی در تورنتو کانادا برگزار می‌شود. این کنفرانس، کنفرانسی برای نشان‌دادن اتحاد حداکثری ما در جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است. این کنفرانس، کنفرانسی برای تقویت انقلاب ”زن، زندگی، آزادی“ است.

بیست ژوئن (سی خرداد) به همه شما تعلق دارد! همه شما کسانی که حکومت اسلامی طی این سال‌ها با سیاست‌های ضد انسانی‌اش، شیرازه زندگی‌تان را از هم پاشانده است. به این روز به هر شکل و طریق ممکن بپیوندید.

رضا شهابی بی قید وشرط باید آزاد شود

رضا درویش

عفو بین‌الملل روز جمعه ۲۵ خرداد خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط رضا شهابی فعال کارگری شد. وضعیت جسمی رضا شهابی به‌گونه‌ای است که دسترسی او به مراکز درمانی تخصصی به همراه استراحت مطلق ضروری تشخیص داده شد.

تداوم دستگیری و بازداشت فعالین سیاسی و صنفی قبل از هر چیزی نشانه وحشت و هراس رژیم از حضور فعالین و سازمان‌دهندگان در کانون‌های مبارزات فراگیر علیه بی‌عدالتی و خفقان در ایران استبدادزده است.

مبارزه در جهت مطالبات صنفی و سیاسی حق مسلم همه افراد جامعه است و پایمال‌شدن این ابتدایی‌ترین حقوق انسانی توسط رژیم پایان نمی‌گیرد مگر اینکه مبارزه علیه نیروهای سرکوبگر رژیم را تا سرنگونی رژیم تداوم دهیم و در همین مسیر خواهان آزادی همه فعالین در بند اعم از صنفی و سیاسی و عقیدتی باشیم.

در راستای مبارزه برای آزادی کارگران زندانی و علیه حکومت ضد کارگری و ضدانسانی جمهوری اسلامی، هفتم ژوئن ۲۰۲۴ برابر با ۱۹ خرداد ۱۴۰۳ در جریان تجمع اعتراضی فعالین کارگری و سیاسی مقابل دفتر سازمان جهانی کار در ژنو نامه سرگشاده رضا شهابی و داود

رضوی از زندان در جمع معترضین قرائت شد و در اختیار مسئولین سازمان جهانی کار"آی ال او" قرار گرفت. همچنین شهلا دانشفر چهره شناخته شده جنبش کارگری و مسئول کمپین برای آزادی کارگران زندانی نیز در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار در جمع حاضرین سخنرانی کرد و در دیدار با مسئولین شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو نسبت به پایمال‌شدن حقوق کارگران و موج اعدام‌ها در ایران اعتراض کرد و خواهان اخراج حکومت اسلامی از سازمان جهانی کار شد.

در هر تجمعی باید خواستار آزادی کارگران زندانی و همه فعالین سیاسی شد و تعرض رژیم علیه انسانیت را در هم شکست.

مجیدرضا رهنورد نماد زن زندگی آزادی بود

اصغر کریمی

۲۶ خرداد زادروز مجیدرضا رهنورد است که در انقلاب زن زندگی آزادی شرکت کرد و بدست دژخیمان حکومت به دار آویخته شد. او مانند همه جانباختگانی که در انقلاب شرکت کردند، نماد آزادی و رفاه و عدالت بود، نماد همه جوانان و زنان و مردمی که میخواستند و میخواهند با انقلابشان حکومت اسلامی را سرنگون و دست اسلام و فقر و فساد را از زندگی مردم کوتاه کنند. در زادروز او باید پرچم سرنگونی، پرچم انقلاب، پرچم نه به اعدام این قتل عمد حکومتی، پرچم

آزادی همه معترضین زن زندگی آزادی و همه زندانیان سیاسی را بلند کرد. اینها پرچم اراده و خواست مشترک مردم است و پرچم اتحاد مردم.

رضا پهلوی زادروز مجیدرضا رهنورد را روز ملی شیر و خورشید خوانده و خواهان ثبت آن در تقویم ملی ایران شده است. گویی آرمان مجیدرضا شیر و خورشید و پرچم سه رنگ بود. گویی جانش را نه برای آزادی و رفاه و عدالت و رهایی از شر اسلام و حکومت اسلام بلکه برای مقدسات ملی میهنی فدا کرد. مجیدرضا و مجیدرضاها نامشان به انقلاب، نه سازش با اصلاح‌طلبان، نامشان به کوتاه شدن دست مذهب از زندگی مردم نه حفظ اسلام و نابودی سپاه نه حفظ و ادغامش در ارتش

گره خورده است. درست نقطه مقابل اهداف رضا پهلوی. مجیدرضا موقع اعدامش گفت: ”دوست ندارم برایم نماز و قرآن بخوانید“. او نماد میلیون‌ها زن و مرد و پیر و جوان بود که به مذهب و اسلام و هر چه مقدسات اسلامی است تف میکنند. نماد جوانانی که زندگی پُر از محرومیت و تبعیض و فقر و استثمار و جهالت مذهبی را نمیخواستند و نمیخواهند.

او و میلیون‌ها پیر و جوان و نوجوان دیگر به میدان آمدند تا تیشه به ریشه حکومت اسلامی و نظام نکبت‌بار آن و تمام بنیادهای اقتصادی، سیاسی، سرکوب و مذهبی بزنند. آنچه مردم را متحد میکند و تا همینجا متحد نگهداشته، همین آرمان‌های

عمیق انسانی است. یعنی آزادی و رفاه و عدالت، پایان دادن به فقر و تبعیض و استثمار و شکل دادن به جامعه‌ای مبتنی بر رفاه و آزادی، آزادی بی قید و شرط سیاسی و عقیده و اعتراض که رضا پهلوی و نه هیچ سلطنت‌طلبی آنرا نمیخواهد و نمیگوید. نام مجید رضا و همه مجیدرضاها همیشه در قلب مردم بپاخاسته زنده است.

دروازه جهنم با نگهبانانی بی‌رحم برای کولبران

نسان نودینیان

”هر راهی که به ذهنم می‌رسید امتحان کردم. با وجود فقر و مشکلات بسیار تحصیلاتم را به اتمام رساندم، اما ثمری نداشت. مغازه باز کردم. کارگری کردم. اما همیشه پشت در بسته ماندم. از قدیم گفته‌اند: ”خدا گر ز حکمت ببندد دری/ ز رحمت گشاید در دیگری“. اما انگار خدا تنها در کولبری را بهروی ما باز گذاشته است. به نوعی درهای جهنم را با نگهبانانی بی‌رحم.“

این‌ها گفته های ژیلوان است، جوانی سی ساله که فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته حقوق

است. او می‌گوید، به دلیل "فقر و نبودن موقعیت شغلی" مجبور شده به کولبری روی بیاورد. اهل یکی از روستاهای سقز است و در منطقه مرزی "هه نگه ژال" بانه مشغول به کولبری است.

آژانس خبری "کردپا" نهم خرداد، در گزارشی اعلام کرد که از ابتدای سال ۱۴۰۳ تاکنون، ۱۷ کولبر در استان‌های شمال غربی و غرب ایران کشته شده‌اند که ۶ تن از آنان زیر ۱۸ سال سن داشتند. این آژانس خبری همچنین گفت که در مدت ۷۰ روز، بیش از ۸۰ کولبر نیز زخمی شده‌اند.

بر اساس آمار شاخص فلاکت در سال ۱۴۰۲، بعد از استان یزد، استان‌های کرمانشاه، کردستان،

لرستان و چهارمحال و بختیاری از بالاترین سطح شاخص فلاکت در ایران رنج می‌برند.

مردم کردستان در میان استان‌های یزد، کرمانشاه، لرستان و چهارمحال‌وبختیاری یکی از محروم‌ترین استان‌ها در ایران هستند و یک راه زنده‌ماندن بخشی از مردم کردستان اجبار در کولبری است. راه‌حل حکومت در مقابله با کولبران کشتار کولبران است.

سریال مرگبار کشتن و زخمی‌شدن کولبران باید جواب محکمی بگیرد. باید کارزار و اقدامات مؤثر برای نجات کولبران را شروع کرد. جمهوری اسلامی مسئول کشتن و جان‌باختن کولبران است. مردم بیکاری و ستم و تبعیض را نمی‌پذیرند!

صدها هزار نفر در کردستان بیکارند و خواهان بیمه بیکاری و تأمین معیشت هستند. مردم رفاه و زندگی می‌خواهند و قصد کوتاه‌آمدن ندارند.

راه‌حل پایان‌دادن به کولبری و بیکاری و استثمار و دستیابی به زندگی و کرامت انسانی، سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان‌دادن به سیستم چپاول و بردگی مزدی است. باید تلاش کنیم، کشتن و زخمی‌کردن کولبر و سوخت بر در صفوف اعتراضات کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و معلمان جا باز کند و خواهان توقف حملات مرگبار به کولبر و سوخت بر شویم. تجربه اعتصاب و تجمعات در شهرهای جوانرود، مریوان و سقز در دفاع از کولبران باید الگو شود.

طالبان، معضل زنان و انقلاب زنانهٔ ایران

سینا پدرام

ملا هبت‌الله آخندزاده، رهبر طالبان در پیامی که به مناسب فرارسیدن عید قربان منتشر کرده، به موارد متعددی به جز موضوع نقض حقوق زنان و دختران در افغانستان پرداخته است.

سه سال پیش، به قدرت رساندن طالبان توسط آمریکا و در سکوت دول غربی، تنها حادثه‌ای شوم نبود، بلکه سپردن زندگی و سرنوشت چهل میلیون افغانستانی، با طرحی قبلی، به دست یک‌مشت خون‌آشام قسی‌القلب اسلامی بود. عروج طالبان نتیجه شکست سیاست به‌اصطلاح

رژیم چنج آمریکا در منطقه بود.

سه دهه پیش، اگر به‌قدرت‌رسیدن اسلام سیاسی و پس از آن طالبان در افغانستان نتیجه رقابت‌ها جنگ سردی و فروپاشی قطب رقیب، یعنی شوروی بود، به قدرت رساندن طالبان برای بار دوم بی‌هیچ شکی، نتیجه بن‌بست سیاسی آمریکا و اقمارش در منطقه و در حل بحران‌های منطقه به‌حساب می‌آید.

قربانیان این شکست، در درجه اول دختران و زنان در افغانستان بودند که پس از بیست سال مبارزه با عده‌ای فاسد و رشوه‌خوار از کرزایی گرفته تا اشرف غنی، در چنگال این اوباشان اسلامی رها

شدند تا از تمامی حقوق انسانی خود محروم شوند.

اما در این میان انقلاب زن زندگی آزادی بار دیگر بارقه امید و آزادی را در دل زنان منطقه و به‌ویژه افغانستان تابانید. تمامی ارتجاع اسلامی منطقه و ارتجاع جهانی با پریشان‌حالی از خواب پریدند و واقعیت سیاسی منطقه و از جمله زنان بیزار از حکومت‌ها و قدرت‌های اسلامی را به تماشا نشستند. بشریت و زنان شاید می‌توانستند مقهور قدرت ارتجاع اسلامی شوند، اگر انقلاب زنانه در ایران زبانه نمی‌کشید و تمامی پایه‌های اقتدار این اوباشان را به لرزه در نمیاورد.

آینده یک و نیم‌میلیون دختر در افغانستان که توسط طالبان از تحصیل محروم شده‌اند، بی‌هیچ مبالغه‌ای به مبارزات مردم و به‌خصوص زنان بر علیه رژیم اسلامی در ایران تنیده شده است. مقابله و رد طالبان در افغانستان نیز تبلور یک مبارزه وسیع علیه اسلام سیاسی است. انقلاب زنانه در ایران نشان داد که اسلام سیاسی در منطقه آینده‌ای ندارد. نه در ایران و نه در افغانستان.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۸

۱۶ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۷ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

مبادله یک جنایت‌کار با دو گروگان بی‌گناه!

محسن ابراهیمی

از بنی‌صدر تا "تنور انتخابات"

سینا پدرام

آتنا فرقدانی و دیکتاتور دلقک

کیوان جاوید

تعرض جدید طالبان به حقوق زنان در افغانستان

سیاوش آذری

مبادله یک جنایت‌کار با دو گروگان بی‌گناه!

محسن ابراهیمی

آزادی حمید نوری، جنایت‌کار شناخته شده‌ای که در قتل‌عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ مستقیماً نقش داشته است، به‌هیچ‌وجه در چهارچوب تبادل زندانیان نمی‌گنجد. حمید نوری یک قاتل حکومتی است و توسط دستگاه قضایی سوئد در یک دادگاه علنی با حضور تعداد زیادی شاکی و شاهد به حبس ابد محکوم شده است. اما شهروندان سوئد، مثل ده‌ها شهروند کشورهای مختلف توسط دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی دقیقاً باهدف باج‌گیری و اخاذی بعدی به گروگان گرفته شده‌اند. دولت سوئد حمید نوری را در ازای آزادی دو شهروند

بی‌گناه سوئد، به آغوش حکومت اسلامی فرستاده است. این اتفاق، یک زدوبند کثیف سیاسی میان دولت سوئد با حکام اسلامی است که عفو بین‌الملل از آنان به‌عنوان "ویرانگران انسانیت" نام‌برده است.

سیاستمداران حاکم در سوئد با آزادی حمید نوری دستانشان را به خون هزاران زندانی سیاسی آغشته کردند که حمید نوری در کشتارشان مستقیماً نقش داشت. آنها با این معامله رذیلانه با حکومت اسلامی، نه‌تنها عملاً شریک جرم جنایت علیه هزاران زندانی سیاسی هستند، بلکه با تن‌دادن به گروگان‌گیری حکومت اسلامی، عملاً این حکومت را در سیاست ضد انسانی‌اش ترغیب می‌کنند و امنیت شهروندان خودشان را بیشتر به خطر می‌اندازند. شهروندانی که باید با اعتراضات و فشارهای گسترده جهانی از

اسارت حکومت اسلامی آزاد شوند.

بازداشت، محاکمه و محکومیت حمید نوری قطعاً محصول فضای اعتراضی گسترده علیه حکومت اسلامی در داخل ایران و خارج از کشور، مبارزات پیگیر هزاران دادخواه علیه قتل‌عام زندانیان سیاسی در دهه شصت و تابستان ۶۷ و یک پیروزی بزرگ برای مردم معترض بوده و هست. در جریان محاکمه علنی حمید نوری، مردم جهان مطلع شدند که در ایران یک‌مشت تروریست اسلامی، یک‌مشت قاتل و تبهکار سیاسی حکومت می‌کنند که به یکی از بزرگ‌ترین قتل عامه‌ای زندانیان سیاسی دست زده‌اند.این دستاورد بزرگ راهیچ مماشاتی نمی‌تواند پس بگیرد. تصمیم به آزادی یک قاتل محکوم در دستگاه قضایی سوئد، یک رسوایی سیاسی برای

دولت سوئد است که باید با اعتراض کوبنده مردم در ایران و خارج از کشور مواجه شود.

ما مردم به‌پاخاسته علیه حکومت اسلامی به دولت سوئد اعلام می‌کنیم که هیچ مماشاتی با حکومت اسلامی، نمی‌تواند کوچک‌ترین خللی در عزم ما برای رهاکردن ایران و جهان از شر حکومت اسلامی وارد کند. اتفاقی که شهروندان بی‌گناه جهان را هم از زندان‌های این حکومت رها خواهد کرد.

از بنی‌صدر تا "تنور انتخابات"

سینا پدرام

یدالله جوانی، معاون سیاسی سپاه، در نشستی در قم گفت: "کیفیت" این انتخابات از آن‌رو اهمیت دارد که در صورت "چالشگر" شدن فرد منتخب، ممکن است "تجربه تلخ" ابوالحسن بنی‌صدر ایجاد شود. وی همچنین افزود "دولت‌هایی را داشته‌ایم که نوع نگاهشان در سیاست خارجی یکسان نبوده است."

این روزها بعد از "کشته‌شدن" ابراهیم رئیسی، گویا از آبدارچی بیت رهبری تا هر پادوی "سیاسی و نظامی" حضرت آقا شال‌وکلاه کرده‌اند تا به رئیس‌جمهوری "تعیین شده" آینده گوشزد کنند

که خامنه‌ای حوصله دردسر ندارد. حرف‌هایشان تکراری است؛ اما نگاهشان به آینده مردم و عاقبت خودشان تکرار گذشته نیست. به‌هرحال تک‌تک این جماعت نه از رد صلاحیت و "حذف سیاسی" شورای نگهبان بلکه از "حذف فیزیکی" بیت رهبری بیشتر بیم دارند.

معضل ریاست‌جمهوری نیز از همان بدو روی کار آمدن رژیم اسلامی یک تناقض پُر حاشیه بوده است. جناح‌های مختلف این رژیم از همان روز اول که سرکوب انقلاب مردم و انقلاب ۵۷ را به عهده گرفتند، گرچه در سرکوب مردم متفق‌القول بودند، اما در روش‌های سرکوب و سهم مادی و سیاسی، با هم درگیر شده‌اند. از بنی‌صدر "صددرصد" تا

ابراهیم رئیسی "هرچند درصد" دستور کار رؤسای جمهور در ایران کاملاً روشن بوده است؛ سرکوب آزادی، ایجاد اختناق، پایین نگه‌داشتن رفاه مردم و به‌وجودآوردن کارگر ارزان و غیره.

تناقضات اقتصادی و سیاسی هم‌زاد رژیم اسلامی است. سران رژیم و تعیین‌کنندگان سیاست‌های رژیم، کودنی سیاسی خود را فقط با کشت‌وکشتار می‌توانند پوشیده نگهدارند. فاکتور اساسی در جامعه ایران فعل و انفعالاتی سیاسی و اقتصادی است که در اعماق جامعه به وقوع می‌پیوندد. مردم آن نیروی سوم هستند که حساب و کتاب‌های رژیم را همواره باطل کرده‌اند و مُهر خود را بر حوادث مهم سیاسی در ایران زده‌اند. عامل واقعی تناقضات و معضلات

درونی رژیم عدم تمکین مردم در ۴۵ سال گذشته بوده است. انقلاب ۵۷، غول خفته‌ای را در ایران بیدار کرد که فاشیست‌ترین رژیم دنیا هنوز از پس آن برنیامده است. انقلاب زن زندگی آزادی در ادامه آن انقلاب حضور این غول را به‌تمامی جهانیان اعلام کرد.

آتنا فرقدانی و دیکتاتور دلقک

کیوان جاوید

مانا نیستانی روز جمعه دررابطه‌با حکم شش سال زندان برای آتنا فرقدانی کاریکاتوری رسم کرده است که موقعیت دیکتاتور را به‌درستی ترسیم می‌کند. دیکتاتوری که به دست یکی دیگر از اعضا جامعه به سُخره گرفته می‌شود.

آتنا فرقدانی، کارتونیست، مبارز سیاسی و مدافع حقوق کودکان به اتهامِ «توهین به مقدسات و تبلیغ علیه نظام» مجموعاً به ۶ سال حبس محکوم شده است. آتنا پس از بازداشت به‌شدت مورد

ضرب‌وجرح مأموران قرار گرفته است. شبکه بین‌المللی مدافع حقوق کاریکاتوریست در مرداد سال ۱۳۹۴ جایزه شجاعت را به آتنا فرقدانی اهدا کرد.

توهین به مقدسات و تبلیغ علیه نظام. این دو اتهام برای هیچ‌کس در ایران نه‌تنها ناآشنا نیست که راز بقای حکومت در همین دوکلمه نهفته است. کدام دیکتاتور و کدام حکومت ضدبشری است که غیر از این بگوید؟ این تاریخ دیکتاتوری‌ها و حکومت‌هایی است که فقط می‌توانند با خونریزی و به بند کشیدن مخالفین سیاسی و مردمی که برای یک زندگی بهتر تلاش و مبارزه می‌کنند، ادامه حیات دهند. یک حکومت مردمی نه توهین به «مقدسات» را جرم اعلام می‌کند نه از تبلیغ

علیه نظام واهمه دارد. انتقاد و مخالفت جزو جدایی‌ناپذیر از آزادی بی‌قیدوشرط بیان است و نبودن این حقوق اجتماعی حکم بر عدم مشروعیت نظام موجود می‌دهد.

اگر در ایران یک‌طبقه وجود دارد که می‌تواند از همه امکانات رفاهی و تفریحی و پزشکی به بهترین شکل ممکن استفاده کند و در همان حال اکثریت عظیم شهروندان با کار و تلاش بی‌پایان خود در فقر زندگی می‌کنند، آنگاه زندان و شکنجه و کشتار یک ابزار اصلی برای ادامه حیات این طبقه است. آزادی سد راه طبقه سرمایه‌دار برای بهره‌کشی روزافزون از مردم است. نماینده این سرمایه‌داری در ایران حکومت اسلامی است. حکومتی بغایت ضد بشر و ضد همه ارزش‌های انسانی.

در برابر این حکومت، انسانیت به‌پاخاسته است. آتنا فرقدانی تنها یک نفر دیگر در این صف میلیونی است که علیه این رژیم جانی و فاسد مشت کرده است و با قلم رنگینش دیکتاتور را رسوا و در مقابلش ایستاده است. ما مردم، آتنا و همه زندانیان سیاسی را با همه توانمان مورد حمایت قرار می‌دهیم و برای آزادی آنها از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنیم. دور نیست آتناهای مبارز با سرنگونی جمهوری اسلامی جشن آزادی، برابری و رهایی بگیرند تا آزادی رنگین‌کمانِ آسمانِ زندگی شود.

تعرض جدید طالبان به حقوق زنان در افغانستان

سیاوش آذری

حکومت آدم‌خواران اسلامی طالبان دستوری صادر کرده که بر مبنای آن دستمزد تمام کارمندان زن بخش دولتی، بدون درنظرگرفتن رتبه و سنوات، به ۵۰۰۰ افغانی کاهش پیدا می کند.

هر چند تولید و بازتولید نابرابری، از جمله نابرابری جنسیتی و تبعیض علیه زنان از سرشت سیستم سرمایه‌داری نشئت می گیرد؛ اما انسان‌ها با مبارزات بی‌وقفه در مدت صدها سال قادر به تحمیل برخی از مطالبات و اصول انسانی به‌نظام سرمایه‌داری گشته‌اند. مزد یکسان در ازای کار

برابر بدون توجه به جنسیت، قومیت و باورهای شخص شاغل از جمله این حقوق پایه انسانی است. اما تلاش انسان‌ها برای برقراری یک‌دنیای بهتر و جنگ با سرمایه بدون وقفه در جریان است و سرمایه و دولتش در هر فرصت به حقوق به چنگ آمده و دستاوردهای انسان‌ها دست‌درازی می‌کنند.

افغانستان تحت سیطره طالبان نمونه گویایی از این تجاوز سیستم سرمایه‌داری از طریق دولت فوق فاشیستی و اسلامی سرمایه به حقوق پایه‌ای شهروندان و بیش از هر کس زنان است. حمله آمریکا به افغانستان در بطن عروج نظم نوین جهانی قرار بود زوریازوی ایالات متحده را به رخ جهانیان بکشاند و هژمونی و رهبری آمریکا در

جهان را تثبیت کند. اما این سیاست آمریکا به گل نشست و به‌ویژه در افغانستان موجبات به قدرت رانده‌شدن مجدد طالبان و جنبش اسلامی را فراهم آورد.

آمریکا و غرب برای توجیه سیاست مماشات با این جانوران اسلامی در انظار عمومی جهان در تلاش بوده‌اند تا آنان را به‌عنوان نمایندگان مشروع مردم افغانستان حقنه کنند. اما موج انقلاب زن زندگی آزادی در ایران علیه برادران آدم‌خوار طالبان به جنبش زنان در افغانستان جان تازه‌ای دمید و مقاومت زنان در افغانستان در دفاع از حقوق و آزادی‌های انسانی‌شان اوج گرفت.

حمله به حقوق زنان و انسان‌ها در هر کشور حمله

به حقوق آنان در دنیا است. تضعیف جایگاه زنان در افغانستان موقعیت و حقوق زنان در سرتاسر دنیا از جمله در غرب را شکننده‌تر خواهد نمود. باید در مقابل دست‌درازی طالبان و نیروهای اسلامی به حقوق زنان با تمام قوا ایستاد. زنان افغانستان شایسته گرم‌ترین و نیرومندترین پشتیبانی از طرف نیروهای آزادی‌خواه و برابری طالب در سرتاسر دنیا هستند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۵۹

۱۷ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۸ خرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

کابوس انتخابات برای رژیم اسلامی

منظر دریاکناری

محل کار قتلگاه کارگران

عبدل گلپریان

از انقلاب تا سوسیالیسم راهی نیست

کیوان جاوید

پیشروی احزاب راست در اروپا و موقعیت چپ

سیامک بهاری

کابوس انتخابات برای رژیم اسلامی

منظر دریاکناری

سردار پاسدار یدالله جوانی، معاون سیاسی سپاه پاسداران، در جمع بسیجیان و طلاب قم گفت که مشارکت پایین در انتخابات پیش‌رو نظام اسلامی را در داخل و خارج با چالش روبرو می‌کند.

در همه کشورهای دیکتاتورزده که جامعه با مشت آهنین حاکمیت حق نفس‌کشیدن ندارد، انتخابات یک نمایش حکومتی یک ظاهرسازی برای مشروعیت داخلی و بین‌المللی است. در این نظام‌ها همیشه یک فرد و یک جریان با ۹۹“ درصد” آرا از صندوق بیرون می‌آید و عدم

شرکت در چنین "انتخاباتی" یک عمل ضد امنیت ملی نام می‌گیرد. مردمی خاموش و سردرگریبان عروسک‌های چنین نمایشاتی هستند.

بعد از اعلام نتیجه چنین انتخاباتی معمولاً دولت‌های جهان مشروعیت حکومت موردنظر را تأیید کرده و تبریک می‌گویند و حاکمیت مستبد به عمر سراپا ننگین خود که توأم با زندان و شکنجه و کشتار است ادامه می‌دهند.

صحنه انتخاباتی برای جمهوری اسلامی این‌چنین نیست. انتخابات حکومت عموماً به یک کابوس برای رژیم تبدیل می‌شود. خصوصاً از انتخابات سال ۸۸ این کابوس دیگر به صحنه اجتماع

وارد شده است و هر مناسک انتخاباتی رژیم تداعی‌کننده سرنگونی حکومت است.

نگرانی‌های سردار پاسدار یدالله جوانی نیز از همین دست است، اما در همین سطح باقی نمی‌ماند. رژیم اسلامی، رئیسی را با هزار حیله و حذف و توطئه از صندوق بیرون کشید و با همین دوزوکلک نیز باعث ریزش بیشتر در صفوف حکومت و منزوی‌تر کردن بیشتر خامنه‌ای شد. در این سیرک انتخاباتی نیز باتوجه‌به فضای سیاسی ایران و حضور قدرتمند مردمی که انقلاب حرف اول و آخر آنها است، وحشت رژیم برای ازدست‌دادن شیرازه امور صدچندان بیشتر شده است.

ما مردم می‌توانیم و باید در همین شرایط که رژیم از کمترین انسجام داخلی برخوردار است و باندهای حکومتی سایه همدیگر را با تیر می‌زنند، دور دیگری از تعرض سیاسی سازمان‌یافته و متشکل را به نمایش بگذاریم. اعتصابات و اعتراضات فقط یک رکن این مبارزه علیه حکومت اسلامی است. برهم‌زدن و آوار کردن این سیرک مسخره انتخاباتی بر سر رژیم می‌تواند رکن دیگر مبارزه مردم باشد. رژیم مفلوک اسلامی با ده‌ها بحران ریزودرشت سیاسی و اقتصادی و هویتی یارای مقاومت در برابر یک انقلاب را ندارد. به‌پیش برای ضربات مهلک‌تر.

محل کار قتلگاه کارگران

عبدل گلپریان

روز یکشنبه ۲۷ خرداد در پی ریزش معدن شازند در منطقه پل دوآب استان مرکزی چهار نفر زیر آوار ماندند که دو نفر از آنان جان خود را از دست دادند. استاندار اعلام کرده است "حجم ریزش کوه بسیار بالاست و قرار است تجهیزات سنگین برای نجات جان افراد به محل حادثه اعزام شود."

طبق آمارهای وزارت کار جمهوری اسلامی، سالانه ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار در کشور اتفاق می‌افتد که منجر به کشته شدن ۱۲۰۰ کارگر

می‌شود. آمارهای پزشکی قانونی شمار کارگران کشته شده در سال گذشته را حدود ۲۱۰۰ نفر عنوان کرده است. بنا به همین آمار روزانه پنج تا شش نفر جان خود را در محیط های نا امن و غیر استاندارد از دست می دهند.

با احتساب سالانه ۲۱۰۰ کارگر کشته شده، اگر هر خانواده کارگری را ۵ نفر مبنا قرار دهیم، یعنی تباه شدن زندگی ده هزار و پانصد انسان، یعنی فروپاشی زندگی همسر و فرزندان آن خانواده کارگری که با گرفته شدن جانش در محل ناامن کار آینده ای تباه کننده تر در انتظار آنان خواهد بود. آنچه هر روز در معادن و دیگر محل های کار جان کارگران را می گیرد، می توان آنرا در

زمره قتل های پنهان باندهای مافیای حکومت اسلامی در چاپیدن دسترنج کارگران محسوب کرد.

در کارنامه بیش از چهار دهه از ظهور آیت الله ها و مفتخوران اسلامی و غارت هستی مردم، سهم کارگران و دیگر مزدبگیران جامعه تباه شدن زندگی آنان در قتلگاه هایی بنام محل کار است. کارگرانی که شانس زنده ماندن در این قتل گاههای را داشته باشند، در اثر فقر، بیکاری، فلاکت و با دستمزدهای زیر خط گرسنگی و دستمزدهای معوقه، تباهی تدریجی را تجربه می کنند. بیاد داشته باشیم سهم کارگران از زندگی در رژیم گذشته نیز، فقر و سرکوب بود.

اما در مقابل چنین فجایعی که هر روز زندگی کارگر را به تباهی می کشاند مبارزه ای قدرتمند علیه باندها و مافیای سود و سرمایه در جریان است که هر روز بر قدرت آن برای تحقق یک زندگی انسانی، مرفه و برخورداری از رفاه و سعادت افزوده می شود. اعتصابات قدرتمند، متحد، متشکل و سازمان یافته بخشها و رشته های مختلف کارگری در اعتراض به این تباهی آن پاسخ کوبنده ای است که همگام با دیگر حرکتهای اعتراضی مردم در سراسر کشور می تواند این بساط جهنمی را یکبار برای همیشه برچیند.

از انقلاب تا سوسیالیسم راهی نیست

کیوان جاوید

این روزها در ایران یک حرف در همه‌جا به گوش می‌رسد. سرنگونی! همه با هم با صدای بلند از انقلاب اسم می‌برند. طوری این کلمه در ایران جا بازکرده که انگار از ازل تا ابد حرف دیگری در میان نبوده است.

احزاب کمی در ایران وجود داشتند که راه خلاص‌شدن از دست جمهوری اسلامی را از طریق دخالت مستقیم مردم و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی جستجو می کردند. بخش اعظم سازمان‌های سیاسی و افراد و جریانات رنگارنگ

سیاسی با شنیدن اسم انقلاب مبلغین و مدافعان انقلاب علیه جمهوری اسلامی را به باد دشنام می‌گرفتند.

اوج این تنفر از انقلاب و انقلابیون و هر کس که رهایی را با سرنگونی توسط مردم گره می‌زد رئیس‌جمهور شدن محمد خاتمی بود. در مقابل هر یک انقلابی هزار متنفر از انقلاب قد علم کرد و ما انقلابیون ضد حکومت اسلامی را مورد شدیدترین حملات هیستریک قرار دادند. ما "خوش‌خیالانی" بودیم که اسیر یک منطق کور، نمی‌توانستیم درک کنیم که "دنیا دیگر دنبال راه‌حل انقلاب نیست".

شعاردادن و اعتراض‌کردن در گردهمایی حکومتی و مدافعان حکومت در خارج کشور توسط ما انقلابیون سرنگونی طلب با برچسب "خشونت‌طلب" جواب می‌گرفت. راه مشخص شده بود. خاتمی آمده است و گفتگوی تمدن‌ها راه می‌افتد و در داخل کشور نیز اصلاحات بر حکومت تحمیل می‌شود و دنیا تبدیل به بهشت آنها می‌شود که با توسل به رأی و صندوق انتخاباتی، جامعه را به سرمنزل مقصود می‌رسانند.

این بازی، مسخره‌تر و احمقانه‌تر از آن بود که بتواند در برابر خشونت افسارگسیخته جمهوری اسلامی دوام بیاورد. انقلاب آن حرکت عظیمی شد که نه‌تنها بنیان حکومت اسلامی را به لرزه

درآورد که چشم جهانیان را به یک واقعیت بزرگ اجتماعی در ایران باز کرد.

انقلاب را باید با رهایی و آزادی و برابری و سوسیالیسم گره زد. آنها که هنوز باور ندارند، خوب است بدانند که انقلاب ایران خود را با برابری و آزادی و سوسیالیسم گره خواهد زد و تا اینجا شاهد نشانه‌های درخشانی از این در هم تنیدگی انقلاب، آزادی، رهایی و سوسیالیسم هستیم. برای به پیروزی رساندن این آرزوی انسانی یک قدم دیگر به پیش. انقلاب تنها با سوسیالیسم به پیروزی می‌رسد و ظرف این پیروزی همه جانبه حزب انقلاب، یعنی حزب کمونیست کارگری ایران است.

پیشروی احزاب راست در اروپا و موقعیت چپ

سیامک بهاری

احزاب راست افراطی، اغلب با پیشینه نژادپرستی، نئوفاشیستی، خارجی ستیز و مهاجر ستیز، مسلمان ستیز در آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، اتریش، در حال پیشروی‌اند.

چرا چنین است؟ سوسیال‌دموکراسی و دولت رفاه چرا مدام رنگ‌باخته، عقب نشسته، با راست میانه درهم‌آمیخته و نهایتاً راه را برای پیشروی راست افراطی بازکرده است؟ آیا پیشروی راست افراطی، انتخاب مردم اروپا است یا حاصل ناامیدی از احزاب سنتی و بی‌اثری که نقش و تأثیری در بهبود

زندگی و ممانعت از یورش راست برای بازپس گیری دستاوردهای تا کنونی جامعه نداشته است؟

میلیون‌ها مردمی که با تورم و گرانی، بیکاری و ازدست‌دادن رفاه عمومی، سقوط استانداردهای زندگی هر روز فقیرتر و محروم‌تر و به آینده بدبین‌تر می‌شوند، افزایش گتوها و حاشیه‌نشینی، با گسترش تبعیض و نابرابری و فقر دست به گریبان‌اند، زیر بار وام و بهره سنگین کمر خم کرده‌اند و سایه جنگ و کشمکش‌های مرزی بیخ گوششان دارد مانند خوره پیش می‌رود؛ در پی تغییر وضع موجودند.

نارضایتی و روی‌گردانی از احزاب سنتی "چپ

و راست“ روی‌گردانی از کل سیستمی است که دیگر در تغییر وضعیت موجود اثربخش نیست. احزاب راست افراطی خود را ضد سیستم کنونی جا می‌زنند. دکترین ترامپ هم در انتخابات پیشین آمریکا همین بود. ضد سیستم و احیاکننده عظمت پیشین!

راه‌حل‌های به‌ظاهر زود فرجام پوپولیستی، ناراضیان از سیستم موجود را جذب می‌کند بی‌آنکه حتی یک میلیمتر دست به ریشه مصائب دردناکی که جامعه را در خود پیچیده ببرد. سنتی شناخته شده که ریشه عمیق در احزاب نژادپرست و فاشیستی دارد. دموکراسی پارلمانی به این هجوم مشروعیت می‌بخشد.

سرمایه‌داری با هجوم هر بیشتر به جامعه هدفی جز تأمین سود ندارد، این اساس و بنیاد جهنمی است که زیر پای مردم اروپا دهان بازکرده است و دارد ارزش‌های تا کنونی آنرا می‌بلعد. بحران سرمایه‌داری، رکود و تورم افسارگسیخته سکوی پرش احزاب راست افراطی و تصاحب قدرت است.

در اعتراض به وضعیت نابسامان موجود صدها هزار نفر به خیابان آمدند. در فرانسه و آلمان شاهد تظاهرات عظیم علیه جریان راست فاشیست هستیم. این نیرو باید سازمان یابد. این نیرو نه تنها در واکنش به راست افراطی که همه آزادی و رفاه و زندگی انسانی را باید مطالبه کند. این نیروی

اجتماعی باید سوسیالیسم و نفی استثمار و از ریشه کندن بساط تبعیض را به پرچم اعتراض خود بدل کند تا بتواند به‌عنوان نماینده انسانیت قد علم کند!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال ویژه

۱۷ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۸ خرداد ۱۴۰۳ سردبیر: کیوان جاوید

آلترناتیو چپِ متشکل و متحزب در سرنگونیِ جمهوری اسلامی

میزگرد با:

حمید تقوایی، اصغر کریمی، مصطفی صابر

جمهوری اسلامی چگونه سرنگون می‌شود و چه نیروی اجتماعی توان سرنگونی این حکومت را دارد. معنی پیروزی چیست، احزاب در این میان چه مسئولیتی دارند؟ شرکت کنندگان در این میزگرد به این سؤال‌ها پاسخ می‌دهند.

کیوان جاوید: جمهوری اسلامی چگونه سرنگون می‌شود. این پرسشی قدیمی است که مدام برای مردم و احزاب سیاسی مطرح است. کلید سرنگونی جمهوری اسلامی در دست کیست؟

حمید تقوایی: سرنگونی جمهوری اسلامی تنها به قدرت انقلاب ممکن است و انقلاب هم کار مردم است. توده مردمی که دیگر نمی‌تواند

وضعیت موجود را تحمل کند علیه حکومتی که دیگر نمی‌تواند حکومت کند به خیابان می‌آید، تظاهرات و اعتصاب و قیام می‌کند و حکومت را به زیر می‌کشد. به این معنی انقلاب یک پدیده عینی ناشی از شرایط واقعی جامعه است؛ اما پیشروی و پیروزی آن تماماً در گرو عملکرد احزاب و نیروهای سیاسی است. انقلاب ممکن است با فوران خشم مردم در اثر یک حادثه به‌ظاهر عادی شروع شود، در آغاز شکل عصیان و طغیان به خود بگیرد و فرازوفرود داشته باشد، اما تداوم و گسترش آن، و نهایتاً پیروزی آن، وابسته به تعیُّن و تعمیق خواست‌ها و شعارها، اتحاد و انسجام هر چه بیشتر صفوف مردم، و سازمان‌یافتگی اعتراضات است. و این مهم نیازمند حضور فعال

حزب یا نیروی سیاسی ای است که توان رهبری انقلاب را داشته باشد و از جانب مردم به‌پاخاسته به این عنوان شناخته بشود. به طور خلاصه انقلاب کار مردم است و پیشروی و پیروزی آن کار یک نیرو یا حزب انقلابی.

کیوان جاوید: ملت، طبقه یا همه شهروندان. با کدام ابزارها و انسان‌های حی‌وحاضر باید به جنگ رژیم رفت و سرنگونش کرد؟

مصطفی صابر: اگر به اوضاع جامعه ایران و انقلاب زن زندگی آزادی نگاه کنیم جواب سؤال را به طور مشخص و به‌روشنی می‌گیریم. یک نیروی اصلی سرنگونی و ایضاً انقلاب علیه جمهوری

اسلامی همچنان که داریم می‌بینیم زنان هستند. بخش‌های مختلف طبقه کارگر، از معلم و بازنشسته و پرستار گرفته تا کارگران نفت و دیگر مراکز صنعتی تا بخش‌های محروم‌تر مثل کولبران و سوختبران همه نیروی‌های انقلاب و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. دانش‌آموزان و دانشجویان و کلاً جوانان و بخصوص "نسل زد" هم بخش تعیین‌کننده دیگر و حی‌وحاضر در صحنه مبارزه هستند.

باز اگر به خودِ واقعیت جامعه ایران نگاه کنیم جنبش‌های زیادی وجود دارند که عملاً در کار مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی‌اند. مثلاً جنبش دادخواهان که یک جنبش قوی و گسترده

در ایران است. در کنار این، جنبش وسیع آزادی زندانیان سیاسی حضور قدرتمندی دارد. یا جنبش علیه اعدام یک جنبش وسیع دیگر است. همه اینها شب و روز دارند علیه جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند. جنبش برای رفع ستم ملی و مذهبی و فرهنگی در چهارگوشه ایران و در اشکال و ابعاد مختلف وجود دارد که باز شرط اول تحقق خواست برابری همه شهروندان و رفع هرگونه ستمی ملی و مذهبی سرنگونی جمهوری اسلامی است. جنبش ال جی بی تی کیو پلاس‌ها برای عدالت و برابری یک جنبش دیگر است که برای رسیدن به خواست‌های خود قبل از همه باید جمهوری اسلامی را به گور بسپارد. جنبش خلاصی فرهنگی و علیه مذهب هم یک جنبش وسیع دیگر در ایران است. در

آن مملکت حتی جنبش حفظ محیط زیست و تأمین آب‌وهوا هم ناگزیر سیاسی است و باید اول‌ازهمه جمهوری اسلامی را از سر راه بردارد. همین‌طور است وضعیت نویسندگان و هنرمندان و حتی ورزشکاران برای اینکه بتوانند تولید هنری فارغ از سانسور بکنند و فعالیت ورزشی دلخواه خود را داشته باشند در این ذی‌نفع‌اند که ابتدا شر جمهوری اسلامی از سر جامعه کم شود.

در یک کلام توده‌های وسیع شهروندان در ایران چه در قامت اقتصادی و طبقاتی خود و چه در مبارزه علیه تبعیض‌ها و محرومیت‌ها و چه در صف اعتراضات مستقیماً سیاسی و سراسری علیه کل حکومت همین‌الان در کار و تلاش هستند

که صفوف خود را متحد کنند و قوی‌تر شوند و مقاومت‌های جنایت‌کارانه جمهوری اسلامی را در هم شکنند و آنرا روانه گورستان تاریخ کنند.

کیوان جاوید: این همه با هم در امر سرنگونی آیا مسئله ساز نمی‌شود، چون می‌توان گفت همه اقشار جامعه که منافع مشترکی ندارند. آیا این تناقض در هدف مشترک، اتحاد برای سرنگونی را ناممکن می‌کند؟

اصغر کریمی: اولاً، آیا انقلابی سراغ دارید که همه با هم نباشد؟ نه در انقلابات بورژوایی و نه انقلاباتی که در عصر سرمایه‌داری رخ‌داده است، هیچ‌کدام انقلاب فقط یک‌طبقه یا یک قشر خاص نبوده

است. حتی در یک انقلاب کارگری یا سوسیالیستی طبقه کارگر لازم است اقشار مختلف مردم را که تحت ستم سرمایه‌داری هستند با خود همراه کند و این یک نقطه قوت مهم برای به پیروزی رسیدن انقلاب است.

ثانیاً در مورد مشخص کنونی ایران، بخش اعظم جامعه منافع مشترک زیادی در مقابل یک‌درصدی‌های حاکم دارند و چه چیزی طبیعی‌تر از این که برای سرنگونی جمهوری اسلامی متحدانه به میدان بیایند. کارگر و معلم و کادر درمان و بازنشستگان تا اکثریت کارمندان مراکز دولتی و غیردولتی و میلیون‌ها انسان بیکار و بی‌درآمد، کولبر و سوخت‌بر، میلیون‌ها زنی که

خواهان حقوق اولیه خود از جمله آزادی پوشش هستند، اکثریت‌قریب‌به‌اتفاق مردم سیستان و بلوچستان، ملیت‌های تحت ستم، دادخواهان، مخالفین اعدام، رنگین‌کمانی‌ها، آتئیست‌ها و معتقدین به مذاهب غیر از اسلام و به‌ویژه بهاییان، اکثریت روزنامه‌نگاران، نویسندگان، دانشجویان و دانش‌آموزان و اکثر ورزشکاران و هنرمندان، وکلا و پزشکان و استادان دانشگاه‌ها و هر کس ذره‌ای آزادی سیاسی یا آزادی مدنی می‌خواهد، اینها همه تحت انواع ستم و سرکوب جمهوری اسلامی هستند، مخالفین فرهنگ متحجر حاکم و طیف‌های مختلف دیگری، همه در سرنگونی جمهوری اسلامی ذی‌نفع‌اند. همه اینها جمهوری اسلامی را اولین مانع خوشبختی و آزادی خود

می‌دانند و در سرنگونی آن منافع مشترکی دارند. جمهوری اسلامی از نظر تاریخی وصله ناجوری بر پیکر این جامعه و به معنی واقعی کلمه قرون‌وسطایی و بی‌ربط به جامعه مدرن ایران است، در نتیجه اکثریت عظیم جامعه را در مقابل خود و در یک صف قرار می‌دهد.

و نکته سوم، جمهوری اسلامی با تمام قوای سرکوبش و برای حفظ خود، در مقابل مردم قرارگرفتن است. برای سرنگونی آن نیز راهی جز اتحاد اکثریت عظیم مردم وجود ندارد. این تنها راه سرنگونی جمهوری اسلامی است. به عبارتی این‌همه با همی نه‌تنها مسئله‌ساز نمی‌شود؛ بلکه هیچ راهی جز این نیست.

و بالاخره نکته آخر، مهم نیرویی است که در میان این‌همه طیف‌های متنوع با نظرات و عقاید و خواست‌های متفاوت هژمونی سیاسی پیدا می کند. و نیرویی می‌تواند هژمونی پیدا کند که بخواهد و بتواند تغییرات بنیادی ایجاد کند که این با انقلاب عملی است. یعنی نیرویی که هم خواهان یک انقلاب عمیق باشد نه اصلاحات یا تغییرات ناچیز، هم خواست‌های اساسی مردم در زمینه اقتصاد و سیاست و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را نمایندگی کند. و تنها حول این رویکرد و حول این خواست‌ها است که می‌توان اقشار متنوع مردم را متحد کرد. و به طور واقعی اکثریت عظیم مردم در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

خواهان تغییرات بنیادی هستند و این زمینه‌های عینی سیاسی را برای هژمونی یک نیروی رادیکال و سوسیالیست فراهم کرده است. این خود یک فراخوان حیاتی به همه مردمی است که می‌خواهند از شر این حکومت خلاص شوند.

کیوان جاوید: هر نیروی اجتماعی و حزب سیاسی تعریف مشخصی از سرنگونی و پیروزی دارد. معنی پیروزی از نظر شما چیست، انقلاب برای پیروزشدن چه باید بکند و برای احزاب سیاسی و مشخصاً حزب کمونیست کارگری چه نقشی قائل هستید؟

حمید تقوایی: از نظر حزب ما سرنگونی تنها به

برکناری جمهوری اسلامی محدود نمی‌شود. در اولین گام باید همه مقامات حکومت برکنار شوند و به‌خاطر جنایاتی که انجام داده‌اند محاکمه گردند؛ اما برکناری و خلع‌ید سیاسی از حکومت وقتی به فرجام می‌رسد که کل دستگاه دولتی و نظام موجود، از بسیج و سپاه و نیروهای مسلح نظامی و انتظامی گرفته تا زندان‌ها و سیستم قضائی و حقوقی - یا در واقع بی حقوقی -، و از مجلس و قوانین و قوه مقننه تا کل دستگاه بوروکراسی و سلسله‌مراتب اداری، لغو و منحل شود. نه‌تنها دولت بلکه کل نظام را باید سرنگون کرد. سرنگونی جمهوری اسلامی می‌تواند و باید پایان هر نوع دیکتاتوری و هر نوع دولت مافوق مردم باشد. باید دخالت مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها و

سرنوشت سیاسی خود را تضمین کند و این مهم تنها با دولتی که از نظر شکل و ساختار خود بر شوراهای مردم، یا تشکل‌های توده‌ای نوع شورا، متکی است امکان‌پذیر است.

وظیفه حزب ما اینست که این تبیین از سرنگونی و این افق و چشم‌انداز را در برابر جامعه قرار بدهیم و صفوف انقلاب را حول چنین اهدافی متحد و منسجم کنیم. باید همانطور که همیشه حزب ما اعلام کرده است تیشه به ریشه زد. انقلاب تبر را بلند کرده است، اینکه به کجای این درخت فرسوده و پوسیده فرود می‌آید تماماً در گرو عملکرد احزاب انقلابی مانند حزب ما است. چند روز قبل بازنشستگان در تجمع اعتراضی‌شان اعلام کردند

”خیزش بازنشستگان تیشه به ریشه می‌زند.“ این خودآگاهی گام بزرگی به جلو است که می‌تواند به کل صفوف مردم، از جنبش کارگری تا خیزش زنان و دانشجویان و دادخواهان و همه جبهه‌های انقلاب بسط و گسترش بیاید. انقلاب زن زندگی آزادی برای پیشروی و پیروزی باید تیشه به ریشه بزند و این مهم اساس و رکن همه فعالیت‌های حزب ما در این دوره است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۶۰

۱۸ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲۹ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سوسن صابری

در این شماره ژورنال

خلع سلاح پزشکیان در دانشگاه

اصغر کریمی

نامه ده زندانی سیاسی، داستان ما یکی است!

سهیلا دالوند

ما دیگه رأی نمیدیم!

سوسن صابری

خطر گسترش سلاح‌های اتمی

گفتگو با محسن ابراهیمی

خلع سلاح پزشکیان در دانشگاه

اصغر کریمی

جلسه پرسش‌وپاسخ دانشجویان با مسعود پزشکیان کاندید اصلاح‌طلبان در روز یکشنبه ۲۷ خرداد، انعکاس فضای جامعه در آستانه سیرک انتخاباتی رژیم بود. بیانیه‌هایی که در این جلسه قرائت شد در واقع محاکمه نظام و خامنه‌ای و ارگان‌های سرکوب و جنایت حکومت بود.

بیانیه‌ها ظاهر پرسش داشت؛ اما اعلام موضع دانشجویان بود و دست پزشکیان را کاملاً رو کرد. یک تم اصلی این بیانیه‌ها در مورد بی‌اختیاری رئیس جمهور در مقابل خامنه‌ای و زدن زیر آب خامنه‌ای

بود.

در این بیانیه‌ها خطاب به پزشکیان از کشتار دی ۹۶ و آبان خونین ۹۸ و شلیک به سر و سینه معترضان گفته شد و از نبود امنیت در دانشگاه به دنبال "جنبش زن زندگی آزادی"، از قانون حجاب اجباری و ربودن زنان به جرم بی‌حجابی، سرکوب دانشجویان شریف و حمایت اصلاح‌طلبان از قاتلان مردم. گفتند رابطه‌تان (رابطه اصلاح‌طلبان) را با آبان خونین مشخص کنید. در بیانیه دانشجویان شریف گفته شد که آن بیماری که مردم را به بالین مرگ کشاند کرونا نبود ویروس خودکامگی بود. گفتند از فریب هر روزه شما بیزاریم و تاریخ مصرف اصلاح‌طلبان برای مردم گذشته است. تک‌تک جملات با تشویق دانشجویان روبرو شد.

سؤالات و کنایه‌ها چنان علیه خامنه‌ای بود که پزشکیان خواست احترام خامنه‌ای را نگهدارند و اینکه او در رهبر ذوب شده است. گفت اختیاری در مورد زندانیان سیاسی ندارد. حجاب اجباری هم قانون است نمی‌توان تغییرش داد. در زمینه اقتصادی و امنیت دانشگاه‌ها هم وعده‌ای نداد. یعنی دیگر وعده‌ای هم ندارند بدهند. دوستی می‌گفت پزشکیان را در دانشگاه لخت کردند و این در واقع لخت کردن لشکر مضمحل شده اصلاح‌طلبان بود.

آنچه در این جلسه گذشت، سایه سنگین انقلاب زن زندگی آزادی، زنده‌بودن دانشگاه و مسئله مقاومت زنان علیه حجاب اجباری بود. سایه سنگینی که با آیین‌نامه‌های شداد و غلاظ خطاب به کاندیدها شروع شد که مبادا از هم انتقاد کنند، مبادا علیه

رئیسی چیزی بگویند، مبادا همدیگر را و فساد و دزدی‌ها را افشا کنند و حتی مبادا از نظرسنجی‌ها در مورد آرای کاندیدها حرفی بزنند. می‌دانند که جامعه خشمگینی در مقابل کل آنها و مضحکه انتخاباتشان قرار دارد و هر شکافی یا هر افشاگری علیه یکدیگر می‌تواند دروازه ورود مردم به صحنه باشد. اما مردم چه در جریان این نمایش و چه با هر اتفاق دیگری دروازه ورود خود به صحنه سیاست را باز خواهند کرد.

نامه ده زندانی سیاسی، داستان ما یکی است!

سهیلا دالوند

ده زندانی سیاسی زن در زندان اوین، محبوبه رضایی، هستی امیری، سمانه اصغری، سکینه پروانه، مریم یحیوی، ناهید تقوی، نرگس محمدی، آنیشا اسداللهی، سپیده قلیان و گل‌رخ ایرایی، طی نامه‌ای دررابطه‌با اعدام ده زن بهایی در سال شصت، نوشتند: "این زنان با هم به قتلگاه برده شدند و در مقابل چشم دیگری به ترتیب اعدام شدند. تا آخرینشان که نوجوانی زیر ۱۸ سال بود که طبق معاهده‌های بین‌المللی کودک محسوب می‌شود و پیش از بازداشت مشغول به تحصیل بود و تدریس به کودکان خردسال. نوجوانی که تنها تضادش با

سیستم باور و عقیده‌ای بود که در زندگی اجتماعی‌اش نیز نمودی نداشت.“ در این نامه همچنین آمده که به دنبال سال‌ها هم‌زیستی در زندان با زنان بهائی و مشاهده فشارها و محرومیت‌هایی که به سبب تفاوت عقیده بر آنها و خانواده‌هایشان اعمال شده و شنیدن روایت‌هایشان از گذشته تا کنون و قیاس آن با آنچه همواره بر دگراندیشان و مخالفین تحمیل می‌شود دریافته‌اند که در واقعیت ”داستان ما یکی‌ست“.

جمهوری اسلامی از همان اوایل حاکمیت جنایت‌کارانه‌اش، هدفمند و سازمان‌یافته برای سرکوب و شکست انقلاب، ده‌ها هزار زندانی سیاسی را به جوخه‌های مرگ سپرد و به دنبال آن دست به زندانی کردن و کشتار باورمندان به مذاهب دیگر زده

و در حقیقت نسل کشی براه انداخت. اما خانواده‌های جان‌باختگان، جنبش دادخواهی، زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان در مقابل این هولوکاست اسلامی ساکت نشدند، قدرتمندتر شدند و اجازه ندادند که یاد عزیزانشان به دست فراموشی سپرده شود.

و امروز می‌بینیم که چگونه زندانیان سیاسی – عقیدتی از درون زندان‌ها در اعتراض به اعدام ده زن بهایی اعلام می‌کنند که داستان ما یکی است. به‌درستی داستان ما یکی است و تنها با اتحاد و همبستگی می‌توان آینده‌ای را رقم زد که هیچ انسانی به دلیل تفکر، باور و عقیده و مخالفت سیاسی در زندان نباشد و یا حق حیات از او گرفته نشود.

ما دیگه رأی نمیدیم!

سوسن صابری

بازنشستگان تأمین اجتماعی، فرهنگی و فولاد در تداوم یکشنبه‌های اعتراضی، یکشنبه ۲۷ خرداد در چند شهر از جمله تهران، اصفهان، اهواز، کرمانشاه، همدان، شوش، هفت‌تپه و کرخه دست به تجمعات اعتراضی زدند. در این اعتراضات علاوه بر طرح خواسته‌هایشان شعارهایی از جمله: تجمع، اعتراض حق مسلم ماست، اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد، روسری رو رها کن فکری به حال ما کن، سر دادند. بازنشستگان معترض علاوه بر این شعارها موضعشان علیه سیرک انتخابات رژیم را هم با شعار «دروغ زیاد شنیدیم، ما دیگه رأی نمیدیم»

اعلام کردند.

بازنشستگان با این شعار حرف دل اکثریت مردم را زدند. اکثریتی که دروغ و فساد و دزدی و اختلاس و سرکوب و زندان حکومت اسلامی سرمایه‌داران را با گوشت و پوستشان لمس کرده‌اند. حنای سیرک و شوی مسخره عده‌ای دزد و قاتل، از هر جناح و دسته‌ای، دیگر برای مردم رنگی ندارد. سال‌هاست که ماجرای اصلاح‌طلب و اصول‌گرا دیگر تمام شده است. مردم رأیشان را در انقلاب زن زندگی آزادی و با اعتراضات هر روزه داده و می‌دهند.

علاوه بر اعلام عدم شرکت در نمایش انتخابات در جریان اعتراضات خیابانی، اقدامات مؤثر

دیگری را هم می‌توان در دستور گذاشت. صدور بیانیه و اعلام عدم شرکت در این سیرک دزدها و قاتل‌ها از طرف تشکل‌های کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، انجمن‌های مدافع حقوق زنان و کودکان، انجمن‌های مدافع محیط‌زیست و فعالین حقوق مدنی و زندانیان سیاسی چه جداگانه و چه به طور دسته‌جمعی از جمله اقدامات بسیار مهمی است که یکبار دیگر موجودیت رژیم را به چالش می‌کشد. در همین راستا ۵۰ نهاد و تشکل و سازمان مختلف، تشکل‌هایی که کارزار علیه اعدام را براه انداختند، با اعلام یک فراخوان جهانی مردم را به اعتراض علیه این نمایش رژیم دعوت کرده‌اند.

سال‌هاست که رأی ما مردم، سرنگونی است و رژیم این را می‌داند و از همین حالا از پیش‌بینی

عدم شرکت مردم به وحشت افتاده است. مضحکه انتخاباتش را بر سرش خراب می‌کنیم.

خطر گسترش سلاح‌های اتمی

گفتگو با محسن ابراهیمی

سوسن صابری: آخرین گزارش مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح SIPRI نشان می‌دهد که تعداد سلاح‌های اتمی آماده استفاده در سطح جهان افزایش پیدا کرده و علاوه بر این تمامی ۹ کشور دارای سلاح اتمی مشغول مدرن‌سازی این سلاح‌ها هستند. جمهوری اسلامی هم هدف دست‌یافتن به این سلاح را با تمام توان دنبال می‌کند. سؤال اینجاست. چه اوضاع و شرایط سیاسی و اقتصادی موجب برجسته‌تر شدن اهمیت سلاح‌های اتمی و کاربرد آنها در چند سال اخیر شده است؟

محسن ابراهیمی: ۸۰ سال از دو انفجار مهیب اتمی بر سر هیروشیما و ناکازاکی می‌گذرد. دو انفجاری که ۲۰۰ هزار انسان را نابود کرد. توجیه فرماندهان نظامی آمریکا این بود که فقط با یک حمله اتمی می‌شود ژاپن را به تسلیم واداشت. اما همان موقع در اظهارات وزیر خارجه ترومن حقیقتِ پشت این تصمیم فاجعه‌بار برملا شد، وقتی گفت قدرت ویرانگر بمب اتم هم به جنگ پایان می‌دهد و هم آمریکا در موقعیت مسلط برای جهت‌دادن به مسیر جهان بعد از جنگ قرار می‌گیرد. این دومی هدف اصلی بود.

از آن فاجعه هشتاد سال گذشته است، جنگ سرد و رقابت دو ابرقدرت وقت پایان‌یافته است، اما در همان دوران جنگ سرد و به‌مثابه محصول مستقیم

رقابت‌های جنگ سردی، نیروهای ویرانگر تازه‌ای مثل جنبش اسلام سیاسی، حکومت اسلامی در ایران، مجاهدین و طالبان در افغانستان، داعش در سوریه و عراق، نیروهای قوم‌پرست و فاشیست در ویرانه‌های بلوک شرق، چین به‌مثابه ابرقدرت جدید سرمایه‌داری، روسیه تحت سلطه پوتین و آرزومند احیای امپراطوری روسیه در صحنه سیاسی جهان عروج کرده‌اند و کل جهان سرمایه‌داری و سیاستمدارانش بارها دنیا را به پرتگاه جنگ گسترده و ویرانگر جهانی نزدیک کرده‌اند. یادآور می‌شوم که در همان پایان جنگ سرد، حمله ویرانگر آمریکا به عراق برای حفظ هژمونی‌اش بر جهان، زمین را برای عروج باندهای هار اسلامی شخم زده بود.

رقابت بر سر تأمین هژمونی در جهان سرمایه‌داری می‌تواند جهان را بار دیگر وارد جنگی گسترده در مقیاس جهانی وارد کند. اگر در آگوست ۱۹۴۵، فقط آمریکا مسلح به تعداد محدودی بمب اتم بود، امروز در زرادخانه‌های ۹ کشور قریب ۱۰ هزار کلاهک اتمی انبار شده است که از میان آنها ۲۱۰۰ کلاهک اتمی در حالت آماده‌باش بر روی موشک‌های قاره‌پیما قرار گرفته‌اند. تصورش سخت نیست که اگر حتی چند تا از این دولت‌ها در رقابت بر سر هژمونی سراغ تعدادی از بمب‌های مدرن شده‌شان بروند، دنیا با چه فاجعه هولناکی روبرو خواهد شد!

سوسن صابری: کمونیست‌ها، مدافعین محیط‌زیست، و کلاً مردم انسان‌دوست جهان

مخالف سلاح‌های اتمی به دلیل قدرت آنها در تخریب وسیع و کشتار انسان‌ها هستند. علاوه بر دلایل فوق باید هدف جمهوری اسلامی که همانا مسلح کردن تروریسم اسلامی به سلاح اتمی است را اضافه کرد. برای مقابله با سلاح‌های اتمی و امکان دستیابی رژیم اسلامی به آن چه باید کرد؟

محسن ابراهیمی: زرادخانه‌های جهان باید از هرگونه سلاح هسته‌ای پاک شود که صرفاً ابزار قدرت‌های سرمایه‌داری جهان بر سر هژمونی به قیمت قربانی کردن تعداد بی‌شماری از انسان‌ها است. فقط با یک جنبش بسیار قدرتمند، همبسته و جهانی، با دخالت وسیع شهروندان جهان و نهادهای بین‌المللی مخالف سلاح اتمی، تحت‌فشار بسیار قدرتمند افکار عمومی شهروندان، می‌توان

به رقابت افسارگسیخته برای افزایش سلاح‌های هسته‌ای مهار زد.

جمهوری اسلامی از همان اول البته مخفیانه به طور سازمان‌یافته برای ساخت بمب هسته‌ای کارکرده است و هر چقدر حکام اسلامی از طرف مردم بیشتر احساس خطر کرده‌اند، عزمشان برای رسیدن به سلاح هسته‌ای جزم‌تر شده است. تبدیل‌شدن به یک قدرت منطقه‌ای اتمی در استراتژی بقای جمهوری اسلامی همچنان جایگاه درجه اول را دارد.

ما که هدف بلافاصله مان سرنگونی جمهوری اسلامی است، به‌طریق‌اولی تلاش و مبارزه می کنیم که حکومت اسلامی هرگز به سلاح هسته‌ای مسلح

نشود. مسلح شدن حکومت اسلامی به کلاهک اتمی یعنی اتمی شدن تروریسم اسلامی، یعنی اتمی شدن "ویرانگران انسانیت"، یعنی اتمی شدن حکومتی که تا همین حالا بدون سلاح هسته‌ای هم کارنامه سنگینی از جنایت علیه بشریت زیر بغلش است، یعنی ناامن شدن بیش‌ازپیش زندگی مردم در ایران و منطقه و جهان.

حکومت اسلامی تا سرکار است، هرگز از تلاش برای ساخت بمب اتم دست نخواهد کشید. خطر هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی فقط زمانی غیرممکن خواهد شد که ما مردم خود این حکومت را از هستی ساقط کنیم. کاری که فقط با یک انقلاب ممکن است. اما تا آن لحظه، باید تلاش کنیم در کنار جنبش‌های مختلف علیه

این حکومت، مبارزه علیه اتمی شدن حکومت در داخل به یک جنبش قدرتمند تبدیل شود. بعلاوه، یک وجه مهم تلاش ما باید این باشد که در کنار بایکوت سیاسی جمهور اسلامی، هرگونه دسترسی این حکومت به تکنولوژی و وسایل موردنیاز برای رسیدن به بمب هسته‌ای قطع شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۶۱

۱۹ ژوئن ۲۰۲۴ – ۳۰ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

گل‌رخ ایرایی حرف دل مردم به‌پاخاسته را فریاد می‌زند!

پریسا پوینده

آپارتاید جنسی و جنسیتی و جنایت علیه بشریت

سینا پدرام

طرح قانونی توماج در پارلمان کانادا

بابک یزدی

از سی خرداد ۶۰ تا روز جان‌باختن ندا

کیوان جاوید

گل‌رخ ایرایی حرف دل مردم به‌پاخاسته را فریاد می‌زند!

پریسا پوینده

گل‌رخ ایرایی، زندانی سیاسی، در نامه‌ای از زندان اوین خطاب به اصلاح‌طلبانی که مردم را به مشارکت در "انتخابات" ریاست‌جمهوری تشویق می‌کنند نوشت شما نه برای پیروزی در "انتخابات" بلکه برای شکست مردم به میدان آمده‌اید.

گل‌رخ در بخشی از این نامه می‌نویسد: "اصلاح‌طلبان بدانند ما مردم ایران خیانتشان را از روز نخست به‌خاطر داریم. از یاد نمی‌بریم، تثبیتِ قدرتِ جمهوری اسلامی و کشتار فاجعه‌بار جوانان در دهه شصت را؛

در روزهایی که شما حزب‌اللهی‌ها و خط امامی‌ها در رأس امور بودید.“ او در روز ۱۷ خرداد هم نوشته بود: ”این است فضای انتخاباتی که دیکتاتورها ایجاد می‌کنند تا بتوانند در عین دیکته کردن خواست خود به جامعه، مدعی مشارکت مردم در سرنوشت خود باشند.“

گل‌رخ ایرایی که اردیبهشت ۱۴۰۱ پس از تحمل سال‌ها حبس از زندان آزاد شد و در مهر همان سال با انقلاب ”زن، زندگی، آزادی“ بازداشت و به پنج سال زندان محکوم شد، با اشاره به تلاش اصلاح‌طلبان می‌گوید: ”مردم از اصلاحات گذر کرده‌اند و شما هنوز بر جنازه‌های تلنبار شده جوانان ایران، وعده‌های محمد خاتمی را دوره می‌کنید.“

او با بیان اینکه اصلاح‌طلبان دوباره به میدان آمده‌اند تا نوجوانی و جوانیِ نسل‌های بعد از ما را نیز همچون ما تباه کنند، می گوید: "بعد از آن همه فرازوفرود و بعد از افزایش بینش سیاسی جامعه در سال‌های اخیر، باز به میدان آمدید تا با فریب افکار عمومی شعبده‌ای دیگر به راه‌اندازید. اما از پشت میله‌های زندان هم دیده می‌شوید که نه برای پیروزی در انتخابات بلکه برای شکست مردم به میدان آمده‌اید."

گل‌رخ، با اشاره به نقش و هدف اصلاح‌طلبان در تاریخ رژیم و سرکوب مردم معترض از آنها به‌عنوان "شکست‌خوردگانی" یاد می‌کند که ادعای "فتح سنگر به سنگر" و "روزنه‌گشایی" داشتند و حالا در سنگر فردی ایستاده‌اند که می‌گوید "قرار نیست برنامه جدیدی بنویسیم یا سیاست جدیدی را اعلام

کنیم. چرا که سیاست‌های کلی را خامنه‌ای مشخص کرده است".

گل‌رخ در پایان نامه‌اش حرف دل میلیون‌ها مردم ستمدیده و مبارز را این‌چنین فریاد می‌زند: "روزی که مردم در کف خیابان و با جمهوری اسلامی تعیین تکلیف کنند، با شما لگدخوردگان و فرصت‌طلبان و به حق، ماله‌کشان رژیم که نامتان به ننگ بر تارک سپهر سیاسی ایران نقش بسته است نیز تسویه‌حساب خواهند کرد و این کشتی خوف را با تمام سرنشینانش به قعر خواهند فرستاد."

آپارتاید جنسی و جنسیتی و جنایت علیه بشریت

سینا پدرام

انیس کالامار، دبیر کل عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای که روز دوشنبه منتشر شد، اعلام کرد: "جامعه بین‌المللی نتوانسته است به‌اندازه کافی سلطه و ستم نهادینه شده و سیستماتیک بر زنان، دختران و دگرباشان جنسی را به رسمیت بشناسد و به آن رسیدگی کند."

به‌رسمیت‌شناسی تبعیض جنسی و جنسیتی به‌عنوان جنایت علیه بشریت قطعاً یکی از دستاوردهای بزرگ فعالان این عرصه چه در ایران و افغانستان و چه در سطح جهانی تلقی خواهد شد. خبرها حاکی از آن است که عفو بین‌الملل از دولت‌ها خواسته

است که آپارتاید جنسیتی را در کنوانسیون جنایت علیه بشریت بگنجانند. سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه خود تأکید کرده که با این درخواست خود "به فراخوان‌های پیش‌گامان شجاع از جمله زنان افغانستان و ایران" می‌پیوندد که "در تلاش‌ها برای به‌رسمیت‌شناختن آپارتاید جنسیتی در حقوق بین‌الملل پیشتاز بوده‌اند."

انقلاب زن زندگی آزادی بدون شک توانست گفتمان تبعیض سیستماتیک جنسی و جنسیتی را بار دیگر در سطح جهانی مطرح کند و راه برون‌رفت سیاسی از آن در ایران و حتی در باقی کشورهای اسلام زده را با قصد خود برای سرنگونی رژیم اسلامی نشان دهد. باید دست تمامی فعالین حقوق زنان و رنگین کمانی‌ها در ایران و افغانستان را فشرد و در

گسترش فعالیت آنان به هر شکلی یاری رساند.

با تلاش برای محکومیت آپارتاید جنسی و جنسیتی در سطح جهانی، بایکوت رژیم اسلامی و رژیم طالبان نیز باید به صدر تلاش‌های فعالین این عرصه‌ها و دیگر حوزه‌ها تبدیل شود. رژیم اسلامی به‌عنوان رژیم آپارتاید جنسی و جنسیتی باید به همان شکل که رژیم آپارتاید نژادی در سطح جهانی مورد بایکوت قرار گرفت، از تمامی نهادهای جهانی اخراج شود. این امر شدنی است. به‌رسمیت‌شناسی آپارتاید جنسی و جنسیتی به‌عنوان جنایت علیه بشریت تکیه‌گاه مهمی برای پیشبرد مبارزه بر علیه رژیم اسلامی در ایران و باقی کشورهای اسلام زده خواهد بود.

طرح قانونی توماج در پارلمان کانادا

بابک یزدی

پارلمان کانادا، روز دوشنبه ۲۸ خرداد، طرح قانونی «توماج» را که از سوی گروه کالکتیو عدالت برای ایرانیان ارائه شده بود، به‌اتفاق آرا تصویب کرد. بر اساس این طرح ۳۱ تن از قضات، دادستان‌ها و بازپرسان دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در فهرست تحریم‌های دولت کانادا قرار خواهند گرفت.

انقلاب زن زندگی آزادی در ایران در سال ۱۴۰۱ موج همبستگی جهانی و حمایت برخی از نمایندگان پارلمان‌ها و شخصیت‌ها و افراد انسان‌دوست در

سراسر جهان را به همراه داشت.

دولت کانادا قبلاً قتل‌عام تابستان ۶۷ را به‌عنوان جنایت علیه بشریت شناخته بود. در ضمن در سال ۲۰۱۳ دولت کانادا سفارت جمهوری اسلامی ایران را که یک مرکز جاسوسی و ترور بود بست. در سال‌های گذشته نیز صدها نفر از سران رژیم و سپاه پاسداران مورد تحریم دولت کانادا قرار گرفته‌اند. تصویب طرح توماج در پارلمان کانادا نیز در ادامه این حمایت‌ها بوده که یکی از اقدامات مهم می‌باشد.

هر قدمی در حمایت از زندانیان سیاسی، مخصوصاً محکومین به اعدام توسط نهادهای بین‌المللی، پارلمان‌ها و دولت‌ها برداشته شود مهم است.

بی‌تردید این اقدامات متأثر از فضایی است که خیزش‌های متعدد مردم علیه حکومت اسلامی و مخصوصاً انقلاب زن زندگی آزادی، درجهان علیه جمهوری اسلامی شکل داده است. انقلابی که موج همبستگی جهانی را به دنبال داشته است.

باید تلاش کنیم چنین اقداماتی در پارلمان‌های کشورهای دیگر تکرار شود. باید اضافه کرد که نمایندگان هر سه حزب اصلی کانادا در ماه گذشته در پارلمان این کشور به قراردادن سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی رأی موافق دادند. با تلاش‌های گسترده و فشار افکار عمومی باید کاری کنیم که دولت کانادا هم همچون پارلمان، سپاه را یک سازمان تروریستی اعلام کند.

از سی خرداد ۶۰ تا روز جان‌باختن ندا

کیوان جاوید

سی خرداد ۶۰ یک چرخش مهم در تاریخ انقلاب ۵۷ است. در این روز بالاخره آن کشمکش و نبرد روزانه مردم برای سهم بردن از نتیجه انقلاب علیه نظام سلطنتی با شکست سنگینی به نفع حکومت اسلامی پایان یافت. ۳۰ خرداد پایان واقعی شکست انقلاب مردم برای آزادی و رفاه و علیه دیکتاتوری بود. شکار فعالین سیاسی در خیابان و دستگیری و شکنجه و اعدام‌ها در "دادگاه‌های" چنددقیقه‌ای و اعلام اسامی اعدام‌شدگان در روزنامه‌های حکومتی آن‌چنان فضایی از رعب و وحشت در جامعه به وجود آورده بود که انگار هرگز در این کشور انقلابی

صورت نگرفته است.

حکومت ترور اسلامی کوچک‌ترین اعتراض و مخالفت مردم را به شدیدترین وجه ممکن پاسخ می‌داد. نه از اعتصابات کارگری و اعتراضات صنفی مثل سابق خبری بود. نه نویسنده و هنرمند توان یک جمله نوشتن در مخالفت با حکومت را داشت. حجاب پارچه سیاه و سنگینی بود که بر سر کل جامعه کشیده بودند. حکومت علیه آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی پیروز شده بود.

جامعه دست به خودکشی جمعی نمی‌زند. مردم با مرگ تدریجی به استقبال مرگ نمی‌روند. انسان‌ها برای زنده‌ماندن و در دفاع از هویت و کرامت انسانی خود هزاران راه پیدا می‌کنند. واقعیت

زندگی حکومت اسلامی را در مقابل خیزش‌های بزرگ مردم قرار داد.

خمینی سال ۶۷ جام زهر را نوشید و معلوم شد رژیم اسیر بحران‌های کمرشکن اقتصادی و سیاسی است و به‌این‌ترتیب فضای اعتراضی باز شد. در همین اثنا حکومت اسلامی کشتار زندانیان سیاسی را در تابستان سال ۶۷ سازمان داد؛ اما این کشتار هم مردم را مرعوب نکرد. سال هفتاد و هشت، در اعتراض ۶ روزه، مردم خیابان‌های تهران را به لرزه در آوردند و ۱۱ سال بعد در سال ۸۸ مردم به بهانه "رأی من کو" رژیم را تا سرحد سرنگونی مورد تعرض قرار دادند. در این روز قلب عاشق ندا آقا سلطان با شلیک مستقیم سپاه جهل و مرگ اسلامی هدف قرار گرفت و ندای ما جان باخت.

در تاریخ ایران سی خرداد ۶۰ به سی خرداد ۸۸ وصل می‌شود و این دو به انقلاب زن زندگی آزادی متصل می‌شوند تا یک تاریخ به‌هم‌پیوسته ناقوس مرگ حکومت اسلامی را هر چه بلندتر به صدا در آورد. یاد ندا آقا سلطان و یاد همه جان‌باختگان انقلاب زیبای زن زندگی آزادی برای همیشه در دل‌ها زنده خواهد ماند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۶۲

۲۰ ژوئن ۲۰۲۴ – ۳۱ خرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

سپاه تروریست، حکومت کثافت!

کاظم نیکخواه

رأی و انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی

شهلا دانشفر

طالبان، حقوق زنان و نشست دوحه

سیامک بهاری

زندانیان سیاسی راه نشان می‌دهند

آزاده نجاتی

پزشکیان و قدرت غیرقابل‌انکار انقلاب «زن، زندگی، آزادی»

عطیه نیک‌نفس

در موردتروریست اعلام‌شدن سپاه پاسداران

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

سپاه تروریست، حکومت کثافت!

کاظم نیکخواه

شروع شد! دولت کانادا روز چهارشنبه ۳۰ خرداد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی خود قرار داد. دست‌مریزاد به ما مردم! به دادخواهان پرواز ۷۵۲! به انقلاب زن زندگی آزادی! بیش از چهل سال است اینها هزاران ترور و جنایت کردند، و دولت‌های دنیا بر جنایات اینها چشم بستند. به هواپیمای مسافربری در جلو چشم دنیا شلیک کردند و ۱۷۶ نفر از عزیزان مردم را وحشیانه لت‌وپار کردند و دولت‌ها به مماشات با آنها ادامه دادند. ما مردم از داخل ایران، از درون زندان‌ها، در کشورهای مختلف، فریاد زدیم، پیام

دادیم، تجمع کردیم، بیانیه دادیم، اما تکان نخوردند.

دولت کانادا خوشبختانه پیش‌گام حرکتی شد که تردیدی نداریم که همه‌گیر خواهد شد و آنها که راه کانادا را در پیش نگیرند منزوی و طرد می‌شوند. سپاه پاسداران یعنی خامنه‌ای، یعنی کل حکومت اسلامی، همه جنایت کار و تروریست‌اند و باید منزوی و بایکوت شوند و گورشان را گم کنند.

حکومت منفور اسلامی باید به زباله‌دان انداخته شود. این فرمان انقلاب زن زندگی آزادی است که هر روز دارد از زبان بازنشستگان و فعالین زن زندگی آزادی، دادخواهان و زندانیان سیاسی، زنان و دختران بی‌حجاب و همه مردم فریاد زده می‌شود. این فرمان انسانیت است.

با سرنگونی این حکومت دنیا از شادی لبریز خواهد شد و بزرگ‌ترین جشن جهانی را شاهد خواهیم بود. مردم دنیا از دست تروریسم کثافت اسلامی نفس راحتی خواهند کشید. آن روز دور نیست. اراده و عزم مردم ایران و فضای شفاف و متحد و عمیق انقلاب زن زندگی آزادی، به‌روشنی نشان می‌دهد که آن روز نزدیک است. نابود باد حکومت تروریست و آدمکش اسلامی!

رأی و انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی

شهلا دانشفر

عنوان مطلب سرسخن بیانیه مشترک فعالین انقلاب "زن زندگی آزادی"، جنبش زنان و تشکل‌های دانشجویی و دانش آموزی درباره سیرک "انتخابات" ریاست‌جمهوری حکومت است.

در بخشی از این بیانیه آمده: "پس از کشته‌شدن ابراهیم رئیسی ملقب به جلاد ۶۷، انتصابات زودهنگام برای تعیین مهره دیگری که بر مسند ریاست‌جمهوری حکومت دیکتاتوری موجود تکیه خواهد زد، آغاز شده است. مشتی از سابقه‌داران جنایت علیه مردم ایران، برای ریاست‌جمهوری

حکومتی که در جنگ علیه مردم است، مجدداً به صحنه آمده‌اند تا علی‌رغم درماندگی و چندپارگی، همچنان به سازماندهی فضای سرکوب ادامه دهند. سازماندهی‌ای که اینان مجری‌اش هستند؛ از جنس جنگ علیه زنان، از جنس صدور حکم اعدام برای جوانان و مبارزان، از جنس قتل کولبران و سوخت‌بران، از جنس بازداشت و تهدید و اخراج دانشجویان، از جنس حمله به تجمعات معلمان و بازنشستگان، از جنس امنیتی‌کردن فضای کار و سرکوب کارگران، از جنس فشار بر زندانیان و خانواده‌های آنان و دادخواهان و از جنس حمله شیمیایی به دانش‌آموزان است. همه این اقدامات حکومت برای مقابله با انقلاب عظیم و باشکوه "زن زندگی آزادی" سازماندهی شده که البته تا همین‌جا هم نتوانسته با این اقدامات، انقلاب ما را متوقف و

جامعه را مرعوب خود کنند.“

در ادامه، با اشاره به جدال هر روزه مردم برای پیروزی انقلاب آمده است: ”همان‌گونه که مادران آبان در ۱۴۰۰ به نمایندگی از همه بخش‌های معترض جامعه اعلام کردند ”رأی ما سرنگونی“؛ در ادامه آن، ما اعلام می‌داریم؛ رأی ما و انتخاب ما انقلاب ”زن زندگی آزادی“ است.“

این بیانیه برای به پیروزی رساندن انقلاب بر اساس خواست‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه، مردم را به مبارزه متحدانه حول منشور بیست تشکل کارگری - اجتماعی و منشور مطالبات پیشرو زنان ایران فرامی‌خواند.

این بیانیه گویای فضای انقلابی جامعه است. شعارهای اعتراضی دیوارهای شهرها، برهم‌زدن نمایشات انتخاباتی کاندیداهای سیرک انتخابات، اعتراضات بازنشستگان با شعارهای "ما دیگه رأی نمیدیم"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" مثال‌های بارز آن است. یک نمونه‌اش سخنرانی بازنشسته‌ای در کرمانشاه در جمع بازنشستگان است که گفت: همانطور که در انتخابات مجلس مردم سیلی محکمی بر صورت خود کامگان و مستبدان زدند، این بار سیلی محکم‌تری بر صورت مدیران و جباران خواهند زد و جمعیت با شعار "اصلاح گرا، اصول گرا دیگه تمامه ماجرا" پاسخ محکمی به بازی‌های مسخره انتخاباتی حکومت داد.

طالبان، حقوق زنان و نشست دوحه

سیامک بهاری

اواخر ماه ژوئن امسال، سومین نشست دوحه برای آنچه «رویکرد منسجم و یکپارچه جهانی برای تعامل با طالبان» خوانده شده، به ابتکار سازمان ملل برگزار خواهد شد. طالبان در دو نشست پیشین، از شرکت در اجلاس دوحه خودداری کردند. اما با خط‌ونشان و پیش‌شرط‌های معین مایل به شرکت در نشست دوحه هستند.

این اجلاس در حالی شروع خواهد شد که «ریچارد بنت» گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور افغانستان اعلام کرده است: «در پی تحقیقات

گسترده، مشاوره و تحلیل، مشخص شده است سرکوب جنسیتی نهادینه شده طالبان که از طریق نقض حقوق بنیادین زنان و دختران ایجاد و اجرا می‌شود، گسترده و نظام‌مند بوده و حمله به کل جامعه مدنی است و جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.»

سازمان ملل تعامل و مشروعیت‌بخشی به جنایت‌کاران علیه بشریت را در دستور کار اجلاس دوحه قرار داده است. گزارش «ریچارد بنت» بر آپارتاید جنسیتی در افغانستان تمرکز دارد. این فقط بخشی از عملکرد طالبان است. پیکره تروریستی – اسلامی طالبان با کارنامه و سابقه سنگین جنایی و بربریت محض در قتل و کشتار، نسل‌کُشی، انفجار، آدم‌ربایی، باج‌گیری،

فساد گسترده، تجارت عظیم مواد مخدر و به خاک و خون کشیدن افغانستان باید روی میز کار سازمان ملل باشد! روشن باشد که این جنایات عظیم علیه بشریت زیر سایه همین حامیان بی‌شرم و ریاکاری انجام می‌شود که با برگزاری اجلاس دوحه می‌خواهند مشروعیت‌بخشی به طالبان را رسمیت بدهند.

گزارش «ریچارد بنت» و تعامل با طالبان در نشست دوحه، تناقض غیرقابل‌انکار است. او در گزارش مفصل و تکان‌دهنده خود به‌صراحت می‌گوید: «شدت و مقیاس جنایات وسیع است و ما مسئولیت جمعی داریم که این سیستم وحشتناک را به چالش بکشیم و از بین ببریم، عاملان آن را پاسخگو قرار دهیم.»

هر نوع رسمیت‌بخشی، تعامل و مذاکره با جنایت‌کاران علیه بشریت، ادامه روند استراتژی شرم‌آور بازگرداندن طالبان به قدرت سیاسی است. سازمان ملل باید مسیر تعامل با طالبان را به تعامل با مردم مصیبت‌دیده افغانستان، قربانیان جنایت علیه بشریت تغییر دهد.

زنان معترض، نمایندگان واقعی ایستادگی و جبهه اصلی مقاومت و نبرد با تروریسم اسلامی طالبان، علیه نشست دوحه، هشدار داده‌اند و آن را معامله بر سر همه ارزش‌های سیاسی و اخلاقی و انسانی مدرن خوانده‌اند. جدال نابرابر مردم و به‌ویژه زنان افغانستان علیه طالبان و حامیان آن ادامه دارد و باید با تمام قوا از آن حمایت کرد.

زندانیان سیاسی راه نشان می‌دهند

آزاده نجاتی

پیام زندانی سیاسی زینب جلالیان از درون زندان را باید با جان دل شنید: من به‌خاطر شما پشت میله‌های زندان می‌مانم و شما هم به‌خاطر من فقط یک روز در خانه بمانید و در انتخابات فرمایشی شرکت نکنید. این فعال سیاسی کرد بیش از ۶۰۰۰ روز است که بدون یک ساعت مرخصی در زندان است، کلیه‌هایش ازکارافتاده، خطر ازدست‌دادن بینایی در کمین اوست. اما با وجود تمام شکنجه‌هایی که به او وارد شده حاضر به اعتراف اجباری نشده و قدمی از مواضع به حق خود کوتاه نیامده است. زینب با وجود نیاز به

عینک حتی از اجازه داشتن عینک محروم می‌باشد و برای مطالعه از عینک هم‌بندی‌هایش استفاده می‌کند؟!

بازجویان اطلاعات دست‌وپایش را بستند تحت‌فشارش قرار دادند که اظهار پشیمانی کند، زیرا فکر می‌کردند همچون خودشان فرومایه است؛ ولی او سرسوزنی از مواضع خود کوتاه نیامد. هم اکنون زینب از اولیه‌ترین حقوق انسانی محروم است.

زینب جلالیان از جمله انسان‌های شریفی است که جان عزیزشان در دشوارترین شرایط بر علیه بی‌عدالتی تبدیل به فریاد شده است او هم‌صدا با همه انسان‌های به‌پاخاسته بر علیه مضحکه

فرمایشی انتصابات صدای خود را بلند کرده و پیام شجاعانه‌ای داده که "من به‌خاطر شما پشت میله‌های زندان می‌مانم و شما هم به‌خاطر من فقط یک روز در خانه بمانید و در انتخابات فرمایشی شرکت نکنید".

آنچه مشخص است این مضحکه انتخاباتی نه ارتباطی به مردم دارد و نه به خواسته‌های آنها. نه قاطع اکثریت مردم نه به کلیت رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود.

جامعه‌ای که انقلاب زن - زندگی - آزادی را ادامه می‌دهد، دادخواهانی که موج علیه فراموشی راه می‌اندازند، زنانی که در صف مقدم مبارزه در کف خیابان‌ها هستند. کارگران، بازنشستگان و همه

مردم به چیزی کمتر از انقلاب زن – زندگی – آزادی رأی نخواهند داد.

قطعاً هیچ‌کدام از کاندیداهای حاضردرصحنه، نماینده مردم نیستند. مردم هر روزه با انتشار بیانیه‌هایی که از طرف سازمان‌ها و تشکل‌های مختلف صادر می‌شود اعلام کرده‌اند که رأی ما سرنگونی و رأی ما زن – زندگی – آزادی است.

زینب – جلالیان تنها زندانی سیاسی زن محکوم به حبس ابد در طول ۱۷ سال اسارتش بدون اجازه استفاده از حق درمانی و حقوق انسانی بوده است. صدایش باشیم، پیامش را به گوش دل بشنویم وهمه با هم انتخابات را تحریم کنیم.

پزشکیان و قدرت غیرقابل‌انکار انقلاب «زن، زندگی، آزادی»

عطیه نیک‌نفس

موج‌سواری پزشکیان بر دست‌آوردهای انقلاب "زن، زندگی آزادی"

"استفاده ستاد تبلیغاتی مسعود پزشکیان از آهنگ و شعر «برای...» شروین حاجی‌پور، خشم و واکنش کاربران رسانه‌های اجتماعی را به دنبال داشت. برخی آن را سوءاستفاده از ترانه جنبش «زن، زندگی، آزادی» و اعتراضاتی خواندند که پزشکیان از آن با عنوان «اغتشاشات» نام برده است."

مسعود پزشکیان فردی از قافله متزور، دروغگو و

البته شکست‌خورده اصلاح‌طلبان برای تبلیغات و جمع کردن رأی بیشتر مشغول تلاش‌های مذبوحانه خویش است.

او از طرفی نام انقلاب مدرن و پیشرو "زن، زندگی، آزادی" را اغتشاشات می‌گذارد و از طرف دیگر از آهنگ و شعر "برای" شروین حاجی‌پور برای تبلیغات در ستاد انتخاباتی‌اش استفاده می‌کند. "برای" شعر و موزیکی که هنر اعتراضی این انقلاب است و خواننده آن به دلیل خواندن آن توسط رژیم دستگیر و جرم‌انگاری شد!

استفاده از شعر "برای" نه به دلیل ناآگاهی پزشکیان بلکه به دلیل قدرت غیرقابل‌انکار انقلاب باشکوه، بی‌بدیل و زنانه "زن، زندگی، آزادی" ست، انقلابی که

خواست‌های مردم را به‌درستی بیان می کند، همان خواست‌هایی که هرگز با وجود رژیم ضدانسانی اسلامی هرگز محقق نمی‌شود.

مردم آزادی‌خواه ایران سال‌هاست از این رژیم، اصلاح‌طلب و اصول‌گرا عبور کرده‌اند و بارها گفته‌اند: "رأی ما سرنگونی است" موج‌سواری پزشکیان بر نمادهای انقلاب مردم نه‌تنها رأی برایش جمع نمی‌کند؛ بلکه فقط نفرت و خشم مردم را بیشتر و عزم آنها را برای هر سریع‌تر به پیروزی رساندن انقلابشان راسخ‌تر می کند.

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد تروریست اعلام‌شدن سپاه پاسداران

حزب کمونیست کارگری ایران

دولت کانادا امروز ۱۹ ژوئن (۳۰ خرداد) سپاه پاسداران جمهوری اسلامی را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داد. این یک موفقیت سیاسی برای مردم آزاده ایران است. این موفقیت را به همه مردم ایران صمیمانه تبریک می گوییم.

سپاه پاسداران اصلی‌ترین ارگان سرکوب مردم و حفظ حکومت جنایت اسلامی است. سپاه پاسداران ارگان اصلی کشتار مردم در خیابان‌ها و دستگیری فعالین، شکنجه و تجاوز و ارعاب در تمام ۴۵ سال گذشته، ارگان اصلی سرکوب

مردم کردستان و بلوچستان، سرکوب دانشجویان، کشتار دی ۹۶، آبان ۹۸، کشتار معترضین انقلاب زن زندگی آزادی و عامل سرنگون کردن هواپیمای مسافربری پی‌اس ۷۵۲ است. سپاه همچنین یک نیروی تروریستی است که در حمایت از دیگر دار و دسته‌های اسلامی در منطقه در سرکوب مردم عراق و سوریه و دیگر کشورهای اسلام‌زده نقش فعالی ایفا می‌کند. تروریست اعلام‌شدن سپاه توسط دولت کانادا راه را برای تروریست شناخته‌شدن این نیروی خبیث و جنایت‌کار توسط دول اروپایی و استرالیا و سایر دولت‌ها هموار می‌کند.

قرارگرفتن سپاه در لیست نیروهای تروریست توسط دولت کانادا محصول انقلاب زن زندگی آزادی و همچنین مبارزه نیروهای سرنگونی‌طلب در

خارج کشور از جمله فعالیت انجمن خانواده‌های هواپیمای اوکراینی است.

این موفقیت، تأثیر مثبتی بر فضای اعتراضی در داخل کشور خواهد گذاشت و تردیدی در این نیست که با پیشروی انقلاب در ایران و فعالیت احزاب و نیروهای سرنگونی‌طلب، دولت‌های اروپایی و سایر دولت‌ها نیز مجبور خواهند شد که هم سپاه را در لیست نیروهای تروریستی قرار دهند و هم جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک حکومت آپارتاید جنسیتی و به دلیل جنایات بی‌شمار علیه بشریت بایکوت کنند. نه‌تنها سپاه بلکه کل جمهوری اسلامی باید به‌عنوان یک رژیم تروریست در جهان طرد و منزوی بشود.

مردم ایران مصمم‌اند سپاه پاسداران و کل حکومت ضدانسانی اسلامی را متحدانه از جامعه جارو کنند و به کارنامه بیش از چهل سال جنایات آن برای همیشه مهر پایان بگذارند. حزب کمونیست کارگری از هیچ تلاشی در این زمینه فروگذار نخواهد کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۶۳

۲۲ ژوئن ۲۰۲۴ – ۲ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

خشم مادران دادخواه از دردشان عظیم‌تر است

رضا درویش

سپاه تروریست و اهمیت اقدام دولت کانادا

سؤال از اصغر کریمی

”زن زندگی آزادی“ در آلمان و همه‌جا

نسان نودینیان

کشته شدگان در مراسم حج، قربانیان پول و مذهب

محسن ابراهیمی

سقوط هواپیمای ”انتخابات“ در دره انزجار

کیوان جاوید

خشم مادران دادخواه از دردشان عظیم‌تر است

رضا درویش

جمعه اول تیرماه ۱۴۰۳ ویدئویی منتشر شده است که نشان می‌دهد یک زن رژیمی در حال نصیحت لیلی مهدوی، مادر سیاوش محمودی از جان‌باختگان اعتراضات سراسری است. وی به این مادر داغدار می‌گوید: "بچه شما نباید بیرون می‌آمد تا کشته نشود و آن مانور شلیک‌کننده وظیفه‌اش را انجام داده."

مادر سیاوش که بی‌حجاب در قطار با حجاب بانِ سیاه‌پوش و سیه‌دل جدل می‌کرد با دست به سینه خودش می‌زند و می‌گوید "حیدر حیدر کنان به

بچه من شلیک کردند. من خودم دیدم. به چشم خودم دیدم که سر بچه من از پشت متلاشی شده بود. می‌فهمی یعنی چه؟ وقتی جنازه بچه‌ام را دیدم هنوز چشمای بچه من بسته نشده بود.“

زن در ادامه می‌گوید: ”خدا بیامرزدش“ و مادر سیاوش می‌گوید: ”نمی خوام خدا بیامرزدش.“

در این ویدئو تکلیف این زن جنایت‌پیشه روشن است. وقتی او شلیک از سوی نیروهای سرکوبگر را به یک نوجوان انجام‌وظیفه می‌داند نمی‌توان نتیجه‌ای جز این گرفت این زن خودش از نیروهای سرکوبگری است که زنان و دختران را مانند آرمیتا گراوند و بسیاری دیگر کشتند. اینجا خشم

و انزجار از حکومت اسلامی است که هزاران برابر از درد و غم این مادر داغدار بزرگ‌تر است. اینجا صدای همه مادران و خانواده‌های جان‌باخته است که می‌خروشد و حکومت اسلامی را به لرزه در می‌آورد. اینجا ادامه انقلاب زن زندگی آزادی است که حکم می‌راند. با این صداهای اعتراض مادران داغدار هم‌صداتر شویم.

هر چند کلمات از بیان این‌همه درد و رنجی که این مادر داغدار و همه مادران دادخواه، همچون مادران آبان و مادران خاوران در سینه‌های پُر دردشان به فریاد بدل شده قاصر است؛ اما هیچ‌چیز نمی‌تواند مرحمی بر این‌همه درد باشد جز خشم و فریاد و اعتراض که بتواند به این‌همه

ظلم و ستم و سنگدلی و توحش قرون‌وسطایی حکومت اسلامی پایان دهد.

ما در کنار لیلی مهدوی عزیز و همه مادران دادخواه هستیم و با این عزیزان داغدیده هم‌صداتر می‌شویم. حکومت اسلامی در برابر این خشم عظیم اجتماعی جان بدر نخواهد برد.

سپاه تروریست و اهمیت اقدام دولت کانادا

سؤال از اصغر کریمی

کیوان جاوید: دولت کانادا روز ۱۹ ژوئن (۳۰ خرداد) سپاه پاسداران را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داد. اهمیت این اقدام چیست؟

اصغر کریمی: این یک خواست مردم ایران و احزاب سرنگونی طلب بود و دولت کانادا تسلیم این خواست شد. این فی‌نفسه مهم است. نشان می‌دهد که مبارزات مردم و فشار اپوزیسیون نتیجه می‌دهد. نفس یک موفقیت سیاسی مهم برای مردمی که در جنگ با جمهوری اسلامی و مشخصاً سپاه به سر می‌برند، بسیار تأثیر روحی

و سیاسی دارد. مردم از این موفقیت در مقابل دشمنان خود نیرو می‌گیرند. این پیامی به مردم ایران دارد که فشارشان را به سایر دول غربی با امید به اینکه خواست و فشار آنها نتیجه می‌دهد، بیشتر کنند.

دوم اینکه، اقدام دولت کانادا رسمیت دادن به تروریست بودن مهم‌ترین نیروی سرکوب جمهوری اسلامی توسط یک دولت است و راه‌سازش با جمهوری اسلامی را نه‌تنها در کانادا بلکه حداقل در کشورهای غربی و استرالیا بسیار دشوارتر می‌کند و زمینه را برای این اقدام توسط دولت‌های دیگر هموارتر می‌کند.

سوم اینکه بعنوان یک نتیجه فرعی‌تر، عوامل سپاه جرئت سفر به کانادا که مقصد بسیاری از آنها بود را دیگر نخواهند داشت. طبق این قانون کیفری چنانچه هر عضو سپاه پا به این کشور بگذارد ممکن است بازداشت شده و اموالش مصادره شود. این اصلاً خبر خوبی برای اعضای سپاه و حتی سایر سرکوبگران رژیم نیست. می‌بینند که هر روز دنیا برای آنها ناامن‌تر می‌شود.

کیوان جاوید: اقدام دولت کانادا چقدر می‌تواند راه را باز کند تا دولت‌های اروپایی و سایر دولت‌ها هم از چنین اقدامی پیروی کنند؟

اصغر کریمی: روشن است که این اقدام گرایشی

را در میان احزاب حاکم بر دول اروپایی تقویت می‌کند که خواهان قراردادن سپاه در لیست سازمان‌های تروریست هستند.

باتوجه‌به این، از خانواده‌های دادخواه تا زندانیان سیاسی، از زنانی که شجاعانه در جدال با جمهوری اسلامی هستند تا تشکل‌های مختلف دانشجویان و دانش‌آموزان می‌توانند نقش مؤثری برای قرارگرفتن سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی ایفا کنند. می‌توانند با نامه‌های سرگشاده و با مستند کردن جنایات سپاه، به دول اروپایی و دولت استرالیا بخواهند فشار سیاسی علیه جمهوری اسلامی را تشدید کنند و مهم‌ترین نیروی سرکوب آن یعنی سپاه را تروریست اعلام کنند.

کیوان جاوید: همین اندازه از فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی را کافی می‌دانید یا انتظار اقدامات شدیدتری علیه جمهوری اسلامی دارید؟

اصغر کریمی: روشن است که از نظر ما این یک‌قدم مهم بود؛ اما به‌هیچ‌وجه کافی نیست. ما خواهان بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی هستیم. یعنی جمهوری اسلامی حکومت مشروعی نیست و باید از همه مجامع جهانی، از سازمان جهانی کار و از کمیسیون‌های سازمان ملل اخراج شود، سفارت‌هایش و هر نهاد وابسته به جمهوری اسلامی بسته شود، به هیچ مقام جمهوری اسلامی اجازه سفر به هیچ کشوری داده نشود، سپاه و نه‌تنها سپاه

بلکه کل جمهوری اسلامی توسط سایر دولت‌ها نیز بعنوان یک نیرو و حکومت تروریست به رسمیت شناخته شود و هر گونه مراوده سیاسی، نظامی و ورزشی و هنری با آن ممنوع شود. تروریست اعلام‌شدن سپاه توسط دولت کانادا، راه را برای مبارزه حول این خواست‌ها هموارتر کرده و مبارزه ما برای تحقق این خواست‌ها باید تشدید شود.

در پاسخ به سؤال قبل اشاره کردم که نه‌تنها احزاب سرنگونی‌طلب، فعالین و تشکل‌های مختلف در داخل کشور نیز می‌توانند نقش مؤثری در این زمینه ایفا کنند. توجه کنیم که همزمان با تروریست اعلام شدن سپاه توسط دولت کانادا، جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در

امور حقوق بشری ایران در نشست شورای حقوق بشر بر "جنایات علیه بشریت" که طی سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۸۱ میلادی (۱۳۶۰) و در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) در جمهوری اسلامی ایران رخ تأکید کرد. این اقدام و اقدام دولت کانادا هر دو مهم و در یک راستا قرار دارند و اینها در واقع فراخوانی به مردم ایران و اپوزیسیون جمهوری اسلامی برای گسترش مبارزه در داخل و در سطح بین‌المللی برای بایکوت جمهوری اسلامی است.

نهایتاً، اینکه دول غربی چه سیاستی در مقابل جمهوری اسلامی اتخاذ کنند بستگی به مبارزه مردم ایران دارد. جمهوری اسلامی با انقلاب مردم ایران سرنگون می‌شود و سیاست دول

غربی در قبال جمهوری اسلامی و همینطور در قبال مبارزه مردم ایران نیز به تداوم انقلاب در ایران گره‌خورده است. یک جبهه مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، همراه‌کردن هر چه بیشتر افکار عمومی مردم جهان و فشار به دول غربی و تسلیم کردن آنها به خواست مردم ایران است. دول غربی را می‌توانیم و باید تسلیم خواست خود کنیم. آنها خودبخود تسلیم نمی‌شوند. همینطور که دولت کانادا خودبخود تسلیم نشد.

"زن زندگی آزادی" در آلمان و همه‌جا

نسان نودینیان

شماری از نمایندگان پارلمان آلمان با برگزاری جلسات مختلف با فعالین و مدافعان حقوق پناهجویان ایرانی تصمیم گرفتند که با ارسال پیش‌نویس قطعنامه‌ای به دولت فدرال این کشور، پارلمان اروپا و پارلمان‌های ایالتی آلمان خواستار "حمایت عملی" دولت‌های اروپایی از آسیب‌دیدگان "جنبش زن زندگی آزادی" شوند.

در این دنیای پُر آشوب، این روزها خبر خوش هم به گوش می‌رسد. روزهای گُل کردن نقطه قدرت‌های جهانی انقلاب زن زندگی آزادی. روزهای به ثمررسیدن

تلاش‌های میلیون‌ها انسان برای جلب افکار عمومی (مردم و دولت‌ها و نهادهای مدافع حقوق انسانی) در دفاع از مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی.

از جمله اینکه دولت کانادا ۱۹ ژوئن (۳۰ خرداد) سپاه پاسداران جمهوری اسلامی را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داده است و جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در امور ایران در حاشیه پنجاه و ششمین جلسه شورای حقوق بشر سازمان ملل و جلسه‌ای که تحت عنوان "بحران مصونیت در ایران؛ از دهه شصت تا مهسا امینی" برگزار شده بود گفت: "نسل کشی به طرق مختلف در ایران ادامه دارد و جمهوری اسلامی مسئول این نسل کشی و مسئول جنایت علیه بشریت است.

و حالا هم شاهد تصمیم شماری از نمایندگان پارلمان آلمان و تلاش‌های آن‌ها در حمایت عملی از آسیب‌دیدگان خیزش مردمی زن زندگی آزادی هستیم که باید به فال نیک گرفت و از آن استقبال کرد. همه این رویدادها زوایای گوناگونی از تعرض به حکومت اسلامی است.

حکومت اسلامی فکر می‌کند با معامله حمید نوری با دو گروگان بی‌گناه که با اهداف تبهکارانه سال‌ها زندگی و حق شهروندی را از آنها سلب کرده، می‌تواند و قادر خواهد شد دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی، که از مدرن‌ترین انقلابات یک قرن اخیر است را، پس بگیرد. ما بارها اعلام کرده‌ایم،

تلاش‌های دادخواهان، حضور فعالین اجتماعی نظیر شیوا محبوبی در جلسه کمیسیون حقیقت‌یاب، ده‌ها میتینگ و تظاهرات در کشورهای مختلف و حضور در جشنواره‌های فیلم و... همواره تأثیرات پایداری به نفع انقلابمان خواهد داشت.

خیزش مردمی زن زندگی آزادی، انقلابی برای رهایی از نظام حکومت اسلامی است. برای پایان‌دادن به اعدام و سرکوب و برای پایان‌دادن به تبعیض جنسیتی. در همه این عرصه‌های مبارزاتی همواره نماینده انقلاب زن زندگی آزادی در جهان خواهیم بود.

کشته‌شدگان در مراسم حج، قربانیان پول و مذهب

محسن ابراهیمی

رسانه‌های جهان خبر از کشته‌شدن بیش از هزار نفر از حجاج در مراسم حج امسال داده‌اند.

این اولین‌بار نیست که در مراسم حج، مخصوصا در نمایش مسخره "رمی جمرات" که همان پرتاب سنگ به‌سوی دیواری که ظاهراً نماد شیطان است، تعداد زیادی از گرما و زیر دست‌وپای همدیگر تلف می‌شوند. فقط در فاجعهٔ منا در سال ۱۳۹۴ قریب ۲۵۰۰ زائر در مراسم "رمی جمرات" جان دادند. در این خودکشی دسته‌جمعی ۴۶۴ زائر هم از ایران پای دیوار شیطان جان دادند و البته

خدا هم نتوانست به دادشان برسد. کلاً، تلفات هر ساله حجاج نشانگر این است که اسلام هر جا می‌چرخد مرگ برجای می‌گذارد. همانطور که در مراسم حج صدها هزار گوسفند زبان‌بسته سربریده می‌شوند و در گرمای مکه می‌گندند، جان زائران نیز برای کلیدداران مکه همین‌قدر ارزش دارد.

اما حج فقط نمادی از این نیست که مذهب بشر را به چه وضع رقت باری دچار می‌کند. مراسم حج درعین‌حال یک بیزینس سیاسی، یک دکان سه‌نبش بین‌المللی برای اسلام است که از قبلش حکام عربستان پول پارو می‌کنند. فقط در سال ۲۰۱۶ میلادی درآمد مستقیم عربستان از زائران

حدود ۱۲ میلیارد دلار بود.

برای حکومت اسلامی، مراسم حج، فرصتی برای پیش‌بردن اهداف سیاسی بوده و هست. خمینی، حج را، در عین عبادی بودن، یک عمل سیاسی خواند. در سال ۱۳۶۶، حکومت اسلامی با اعزام گسترده زوار حکومتی، در مراسم "برائت از مشرکین"، یک نمایش سیاسی با شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل راه انداخت که در جریان آن تعداد زیادی از حجاج ایرانی کشته شدند. خمینی از آن اتفاق تمجید کرد که به جهان اسلام ثابت کرده‌اند "کلیدداران کنونی کعبه، لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند." همه اینها یعنی اینکه شاخه شیعی ارتجاع اسلامی

به قدرت رسیده در ایران داشت با شاخه سنی ارتجاع اسلامی بر سر کنترل بیزنیس سیاسی حول محور "خانه خدا" و "حجرالسود" زورآزمایی می‌کرد.

انقلاب زن زندگی آزادی نشان داد که حداقل در خود ایران، دوران چنین شیادی مذهبی سیاسی روبه‌پایان است. نیروهای فعال آن انقلاب، وقتی بار دیگر حتی قدرتمندتر به میدان بیایند و انقلابشان را به پیروزی برسانند، بی‌تردید زیر پای پرده‌داران سنی کعبه را هم داغ خواهند کرد.

سقوط هواپیمای "انتخابات" در دره انزجار

کیوان جاوید

حسین رزاق، فعال رسانه‌ای در واکنش به مناظره نامزدهای انتخابات نوشت: "راستش اصلا این انتخابات نیازی به تحریم ندارد! این نامزدها و این مناظره‌ها آنقدر رقت‌انگیز در پی چاکری آستانند که اساسا این خیمه‌شب‌بازی استخدامی را تبدیل به مسئله اکثریت نمی‌توانند بکنند". مسعود پزشکیان، هم اعتراف کرد: "آن‌چه به آن عمل می‌کنیم، سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری است. این خط قرمز ماست که ما مراعات می‌کنیم."

این فقط رئیسی نبود که هلیکوپترش به دره سقوط

کرد. همراه با این سقوط رئیسی، هواپیمای حامل سران حکومت بی‌هدف و بی کنترل در آسمان ایران چرخ می‌زند و مشخص نیست عنقریب در کدام جهنم‌دره‌ای سقوط کند. دقیقاً معلوم نیست چه بلایی بر سر رئیسی آورده‌اند که منجر به هلاکتش شده است. اینکه دست غیب "سربازان گمنام امام‌زمان" باعث این سقوط شده یا هر اتفاق دیگر، حالا چندان اهمیتی ندارد. آنچه اما پرواز حکومت اسلامی را با نقص فنی مهلکی روبرو کرده است دست آشکار و قدرتمند مردم است.

سیرک حکومتی جمهوری اسلامی نشان داده است هیچ بخشی از حکومت دیگر حتی نمی‌تواند وعده‌سرخرمن بدهد و یا بازی انتخاب میان بد و بدتر راه بیندازد و به این معنا تنور را داغ کند.

سیمای واقعی جمهوری اسلامی در همین مناظره تهوع آور بین یک‌مشت جلاد حرفه‌ای یک‌بار دیگر تمام‌رخ در برابر مردم قرار گرفته است. معلوم است که این رژیم از درون به‌شدت پوسیده است و سران حکومت دیگر هیچ امیدی در کنترل مردم ندارند.

در این اوضاع حاد سیاسی تنها یک جرقه یا یک واقعه مهم سیاسی می‌تواند آتش‌به‌جان حکومت بیندازد و بنیادش را با خاک یکسان کند. مردم از دعواها و بحران‌های عدیده حکومت راهی برای نجات پیدا می کنند. زمینه بیش از هر زمانی دیگر مهیاتر است. هواپیمای حامل سران حکومت در برخورد با کوهی از بحران‌ها سرنگون و متلاشی خواهد شد. چه شادی ای در انتظار ما است!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۶۴

۲۳ ژوئن ۲۰۲۴ – ۳ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

متحد و یکپارچه علیه سیرک انتخاباتی حکومت!

حمید تقوایی

لغو حکم اعدام توماج سرو قامت

کیوان جاوید

توفان اعتصاب در نفت

شهلا دانشفر

رژیم اسلامی بانی فقر غذایی شهروندان

نسان نودینیان

مرگ کیمیا ترکاشوند و حکومت ضدزن

عطیه نیک‌نفس

متحد و یکپارچه علیه
سیرک انتخاباتی حکومت!

حمید تقوایی

بیش از ۳۰ تشکل و جمع و فعالین شناخته شده در "بیانیه مشترک و سراسری فعالین انقلاب "زن زندگی آزادی"، جنبش زنان و تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی درباره "انتخابات" ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳" اعلام کرده‌اند: "رأی و انتخاب ما انقلاب "زن زندگی آزادی" است که با گام‌ها و فریادهایمان در خیابان‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس اعلام کرده و می کنیم! "

در این بیانیه آمده است "همان گونه که مادران آبان

در ۱۴۰۰ به نمایندگی از همه بخش‌های معترض جامعه اعلام کردند "رأی ما سرنگونی"، در ادامه آن، ما اعلام می‌داریم؛ رأی ما و انتخاب ما انقلاب "زن زندگی آزادی" است! "

جا دارد همه ما دست‌اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش‌های اعتراضی و همه نهادها و تشکل‌ها و نهادهای مبارزاتی به این حرکت بپیوندیم و به هر طریق می‌توانیم با بیانیه‌ها و طومارها و فراخوان‌ها، و با سازماندهی متحدانه اعتراضات خیابانی در داخل و خارج کشور به سیرک انتخاباتی حکومت با موج اعتراضی گسترده‌ای پاسخ بدهیم.

یک پاسخ کوبنده به حکومت و سیرک انتخاباتی‌اش سخنرانی پرشور یکی از فعالین جنبش بازنشستگان

در تجمع اعتراضی‌شان در کرمانشاه بود که اعلام کرد: "برادران و خواهران، مردم بیدار، مردم آگاه! همانطور که در انتخابات مجلس مردم سیلی محکمی بر گوش خودکامگان و مستبدان زدند، این بار هم می‌طلبد که یک سیلی محکم‌تری بر این حاکمیت و بر این مزدوران و بر این جبارانی که بر مردم سایه افکنده‌اند زده بشود."

این "سیلی محکمتر" اعتراض یکپارچه همه ما مردم بیدار و آگاه با این فریاد است: رأی ما سرنگونی، و انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی است!

لغو حکم اعدامِ توماج سرو قامت

کیوانَ جاوید

روز شنبه ۲ تیرماه مصطفی نیلی، یکی از وکلای توماج صالحی خبر داده است که حکم اعدام توماج در دیوان عالی نقض شده است. پنجم اردیبهشت‌ماه امسال اعلام شد که دادگاه انقلاب، توماج را به اتهام فساد فی‌الارض به اعدام محکوم کرده است.

بد نیست بدانیم چرا توماج دو ماه پیش حکم اعدام گرفت و حالا همان اوباش عمامه‌به‌سر حکم ابطال اعدام داده‌اند. آیا این روند قضایی است که به نتیجه رسیده است؛ قبلاً ادله و شواهدی پیدا شده بود که توماج مستحق مرگ است و حالا همان از

گور برخاستگان با کالبدشکافی در قوانین اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که نه خیر این‌طور نیست و فعالیت‌های توماج صالحی در حدی نبوده که لازم باشد حکم اعدام برای او جاری شود. طی این مدت کوتاه چه تحقیقاتی صورت گرفته است که دیوان عالی قوه قضاییه رژیم چنین تصمیمی گرفته است؟

مهم‌ترین اتفاقات به‌اجمال چنین است:

در برابر این گستاخی حکومت مبنی بر حکم اعدام برای توماج یک موج با ارتفاع بلند در سطح جهان به راه افتاد و حکومت را در معرض یک گرداب تعرض جهانی قرار داد. کمتر دولت و نهاد بین‌المللی و مجامع هنری و مدافع حقوق انسان در برابر این دیوانگی محض حکومت سکوت پیشه کردند.

در ایران هر کس که اسم توماج را شنیده و مهر او را بر دل داشت علیه این حکم اعتراض کرد. از نهادهای مختلف مبارزاتی همچون جنبش بازنشستگان، معلمان و دانشجویان و جنبش کارگری و کانون‌ها و شخصیت‌های هنری (سینمایی و نویسندگان) تا جوانان و زن و مرد و پیر و جوان همه خشمگین از چنین حکمی بودند.

مرگ رئیسی جلاد و آشفتگی بیشتر سران حکومت یکی دیگر از دلایل این عقب‌نشینی سریع حکومت است. حکومتی که اعتراض و نفرت از درود دیوار جامعه علیه موجودیت را به چشم می‌بیند و درعین‌حال در اوج چندپارگی و ازهم گسیختگی "انتخاباتی" به سر می‌برد مجبور به آتش‌بس است. تفنگ‌ها را بر زمین می‌گذارند تا به خیال خود جامعه را آرام کنند. اما

حکومت اسلامی کور خوانده است. تا آزادی توماج و همه زندانیان سیاسی و تا سرنگونی حکومت اسلامی جنگ ما مردم با حکومت باصلابت تمام ادامه دارد. قصه همان است، "سوراخ موش بخر"!

توفان اعتصاب در نفت

شهلا دانشفر

بیش از بیست هزار کارگر پروژه‌ای پیمانی نفت در بیش از ۹۰ شرکت نفت و گاز در اعتصاب‌اند. اولتیماتوم را کارگران نفت قبلاً داده بودند. این اعتصابات به اسم کمپین ۱۴ ۱۴- در ۳۱ تیر آغاز و بازتابی گسترده داشته است. افزایش دستمزدها، ۱۴ روز کار، ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران مطالبات محوری کارگران اعتصابی است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در گزارش اخبار این اعتصابات می‌نویسد: «ما اعلام می‌کنم که اگر به کمپین و خواست ما برای

۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت پاسخ داده نشود. اگر مزد ما متناسب با درخواست‌های اعلام‌شده‌مان افزایش نیابد و تبعیض در پرداخت‌ها و شرایط کاری از بین نرود وضع از همین قرار خواهد بود و تردیدی نداریم که بخش‌های بیشتری از همکاران به اعتصاب خواهند پیوست.»

این شورا تمامی کارگران پروژه‌ای را به پیوستن به این اعتصابات و اتحاد و همدلی فراخوانده است. در بخش دیگری از بیانیه خبری شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت با اشاره به چند دهه قلدری پیمانکاران مفت‌خور در نفت چنین آمده است:

«چند دهه است که حق‌وحقوق ما کارگران نفت در زیر چنگال‌های مافیای پیمانکاران له شده است. در این صنعت مهم اصل بر دزدی هرچه

بیشتر از معاش ما و زورگویی بیشتر است. یک جنگ ما با فضای پادگانی شرکت‌ها بوده است. در هیچ دوره‌ای در برنامه‌های هیچ دولت و هیچ طرح بودجه‌ای ما کارگران نفت جایی نداشته‌ایم. حتی به‌صورت وعده‌ووعید. بی‌قانونی حاکم هم ویژه مناطق اقتصادی است که نشود حرفی زد. اما همانطور که قبلاً هم اعلام کرده‌ایم دیگر بس است. به این بردگی تن نمی‌دهیم. ما مطالبه گریم. همانطور که بازنشستگان عزیز در خیابان فریاد زدند. همانطور که مردم صدایشان بلند شده است. حرف ما هم همین است. رأی بی رأی. از حقمان کوتاه نمی‌آییم.»

اعتصابات در نفت اتفاق سیاسی مهمی است و تأثیر مستقیمی در گسترش اعتراضات در نفت و جنبش

کارگری می‌گذارد.
در فضایی که کل جامعه به خشم آمده از بساط جهنمی حاکم با فریاد «رأی ما سرنگونی است، انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی» ادامه انقلاب را فریاد می‌زند، هزاران کارگر نفت با مطالبه‌گری و اعتصابات قدرتمندش فریاد رأی بی رأی را سر می‌دهد. از اعتصابات نفت وسیعاً حمایت کنیم.

رژیم اسلامی بانی فقر غذایی شهروندان

نسان نودینیان

شیب نزولی سلامت غذایی و کالری دریافتی شهروندان در ایران در سال ۱۴۰۱ در قیاس با ابتدای دهه ۹۰ نشان‌دهنده آن است که تورم در بخش اقلام خوراکی و کاهش میزان توان مالی مردم منجر به فقر غذایی شده است.

آمار مصرف بعضی از ارقام تکان‌دهنده شده است. سرانه مصرف ماهانه گوشت قرمز از نزدیک به یک کیلوگرم در سال ۱۳۹۰، در سال ۱۴۰۲ به کمتر از ۴۰۰ گرم، و در سه ماه نخست سال ۱۴۰۳ این میزان به ۲۰۰ گرم در ماه رسیده است.

در تحقیقات صورت گرفته مدت‌ها است، آمارهای نگران کننده و واقعی به‌وفور دیده می‌شود و ابایی از اعلام مصرف ماهانه ۲۰۰ گرم گوشت در ماه دیده نمی‌شود. آگاهانه فقر را دسته‌بندی می کنند. فقر ذاتی، فقر ناشی از بیکاری، فقر پایین‌بودن دستمزد، فقر جغرافیایی و فقر ناشی از کسادی بازار کار. این نوع دسته‌بندی را هر روز جار می‌زنند تا به موضوع اصلی منشأ طبقاتی و اجتماعی فقر و شکاف طبقاتی که امروز مبارزه اصلی مردم با حکومت سرمایه اسلامی است، جواب ندهند.

کارگر بازنشسته، کودک و زن حامله، معلولین و کسانی که به انواع مریضی‌های گرفتارند و از دسترسی به پروتئین، کالری، دارو و امکانات پزشکی محروم‌اند، رنج می‌برند و می‌میرند، از

هر محقق مفت‌خور، وزیر و کاربست جنایت‌کار که فقر و فلاکت و مرگ تدریجی را به بخشی از زندگی مردم در جامعه تبدیل کرده‌اند، از عواقب مرگبار فقر و بیکاری مطلع‌اند.

مسبب فقر و تمامی مصائب و مشکلات گریبان گیر توده‌های مردم رژیم اسلامی حافظ نظام سرمایه‌داری است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، بیکاری و بی‌مسکنی، ناامنی اقتصادی و عدم تأمین اجتماعی جملگی محصول اجتناب‌ناپذیر نظام سرمایه‌داری حاکم است. جمهوری اسلامی سرمایه یک زندگی مادون انسان را به اکثریت عظیم مردم تحمیل کرده است.

اعتصابات جاری کارگران در بخش‌های مختلف،

تجمعات مداوم بازنشستگان لشکری و کشوری علیه نظام سرمایه‌داری، دولت و کارفرماها، برای امنیت شغلی و حقوق‌های مناسب بالاتر از خط فقر در جهت مصون داشتن زندگی توده‌های مردم از فقر و تباهی است.

مبارزه پیگیرانه برای تحمیل حداکثر سطح رفاه و آسایش ممکن در مناسبات حاضر و تأمین مناسب‌ترین شرایط زندگی برای توده‌های مردم امری فوری و عاجل است.

مرگ کیمیا ترکاشوند و حکومت ضدزن

عطیه نیک‌نفس

منابع خبری از مرگ کیمیا ترکاشوند، دانشجوی ترم چهار معماری دانشگاه بوعلی سینا همدان در پی ممانعت حراست از ورود کادر درمان به خوابگاه دخترانه خبر دادند. این دانشجو که اقدام به خودکشی کرده بود، پس از اعزام آمبولانس، حراست به مدت ۴۰ دقیقه مانع ورود آنها به خوابگاه شده و همین مسئله موجب فوت این دانشجو می‌شود.

در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی، زنان به دلیل وجود قوانین زن‌ستیزانه اسلامی در شرایط بسیار

غیرانسانی به سر می‌برند تا جایی که فشارها و سرکوب‌ها زنان را به سمت خودکشی می‌برد و وجود قوانین سراسر مردسالارانه به قیمت جان زن‌ها تمام می‌شود.

اینکه زنی در آستانه جوانی بجای اینکه از زندگی خود لذت ببرد و برای آرزوهایش نقشه و برنامه داشته باشد به خودکشی و پایان‌دادن زندگی‌اش فکر می‌کند و آن را عملی می‌کند، خود یکی از جرم‌های نابخشودنی رژیم ضدزن اسلامی است که شرایط را این‌چنین برای زندگی زنان سخت کرده است و هیچ افقی برای زندگی‌شان با وجود عمق بی حقوقی در ایران اسلام زده نمی‌بینند و زیر بار فشارهای همه‌جانبه دست به خودکشی می‌زنند.

از طرف دیگر رژیم ضدانسانی اسلامی که پایه‌هایش بر سرکوب زنان است با نرینه سالاری نفرت‌انگیزش مانع نجات این زن جوان به دلیل حضورش در خوابگاه دخترانه شده است که این هم ناشی از تبعیض جنسیتی است که فقط در سایه یک رژیم جنایت‌کار اسلامی امکان‌پذیر است.

تا رژیم جمهوری اسلامی هست، هیچ زنی نه‌تنها به حقوق انسانی‌اش نمی‌رسد؛ بلکه توسط این رژیم هر لحظه به‌واسطه بی‌ارزش بودن جانش، ممکن است کشته شود. این رژیم ضدزن را باید به زیر کشید و انقلاب زن، زندگی، آزادی را به سرانجام رساند. یکی از نتایج بزرگ پیروزی این انقلاب جاروکردن اسلام از زندگی مردم و خصوصاً

زنان است. باید و می‌شود جامعه‌ای انسانی و زیبا بدون هیچ گونه تبعیضی ساخت.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۶۵

۲۴ ژوئن ۲۰۲۴ – ۴ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

سیرک انتخاباتی حکومت

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

اعتصاب، رقص و پایکوبی، حس خوب جامعه

یاشار سهندی

بازداشت‌شدگان و آسیب‌دیدگان علیه سیرک انتخابات

سیما بهاری

مریم اکبری منفرد و هیولا

کیوان جاوید

سیرک انتخاباتی حکومت

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

بار دیگر انتصاب رئیس‌جمهور اسلامی در دستور کار حکومت قرار گرفته است. جنایتکاری سقوط کرده و قرار است جنایتکار دیگری جای او را بگیرد. اما همین نمایش انتخاباتی نیز به‌خاطر شرایط انفجاری جامعه، برای حکومت به معضلی تبدیل شده است. ناچار شدند از میان کاندیداها که همه از مقامات سابق و اسبق خود حکومت بودند، اکثرشان را از تیغ تصفیه بگذرانند، تا کمترین تنشی که باعث شود مردم پا لای در بگذارند و بساطشان را به هم بریزند، ایجاد نشود. رئیس‌جمهور سابق، رئیس مجلس سابق،

معاون اول رئیس‌جمهور سابق، نمایندگان مجلس سابق، و بسیاری دیگر از حکومتیان سابق به دلیل سایه‌روشن‌های سیاسی با خامنه‌ای و دستگاه حاکم، کنار گذاشته شدند و نهایتاً شش جنایتکار باسابقه، شش فرد وقیح و فاسد و منفور را که همگی ذوب در خامنه‌ای شده‌اند، پس از گذشتن از فیلترهای مختلف به‌عنوان کاندید معرفی کرده‌اند. یک اصلاح‌طلب کذایی را هم تأیید صلاحیت کرده‌اند تا تنور انتخاباتشان را لااقل در میان بالایی‌ها داغ کنند. از همین ابتدا شکاف در صفوف حکومت عمیق‌تر شده و تصفیه‌شدگان علیه شورای نگهبان موضع‌گیری کرده‌اند.

مساله اصلی این است که این‌بار انقلاب زن زندگی

آزادی مانند شمشیری بالای سر حکومت قرار دارد و از اینکه کوچکترین شکافی میان کاندیدها ایجاد شود وحشت‌زده‌اند. ابلاغیه‌های شداد و غلاظی صادر کرده‌اند که کاندیدهایشان نه تنها دست به افشاگری علیه یکدیگر نزنند؛ بلکه حتی حق انتشار نظرسنجی در مورد انتخابات را هم ندارند. می‌ترسند که مردم از شکاف‌های بالایی‌ها وارد صحنه شوند. اما قادر به عملی‌کردن همین دستورالعمل‌ها هم نیستند. کاندیدها حتی توان وعده‌دادن‌های توخالی را هم ندارند و علی‌رغم اینکه یک اصلاح‌طلب را هم کاندید کرده‌اند که تنور انتخاباتشان داغ شود؛ اما فضای بالایی‌ها از همیشه سردتر است.

حکومت چنان منفور است و چنان بر دریای خشم و انزجار مردم قرار دارد که کاندیدهایشان حتی در معیت نیروی سرکوب هم جرئت رفتن به دانشگاه‌ها و سفر به شهرستان‌ها را هم ندارند و معدود تجمع انتخاباتی که سازمان داده‌اند نیز به محل محاکمه نه‌تنها کاندیدها بلکه به محاکمه خامنه‌ای و کل نظام تبدیل شده است. دانشجویان دانشگاه تهران چیزی برای پزشکیان اصلاح‌طلب و خامنه‌ای و نظام باقی نگذاشتند و دانشجویان دانشگاه تبریز سالن تبلیغاتی نمایندگان کاندیدها را به‌عنوان اعتراض خالی کردند.

فضا اما در میان مردم علیه حکومت و مضحکه انتخاباتی‌اش داغ است. دادخواهان در

دیدارهایشان پیام ایستاده‌ایم تا پایان می‌دهند و دانشجویان و دانش‌آموزان و فعالین حقوق زن در بیانیه‌شان اعلام کردند که رأی و انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی است. بیش از ۵۰۰ معلم در بیانیه‌ای اعلام کردند که انتخابات معنایی جز پذیرش و تأیید وضع تحمیلی کنونی و توهین به شعور اجتماعی مردم ندارد و نتیجه و عملکرد دولت‌ها در جمهوری اسلامی برای مردم یکسان است. بازنشستگان در تجمعاتشان علیه نمایش انتخابات رژیم شعار می‌دهند و مردم را فرامی‌خوانند که این بار نیز مانند انتخابات مجلس "سیلی محکمی بر گوش مستبدان و خودکامگان" بزنند، زندانیان سیاسی علیه این نمایش بیانیه صادر می‌کنند، زنان همچنان در

ابعاد میلیونی با بی‌حجابی به حکومت دهن‌کجی می‌کنند و کارگران نفت چند روز مانده به رأی‌گیری اعتصاب سراسری و پرقدرتشان را شروع کرده‌اند و اعلام کرده‌اند "رأی بی رأی".

این فضای اعتراضی را باید هر چه بیشتر گسترش داد. باید پوسترها و بیلبوردهای تبلیغاتی‌شان را به آتش کشید، تبلیغاتچی‌های حکومت را همه‌جا مورد هجوم قرار داد، تجمعات انتخاباتی‌شان را مانند دانشگاه تهران بر سرشان خراب کرد. اعتصابات و اعتراضات و بی‌حجابی را باید هر چه بیشتر گسترش داد و در یک‌کلام باید از این فضای فعال و پربار سیاسی در جامعه برای پیشروی بیشتر علیه کل حکومت، و برای متشکل

شدن هر چه بیشتر استفاده کرد.

مردم مدت‌ها است انتخاب خود را کرده‌اند. رأی و انتخاب مردم تداوم اعتراض و اعتصاب و به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی و سرنگونی حکومت منحوس و درمانده اسلامی است.

اعتصاب، رقص و پایکوبی، حس خوب جامعه

یاشار سهندی

ویدیویی منتشر شده است که کارگران پروژه‌ای و پیمانی نفت و گاز در عسلویه، با رقص و پایکوبی به استقبال هم می‌روند تا اینگونه جلوه‌ای از همبستگی کارگری را در بطن یک اعتصاب وسیع و بزرگ به نمایش گذاشته باشند. توده مردم هر وقت حس کردند اختیار زندگی بر عهده خودشان است و اعتصاب یک جلوه مهم آن است، طبیعی‌ترین عکس‌العملشان شادمانی جمعی است.

اعتصاب کارگران پروژه‌ای و پیمانی نفت و

گاز درست در زمانی اتفاق می‌افتد که دلقکان بی‌مایه‌ای راه افتاده‌اند که نمایش قبیح انتخاباتی را به جامعه بفروشند. سه سال پیش بلافاصله بعد از انتصاب رئیسی به ریاست‌جمهوری، کارگران نفت و پتروشیمی‌ها دست به اعتصاب زدند، تا نشان دهند پروژه ترساندن جامعه با انتصاب یک جلاد از پیش شکست‌خورده است. اعتصاب بیست هزارنفره کارگران نفت و گاز، بار دیگر در سال ۱۴۰۳، در بطن انقلاب زن زندگی آزادی این پیام روشن را به جمهوری اسلامی می‌دهد، انقلاب برای محوکردن حکومت از صفحه تاریخ ادامه می‌یابد.

کارگری در کانال تلگرامی کارگران نیشکر

هفت‌تپه به درست در این باره نوشته است: "اعتصاب کارگران پروژه‌ای و پیمانی به اعتراضات و تحرکات در جامعه نیرو و توان می‌دهد". در یک فضای انقلابی که یکی از نشانه‌های بارز آن رقص و شادمانی است، این رقص و پایکوبی بر اتحاد و همبستگی تأکید دارد و به‌درستی به جامعه انقلابی نیرو و توان می‌دهد. عکس آن هم صادق است که در بیانیه کارگران اعتصابی انعکاس یافته است که این کارگران نیز از اعتراضات بخش‌های دیگر جامعه نیرو می‌گیرند.

کارگر نیشکر هفت‌تپه موضوع مهم دیگری را هم آرزو کرده بود: "کاش دنیا به کارگران، صاحبان اصلی خود می‌رسید". وقتی دنیا به دست صاحبان

اصلی خود می‌رسد که متحد باشند. اعتصاب هماهنگ بیست هزارنفره، کار بسیار عظیمی است و بیانگر این است که یک گام مهم دیگر در انقلاب زن زندگی آزادی برداشته شده است. برای سرنگونی حکومت تبهکار اسلامی اتحاد باید در کف جامعه و بر اساس مطالباتی که رفاه و شادی توده مردم را تضمین می‌کند، شکل بگیرد. اعتصاب بیست هزارنفره شروعی بر این مهم می‌تواند باشد و باید بشود. برای تحقق این امر مهم اعتصاب کارگران نفت و گاز شایسته حمایت بی‌دریغ کل جامعه است.

بازداشت‌شدگان و آسیب‌دیدگان علیه سیرک انتخابات

سیما بهاری

۱۴ تن از بازداشت‌شدگان و آسیب‌دیدگان خیزش انقلابی "ژن ژیان ئازادی" از کردستان با انتشار بیانیه‌ای در محکومیت چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری حکومت اسلامی، اعلام کرده‌اند؛ رأی ما تحریم فعالانه انتخابات و سرنگونی جمهوری اسلامی است. آنها انتخابات حکومت را نمایشی مضحک خوانده که چیزی جز مُهر تأیید بر دستگاه سرکوب نیست.

این جمع منظور خود از تحریم فعالانه را علاوه بر

عدم مشارکت، ادامه فعالیت جمعی و متحدانه به‌عنوان یک وظیفه علیه جمهوری اسلامی تا سرنگونی آن خوانده‌اند و خاطرنشان کرده‌اند هرگونه شرکت و همراهی مُهر تأیید بر جنایات و قاتلین فرزندانمان است.

فضای سیاسی موجود در ایران این است. تنفر باید با تشکل و هم‌صدایی در هم آمیزد تا تبدیل به طوفانی شود و رژیم را در هم بپیچد و نابودش کند. همه با هم همچون همین مبارزان آسیب‌دیده و بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی می‌توانیم متحد و همبسته شویم. صدای هر یک از ما می‌تواند تأثیری امیدبخش‌تر بر تعداد بیشتری از مردم بگذارد تا نمایش منزجرکننده

انتخاباتی حکومت جلادان را فعالانه به چالش بکشند و بر سرش خراب کنند.

این حکومتِ فقر و دروغ و زندان و کشتار است. برای رهایی از دست این نکبت سرمایه‌داران مفت‌خور اسلامی، ما گام‌های بلندی به‌سوی سرنگونی برداشته‌ایم. هر چند اعتراضات خیابانی با شعار سرنگونی به دلیل سرکوب و کشتار کمتر قابل‌مشاهده است، اما واقعیت عظیمی در جامعه نشان می‌دهد رژیم بیش از هر زمان دیگر ضعیف‌تر و منزوی‌تر است. قدرت جمعی انقلاب ما صف انقلاب زن زندگی آزادی را متحدتر می‌کند و آتش تفرقهٔ بیشتر به جان حکومت می‌اندازد. هیچ فرصتی را برای واردکردن ضربات

سهمگین‌تر نباید از دست داد. جامعه در آستانه انقلاب برای رهایی است و مضحکه انتخابات با مشتی کاندید جانی و وقیح و فاسد حکومت اسلامی فقط باعث انزجار بیشتر ما مردم می‌شود.

مریم اکبری منفرد و هیولا

کیوان جاوید

حسین تاج، وکیل مریم اکبری منفرد، زندانی سیاسی و از اعضای خانواده‌های دادخواه، می گوید در پرونده جدیدی که علیه موکلش تشکیل شده است، اموال خانواده او به سود "ستاد اجرایی فرمان امام" توقیف می‌شود.

مریم اکبری منفرد که از خانوادهٔ قربانیان اعدام‌های زندانیان دهه ۱۳۶۰ است، دی‌ماه ۱۳۸۸، به اتهام "محاربه و اقدام علیه امنیت ملی" به ۱۵ سال زندان محکوم شد. حکم مریم مهرماه سال جاری به پایان می‌رسد؛ اما او شهریور سال گذشته بار

دیگر به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به دو سال حبس دیگر محکوم شد.

یک‌لحظه از مکان و زمان جدا شویم و فکر کنیم در یک روز تعطیل جمعاً به سینما رفته و می‌خواهیم فیلم "مریم و هیولا" را تماشا کنیم. امروز اما ما در متن و بطن چنین فیلمی زندگی می‌کنیم؛ ما در میانه یک نبرد به سر می‌بریم؛ ما خود قهرمانان و بازیگران این مستند پُرماجرا هستیم و کارگردانی در کار نیست و برای ایجاد صحنه‌های خطرناک از هنرپیشه بدل‌کار استفاده نمی‌شود. این فیلم زندگی ما است. هر چه هست رنج و عذاب و مصادره اموال و اعدام و زندان‌های طویل‌المدت است. داستان ترسناکی است این

روی حقیقت زندگی ما.

”فیلم مریم و هیولا“ یک روی دیگر هم دارد. داستان مقاومت و مبارزه و ایستادن تا پای جان و کمک‌کردن به میلیون‌ها همنوع تا از این جهنم، از این باتلاق تباهی و فساد و جنایت گذر کنند و آن روی زندگی را با همه زیبایی‌های خود ببینند. هر روز ما سر بر می‌گردانیم و گذشته را می‌بینیم و راه‌رفته را اندازه می‌گیریم تا ببینیم چه از دست دادیم و چه به دست آوردیم. لحظه‌به‌لحظه یاران به خاک افتاده خود را می‌بینیم و از اسمشان پرچمی برای آزادی و رهایی می‌سازیم و صف دشمن را می‌بینیم که در حال هزیمت بیشتر است. ما می‌بینیم که بسیاریم و آنها متفرق‌تر و

هراسیده‌تر می‌شوند.

مسیری که مریم و همه ما در آن راه می‌پیماییم به‌سوی زندگی، و مسیر حکومت جلادان مرگ و تباهی است. برای رسیدن به زندگی در صفوفی بس فشرده‌تر دست در دست هم خواهیم داشت. دست مریم نیز در دست ما است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۶۶

۲۵ ژوئن ۲۰۲۴ – ۵ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:سوسن صابری

در این شماره ژورنال

سیرک انتخاباتی حکومت و فضای انقلابی جامعه

شهلا دانشفر

خامنه‌ای و مادر شریفه محمدی

کیوان جاوید

الگوی اسلامی خزعلی، الگویی شکست‌خورده

عطیه نیک‌نفس

جولیان آسانژ آزاد شد!

کاظم نیکخواه

دولت کانادا مجوز برگزاری انتخابات قلابی به جمهوری اسلامی نداد سایر دولت‌ها هم نباید مجوز بدهند!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری

سیرک انتخاباتی حکومت و فضای انقلابی جامعه

شهلا دانشفر

مضحکه انتخابات بر تحرک مبارزاتی مردم شدت داده و رأی ما سرنگونی است، انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی است، فریادی است که از هر گوشه کشور شنیده می‌شود.

۵۲۰ معلم در بیانیه‌ای با طرح اینکه شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری را در حل مشکلات بی‌نتیجه و از همه بدتر، عامل افزایش مشروعیت و انگیزه سرکوب بیشتر مطالبه‌گران و معترضان می‌دانند، اعلام کردند در این انتخابات شرکت

نخواهند کرد.

نهاد دادخواهان هم در بیانیه‌ای تحت عنوان "انتخابات، روی دریای خون عزیزانمان" می‌نویسند: "همراه همه زنان و مردانی که برای معیشت و منزلت زندگی و آزادی را دادخواهی می کنند، با فریاد: "زن زندگی آزادی هم صدا هستیم و رأی ما سرنگونی و به محاکمه کشاندن همه آمرین و عاملین کشتار و جنایت چهار دهه گذشته بوده و...اعلام می کنیم با هیچ بند و زندان و اعدام نمی‌توانید مبارزات ما مردم به‌جان‌آمده از ظلم و بیداد حکومت، جنایت و کشتارتان را به عقب برانید."

قبلاً نیز فعالین انقلاب "زن زندگی آزادی"، جنبش زنان و تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی در

بیانیه مشترکی نوشتند: "همان‌گونه که مادران آبان در ۱۴۰۰ به نمایندگی از همه بخش‌های معترض جامعه اعلام کردند "رأی ما سرنگونی است"، در ادامه آن ما اعلام می‌داریم؛ رأی ما و انتخاب ما انقلاب "زن زندگی آزادی" است! ". در ادامه امضاکنندگان بیانیه مردم را برای رسیدن به پیروزی به مبارزه در یک مسیر مشترک بر اساس خواسته‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه به مبارزه متحد حول منشور مطالبات حداقلی ۲۰ تشکل و منشور مطالبات پیشرو زنان ایران، فراخوانده است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نیز ضمن گزارش اخبار اعتصاب نوشته است: "همانطور که قبلاً هم اعلام کرده‌ایم دیگر بس است. به این بردگی تن نمی‌دهیم. ما مطالبه گریم.

همانطور که بازنشستگان عزیز در خیابان فریاد زدند. همانطور که مردم صدایشان بلند شده است. حرف ما هم همین است. رأی بی رأی. از حقمان کوتاه نمی‌آییم". بازنشستگان نیز در کف خیابان با فریاد "ما دیگه رأی نمیدیم" فریاد رسای کل جامعه هستند.

حکومتیان به‌شدت به جان هم افتاده و پرونده‌های جنایات و دزدی‌هایشان را رو می‌کنند. مردم با نوشتن شعارهای اعتراضی بر دیوارهای شهر و با پایین کشیدن پوسترهای حکومتیان مضحکه انتخابات را بر سرشان خراب کرده‌اند. زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی.

خامنه‌ای و مادر شریفه محمدی

کیوان جاوید

مادر شریفه محمدی، فعال کارگری زندانی، روز دوشنبه در ویدئویی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، می‌گوید: "نزدیک به هفت ماه است دخترم را گرفته‌اند و به من خبری از او نمی‌دهند."

خامنه‌ای نیز امروز سه‌شنبه ۵ تیرماه بعد از کلی تبلیغات که قرار است حرف‌های خیلی مهمی بزند در برابر جمعیتی کرایه‌ای به مناسبت "عید غدیر" صحبت‌هایی کرد که به‌قول‌معروف کوه موش زایید.

خامنه‌ای غیر از اینکه در بخش اول صحبت‌هایش

همان حرف‌های پوچ بی‌حاصل از فضائل "امیر المومنین" را به خورد جمعیت کرایه‌ای خود داد چیزی برای گفتن نداشت. تکرار همان لاطائلات در مورد کرامات علی که مجدداً نشان داد که اسلام و باورهای اسلامی فقط بدرد لای جرز می‌خورد و باید از زندگی مردم جارو شوند. بخش دوم سخنرانی خامنه‌ای این بود که رئیس‌جمهور آینده قدرت را بین فامیل‌های خودش و طرف‌داران آمریکا تقسیم نکند و دشمنی با آمریکا را هم فراموش نکند. این بود جوهر سخنان خامنه‌ای که نشان می‌دهد وضعیت خامنه‌ای در رأس حکومت ارتجاع اسلامی تا چه حد اسف‌بار است.

اما شریفه کیست و چرا به بند کشیده شده است؟ شریفه محمدی برای زندگی انسانی و در دفاع از

حقوق و کرامت انسانی همه مردم پا به میدان مبارزه گذاشته و در این راه به بند کشیده شده است و ۷ ماه است که خبری از این انسان شریف و مبارز به مادرش نمی‌دهند.

اینجاست که کل تاریخ ۴۵ساله حکومت اسلامی در برابر ما قرار می گیرد. خامنه‌ای‌هایی که می‌خورند و می‌دزدند و از پول کوه می‌سازند و آقازاده‌های خود را به چهارسوی جهان می‌فرستند تا عیش‌ونوش کنند و برای حفظ این موقعیت نیز می کشند و به بند می کشند و شریفه‌هایی که عکس این زندگی می کنند. متحد و متشکل می کنند و برای اینکه مردم به یک‌لقمه‌نان بیشتر و به درمان و بهداشت و مسکن بهتر دست یابند بی‌محابا می‌جنگند و از زندان هم نمی‌هراسند.

ما با دو دنیا روبرو هستیم. دنیای فاسد خامنه‌ای‌ها و دنیای زیبای انسانی شریفه‌ها. مناسبات و حکومت فاسد باید سرنگون شود تا آن دنیای انسانی برقرار گردد. ما برای انقلاب علیه این تباهی حکومت اسلامی در میدان هستیم.

الگوی اسلامی خزعلی، الگویی شکست‌خورده

عطیه نیک‌نفس

انسیه خزعلی، معاون ریاست‌جمهوری رژیم در امور زنان و خانواده، با تأکید بر اهمیت آموزش «سبک رفتار با همسر» نوشته که سبک رفتار خمینی و خامنه‌ای با همسرانشان «یک الگوی بسیار خوب و موفق از سبک زندگی ایرانی – اسلامی است.» و اینکه: «خانه و خانواده را همچون سنگری استراتژیک پاسداری کنیم.»

انسیه خزعلی که به گفته خودش کودک همسر بوده، می‌خواهد برای مردم مدرن، مبارز و مطالبه‌گر در ایران الگوی رفتاری از نوع مردسالار، سرکوبگر

و البته عقب‌مانده اسلامی به شیوه خمینی و خامنه‌ای ارائه دهد. غافل از اینکه در انقلاب زن، زندگی، آزادی مردم به‌درستی عامل اصلی مشکلات و معضلاتشان را تشخیص دادند و اصل نظام و اسلام در قدرت را نشانه گرفتند و با شعارنویسی علیه اسلام، عمامه‌پرانی و حجاب سوزان عملاً مطالبات خود و انزجارشان از ارزش‌ها و «الگوهای» یک سیستم سرکوبگر اسلامی را بیان کردند.

امثال انسیه خزعلی که خدنگ‌های وفادار رژیم اسلامی هستند آب در هاون می‌کوبند. مردم ایران انتخابشان را سال‌هاست که کرده‌اند و در انقلابی که در جریان است جلوه واقعی آن را به دنیا نشان دادند.

اسلام و «الگوهای رفتاری ضد زنش» و رژیم اسلامی انتخاب هیچ انسان آزاده و آگاهی نیست. مردم با مبارزات جسورانه و هر روزه و جاروکردن اسلام از زندگی اجتماعی، سرنگونی رژیم اسلامیِ ضدانسانی را نشانه گرفته‌اند.

جولیان آسانژ آزاد شد!

کاظم نیکخواه

جولیان آسانژ، بنیان‌گذار ویکی‌لیکس، پس از دستیابی به توافقی که به مبارزه علیه استرداد به آمریکا پایان می‌دهد، از زندانی در بریتانیا آزاد شد. آمریکا آسانژ را متهم به افشای اسرار حساس در مورد جنگ در عراق و افغانستان کرده است. ۷۵۰ هزار سند افشا شده توسط ویکی‌لیکس از جنایات فجیع نیروهای آمریکا و نیروهای متحدش موارد متعددی از قتل شهروندان غیرنظامی، بمباران مناطق غیرنظامی، تجاوز در زندان‌ها، و شکنجه زندانیان و فساد و ریاکاری که مقامات بالا نیز از آن خبر داشتند، پرده برداشت.

ویکی‌لیکس اعلام کرده است که جولیان آسانژ، بریتانیا را ترک کرده تا در دادگاهی در یک جزیره در اقیانوس آرام یکی از اتهامات خود را بپذیرد؛ اما بدون مجازات بیشتر به استرالیا بازگردد. چرا که او فی‌الحال بیش از ۵ سال در زندان بوده است.

جولیان آسانژ ۵۲ سال سن دارد و با اتهام دسیسه برای دستیابی به اطلاعات دفاعی و امنیتی آمریکا و افشای آنها مواجه بود.

آسانژ با افشای اسناد جنایات نیروهای آمریکا در عراق و افغانستان در سال ۲۰۱۰، به یک چهره محبوب مردم در سطح جهان تبدیل شد و کارزارهای بسیاری برای آزادی او به جریان افتاد.

آسانژ گرچه مجبور گردیده است که یکی از موارد جرم خود را بپذیرد، اما به‌هیچ‌وجه جرم و جنایتی مرتکب نشده؛ بلکه جنایات فجیع نیروهای آمریکا

و متحدینش را افشا کرد. طی پنج سال گذشته او رنج‌های بسیار و غیر قابل تحملی را متحمل شد و تا آستانه مرگ پیش رفت.

داستان آسانژ، کل محدوده تنگ حقوق بشر و آزادی‌خواهی دولت‌های غربی را جلوی چشم مردم دنیا قرار داد و نشان داد که افشای جنایات دولت، جرم است و افشاکننده مجرم است. از نظر مردم دنیا جولیان آسانژ مطلقاً جرمی نکرده؛ بلکه اقدام او قابل قدردانی است. لازم به اشاره است که چلسی منینگ سرباز آمریکائی نیز که همکاری او با ویکی‌لیکس افشا شد، در سال ۲۰۱۰ به ۳۵ سال زندان در آمریکا محکوم گردید و بعد از دست‌زدن به خودکشی و مشکلات بسیار در سال ۲۰۱۷ آزاد گردید.

آزادی آسانژ گرچه با قیدوشرط صورت گرفته، اما بسیار خوشحال‌کننده است و جا دارد به همه مردم آزادی‌خواه این آزادی را شادباش بگوییم. به امید موفقیت کارزارهای مردمی برای آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران و در سطح جهان.

دولت کانادا مجوز برگزاری انتخابات قلابی به جمهوری اسلامی نداد
سایر دولت‌ها هم نباید مجوز بدهند!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

دولت کانادا مجوز رأی گیری برای انتخابات قلابی ریاست‌جمهوری را به جمهوری اسلامی نداد. سایر دولت‌ها نیز باید از این تصمیم تبعیت کنند.

هر دولتی که ادعای دفاع از حقوق بشر دارد نباید به جمهوری اسلامی مجوز بدهد که این مضحکه را در آن کشور برگزار کند. این انتخابات نیست نمایش بی‌حقوقی تمام‌عیار مردم ایران است. در شرایطی که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نه خبری از آزادی بیان و عقیده و مطبوعات است و نه

آزادی احزاب مخالف، در شرایطی که مطلقاً چیزی به اسم انتخابات در جمهوری اسلامی معنی ندارد و چند قاتل و جنایت‌کار ضد زن و ضد آزادی را از فیلتر گذرانده‌اند و به‌عنوان کاندید جلو جامعه گذاشته‌اند، در شرایطی که هر منتقدی با شکنجه و زندان و حتی اعدام مواجه می‌شود، در شرایطی که جمهوری اسلامی آپارتاید جنسیتی تمام‌عیاری را حاکم کرده است، مجوز دادن به این حکومت که در کشورهای دیگر هم این نمایش بی‌حقوقی مردم ایران را برگزار کند، شرم‌آور است.

صرف‌نظر از اینکه دولت‌های دیگر این مجوز را به جمهوری اسلامی بدهند یا ندهند، مخالفان جمهوری اسلامی در هر جا و به هر درجه بتوانند جلو آن را خواهند گرفت. این کمترین انتظار از

دولت‌ها است که مانند دولت کانادا از برگزاری این نمایش تهوع‌آور جمهوری اسلامی جلوگیری کنند.

حزب کمونیست کارگری از مردم همه کشورها می‌خواهد دولت‌ها را برای تحقق این خواست مشروع مردم ایران تحت‌فشار قرار دهند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۶۷

۲۶ ژوئن ۲۰۲۴ – ۶ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

اعتصاب نفت و انقلاب زن زندگی آزادی

اصغر کریمی

نمایش انتخابات: رقابت بر سر چپاول

محسن ابراهیمی

هذیان‌گویی حکام اسلامی

سینا پدرام

این‌جا جهنم دهان بازکرده است!

سیامک بهاری

جولیان آسانژ آزاد شد!

حزب کمونیست کارگری

اعتصاب نفت و انقلاب زن زندگی آزادی

اصغر کریمی

بیش از ۲۰ هزار کارگر در نزدیک به ۱۰۰ مرکز نفت و گاز در استان‌های مختلف کشور از روز ۳۰ خرداد دست به اعتصاب زده‌اند و هر روز تعداد مراکز اعتصابی افزایش می‌یابد.

این اعتصاب از چند نظر حائز اهمیت است. این یک اعتصاب سراسری در نفت است و الگویی برای اعتصابات سراسری در رشته‌های دیگر مثل مخابرات وراه‌آهن، آتش‌نشانی ومعادن. خواست‌های اعتصاب، افزایش دستمزد، کوتاه‌کردن دست پیمانکاران و کاهش روزهای کار خواست همه کارگران در

سراسر کشور است و از این نظر با این اعتصابات این خواست‌ها نیز می‌تواند به خواست‌های سراسری تبدیل شود. شکل‌دادن به شوراهای سازماندهی در بخش‌های مختلف کارگران نفت که این اعتصابات را عملی کرده، نقطه قوت حیاتی کارگران نفت است که می‌تواند به الگوی همه کارگران تبدیل شود.

اما آنچه به‌ویژه به‌این اعتصاب اهمیت می‌دهد شرایط سیاسی حاکم بر کشور است. در آستانه انتخابات نمایشی حکومت هستیم و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت هم‌زمان با طرح خواست‌های کارگران اعتصابی اعلام کرده است که "رأی، بی رأی". مقابله با انتخابات حکومتی یک عرصه سیاسی مهم مبارزه مردم در ادامه انقلاب زن زندگی آزادی است و از دادخواهان تا بازنشستگان و

معلمان و دانشجویان و بسیاری از فعالین و تشکل‌های مردمی با بیانیه‌های کوبنده خود جبهه بزرگی را در مقابل حکومت شکل داده‌اند. کارگران نفت نیز به این جبهه پیوسته و آن را تقویت کرده‌اند.

نکته مهم این است که چه باید کرد که اعتصاب در نفت به یک گفتمان عمومی در جامعه تبدیل شود؟ چه باید کرد که این اعتصاب به یک جبهه مهم انقلاب تبدیل شود؟

برای این منظور اولاً مهم است که کارگران نفت در سراسر کشور اعم از رسمی و غیررسمی به این اعتصاب و شوراهای سازماندهی خود بپیوندند تا صفوف خود را مستحکم‌تر کنند. ثانیاً جامعه از فعالین زن تا تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی،

تشکل‌های مختلف کارگری، بازنشستگان، معلمان و دادخواهان، به حمایت از این اعتصابات برخیزند و آن را به یک گفتمان سراسری تبدیل کنند. هر چه بیشتر در مدیای اجتماعی به این گفتمان دامن بزنند و تلاش کنند بیش‌ازپیش رسانه‌ای شود. هر چه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی بیشتر در این مسئله دخیل شوند، به همان نسبت هم این اعتصاب فشار بیشتری به حکومت میاورد و هم بیشتر به یک موضوع و جبهه انقلاب تبدیل می‌شود.

نمایش انتخابات: رقابت بر سر چپاول

محسن ابراهیمی

خامنه‌ای صبح روز سه‌شنبه پنج تیر در رابطه با نمایش حکومتی انتخابات اظهاراتی کرد که در تحلیل رابطه میان حکومت اسلامی و مردم و مشخصاً انتظار حکومت از مردم در "انتخابات" قابل توجه است. او گفت هر کس معتقد به لزوم حمایت از نظام جمهوری اسلامی است باید در انتخابات شرکت کند! چرا، چون "وارد میدان شدن مردم معنایش این است که جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه جمهوری است و زبان دشمنان کوتاه می‌شود."

خامنه‌ای اینها را خطاب به مردمی گفت که فقط در

فاصله پنج سال، سه بار طی سه خیزش‌های توده‌ای گسترده در کف خیابان کلیت نظام اسلامی را به چالش کشیده‌اند. اوج این خیزش‌ها انقلاب بزرگ "زن زندگی آزادی" بود که در همان موج اولش با تسخیر سنگر حجاب که به‌زعم خود حکام اسلامی "سنگر اول" محسوب می‌شود، یک ضربه کاری بر یکی از ارکان سیاسی - ایدئولوژیک حکومت وارد کرد.

خامنه‌ای می‌داند که مردم مدت‌هاست انتخابات حکومتی را به فرجه‌ای برای نمایش مخالفت با حکومت، برای نشان دادن قدرت متحد خود در مخالفت با حکومت اسلامی و شخص رهبر منفور تبدیل کرده‌اند و در کمین نشسته‌اند تا کل نظام اسلامی را به زیر بکشند.

بااین‌وجود چرا رهبر حکومت اسلامی که بحق به‌عنوان تجسم شخصی ۴۵ سال نابودی زندگی میلیون‌ها انسان توسط نظام اسلامی مورد نفرت و انزجار عمیق توده‌های وسیع جامعه است، از مردم می‌خواهد که برای حمایت از جمهوری اسلامی در انتخابات شرکت کنند؟ آیا او واقعاً نمی‌داند که چنین فراخوانی توسط چنین رهبر منفوری در چنین شرایط سیاسی سرشار از خشم و نفرت توسط مردم، برای به شکست کشاندن ده "انتخابات" حکومت هم کافی است؟

واقعیت این است که مخاطب خامنه‌ای مردم نیستند. مخاطبش آن اقلیتی هستند که به‌مثابه بخشی فعال از شبکه سیاسی، امنیتی و قضایی حکومت در سفره چپاول سهیم‌اند. همان‌ها که از نظر خامنه‌ای

”مستضعفین“ محسوب می‌شوند. واقعیت این است که از نظر حکام اسلامی و برای سران و مقامات حکومت، نمایش حکومتی انتخابات در شرایط امروز مکانیسمی برای تقسیم قدرت و ثروت میان باندهای مختلف مافیای حکومتی است.

هذیان‌گویی حکام اسلامی

سینا پدرام

مسعود پزشکیان در «مناظره» کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: «فرهنگ را روحانیت، مساجد، و کسانی که ادعای دین‌داری دارند درست می‌کنند.» از سوی دیگر نماینده استان خراسان رضوی در مجلس خبرگان گفت: «نظام ما مبتنی بر آرای مردم است و بیعت‌کردن و رأی‌دادن واجب است.» او افزود: «حمایت مردم از ولی‌فقیه واجب شرعی و عقلی است.»

اینها فقط چند نمونه از هذیان‌گویی دانه‌درشت‌های حکومتی در جریان نمایش «انتخاباتی» است.

رقت‌آور و کسل‌کننده. اما در پس‌زمینه تمامی این اظهارنظرها، اضطراب‌ها و تشویش‌های بی حد و حسابی دیده می‌شود که حاکی از سستی پایه‌های طبقه حاکم و رژیم اسلامی و حضور بی‌وقفه انقلاب «زن زندگی آزادی» در تمامی عرصه‌ها اجتماعی در ایران است.

کمتر کسی در میان حکام اسلامی در این اوضاع آشفته به فکر جمع‌کردن رأی مردم است. چون خود رژیمی‌ها بیشتر از هر کسی در ایران از حال نزار حکومتشان و تنفر مردم خبر دارند. پیش از «مناظرات» تلویزیونی‌شان نماز جماعت می‌خوانند و بعد از آن در وصف روحانیت و رهبرشان بالای منبر می‌روند که مردم را بیش‌ازپیش در مقابل حکومت قرار می‌دهد. اوضاع آن‌چنان قاراشمیش

شده که معلوم نیست کدام‌یکی از پادوهای رهبر بیشتر از پنج نفر بقیه به خامنه‌ای و روحانیت «ارادت» بیشتر دارند.

برای مردم؛ اما مسئله نه انتخابات که کل حکومت الله و دم‌ودستگاه مافیای اسلامی است. می‌دانند که انتخاب بد و بدتری وجود ندارد. آنچه در حال وقوع است، از سویی انتصاب نکبتی از بین نکبت‌ها از طرف بیت رهبری است و از سوی دیگر عزم و آمادگی مردم برای ساقط کردن حکومت و دخالت در عرصه قدرت.

سازمان‌یابی و متشکل شدن مردم به اشکال مختلف، از تشکل‌های کارگری و دانشجویی گرفته تا تشکل‌های شورایی در میان بخش‌های

مختلف مردم و اعتراض متحدانه و متشکل مردم مؤثرترین راه برای مقابله با رژیم اسلامی و فراهم‌کردن شرایط ضربه نهایی و حاکم شدن بر زندگی خودشان است.

این‌جا جهنم دهان باز کرده است!

سیامک بهاری

بحران انسانی هول‌انگیزی شیرازه زندگی مردم در کشور سودان را ازهم‌گسسته است. جهنمی بی‌انتها زیر پای مردمی درمانده، دربه‌در، گرسنه، آسیب‌دیده و بی‌پناه دهان بازکرده است. به گزارش یونیسف، ۹ میلیون کودک بدون غذا، دارو و درمان‌اند. سوءتغذیه مزمن و خطر مرگ و نیستی بیش از ۴ میلیون نفر را تهدید می‌کند. جنگ داخلی تا کنون قریب به ده میلیون نفر را آواره کرده است از این میان پنج میلیون کودک بی‌پناه، بدون هیچ امکان و تأمینی بی‌سرپناه و آواره شده‌اند. امکان کمک‌رسانی به درماندگان

به دلیل خطرات نظامی و جنگی تقریباً به صفر رسیده است. بیش از یک سال است ژنرال‌ها و جنگ‌سالاران بر سر تقسیم قدرت و غارت منابع کشور، جنگ داخلی خونباری را به جامعه غرق در فقر و فلاکت و بحران اقتصادی تحمیل کرده‌اند.

در ورطه‌ای از بی‌ثباتی و بحران اقتصادی، کشمکش بین ژنرال‌های جنگ‌سالار بالا گرفت تا بالاخره در کودتای شبه‌نظامیان در نیمه آوریل سال ۲۰۲۳ و در نتیجه جنگ داخلی بین ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع، بحران انسانی عظیم‌تری خلق گردید. کودتای نظامی در دل بحران اقتصادی و رکود تورمی عظیم، درحالی‌که بحران غذایی، سوخت و دارو زندگی مردم را درهم‌پیچیده بود، وضع را از آنچه بود، خطرناک‌تر کرد. تاکنون

ده‌ها هزار کشته و نزدیک به ده میلیون نفر آواره شده‌اند. آتش جنگ همه‌جا زبانه می‌کشد.

ازیک‌طرف نیروهای واکنش سریع که از جانب روسیه و امارات متحده عربی حمایت می‌شوند، معادن طلای کشور را به چنگ آورده‌اند و به بزرگ‌ترین متحد دولت روسیه در آفریقا و منبع اصلی تأمین مالی نظامیان واگنر بدل شده‌اند. از طرف دیگر نیروهای ارتش سودان با حمایت مالی عربستان و مستشاران اوکراینی که کل کشور را می‌خواهند تصاحب کنند و خود به کشتار بی‌رحمانه معترضان متهم هستند، با دمیدن در آتش جنگ داخلی، جنایات جنگی بسیاری را سبب گردیده‌اند.

این وضعیت هولناکی است که بحران سرمایه‌داری قرن حاضر با جنگ‌افروزی و کشمکش نیابتی، بحران انسانی و با قربانی کردن میلیون‌ها کودک آفریده است. این جنگ ویرانگر را مردم سودان که عمرالبشیر دیکتاتور را به زیر کشیدند می‌توانند خاتمه بدهند و میلیون‌ها کودک و کل جامعه را از ورطه نابودی رها کرده و کشور را از شر نیروهای نیابتی و جنگ‌سالاران نجات دهند.

جولیان آسانژ آزاد شد!

حزب کمونیست کارگری

امروز چهارشنبه ۲۶ ژوئن جولیان آسانژ بنیان گذار سایت افشاگر ویکی‌لیکس در جزیره سایپان در نزدیکی استرالیا بعد از یک دادگاه کوتاه‌مدت، آزاد شد و در استرالیا کشور زادگاهش مورد استقبال قرار گرفت. قبلاً با وکیل آسانژ در مورد این دادگاه توافق شده بود که به‌شرط پذیرش نقض قوانین ضدجاسوسی توسط آسانژ، او می‌تواند فقط به پنج سال زندان یعنی همان مدتی که در انگلستان زندانی بوده محکوم شود و بلافاصله آزاد گردد. آسانژ از سال ۲۰۱۰ یعنی از ۱۴ سال پیش تحت تعقیب دولت آمریکا به‌خاطر افشای اسناد جنایات

نیروهای این کشور در عراق و افغانستان بود و هفت سال از این مدت را در سفارت اکوادور در انگلستان پناهنده بود و پس از آن ۵ سال نیز توسط دولت انگلستان در زندان فوق امنیتی بلمارش و عمدتاً در سلول انفرادی نگه داشته شد. دادگاهی در آمریکا آسانژ را غیاباً به نقض قوانین ضدجاسوسی متهم کرده بود و محکومیت ۱۷۵ سال زندان بالای سر او قرار داشت.

آسانژ جرمی مرتکب نشده بود؛ بلکه جنایات و اقدامات ضدانسانی علیه مردم بی‌دفاع را افشا کرده بود و به‌خاطر افشاگری‌هایش مورد ستایش میلیون‌ها نفر از مردم جهان قرار گرفت. کارزارهای بزرگ و ده‌ها هزارنفره‌ای در حمایت از او و برای آزادی‌اش، در کشورهای مختلف به جریان افتاد.

او جایزه عفو بین‌الملل و جوایز دیگری را نیز نصیب خود کرد. انتشار ۷۵۰ هزار سند محرمانه از جنایات نیروهای آمریکا در عراق و افغانستان و گوانتانامو و برخی دیگر کشورها، از بمباران شهروندان غیرنظامی در این کشورها، شکنجه در زندان‌ها، تجاوز و فساد و هزاران اقدام غیرانسانی دیگر، جهان را تکان داد و خشم دولت آمریکا و متحدینش را علیه آسانژ برانگیخت.

آزادی آسانژ که از دیروز اعلام شد موجی از شادی را در میان کاربران رسانه‌ها و مردم در گوشه‌وکنار جهان برانگیخت. مدیای اجتماعی از استقبال از آسانژ مالامال شد. رسانه‌های بین‌المللی خبر آزادی او را در رأس خبرهای خود بازتاب دادند. آسانژ چون یک قهرمان پا به کشور زادگاهش استرالیا

گذاشت و در رسانه‌ها پیشنهاد شده است که روز آزادی او هر سال تعطیل عمومی اعلام شود.

آسانژ به‌خاطر استفاده از آزادی بیان و در دفاع از آزادی بیان چهارده سال تحت تعقیب و فراری بود و نهایتاً توسط دولت انگلستان زندانی شد و رنج‌های بسیاری را متحمل شد که خود می‌تواند سوژه فیلم‌ها و کتاب‌های بسیاری باشد. دولت‌های آمریکا و انگلیس با تعقیب و زندانی کردن جولیان آسانژ و فشارهای غیرقابل‌تحمل و عظیمی که به او و خانواده‌اش وارد کردند، نشان دادند که حقوق بشرشان چقدر پادرهوا و دروغین است و هر جا با منافعشان خوانایی نداشته باشد به چه سرکوبگری تبدیل می‌شود.

آزادی امروز آسانژ نه به‌خاطر رحم و مروت این

دولت‌ها، بلکه به دلیل فشار عظیمی بود که کارزارها و جنبش دفاع از آسانژ در جهان به آنها وارد کرد. جولیان آسانژ با سایت ویکی‌لیکس و افشاگری‌هایش دوره تازه‌ای را در جایگاه آزادی بیان و مدیای اجتماعی رقم زد و بدون تردید این تجربه سکوی مهمی در پیشروی جنبش دفاع از حقوق انسانی و آزادیهای سیاسی خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری آزادی جولیان آسانژ و موفقیت کارزار آزادی او را به همه مردم شادباش می گوید و امیدوار است که با مبارزات و کارزارهایمان بتوانیم در همه زندان‌ها و شکنجه گاه‌ها در ایران و در هر گوشه جهان را بگشاییم و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی را آزاد کنیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ویژه مضحکه انتخابات

شماره ۷۶۸

۲۷ ژوئن ۲۰۲۴ – ۷ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

از گوهر عشقی، زینب جلالیان، نرگس محمدی، گلرخ ایرایی، همراه با دهها زندانی سیاسی دیگر علیه مضحکه انتخابات رژیم

مصاحبه با:

مصطفی صابر-شیوا محبوبی-شهلا دانشفر و نسان نودینیان

پزشکیان: شریک دزد و رفیق قافله

مصطفی صابر پاسخ می‌دهد

آذر پویا: جمهوری اسلامی سعی می کند به هر شکل ممکن مردم را به‌پای صندوق رأی بکشاند. اما پزشکیان کاندید اصلاح‌طلبان و قالیباف و جلیلی از طیف اصول‌گرا حتی از دادن وعده

وعیدهای دروغین همیشگی هم عاجز هستند. یکی خود را ظاهراً در کنار مردم و دیگری خود را در بست در اختیار بیت رهبری قرار داده است. جمهوری اسلامی بهر حال یک نفر را از صندوق بیرون میاورد، به نظر شما پزشکیان انتخاب بهتری نیست؟

مصطفی صابر: به نظرم انتخابی معنی‌دار در کار نیست. هیچ‌وقت نبوده است. این بار روشن‌تر از همیشه معلوم است که امثال پزشکیان نه کاری از دستشان ساخته است و نه می‌خواهند کاری انجام دهند. ایشان شریک دزد است و به طور مسخره‌ای می‌خواهد خود را رفیق قافله هم جا بزند. جمهوری اسلامی رژیم جنایتکار آیت‌الله‌های

میلیاردر و برادران قاچاقچی است و با انتخاب از میان چند جلاد و شرکاء چیزی تغییر نمی‌کند. راه علاج، سرنگونی این رژیم و جایگزینی آن با حاکمیت مستقیم خود مردم و برقراری آزادی و برابری است.

نکته مهم در این به‌اصطلاح انتخابات اما این است که چطور از آن برای تقویت صف سرنگونی جمهوری اسلامی و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی استفاده کنیم. این کاری است که کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، خانوادهای دادخواهان، زندانیان سیاسی و دیگر اقشار معترض مشغول آن هستند. از فرصت انتخابات استفاده می‌کنند تا اعلام کنند هیچ سرِ سازشی

با جنایت و جهل جمهوری اسلامی ندارند. از این فرصت استفاده می‌کنند تا همدیگر را پیدا کنند، شبکه‌های اتحاد و همبستگی بین خود را تقویت کنند. برای مثال می‌شود از فرصت انتخابات استفاده کرد و اعلام کرد رأی ما به پیروزی کامل اعتصابات کارگران نفت است که هم الان جریان دارد، رأی ما به آزادی همه زندانیان سیاسی و توقف اعدام‌ها و نظیر این‌ها است.

هرکس از صندوق بیرون بیاید نتیجه این خواهد بود که فضای سیاسی ایران بیش‌ازپیش بین حکومت اسلامی از هر قماش و دسته از یک‌سو و مردمی که با پرچم زن زندگی آزادی علیه آن برخاسته‌اند از سوی دیگر، قطبی‌تر خواهد شد.

زینب جلالیان ۱۷ سال در اسارت رژیم اسلامی

زینب جلالیان، قدیمی‌ترین و تنها زن زندانی سیاسی با حکم حبس ابد در ایران، که هم اکنون وارد هفدهمین سال حبس خود شده است طی پیامی از زندان یزد از مردم ایران خواست از شرکت در "انتخابات" پیش رو خودداری کنند.

زندانیان سیاسی علیه سیرک انتخابات

شیوا محبوبی پاسخ می‌دهد

آذر پویا: **این روزها شاهد بیانیه‌ها و اعلام موضع بسیاری از فعالین و زندانیان سیاسی در مورد انتخابات پیش روی جمهوری اسلامی هستیم که**

همگی نشاندهنده عدم شرکت در این مضحکه است. بنظر شما رأی ندادن و بعبارتی شرکت نکردن در این سیرک انتخاباتی چه تأثیری در بهبود وضعیت زندانیان سیاسی خواهد داشت.

شیوا محبوبی: در طول تبلیغات رژیم برای مضحکه انتخاباتی‌اش، ما شاهد اعتراض مردم به آن هستیم. اعتراض امسال در بطن انقلاب زن زندگی آزادی پویاتر و فعالانه‌تر از دوره‌های قبلی علیه نمایشات انتخاباتی رژیم است. مردم نه‌تنها فراخوان به تحریم می‌دهند؛ بلکه فعالانه با انتشار بیانیه و ویدئوها جنایات رژیم را برملا می‌کنند و علی‌رغم تهدید و جرم‌سازی از سوی رژیم، همچنان در اشکال مختلف به اعتراض ادامه می‌دهند. در

خارج از ایران در مقابل محل صندوق‌های رأی مضحکه انتخابات، در بسیاری از کشورها قرار است در روز جمعه، تجمع و اعتراض برگزار شود. طنین شعارهای "رأی بی رأی"، "رأی ما سرنگونی"، "تفنگ‌هایشان از رأی پُر می‌شود" در شبکه‌های اجتماعی، اعتراضات در خارج از ایران، بیانیه‌هایی که با موضع‌گیری زندانیان سیاسی در قبال انتخابات شروع و حال شاهد تعداد زیادی از بیانیه‌ها و ویدئوهای تصویری از زندانیان سیاسی سابق، خانواده‌ها و فعالین در بخش‌های مختلف جامعه هستیم از جمله اشکال این اعتراض هستند.

در اعتراض به سیرک انتخاباتی رژیم همه یک‌صدا به رژیم و به دنیا اعلام می‌کنند که مردم همچنان

برای سرنگونی رژیم مصمم بوده و انقلاب زن زندگی آزادی در بطن زندگی مردم حضور چشمگیری دارد. نفس این اعتراض و رویارویی با رژیم، نه‌تنها روحیه اعتراضی را در جامعه هر چه بیشتر تکثیر می‌کند؛ بلکه به رژیم نشان می‌دهد که زندان و شکنجه و اعدام اثر ندارد. وقتی زندانیان سیاسی از زندان و تحت شکنجه‌های رژیم و علی‌رغم خطر پرونده‌سازی‌های مجدد، بر علیه مضحکه انتخابات بیانیه می‌دهند و یک ساعت پس از آخرین مناظره سیرک انتخاباتی، زندانیان سیاسیِ بند زنان زندان اوین در هواخوری زندان شعارهای "زن زندگی آزادی " و "مرگ بر دیکتاتور" سر می‌دهند، در واقع به مردم می‌گویند تحت هر شرایطی باید اعتراض را ادامه داد. این اعتراضات وسیع، یک‌صدا

و مستمر در زندان و بطن جامعه در ایران و در کشورهای مختلف است که زندانیان را از خطر اعدام و شکنجه نجات می‌دهد، این اعتراضات دست رژیم را در دستگیری‌های آینده محدودتر می‌کند.

مادر عرفان رضایی، جوان کشته شده در خیزش مهسا: شما هنوز در استخر خون آب تنی می کنید.

گلرخ ایرایی،زندانی سیاسی

گلرخ ایرایی، زندانی سیاسی: "اصلاح‌طلبان بدانند ما مردم ایران خیانت‌شان را از روز نخست به خاطر داریم و از یاد نمی‌بریم." او به میدان آمدن این گروه را برای "تباه کردن نوجوانی و جوانی نسل‌های بعد" خواند.

دیگه تمومه ماجرا

اگر هنوز در رفتن به‌پای صندوق رأی مردد هستید؛

اگر هنوز انتخاب بین بد و بدتر وسوسه‌تان می‌کند؛

اگر هنوز امید دارید رژیم اصلاپذیر است و روزنه‌ای به‌سوی آزادی باز می‌شود،

فقط چند لحظه نوید افکاری، محسن شکاری، مهسا امینی، خدانور لجه‌ای و هزاران جوانی را که همین جنایتکاران به قتل رساندند به یادآورید تا تردیدتان برطرف شود.

رأی فقط سرنگونی!

جواب کارگران به مضحکه انتخابات

شهلا دانشفر پاسخ می‌دهد

آذر پویا: باتوجه‌به فضای اعتراضی در جامعه و اعتصابات گسترده کارگران در ۱۱۰ شرکت نفت و گاز و اعلام خواست‌هایشان در مورد افزایش حقوق‌ها، ۱۴ روزکار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران. فکر می‌کنید انتخاب هر یک از

کاندیداهای مورد تأیید جمهوری اسلامی چه تأثیری بر روند مبارزات کارگران خواهد داشت و آیا اصولاً این کاندیدها توان و ظرفیت پاسخگوئی به خواست کارگران را دارند؟

شهلا دانشفر: پاسخ را کارگران پروژه‌ای نفت با اعتصابات هزاران نفره خود داده‌اند. این اعتصابات در فضای انقلابی جامعه و در آستانه انتخابات نمایشی حکومت اتفاق سیاسی مهمی است. کارگران می‌دانند که مطالبات و کرامت و معیشت آنها نه از صندوق‌های رأی بلکه در کف خیابان و باقدرت انقلابشان ممکن است. "رأی ما سرنگونی است، انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی" امروز گفتمان عمومی مردم است.

کارگران اعتصابی نفت ضمن تأکید بر تداوم مبارزاتشان تا رسیدن به مطالبات خود، با گفتن اینکه دیگر حاضر به تن‌دادن به بساط توحش و بردگی حاکم نیستند، "رأی بی رأی" حرف آخرشان را هم زده‌اند.

سیرک انتخاباتی حکومت، این مضحکه حکومتی در سراشیب سقوط است. کارگران و مردم هیچ توهمی به هیچ جناحی از حکومت ندارند. این را با شعار اصلاح‌طلب، اصول گرا دیگه تمومه ماجرا در خیزش سال ۹۶ هم اعلام کردند. امروز نیز شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با گفتن اینکه در هیچ دوره‌ای در برنامه‌های هیچ

دولت و هیچ طرح بودجه‌ای کارگران نفت جایی نداشته‌اند، می‌نویسد: "همانطور که بازنشستگان عزیز در خیابان فریاد زدند، همانطور که مردم صدایشان بلند شده است، حرف ما هم همین است. رأی بی رأی. از حقمان کوتاه نمی‌آییم ".

با این گفته کارگران اعتصابی نفت خط بطلان بر روی تمامی کاندیداهای سیرک انتخاباتی حکومت کشیده شده و مثل دیگر بخش‌های جامعه فریاد اعتراضشان علیه چهل و پنج سال بساط استثمار وحشیانه و چپاول و غارت بلند است و حرفشان پایان‌دادن به این بربریت است.

نرگس محمدی، زندانی سیاسی

نرگس محمدی: در انتخابات حکومت سرکوبگر و نامشروع شرکت نخواهم کرد.

نابودی جمهوری اسلامی
بزرگترین قدم در راه رهایی
جامعه از فقر و سرکوب و ارتجاع
فرهنگی است. آزادی و برابری
نتیجه پیروزی انقلاب زن زندگی
آزادی است.

کردستان سنگر انقلاب علیه جمهوری اسلامی

نسان نودینیان پاسخ می‌دهد

آذر پویا: جمهوری اسلامی وسیع ترین و بزرگ ترین جنایت‌ها را در کردستان مرتکب شده است. تازه‌ترین جنایتش در همین انقلاب زن زندگی

آزادی است که خون بسیاری از جوانان را ریخته است، جواب مردم کردستان به این سیرک انتخاباتی چه باید باشد؟

نسان نودینیان: مردم کردستان در ۴۵ سال گذشته رویکردی انقلابی با حکومت اسلامی، داشته‌اند. مردم کردستان مضحکه‌های انتخابات را به رویارویی مبارزاتی و به بیانی رفراندوم علیه حکومت اسلامی تبدیل کرده‌اند و عملاً با مشارکت پایین در مضحکه‌های انتخابات ثابت کرده‌اند جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. در عرصه اجتماعی ـ سیاسی تنفر و انزجار از حکومت اسلامی را به رویارویی‌های مبارزاتی تبدیل کرده‌اند.

حکومت اسلامی در کردستان مثل سایر نقاط ایران از جمله سیستان و بلوچستان صدها نفر را اعدام کرده، هزاران کولبر و سوخت بر را کشته و زخمی کرده است، با میلیتاریزم و لشکرکشی‌های نظامی توانسته در کردستان مستقر شود و با حملات نظامی و اعدام‌های دسته‌جمعی در پادگان‌های سنندج، مریوان، جوانرود و مهاباد نیروهایش را مستقر کرده است. در همین انقلاب زن زندگی آزادی دست به قتل‌ها و جنایات بی‌شماری زده است و البته با مقاومت وسیع و خیره‌کننده مردم کردستان علیه خودش روبرو شده است. اعتصابات سراسری مردم کردستان زبانزد و نمونه است.

در کردستان ستادهای صندوق‌های رأی و

تبلیغاتی کاندیداهای مزدور همواره توسط جوانان و مردم ناراضی به آتش کشیده شده است و به شیوه‌های مختلف ضمن شرکت‌نکردن در انتخابات کاندیداها را به‌عنوان مزدوران تبهکار حکومت اعدام معرفی کرده‌اند.

در دوره چهاردهم مضحکه انتخاباتی چندین نهاد مردمی به‌ویژه خانواده‌های دادخواه و مادران دادخواه، معلمان و آسیب‌دیدگان خیزش مردمی زن زندگی آزادی به شکل گسترده‌ای اعلام کرده‌اند: "رأی ما سرنگونی است" و عملاً در مضحکه انتخابات شرکت نمی‌کنند! این روند مقابله با این مضحکه انتخاباتی رژیم می‌تواند گسترده‌تر هم بشود.

صندوق رأی یعنی:

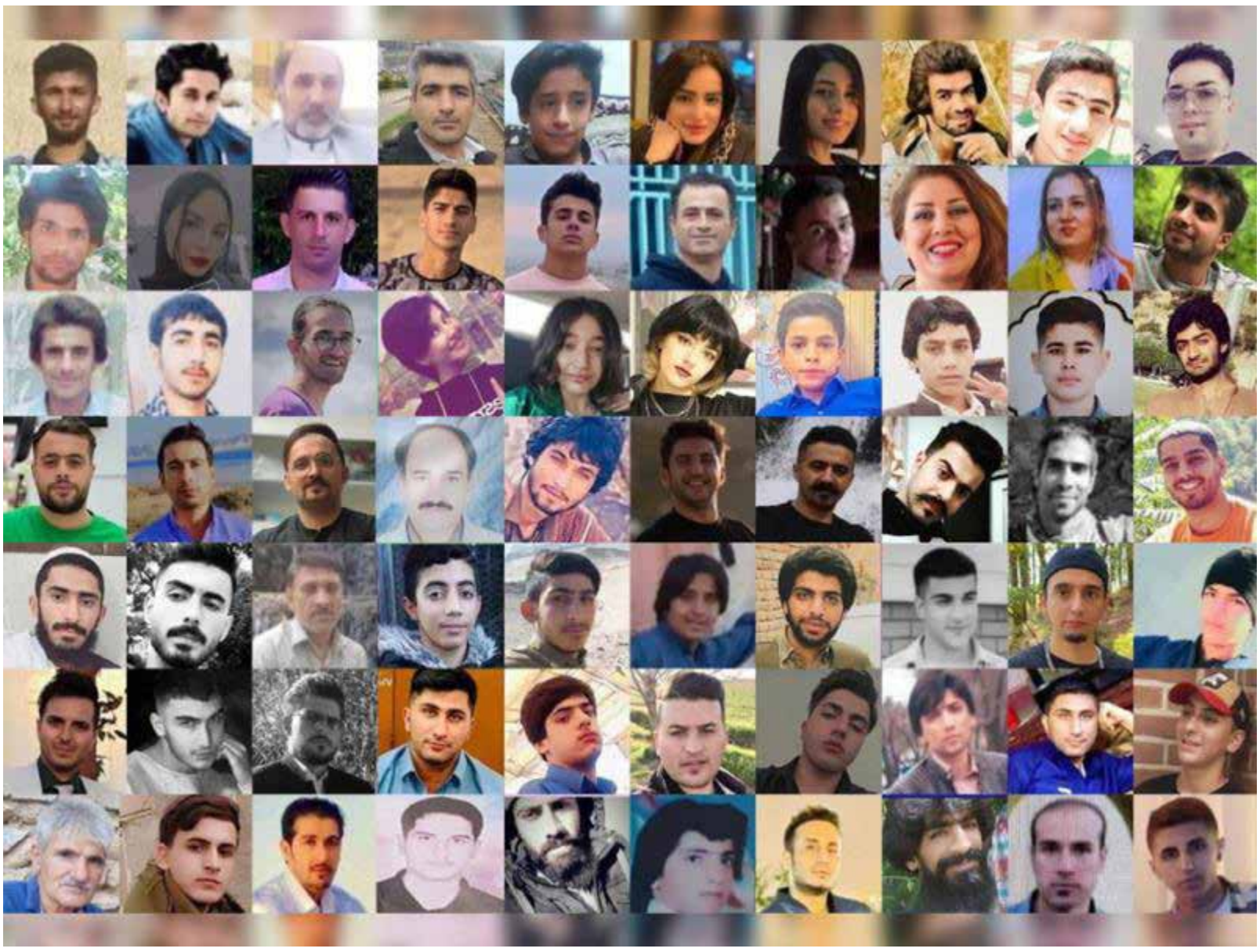

رفتن به‌پای صندوق‌های رأی جمهوری اسلامی

یعنی:

رأی به اعدام جوانان

رأی به شکنجه زندانیان

رأی به تجاوز به زنان

رأی به غارت سفره کارگران

شمشیر کشیدن علیه بازنشستگان، معلمان و خانواده‌های دادخواه!

رأی ما انقلاب زن زندگی آزادی

نابود باد حکومت اعدامی!

گوهر عشقی، مادر زنده یاد ستار بهشتی، از مردم خواست در انتخابات نمایشی جمهوری اسلامی شرکت نکنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۶۹

۲۹ ژوئن ۲۰۲۴ – ۹ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

انتخابات کذایی یک شکست برای حکومت

سؤال از کاظم نیکخواه

اعتراض گسترده در خارج علیه سیرک انتخاباتی

حسن صالحی

زمزمه اتحاد دو جنایتکار: اردوغان و بشار اسد!

محسن ابراهیمی

بحران سیاسی در آمریکا

کیوان جاوید

انتخابات کذایی یک شکست برای حکومت

سؤال از کاظم نیکخواه

کیوان جاوید: از سیر ک مضحک انتخابات باندهای رژیم استقبال نشد. آیا این عدم استقبال از نظر شما قابل‌پیش‌بینی بود، نشانه‌های اجتماعی بیانگر چه پیش‌بینی‌ای بود؟ حالا بعدازاین چه باید کرد؟

کاظم نیکخواه: کاملاً قابل‌پیش‌بینی بود. ببینید! رئیسی آخوند جلاد اما بی‌مقدار در خیل گوش به فرمانان خامنه‌ای بود. اما مرگ او ضربه سنگینی به حکومت زد. چرا که بر متن انقلاب زن زندگی آزادی صورت گرفت و به مردم فرصت داد که جشن بگیرند، به حکومت تعرض کنند، کارنامه

کشتارهای دهه شصت را جلو بکشند و برای سرنگونی متحدتر شوند. سابقه نداشته است که بخش‌های مختلف مردم اینچنین علنی و یکپارچه نمایشات حکومتی را محکوم کنند. بازنشستگان، کارگران هفت‌تپه، نفت، دادخواهان، دانشجویان، زنان، معلمان، نویسندگان و تمام تشکل‌های مستقل علناً علیه این نمایش کذایی موضع گرفتند و گفتند رأی ما سرنگونی است. چهره‌هایی نظیر گوهر عشقی، اسماعیل بخشی، و بسیاری دیگر فراخوان به تحریم این نمایش مسخره دادند. سرنگونی طلبی در تقابل مردم با انتخابات حکومتی موج می‌زد. انتصاب جانشین برای رئیس‌جمهور انتصابی ظاهراً یک رویداد درون حکومتی است. اما این انتخابات، درون حکومتی باقی نماند و مردم را

برای سرنگونی متحدتر و امیدوارتر کرد.

به نظر من اوضاع بعدازاین انتخابات نیز متأثر از این تقابل خواهد بود. انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی بسیار زیبا و مدرن و هوشیارانه بوده است. فکر می‌کنم بسیار حیاتی و مهم است که مضامین این انقلاب یعنی برابری‌طلبی، آزادیخواهی، کارگر دوستی، انسان‌دوستی حداکثری، دفاع از حقوق کودکان و زنان و مردم تحت ستم، ضدیت با اعدام و سرکوب و امثال اینها را در میان بخش‌های هرچه بیشتری از مردم جا بیندازیم. بعلاوه این مضامین را باید شفاف‌تر و متعین‌تر کرد. یعنی هدف از آنها را باید به‌روشنی تعریف کرد که مو لای درز آن نرود. این باعث می‌شود که فاز بعدی انقلاب

سرراست پیش برود. کارهایی نظیر بیانیه بیست تشکل و میثاق ۱۴۰۳ و منشور حقوق زنان، کارهای مفید و ارزشمندی در این جهت است. ما مردم نشان داده‌ایم که می‌توانیم و باید صددرصد نقطه مقابل تمام سنت‌های زشت و ضدانسانی حکومت اسلامی باشیم و این یعنی انسان‌گرایی مدرن و شفاف، یعنی آزادیخواهی همه‌جانبه، یعنی دفاع بدون ابهام از زندگی و رفاه انسانی. یعنی مخالفت بدون ابهام از تعصبات مذهبی و ملی و امتیازات طبقاتی و حقوق‌بگیران نجومی. در این زمینه‌ها کار زیاد داریم؛ اما تا حد زیادی جلو آمده‌ایم. باید این مسیر را با جدیت ادامه دهیم.

اعتراض گسترده در خارج علیه سیرک انتخاباتی

حسن صالحی

نتایج نمایش انتخاباتی رژیم گواه دیگری بر شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی در مقابل مردم است. از همان آغاز معلوم بود که موضوع این به‌اصطلاح انتخابات نه بر سر تعیین یک رئیس‌جمهور بلکه یک زورآزمایی میان مردم و جمهوری اسلامی است. نبردی که در یک طرف آن بخش‌های مختلف مردم به اشکال مختلفی اعلام کرده بودند که جمهوری اسلامی قاتل مردم است و انتخابات در این رژیم معنایی ندارد و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. مردم در داخل کشور این را با بایکوت گسترده به

نمایش گذاشتند و در خارج کشور با برگزاری اعتراضات وسیع و گسترده در مقابل مراکز اخذ رأی جمهوری اسلامی و سفارت و کنسولگری‌های رژیم در کشورهای و شهرهای مختلف.

از مدت‌ها قبل نیروهای مخالف جمهوری اسلامی برای چنین روزی آماده شده بودند تا رأی واقعی مردم ایران یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی را به جهانیان نشان دهند. در ده‌ها شهر و کشور همچون سوئد، بریتانیا، آمریکا، استرالیا، اتریش، نیوزلند، فرانسه، ایتالیا، آلمان و دانمارک اعتراضاتی سازمان داده شد و این گردهمایی‌ها به صحنه‌هایی علیه افشای جنایات جمهوری اسلامی و ایجاد شرمساری برای اندک کسانی

تبدیل شد که قصد رأی‌دادن داشتند. در برخی موارد همچون سیدنی و بریزبن در استرالیا زیر فشار اعتراض ایرانیان رژیم مجبور به تغییر محل برگزاری این سیرک انتخاباتی شد. دولت کانادا اجازه برگزاری انتخابات قلابی رژیم در کشور کانادا را نداد.

اعتراضات در خارج کشور علیه مضحکه انتخاباتی رژیم بار دیگر نشان داد که ما از چه نیروی بزرگی برخورداریم و اگر هر چه بیشتر متحدانه عمل کنیم قادر به تحمیل شکست‌های بیشتری به جمهوری اسلامی خواهیم بود. حالا که این سیرک انتخاباتی به دور دوم کشیده شده است جا دارد که از همین اکنون برای جمعه ۱۵ تیر (۵ ژوئیه)

خود را آماده کنیم تا با برگزاری اعتراضاتی وسیع‌تر به جهانیان نشان دهیم که انتخاب واقعی ما انقلاب و تغییر بنیادی اوضاع اسفبار کنونی است. پزشکیان و جلیلی هر دو از حافظان نظامی هستند که جز جنایت و سرکوب محرومیت برای مردم ایران ارمغانی نداشته است. اینبار قوی‌تر از گذشته با صدای بلند اعلام می‌کنیم که "اصولگرا، اصلاح‌طلب دیگه تمام ماجرا" و انتخاب ما فقط انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی است.

زمزمه اتحاد دو جنایتکار: اردوغان و بشار اسد!

محسن ابراهیمی

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، امروز جمعه ۲۸ ژوئن، اعلام کرد که هیچ مانعی برای ازسرگرفتن روابط دیپلماتیک ترکیه و سوریه وجود ندارد. بشار اسد هم چند روز پیش تمایل به برقراری روابط دیپلماتیک با ترکیه را اعلام کرده بود.

بشار اسد جنایتکاری است که برای ماندن در قدرت، به قتل‌عام مردم به‌پاخاسته سوریه دست زد و فقط در یک حمله شیمیایی، بیش از هزار نفر را به طور فجیعی به قتل رساند. خبر خوب این است که از طرف مقامات قضایی فرانسه علیه بشار اسد

به اتهام مشارکت در "جنایت علیه بشریت" حکم بازداشت بین‌المللی صادر شده است. فرستاده سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب به سوریه در ۲۳ آوریل ۲۰۱۶ تخمینی از ۴۰۰،۰۰۰ کشته را در جنگ برآورد کرده است.

اردوغان که امروز دست اتحاد به‌سوی این جنایتکار دراز کرده است، در جریان انقلاب مردم سوریه در سال ۲۰۱۱، شخصاً در نابودی زندگی میلیون‌ها شهروند سوریه نقش مستقیم داشت. وقتی مردم سوریه در متن انقلابات موسوم به "بهار عربی"، دیکتاتوری بشار اسد را در خیابان‌ها به چالش کشیدند، اردوغان با تمام نیرو پشت وحشی‌ترین باندهای اسلامی مثل "جبهه النصره" رفت و کمک

کرد انقلاب مردم به‌پاخاسته سوریه در منگنه نیروهای اسلامی و بشار اسد به خاک و خون کشیده شود. فراموش نکرده‌ایم که او چگونه برای در هم شکستن مقاومت کوبانی در مقابل داعش، با تمام قوا به کمک داعش شتافت و فقط مقاومت شجاعانه مردم کوبانی توانست کوبانی را از دست خون‌آشامان داعش نجات دهد.

اردوغان با حمایت لجستیکی و نظامی از باندهای اسلامی در سوریه، اولاً برای شکست انقلاب مردم سوریه تلاش می‌کرد، چون به‌شدت از سرایت آن به خود ترکیه هراس داشت؛ ثانیاً، تقویت نیروهای اسلامی وابسته به دولت ترکیه، یک رکن اصلی در استراتژی منطقه‌ای ترکیه برای سهم بیشتر از

کیک خونین سوریه در رقابت منطقه‌ای بر سر قدرت و هژمونی بود.

امروز اوضاع عوض شده است. بحران اقتصادی، تورم کمرشکن، فقر، بیکاری وسیع و بحران میلیون‌ها پناهجوی سوریه‌ای باعث شده است موقعیت حزب حاکم و شخص اردوغان آنچنان متزلزل شود که چند ماه پیش در انتخابات شهرداری‌ها شکست سنگینی متحمل شود. در چنین شرایطی است که اردوغان، یعنی یک خودکامه به‌سوی یک جنایتکار علیه بشریت دست دراز کرده است که فقط حاکی از استیصال سیاسی است. و چه شرایطی مناسب‌تر از این که مردم ترکیه در خیابان سراغ این خودکامه فاسد اسلامی بروند!

بحران سیاسی در آمریکا

کیوان جاوید

شب پنجشنبه به‌وقت آمریکا میلیون‌ها نفر در آمریکا و سراسر جهان مناظره تلویزیونی و آنلاین بین بایدن و ترامپ را مشاهده کردند ولی عدم تمرکز عجیب بایدن در گفتار و درغگویی خیره کننده ترامپ در این مناظره برجستگی خاصی پیدا کرد. اما اشکال اساسی این مناظره فقط مربوط به کهولت سن بایدن و شارلاتانیسم ترامپ نیست.

۱ – بحران رهبری در آمریکا اقتصادی است. حمله طبقه سرمایه‌دار و یک‌مشت بیلیونر بی‌رحم به

زندگی مردم حدومرز ندارد. بیکاری در اوج است و در آمریکا بیکاری فاجعه عظیم ببار می‌آورد. بیمه درمانی در آمریکا رایگان نیست و با قیمت بالا توسط شهروندان خریده می‌شود. هزینه‌ها روبه‌افزایش است و مالیات‌بردرآمد شهروندان بالا و در عوض میزان مالیات بر ثروتمندان کم است. طی همین سال‌های بحران اقتصادی بر تعداد میلیاردرهای آمریکا به میزان زیادتری افزوده شده و فقر مردم گسترده‌تر شده است. احزاب حاکم در مهار این بحران به نفع زندگی مردم راه حل ندارند.

۲ - بحران سیاسی در میان احزاب اصلی - حزب دمکرات و حزب جمهوری‌خواه ناشی از نارضایتی گسترده مردم به دلیل فشار اقتصادی

کمرشکن است. هر چه فشار از پایین بیشتر می‌شود هر دو حزب بیشتر محافظه‌کارتر می‌شوند. جمهوری‌خواهان نماینده آتشین مذهب و عقب‌ماندگی فرهنگی، مردسالاریِ ضد زن، و دمکرات‌ها محدودکننده بیشتر آزادهای مدنی به نفع مذاهب‌اند. تبعیض نژادی هنوز بیداد می‌کند.

۳ - بن‌بست دمکراسی یکی دیگر از نمونه‌های بارز شکست جامعه طبقاتی است که خصوصاً در بحران‌ها بیشتر به چشم می‌آید. در آمریکا دو حزب اصلی - دمکرات و جمهوری‌خواه - همه قدرت را حتی در حد برگزاری انتخابات بین خود تقسیم کرده‌اند. بدون حمایت کارخانه‌داران و مؤسسات مالی و کلان سرمایه‌داران، کاندید شدن

برای ریاست‌جمهوری تقریباً غیرممکن است. در همین انتخابات هم مشخص است که آزادی و رفاه و عدالت از صندوق رأی بیرون نمی‌آید.

۴ - بحث بر سر این نیست که دمکراسی از دیکتاتوری بهتر است. هر جا که علیه آزادی بیان مستقیماً به مردم شلیک نشود مسلماً بهتر از دیکتاتوری عریان است. جنبش معروف به "۹۹ درصدی‌ها" می‌تواند دریچه‌ای به سوی دخالت مردم در سرنوشت سیاسی خودشان باشد. آزاد زیستن مستلزم رهایی و برابری از تمامی قید و بندهای نظام اسارتبار سرمایه‌داری است. رهایی از صندوق رأی و با انسان‌های اتمیزه شده به دست نمی‌آید. تنها به دست یک جامعه متحد و متشکل و با سوسیالیسم ممکن است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۰

۳۰ ژوئن ۲۰۲۴ – ۱۰ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

احمدرضا جلالی را دریابیم؛ جانش در خطر است

کیوان جاوید

رکورد طلاق

منظر دریاکناری

فرانسه: چاره‌ای جز نبرد خیابانی نیست

پتی دبونیتاس

کشتار مردم در کنیا به جرم اعتراض به فقر

سیاوش آذری

احمدرضا جلالی را دریابیم؛ جانش در خطر است

کیوان جاوید

روز شنبه ۹ تیر، ویدا مهران‌نیا، همسر احمدرضا جلالی، زندانی محکوم‌به‌اعدام در ایران در پیامی در شبکه ایکس نوشته است: "روز چهارم اعتصاب غذای احمدرضا جلالی در زندان اوین، در حالی که وضعیت جسمانی او بسیار ضعیف است جانش به‌شدت در خطر است."

احمدرضا جلالی، شهروند ایرانی - سوئدی که در بهار ۱۳۹۵ در زمان ریاست‌جمهوری حسن روحانی به دعوت دانشگاه‌های تهران و شیراز به ایران سفر

کرده بود سه روز پیش از بازگشت به سوئد بازداشت شد.

احمدرضا جلالی روز چهارشنبه ششم تیرماه، چند روز پس از مبادله دو شهروند سوئدی با حمید نوری، قاتل زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، اعتصاب‌غذا را در زندان اوین آغاز کرد. دو روز پس از آن مبادله، در مکالمه تلفنی ضبط شده او از داخل زندان اوین تهران با همسرش، نخست‌وزیر سوئد را خطاب قرار داده و از اینکه در تبادل زندانی اخیر "تنها" گذاشته شده است، از دولت سوئد انتقاد کرده بود.

دولت‌های اروپایی باید حکومت گروگان‌گیر و تروریست جمهوری اسلامی را با شدیدترین وجه ممکن به چالش بکشند. مماشات با این حکومت

آدمکش و باج دادن به این جانیان فقط باعث می‌شود این رژیم دست به گروگان‌گیری بیشتر بزند و با گسیل تروریست‌های اسلامی خود و با بهره‌گیری از باندهای آدمکش و مافیای مواد مخدر بین‌المللی اروپا را ناامن‌تر کند.

احمدرضا جلالی حق دارد شدیداً دولت سوئد را مقصر وضعیت خود بداند و اعلام کند برای نجات جان او دست روی دست گذاشته‌اند. اینجا دیگر همه ما ایرانیان خارج کشور و خصوصاً ایرانیان در کشور سوئد فشار بر دولت سوئد را باید صدچندان کنیم. طومار و اعتراض خیابانی و مراجعه به مجامع بین‌المللی تنها بخشی از اقدامات ما می‌تواند باشد.

در ایران نیز فعالین اجتماعی با اسم‌بردن از احمدرضا

جلالی خواهان آزادی او شوند. با قاطعیت تمام برای آزادی این انسان دردمند که جانش توسط جانیان اسلامی به بازی گرفته شده است اقدام کنیم. مسئول حفظ جان احمدرضا حکومت تبهکار اسلامی و مسئول پیگیری قاطع آزادی او دولت سوئد است. تا دیر نشده با همه توان به دفاع از حمیدرضا جلالی برخیزیم. احمدرضا جلالی را تنها نگذاریم.

رکورد طلاق

منظر دریاکناری

سازمان ثبت‌احوال در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده‌است که در سال ۱۴۰۲ استان تهران با ۶۳۳۴ هزار و ۹۷ طلاق ثبت شده، رکورددار میزان طلاق در سال گذشته است. آمار ثبت‌احوال کشور در سال ۱۴۰۲ تعداد ۲۰۲ هزار و ۱۸۳ طلاق در کل کشور را به ثبت رسانده است که پس از تهران استان‌های خراسان رضوی با ۲۱ هزار و ۶۴۳ مورد طلاق، خوزستان با ۱۱ هزار و ۵۶۶ طلاق، فارس با ۱۱ هزار و ۵۶ طلاق و اصفهان هم با ۱۱ هزار و ۳ مورد طلاق در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

عامل اقتصادی تنها یکی از بروزات طلاق در مقیاس وسیع اجتماعی است. هر چه جامعه از نظر اقتصادی ناامن‌تر باشد و مردم در وضعیت بد اقتصادی گرفتار آمده باشند ناهنجاری‌های اجتماعی نیز گسترده‌تر می‌شود. طلاق را اما نباید در زمره ناهنجاری‌های اجتماعی طبقه‌بندی کرد. بااین‌وجود تأثیر فروپاشی اقتصادی در جامعه بر رشد طلاق نیز شدیداً دخیل است.

عامل فرهنگی طلاق مهم‌تر از هر عاملی است. جامعه ایران مداوماً در حال عبور از فرهنگ مردسالار و ضد زن است. زنان با همه وابستگی‌های شدید اقتصادی که به مردان دارند، دیگر اموال و دارایی مرد محسوب نمی‌شوند. یعنی با رشد فرهنگ جهانیِ برابری‌طلبانه و باز شدن فضای جهانی فرهنگ مدرن

و پیش روی جهانی به روی جامعه ایران، زنان و حتی مردان با پدیده طلاق همچون یک طاعون که باید از دستش فرار کرد گریزان نیستند. طلاق را در صورت عدم همدلی در زندگی مشترک می‌پذیرند، هر چند هنوز وابستگی اقتصادی زنان به مردان مانع استقلال بیشتر زنان می‌شود.

مذهب‌زدایی، به‌ویژه اسلام زدایی از زندگی مردم و دشمنی آشکار مردم با قوانین و باورهای ارتجاع اسلامی یک وجه مهم دیگرِ پشت‌پازدن به فرهنگ منحط اسلامی در باره خانه و خانواده و نقش زن در این مناسبات اسارت‌بار زناشویی است. بخش قابل‌توجهی از جوانان در حال حاضر زندگی مشترک بدونِ ازدواج را در ایران تجربه می‌کنند. همین رویکرد جدید فرهنگی و ضداسلامی باعث

می‌شود فاجعه‌بار بودن و ممنوعه بودن و تابو شدن طلاق شدیداً زیر سؤال برود. با پیشرفت هر چه بیشتر جامعه و تأمین اقتصادی هر چه بیشتر همه شهروندان، این سنت دوران جامعه طبقاتی، فئودالی نیز کم‌رنگ‌تر و بی‌خاصیت‌تر می‌شود. از طلاق باید هر چه بیشتر هراس زدایی شود.

فرانسه: چاره‌ای جز نبرد خیابانی نیست

پتی دبونیتاس

دور نخست انتخابات پارلمانی زودهنگام در فرانسه از صبح روز یکشنبه، ۳۰ ژوئن، دهم تیرماه، آغاز شد.

برنامه راست افراطی "اجتماع ملی" به رهبری "ژردن باردِلا" و "مارین لوپن" که اوایل ماه جاری میلادی، در انتخابات پارلمان اروپا تقریباً با دوبرابر آرا، از ائتلاف امانوئل مکرون پیش افتاد روشن و سرراست است. حزبی ضد مهاجرت "بیگانه‌ستیز" ، ناسیونالیست و ضد اتحادیه اروپا.

در اوج تهاجم دولت امانوئل ماکرون به معیشت، رفاه، بهداشت، بیمه‌های بیکاری همراه با بالابردن سن بازنشستگی در فرانسه دور جدیدی از نبردهای بزرگ خیابانی که جلیقه زردها سازمان‌دهنده آن بودند در این کشور شروع شد. امانوئل ماکرون برای پایان‌دادن به هرآنچه مربوط به رفاه مردم بود قدرت را به دست گرفت؛ اما در برآورده کردن برنامه‌های ضدمردمی خود نسبتاً ناکام ماند. راه ناتمام ماکرون را حالا "باردِلا – لوپن" می‌خواهند به اتمام برسانند.

ویروس قدرت‌گیری "راست افراطی" در فرانسه در دامن "راست میانه" پرورش یافت و حالا این بلای اجتماعی به جان همه مردم فرانسه افتاده. گفته می‌شود انتخابات پارلمانی در فرانسه یک

رویارویی بین حزب راست‌گرای افراطی "اجتماع ملی" و حزب چپ‌گرای "جبهه مردمی نوین" است. این بیان همهٔ حقیقت نیست. هیچ حزب مخالفی مادام که برنامه رادیکال و انقلابی نداشته باشد صرفاً با اتکا به صندوق رأی نمی‌تواند راست موجود در فرانسه را شکست داده و جامعه را از بحران فعلی رها کند.

برنامه ماکرون با فراخوان به انتخابات زودهنگام بر این بود که جامعه را از سگ هار "راست افراطی" بترساند و تبدیل به اسیر قلاده به گردن "راست میانه" کند تا باز هم در ادامه سیاست‌های خود در قدم‌هایی آهسته‌تر اما پیوسته دستاوردهای رفاهی جامعه را تاراج کند.

مهار این راست فاشیست و خطرناک که تصمیم گرفته است با عوام‌فریبی تیشه به ریشه زندگی مردم بزند فقط با تعرض وسیع خیابانی ممکن نیست. پاسخ‌دادن قاطع به این راست با یک برنامه قوی سوسیالیستی که بخواهد و بتواند قدرت سیاسی را به دست بگیرد ممکن می‌شود. به همین دلیل تعرض خیابانی جلیقه زردها ناکافی و بدون برنامه‌ریزی و بدون وجود یک حزب سیاسی انقلابی به نتیجه نرسید. این برنامه نمی‌تواند صرفاً انتخاباتی باشد. فرانسه به‌عنوان کشور کمون پاریس باید به گذشته انقلابی خود بازگردد و تیشه به ریشه سرمایه‌داری بزند تا رها شود.

کشتار مردم در کنیا به جرم اعتراض به فقر

سیاوش آذری

بنا بر گزارش سازمان دیدبان حقوق بشر دست کم ۳۰ نفر در تظاهرات که علیه قوانین مالیاتی در کنیا شکل گرفته بود، کشته شدند. این تظاهرات که توسط نیروهای امنیتی کنیا به خون کشیده شد به رهبری جوانان در اعتراض به ارائه بودجه ۲۰۲۵-۲۰۲۴ در پارلمان در ۱۳ ژوئن، با احتساب مالیات بر ارزش‌افزوده ۱۶ درصدی بر نان و مالیات سالانه ۲,۵ درصدی بر خودروهای شخصی شکل گرفت. لازم به ذکر است که رئیس‌جمهور کنیا تسلیم خواسته‌های جوانان شد و روز چهارشنبه پیش‌نویس بودجه که در آن مالیات‌های متعددی

را در نظر گرفته بود، پس گرفت.

داستان آشنا است. در یک سو سرمایه و دولت یک‌درصدی‌ها که تنها باهدف سوداندوزی به استثمار کارگران و غارت ثروت اجتماعی، منابع طبیعی و نابودی انسانیت، طبیعت و زندگی در حرکت‌اند و در سوی مقابل اکثریت ۹۹ درصدی که به دفاع از منزلت و معیشت انسان، حقوق انسانی و مدنیت، طبیعت و زندگی برخاسته‌اند.

وضع قوانین مالیاتی از جنس مالیات بر اقلام پایه‌ای موردنیاز مردم، از جمله مواد خوراکی، در کنار مالیات بر مزد کارگران و مزدبگیران و معافیت سرمایه‌های خرد و کلان از پرداخت مالیات‌بردرآمد یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌ها

برای انتقال ثروت اجتماعی به سرمایه است. این سیاست‌های اقتصادی با ادعای مقابله با و خروج از بحران توجیه می گردند. اما نکته اینجاست که خود این بحران‌ها محصول روابط تولید اجتماعی سرمایه‌داری هستند؛ تا سرمایه و حاکمیت سرمایه‌داری هست بحران و فقر و فلاکت عمومی خواهد بود. بحران اصلی موجودیت سرمایه و جامعه سرمایه‌داری است.

اما موجودیت بحران‌زای سرمایه همچنین آبستن نفی وضع موجود و حاکمیت سرمایه است؛ سرمایه هم‌زاد گورکنان خود است. راه حال واقعی برای خروج از بحران همه‌جانبه سرمایه راهی است که جوانان در کنیا، همچون جوانان و مردم آزادی‌خواه در ایران، افغانستان، آمریکای لاتین،

اروپا و تمامی جهان پیش روی ما قرار می‌دهند: سرنگونی انقلابی حاکمیت سرمایه‌داری و دولتش و برقراری جامعه‌ای انسانی که بر سر درش "به هر کس به‌اندازه نیازش و از هر کس بر حسب توانش" نقش شده باشد. شرط لازم تحقق این امر اما سازماندهی و تشکل در احزاب انقلاب انسانی همچون حزب کمونیست کارگری است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۱

۱ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱۱ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

جدال برای تشکیل تیم فوتبال زنان در ایران

سیما بهاری

پرواز دلار بر فراز آسمان ایران

کیوان جاوید

از رضا شهابی حمایت کنیم

یاشار سهندی

نشست دوحه با حضور طالبان

فریبرز پویا

جدال برای تشکیل تیم فوتبال زنان در ایران

سیما بهاری

تشکیل تیم زنان در باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال یکی از الزاماتی است که از سال ۲۰۱۷ در اساسنامه به‌روز شده "ای اف سی"، (کنفدراسیون فوتبال آسیا) روی آن تأکید شده بود. باشگاه‌های ایرانی از این امر مستثنا نیستند. در همین راستا مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال هم گفت: "همهٔ باشگاه‌ها باید تیم زنان داشته باشند."

تب فوتبال تب بسیار داغی هست. خصوصاً این روزها که مسابقات جام ملت‌های اروپا در جریان است این داغی را در محافل مختلف می‌توان

دید. در محل برگزاری مسابقات چهره‌های شاد و هیجان‌زدهٔ زنان و مردانی را می‌توان دید که چطور با لذت مسابقات را تماشا می‌کنند، دوستان در کنار هم مسابقات را می‌بینند و با فریاد و سوت و شعار تیم موردعلاقه‌شان را تشویق می‌کنند. آری تب فوتبال بسیار داغ است.

در ایران این میدان هم بدون جنگ و کشمکش نبوده است. مثل خیلی عرصه‌ها یک طرف این جنگ هم زنان هستند. زنان هم علاقه دارند به استادیوم‌ها بروند و با دوستانشان فوتبال ببینند و جیغ بکشند و تیم موردعلاقه‌شان را تشویق کنند، نام تیم موردعلاقه خود را فریاد بزنند و بازیکن دوست‌داشتنی خود را تشویق کنند. تیم فوتبال

زنان یکی دیگر از حقوق زنان است که باید به حکومت اسلامی تحمیل شود.

جنبش ضد آپارتاید جنسیتی در ایران به قدمت عمر جمهوری اسلامی است و حضور زنان در همه عرصه‌های ورزشی همچون سیانور زیر دندان حکومت عمل می‌کند. خصوصاً با انقلاب زن زندگی آزادی تعرض زنان و جامعه مدرن به حکومت ارتجاعی اسلامی وسیع‌تر از هر زمانی شده است. این تحولات نه‌تنها در ایران که در جهان به وسیع‌ترین شکل ممکن دیده و شنیده شده است. فشار "ای اف سی" را همراه با فشار اجتماعی مضاعف در ایران به اهرمی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم تا هر چه سریع‌تر در برابر

خواست تشکیل باشگاه‌های فوتبال زنان در ایران عقب بنشیند.

مردم دارند حکومت اسلامی را سر جایش می‌نشانند. همانطور که دررابطه‌با حجاب و اعدام و مضحکهٔ انتخابات و همهٔ قوانین جمهوری اسلامی علیه حکومت و ارگان‌های سرکوبش عمل می‌شود. تحت این شرایط مرتجعی چون مهدی تاج زمزمه ایجاد تیم فوتبال زنان را سر داده است. اما فشار اجتماعی‌تر است. به کمک زنان و همه مردان آزاداندیش این خواست را به حکومت ضد زن تحمیل می‌کنیم.

پرواز دلار بر فراز آسمان ایران

کیوان جاوید

در ایران هر دلار آمریکا به ۶۲ هزار تومان و هر سکه بهارآزادی به ۴۳ میلیون تومان رسید. تحلیلگران اقتصادی هم سو با دولت آمریکا دلایل این بی‌ارزشی ریال را انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و احتمال بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، جنگ در غزه، تنش بین اسرائیل و حزب‌الله، تعیین جانشین رئیسی و همچنین تحریم‌های گسترده علیه جمهوری اسلامی و کمبود منابع ارزی عنوان می‌کنند.

همه این عوامل درعین‌حال که می‌توانند بخشی

از حقیقت باشد؛ اما بیانگر همه واقعیت نیست. بحران ارزی و افت شدید ارزش ریال و پرواز دلار مستقیم به حاکمیت جمهوری اسلامی مربوط است. در درجه اول به‌عنوان پرچمدار اسلامی سیاسی و منشأ تروریسم دولتی که در جهان به همین نام شناخت شده و رسمیت یافته است. چنین حکومتی نمی‌تواند در بازار جهانی ادغام شود و مقبول مؤسسات مالی جهانی قرار بگیرد.

اسلام در حاکمیت به‌خودی‌خود منشأ این بحران فزاینده و غیرقابل‌مهار اقتصادی در ایران نیست. در کشورهای دیگر نیز حاکمیت اسلام به چشم می‌خورد اما به دو دلیل منجر به این وضعیت نمی‌شود که در ایران شاهد آن هستیم. اول اینکه

کمتر کشوری با حاکمیت اسلامی می‌خواهد نماینده اسلام سیاسی در جهان باشد و برای به کرسی نشاندن این سرکردگی از تروریسم فرامرزی بهره بگیرد. دولت‌ها مادام که جنایت اسلامیون داخلی باشد چشم بر آن می‌بندند. دوم تضاد شدید جامعه ایران با اسلام و مذهب است. مردم ایران اسلام و حاکمیت اسلامی را به شدیدترین وجه ممکن به چالش کشیده‌اند. می‌توان به‌یقین گفت جامعه ایران اسلامی نیست، ضد اسلام است و جنبش فرهنگی مدرن و ضداسلامی بارها تا سرنگونی رژیم خیز برداشته است. بحران اقتصادی در ایران شدیداً سیاسی و مربوط به کلیت حاکمیت اسلامی است.

اینکه این آخوند یا آن بی عمامه رئیس‌جمهور شود یا اصلاح‌طلب بیاید و اصول‌گرا برود تأثیری در ساختار سیاسی موجود در ایران ایجاد نمی‌کند. همه این افراد و این گرایشات سروته یک کرباس‌اند. به‌قول‌معروف تا اسلام کفن نشود و جمهوری اسلامی سرنگون نگردد و آزادی و برابری بر ویرانه‌ها جمهوری اسلامی برقرار نشود، آش همین است و کاسه همان. حل بحران اقتصادی در ایران منوط به سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد انسانی است.

از رضا شهابی حمایت کنیم

یاشار سهندی

زندگی رضا شهابی، کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در زندان به خطر افتاده است. بنا بر گزارش سندیکای شرکت واحد او نیاز به جراحی در ناحیه ستون فقرات و مراقبت پزشکی در بیرون از زندان را دارد.

از سال ۱۳۸۴، یک پای رضا شهابی در زندان و یک پای دیگرش بیرون از زندان بود. آخرین بار از فروردین سال ۱۴۰۱ تاکنون بدون مرخصی در زندان به سر می‌برد که نتیجه آن به‌خطرافتادن سلامت جسمی او بوده، مشکلات جسمی که در زندان به

آن مبتلا شده است اکنون به مرحله خطرناکی رسیده که او را حتی از کارهای عادی روزانه عاجز ساخته است. بدون کمک هم‌بندی‌های خود حتی نمی‌تواند جابه‌جا شود.

مقامات زندان، و دادستانی هیچ توجهی به‌سلامتی او ندارند. در مراحلی که بیماری‌های گوناگون او خیلی حاد می‌شود تنها با اعزام به بیمارستان خارج از زندان موافقت می‌کنند و بلافاصله به زندان باز می‌گردانند.

جرم رضا شهابی در تمام این سال‌ها این است که صدای کارگران شرکت واحد بوده و در این راه تلاش کرده که تشکیلات مستقل کارگران

شرکت واحد شکل بگیرد. در مراسم‌های اول مه حضور داشته و هر جا که لازم دیده از دیگر کارگران زندانی حمایت کرده است. همه اینها در قاموس رژیم اسلامی سرمایه مخل نظم و تبانی برای برهم‌زدن امنیت تعریف می‌شود. جمهوری اسلامی که هدفش تضمین کارگر ارزان و خاموش است هر فعالیتی ازاین‌دست را به‌شدت سرکوب می‌کند.

"نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم"، نباید منحصر به کشتارهای عیان و علنی جمهوری اسلامی گردد. سرنوشت رضا شهابی‌ها که زندگی و سلامتی‌شان در پی بازداشت و شکنجه ازدست‌رفته است یکی از مواردی است که نباید بخشید و

فراموش کرد، چون این حق هر کارگر، هر انسانی است که عضو یک تشکیلاتی باشد و در راستای سیاست‌های آن تشکیلات فعالیت کند. رضا شهابی در همه این سال‌ها ثابت کرده است که در این مورد ثابت‌قدم است و جان و سلامتی خود را برای آن گذاشته است و هیچ نهاد و دولتی حق ندارد این گونه فعالیت‌های اجتماعی را جرم تلقی کند. این گونه فعالیت‌ها نباید منجر به تلف‌شدن عمر و سلامتی هیچ کسی شود.

رضا شهابی‌ها که در زندان و تحت شکنجه مداوم دست به مقاومت و مبارزه می‌زنند، شایسته بیشترین حمایت‌ها هستند. نباید گذاشت شکنجه گران مانع بهبودی و سلامتی رضا شهابی شوند.

نشست دوحه با حضور طالبان

فریبرز پویا

درنده‌خویانی که هم‌دندان گرگان‌اند❊

نشست دوروزه دوحه در قطر، میان سازمان ملل و نمایندگان طالبان روز یکشنبه ۳۰ ژوئن، ۱۰ تیر و دوشنبه اول ژوئیه با پذیرش سه شرط طالبان با شرکت نمایندگان ۲۲ کشور و ۸ سازمان بین‌المللی برگزار شد. سازمان ملل با قبول سه شرط طالبان از جمله حذف زنان از مشارکت در نشست، حذف بحث و گفتگو در مورد حقوق زنان و همچنین حذف مسائل حقوق بشری از دستور جلسه نشان می‌دهد که دست در دست طالبان حقوق پایه‌ای مردم افغانستان را رسماً و

علناً نادیده می گیرد.

سازمان ملل با شرکت و همکاری دولت‌های چین، روسیه، بریتانیا، آمریکا، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی و غیره بار دیگر نشان دادند که برای مردم افغانستان و حقوق آنان پشیزی ارزش قائل نیستند. دستور جلسه این نشست دوروزه مختص آماده‌کردن زیر ساخت بانکی و رقابت این کشورها در سرمایه‌گذاری در منابع پُر ارزش افغانستان و تاراج مشترک آن است.

منافع زنان و حقوق زنان، مبارزه با آپارتاید جنسیتی اعمال شده در افغانستان دیگر در این دنیای حاکمان زور سرمایه دست‌وپاگیر است که بدون هیچ شرمی علناً کنار گذاشته می‌شود.

صحبت‌های رینا امیری، نمایندهٔ ویژهٔ آمریکا در امور زنان افغانستان که گفت در مورد مسائل زنان جداگانه با آنها صحبت می‌کنیم شرم‌آور و توهین‌آمیز است.

اینها نزدیک به نیم‌قرن است که با تروریست‌های اسلامی همدستی می‌کنند و بذر ارتجاع اسلامی و تعصب و زن‌ستیزی را در افغانستان و منطقه می پاشند. اینان بسان درنده‌خویانی هستند که هم دست گرگان حاکم بر افغانستان هستند.

زنان معترض افغانستان، اما، با شهامت و صلابت کامل در چندین تظاهرات و پیام‌های اعتراضی در افغانستان، پاکستان، چندین شهر در آلمان و کانادا اعتراض کردند و خواهان پایان‌دادن به

مماشات با طالبان شدند. زنان نشان دادند که بهترین و شایسته‌ترین نمایندگان کرامت مردم افغانستان هستند. فریاد زدند که "حتی تنها اگر یکی از ما زنان در خیابان باقی‌مانده باشد، طالبان هیچ حقی و هیچ مشروعیتی ندارد تا از جانب مردم افغانستان صحبت کند."

آیا کسی صدای زنان افغانستان، این نمایندگان واقعی مردم افغانستان را می‌شنود و به پشتیبانی از آنان بر می‌خیزد؟ بی‌شک انقلاب زن زندگی آزادی در ایران مدافع سرسخت زنان در افغانستان و دشمن طالبان است و باید با صدای بسیار بلندی به همبستگی با زنان و مردم افغانستان بپا خاست.

*** هوشنگ ابتهاج**

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۲

۲ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱۲ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

”جنگ“ دلقک‌ها در سیرک انتخاباتی

محسن ابراهیمی

جُنگ بی‌رونق انتخابات رژیم!

شهاب بهرامی

زن‌کشی، روان‌پریشی قانونی و حکومتی

سینا پدرام

”زن زندگی آزادی“ در رژه رنگین‌کمانی‌ها در تورنتو

تهمینه صادقی

"جنگ" دلقک‌ها در سیرک انتخاباتی

محسن ابراهیمی

اکنون در سیرک انتخاباتی حکومت دو دلقک مانده‌اند که قرار است یکی را از صندوق حکومت بیرون بکشند: سعید جلیلی، حلقه‌به‌گوشی از بیت خامنه‌ای که پایان‌نامه دکترایش "سیاست خارجی پیامبر اسلام" است و مسعود پزشکیان، پس مانده‌ای از جریان اصلاح‌طلب که هر روز قسم می‌خورد که "ذوب" شده در ولایت‌فقیه است. چه رقابت داغی!

در لحظات آخر این نمایش بی‌رمق، تفاله‌هایی از جریان‌ورشکسته‌اصلاح‌طلب‌درحمایت‌ازکاندیدای "ذوب شده" شان وسط پریده‌اند، تا می‌توانند برای

ترساندن مردم تبلیغات می‌کنند که حضور جلیلی در پاستور یعنی آینده‌ای تیره‌وتار و اوضاعی طالبانی!

محمدجواد ظریف که متخصص ناکام در "علاج" دردهای بی‌درمان حکومت اسلامی است، در چند روز گذشته در همین جهت کلی چاپلوسی کرد، عرق ریخت و عربده کشید. او که یکی از شیادترین عناصر این طیف است، حتی خود را قاطی مردم کرده می‌گوید: "توپ در میدان ماست. ما باید روز جمعه به میدان رأی برویم. با رأی خود فردی که موردنظر ماست به پاستور بفرستیم." سرکوبگران مردم در آبان ۹۸ به مردمی که هدفشان برچیدن کل بساط پاستور است، می‌گویند به پزشکیان رأی بدهید که اعتراضات ۱۴۰۱ نابود نشود! تفکر طالبانی حاکم نشود!

درحالی که مردم به ریش همه دلقک‌های این نمایش مضحک می‌خندند، شرکای جرم پاسخ همدیگر را به‌خوبی می‌دهند؛ چون پرونده جنایات مشترکشان را زیر بغل دارند. کیهان، بلندگوی کتبی بیت طالبانی خامنه‌ای، خطاب به "اتهام تفکر طالبانی" نوشت که اکثریت اصلاح‌طلبان "افراطی‌ترین برخوردها را در دهه ۶۰ رقم زده و به‌نوعی استاد طالبان در این حوزه به شمار می‌آیند." در شبکه‌های اجتماعی هم کلیپی از خود پزشکیان دست‌به‌دست می‌شود که افتخاراتش را این‌چنین ردیف می‌کند: "اول انقلاب مسئول پاک‌سازی بودم. هنوز بحث حجاب نشده بود حجاب را در بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها اجباری کردم... دانشگاه را ما بستیم. انقلاب‌فرهنگی و بستن دانشگاه‌ها را ما شروع کردیم." اگر به پاستور راه یابد اوامر داهیانه رهبر معظم را اجرا خواهد کرد!

می‌بینید که شرکای جرم ۴۵ سال جنایت علیه بشریت از هر دو جناح، خودشان پته "طالبانی" همدیگر را روی آب می‌ریزند. اما مردم سال‌هاست دست‌شعبده‌بازان‌سیرک‌های‌حکومتی‌راخوانده‌اند و تماشاگران این سیرک نیستند؛ بلکه عزم کرده‌اند کل این بساط را برچینند.

جُنگ بی‌رونق انتخابات رژیم!

شهاب بهرامی

اگر انتخابات چیزی را تغییر می‌داد هرگز آن را برگزار نمی‌کردند. جُرج کالین

گروهی از فعالان سیاسی و اجتماعی اعلام کرده‌اند که در مرحله دوم انتخابات نیز شرکت نخواهند کرد. اسماعیل بخشی، و صدیقه وسمقی، از این جمله‌اند. همچنین نامه‌ای از طرف تعدادی از زندانیان سیاسی زن در محکومیت نمایش انتخاباتی و کشیده‌شدن آن به‌دور دوم منتشر شده، کسانی همچون گل‌رخ ایرایی، آنیشا اسداللهی، هستی امیری و چندین زندانی دیگر از جمله امضاکنندگان این نامه هستند.

نمایش انتخاباتی رژیم، حتی با توسل به تقلب و دستکاری اعداد و سه برابر کردن آن، به شکل مفتضحی به‌دور دوم کشیده شد. یکی از دلایل جدی و مهم به دست‌وپا افتادن رژیم، حال چه اصلاح‌طلب چه اصول‌گرا، برای مشروعیت بخشیدن به خود نزد مزدوران و نیروهای سرکوبش است که این، خود بیانگر بحران عمیق رژیم و ترس از تَرک‌خوردن ساختار قدرت از پایین‌به‌بالا است. چرا که قبل از هر چیز، شبح و کابوس انقلاب زن زندگی آزادی همچنان بالای سرشان می‌چرخد.

رژیم می‌دانست که نود درصد مردم، پای صندوق‌های رأی نخواهند رفت و باید این معضل جدی انتخابات نمایشی‌اش را به‌گونه‌ای مدیریت کند، اما چگونه؟ جنایت‌کاری هلاک شد و رفت، کدام جنایت‌کار

دیگر بر تخت پادوئی خواهد نشست که بحران و جنگ قدرت کفتاران را در دالان‌های حکومتی تشدید نکند؟ چندین جنایت‌کار سنگین‌وزن از نمایندگان سابق و رئیس‌جمهور اسبق رد صلاحیت شدند. چند جنایت‌کار ذوب ولایت از آخرین فیلتر عبور داده شدند. پزشکیان اصلاح‌طلب را برای گرم‌کردن تنور "افتضاحات" به این جمع راه دادند و جناب ظریف هم بسان "عنتری که لوطی‌اش مرده بود" به‌این سیرک پیوست. قالیباف در دور اول حذف شد. اینکه پزشکیان یا جلیلی کدام‌یک را رژیم از صندوق انتخابات بیرون می‌کشد علی‌السویه است و تأثیری در انتخاب واقعی مردم ندارد.

در این میان، فضای اعتراضی هم هر روز اوج بیشتری می‌گیرد و باید دامنه این اعتراضات را وسیع‌تر کرد.

باید تجمعات انتخاباتی را بر سرشان خراب نمود، اعتصابات، اعتراضات و بی‌حجابی را بیش‌ازپیش گسترده کرد. رأی مردم سالیان درازی است که صادر شده است:

زین کاروان‌سرا، بسی کاروان گذشت
ناچار، کاروان شما نیز بگذرد

رأی مردم سرنگونی است "نه یک کلمه کم، نه یک کلمه بیش".

زن‌کشی، روان‌پریشی قانونی و حکومتی

سینا پدرام

به گزارش پایگاه حقوق بشری هیرکانی، روز جمعه ۳۱ خرداد در حوالی رشت، فردی به نام احمد فرد، همسر خود نرگس موسوی را با ضربات قمه به ناحیه قلب، کلیه و گردن به قتل رساند. همچنین خواهر این زن که در این درگیری حضور داشت، توسط این مرد مورد حمله قرار گرفت و چهار انگشت او با ضربات قمه قطع شد.

زن‌کُشی در ایران در یک سال گذشته شتاب بیشتری گرفته است و به گزارش سازمان حقوق بشری هه‌نگاو تنها ۲۹ درصد «زن‌کشی»ها در

تهران بوده است.

نگاهی کوتاه به آمارهای رسمی و غیررسمی حکایت از یک جنایت سیستماتیک بر علیه زنان در ایران دارد. قوانین رژیم اسلامی اعم از قوانین قضایی و حقوقی و کشوری بدون هیچ تردیدی چنان آگاهانه در جهت گسترش این جنایات و اجحافات بر علیه زنان سازماندهی شده‌اند که جز جنایت علیه بشریت و کشتار سیستماتیک زنان هیچ نام دیگری ندارند. مذاهب و از جمله مذهب اسلام در جوهر خود یک ایدئولوژی ضد زن هست و اسلام سیاسی در سطح حکومتی این قوانین را رسمیت می‌دهد. این سیاست‌های ضد زن در جهت تمکین کل جامعه به کار گرفته شده و می‌شود.

انقلاب زن زندگی آزادی اما روندی را در ایران به اثبات رساند که نشان می‌دهد اکثریت جامعه با چنین جنایات و فجایعی مخالف هستند و انقلابی بر علیه هر نوع ستم بر زنان را سازمان داده‌اند. درعین‌حال باید به هر شکل ممکن جامعه را در مقابل روان‌پریشی اسلامی ضد زن و مردسالاری چه در سطح سیاسی و چه فرهنگی متشکل کرد. باید تشکل‌های مدافع حقوق زنان در ایران و جهان را مورد حمایت فعال قرار داد. درعین‌حال باید از تمامی مجامع بین‌المللی خواست که رژیم اسلامی و سران آن را به‌خاطر وضع چنین قوانین ضد زنی تحت پیگردهای قانونی و جنائی قرار دهند.

«زن زندگی آزادی» در رژه رنگین‌کمانی‌ها در تورنتو

تهمینه صادقی

روز ۳۰ ژوئن، ۱۰ تیر فستیوال سالانه پراید در تورنتو برگزار شد. ایرانیان مقیم کانادا هم در رژه دفاع از حقوق "ال‌جی‌بی‌تی کیوپلاس" ها شرکت کردند. گروه ایرانی سیمرغ نقش بزرگی در سازماندهی بخش ایرانیان ایفا کرد. فعالین حزب کمونیست کارگری نیز در این برنامه شرکت داشتند. علاوه بر شعارهایی در دفاع از رنگین‌کمانی‌ها در ایران، طنین شعار زن زندگی آزادی و ترانه "برای" از قسمت ایرانی پراید در خیابان‌های مهم تورنتو بگوش می‌رسید.

رژه حمایت از حقوق رنگین کمانی‌ها در کانادا در آگاهی‌بخشی جامعه از حقوق و همچنین اذیت و آزاری که رنگین کمانی‌ها با آن مواجه هستند، بسیار مؤثر بوده است. رنگین کمانی‌ها در ایران از حقوق پایه‌ای خود محروم هستند. جمهوری اسلامی نه‌تنها هیچ ارزشی برای حقوق رنگین کمانی‌ها قائل نیست، بلکه طبق قوانین اسلامی‌اش آنها را تحت انواع تهدیدها و اذیت و آزارها قرار می‌دهد. اعدام همجنس گرایان را هرگز فراموش نخواهیم کرد. اذیت و آزار جنسیتی، فیزیکی، بی‌حرمتی و تحقیر مواردی هستند که رنگین کمانی‌ها در ایران هر روزه با آنها مواجه است.

خوشبختانه امروز، رنگین کمانی‌ها چه در ایران و چه در دیگر نقاط دنیا در آشنایی با

حقوق خود پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته‌اند. جنبش رنگین‌کمانی‌ها در ایران روز بروز قوی‌تر می‌شود. جمهوری اسلامی مانع اولیه در احقاق حقوق رنگین‌کمانی‌هاست و تنها راه نجات این جامعه، سرنگونی این حکومت ضد بشر و ضد رنگین‌کمانی‌ها است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۳

۳ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱۳ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

توهم تواب سازی توسط خدای مرده دهه شصت!

بابک یزدی

قتل عمد راضیه رحمانی به دست مأموران انتظامی

آزاده نجاتی

ارزش جان انسان‌ها در جمهوری جرم و جنایت

رضا درویش

حزب‌الله و اسرائیل: چشم‌انداز جنگ تمام‌عیار

کاظم نیکخواه

توهم تواب سازی توسط
خدای مرده دهه شصت!

بابک یزدی

محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه، روز سه‌شنبه ۱۲ تیر "شیوه‌نامه احراز توبه مجرمان" را که در ۹ ماده تنظیم کرده به محاکم قضایی‌اش در سراسر کشور ابلاغ کرد و گفت "مسئولیت حُسن اجرای آن بر عهده دادستان کل کشور" است.

تواب سازی یکی از جنایت‌کارانه‌ترین روش‌های جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ علیه زندانیان سیاسی بود که با وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها اعمال می‌شد. البته آن موقع هنوز ماهیت ضدانسانی حکومت اسلامی

برای خیلی‌ها روشن نبود. تحت رهبری جنایت کارانه خمینی هر کس مخالف رژیم بود را با برچسب‌های منافق، کافر، ملحد، بی‌دین و بی‌خدا زندان و شکنجه واعدام می کردند. پدیده تواب سازی محصول همین دوره از بی‌رحمی حکومت اسلامی بود.

ما از همان روزهای اول این پدیده کثیف تواب سازی توسط نظم اسلامی گفتیم که مسئول اصلی این پدیده مشخصاً خود رژیم هست و نه انسان‌هایی که زیر شکنجه مجبور به اقرار علیه خود و به‌اصطلاح تواب شده‌اند. امروز اما پس از ۴۵ سال از حیات نظام اسلامی، و در دوره بعد از انقلاب زن زندگی آزادی، نظام اسلامی هرگز نمی‌تواند آن پروژه ضدانسانی علیه زندانیان را پیاده کند. خامنه‌ای نمی‌تواند نقش آن روزهای خمینی را بازی کند.

در قرن بیست و یک، در عصر اینترنت، در دوران بعد از انقلاب زن زندگی آزاد، رژیم اسلامی بیهوده تصور می‌کند که می‌تواند جامعه را به قرون‌وسطی و تفتیش عقاید و انگیزاسیون برگرداند. مسلم است که در این کار همان اندازه موفق خواهد بود که در تحمیل حجاب اجباری و برگرداندن زنان به قبل از انقلاب "زن زندگی آزادی"!

جالب است که حالا وسط سیرک انتخاباتی یاد "خدای دهه شصت" افتاده‌اند که خامنه‌ای یکبار خواست احضار کند و شکست خورد. این بار البته کارشان احضار خجولانه خدای دهه شصت است؛ چون از پیش می‌دانند شکست خواهند خورد. جامعه به‌پاخاسته‌ای که حتی در زندان‌هایش علیه جمهوری اسلامی شعار می‌دهند را نمی‌توان به توبه واداشت.

این کار یک‌بار دیگر تاریخ شوم تواب سازی را به یاد مردم خشمگین خواهد آورد و زیر پای حکومت را بیشتر خالی خواهد کرد.

قتل عمد راضیه رحمانی
به دست مأموران انتظامی

آزاده نجاتی

بر اساس خبری که در رسانه‌ها گزارش شده است، راضیه رحمانی، یک دختر جوان به دست سرگرد غلامرضا حسن‌وند رئیس پاسگاه سرچشمه از توابع دلفان نورآباد در لرستان به قتل رسید. به گزارش رسانه‌ها در ایران، پسر ۱۰ ساله خانواده از این جنایت فیلم‌برداری کرده که پلیس تلفن او را ضبط کرده است.

مأموران انتظامی به بهانه وجود مواد مخدر به خانه هجوم می‌برند و پس از جستجوی خانه، به دنبال

پدر راضیه برای دستگیری می‌گردند. او که در منزل نبوده، پس از اطلاع از حمله مأموران، خود را به خانه می‌رساند که او را دستگیر و جلو فرزندانش دستبند زده و می‌برند. دختر جوان که به دنبال پدرش به‌طرف اتومبیل می‌دود با تهدید مأمور روبرو می‌شود و متأسفانه با شلیک مستقیم کشته می‌شود.

جانیان حکومت اسلامی اولین‌بار نیست که چنین جنایاتی را مرتکب می‌شوند و سیستم قضایی حکومت هم نه تنها پاسخگو نمی‌شود؛ بلکه از جانیان و آدم کش‌های خود حمایت می کند. مثل همه موارد قبلی این بار هم خانواده مقتول توسط نیروهای امنیتی ودستگاه قضایی مورد تهدید قرار گرفته و تحت‌فشار گذاشته شده‌اند که در باره این جنایت اطلاع‌رسانی نکنند و این نشان می‌دهد که نظام قضایی جمهوری

اسلامی یک رکن اصلی جنایت علیه بشریت است. این مورد یکی از موارد زیاد جنایت‌ها است که منجر به ویرانی زندگی خانواده‌ها می‌شود و مصداق واقعی جنایت کارانه بودن رژیم اسلامی است.

تراژدی کشتار انسان‌های بی‌دفاع در جمهوری اعدامی کم نیستند که ۴۵ سال است ادامه دارد و اینجا فرصت بیان تک‌تک آنها نیست. اما انقلاب "زن زندگی آزادی" نشان داد که این حکومت در سراشیبی سقوط قرار دارد. نه بزرگ مردم در انتصابات حکومتی اخیر این واقعیت را نشان داد که مردم در پیگیری دادخواهی عزیزان بی‌شماری که به‌عناوین‌مختلف توسط مأموران حکومتی به قتل رسیده‌اند مصمم‌اند. نشان داد که میان مردم و این حکومت دره عمیقی وجود دارد که فقط با سرنگونی

حکومت پر مشود. نشان داد که برای استقرا عدالت در جامعه مردم عزم دارند به عمر این حکومت پایان دهند و سران جنایت‌کار نظام اسلامی را در دادگاه‌های علنی و مردمی محاکمه کنند.

ارزش جان انسان‌ها در جمهوری جرم و جنایت

رضا درویش

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران دوشنبه ۱۱ تیرماه در نمایشگاه بین‌المللی آتش‌نشانی و ایمنی شهری گفت که بودجه فعلی تنها برای حقوق آتش‌نشان‌ها کفایت می کند و تأمین مالی برای رفع کمبود ۲ هزار خودرو در آتش‌نشانی‌ها با بودجه شهرداری‌ها امکان‌پذیر نیست.

در بازخوانی این خبر آنچه نفرت برمی‌انگیزد این است که در رأس شهرداری تهران تا همین انتخابات نمایشی، شارلاتان‌های شناخته شده‌ای همچون قالیباف و زاکانی بوده‌اند. دزدان با سابقه‌ای

که برای هزینه نمایش مسخره خود و همدستانشان به گفته مخبر یکی دیگر از سردسته دزدها بودجه ۱۵۵۰ میلیاردتومانی تأمین شده است و البته در میان طمع بی‌پایان این موجودات نفرت‌انگیز برای دزدی‌های بیشتر آنچه جایی ندارد هزینه‌کردن برای حفظ جان و زندگی مردم است. این دشمنان مردم آنجا که جان مردم در خطر باشد چشم می‌بندند، چون چشم حریصشان جای دیگری و دزدی دیگری را نشانه رفته است.

در مواردی از آتش‌سوزی‌ها رژیم اسلامی آنها را به «خرابکاری دشمنان» نسبت داده است. حال آنکه خرابکاران در نظام اسلامی همین مسئولین دزد و جنایت‌پیشه رژیم هستند که برای غارت ثروت‌های جامعه تمام فکرشان این است که مبادا در

دزدی‌های کلان از دیگر همدستان عقب بمانند.

ابعاد این فجایع اجتماعی در همه مواقع پیش چشم مردم آشکار نمی‌شود. یکی از وقایع دلخراش جان‌باختن ۱۶ آتش‌نشان در آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو در دی‌ماه سال ۹۵ بود و این در حالی است که بنا به آمارهای منتشر شده در همان سال ۳۵ هزار ساختمان ناایمن در تهران شناسایی شده است.

بی‌اعتنایی رژیم به جان مردم در واقع از ضدیت رژیم با منافع مردم ناشی می‌شود و چنان که می‌بینیم آتش انقلاب زن زندگی آزادی برای پایان‌دادن به زندگی این رژیم ضد زندگی همچنان زبانه می‌کشد. آتشی که موجودیت کل نظام اسلامی را

نشانه رفته است.

در فردای سرنگونی، فردای پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی میلیون‌ها انسان شریف مانند آتش‌نشان‌ها در جامعه ایران و برای ساختن جامعه‌ای مبتنی بر آزادی، برابری و رفاه خواهند کوشید و جان‌فشانی‌هایشان قدر و منزلتی که شایسته کرامت انسانی است خواهد یافت.

حزب‌الله و اسرائیل:
چشم‌انداز جنگ تمام‌عیار

کاظم نیکخواه

درگیری‌های نظامی میان ارتش اسرائیل و حزب‌الله لبنان مدام گسترش بیشتری می‌یابد. حزب‌الله تلاش دارد با حملات به اسرائیل فشار اسرائیل بر حماس در غزه را کاهش دهد. در جنگ‌های اخیر حدود ۴۰۰ تن از سران و اعضای حزب‌الله و شماری از مردم غیرنظامی کشته شده‌اند و شمار تلفات اسرائیل نزدیک به ۳۰ نفر بوده است. اسرائیل ناچار شده است مناطق مرزی را از سکنه خالی کند.

جمهوری اسلامی نیز هشدارهای خود را دراین‌رابطه شدت داده است. روز ۱۲ تیر خرازی مشاور خامنه‌ای به "فایننشال تایمز" گفت تهران "علاقه‌ای به یک جنگ منطقه‌ای ندارد" اما با احتمال گسترش جنگ به کل منطقه "همه کشورها از جمله ایران در آن درگیر خواهند شد." او افزود: در چنین شرایطی ما "چاره‌ای جز حمایت از حزب‌الله نداریم."

هیئت جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد روز هشتم تیر در پیامی در شبکه ایکس به اسرائیل هشدار داد که در صورت جنگ علیه حزب‌الله، چنین جنگی "ویران‌کننده" خواهد بود. وزیر خارجه اسرائیل در پاسخ نوشت کشوری که تهدید به نابودی می‌کند، خود سزاوار آن است.

علی‌رغم تهدیدات متقابل، نه جمهوری اسلامی و نه دولت دست راستی نتانیاهو مایل به واردشدن به رودررویی مستقیم نیستند. چرا که خطر گسترش جنگ دیگری موجودیت آنها را تهدید می‌کند و آن جنگ مردم علیه آنهاست. در ایران مردم به طور یکپارچه خود را برای دستیابی به فرصتی برای واردکردن ضربات مهلک‌تر به حکومت بعد از انقلاب زن زندگی آزادی آماده می‌کنند. دولت دست راستی نتانیاهو نیز مورد نفرت اکثریت مردم اسرائیل و مردم دنیا است و بارها در ماه‌های اخیر تظاهرات صدها هزارنفره علیه خود را در اسرائیل و در سطح دنیا تجربه کرده است. باز شدن یک جبهه جدید جنگ، مردم را علیه هر دو سوی این کشاکش وسیع‌تر از قبل به میدان خواهد آورد. به‌ویژه برای جمهوری اسلامی چنین تحولی یعنی

فوران خیزش‌های مردمی، به معنای نابودی این حکومت منفور خواهد بود.

با وجود این، گسترش درگیری‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله در لبنان غیرممکن نیست. چرا که جنگ قانون خود را دارد و مثل آتش وقتی شعله کشید دیگر قابل‌کنترل نخواهد بود. باتوجه‌به این باید دید که ترس طرفین از مردم آیا می‌تواند مانع یک کشاکش ویرانگر و همه‌جانبه شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۴

۴ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱۴ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

هذیان‌گویی خامنه‌ای در فاز شکست

سیامک بهاری

حکومت اعدام و جامعه ضد اعدام!

مصطفی صابر

جایگاه فرقه مرتجع کسنزانی در سیرک خامنه‌ای

عبدل گلپریان

شریفه محمدی؛ صدای بلند شرافت انسانی

یاشار سهندی

سرکوب بهائیان در ایران و انقلاب زن زندگی آزادی

سینا پدرام

رأی ما سرنگونی است!

حزب کمونیست کارگری ایران

هذیان‌گویی خامنه‌ای در فاز شکست

سیامک بهاری

خامنه‌ای: "کسانی که در این دور رأی ندادند "مخالف نظام" نیستند"!

جمله بالا حال نزار خامنه‌ای و دارودسته حکومت اسلامی است که وحشت‌زده در توجیه درماندگی در مقابل خیز بلند جنبش سرنگونی مستأصل مانده است. سیرک انتخابات بر سرش خراب شده و حلقه سخت قدرت هرطورشده، باید شکست را توجیه کند.

روز چهارشنبه خامنه‌ای پس از چند روز سکوت

معنادار، پس از شکست از به‌پای صندوق کشاندن مردم، ناچار شد با پریشان‌گویی برای روحیه دادن به خودی‌های قافیه باخته و تقلا برای گرم‌کردن بساط کساد انتخابات، مهمل ببافد، تئوری بسازد تا بلکه از سنگینی بار شکست بکاهد.

خامنه‌ای در سخنانش روی نشانه‌های مهمی در شکست انتخابات انگشت می گذارد. می گوید: "دور دوم انتخابات باید شوق‌انگیز، مایه آبرو و سربلندی نظام باشد". ساده و روشن اعتراف می‌کند که دور اول انتخابات برای کل نظام، خفت‌بار و مایه بی‌آبرویی و سرافکندگی بوده است. احوال پریشان صفوف حکومتی در همین جملات به‌خوبی نمایان است.

در سیرک انتخاباتی از رقبایی که قرار بود برای خامنه‌ای رأی جمع کنند، حالا دو نفر در صحنه باقی‌مانده‌اند که در بهترین حالت با ناشیگری دارند نقش پلیس بد و پلیس خوب را بازی می‌کنند. این تقلا مردمی را که پشت به صندوق، پیروزمندانه انتخابات را بر سر حکومت خراب کرده‌اند مصمم‌تر خواهد کرد که در دور دوم هم پوزه حکومت را به خاک بمالند.

واضح است که مهندسی صندوق رأی و چندبرابر نشان دادن مشارکت دروغین مردم هم نتوانسته وضع را ولو اندک عوض کند. خامنه‌ای ناچار به تو دهنی محکمی که مردم به حکومت زده‌اند اذعان می‌کند. این، بن‌بست محتوم حکومتی است که به انتهای خط رسیده است.

خریدن مشروعیت و بازی‌دادن مردمی که بر سکوی خیزش انقلابی زن زندگی ایستاده‌اند ممکن نیست. مردم رأی به سرنگونی داده‌اند. مدت‌هاست از جمهوری اسلامی، از هر جناح و دسته، عبور کرده‌اند.

خطاب خامنه‌ای رو به خودی‌های روحیه باخته از اصول‌گرا تا اصلاح‌طلبانی است که کشتی را سوراخ می‌بینند و می‌دانند سپر بلای حکومت خواهند شد.

سعید لیلاز اصلاح‌طلب و از نظریه‌پردازان حکومتی می‌گوید: "ما تنها خاکریز نظام هستیم". به بیان ساده‌تر دارد می‌گوید خاکریزها و سنگرهای حکومت فروریخته است. آخر خط و انتها یعنی همین! حکومت می‌داند که در سنگر خیابان شکست محتوم در انتظار اوست!

حکومت اعدام و جامعه ضد اعدام!

مصطفی صابر

وقتی در یک مناظره تلویزیونی کاندیداهای رئیس‌جمهوری اسلامی، یکی از کاندیداها به شوخی و جدی کاندید دیگر را به قبول مجازات اعدام در صورت عدم تحقق وعده‌های انتخاباتی‌اش تهدید کرد، کسی نخندید! برعکس، مردم از این فرصت استفاده کردند تا فاجعه وحشیگری و آدم‌خواری جمهوری اسلامی حاکم بر ایران را بار دیگر جلوی چشم جهان بگیرند.

جمهوری اسلامی از همان روز اول چوبه‌های دار را برای حفظ حکومت الله بر پا کرد. در ابتدا متأسفانه

جامعه حساسیت کافی نداشت و علیه اعدام‌ها اعتراض جدی نشد. اما رفته‌رفته وضع عوض شد. در تیر ۱۳۷۳، یعنی درست سی‌سال پیش بود که حزب کمونیست کارگری در برنامه "یک‌دنیای بهتر" اعلام کرد که مجازات اعدام ضدبشری است و باید الغا شود. رفته‌رفته گفتمان لغو مجازات اعدام گسترش یافت، "کمیته بین‌المللی علیه اعدام" و دیگر تشکل‌های مبارزه علیه اعدام تشکیل شد. با هر موج اعتراضی و خیزش مردم علیه رژیم، توجه بخش‌هایی وسیع‌تری به مبارزه علیه اعدام جلب شد. در جریان انقلاب زن زندگی آزادی این عبارت منصور حکمت، "اعدام قتل عمد دولتی است"، ورد زبان مردم شد و به ادبیات اغلب گروه‌های سیاسی وارد شد.

اکنون مبارزه علیه اعدام در ایران یک جنبش بسیار گسترده و قوی و روبه گسترش است. آخرین شاهد این مدعا همانا نحوه عکس‌العمل جامعه به همین مناظره تلویزیونی مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی است. مردم نمایش انتخاباتی رژیم را هم به فرصتی برای اعتراض علیه اعدام تبدیل کردند.

جایگاه فرقه مرتجع کسنزانی در سیرک خامنه‌ای

عبدل گلپریان

اخیراً سران فرقه سنی کسنزانی که در کردستان عراق مستقر هستند از دراویش هوادار خود در کردستان ایران خواسته‌اند که به درخواست خامنه‌ای در سیرک انتخاباتی حکومت اسلامی برای مشروعیت نداشته این رژیم شرکت کنند و به تقاضای خامنه‌ای لبیک بگویند و اگر شرکت نکنند مجوز عبور و مرور هواداران این فرقه به کردستان عراق باطل خواهد شد.

تقلاهای این گروه مذهبی و فراخوان به هواداران

خود برای خدمت به جمهوری اسلامی نشان‌دهنده استیصال و درماندگی این فرقه معلوم‌الحال و بن‌بست کل بساط حکومت اسلامی است. مردم مبارز شهرهای کردستان بارها و در طول تاریخ مبارزات درخشان خود جریانات مرتجع محلی، نظیر مکتب قرآن، طریقت قادری نقش‌بندی و سلفی‌ها را سر جای خود نشانده و آنان را رسوا کرده‌اند. خامنه‌ای از سر درماندگی و شکستی که متحمل شده است دست‌به‌دامن تفاله‌ها و پس‌مانده‌های جریانی شده است که مورد تنفر و انزجار مردم مبارز در شهرهای کردستان است.

سران این فرقه دریافته‌اند که چگونه مردم کردستان در دور اول سیرک انتخاباتی رژیم

اسلامی همگام با نه محکم مردم سراسر کشور به این نمایش مسخره و رسوا شده پاسخ درخور و کوبنده‌ای به خامنه‌ای و باندهای حکومتی دادند. این جریان کپک‌زده نوع سنی به‌شدت نگران از تأثیر فضای سیاسی و رادیکال شهرهای کردستان بر هواداران خود شده است.

این فرقه حاشیه‌ای و بی‌ربط به جامعه کردستان در کارزار رسوای حکومت اسلامی وحشت‌زده و نگران از باطل شدن تاریخ مصرف خود است. متوجه شده‌اند که با سرنگونی حکومت اسلامی توسط انقلاب زن زندگی آزادی، بساط آنان نیز همانند دیگر جریانات دست‌ساز رژیم توسط مردم جارو خواهد شد. عمیقاً دریافته‌اند که طول عمر این فرقه نیز همانند دیگر دارودسته‌های مرتجع

دینی در داخل و خارج از ایران به‌اندازه طول عمر جمهوری اسلامی است.

شریفه محمدی؛ صدای بلند شرافت انسانی

یاشار سهندی

شریفه محمدی فعال کارگری در ۱۴ آذر ۱۴۰۲ در خانه‌اش، در شهر رشت بازداشت و بعد از آن تحت شکنجه‌های مداوم بوده است. شریفه محمدی در تمام این مدت شکنجه‌ها را تحمل و هیچ اقراری در پرونده او، علیه خودش وجود ندارد. همسر او، سیروس فتحی هم به‌خاطر پیگیری مستمر پرونده شریفه و اطلاع‌رسانی مداوم بازداشت شد که به‌تازگی آزاد شده است.

شریفه در یک مقطع از زندان لاکان رشت به زندان شهر سنندج منتقل می‌شود و چنان تحت

شکنجه قرار می‌گیرد که مسئولان این زندان از ترس اینکه پای خودشان هم گرفتار ماجرا شود از نیروهای شکنجه‌کننده شکایت به جایی می‌برند که اکنون همان جا، یعنی بیدادگستری جمهوری اسلامی شریفه را متهم به فعالیت مسلحانه با عنوان "بغی" کرده است.

شریفه محمدی جرمش تنها کارگر و صدای اعتراض کارگران بودن است. او به‌مثابه یک زن، به‌مثابه یک کارگر نخواسته خاموش و ساکت بماند. طی هفت ماه گذشته به‌شدت او تحت شکنجه روحی و جسمی بوده تا ساکتش کنند. شریفه در نامه‌ای کوتاه نوشته است:

لحظاتی هستند که هرگز از یاد نخواهم برد. در

این شش ماه ساعاتی بودند که بر من سخت و سنگین گذشتند؛ اما هیچگاه نگریستم. هنگامی که با صورت کبود برگه‌های بازجویی بر سرم کوبیده می‌شد! هنگامی که بعد از سه ماه وارد بند عمومی شدم، دلم عجیب گرفته بود. با شنیدن این جمله که "دلت را پیش عزیزانی بگذار که در شرایط سخت و دشوارتری بوده‌اند" آرامشی مرا فراگرفت که با امیدی بیشتر از پیش این روزها را سپری کنم. این چند خط را نوشتم برای اینکه به خانواده و دوستان عزیزم بگویم دوستتان دارم به قول "آیدین به‌اندازه کهکشان‌ها دوستتان دارم".

در این میان همسرش با پیگیری و اطلاع‌رسانی مداوم نه‌تنها نگذاشته است صدای او زیر نعره‌های شکنجه گران و زندانبانان خاموش شود؛ بلکه باعث

شده است تا همگان مطلع شوند شریفه، شرافت را معنایی عمیق بخشیده است.

اکنون با ماست که صدای شریفه و شریفه‌ها را در سراسر جهان منعکس سازیم. نشان دهیم که در مقابل غوغای رقابت بین منفورترین تبهکاران، در ایران صدای انسانیت و شرافت زیر شکنجه، بلندترین فریادهاست. مقاومت شریفه‌ها و جان‌فشانی سارینا‌ها و نیکاها صدای واقعی مردمی است که به ستم اسلامی سرمایه‌داران نه گفته‌اند.

سرکوب بهائیان در ایران و انقلاب زن زندگی آزادی

سینا پدرام

اتحادیه اروپا و بیش از ۵۰ نماینده اروپایی خواستار توقف آزار بهائیان در ایران شدند.

بیانیه اتحادیه اروپا که در پاسخ به یک سؤال پارلمانی در پارلمان اروپا صادر شد، می‌گوید: "اتحادیه اروپا قاطعانه از مقامات ایرانی می‌خواهد که از برخورداری کامل از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه ایرانیان، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی مانند بهائیان اطمینان حاصل کنند." در همین حال، گروهی از

نمایندگان پارلمان اروپا از تشدید حملات علیه زنان بهائی در ایران ابراز نگرانی کردند.

وضعیت بهاییان در ایران یکی از مظاهر واقعی ستمی است که به آن در لغت‌نامه سیاسی "جنایت علیه بشریت" گفته می‌شود. جنایاتی سیستماتیک که در هر برهه از تاریخ این رژیم اشکال متفاوتی به خود گرفته است؛ ولی هدفی جز سرکوب جامعه و به‌ویژه زنان در دستور کار خود نداشته است.

در کنار دستگیری و اعدام بهاییان از اوایل روی کار آمدن رژیم اسلامی که قتل عمد دولتی سازمان‌یافته است، محدودیت در خاک‌سپاری در آرامستان بهاییان در تهران، پلمب مغازه‌ها، تا اخراج از مشاغل از جمله ستم‌هایی است که به

شکل مداوم به بهاییان اعمال شده است. آخرین نمونه چنین جنایاتی دستگیری و بلاتکلیفی رؤیا ثابت که برای پرستاری از پدر و مادر خود به ایران سفر کرده بود در ۲۶ بهمن سال گذشته است.

موج جدید حملات رژیم اسلامی به بهاییان در جهت سرکوب انقلاب زن زندگی آزادی انجام می‌شود هر نوع فعالیتی علیه این نوع اقدامات جنایت‌کارانه باید از پشتیبانی تمامی ما مردم برخوردار شود. باید این نوع تبعیضات علنی را برای رژیم پر هزینه کرد و نگذاشت که بدون اعتراضات جهانی در سکوت به‌پیش برود. از هر سکوی بین‌المللی باید برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی به تلاش برخاست. مماشات دولت‌ها و سازمان‌های جهانی در قبال جنایت علیه بهاییان

باید مورد اعتراض ما قرار گیرد. ما از تمامی حقوق شهروندی بهاییان دفاع کرده و خواهیم کرد.

رأی ما سرنگونی است!

حزب کمونیست کارگری ایران

مردم! دور دوم مضحکه انتخاباتی حکومت را وسیع‌تر از قبل تحریم کنید! اگر از نظر خامنه‌ای رأی مردم نشانه حمایت آنها از نظام است ما با نه گفتن به این سیرک مسخره و بایکوت تمام‌وکمال آن، به دیکتاتور نشان دهیم که ما فقط به این رژیم جانی و نظام متعفن اسلامی نه می گوئیم که می‌خواهیم بساط تمام این جنایت‌کاران را از هر جناح و دسته‌ای، از جامعه جارو کنیم.

بگذار این بار صدای مادران دادخواه، صدای زندانیان سیاسی در بند، صدای بی‌صدایان جامعه، صدای

زنان تحت ستم، صدای کارگران مچاله شده در فقر و تنگدستی، صدای مردم تحت ستم بلوچستان و کردستان و مردم سرکوب شده عرب خوزستان، صدای جامعه نفی شده رنگین‌کمانی‌ها، صدای خانواده‌های محکومین به اعدام، صدای معلمان و پرستاران حق‌طلب، صدای بازنشستگان معترض به ظلم و بی حقوقی، صدای کارگران نفت در حال اعتصاب و صدای اکثریت قاطع مردم چنان رسا شنیده شود که جمهوری اسلامی خود را بیش از هر زمان دیگری خوار و ذلیل و شکست‌خورده ببیند.

نابود باد حکومت اسلامی! زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۵

۶ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱۶ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

انتصاب پزشکیان و ادامه کابوس حکومت

حمید تقوایی

شریفه باید فورا آزاد شود!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

حزب کارگر در بریتانیا برنده قاطع انتخابات

پتی دبونیتاس

دست "گرگ‌های خاکستری" از مسابقات ورزشی کوتاه!

محسن ابراهیمی

دلیل سقوط رئیسی آشکار شد

کیوان جاوید

انتصاب پزشکیان و ادامه کابوس حکومت

حمید تقوایی

از صندوق بیرون آوردن پزشکیان بجای رئیس‌جمهوری که مردم هلاکتش را جشن گرفتند، خود گویای مؤلفه‌های مختلف شرایط سیاسی ایران در دوره حاضر است. دوره‌ای که با انقلاب زن زندگی آزادی در ۱۴۰۱ آغاز شد.

"اصلاح‌طلبی" که ذوب شده در ولی‌فقیه است، بجای رئیس‌جمهور جلادی که ناگزیر شدند با پایان بخشیدن به زندگی‌اش دوره‌اش را به پایان برسانند، در انتخاباتی که مردم به رفراندوم سرنگونی تبدیلش کردند، رئیس‌جمهور می‌شود!

این به‌اصطلاح انتخابات، بر خلاف انتخابات های گذشته، مانوری برای تنظیم مناسبات بین باندهای مختلف حکومتی نبود، بلکه پاسخی از سر استیصال به یک جامعه در حال انفجار بود.

انتخابات را خامنه‌ای معماری کرد و مردم بر سرش خراب کردند. خامنه‌ای پزشکیان را برای گرمی بازار انتخاباتی از فیلتر شورای نگهبان گذراند و به امید تخفیفی در بحران همه‌جانبه نظامش از صندوق بیرون آورد. اما پزشکیان همانقدر می‌تواند بحران حکومت را تخفیف بدهد که توانست بازار انتخابات را گرم کند. یعنی هیچ!

این دیگر دوره خاتمی و روحانی نیست که بخشی از جامعه با توهم گشایش سیاسی و با تاکتیک بجان

هم انداختن بالائی‌ها در بازی انتخاباتی شرکت می‌کرد. این "انتخابات" ای در دل اولین انقلاب زنانه تاریخ است. مدت‌هاست مردم در برابر کل نظام بپا خاسته‌اند و اعلام داشته‌اند "اصلاح‌طلب – اصولگرا دیگه تمومه ماجرا". اما این بار این انقلاب است که بالائی‌ها را به رقص واداشته است؛ به جست‌وخیز روی زمینی که هر روز داغ‌تر می‌شود!

این بار حکومت صرفاً با تحریم انتخابات روبرو نبود؛ بلکه با رفراندوم گسترده‌ای بر سر بودونبود نظامش روبرو بود. رفراندومی که صریح و آشکار رأی به نبود جمهوری اسلامی داد. اکثریت قاطع مردم نه‌تنها رأی ندادند؛ بلکه بخش‌های مختلف جامعه، از معلمان و بازنشستگان و کارگران اعتصابی نفت، تا دانشجویان و زنان و دادخواهان

و زندانیان سیاسی و نویسندگان و رنگین‌کمانی‌ها و در یک‌کلام اکثریت‌قریب‌به‌اتفاق مردم، یکبار دیگر متحد و یکپارچه با صدای بلند اعلام کردند رأی ما سرنگونی و انتخاب ما زن زندگی آزادی است.

انتخابات را بالا معماری کرد؛ اما فرمان در دست پائینی‌ها بود. انتصاب پزشکیان به همان اندازه عدم شرکت بیش از ۸۰ درصد مردم در نمایش انتخاباتی نشاندهنده درماندگی و ضعف و بن بست حکومت و تعرض همه جانبه مردم است. تعرضی که تا به کرسی نشستن رأی سرنگونی مردم به پیش خواهد رفت.

شریفه باید فورا آزاد شود!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

روز پنجشنبه ۱۴ تیر قاتلان حاکم شریفه محمدی را در بیدادگاه حکومت در رشت به اتهام "بغی" محاکمه و به اعدام محکوم کردند. شریفه هفت ماه قبل روز ۱۴ آذر ۱۴۰۲ دستگیر شد و چند ماه در انفرادی تحت شکنجه جسمی و روحی شدیدی قرار گرفت. اتهام او عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری قید شده و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی این تشکل را وابسته به کومهله اعلام کرده‌اند و براین‌اساس به او حکم اعدام داده‌اند.

رژیم علیه این فعال کارگری و اجتماعی پاپوش‌دوزی کرده و پس از شکنجه‌های وحشیانه او را به اعدام محکوم کرده است. جنایتکاران حاکم تصور می‌کنند که فضای مبارزاتی در جامعه بویژه بدنبال شکست مفتضحانه حکومت در نمایش انتخاباتی را می‌توانند با چنین احکام وحشیانه‌ای به عقب برانند. اما مردمی که رأی قاطع خودشان را به سرنگونی اعلام کرده‌اند، این حکم را نیز به تشدید مبارزه علیه قاتلان تبدیل می‌کنند.

کارزاری برای آزادی شریفه محمدی به راه افتاده است. حزب کمونیست کارگری از این کارزار دفاع می‌کند و همه فعالین و مردم آزاده را به

حمایت از آن فرامی‌خواند.

عضویت در یک تشکل کارگری و در احزاب و سازمان‌های سیاسی جرم نیست. حق بی‌چون و چرای همه مردم است. با تمام قوا به دفاع از شریفه برخیزیم و او را از چنگ جانیان حاکم نجات دهیم. حکم اعدام شریفه باید لغو شود و فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود.

حزب کارگر در بریتانیا برنده قاطع انتخابات

پتی دبونیتاس

حزب کارگر بریتانیا در انتخابات پارلمانی این کشور که روز پنجشنبه، ۴ ژوئیه ۲۰۲۴- ۱۴ تیر برگزار شد، به پیروزی قاطعانه‌ای دست‌یافت. بر اساس نتایج، حزب کارگر ۴۱۲ کرسی به دست آورده است. مجلس عوام دارای ۶۵۰ کرسی است.

کل نقشه و هدف محافظه‌کاران طی این ۱۴ سال دنبال‌کردن یک هدف غایی بود: نابود کردن همه دستاوردهای رفاهی. براستی که در این زمینه بی‌محابا دست به تعرض زدند. فقر طی این مدت گسترش یافت و یکی از مهم‌ترین دستاوردهای

این کشور که بیمه درمانی پیشرفته و عمومی بود روزبه‌روز محدودتر شد. کمک‌هزینه‌های دولتی به اقشار کم‌درآمد هر بیشتر محدود شد و مالیات‌بردرآمد حقوق‌بگیران شدیداً بالا رفت. بی‌خانمانی افزایش یافت و اجاره‌خانه‌ها سر به آسمان زد. در یک‌کلام ریاضت اقتصادی به کابوس زندگی مردم تبدیل شد. طی این مدت البته تعداد میلیاردرها در انگلیس با سرعتی عجیبی افزایش یافت.

همسو با این تعرض اجتماعی، یک افتضاح سیاسی این حزب نیز شدیداً باعث آزردگی مردم شد. زمانی که در دوران سخت کرونا همین دولت محافظه‌کار دیدارهای اجتماعی را ممنوع کرد،

اعضای دولت و سران کابینه در مهمانی‌ها بزرگ دور هم جمع شدند و نوشیدند و رقصیدند و خوش‌گذرانی کردند و بر درد و غم مردم افزودند.

انتخابات روز پنجشنبه یک نه بزرگ اجتماعی به حزب محافظه‌کار بود. اما این پایان تعرض سرمایه‌داران و دولت حاکم فعلی به زندگی و معیشت مردم نیست. حزب کارگر در اوج تعرض دست راستی ترین حزب موجود در انگلیس به قدرت رسید. در برنامه‌های انتخاباتی این حزب شاهد یک رویکرد بنیادی به نفع زندگی بهتر مردم نبودیم. قول‌هایی برای بهبود داده‌اند که طبعاً سایه‌ای از آن قول‌ها را حتماً اجرا خواهند کرد. اما برای بهبود قطعی و مؤثر تنها قدرت مردم در

خیابان و اعتراض و اعتصاب و مبارزه علیه وضع موجود است که راست را عقب می‌راند. همین چپ اجتماعی باعث شده است حزب کارگر با وعده تغییر به قدرت برسد و اگر در این زمینه کاری به نفع مردم صورت ندهد با همان شدت با سر بر زمین خواهد خورد. شکست سنگین حزب و دولت محافظه‌کار یک پیروزی برای مردم است. از این باید فراتر رفت.

دست "گرگ‌های خاکستری" از مسابقات ورزشی کوتاه!

محسن ابراهیمی

روز سه‌شنبه ۱۲ تیر مریح دمیرال، بازیکن تیم ملی ترکیه در بازی ترکیه در مقابل اتریش پس از زدن گل دوم، با هر دو دست خود، نماد "گرگ‌های خاکستری" را نشان داد. یوفا به‌خاطر این حرکت او را از حضور در دو دیدار رقابت‌های جام ملت‌های اروپا محروم کرد. در واکنش به این اقدام یوفا، فاشیست‌های ترکیه در شبکه‌های اجتماعی فراخوان داده‌اند حاضران در ورزشگاه برلین، در جریان بازی ترکیه در مقابل هلند سلام "گرگ‌های خاکستری" را نشان دهند. اردوغان

هم‌سفرش به جمهوری آذربایجان را لغو کرده است تا در همبستگی با دمیرال در ورزشگاه برلین حضور پیدا کند.

گرگ‌های خاکستری (Bozkurtlar)، یک جریان پان‌ترکیست فاشیست است که صریحاً برتری "نژاد ترک" را تبلیغ می‌کند و در جهت این ایدئولوژی فاشیستی به جنایات زیادی علیه شهروندان دیگر دست‌زده است. این گروه دست به ترورهای زیادی علیه شهروندانی که از نظر این گروه ترک خالص محسوب نمی‌شوند زده است. کُردها، ارمنی‌ها، مسیحی‌ها، یونانی‌ها و یهودی‌ها از جمله اهداف ترور این گروه بوده‌اند. در سال ۱۹۹۳ بهبهانه حضور عزیز نسین، نویسنده طنزپرداز ترکیه مهاجمان اسلام گرا و ملی گرایان افراطی در حالی

که سلام "گرگ‌های خاکستری" را نشان می‌دادند، به هتلی در سیواس حمله کرده و آن را به آتش کشیدند و ۳۳ نفر را به قتل رساندند. گزارش منابع حقوق‌بشری، شمار قربانیان خشونت‌های منتسب به این گروه را بالغ بر "هزاران نفر" تخمین زده است. فعالین حقوق بشر و طرفداران برابری همه شهروندان، به "گرگ‌های خاکستری" لقب "جوخه مرگ" داده‌اند.

اردوغان که شکست‌های سنگینی در انتخابات ترکیه متحمل شده است، حرکت دمیرال آنهم در بازی پربیننده فوتبال را در هوا قاپید تا با راه انداختن هیجان ناسیونالیستی موقعیت متزلزل خود را بهبود بخشد. مردم انساندوست ترکیه می‌توانند پاسخ محکمی به این فرصت‌طلبی

فاشیستی اردوغان بدهند.

همچنین، نباید اجازه داد مسابقات ورزشی به میدان‌های تبلیغات فاشیستی نژادپرستانه تبدیل شود. اقدامات تنبیهی در مقابل تحرکات نژادپرستانه باید بسیار قاطع باشد. یوفا و مراجع مربوط به این مسابقات و قوانین کشورها باید از حرمت و زندگی شهروندانی که در سال‌های طولانی موضوع جنایات گروهی فاشیستی مثل "گرگ‌های خاکستری" بوده‌اند با قاطعیت تمام دفاع کند. همچنین ما شهروندان کشورهای دیگر و علاقمندان فوتبال هم باید فعالیت‌ها و جنب و جوش‌های فاشیستی در ورزشگاه‌ها را شدیداً محکوم کنیم. فاشیست‌ها جایی در ورزشگاه‌ها ندارند.

دلیل سقوط رئیسی آشکار شد

کیوان جاوید

وقتی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت خبر رسید که هلیکوپتر رئیسی بر فراز جنگلی صعب‌العبور سقوط کرد هم‌زمان این گمانه‌زنی قوت گرفت که این سقوط یک نقشه ازپیش‌طراحی‌شده بود.

بعد از گذشت تقریباً ۲ ماه، امروز شنبه ۱۶ تیر مشخص شد چرا خامنه‌ای و کل نظام اسلامی نیازمند یک چیدمان جدید است. سیاست جمهوری اسلامی در همه جبهه‌ها با شکست سختی روبرو شده است. از برجام و رابطه با دولت‌های غربی و روابط بین‌المللی و تحریم‌های

فزاینده تا موقعیت بحرانی رژیم در منطقه تنها یک بخش از معضل جمهوری اسلامی است. این بن‌بست بین‌المللی بازتاب شرایط سیاسی در ایران است؛ بازتاب مچاله شدن رژیم در چنبره مبارزات سرنگونی طلبانه مردم. این رژیم در حال فروپاشیدن از درون است و برای جلوگیری از این فروپاشی درونی باید مهره‌ها و سیاست‌های جدیدی را وارد محاسبات سیاسی خود کند.

تقابل با مردمی که ناقوس مرگ حکومت اسلامی را به صدا درآورده‌اند و جامعه‌ای که متحد و متشکل، یک‌پارچه به‌سوی سرنگونی گام بر می‌دارد دیگر با رئیسی و جلیلی و... ممکن نبود و نیست. عقل خود را جمعاً روی‌هم ریختند تا

چاره‌ای برای التیام صدها درد بی‌درمان خود پیدا کنند. رئیسی را "سقوط کردند" چون فرصت نداشتند چند سال دیگر صبر کنند. پزشکیان از کلاه شعبده‌بازی رژیم بیرون آمد تا کاریکاتور مسخره‌تری از توهم به دولت اصلاحات خاتمی و اصلاح‌طلبان حکومتی باشد. اما دوره گذشته است و شعار پُرصلابت اصلاح‌طلب - اصول‌گرا با قدرت تمام در عرصه سیاست ایران حکم می‌راند. بی شک پزشکیان نیز نشکفته پرپر خواهد شد. این حکم یک جامعه بپاخاسته علیه جمهوری اسلامی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۶

۷ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱۷ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

شریفه محمدی باید آزاد شود

شهلا دانشفر

جاوید رحمان مهمان ما در تورنتو

بابک یزدی

”دکتر بازی“ رژیم به پایان رسید

کیوان جاوید

قانونی شدن مجازات بی‌خانمان‌ها در آمریکا

پتی دبونیتاس

شریفه محمدی باید آزاد شود

شهلا دانشفر

شریفه محمدی فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت، به اعدام محکوم شد. این حکم جنایت‌کارانه تعرضی به انقلاب و تداوم فریاد آزادی‌خواهی مردم است. متحد و سراسری علیه آن بایستیم. به نجات جان شریفه بشتابیم. او باید فوراً آزاد شود.

شریفه محمدی ۱۴ آذر ۱۴۰۲ دستگیر و چند ماهی در سلول انفرادی برای گرفتن اعتراف اجباری زیر شکنجه جسمی و روحی شدید قرار گرفت. سرانجام جمهوری اسلامی مثل همیشه با سناریویی

پوچ و مهندسی شده چنین حکم وحشیانه‌ای صادر کرد و او را به اتهام "بغی" به اتهام عضویت در یکی از گروه‌های اپوزیسیون محکوم‌به‌اعدام کرده است. این اقدام گستاخانه جمهوری اسلامی تعرض آشکار به حقوق پایه‌ای جامعه، حق تشکل و حق تحزب است. با چنین پرونده‌سازی‌هایی جمهوری اسلامی می‌کوشد راه را بر تعرضات گسترده‌تر به مبارزات ما کارگران، معلمان، بازنشستگان، فعالین انقلاب زن، زندگی آزادی و به کلِ جامعه باز کند. متحد و قدرتمند در برابر حکومت ضدانسانی جمهوری اسلامی بایستیم و با فریاد تشکل، تحزب حق مسلم ماست، نه به زندان، نه به اعدام از انقلاب و دستاوردهایمان دفاع کنیم.

تا همین‌جا ما توانستیم با اتحاد مبارزاتی‌مان و فریاد

”توماج یک ملته، توماج را آزاد کنید“لغو حکم اعدام توماج را بر حکومت اعدام و سر کوب تحمیل کنیم. امروز نیز می‌توانیم با اعتراضات گسترده و با فریاد ”شریفه را آزاد کنید“ حکم اعدام شریفه را باطل و صدور چنین احکامی را برای حکومت بسیار گران تمام کنیم.

یک موضوع سخنرانی امروز، یکشنبه ۱۷ تیر بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش محکومیت حکم اعدام شریفه محمدی و تأکید بر آزادی او و همه زندانیان سیاسی و حق تشکل بود. این را به الگوی سراسری اعتراضاتمان در کل جامعه تبدیل کنیم. تا اکنون نهادهای مختلف مردمی در بیانیه‌هایشان حکم اعدام شریفه محمدی را محکوم و بر لغو مجازات اعدام تأکید کرده‌اند. از درون

زندان‌ها صدای این اعتراض بلند شده است. امروز جنبش علیه اعدام، با گفتمان اعدام قتل حکومتی است به جنبشی قدرتمند تبدیل شده است. اتحاد بازنشستگان در بیانیه خود می‌نویسد: "هیچ اعدامی مشروع نیست و هیچ "جرمی" به صدور حکم اعدام برای هیچ‌کس مشروعیت نمی‌بخشد. اعدام قتلی فجیع از سوی قدرت دولتی است. " با قدرت این جنبش و با قدرتت اتحاد سراسری مبارزاتی خود حکومت اسلامی را عقب برانیم.

جاوید رحمان مهمان ما در تورنتو

بابک یزدی

جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران بعد از ارائه گزارش خود از نقض حقوق بشر توسط رژیم اسلامی، اولین سخنرانی‌اش را در تاریخ جمعه ۵ جولای، ۱۵ تیر در تورنتو به دعوت گروه "ایرانیان کانادائی برای دموکراسی" ارائه داد.

یک ساعت برای خبرنگارها و دو ساعت هم برای سخنرانی و پرسش‌وپاسخ در نظر گرفته شده بود. مهمانان که حدود ۱۰۰ نفر بودند بیشتر فعالین سیاسی،اجتماعی تورنتو و مخالف رژیم بودند.ایشان

به توضیح گزارش خود و موارد مشخص نقض حقوق بشر و به‌ویژه ده سال اول حکومت اسلامی پرداخت. اینکه رژیم در اوایل سال‌های دهه شصت کودکان زیادی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند را کشت، خیلی از بهائیان و خانواده آنها را زندان و شکنجه و اعدام کرد. هزاران نفر مجاهد و کمونیست را در کمتر از چند هفته در تابستان ۶۷ قتل‌عام کرد و پاسداران به دختران باکره قبل از اعدام تجاوز می‌کردند.

در قسمت مصاحبه‌ها وقتی صدف کورش نیا گفت از "تلویزیون حزب کمونیست کارگری" هست، جاوید رحمان خوشحال شد و استقبال کرد که علی‌رغم کشتار زیاد کمونیست‌ها در ایران کمونیست‌ها و چپ‌ها و سوسیالیست‌ها صدا و تلویزیون دارند.

او اشاره کرد که در قتل‌عام ۶۷ تعداد زیادی کمونیست، سوسیالیست، چپ و آتئیست فقط به دلیل باورهایشان اعدام شدند و این را نیز به‌عنوان جنایت علیه بشریت برشمرده.

در قسمت پرسش‌وپاسخ من از ایشان دو سؤال کردم. سؤال اول اینکه آیا ایشان سعی کرده که رسماً به ایران برود و نقض حقوق بشر در ایران را از نزدیک مشاهده و آزار بهائیان، خانواده زندانیان سیاسی و قتل‌عام شدگان را از نزدیک دیده و بررسی کند؟ و سؤال دوم آیا ما مردم ایران و دادخواهان قبل از سقوط رژیم اسلامی قادر خواهیم بود این رژیم را به جرم جنایت علیه بشریت در جهان محاکمه کنیم؟ پاسخ جاوید رحمان در مورد سؤال اول این بود که برای رفتن به ایران بارها تلاش کرده؛ اما

رژیم موافقت نکرده است. در پاسخ سؤال دوم هم گفت باید تلاش کرد؛ ولی منافع سیاسی اقتصادی دولت‌ها به‌ویژه چین و روسیه مانع اصلی در این کار است.

از جاوید رحمان باید تشکر کرد و او را مورد تشویق قرار داد. ما دادخواهان نیز باید متحد و یکپارچه همانطور که سپاه را در لیست تروریستی در کانادا قرار دادیم سران رژیم را به پشت میزهای محاکمه بکشانیم و عدالت را علیه آنها جاری کنیم.

"دکتر بازی" رژیم به پایان رسید

کیوان جاوید

خرگوش پزشکیان با مشارکت خامنه‌ای با شعبده‌بازی ناشیانه‌ای از صندوق بیرون آمد و خامنه‌ای احمقانه تقلا کرد به شیوه آخوندی از حضور "جمعاً ۵۰ میلیونی"؟! مردم در "دو دور" انتخابات ابراز خوشحالی کند.

بعد از پایان این مسخره‌بازی انتخاباتی که با تودهنی مردم روبرو شد، طوری که رأی‌سازی چندین برابری هم نتوانست این شکست رژیم را پنهان کند، پزشکیان از خامنه‌ای قدردانی کرد و فوراً روی قبر خمینی حضور یافت تا نوکری خود را

به کُل رژیم یادآور شود و این پیام را به مسئولین دوایر ترور که زیر نظر مجتبی و بیت رهبری فعال هستند، برساند که بمبی، چیزی در اتومبیلش یا هلیکوپترش جاسازی نکنند. بیچاره یادش رفته که ابراهیم رئیسی نوکر درگاه "آقا" وقتی دیگر مسجل شد رژیم نمی‌تواند با همان فرمان براند، سرنگون شد تا راه برای او باز شود.

پزشکیان در اولین نطق بعد از کلیدداری‌اش گفت خوشحال است که قولی نداده که نتواند عملی کند. یعنی قولی نداده که بخواهد عملی کند. فقط می‌خواهد در راه سیاست‌های خامنه‌ای امروز را به فردا برساند و شکست‌های تا امروز کل جمهوری اسلامی را از دیده دور بدارد.

این مشخص است که آب خوش از گلوی پزشکیان و کل حکومت اسلامی پایین نخواهد رفت. شعبده‌بازی به پایان رسیده و مبارزه برای تحقق آرمان‌های انسانی در جامعه با قدرت تمام در مسیر خود همچون همیشه به‌پیش خواهد رفت. آزادی زندانیان سیاسی، مبارزات کارگران و معلمان و بازنشستگان، مقابله با رژیم در دانشگاه‌ها و جنبش علیه اعدام و مبارزه بی‌همتا علیه حجاب و خلاصی فرهنگی آن غول آزاد شده‌ای است که هیچ قدرتی موفق به مهارش نیست. جمهوری اسلامی در هم شکسته‌تر، متفرق‌تر و زبون‌تر از آن است که در برابر این جامعه آگاه و هدفمند و متحد یارای مقاومت داشته باشد.

آن پرنده که بر شانه‌های پزشکیان نشسته است،

شاهین خوش‌اقبال نیست، "جغد شومی" است که راه قبرستان را در گوش "شاه" نجوا می‌کند.

قانونی شدن مجازات بی‌خانمان‌ها در آمریکا

پتی دبونیتاس

با حکم اخیر دادگاه عالی ایالات متحده شهرداری‌ها می‌توانند حضور و خوابیدن بی‌خانمان‌ها را در مکان‌های عمومی ممنوع و آنها را با جریمه نقدی و یا زندان مجازات کنند.

جواهری دیگر در تاج خودخوانده بودن بهترین، قوی‌ترین، پیشرفته‌ترین در هر چیزی – و ایالات متحده به‌وضوح در اینجا هم موفق شده است که از انسانیت دور شود.

جریمه و زندان کردن مردم به دلیل فقر و عدم

توانایی تهیه مسکن. براوو! فردا شاید، مجازات برای بیمار شدن؟ یادم آمد، شما هم اکنون این کار را انجام می‌دهید. آنهایی که توانایی پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور پزشکی را ندارند، محکوم به مرگ با تحمل درد هستند.

به یاد داشته باشید این چند نفر نشسته بر سکوی قضاوت به همراه فرمانداران و شهردارها و هم‌فکرانشان به تصویر دروغین آب‌نبات‌های رنگارنگ و کشور گل‌وبلبل، به "سرزمین آزادگان" باور دارند. تصویری که در آن بی‌خانمان‌ها با رفتار زشت و اخلاق ناخوشایند تنها کارشان ایجاد مزاحمت برای شهروندان است. کسانی که باید با جریمه و زندان از این رفتار دست بکشند تا شهرها پاکیزه و منزه شوند. آنها نمی‌خواهند کسی به

ذهنشان خطور کند و این را به یاد بیاورد که ایده "رؤیای امریکایی" بلعیده شدن بیشتر جامعه در گرداب فقر هر روزه است؛ نباید یادآور شد که این ایده فقط برای پُر کردن جیب عده محدودی است و باقی مردم را می‌توان جلوی "گرگ‌های وال‌استریت" پرتاب کرد.

دادگاه عالی ایالت متحده البته ترجیح می‌دهد که خیابان‌ها را به شکل قهرآمیزی پاکیزه کند تا سیستم، آن سیستمی که بانی و باعث فقر و بی‌خانه‌مانی مردم است حفظ شود.

دادگاه عالی ایالات متحده، در واقع بخش مهم و غیر قابل‌جایگزینی از ساختار قدرت و در خدمت "رؤیای آمریکا" است، نه در خدمت عدالت و

سلامت شهروندان آمریکا!.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۷

۸ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱۸ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

از ۱۸ تیر ۷۸ تا ۲۵ شهریور ۱۴۰۱

اصغر کریمی

راه مقابله با اقتصاد ورشکستهٔ رژیم

سینا پدرام

کاپیتان تیم فوتبال استقلال تنها نیست

کیوان جاوید

پاریس: عجب شبی بود!

کاظم نیکخواه

از ۱۸ تیر ۷۸ تا ۲۵ شهریور ۱۴۰۱

اصغر کریمی

۱۸ تیر ۱۳۷۸ نقطه عطف تاریخی مهمی در تاریخ مبارزات مردم ایران است که جامعه ایران را وارد فضای تازه‌ای کرد. منصور حکمت پس از این اتفاق، در مصاحبه‌ای تحت عنوان جنبش توده‌ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود، به نکات مهمی اشاره کرد و معنی سیاسی رای به خاتمی در سال ۷۶، اینکه چگونه گفتمان‌های سیاسی عوض شد، جنبش سرنگونی به میدان آمد، جایگاه جنبش‌های سیاسی تغییر کرد و اینکه رژیم دیگر قادر نیست ۳۰ خرداد دیگری برپا کند، را توضیح داد.

دهه هفتاد دوره مهمی در فضای سیاسی مبارزاتی ایران است. دوره‌ای که بحران‌های اقتصادی و سیاسی رژیم آشکار می‌شوند، جنگ ایران و عراق با تضعیف رژیم پایان یافته، شکاف‌های درون حکومت عریان شده و زمینه برای اعتراضات و شورش‌های مردمی فراهم شده است. با رای به خاتمی یا در واقع رای نه به ناطق نوری که کاندید اصلی نظام بود، شکاف‌ها تشدید میشود و مردم رسما وارد صحنه سیاسی میشوند. نسل جدیدی پا به حیات گذاشته و جامعه از دوران رخوتی که حدود یک دهه ادامه داشت، عبور میکند. کارگران و توده‌های مردم پس از یک دهه سرکوب خونین و جنگ ویرانگر کمر راست میکنند، زخم‌ها را التیام میدهند، به میدان میایند و

توازن قوا را گام به گام به نفع خود تغییر میدهند. ۱۸ تیر در چنین فضایی اتفاق می‌افتد و معادلات سیاسی را عوض می‌کند.

اعتصابات سراسری معلمان و کارگران واحد و سر بلند کردن ان‌جی‌او ها و تشکل‌های کارگری در دهه هشتاد، خیزش ۸۸ و سپس ۹۶، ۹۷ و ۹۸ یکی پس از دیگری جلو میایند. رژیم در سراشیبی افتاده، زیراب سیاسی و ایدئولوژیک آن بویژه توسط نسل‌هایی که در دوران جمهوری اسلامی پا به حیات گذاشته زده میشود و عملا انقلابی فرهنگی صورت میگیرد، بحران‌های سیاسی و اقتصادی مدام عمیق‌تر میشود و همه اینها زمینه‌ساز انقلابی سیاسی، انقلاب زن زندگی

آزادی در سال ۱۴۰۱ میشود.

جامعه ایران این رژیم را نمیخواهد و روی خط ثابتی حرکت کرده و پیشروی زیادی کرده است. انقلاب زن زندگی آزادی ادامه تیر ۷۸ است. اما صدبار عمیق‌تر، چپ‌تر و متشکل‌تر. این مسیر با بی‌اعتبار شدن جریانات راست و رشد شعارها، مطالبات و گفتمان‌های چپ در میان توده‌های وسیع مردم همراه بوده است اما به انتخاب حزب سیاسی خود نیاز حیاتی دارد تا کار را یکسره کند.

راه مقابله با اقتصاد ورشکستهٔ رژیم

سینا پدرام

نقدینگی در ایران درپایان سال گذشته به مرز ۸ هزار تریلیون تومان رسید. بنا به خبرهای درج شده در مطبوعات ایران، آمارهای جدید بانک مرکزی که روز یکشنبه ۱۷ تیرماه منتشر شده، حاکی از آن است که در دوره ریاست جمهوری رئیسی، حجم نقدینگی بیش از دو برابر شده است. با توجه به آمار ارائه شده، نقدینگی تولید شده در دوره دولت رئیسی از کل نقدینگی تاریخ اقتصاد ایران تا زمان استقرار دولت سیزدهم بیشتر است.

نقدینگی مهمترین عامل تورم است و این شاخص

در ایران، ناشی از چاپ افسارگسیخته پول بدون پشتوانه از طرف بانک مرکزی برای جبران کسری بودجه دولت انجام می‌شود. اینکه چاپ پول بدون پشتوانه باعث کاهش ارزش پول و به این اعتبار افزایش قیمتها و تورم میشود دانسته عمومی است. اما مکانیسم تورم و به این اعتبار مهار آن پیچیده تر از فرمان های حکومتی است که یک عمر مردم از دهان خامنه ای و شرکا شنیده اند.

فاکتورهای اقتصادی تعدیل تورم نه در دستور کار رژیم اسلامی است و نه ابزار چنین کنترل هایی را در اختیار دارد. به عبارت ساده درآمد سالانه کشور بیشتر از آنکه خرج مردم شود،

مصرف یک لیست بلند بالای اقدامات نظامی، مذهبی، تروریستی فقط برای سر پا نگه داشتن ابزارهای سرکوب، تحمیق و کنترل مردم در ایران و منطقه شده و میشود. دیگر تمامی ناظران سیاسی و اقتصادی جدی در حوزه سیاست ایران بر سر سیاسی بودن فلاکت اقتصادی در ایران متفق القول هستند. آنچه از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است این واقعیت است که رژیم در هر دو حوزه سیاسی و اقتصادی زمین گیر شده است. تحمیل فقر بیشتر به مردم در شرایطی است که نارضایتیهای اجتماعی هر چند سال یک بار تمامی بود و نبود رژیم را زیر سوال میبرد.

در چنین اوضاعی که بحران سیاسی و اقتصادی

تمامی حوزه های حیاتی رژیم را زیر فشار قرار داده است تغییر مهره هایی مانند رییس جمهور و رییس مجلس و غیره، هیچ معادله جدی در ساز و کارهای اجتماعی سیاسی و اقتصادی را تغییر نخواهد داد.

راه حل تغییرات سیاسی جدی در مسیر حل بنیادی همه معضلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مدتها است اعلام شده و مردم حکم خود را برای خلاصی از این اوضاع صادر کرده اند. تغییراتی که نشانی از رژیم بر جای نخواهد گذاشت.

کاپیتان تیم فوتبال استقلال تنها نیست

کیوان جاوید

با وجود انتخاب حسین حسینی، کاپیتان استقلال، به‌عنوان بهترین دروازه‌بان فصل بیست و سوم لیگ برتر، باشگاه استقلال تاکنون موفق نشده مجوز امنیتی برای ادامه فعالیت کاپیتانش را دریافت کند.

در بازی استقلال با آلومینیوم اراک، یکی از دختران هوادار استقلال وارد زمین شد و از سد مأمورین گذشت و کاپیتان استقلال را در آغوش گرفت که منجر به مشاجرهٔ نیروهای یگان ویژه با حسینی شد. کمیته انضباطی، حسینی را به یک جلسه

محرومیت تعلیقی و ۳۰۰ میلیون تومان جریمه محکوم کرد. کاپیتان استقلال هم با طعنه به رأی کمیته انضباطی گفت: "جریمه را می‌پردازم، فدای سر آن خانم."

این "مشاجره" پایان نیافته است، "دو تیم بزرگ‌تر" درگیر این مسابقه نفس‌گیر هستند. در یک سو کل جمهوری اسلامی ایستاده است که می‌داند در صورت رضایت‌دادن به آن بغل باید منتظر عواقب سخت‌تر اجتماعی باشد؛ باید بپذیرد که از این به بعد هواداران دختر به وسط زمین فوتبال بپرند و شخصیت‌های محبوب خود را در آغوش بگیرند. این یک رسم جهانی در همه مسابقات، بویژه فوتبال است که "جیمی جامپ" ها از سد

مراقبین عبور می‌کنند و با ستاره‌های تیم عکس می‌گیرند یا از سیاستی که در جامعه مطرح است انتقاد می‌کنند. در هیچ کجای جهان بازیکنی برای چنین کاری جریمه یا محروم نمی‌شود. در ایران اما این اسلام و حکومت مذهبی است که با یک بغل، بنیادش به فنا می‌رود و حکومت خود را در سراشیب سقوط می‌بیند.

در برابر این رخداد اجتماعی که فراتر از یک بغل ساده است باید در کنار حسین حسینی، کاپیتان استقلال ایستاد و از او با تمام وجود حمایت کرد. بهترین و مؤثرترین حمایت این است که همه باشگاه‌ها نسبت به این موضوع فعالانه از حسینی حمایت کنند. هواداران باشگاه‌ها در این میان

نقش اساسی دارند و می‌توانند فشار سنگینی بر باشگاه‌های مورد حمایتشان باشند.

همه شهروندان در ایران که از اسلام و حکومت اسلامی جانشان به لب رسیده است می‌توانند موتور محرکه یک اعتراض اجتماعی نسبت به این واقعه باشند. جواب مردم به این رویداد یک نه بزرگ فرهنگی و سیاسی به حکومت اوباش اسلامی است و رژیم را بیشتر در لاک دفاعی فرو خواهد برد. حسینی، کاپیتان تیم استقلال تنها نیست. این را باید در کلهٔ پوک حکومت فروکرد.

پاریس: عجب شبی بود!

کاظم نیکخواه

شادی! رقص! اشک شوق! و احساس عمیق تسکین و راحتی. پاریس دیشب، یکشنبه ۱۷ تیر، را اینچنین گذارند. "جبهه مردمی جدید"، که ائتلافی از کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها و چپ میانه است به نحو غیرمنتظره‌ای اکثریت کرسی‌های پارلمان را بدست آورد. از یک هفته پیش و بعد از انتخابات برای پارلمان اروپا، قدرت گیری فاشیست‌ها قطعی بنظر می‌رسید. باردِلا رهبر حزب فاشیستی اجتماع ملی نطق پیروزیش را در جیب داشت. رسانه‌ها و مفسرین همه پیروزی فاشیست‌ها را قطعی می‌دانستند. داستان به‌قدرت‌رسیدن هیتلر در آلمان

در دهه ۳۰ زنده شده بود. اروپا در وحشت بود.

یک هفته قبل در ۳۰ ژوئن حزب فوق دست راستی "اجتماع ملی" با اکثریت بالایی در انتخابات پارلمان اروپا دوبرابر ائتلاف مکرون رأی آورد، و درنتیجه مکرون انتخابات زودرس را اعلام کرد. اما در این انتخابات ائتلاف او نیز شکست سختی را متحمل شد و در ردیف دوم قرار گرفت.

تهاجم دولت مکرون به معیشت، درمان، بیمه‌های بیکاری و درمانی، همراه با بالابردن سن بازنشستگی، و سیاست‌های پناهندگی، مردم فرانسه را بشدت از مکرون متنفر کرده است. جریانات دست راستی از عدم محبوبیت مکرون برای پیشروی به‌خوبی استفاده کردند تا همان برنامه‌ها را با دوز بالایی

از سیاست‌های ضد پناهندگی و نژادپرستانه اجرا کنند. خطر بسیار نزدیک شد.

اما مردم فرانسه یک‌بار دیگر پا به میدان گذاشتند و فاشیست‌ها را سر جای خود نشاندند. دیشب حدود ۲۰ هزار نفر در میدان جمهوری پاریس گرده آمده و رقصیدند و شادی کردند و سرود انترناسیونال خواندند. "جبهه مردمی جدید" متشکل از کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها و چپ‌های میانه بیشترین رأی را آورد.

این جبهه برنامه فوری خود را افزایش حداقل دستمزد و حقوق بازنشستگان، و تعیین سقف قیمت سوخت و مواد غذایی، لغو طرح افزایش سن بازنشستگی، افزایش کمک‌هزینه معلولین، حذف

مالیات ده‌درصدی بر انرژی، ساخت ۲۰۰ هزار واحد مسکونی، لغو قوانین ضد پناهندگی و ورود پناهندگان اعلام کرده است. برنامه‌های دیگری برای محیط‌زیست و اقتصاد نیز اعلام شده است.

انتخابات فرانسه نشان داد که این کشور بشدت قطبی است و نیاز به کار اساسی دارد. بعید بنظر میرسد که جبهه رنگارنگی از چپها بتواند مسائل اساسی این کشور را که ریشه در بحرانهای عمیقتری در سیستم حاکم دارد، حل نماید. اما تا همینجا این جبهه کار سترگ و تاریخی ای را به انجام رسانده است و آن شکست فاشیستهاست. برای پیروزی تماما عیار باید تماما به سوسیالیسم اتکا کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۸

۹ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱۹ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

پزشکیان و سیاست خارجی‌اش

یک سؤال از محسن ابراهیمی

مصافی مهم علیه اعدام و آدمکشی جمهوری اسلامی!

حسن صالحی

جمهوری اسلامی و جنایت آشکار علیه کولبران

هژار علی‌پور

بازنشستگان و فریاد برابری‌خواهی

سیما بهاری

پزشکیان و سیاست خارجی‌اش

یک سؤال از محسن ابراهیمی

سوسن صابری: یکی از مواردی که اصلاح‌طلبان در تبلیغاتشان برای پزشکیان تلویحاً طرح می‌کردند رویکرد ملایم‌تر وی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بود. امروز می‌بینیم که پزشکیان در پیامی به حسن نصرالله، در پاسخ به تبریک وی، اعلام می‌کند که پشتیبانی جمهوری اسلامی از "مقاومت" " با قدرت تداوم خواهد داشت". شما چه فکر می‌کنید؟ آیا با وجود پزشکیان تغییری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی رخ خواهد داد؟

محسن ابراهیمی: پزشکیان گفته "ذوب در رهبری

است". "فتوا" داده است که شک کردن به ولایت‌فقیه جایز نیست و اینکه مشکلات کنونی در خودداری مسئولان از اجرای سیاست‌های رهبری ریشه دارد. اطمینان داده است قرار نیست برنامه جدید بنویسد و سیاست جدیدی اجرا کند. برعکس، قصد دارد تماماً سیاست‌های رهبری را پیش ببرد. هرجا هم جمله‌ای درباره مثلاً برجام ادا کرده است، مثلاً وقتی گفته است که تلاش خواهد کرد طرف مقابل - یعنی آمریکا - به تعهداتش برگردد و تحریم‌ها را رفع کند، یادش نرفته فوراً قسم بخورد که سیاست‌های کلان را رهبری تعیین می‌کند و او خدمتگزار دست‌به‌سینه رهبری است.

آیا همین‌ها به‌اندازه کافی نشان نمی‌دهند که اوضاع از چه قرار است؟ که تبلیغات اصلاح‌طلبان ژستی توخالی برای بازارگرمی نمایش انتخاباتی بوده است؟

که مستقل از اینکه چه کسی از کدام باند حکومتی را از صندوق بیرون بکشند، جمهوری اسلامی چه در عرصه داخلی و چه در عرصه مناسباتش با جهان غرب با همان بحران‌ها و بن‌بست‌هایی موجه خواهد بود که سال‌ها گریبان‌گیرش بوده است؟

پزشکیان گفته است سیاست‌های "مقام معظم" را پیش خواهد بود. همان کسی که به قول خودش اگر نبود به‌راحتی سر از صندوق در نمی‌آورد. با این حساب معلوم است "رویکردهای ملایم‌تر" او در باره سیاست خارجی چه رنگ و بویی خواهد داشت!

رکن سیاست خارجی خامنه‌ای چیست؟ همان است که تا همین امروز جمهوری اسلامی پراتیک کرده و همین‌الان هم ادامه می‌دهد و خامنه‌ای بارها در باره‌اش لفاظی کرده است. از جمله

اینکه بارها توهمات احمقانه‌اش در باره سیاست خارجی جمهوری اسلامی را با عناوینی مثل "نگاه به شرق" توصیف کرده است؛ از شکل‌گرفتن "نظم نوین جهانی" حرف زده است که در آن آمریکا منزوی می‌شود، آسیا قدرتمند می‌شود و ان‌شاءالله "ایدئولوژی مقاومت" گسترش می‌یابد و "میدان" برای این ایدئولوژی توسعه پیدا می‌کند! اینها البته چیزی نیست جز آرزوهای ولی‌فقیه شکست‌خورده که نه‌تنها از به اهتزاز در آوردن پرچم اسلام در واشنگتن و پایتخت‌های دنیا ناامید شده است؛ بلکه پرچم اسلام را در خود کشور تحت سلطه‌اش هم دارند به زیر می‌کشند!

با اتکا به توهمات بالا است که حکام اسلامی ثروت نزدیک به ۹۰ میلیون شهروند را به جیب گشاد نیروهای اسلامی می‌ریزند تا در "عمق استراتژیک"

جمهوری اسلامی بمب منفجر کنند، موشک پرتاب کنند و به ترور اسلامی ادامه دهند. با اتکا به این توهمات است که خامنه‌ای دو ماه پیش بار دیگر تأکید کرد برنامه هسته‌ای ادامه خواهد داشت؛ نگران تحریم‌ها هم نیست؛ تحریم‌ها زمینه‌ساز "شکوفایی استعدادها" است و کمک می‌کند "ظرفیت‌های داخل کشور" بروز پیدا کند!

سیاست خامنه‌ای و جمهوری اسلامی ریختن تخم‌مرغ‌های حکومت در جیب ولادیمیر پوتین و شی جین‌پینگ است؛ چون ظاهراً آنها امیدی برای تأمین امنیت حکومت اسلامی هستند و روز مبادا به دادش خواهند رسید! سیاست رهبری همین است که پزشکیان حسن نصرالله را مطمئن کرده است که به‌عنوان کارگزار جمهوری اسلامی در ریاست‌جمهوری از آن تبعیت خواهد کرد: پشتیبانی

از "محور مقاومت". یعنی ریختن ثروت جامعه به جیب‌های گشاد نصرالله و دار و دسته‌های اسلامی دیگر برای ادامه اعمال تروریستی در منطقه!

انتظار دگردیسی تدریجی حکومت اسلامی در زمینه سیاست خارجی از یک حکومت تروریست منطقه‌ای به یک حکومت متعارف خواهان مناسبات متعارف دولت‌ها با هم و متعهد به همین میثاق‌های بین‌المللی یک توهم است. حکومت اسلامی نمی‌تواند چنین تغییراتی را در دستور بگذارد و عملی کند؛ چون معنای عملی‌اش زیر پا گذاشتن یکی از ارکان اصلی ساختار سیاسی‌اش یعنی ضدیت با غرب است. زیر پا گذاشتن هویت سیاسی ای است که خود را از اول با آن تعریف کرده است. همچنین باید برای بارها هم که شده تأکید کنیم که حکومت اسلامی غرق در بحران حکومتی در داخل، حکومت اسلامی که

یک انقلاب قدرتمند را همین دو سال پیش تجربه کرده‌است، بیش‌ازپیش روی ظاهرشدن به‌مثابه یک قدرت اتمی در منطقه، به‌مثابه راه نجات از سرنگونی در داخل، به‌مثابه یک رکن مهم در استراتژی بقا در داخل حساب می‌کند. روشن است که حتی اگر حکومت اسلامی به بمب اتم هم دست پیدا کند، راه فراری از انفجار سیاسی میلیون‌ها مردم در ایران ندارد که عمارت آغشته‌به‌خون و چرک و کثافت و فسادش را قطعاً ویران خواهند کرد.

مصافی مهم علیه اعدام و آدمکشی جمهوری اسلامی!

حسن صالحی

زندانیان کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در بیست و چهارمین هفته اعتصاب‌غذای خود ضمن محکوم‌کردن صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی، فعال کارگری، در مورد افزایش احتمالی اعدام‌ها پس از مضحکه انتخابات رژیم هشدار داده‌اند.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی برای کشاندن مردم به‌پای صندوق‌های رأی، موج اعدام‌های

گسترده را مدتی متوقف کرد. اکنون اجرای احکام ضدبشری اعدام دوباره شروع شده است به‌طوری که در روزهای اخیر حداقل ۱۲ نفر توسط جمهوری جنایت کار اسلامی اعدام شده‌اند. تعداد این اعدام‌ها اگر با اعتراض وسیع و گسترده همه ما روبرو نشود می‌تواند سیر صعودی به خود بگیرد.

جمهوری اسلامی یک روز قبل از مرحله دوم سیر ک انتخاباتی، شریفه محمدی را به جرم دفاع از حقوق کارگران و با اتهامات واهی و پوچ مثل "بغی" به اعدام محکوم کرد. قبل از هر چیز این وظیفه همه ماست که علیه حکم اعدام صادر شده برای شریفه محمدی اعتراضات وسیعی برپا داریم. خوشبختانه تا کنون از بخش‌های مختلف مردم و نهادها و تشکل‌های مردمی اعتراضات خوبی به این حکم ضدانسانی و

گستاخانه صورت گرفته است. این اعتراضات در فضای انقلابی جامعه امروز ایران می‌تواند و باید به لغو حکم اعدام شریفه محمدی بینجامد و ما باید این را با اتحاد همه‌گیر خود تضمین کنیم.

موفقیت ما در زمینه مقابله با ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی با یادآوری اینکه رژیم اسلامی اعدام کرده و می کند حاصل نخواهد شد. جمهوری اسلامی رژیم اعدام است و با اعدام و سرکوب بر سر کار است. آنچه ما بدان نیاز داریم اتحادی فراگیر است که بتواند در مقابل جنایات جمهوری اسلامی قد علم کند. این بدان معناست که ده‌ها هزار معترض در خیابان‌های کشورهای مختلف دنیا علیه آدم کشی‌های جمهوری اسلامی تحت هر عنوانی که باشد به حرکت در آیند. اعدام چه برای زندانیان

سیاسی و عقیدتی باشد و چه به برای محکومین مربوط به جرایم جنایی نظیر قتل و یا مواد مخدر، ضدانسانی و جنایت است و باید ممنوع شود.

ما در همبستگی با زندانیان کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" اعلام می‌داریم که در کنار آنها و با تمام قوا برای متوقف کردن ماشین آدمکشی و جنایت جمهوری اسلامی خواهیم ایستاد و در آماده‌باش کامل برای مقابله با هر نوعی اعدامی هستیم.

جمهوری اسلامی و جنایت آشکار علیه کولبران

هژار علی‌پور

طبق گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر، جمهوری اسلامی از «قوه قهریه بیش از حد و کشنده» علیه کولبران استفاده می‌کند. تنها در سال ۱۴۰۲ دست‌کم ۴۴ کولبر کشته و ۴۶۳ تن دیگر زخمی شدند که هشتاد درصد این کشتار به دلیل حملات مستقیم مأمورین جمهوری اسلامی صورت‌گرفته است.

اگر در این یادداشت به جنایات حکومت اسلامی در یک دهه گذشته علیه کولبران و سوختبران، این دو قشر محروم از زندگی در کردستان و

بلوچستان، نگاهی آماری بیندازیم، متوجه یک جنایت و آدم‌کشی برنامه‌ریزی‌شده می‌شویم که باید آن را به تبعیض و انواع ستم علیه مردم ساکن این مناطق اضافه کرد. در یک دهه گذشته بیش از دو هزار کولبر کشته و هزاران نفر دیگر مجروح و یا معلول شده‌اند. این جنایات در مورد سوختبران هم به همین منوال جریان داشته است.

جرم چیست؟!

جمهوری اسلامی به بستن اتهام «قاچاق» و «قاچاقچی» خواندن کولبران زحمت‌کش هم بسنده نکرده و بارها شاهد اتهامات امنیتی و یا «جاسوسی» و «ضدانقلاب» برای کشتار و سرکوب آنها و یا دستگیری فعالین مدنی و اجتماعی بوده‌ایم. آخرین نمونه یک کولبر اهل سردشت بنام ادریس

آلی در همین چند روز گذشته توسط دادگاهی در ارومیه با اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» به اعدام محکوم شده است.

مسدودکردن معابر مرزی توسط سپاه پاسداران و عدم وجود زیرساخت‌های اقتصادی و محرومیت از امکانات و فرصت‌های شغلی و تحصیلی، راه دیگری برای بقا و امرارمعاش برای هزاران خانوار در کردستان و بلوچستان باقی نگذاشته است. رژیم مسیری که کولبری یا سوختبری به‌عنوان آخرین انتخاب برای تهیه یک‌لقمه‌نان است را راه «قاچاق» می‌خواند، اما مسیری که مافیای سپاه تروریستی پاسداران، از همان مرزها، کانتینر «سوخت، طلا و حتی دلار» خارج و صادر می‌کند «آزاد» می‌داند و هیچ ممانعتی وجود ندارد. کشتار کولبران و

سوختبران برای خفه کردن و ارعاب ابزاری است در ادامه طناب‌های دار حکومتی. مردم مجرمین اصلی و واقعی را می‌شناسند.

توجه عمومی به وضعیت هولناک زندگی کولبران و سوختبران توسط همه مردم در سراسر ایران و به‌ویژه در مناطق موردنظر امری حیاتی و مهم است. با اعتراضات اجتماعی و سازمان‌دادن نهادهای مدافع کولبران و سوختبران مانع از جنایت حکومت اسلامی علیه این انسان‌های زحمت‌کش شویم.

بازنشستگان و فریاد برابری‌خواهی

سیما بهاری

اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری، مخابرات و فولاد در چند شهر کشور روز یکشنبه ۱۷ تیر با تأکید بر "ظلم و ستم مضاعف" حکومت به زنان در ایران و خواست آزادی شریفه محمدی، فعال کارگری محکوم‌به‌اعدام، برگزار شد.

صحنه‌های تقابل مردم با حکومت هر روز پنجره‌های بیشتر با چشم‌اندازهای زیباتری را در برابر دیدگان ما قرار می‌دهد. شعارهای اعتراضات بازنشستگان از "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" گذشت و به اعتراض به احکام اعدام رسید. از " حقوقهای

نجومی و فلاکت عمومی“ گذشت و به معیشت منزلت برای همه رسید. امروز سخن از تبعیض مضاعف و نابرابری زن و مرد است. اعتراض به نظامی است که علیه انسان و انسانیت بودن فلسفه وجودی‌اش است. درست در بحبوحهٔ تبلیغات انتخاباتی و بیرون آمدن نام مهرهٔ گوش‌به‌فرمان دیگری از صندوق حکومت، بازنشستگان یا همان از پای ننشستگان در شهرهای زیادی در میدان هستند تا بگویند به ”خیر حکومت“ امیدی ندارند. تا بگویند قدرتشان را در فشردگی صف اعتراضاتشان جستجو می‌کنند، قدرتشان را در شعارهای انسانی، رادیکال و شفافشان می‌بینند. این شفافیت و فشردگی صفوف بازنشستگان را هر هفته شاهد هستیم. بازنشستگان شده‌اند تنور داغ انقلاب زن زندگی آزادی و نقطهٔ امید جامعه.

خواست برابری زن و مرد یک خواست بسیار قوی و ریشه‌ای در ایران است. به‌خصوص بعد از شروع انقلاب زن زندگی آزادی مسئلهٔ ستم مضاعف و تبعیض نسبت به زنان در اعتراضات مختلف بیان می‌شود. طرح شعار "زن و مرد برابرند، متحد و دلاورند" در اعتراض بازنشستگان در تهران و اعتراض به‌حکم اعدام شریفه محمدی فعال کارگری، نشان‌دهنده روشن‌بینی بازنشستگان و اجتماعی بودن اعتراضات آنهاست.

خواست لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، رفاه عمومی، برابری زن و مرد، و همهٔ مطالباتی که این روزها کارگران نفت و بازنشستگان و جوانان و همهٔ بخش‌های مختلف مردم مطرح می‌کنند، به علاوهٔ عدم حضور بسیار وسیع مردم در سیرک

انتخابات، همه‌وهمه نشان‌دهنده این امر مهم است که مردم به نیروی اتحاد خودشان امید دارند. جهان دیگری ممکن است و عزم جزم مردم و فریاد خواست‌هایشان این را نشان می‌دهد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۷۹

۱۰ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۲۰ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

شریفه محمدی باید بی‌قیدوشرط آزاد شود!

پریسا پوینده

آزادی احمدرضا جلالی امر همه ماست!

مصطفی صابر

پلمب دفتر ترکیش ایرلاین به‌خاطر بی‌حجابی

میلاد رسایی منش

پزشکیان: هشیاری مردم، توهم خالد عزیزی!

نسان نودینیان

شریفه محمدی باید بی‌قیدوشرط آزاد شود!

پریسا پوینده

۵۵ زندانی سیاسی اعلام کرده‌اند، فردا پنجشنبه ۲۱ تیر در اعتراض به‌حکم اعدام شریفه محمدی اعتصاب‌غذا خواهند کرد!

این روزها شریفه محمدی، چهره‌ای آشنا برای تمام کسانی است که قلبشان برای انسانیت می‌تپد. شریفه محمدی، فعال کارگری است که برای احقاق حقوق کارگران، یعنی اکثریت جامعه که زندگی روزانه‌شان زیر فشار اختلاس‌ها و دزدی‌های میلیاردری "آقاها و آقازاده‌ها" له شده، مبارزه کرده است. در یک شرایط انسانی،

شریفه می‌بایست به دلیل فعالیت‌های بسیار انسانی‌اش جایزه می‌گرفت. اما او و هزاران فعال سیاسی و مدنی در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی، به زندان‌های طویل‌المدت و حتی مرگ محکوم می‌شوند. بر علیه این شقاوت و گستاخی رژیم، کمپین وسیعی در سراسر جهان براه افتاده است که یک‌سرش در ایران و در زندان‌های جمهوری اسلامی است. طی چند روز گذشته پیام‌ها و بیانیه‌های مختلفی از طرف زندانیان، فعالین سیاسی و مدنی و سازمان‌ها و احزاب در ایران و سراسر دنیا منتشر شده است.

آنچه که بار دیگر چشم‌ها را به‌سوی زندانی سیاسی، این صدای اعتراض جامعه، خیره کرده

است، نامه ۱۶ زندانی سیاسی زن زندان اوین بود. آنها اعلام کردند: "کنار تمام کسانی که خطر حکم مرگ تهدیدشان می‌کند ایستاده‌ایم و خواهان توقف حکم اعدام هستیم. این نه فقط حکم اعدام شریفه، بلکه حکم اعدام همه "ما" فعالین کارگری، سیاسی، مدنی، حقوق بشری و فعالین حوزه زنان است ."

این نامه تنها یک بیانیه نبود، بلکه دادخواهی و مانیفستی است که امروز زندانیان سیاسی به طور روشن علیه اعدام، این عمل شنیع ضدانسانی و در حمایت از محروم‌ترین بخش جامعه یعنی کارگران و در دفاع از آزادی‌های سیاسی – اجتماعی اعلام کرده‌اند.

اما این دادخواست پایان اقدام شجاعانه زندانیان سیاسی نیست. اعلام اعتصاب غذا توسط ۵۵ زندانی سیاسی اعتراض به‌حکم شنیع اعدام علیه شریفه محمدی و پیوستن آنها به کمپین حمایت از این فعال کارگری یک گام بسیار مهم و مؤثر دیگری در پیش‌بردن این کمپین است. این اقدام جسورانه شایسته بیشترین حمایت‌ها از سوی جامعه است و به احترام آن باید کلاه از سر برداشت. حمایت از شریفه به پرچمی در دفاع از حرمت و کرامت انسانی تبدیل شده است. این پرچم را در سراسر جهان باید برافراشته نگه داریم.

آزادی احمدرضا جلالی امر همه ماست!

مصطفی صابر

روز دوشنبه، ۱۸ تیر سازمان عفو بین‌الملل فراخوان اقدام عاجل در مورد خطر اعدام احمدرضا جلالی صادر کرد.

احمدرضا جلالی دانشگاهی ایرانی – سوئدی است که هشت سال است توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده و بارها تحت شکنجه و انواع بدرفتاری‌ها قرار گرفته و به اعدام محکوم شده است. ایشان دچار انواع بیماری هم شده و وضعیت سلامتی او شدیداً در خطر است. چندی پیش نیز که دولت سوئد با انتقال حمید نوری به

ایران دو شهروند سوئدی گروگان گرفته شده را آزاد کرد، به طور عجیب و غیر قابل توضیحی احمدرضا جلالی را کلاً فراموش کرد. اعتراضات ویدا مهران نیا همسر ایشان و بسیاری سازمان‌ها و شخصیت‌ها به دولت سوئد نیز تابه‌حال به جایی نرسیده است.

برای آزادی فوری احمدرضا جلالی تلاش‌های زیادی شده و اخیراً نیز این تلاش‌ها گسترش یافته است. از جمله همین یکشنبه هشتم جولای، کارزار جهانی نه به اعدام در ایران در جلسه علنی هفتگی خود با شرکت کسانی چون ویدا مهران نیا، غزاله شارمهد (دختر جمشید شارمهد، زندانی به گروگان گرفته شده دیگری که به

اعدام محکوم شده است)، علیرضا آخوندی سیاستمدار سوئدی - ایرانی و حسن صالحی سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام این هدف را به‌طورجدی در دستور قرار داد تا ائتلاف و همکاری وسیعی بین همه فعالین علیه سیاست گروگان‌گیری جمهوری اسلامی شکل بگیرد.

مبارزه برای آزادی احمدرضا جلالی و به شکست کشاندن سیاست کثیف گروگان‌گیری جمهوری اسلامی که متأسفانه با همکاری دول غربی ادامه دارد، امری مربوط به همه ماست.

پلمب دفتر ترکیش ایرلاین به‌خاطر بی‌حجابی

میلاد رسایی منش

یک مقام "شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی" اعلام کرد که دفتر هواپیمایی ترکیش ایرلاین، سه‌شنبه ۱۹ تیر، به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری، توسط "اداره نظارت بر اماکن عمومی" پلمب شده است. آن‌طور که گفته شده، این اتفاق اندکی بعد از گفتگوی تلفنی بین اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، و پزشکیان رئیس‌جمهور جدید حکومت اسلامی در ایران صورت گرفته است.

به نظر می‌رسد، تنش، به تعبیر جواد ظریف، بین "میدان" و دولت و حضور و دخالت میدان، هنوز

دولتی شکل نگرفته آغاز شده است. بستن شرکت هواپیمایی ترکیش ایرلاین به بهانه عدم رعایت حجاب، قبل از آنکه حتی پزشکیان "تنفیذ" شود، تنها نشان از یک واقعیت دارد: وعده‌های کاندیدی که از صندوق بیرون می‌کشند پوچ است. مهم نیست که چه کسی را با چه ادعایی رئیس‌جمهور کنند، داعشیان حاکم در ایران، همچنان برای بازپس گرفتن سنگر حجاب بیهوده تقلا می‌کنند.

تکلیف مزدوران حکومت معلوم است. اما باید به هر کسی که در بی‌رمق‌ترین نمایش انتخاباتی حکومت اسلامی به بهانه و با توجیه بهبود اوضاع شرکت کرده یادآوری کرد که حکام اسلامی

بارها نشان داده‌اند که کوچک‌ترین تغییر را بر نمی‌تابند و راه نجات فقط نابودی این حکومت از طریق یک انقلاب است.

پلمب دفتر ترکیش ایرلاین، نشانگر ادامه تنش‌ها و درگیری‌ها در داخل نظام بعد از درآوردن پزشکپور از صندوق است. درگیری‌هایی که می‌تواند فرجه و فرصت تازه‌ای برای شعله‌ورشدن آتش خشم و انقلاب مردم فراهم کند. انقلابی که اگر مجدداً تبلور خیابانی پیدا کند، می‌تواند دنیا را از شر فاشیسم اسلامی خلاص کند.

پزشکیان: هشیاری مردم، توهم خالد عزیزی!

نسان نودینیان

خالد عزیزی سخنگوی حزب دموکرات کردستان ایران در مصاحبه با تلویزیون ایران اینترنشنال درباره پزشکیان و وعده‌های او، به اصلاح‌طلبان دخیل می‌بندد، در آنها روزنه‌های "تغییر" را می‌بیند و روی آنها برای اصلاح جمهوری اسلامی حساب باز می‌کند.

او می‌گوید بعد از انتخاب پزشکیان عرصه سیاسی ایران وارد بُعد تازه‌ای شده است. مردم در ایران و کردستان از پزشکیان سؤال بکنند و سرنگونی را کنار بگذارند. یعنی بجای به میدان آوردن و

تقویت جنبش‌های مردمی، جنبش علیه حجاب و عفاف، جنبش دادخواهی، جنبش علیه اعدام، مبارزات پیگیر کارگران و بازنشستگان علیه فقر و فساد، دنباله‌رو وعده‌های پزشکیان بشوند و از او بخواهند "مسئله و قومی" را حل بکند!

خالد عزیزی با رئیس‌جمهور شدن پزشکیان آلترناتیوسازی را در درون رژیم محتمل دانسته و می گوید دوره براندازی (سرنگونی) تمام شده است. او در جواب به مجری برنامه که می گوید شما در کانتکست جمهوری اسلامی صحبت می کنید و می گویید مردم از پزشکیان بخواهند وعده‌ها را عملی کند و این یک‌قدم به عقب است از براندازی، پاسخ می‌دهد طبیعتاً موقعی که پزشکیان وعده

داده، دیگر براندازی (سرنگونی) جمهوری اسلامی مطرح نیست! با این اظهارات، خالد عزیزی، مساله سرنگونی را صریحاً کنار می‌گذارد و عملاً پیام واضح و روشنی به پزشکیان ذوب شده در خامنه‌ای و جمهوری اسلامی می‌دهد که آماده هر نوع بندوبست و سازش و مذاکره است.

حزب دموکرات کردستان ایران ید طولانی در سازش و مذاکره با جمهوری اسلامی دارد. قبل از خیزش مردمی زن زندگی آزادی، مرکز همکاری احزاب کردستان در کشور نروژ مذاکرات مخفی با عوامل جمهوری اسلامی را شروع کرد. با شروع این خیزش پروژه سازش و بندوبست آنها تعطیل شد. در واقع با انقلاب مردم، مذاکرات با جمهوری

اسلامی رسوا شد.

حزب دموکرات کردستان ایران به طور واقعی در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ عقب افتاد و برنامه و چشم‌انداز مشخصی نداشت. برای ماه‌های طولانی دنباله‌رو رویدادهای انقلابی و پیشروی‌های جنبش سرنگونی بود. اظهارات خالد عزیزی در این گفتگو نشان می‌دهد که این حزب با رئیس‌جمهور شدن یک اصلاح‌طلب حکومتی، دور جدیدی از بندوبست و رسوایی سیاسی را آغاز کرده است!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۰

۱۱ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۲۱ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

صدف باغبانی و "هنجارهای" ناهنجار

سینا پدرام

خواهران دادرس و نبرد برای انسانیت

سهیلا دالوند

احضار ۱۰۰ نفر از فعالین مدیای اجتماعی

عبدل گلپریان

چت با "شین"، از خوانندگان ژورنال

کیوان جاوید

صدف باغبانی و "هنجارهای" ناهنجار

سینا پدرام

صدف باغبانی، بازیگر تئاتر، از مجروحان انقلاب زن زندگی آزادی که در چهلم حدیث نجفی هدف گلوله‌های ساچمه قرار گرفته بود، جدیداً عکس‌هایی از بدن پر از ساچمه خود را در مدیای مجزای به اشتراک گذاشت که بازتاب گسترده‌ای داشته است.

او در یکی از پیام‌های خود نوشت: "امروز با طناز در مورد هنجارشکنی یه شوخی ریزی کردیم ولی من این کلمه موند تو ذهنم چون سالها با این کلمه منو تو مدرسه، جمع فامیل، جامعه، دانشگاه،

محیط کار و حتی بین جمع‌های دوستانه کوبیدن تو دیوار....

... من سال‌ها تو کشوری زندگی کردم که برای تمام رفتارهام مجازاتم کردن و حرف‌های زیادی پشت سرم زدن اما حالا میخوام یک بار برای همیشه این خشم و فریاد بزنم بگم که ” تنِ من و جنسیت من هنجار نیست که سال‌ها با هرکاریم بهم گفتید هنجار شکنی نکن.“

این من،

این تنِ من

غرق در هنجارهایی که شما شکستید.“

واقعاً نیاز به توضیح زیادی نیست. حرف‌های صدف باغبانی حرف میلیون‌ها دختر و زن و پیر و

جوان است که زیر سایه شوم حکومت اسلامی عمر خود را گذرانده‌اند. سالهاست، شاید قرن‌هاست که انسانیت را با "هنجارها" به صلابه کشیده‌اند. زن را با این "هنجارها" به چهارمیخ کشیده‌اند. کودکان را با این "هنجارها" "تربیت" کرده‌اند. در رژیم اسلامی کلمه "هنجار" اسم رمز و همزاد خفقان سیاسی و فرهنگی است. هنجار اسم رمز مذهب در تحمیل عقب‌ماندگی و جهل است که ۴۵ سال زندگی میلیون‌ها میلیون انسان را به زوال و نابودی کشیده است.

پیام صدف باغبانی سرشار از امید است. "یکی‌شدن" مردم و همدلی مردم را از نتایج این انقلاب ارزیابی می‌کند. همدلی که رژیم قدرت

رودررویی با آن را ندارد. پیام صدف روشن و سرراست است. "هنجارها" را از سر راه بر می‌داریم و برای سرنگونی جمهوری اسلامی با تمام وجود در میدان می‌مانیم.

انقلاب زن زندگی آزادی بی‌هیچ تردیدی تمامی "هنجارهای" اسلامی را در ادامه راهی که در پیش گرفته است بیش از همیشه خواهد شکست و هنجارهای انسانی را بیشتر از همیشه نمایندگی خواهد کرد. هنجارهایی که در آن هر انسانی با شکوفایی دیگران شکوفا خواهد شد و اختیار انسان به او بازگردانده خواهد شد.

خواهران دادرس و نبرد برای انسانیت

سهیلا دالوند

زهرا دادرس فعال حقوق زنان در رشت صبح روز چهارشنبه ۲۰ تیر توسط مأموران امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شد. بدنبال بازداشت زهرا، خواهرش زهره، در ویدئویی که روز چهارشنبه ۲۰ تیر در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده است از بازداشت خواهرش به دست مأموران وزارت اطلاعات خبر داد و گفت: «آنها بیم فرار خواهرم از کشور را داشتند و گفتند خودمان آمدیم جلبش کنیم». زهره دادرس چند ساعت پس از انتشار این ویدئو، خود نیز بازداشت و همراه با زهرا هر دو به زندان لاکان رشت منتقل شدند.

هم‌زمان با این بازداشت، طی تماس‌های تلفنی، فروغ سمیع‌نیا، جلوه جواهری، متین یزدانی، یاسمین حشدری، نگین رضایی، آزاده چاوشیان، سارا جهانی و هومن طاهری، جهت اجرای حکم حبس باید تا روز شنبه ۲۳ تیرماه خود را به زندان لاکان رشت معرفی کنند. این فعالان مجموعاً به "بیش از ۶۰ سال حبس" محکوم شدند، که این حکم عیناً در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد.

این فریادِ زنان از بدو حاکمیت این جانیان بود که گفتند: ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم و اینچنین است که این زنان شجاع و مبارز نیز با وجود زندان و شکنجه عقب نرفتند. در زندان‌ها

علیه سرکوب و اعدام، علیه مضحکه انتخاباتی، علیه موجودیت این رژیم فریاد زدند و می‌زنند و این نکبت اسلامی را هر روز به چالش می‌کشند.

براستی باید اسم این زنان جسور و شجاع را به درودیوار هر کوی و برزن نوشت و عکس‌هایشان را در معرض عموم قرار داد. در تمام تجمعات اعتراضی می‌توان اسم آنها را فریاد زد و خواهان آزادی آنها شد. در سراسر دنیا اسم و عکس آنها باید برجسته شوند تا جهانیان بهتر بدانند چه انسان‌های شریفی برای آزادی و انسانیت در جنگ با ارتجاع اسلامی لحظه‌ای کوتاه نمی‌آیند.

با همبستگی و حمایت از این زنان مبارز و تمام

فعالین سیاسی در زندان باید با قدرت مردم در گیلان و در سراسر کشور و خارج کشور حکومت را وادار کنیم حکم این عزیزان را تماماً ملغی کند. این یک نبرد است؛ نبردی در دفاع از انسانیت، در دفاع از حق آزادی بیان و اندیشه، در دفاع از برابری و علیه تبعیض جنسی و جنسیتی.

در این نبرد رژیم متکی به نیروی سرکوب است و ما متکی به نیروی اجتماعی و میلیون‌ها نفر انسان شریف که با اتکا به این نیروی عظیم می‌توانیم صدای تک‌تک همه فعالین در اعتراضات هر روزه در کف خیابان‌ها و در مدیای اجتماعی باشیم.

احضار ۱۰۰ نفر از فعالین مدیای اجتماعی

عبدل گلپریان

سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی از احضار صد نفر، تشکیل پرونده برای دو کانال تلگرامی و شناسایی ۵۰۰ حساب اینستاگرامی در طول نمایش انتخاباتی خبر داد و گفت که "آنها سعی داشته‌اند مردم را از مشارکت ناامید کنند."

مسئولین حکومت اعتراف می‌کنند که در شبکه‌های اجتماعی در منگنه فشار مردم قرار دارند. مردم از ابتدا می‌دانستند که خامنه‌ای و دستگاه قضایی درمانده‌اش برای مقابله با این فشار روزافزون در مدیای اجتماعی خط ونشان خواهند

کشید اما مردم مدت‌هاست از تهدیدات نهادهای سرکوب عبور کرده‌اند.

رسانه‌های اجتماعی مانند توپخانه‌ای عظیم کل حکومت را مورد هدف قرار داده‌اند. شرایط و اوضاع بعد از سیرک انتخاباتی خامنه‌ای و متعاقب آن شاخ‌وشانه کشیدن‌های قوه قضائیه علیه فعالین شبکه‌های اجتماعی نشان داد که راه برون‌رفت از مخمصه‌ای که حکومت در آن به سر می‌برد وجود ندارد. در هر دو دور سیرک انتخاباتی مردم با نه بزرگ و محکم خود مشت کوبنده‌ای بر دستگاه مافیایی رژیم اسلامی وارد کردند.

اکنون با این احضار و بگیروببند به‌عبث تلاش

می کنند شکست مفتضحانه خود از مردم را اندکی ترمیم کنند. دستگاه‌های سرکوب با تعرض هر روزه مردم در جبهه‌ای بنام شبکه‌های اجتماعی روبرو هستند که مدام بر نقش آفرینان آن افزوده می‌شود. شناسایی ۵۰۰ نفر درد حکومت را درمان نمی کند باید به جنگ میلیون‌ها نفر در شبکه‌های اجتماعی برود که برای رژیم غیرممکن است. فعالین شبکه‌های اجتماعی قدرت خود را برای مقابله با این حکومت دریافته‌اند و از این شبکه‌ها در امر سازماندهی و آگاهی‌رسانی استفاده می کنند.

ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران ابداً قادر نخواهد بود که با سیل عظیم و خروشان مردم، شکست و رسوایی خود را بازیابد. خیل عظیم کاربران از

جوانان و فعالین عرصه‌های اجتماعی پاشنه آشیل حکومتی مستأصل، شکست‌خورده و محکوم به سرنگون‌شدن را به‌خوبی شناخته‌اند. این جبهه را باید بیش‌ازپیش تقویت کرد و بکار گرفت. قطعاً با هر گونه اقدام سرکوبگرانه دستگاه قضایی علیه جامعه‌ای بپا خاسته که ذره‌ای مشروعیت برایش باقی نگذاشته است، میلیون‌ها فعال و کاربر دیگر بازتولید خواهد شد و ضربات کوبنده‌تری بر این ساختار پوسیده وارد خواهد کرد. رجوع گسترده‌تر به‌منظور سیاسی‌تر کردن شبکه‌های اجتماعی می‌تواند یک هدف و اقدام سیاسی روز از سوی همه مردم باشد.

چت با "شین"، از خوانندگان ژورنال

کیوان جاوید

"شین": سلام. چقدر حرف‌های فریده آرمان منو منقلب کرد.
از ناراحتی و عصبانیت صدایش می‌لرزید.
در مراسم بزرگداشت غلام کشاورز بود. همسرش بود درسته؟
خودم هم گاهی به همین شدت عصبانی و شاکی میشم.
لعنت به جانیان حکومتی!
زندگی رو از ما گرفتن. تبدیل به مردمی سرخورده و عصبی شدیم که فقط نفس می‌کشیم، بدون امید.

– سلام "شین" عزیز. آره همسر غلام کشاورز بود. یکی از بهترین انسان‌هایی که من می‌شناختم.

"شین": خیلی ناراحت شدم، عمرم کفاف بدهد و سرنگونی این جلادان را ببینم. به امید پیروزی.

– سرنگونی اینها را می‌بینیم، مطمئنم. آوردن این پزشکیان برای اینه که همه سیاست‌های رژیم شکست سختی خورده. اینها از پسِ این مردم بر نمیان. قول میدم دور هم جمع می شیم و روزگار سخت و تیره بختی ای که بر ما گذشته است را از سر می‌گذرانیم و زندگی را می‌سازیم. البته شما با نبرد هر روزتان دارید همین را ثابت می‌کنید و بهتر از من میدانی که چنین خواهد شد. در واقع

تو استاد ما هستی.

”شین“: من استاد شما هستم؟ من؟؟؟؟ کاش بودم.

– کسی که در جهنم جمهوری اسلامی زندگی می‌کند آن هم یک زن و مخالف رژیم و کسی که با هزاران مشقت برای بهتر زندگی کردن خود و خانواده‌اش تلاش می‌کند، معلوم است چه انسان والا و مهم و با ارزشی است. تعارف نمی‌کنم برای شما ارزش بسیار بالایی قائلم.

”شین“: ممنون از لطفت. امیدوارم شایسته این راه باشم.

این چت که همین پنجشنبه‌شب با "شین" داشتم مدام به یادم می‌آید. یک زن، یک مادر، یکی از میلیون‌ها نفری که با تنگدستی و نابرابری و تبعیض جنسیتی روبرو بوده؛ انسانی هم درد و هم سرنوشت با همه مردم ایران که زندگی و جوانی و شادی و خوشبختی آنها زیر سایه شوم حکومت اسلامی و در چنبره مذهب تباه شده است و از زندگی چیزی جز غم و سرکوب ندیده‌اند. این زن زخم‌خورده از نبردهای روزانه برای بقا، هر چند در ظاهر ناامید است، اما هر روز و هر ساعت برای زندگی بهتر و انسانی می‌جنگد و این ایستادن برای حفظ کرامت و انسانیت نه فقط فردی که اجتماعی است. این انسانیت شکست نخواهد خورد. پیروزی در راه است. به صحنه زندگی در ایران نگاه کنیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۱

۱۳ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۲۳ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

اهمیت سیاسی کارزار حمایت از شریفه

اصغر کریمی

ادامه اعتصابات پُر قدرت در صنعت نفت

شهلا دانشفر

توافق احتمالی اسرائیل و حماس

کاظم نیکخواه

بهره‌مندی زنان افغانستانی در فرانسه از حق پناهندگی!

حسن صالحی

طالبان، پناهگاه امن تروریسم اسلامی

سیامک بهاری

اهمیت سیاسی کارزار حمایت از شریفه

اصغر کریمی

با شنیدن خبر حکم اعدام شریفه محمدی به جرم عضویت در یک تشکل کارگری و به اتهام وابستگی به یک سازمان اپوزیسیون بلافاصله کارزار اجتماعی قابل‌توجهی به راه افتاده است. این کارزاری در دفاع از شریفه، علیه حکم شنیع اعدام و برای آزادی فوری او است؛ اما اهداف این کارزار بسیار از این فراتر است. این کارزاری علیه اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان، حق اعتصاب و اعتراض و تشکل و تحزب، دفاع از یک فعال کارگری و دفاع از یک زن معترض است. شریفه خود تجلی همه بی حقوقی‌ها

و درعین‌حال تجلی همه این مطالبات است. مطالباتی که انقلاب زن زندگی آزادی در دستور دارد.

در شرایطی که حکومت حتی تبلیغ علیه انتخابات قلابی خود را جرم اعلام می کند و تعدادی را احضار می‌کند، از زندان و بیرون زندان، تشکل‌های مختلف کارگری، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، دادخواهان، تشکل‌های مدافع حقوق زنان، نویسندگان، رنگین‌کمانی‌ها، و فعالین و چهره‌های سرشناس به میدان می‌آیند و متحد و همسو بیانیه می‌دهند، توییت می‌زنند، حکومت را محکوم می‌کنند و کارزاری اجتماعی با مطالباتی روشن و رادیکال در دفاع از شریفه شکل می‌دهند

و هم‌زمان بر مطالبات مهم خود تأکید می‌کنند. این تجلی جامعه‌ای است که تصمیم خود را گرفته است. تجلی جامعه‌ای که مطالبات خود را می‌شناسد و حول آن متحد شده است. تجلی جامعه‌ای که نه فقط این نظام را نمی‌خواهد بلکه می‌داند چه می‌خواهد. تجلی جامعه‌ای که در آن چپ دست بالا دارد و میداندار فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مهم در این جامعه است. کارزاری که اتحادیه‌های کارگری در کشورهای مختلف، عفو بین‌الملل و نهادهای حقوق بشری را نیز به حرکت درآورده و تجمعات مختلفی با این خواست‌ها در کشورهای مختلف سازمان داده شده است. این نشانه پویایی جامعه‌ای است که به هیچ قیمتی کوتاه نمی‌آید.

کارزار آزادی شریفه را باید با تمام قوا در داخل و خارج کشور گسترش داد و شریفه را از چنگ خامنه‌ای و دستگاه قضایی و سپاه و اوباش حاکم نجات داد. این یک جبهه سیاسی مهم و تجلی شکوفایی سیاسی و بیداری یک جامعه بپاخاسته و تسلیم ناپذیر است و پیروزی آن پیروزی سیاسی مهمی علیه اقلیت مستأصل وحشت‌زده حاکم و برای پیشروی بیشتر است.

ادامه اعتصابات پُر قدرت در صنعت نفت

شهلا دانشفر

اعتصاب کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت وارد بیست و چهارمین روز خود شد. اعتصابی در ۱۲۳ شرکت نفت و گاز که ۲۴ هزار کارگر به آن پیوسته‌اند. اعتصاب هزاران کارگر در یک مرکز کلیدی اقتصادی کشور آنهم در فضای انقلابی جامعه یک اتفاق سیاسی مهم است.

هفته اول این اعتصابات همزمان بود با تبلیغات سیرک انتخاباتی حکومت بود که پست‌های خبری آن در کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت هم‌صدا با کل جامعه با هشتگ رأی بی

رأی همراه شد. افزایش دستمزدها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران سه مطالبه فوری این کارگران است. بعلاوه این کارگران پیگیر دیگر مطالبات معیشتی و کاری خود هستند. پیمانکاران چپاولگر با دسیسه‌گری بسیاری سعی می‌کنند صف این اعتصاب را بشکنند. دست به تهدید زدند. با پیشنهاد مزد بالاتر سعی کردند برای پیشبرد پروژه‌هایشان نیروی جدید بگیرند. اما کسی به این پیشنهادها تن نداد و این درجه بالای همبستگی کارگری را نشان می‌دهد و اکنون اعتصاب با قدرت ادامه دارد. مطالبات کارگران پروژه‌ای نفت بویژه خواست حذف پیمانکاران که ساختار اساسی جمهوری اسلامی در مراکز نفتی و دیگر مراکز کارگری را نشانه گرفته است،

مطالبه‌ای سراسری است و دامنه‌اش از نفت فراتر می‌رود. بر سر این موضوع کارگران ارکان ثالث نفت تجمعات بسیاری داشته‌اند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) در آخرین بیانیه حمایتی‌اش از اعتصابات همکاران پروژه‌ای خود می‌نویسد:

”دویست سال ساختار لایه‌لایه و طبقاتی نفت به‌گونه‌ای است تا میان ما کارگران نفت شکاف ایجاد کند و با تفرقه و اختلاف میان مطالباتمان، ما را به استثمار بکشد... ما در این مبارزه با همه ارکان استخدامی نفت زیر یک چتر قرارداریم و در برابر هرگونه سیاست تبعیض و تفرقه می‌ایستیم. شعار اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد ما را در این مبارزه

علیه ریشه دردمان متحد نموده، اتحادمان ریشه ظلم و ستم و استثمار را می‌خشکاند.“

این خبرها نشانگر سیر سراسری شدن اعتراضات در نفت است که تأثیری مستقیم بر قدرت‌گیری جنبش کارگری و اعتراضات مردمی داشته و توجه کل جامعه را به خود معطوف کرده است. اتحاد سراسری کارگران نفت در این مبارزت و حمایت وسیع کارگری و مردمی از این اعتصابات و جلب حمایت‌های وسیع جهانی اهمیت زیادی دارد. با تمام قدرت از اعتصابات کارگران نفت پشتیبانی کنیم.

توافق احتمالی اسرائیل و حماس

کاظم نیکخواه

روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی پیرامون توافق اسرائیل و حماس بر روی یک "چارچوب" برای آزادی گروگان‌ها و آتش‌بس، خبر داد. گفته می‌شود که هر دو طرف توافق کرده‌اند که در مرحله دوم توافق "حکومت موقت" تحت حمایت نیروهای تشکیلات خودگردان فلسطین را بپذیرند. این گزارش به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی می‌گوید که "بر سر چارچوب توافق شده است" و طرفین اکنون "در حال مذاکره درباره جزئیات نحوه اجرای آن هستند".

به نوشته واشنگتن‌پست مقامات هشدار می‌دهند که اگرچه چارچوب موجود است، اما احتمالاً توافق نهایی قریب‌الوقوع نیست و بررسی تمام جزئیات زمان‌بر است.

از ابتدای این جنگ مذاکرات میان حماس و اسرائیل نیز در جریان بوده است. اسرائیل می‌خواهد کلاً از این وضعیت استفاده کند و محدودیت‌های بیشتری نه فقط بر حماس بلکه کلاً بر فلسطینیان اعمال کند. بستن پرونده حماس و حاشیه‌ای کردن آن، هدفی است که نتانیاهو دنبال می‌کند. حماس با تلفات بالایی که تاکنون داده به‌شدت زیر فشار است که شروط دولت اسرائیل را بپذیرد. هفته پیش نتانیاهو اعلام

کرد که ۶۰ درصد از نیروهای حماس را نابود کرده است.

نتانیاهو و دولتش در اسرائیل و در سطح دنیا به‌شدت زیر فشار افکار عمومی است و حتی اگر جنگ را هم پایان دهد امکان بقا نخواهد داشت. به همین دلیل می‌خواهد با ادامه جنگ و کشتار، برگ برنده نابودی حماس و تلفات عظیم فلسطینیان را روی میز بکوبد و خود را "روسفید" نماید. کلاً جریاناتی مثل حماس و حزب‌الله و همچنین فاشیست‌های اسرائیلی در فضای کینه و نفرت قومی و مذهبی نشوونما می‌کنند. طی ۹ ماه گذشته هم جنایات حماس در ۷ اکتبر و هم جنایات به‌مراتب فجیع‌تر ارتش اسرائیل

علیه فلسطینیان، زمینه را برای استفاده جریانات فاشیستی در اسرائیل و جریانات اسلامی در این‌سوی جنگ از قبل بسیار مهیاتر کرده است.

به‌احتمال زیاد حماس در پایان این جنگ اگر متلاشی نشود به‌شدت تضعیف خواهد شد و امکان بقا به شکل قبل را نخواهد داشت. اما برای سربازگیری جریانات راست اسرائیلی و تروریست‌های اسلامی کینه و زخم و نفرت به میزان فراوان در این منطقه کاشته شده است. این وضع اسفبار که هر روز از مردم متنفر از این جریانات قربانی می‌گیرد، را تنها جریانات انسان‌دوست و ضد مذهب و ضد قوم‌گرایی در دوسوی این جبهه می‌توانند پایان دهند.

بهره‌مندی زنان افغانستانی در فرانسه از حق پناهندگی!

حسن صالحی

دادگاه ملی پناهندگی فرانسه روز پنجشنبه ۱۱ ژوئیه در تصمیمی بی‌سابقه، اعلام کرد که همه زنان افغانستانی که از تسلیم شدن در برابر اقدامات تبعیض آمیز طالبان خودداری و از افغانستان فرار می‌کنند، می‌توانند به حق پناهندگی دست یابند. دادگاه ملی پناهندگی فرانسه گفته است که این تصمیم با مفاد کنوانسیون ژنو در زمینه پناهندگی همخوانی دارد که ترس موجه ناشی از اذیت و آزار یک گروه اجتماعی را از جمله دلیل پناهندگی قلمداد می‌کند.

این خبر مسرت بخش، پژواک صدای زنان افغانستان است که اکنون در فرانسه شنیده می‌شود. این تصمیم، قطعاً به فرانسه محدود نخواهد ماند و می تواند به الگویی برای دیگر کشورها در برخورد به قربانیان آپارتاید جنسیتی تبدیل شود. نژادپرستان در فرانسه و حکومت تروریستی اسلامی طالبان بطور قطع از مخالفین چنین تصمیمی هستند. چرا که هر دو پشت و روی یک سکه و دشمن انسانیت هستند.

از سال ۱۴۰۰ که طالبان ضد بشر در افغانستان حاکم شد یک آپارتاید جنسیتی وحشیانه علیه زنان افغانستان اعمال شده است طوری که به سرکوب سیستماتیک و محو زنان از زندگی

اجتماعی انجامیده است. زنان تحت حکومت طالبان از رفتن به مدرسه، دانشگاه، کارهای اداری و حتی تفریح منع شده‌اند و این در حالی است که رهبر طالبان اخیراً فتوای سنگسار و شلاق‌زدن زنان در ملأعام را صادر کرد که واکنش‌های اعتراض زیادی را برانگیخت.

وجود نظام‌های حکومتی که بر پایه آپارتاید جنسیتی بنا شده است نشان‌دهنده به قهقرا رفتن جامعه بشری است و نفس تداوم ستم بر زنان در قرن بیست و یکم لکه ننگی بر دامن سیستم حاکم بر جهان است. اگر چه اقدام دادگاه ملی پناهندگی فرانسه اقدامی مثبت و ارزنده است؛ ولی پیروزی و موفقیت بزرگ زمانی خواهد بود

که جهان از شر رژیم‌های زن‌ستیزی نظیر طالبان و جمهوری اسلامی خلاص شود و زنان به رهایی و آزادی برسند. دنیا نمی‌تواند و نباید در قبال این زن‌ستیزی سکوت کند.

زنان ایران ضمن اعلام همبستگی با زنان افغانستان بر یک خواست واحد تأکید دارند:

آپارتاید جنسیتی مصداق جنایت علیه بشریت است و باید در قوانین بین‌المللی تحت همین عنوان ممنوع شود. همه حکومت‌های مبتنی بر آپارتاید جنسیتی باید طرد و منزوی شوند و علیه سردمداران آنها در مراجع قضایی جهانی اعلام‌جرم شود.

طالبان، پناهگاه امن تروریسم اسلامی

سیامک بهاری

”شورای امنیت سازمان ملل: افغانستان به پناهگاه امن القاعده و طالبان پاکستان تبدیل شده است.“

انتشار گزارش مفصل ۲۶ صفحه‌ای شورای امنیت سازمان ملل درباره سازمان‌های تروریستی اسلامی که در افغانستان پناه گرفته‌اند، بر چهار جریان عمده تروریستی اسلامی از جمله: القاعده، داعش، جنبش اسلامی ترکستان شرقی (ETIM) و تحریک طالبان پاکستان (TTP) در افغانستان تمرکز دارد.

آنچه در این گزارش بصورت عمده و عامدانه از قلم افتاده است خود امارت اسلامی طالبان است! یک پیکره هولناک، مافیایی و توحش بی‌بدیل در توافق با آمریکا برای دومین بار به قدرت حکومتی بازگردانده شده است. گزارش از همان ابتدا با این خطای عامدانه آغاز می‌شود و یکی از بسترها و آبشخور تروریسم اسلامی در منطقه و در جغرافیای افغانستان را نادیده می گیرد.

رابطه دیرینه، درهم‌تنیده و سازمان‌یافته طالبان با جریانات تروریستی بویژه القاعده، بعنوان متحد و شریک استراتژیک با سران طالبان آنچنان روشن و بدیهی است که نیازی به اثبات ندارد. از ابتدای به قدرت بازگرداندن طالبان مشخص بود که القاعده در فرصتی استثنایی بساط فعالیت

خود را گسترش خواهد داد. عناصر شناخته شده و متخصص القاعده در بدنه وزارت دفاع و وزارت داخله کشور به استخدام رسمی درآمده‌اند. القاعده از جمله در کابل و ننگرهار، جلال‌آباد و قندهار، کنر، نورستان و تخار پایگاه دارند.

پرسش این است، سازمان ملل با این گزارش مفصل می‌خواهد چه کند؟ مادام که تأکید بر تروریستی بودن خود امارت اسلامی طالبان نباشد راه تعامل با آنرا باز می‌گذارد. واضح است که طالبان با انکار مستندات این گزارش به تقویت تروریسم اسلامی در هر شکل ممکن ادامه خواهد داد. این را خالقین طالبان به‌روشنی می‌دانند.

وگرنه چرا در حالیکه گزارشگر ویژه سازمان

ملل در امور افغانستان رسماً طالبان را بعنوان ناقضین خشن و حاکمیت آپارتاید جنسیتی به جنایت علیه بشریت محکوم می‌کند در فردای آن، نشست دوحه با پذیرش شروط همین جانیان برگزار می‌شود؟!

باید تلاش کرد سازمان ملل دست از مماشات با طالبان بردارد و از مبارزه مردم آزادیخواه افغانستان، این قربانیان مستقیم تروریسم اسلامی، وسیعاً حمایت و پشتیبانی کند. تا مردم با به زیر کشیدن طالبان به این فاجعه هولناک خاتمه دهند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۲

۱۴ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۲۴ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

آغاز حبس شش مبارز زن دیگر در گیلان

محفل خواهران در گیلان

آخر و عاقبت محرم در ایران

فریبرز پویا

خزانه خالی، خزانه پُر؟

کیوان جاوید

سوءقصد نافرجام به ترامپ

پتی دبونیتاس

آغاز حبس شش مبارز زن دیگر در گیلان

محفل خواهران در گیلان

فروغ سمیع‌نیا، جلوه جواهری، شیوا شاه‌سیا، نگین رضایی، متین یزدانی و آزاده چاووشیان به زندان لاکان رشت منتقل شده‌اند. این فعالین اعلام کرده‌اند که قبلاً در دوران بازداشت تحت شکنجه قرار گرفتند.

زهره (فاطمه) دادرس با اتهامات "تشکیل گروه با هدف برهم‌زدن امنیت ملی" و "اجتماع و تبانی" به ۹ سال و شش ماه حبس محکوم شده که ۶ سال و یک روز آن قابل‌اجرا است. فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، شیوا شاه‌سیا، نگین

رضایی، متین یزدانی، آزاده چاووشیان و زهرا دادرس به اتهامات "عضویت در گروه" و "اجتماع و تبانی"، هریک به تحمل ۶ سال و سه ماه و ۱۷ روز زندان محکوم شده‌اند. دو تن دیگر از متهمان این پرونده؛ جلوه جواهری و هومن طاهری، به اتهام "تبلیغ علیه نظام" هریک حکم یک سال حبس دریافت کرده‌اند.

حرف‌وحدیث همان است که فروغ سمیع‌نیا در آخرین یادداشت اینستاگرامی خود با اشاره به آغاز احکام حبس خود و رفقایش نوشت: "ما همچنان آرزوهایمان را فراموش نکرده‌ایم و برای رسیدن به آنها می‌جنگیم."

گیلان مستثنا نیست. مثل همه شهرهای دیگر همه ما زنان، همراه با مردانی که حاضرند در راه آزادی هر خطری را به جان بخرند و برای تحقق رؤیاهای سرکوب شده و به خون نشسته خود هراسی از زندان نداشته باشند. کیست که نداند این عزیزان به اسارت درآمده تنها نیستند. آنها با این امید و با این روحیه مبارزه‌جویانه روانه زندان شدند که خوب می‌دانند هزاران نفر چون آنها همین حالا در خیابان و محل کار و زندگی، همان پرچم امیدبخش زن زندگی آزادی را به دست دارند و برای تحقق همان انسانیت به خون نشسته در حال مبارزه هستند.

دستگیری این عزیزان و تحمیل حبس‌های

طویل‌المدت به این پرچم‌داران کرامت انسانی، نه در روحیه مبارزه‌جویانه آنها خدشه‌ای وارد می‌کند و نه ترسی به جان ما زنان و مردان آزادی‌خواه می‌اندازد، چون خوب می‌دانیم عقب‌نشینی نه‌تنها فقط منجر به ادامه بردگی و بندگی ما می‌شود که زندگی فرزندان ما را نیز به باد فنا می‌دهد. در این میان فقط یک انتظار از شما داریم. صدای این عزیزان باشید، طوری که گوش دشمنان ما از پژواک فریاد بلند شما کر شود. زندگی پیروز است.

آخر و عاقبت محرم در ایران

فریبرز پویا

امروزه در ایران مراسم مذهبی محرم بهانه نبرد میان دو تصویر است. یکی متعلق به گذشته و تنیده در خرافات، تحمیق، فساد و کودک‌آزاری و تلاش برای انداختن سایه سیاه محرم بر روح و جان جامعه و تصویر دیگر، تلاش عمومی برای دورانداختن همه این طوق بندگی و اسارت مذهبی. تلاشی که در آتش انقلاب زن، زندگی و آزادی به‌شدت تجلی‌یافته است.

جنبشی که سال پیش در اکباتان مراسم محرم را به دیسکو تبدیل کرد و بجای شیون برای باخت

حسین در جنگ کربلا، ندای "از خون جوانان وطن لاله دمیده" و "بیزارم از دین شما، نفرین به آیین شما" شنیده شد، امسال در تهران تصویر جوانانی را به نمایش گذاشت که بی‌اعتنا به طبل هیئت منیریه با بی‌حجابی کامل مراسم‌های آن را به تمسخر گرفتند. بی‌اعتنایی که ریشه در فریاد زنی دارد که با دو کودک خردسال در بغل فریاد می‌زد "کربلا تو ایرانه، من خونه ندارم توی چادر زندگی می‌کنم. بیایید سینه بزنید برای خانم‌هایی که بی‌آبرو شدن و واسه بچه‌هایی که دارن از گشنگی می‌میرن." و کسی از آن هزاران هیئت‌هایی که در تکیه‌ها علم و کتل حمل می‌کردند و مشغول گریه برای حسین بودند فریاد او را نشنیدند.

امسال بیشتر از هر سال دیگر جمهوری اسلامی با هزینه‌های سرسام‌آور برای سازماندهی محرم و صفر تلاش کرد و ستاد تبلیغات اسلامی خبر داد که بیش از ۴۰ هزار نفر افراد دولتی برای کمک و سازماندهی برگزاری ۱۲۰ هزار هیئت مذهبی و مراسم‌های محرم به سراسر کشور اعزام شده‌اند.

جنبش زن زندگی آزادی با قدرت و تأثیرگذاری اجتماعی‌اش آینه‌ای شد تا خودباوری ضد مذهبی بخش وسیع مردم بخصوص زنان و جوانان به نمایش گذاشته شود. ضدیتی که نه‌تنها به شکل مخالفت با نظام حاکم بلکه در تقابل کامل با همه روایت‌ها و بنیان فکری و عقیدتی اسلام و

مذهب به‌طورکلی تجلی یافت و نشان داد که هیچ مقدار از تبلیغات و صرف هزینه نجومی و دسیسه‌های باندهای دولتی و غیردولتی اسلامی نمی‌تواند این غول بیدار شده ضدیت با اسلام و مذهب را به کوزه برگرداند.

با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه سکولار، آزاد و برابر، مراسم‌های مذهبی و اسلامی که مخل آسایش عمومی باشد و باعث کودک‌آزاری شود، حقوق حیوانات را زیر پا بگذارد و مراسم شنیع و وحشیانه قمه‌زنی باید ممنوع شود.

خزانه خالی، خزانه پُر؟

کیوان جاوید

رسانه‌های اصول گرا شروع به پخش این خبر کردند که دولت رئیسی یک ذخیره ارزی ۵۰ میلیارددلاری برای دولت بعدی به ارث گذاشته است. در مقابل اصلاح‌طلبان با پیش‌کشیدن بدهی ۸۷۳ هزار میلیاردتومانی بجا مانده از دولت رئیسی، سعی می‌کنند شرایط فعالیت دولت جدید را دشوار معرفی کنند. هدف اصول‌گرایان این است که شکست دولت پزشکیان را نه ادامه بحران حکومتی که نتیجه ناکارآمدی اصلاح‌طلبان قلمداد کنند و اصلاح‌طلبان نیز با ذکر این بدهی عظیم دست به ضد حمله با اصول‌گرایان زده‌اند.

هر دو سوی این نبرد تبلیغاتی حقیقتی را بیان می‌کنند. آنچه از نظر اقتصادی در ایران شاهدش هستیم صندوق‌های پُر و خالی است. در ایران پول هست، زیاد هم هست. آن‌قدر که یک حکومت می‌تواند هزینه بزرگ‌ترین پروژه سیاسی خود را به‌راحتی تأمین کند. طوری که باعث یک نگرانی جهانی از دستیابی جمهوری اسلامی به بمب اتمی شده است. در ایران پول‌های بیشتری هم هست که نه‌تنها صرف پروژه هسته‌ای می‌شود؛ بلکه در چندین کشور نیز صرف گروه‌های نیابتی می‌شود می‌توان میلیاردها دلار صرف کرد تا حوثی‌های یمن به جنگ‌افزارهای فراوانی مجهز شوند؛ می‌توان همه گروه‌های تروریست حامی جمهوری اسلامی را در عراق مسلح کرد و خرج

پرسنل نظامی‌شان را تأمین کرد. می‌توان حزب‌الله لبنان را تا دندان مسلح کرد. می‌توان در سوریه میلیاردها دلار برای حفظ حاکمیت بشار اسد هزینه کرد. می‌توان بودجه نیروی سرکوب سپاه و ارتش و وزارت اطلاعات و زندان‌ها در همین ایران به‌راحتی تأمین کرد. می‌توان میلیاردها دلار صرف تبلیغات و خرافات اسلامی کرد. پول فراوانی در ایران هست. اصول گرایان راست می گویند.

در ایران پول نیست. این هم حقیقتی است که اصلاح‌طلبان می گویند. صندوق‌های تأمین اجتماعی خالی؛ جیب مردم خالی؛ سفره‌ها خالی تر. بیمارستان‌ها فرسوده و هزینه‌های بهداشتی و درمانی سرسام آور. مدارس در حال فروپاشی و فقر

و تباهی در اوج. این سهم مردم از ثروت اجتماعی در ایران است و آن هم سهم آقاها و آقازاده‌های دزد و میلیاردر. کوه ثروت در مقابل دره فقر. سیری در مقابل گرسنگی. بهشت زمینی سرمایه‌داران و جهنم حقیقی برای مردم.

حقیقت سومی هم هست. حقیقتی که مردم انتخاب کرده‌اند و به آن عمل می کنند. ایستادن و جنگیدن و شکست‌دادن "اصلاح‌طلب و اصول گرا" و همه خون‌خواران ضد زندگی اسلامی در ایران. حقیقتی که رفاه، آزادی، برابری و کرامت انسانی را به ارمغان خواهد آورد. حقیقت انقلاب زن زندگی آزادی.

سوءقصد نافرجام به ترامپ

پتی دبونیتاس

شب گذشته، شنبه ۱۳ جولای ۲۳ تیر، دونالد ترامپ، در جریان گردهمایی انتخاباتی‌اش در پنسیلوانیا هدف سوءقصد قرار گرفت. کشته‌شدن ضارب که یک جوان ۲۰ساله بود و یکی از حاضرین در گردهمایی توسط اف‌بی‌آی تأیید شده است. این ترور نافرجام فوراً از سوی دو حزب دمکرات و جمهوری‌خواه محکوم شد و بایدن نیز برای سلامتی ترامپ "دعا" کرد.

پیامدهای این ترور نافرجام بسیار فراتر از این حادثه خواهد بود و باعث محبوبیت بیشتر ترامپ می‌شود.

ترامپِ دروغگو و دغل‌کار در یک جامعه به‌شدت قطبی شده نیاز به یک قهرمان‌سازی مهیج داشت تا در رأس خبرها قرار بگیرد و همچون سناریوی فیلم‌های وسترن که قهرمان داستان یک‌تنه به جنگ شرورها و قاتل‌ها می‌رود، از این سوءقصد به جان خود قلب‌ها را به خود نزدیک کند.

حالا ترامپ نیاز چندانی ندارد که تمامی سیاست‌های ضدانسانی خود را زیر فرش قائم کند؛ نیاز چندانی برای پنهان کردن فاشیسم ضدانسانی خود نمی‌بیند؛ ضدیت با حقوق زنان را در هزارتوی دروغ و ریاکاری نمی‌پیچد؛ علیه مهاجرین و پناهجویان ساده‌تر شمشیر می‌کشد. حمله به حقوق سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان و "غیر آمریکایی‌های غیراصیل" را با سهولت بیشتری برنامه‌ریزی می‌کند و حمله به

حقوق مدنی و اقتصادی را بیش از گذشته سازمان می‌دهد.

طرف دیگر این نبرد؛ یعنی حزب دمکرات و شخص بایدن قرار دارند که هر چند به‌پای دغل کاری ترامپ نمی‌رسند؛ اما همیشه نشان دادند که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین احزاب، در حیات سیاسی آمریکا ید طولایی در ضدیت با زندگی مردم دارند. دمکرات‌ها با درنظرگرفتن وضعیت بایدن و باتوجه‌به خشم عمومی جامعه از تحمیل یک زندگی سخت اقتصادی در دوران حاکمیت حزب دمکرات، به‌احتمال بیشتری در سراشیب سقوط قرار می گیرند.

اگر مبنای قضاوت و رأی‌دادن، برنامه رفاهی و تأمین نیازمندهای اقتصادی و رفاهی و فرهنگی جامعه

باشد آنگاه نه این نه آن فرد و حزب جایی در سیاست انسانی در آمریکا نداشته و ندارند. وقتی انتخاب از سر استیصال رأی‌دهندگان باشد، در آن صورت اتفاقاتی پُر سروصدا نظیر هم سوءقصد نافرجام ترامپ می‌تواند بر رأی‌دهندگان تأثیر بگذارد. سوءقصد به جان ترامپ راه او را در رسیدن به کاخ سفید هموارتر می‌کند.

انتخابات‌ها می‌آیند و می‌روند؛ اما مشکلات کلان برجا می‌مانند. تغییر بنیادی زندگی مردم کار جنبش‌های رادیکال اجتماعیِ انسان‌گرا و جنبش‌های سوسیالیستی و کارگری است واژگون کردن بساط ستم سیاسی و طبقاتی دست به ریشه مصائب بردن است. ریشه نظام سرمایه‌داری است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۳

۱۵ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۲۵ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

کمبود برق، خاموشی‌ها ادامه دارد!

سینا پدرام

رضا پهلوی و آرزوهای شاهزاده ناکام!

محسن ابراهیمی

مسعود پزشکیان هم دست به ماشه است

کیوان جاوید

حمایت از کارزار شریفه در داخل و خارج کشور در حال گسترش است

کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۳

کمبود برق، خاموشی‌ها ادامه دارد!

سینا پدرام

پس از قطع برق برخی واحدهای صنعتی به دلیل کمبود برق در ایران و رکورد بی‌سابقه مصرف در گرمای تابستان، اکنون رئیس اتاق بازرگانی تهران از قطع برق کارخانه‌های داروسازی خبر داده است.

وضعیت تأمین انرژی و به‌ویژه کمبود برق در چند دهه گذشته همواره یکی از معضلات مردم ایران بوده است. حکومت اسلامی ایجاد نیروگاه‌های مختلف را همواره در پروژه‌های اقتصادی خود وعده داده است، اما به گفته نایب‌رئیس

هیئت‌مدیره شرکت‌های تولیدکننده برق، سال آینده حکومت اسلامی فقط قادر است ۷۰ درصد نیاز به برق کشور را تأمین کند.

ایران به‌خاطر تأخیرهای متعدد در توسعه نیروگاه‌های برق و اتلاف گسترده برق در سیستم فرسوده و کهنه برق‌رسانی خود در فصول گرم سال با کسری ۱۴ هزار مگاوات مواجه است.

عدم توجه رژیم اسلامی در راه‌اندازی نیروگاه‌های انرژی سبز نیز بدون شک از اجزا مهم شکست پروژه‌های تأمین انرژی و برق در ایران بوده و هست. سهم نیروگاه‌های خورشیدی و بادی ایران از تولید برق کشور در حال حاضر فقط یک درصد

است.

کارنامه رژیم اسلامی از سویی پُر است از دزدی و فسادهای مالی میلیارددلاری و رانت‌خواری، و از سوی دیگر عدم توجه به نیازهای واقعی مردم، به هدردادن سرمایه‌های مردم در تأمین مالی و نظامی گروه‌های تروریستی و بحران‌زایی در منطقه و تمامی سیاست‌هایی که هر اقتصادی را می‌تواند به ورشکستگی کامل سوق دهد. معضل برق و خاموشی‌ها نیز از این قاعده مستثنا نیست.

روش مقابله با این بحران‌های سیستماتیک تنها به شکل متحدانه و جمعی می‌توان تحقق بپذیرد. خاموشی‌های مکرر، تعطیلی ادارات و

مکان‌های مورداستفاده عمومی چیزی جز تحمیل فشار مضاعف به طبقات پایین جامعه نیست. با اعتراضات جمعی در مقابل دفاتر اداره برق و دیگر ادارات مسئول، باید رژیم را جوابگو کرد. بدون اعتراضات جمعی و سراسری، رژیم اسلامی به هیچ خواسته‌ای از مردم جوابگو نخواهد بود. برای رفع هر معضل در ایران تنها اعتراض مستقیم و متحدانه می‌تواند رژیم را وادار به عقب‌نشینی کند. متحدشدن مردم در محلات، در جمع‌ها، شوراها و اَشکال مختلف دیگر تنها وسیله مؤثر برای احقاق مطالبات رفاهی است.

رضا پهلوی و آرزوهای شاهزاده ناکام!

محسن ابراهیمی

سخنان رضا پهلوی در کنفرانس "محافظه‌کاری ملی" فوق راست در روز چهارشنبه ۱۹ تیرماه در واشنگتن، فقط نشانگر آرزوی بازگشت تاج‌وتخت توسط یک شاهزاده ناکام بود!

رضا پهلوی به مخاطبینش می‌گوید: ۴۵ سال پیش "ایران محل آزمایشی بود برای آنچه پدر فقیدم اتحاد نامقدس سرخ و سیاه – مارکسیسم رادیکال و اسلام‌گرایی رادیکال می‌نامید" و "این جبهه متحد مارکسیست‌ها و اسلام‌گرایان میهن مرا فتح کرد" و امروز "نخبگان سیاسی" آمریکا نباید

اشتباه افغانستان را تکرار کنند که "۷۰ درصد از پارلمان قبیله‌ای کشور پسا طالبانی خواستار احیای پادشاهی مشروطه ظاهر شاه بودند" ولی "آمریکا این خواست ملّی و این حق حاکمیت آنها را رد کرد"!

تصاویر وارونه از تاریخ، تبیین‌های سطحی از تحولات مقطع انقلاب ۵۷، و بالاخره آرزوی سوزان بازگشت تاج و تخت در این سخنان موج می‌زند.

کافی‌ست سری به خاطرات بازیگران اصلی دخیل در شکست انقلاب ۵۷ و عروج اسلام سیاسی بزنید تا متوجه شوید این اتحاد نامقدس سران چهار دولت فرانسه، آلمان، انگلستان و آمریکا، ارتش

شاهنشاهی و جریانات اسلامی بود که در مقابل خطر پیشروی آن انقلاب و عروج قدرتمند چپ و نهایتاً به دست‌گرفتن قدرت توسط خود مردم، مسیر را برای اسلام سیاسی و تبدیل‌کردن خمینی به رهبر فراهم کرد. پیش‌تر هم سرکوب بیرحمانه جریانات چپ توسط دیکتاتوری سلطنتی، زندانی کردن و شکنجه و کشتار جوانانی که آرمان‌های انسانی داشتند و باز گذاشتن دست آیت‌الله‌ها و آخوندها در مقابل نیروهای چپ زمینه را برای چنین تراژدی فراهم کرده بود.

رضا پهلوی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی خیلی تلاش کرد به ژست‌های سیاسی‌اش رنگ و بوی انقلابی بپاشد. اما آرزوی سوزان بازگشت تاج

و تخت دست از سرش بر نمی‌داشت و بر نمی‌دارد. از درون چنین کشمکشی است که او یک روز "جمهوریخواه" است و روز دیگر پادشاهی خواه! و امروز آرزو می‌کند "نخبگان" آمریکا لابد با اتکا به سپاه و "روحانیت خوب"، گوادولوپ دیگری برپا کنند و این بار عمامه را از سر خامنه‌ای بردارند و تاج بر سر رضا پهلوی بگذارند!

در بهترین حالت، رضا پهلوی، ایران دوران انقلاب زن زندگی آزادی و مردم پیشرو این انقلاب را با "لویه جرگه" قبیله‌ای پسا طالبانی عوضی گرفته است. به همین خاطر در آرزوی بازگشت گذشته در مقابل شوروشوق عمیق مردم به آینده‌ای آزاد و انسانی است. این صاف‌وساده نمی‌گیرد!

مسعود پزشکیان هم دست به ماشه است

کیوان جاوید

مسعود پزشکیان در نشست با نمایندگان ادوار و دوره دوازدهم مجلس شورای اسلامی گفت: "اگر با تمام وجود به مردم عشق بورزیم، آیا باز هم ۶۰ درصد آنان در انتخابات شرکت نمی‌کنند؟!"

و اینکه: "دلیل نارضایتی مردم این است که نه‌تنها با محبت با آنها برخورد نمی‌کنیم، بلکه با باتوم (باطوم) و چماق جواب آنها را می‌دهیم."

پزشکیان در ادامه گفت: "وجود فقر، رواج کوله‌بری یا سوخت‌بری، زباله‌گردی و شرمندگی سرپرست خانوار پیش خانواده خود به‌هیچ‌وجه برای بنده قابل‌پذیرش و تحمل نیست."

اولین دروغ، "۶۰ درصدی که در انتخابات شرکت نکردند" است. با تکرار این دروغ بزرگ می‌خواهند جریان رأی‌سازی و توافق بر سر چندبرابر کردن آرا را به‌عنوان شرکت ۴۰ درصدی مردم در انتخابات به مردم قالب کنند و این ۴۰ درصد از "رأی‌دهندگان" را وفاداران حکومت جا بزنند تا وانمود کنند پایگاهی در میان مردم دارند.

پزشکیان طی ۴۵ سال گذشت شریک جنایت حکومت بوده است. به قول خودش در اولین روزهای به‌قدرت‌رسیدن رژیم، به‌عنوان یکی از مسئولین در دانشگاه‌ها و پیش از اینکه حجاب به‌عنوان قانون حکومت اسلامی رسمیت پیدا کند

در دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها حجاب را اجباری کرده و مخالفین را ربوده و بعضاً کشته‌اند.

این مُهره وفادار حکومت از کولبری و سوخت‌بری و زباله گردی مثال می آورد اما نمی گوید با مسببان کشتار این زحمتکشان چه برخوردی می‌شود و چطور زندگی آنها را تأمین خواهند کرد. تمام راه‌حل پزشکیان "کنارگذاشتن دعوای درون حکومتی" است. حکومت اسلامی متشکل از ده‌ها باند است که برای غارت و چپاول بیشتر مردم حتی به همدیگر هم رحم نمی‌کنند و همدیگر را از دم تیغ می‌گذرانند.

آینده مردم ایران مسیری دیگر می‌پیماید. صدها

جوانی که در انقلاب زن زندگی آزادی جان باختند و ده‌ها هزارنفری که در جریان این انقلاب اسیر شدند و همه کارگران و بازنشستگان و معلمان و دانشجویان و... این حقیقت را به گوش این جانیان فریاد زده‌اند و بی‌حجاب‌هایی که زیر سرنیزه حکومت می‌جنگند یک نمونه دیگر از خشم عمومی است. جدال با اسلام و حکومت اسلامی و خرافات مذهبی نمونه دیگری از "رأی عمومی" علیه حکومت است. پزشکیان در دوره بدی جای سلف خود، رئیسی قاتل را گرفته است.

حمایت از کارزار شریفه

در داخل و خارج کشور در حال گسترش است

کارزار حمایت از شریفه محمدی اطلاعیه شماره ۳

بازنشستگان شوش و کرمانشاه در تجمع اعتراضی امروز با شعار شریفه محمدی آزاد باید گردد حمایت خود را از شریفه اعلام کردند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) نیز در بیانیه‌ای حکم اعدام شریفه را محکوم کرده و ضمن تاکید بر حق تشکل‌یابی اعلام کرده است که "جنبش زن زندگی آزادی به عنوان یکی از مهمترین جنبش های تاریخ معاصر ایران واجد دستاوردهای مهمی بود که یکی از آنها پیشتازی زنان و دختران این

سرزمین در صف مطالبه‌گری از حاکمیت است. اینکه حاکمیت با همه تلاش‌ها و بسیج نیروهای اجتماعی، انتظامی و امنیتی خود، همچنان نتوانسته است، جنبش زنان ایران در پیگیری مطالبه حجاب اختیاری را متوقف کند، نشانه‌ای از افزایش قدرت زنان و دختران ایرانی در پیگیری مطالبات عمومی خود می باشد.

صدور حکم اعدام برای این فعال کارگری نیز نمی‌تواند خللی در عزم این جنبش‌ها در پیگیری مطالبات اجتماعی ایجاد کند.“

نسرین جوادی عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران با پیوستن به این کارزار نوشته است: ”شریفه محمدی برای دفاع از شرایط مادی طبقه کارگر

و برای پایان دادن به بهره کشی از آنان مبارزه می‌کرد". شریفه باید بدون هیچ قید و شرطی آزاد شود. محبوبه فرحزادی معلم بازنشسته در دفاع از شریفه محمدی و علیه اعدام او مینویسد: "با من از اعدام مگو؛ که من معلم و زندگی را می‌سازم. کشتن انسان نه افتخار است و نه مرا می ترساند". شریفه محمدی آزاد باید گردد. تومار اعتراضی آنلاینی از سوی کمپین دفاع از شریفه محمدی را نیز بیش از ۳۷۰۰ نفر امضا کرده اند.

در سطح بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری بیشتری به کارزار حمایت از شریفه پیوسته‌اند از جمله کلکتیو سندیکایی فرانسه، متشکل از ۵ سندیکای کارگری عمده این کشور شامل کنفدراسیون دموکراتیک

فرانسوی کار (س.اف.د.ت)، کنفدراسیون عمومی کار (س ژ ت)، کنفدراسیون متحده سندیکایی (اف. اس. او)، اتحاد سندیکایی همبستگی (سولیدر) و اتحاد ملی سندیکاهای مستقل (او. ان. اس. آ) طی بیانیه‌ای تحت عنوان "از اعدام شریفه محمدی مدافع حقوق شهروندی و کارگری جلوگیری کنیم!" خواهان ابطال حکم اعدام علیه شریفه محمدی و آزادی فوری او شده است. کنفدراسیون اتحادیه های کارگری دانمارک، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگران دانمارک، اتحادیه کارگری (اچ.ک) مربوط به شاغلان بخش‌های مختلف خدمات و توزیع، اتحادیه کارگری (اف.او. آ) سومین اتحادیه بزرگ کارگری دانمارک، اتحادیه سراسری مربیان کودک (اف.ال.اس)، اتحادیه کارگران ساختمان و محیط

سبز، اتحادیه متخصصین (آی.تی) اتحادیه پرستاران دانمارک و اتحادیه آکادمیسین‌های دانمارک حکم اعدام شریفه محمدی را بشدت محکوم کرده و خواستار آزادی او شدند. در بخشی از این بیانیه آمده است: "کارگران در ایران در مبارزه بر علیه نظام استثمار و حقوق پایه‌ای خود، از حق ایجاد تشکل مستقل برای دفاع از خود محرومند. مبارزه بر ای حقوق کارگران هرگز نباید جرم تلقی شود و حکم اعدام شریفه محمدی فقط نشانه سرکوبگری و غیرانسانی بودن رژیم ایران میباشد. ما از همه سازمانهای کارگری، زنان و حقوق بشر میخواهیم که خواهان ابطال فوری این حکم ناعادلانه و بدون دلیل شوند و از آزادی فوری و بی‌قید و شرط شریفه محمدی و همه زندانیان سیاسی دفاع کنند."

تجمعاتی نیز در گوتنبرگ سوئد، گرونوبل در فرانسه، آمستردام در هلند و هامبورگ در آلمان در حمایت از شریفه در روز ۱۳ جولای (۲۳ تیر) برگزار شد. تجمعات بیشتری در راه است.

حزب کمونیست کارگری ایران

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۲

۱۶ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۲۶ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

هشدار در مورد هیئت‌های مذهبی سکولار!

کاظم نیکخواه

تهدید زندانیان سیاسی و استیصال رژیم

سهیلا دالوند

اسلام و مغزشویی کودکان

عطیه نیک‌نفس

تعقیب مخالفین سیاسی در عراق توسط جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

هشدار در مورد هیئت‌های مذهبی سکولار!

کاظم نیکخواه

آخوند عبادی‌زاده نماینده خامنه‌ای در هرمزگان هشدار داده که "دشمن در تلاش است عاشورا را از مفاهیم خود تهی کنند و سعی دارند شعور عاشورا را بگیرند و آن را به شور منحصر کنند".

این شخص در ادامه می‌گوید "نباید اجازه دهیم هیئت‌های مذهبی سکولار شوند". تعجب نکنید. دقیقاً سکولار شدن هیئت‌های مذهبی دغدغه جدی حکومتیان است. این نه فقط نگرانی این آخوند بلکه معضل کل سران حکومت است که بارها در این مورد هشدار داده‌اند و حتی خامنه‌ای مدتی پیش گفت "امام حسین سکولار نداریم".

بحث فقط در مورد سکولاریسم نیست. بلکه سرنگونی طلبی مسئله اصلی‌تر حکومت است. این روزها سروصدا و نعره‌های روضه‌خوانی، سینه‌زنی و دستجات و هیئت‌های مذهبی همه‌جا گوش‌ها را کر می‌کند و آرامش مردم را بر هم زده است. تلاش می‌کنند با این روضه‌خوانی‌ها مردم را مرعوب کنند. اما مردم به‌ویژه جوانان هم بیکار ننشسته‌اند. هم‌زمان با حرکت دستجات عاشورا و محرم، ویدئوهایی از دختران و پسران دست‌به‌دست می‌شود که بدون حجاب و شئونات مسخره اسلامی و حکومتی، در خیابان‌ها رژه می‌روند و می‌گویند و می‌خندند و به حکومتیان دهن‌کجی می‌کنند. فضای جامعه به جایی رسیده که برخی دستجات نوحه‌خوانی نیز به سمت

نوحه‌خوانی‌های سیاسی کشیده شده و شعرهایی علیه دستگاه حاکم را پشت بلندگو فریاد می‌زنند. وقتی نماینده خامنه‌ای از سکولار شدن هیئت‌های مذهبی هشدار می‌دهد، اشاره‌اش عمدتاً به این فضای ضد حکومتی است.

کلاً جامعه ایران مدت‌هاست که از مرز سکولاریسم هم گذشته و به ضدیت با کل مذهب رسیده است و چرا که نه؟ وقتی مردم در این کشور آنچه را کمونیست‌ها مدام تأکید کرده‌اند که مذهب ابزار دست استثمارگران و ستمگران علیه کارگران و مردم است، چهل سال است با گوشت و پوست به زمخت‌ترین شکلی لمس می‌کنند، وقتی مدام می‌بینند که اسلام و مسجد،

در خدمت چپاول و ستمگری یک اقلیت مفت‌خور جنایت‌کار است، چه چیز طبیعی‌تر از روی‌گردانی از اسلام و آخوند؟ خیل دختران و پسرانی که امروز اسلام را به تمسخر می‌گیرند، نوک کوه یخ جنبش ضداسلامی است که با سرنگونی جمهوری اسلامی تمام قامت بیرون خواهد آمد و کلیت جامعه‌ای شاد و مدرن را نشان خواهد داد.

تهدید زندانیان سیاسی و استیصال رژیم

سهیلا دالوند

روز یکشنبه ۲۴ تیر، سربازان گارد ویژه به دستور مقامات حفاظت زندان قزل‌حصار، از جمله وحید اشرف‌آبادی و سجاد لرزاده، به‌قصد ایجاد فضای ارعاب و جو روانی، در محوطه زندان رژه می‌روند و با شعارهایی از جمله "زندان به گوش باش، جانم فدای رهبر" زندانیان را تهدید می‌کنند؛ اما با شعار "مرگ بر دیکتاتور" و شعارهای دیگری توسط زندانیان سیاسی رضا محمدحسینی طامه، زرتشت احمدی راغب، مصطفی رمضانی و رضا سلمان‌زاده روبرو شدند. زندانیان سیاسی با اعتراض و سردادن شعارهای ضد حکومتی عملاً

این رژیم مستأصل را به چالش می‌کشند.

مبارزه زندانیان سیاسی با پیام‌های صوتی، صدور بیانیه‌ها و اعتراضات و اعتصاب‌غذا، با طرح مطالباتی در همراهی با مبارزات مردم علیه فقر، علیه مجازات اعدام و همراهی با مردم علیه مضحکه انتخاباتی با گفتن "رأی ما سرنگونی" و "رأی بی رأی" جمهوری اسلامی را با چالش هر روزه مواجه می‌کنند.

زندانیان سیاسی علی‌رغم وجود شکنجه، اذیت و آزارهای طاقت‌فرسا، انتقال به سلول‌های انفرادی، محروم بودن از حداقل امکانات زیستی و بهداشتی، حق ملاقات و تماس تلفنی، دسترسی به دارو

و درمان، و ده‌ها محرومیت دیگر، به اعتراض ادامه داده و من‌جمله سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه اعدام‌ها را برگزار می‌کنند، علیه حکم زندان برای ۱۱ فعال حقوق زنان بیانیه می‌دهند، علیه حکم اعدام شریفه محمدی فعال کارگری دست به اعتصاب‌غذا می‌زنند و خواهان لغو قتل عمد دولتی و پایان‌دادن به دیکتاتوری هستند.

درحالی‌که مبارزات بی‌امان مردم و زندانیان سیاسی رژیم را دچار استیصال کرده است، در تمامی اعتراضات خیابانی و در شبکه‌های اجتماعی با خواست آزادی زندانیان سیاسی صدای آنها باشیم. کارزار پرشور حمایت از شریفه محمدی با شرکت تشکل‌های کارگری، معلمان،

بازنشستگان، زنان و نویسندگان در داخل کشور و حمایت اتحادیه‌های کارگری در خارج راه را نشان می‌دهد.

اسلام و مغزشویی کودکان

عطیه نیک‌نفس

”یوسف طباطبایی عضو خبرگان رهبری و امام جمعه اصفهان در دیدار با مسئول و اعضای ستاد احیاء امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر استان اصفهان گفته است: ”برخورد با مفاسد اجتماعی مانند بی‌حجابی، بدحجابی و سگ گردانی که سبب افزایش فساد در جامعه اسلامی است امری ضروری است و تأکید کرده است: ”در امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر مهم‌ترین کار احیاء مساجد است و امام‌جماعت نباید در مسجد تنها به خواندن نماز اکتفا کند، بلکه باید نماز و احکام به نوجوانان و جوانان آموزش بدهد. مسجد تا روز قیامت، سنگر دینی

است.“

برای کودکان در قوانین اسلامی هیچ حقوقی وجود ندارد به‌جز امرونهی، سرکوب، کودک‌همسری و تماماً اجبار و دستور. حکومت‌های اسلامی تلاش می‌کنند که کودکان توسط مساجد و درس‌های مذهبی در مدرسه مجبور به انجام اعمال دینی بشوند و داستان‌های وحشتناک و خرافی را بشنوند که اگر قوانین را رعایت نکنند مجازات می‌شوند و حالا طباطبایی دستور به مغزشویی کودکان در مساجد را می‌دهد. مساجدی که حتی بزرگسالان به آنجا نمی‌روند.

اما واقعیت این است که این پروژه علی‌رغم صرف

۴۵ سال وقت، هزینه، انرژی و داشتن تمامی امکانات به‌شدت شکست خورده است. بعد از این‌همه تدبیر و سرکوب و اعدام کودکان، آنها عمامه آخوندها را از سرشان می‌پرانند، دختران حجاب آتش می‌زنند و حتی دختربچه‌های دبستانی درحالی که حجابشان را در هوا می‌چرخانند، شعار "زن، زندگی، آزادی" سر می‌دهند.

اسلام و حکومت اسلام دشمن شماره یک کودکان است که دستش به خون هزاران کودک آلوده است. چنین رژیمی صلاحیت هیچ گونه اظهارنظری در مورد چگونگی رشد کودکان ندارد. کودکان را باید مورد حمایت قرار داد. کودکان به درجه‌ای که بتوانند مقابل این مغزشویی‌ها و تحقیرها و

تهدیدها می‌ایستند و ایستاده‌اند؛ اما احتیاج به حمایت خانواده‌های خود و معلمان شریف و آزاده و همه فعالین و تشکل‌های مردمی دارند. باید کارزاری در سطح کشور در دفاع از کودکان علیه مغزشویی و تدریس خرافات اسلامی به راه انداخت.

تعقیب مخالفین سیاسی در عراق
توسط جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

کاظم غریب‌آبادی معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی گفته است: "فهرست نزدیک به ۱۲۰ نفر از تروریست‌هایی که خود را به قوم شریف کرد منتسب می‌کنند برای استرداد، به عراق ارسال شده و به‌زودی محاکمه آنان برگزار می‌شود."

شکست مضحکه انتخابات حکومتی سبب شده است که جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری خود را در منگنه اعتراضات مردم ببیند و به هر ریسمان پوسیده‌ای برای سرکوب مخالفان آویزان

شود. حکومتی که در اوج درماندگی قرار دارد و قادر به مرعوب‌کردن و عقب راندن مردم در داخل کشور نیست، حکومتی که با ده‌ها میلیون مخالف در داخل کشور طرف است و هر روز با ریزش بیشتری در صفوف خود مواجه می‌شود، دستش را به آن طرف مرز دراز کرده تا با پز تعقیب مخالفان، تصویر قدرت و ثبات از خود بدهد. اما این سیاست نیز بارها تکرار شده و شکست‌خورده است و این بار نیز با شکست مواجه خواهد شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری جمهوری اسلامی و سیاست‌های سرکوبگرانه و تروریستی آن را شدیداً محکوم می‌کند. ما از همه مردم مبارز، احزاب و سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون می‌خواهیم که قاطعانه علیه این اقدام بایستند

و جمهوری اسلامی و اقدامات سرکوبگرانه آن را محکوم کنند. احزاب پیشرو و انقلابی در عراق و کردستان عراق و مردم کردستان عراق بارها علیه سیاست‌های تروریستی جمهوری اسلامی و اقدامات سرکوبگرانه آن از مخالفان جمهوری اسلامی حمایت کرده‌اند. این بار هم انتظار می‌رود به این سیاست ضدانسانی جمهوری اسلامی اعتراض کنند و علیه هر نوع مماشات احزاب حاکم این منطقه با جمهوری اسلامی قاطعانه بایستند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۵

۱۷ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۲۷ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

گسترش کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"

حسن صالحی

وزیر بهداشت خامنه‌ای مرگ در آستین دارد

سینا پدرام

عاشورای رژیم اسلامی در کانادا و اعتراض ما

بابک یزدی

"حسینیه بزرگ رادیویی" در عصر اینترنت!

محسن ابراهیمی

کارزار حمایت از شریفه ادامه دارد

حزب کمونیست کارگری ایران

گسترش کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"

حسن صالحی

در بیست و پنجمین هفته از کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" روز بیست و ششم تیر زندانیان محبوس در زندان‌های اردبیل و قائم‌شهر با دست‌زدن به اعتصاب‌غذا برای متوقف کردن اعدام‌ها به این کارزار پیوستند. بدین ترتیب تاکنون در یازده زندان کشور شماری از زندانیان به کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" پیوسته‌اند که شامل زندانیان محبوس در بندهای هشت، شش، چهار و زنان زندان اوین، واحدهای سه و چهار زندان قزل‌حصار، زندان مرکزی کرج، زندان خرم‌آباد، زندان تبریز، زندان خوی، زندان

نقده، زندان مشهد و زندان سقز نیز می‌شود.

هدف از این کارزار اعتراض به اعدام‌ها در ایران و با شعار "نه به اعدام" است. در این کارزار نه فقط زندانیان سیاسی بلکه زندانیان متهم به جرایم دیگر نیز شرکت دارند.

خاطرنشان کنیم که جمهوری اسلامی به دلیل برگزاری مضحکه انتخاباتی‌اش، برای یک دوره کوتاه اعدام در زندان‌های مختلف ایران را متوقف کرده بود و در حال حاضر دوباره دور جدیدی از اعدام‌ها را شروع کرده است. در شش ماه گذشته حداقل ۲۴۹ مورد اعدام در ایران گزارش شده است.

اعدام در دست جمهوری اسلامی یک ابزار سیاسی برای مرعوب کردن جامعه و انتقام از مردمی است که این رژیم را نمی‌خواهند و در مبارزه‌ای هر روزه خواهان سرنگونی آن هستند. این نبردی از هر دو طرف برای ماندن است. رژیمی که علی‌رغم نفرت و اعتراض عمومی می‌خواهد به هر قیمت بماند، بخورد و بچاپد و استثمار کند و مردمی که نمی‌خواهند زیر فشار خردکننده‌ای که حکومت به وجود آورده است نابود شوند، می‌خواهند زنده بمانند و به یک زندگی بهتر دست یابند. فریادهای نه به اعدام که در زندان‌های ایران بلند است هم جنس همان مبارزه‌ای است که کارگران نفت، کارگران نیشکر هفت‌تپه و ذوب‌آهن و فولاد و بازنشستگان و معلمان و پرستاران برای داشتن

شرایط کار و زندگی بهتر و دیگر خواست‌های انسانی دارند.

جنبش علیه اعدام مبارزه انسان‌ها در دفاع از حق حیات است که جانیان اسلامی علیه آن شمشیر کشیده‌اند. دشمنان مردم برای جان و زندگی انسان پشیزی ارزش قائل نیستند. اما ما از حق حیات و حق برخورداری شهروندان از یک زندگی مرفه و شایسته دفاع می‌کنیم. به جنبش دفاع از زندگی، جنبش علیه اعدام بپیوندید و آن را هر چه بیشتر تقویت کنید!

وزیر بهداشت خامنه‌ای مرگ در آستین دارد

سینا پدرام

علیرضا مرندی، سرتیم پزشکی خامنه‌ای، در نامه‌ای به مسعود پزشکیان، یکی از معیارهای وزیر بهداشت دولت چهاردهم را "ولایت‌مدار، مؤمن، متقی و متکی به مدد الهی بودن در بیان و عمل" دانست و "اجرای کامل سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی خامنه‌ای" را اصلی مهم عنوان کرد.

اگر بخواهیم به زبان "پزشکی" با مرندی صحبت کنیم، باید بی‌کم‌وکاست اعلام کرد که در میان پادوها و جیره‌خواران بیت رهبری، پاچه‌خواری و مردرندی به "مرضی مسری" تبدیل شده است.

این "پزشک" جیره‌خوار بهتر است خفه شود و امور پزشکی را به کسانی بسپارد که حرفه و هم‌وغم آنها درمان مردم است.

سیاست بهداشتی و درمانی‌ای که بر اساس "توکل بر خدا" بنا شده باشد، شیادانه است و هیچ ارتباطی با علم و دانش بشری حتی در سده‌های قبل ندارد. حرف‌های این شیاد را با نوشته‌های ابن‌سینا در ۷۰۰ سال قبل مقایسه کنید تا به عمق جنایت‌کار بودن سیاست‌های رژیم پی ببرید.

قرن ۲۱، قرن تحولات شگرف در زمینه هوش مصنوعی و به‌کارگیری آن در علم پزشکی است. قرن کاوش‌های سلولی و ژنتیکی برای مهارکردن

و ازبین‌بردن امراضی است که تا چندی پیش لاعلاج به نظر می‌رسیدند. قرن پیروزی‌های شگرف بر علیه بیماری‌های سرطانی و ژنتیکی است. قرنی است که شاید برای درمان بیماری آلزایمر، پارکینسون و بسیاری از بیماری‌های عصبی و مغزی دیگر تلاش می‌شود راه‌حل‌های مؤثری پیدا شود.

شیادانی مانند علیرضا مرندی که اسم "پزشک" بر خود نهاده‌اند، تمام سیاست بهداشتی و درمانی یک کشور با جمعیت نزدیک ۹۰ میلیون را به معیشت و توکل الهی سپرده‌اند. شیادی این اوباشان حد و مرزی ندارد.

سیاست درمانی کشور باید بر اساس آخرین پیشرفت‌های علمی و فنی جهان مدرن پایه‌ریزی شود. از آن مهم‌تر، بدون درجه بالایی از انسان‌دوستی و احترام به جان آدمیان و محیط‌زیست نمی‌توان خدمات درمانی این قرن را به‌سوی پیشرفت و ترقی سوق داد. توکل به خدای علیرضا مرندی و خامنه‌ای نتیجه‌ای جز مرگ و بیماری برای شهروندان و چپاول برای دارودسته حاکم نخواهد داشت. سیاست‌های درمانی رژیم هم جنایت‌کارانه و هم سودجویانه است. بودجه و منابع مالی کشور باید به‌سوی خدمات درمانی رایگان سوق داده شود که البته با وجود جمهوری اسلامی غیرممکن است.

عاشورای رژیم اسلامی در کانادا و اعتراض ما

بابک یزدی

از هشت سال پیش که دسته‌های عاشورا با حمایت جمهوری اسلامی ایران در تورنتو راه افتاد، ما مخالفین رژیم اسلامی نیز متحد و یکپارچه به مقابله با آنها پرداختیم. در سال‌های اول تلاش کردیم با اعتراض خیابانی آنها را از خیابان‌های تورنتو، بخصوص خیابان اصلی یعنی خیابان "یانگ" و نزدیک پلازای ایرانیان جمع کنیم. با اعتراضات یکپارچه ما، در سال‌های گذشته پلیس تعدادی از آنها را دستگیر کرده و آنها را به پلازای ایرانیان راه نداد و بعداً حتی آنها را مجبور کرد در کلیسائی فرعی جمع شده و عاشورایشان را

در کلیسا به پایان برسانند! در دو سال گذشته آن‌چنان تحت‌فشار اعتراضات ما بودند که به مسجدی در گوشه شهر "اسکاربورو" خزیدند.

امسال بار دیگر خواستند در روز سه‌شنبه ۲۶ تیر مصادف با ۱۶ جولای در خیابان یانگ و پلازای ایرانیان ابراز وجود کنند که ما از چند روز قبل‌تر تلاش گسترده‌ای را برای اعتراض به این بساط حکومتی و جلوگیری از آن آغاز کردیم. روز سه‌شنبه، در هوای بارانی بسیار شدید از ساعت ۸ صبح برای اعتراض در خیابان آماده شدیم. به‌طورجدی وارد مذاکره با پلیس تورنتو شدیم و مهم‌ترین خواستمان را اعلام کردیم که به‌هیچ‌وجه اجازه نخواهیم داد که جمهوری اسلامی تحت نام

عاشورا در خیابان‌های تورنتو و مخصوصاً خیابان یانگ و به‌ویژه پلازای ایرانیان ابراز وجود کند.

در نتیجه اعتراض ما آنها مجبور شدند به‌جای خیابان اصلی، به یک پارک و مسیر فرعی بروند. با ادامه اعتراض ما و اعلام مجدد از طرف ما که اجازه نخواهیم داد آنها به پلازای ایرانیان برگردند، پلیس از وسط راه مانع بازگشت آنها به پلازا شد.

یک‌بار دیگر اعلام می کنیم که ما به‌هیچ‌وجه اجازه نخواهیم داد هیچ شهر کانادا از جمله تورنتو به محلی برای جولان عوامل رژیم اسلامی تحت هیچ عنوانی از جمله عاشورا تبدیل شود. ما متحد و یکپارچه در کنار دیگر آزادی‌خواهان و مخالفین

رژیم تا سرنگونی کامل رژیم استوار ایستاده‌ایم.

لازم به یادآوری است که در اثر سال‌ها تلاش و اعتراضات وسیع علیه تحرک جمهوری اسلامی در کانادا، دولت کانادا سفارت جمهوری اسلامی را تعطیل کرده، سپاه پاسداران را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داده و قتل‌عام تابستان ۶۷ را به‌عنوان جنایت علیه بشریت شناخته است.

"حسینیه بزرگ رادیویی" در عصر اینترنت!

محسن ابراهیمی

معاون صدای سازمان صداوسیما خبر داد که امسال هم مثل سال‌های گذشته با پخش آئین‌های سنتی، نوحه‌خوانی، مقتل‌خوانی در شبکه‌های مختلف رادیویی تلاش می‌شود که رادیو به یک حسینیه بزرگ برای عزاداران حسینی تبدیل شود تا "زمینه زیارت نیابتی را برای مردم عزیز کشور" فراهم شود!

واقعاً این ابله خدا نمی‌داند که "مردم عزیز کشور" از رسانه‌های حکومتی به‌اندازه خود حکومت و حکام اسلامی و آیت‌الله‌هایش منزجر و متنفرند؟ نمی‌داند که دیدن برنامه‌ها و چهره‌ها و صداها و

شنیدن عربده‌های محرم حال "مردم عزیز" را به هم می‌زنند؟ نمی‌داند که مردم، مخصوصاً جوانان در ایران با دسترسی به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در ارتباط متقابل و فعال و گسترده با جهان هستند و شبانه‌روز به این حکومت و صدا و سیمایش تف می‌کنند؟

همه اینها را حکام اسلامی می‌دانند و حتی امید ندارند که این کارهای مضحک فرجی برای حکومت حاصل کند. اما حکومت اسلامی شرکت سهامی چپاول است که شغل سهام‌دارانش این است که با هر راهی که بلدند و به عقلشان می‌رسد کانالی برای جذب پول و ثروت برای خود و دوروبری‌هایشان فراهم کنند. "حسینیه رادیویی" هم به نام "زیارت نیابتی برای مردم عزیز" – مردمی که از هر چه

حسینیه و مسجد و محرم است منزجرند – در واقع امکانی برای تجارت مستقیم پول و ثروت برای آقازاده‌های عزیز حکومت است! بعلاوه، باید گفت مراسم محرم در خیابان‌ها یا خلوت است یا به "حسین پارتی" تبدیل می‌شود. تصور می‌کنند با "حسینیه رادیویی" می‌توانند محرم را داغ جلوه دهند!

حکومتی که در سال‌های گذشته – سال‌هایی که خبری از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نبود – در جنگ نوارهای صوتی و ویدئویی و آنتن‌های بشقابی از مردم شکست سنگینی خورده است، امروز می‌خواهد برای جوانانی که بیشترین ارتباط اینترنتی را با جهان دارند، برای جوانانی که در کف خیابان عزاداری‌های حکومتی را به دیسکوهای متحرک

تبدیل می‌کنند، "حسینیه رادیویی" راه بیندازد.

در ایران بعد از انقلاب زن زندگی آزادی، در فضای شکاف عمیق میان مردم و حکومت، در فضای صف‌آرایی گسترده مردم علیه حکومت، سران حکومت با اقدامات مسخره‌ای مثل راه‌انداختن "حسینیه رادیویی"، با قراردادن بیشتر خودشان در معرض چشم و گوش جامعه، مردم را مصمم‌تر می‌کنند هر چه زودتر شرشان را از جامعه بکنند.

کارزار حمایت از شریفه ادامه دارد
شما هم به این کارزار بپیوندید!

حزب کمونیست کارگری ایران

بازنشستگان تأمین اجتماعی در تهران

بازنشستگان تأمین اجتماعی در تهران نیز به کارزار حمایت از شریفه پیوستند. در تجمع این بازنشستگان در روز یکشنبه ۲۴ تیرماه یکی از بازنشستگان اعلام کرد که شریفه محمدی را تنها نمی‌گذاریم و بازنشستگان دسته‌جمعی شعار دادند: شریفه محمدی آزاد باید گردد. بازنشستگان شوش و کرمانشاه نیز در تجمعات خود در روز یکشنبه با شعار شریفه محمدی آزاد باید گردد حمایت خود را از شریفه اعلام کرده بودند.

پیام ناهید خداجو فعال کارگری زندانی در اوین:

ناهید خداجو روز ۲۴ تیرماه پیامی از زندان در محکومیت حکم اعدام شریفه محمدی منتشر کرد. در این پیام آمده است:

«پیام حکومتیان با اعلام حکم اعدام به شریفه عزیزمان این است که برایشان فرقی نخواهد داشت که چه کسی سکان کشتی به‌گل‌نشسته را به دست دارد. مهم حفظ بقا و استمرار حکومتشان است که دیگر سرکوب خونین، زندان، اعدام و جابه‌جایی مهره‌هایشان تأثیری بر حفظ قدرتشان نخواهد داشت. تصورِ حاکمان که چنین پیام خونینی مانع از اعتراضات و اعتصابات کارگران، زحمت‌کشان، معلمان، بازنشسته‌ها، دانشجویان و یا دیگر مزدبگیران و مردم معترض می‌شود، خیالی باطل است. چرا که طی ۴۶ سال سرکوب، زندان، اعدام و کشتار، حکومت

در شرایطی بغایت شکننده و متزلزل‌تر از پیش قرار گرفته؛ به‌نحوی که با هیچ سرکوبی قادر به عبور از تنگناهای موجود نیست».

پیام محمد حبیبی از فعالین معلمان:
محمد حبیبی در نوشته‌ای کوتاه با اشاره به متن حکم منتشرشده شریفه محمدی نوشت: «فعالیت‌های ایشان، همان فعالیت‌هایی است که همه ما فعالان صنفی و کارگری در سطح دیگری در حال انجام آن بوده و هستیم.

صعود به قله آزادکوه تقدیم به شریفه:
اکرم نصیریان از صعود به قله آزادکوه در گرامیداشت یاد غزاله چلابی خبر داد و آن را به شریفه تقدیم کرد. اکرم نصیریان ضمن انتشار یک فایل تصویری

نوشته است: «نمیشه تو کوه باشی و غزاله عزیز را به یاد نیاری. صعود به قله آزادکوه را تقدیم می‌کنم به شریفه محمدی فعال کارگری و کوهنورد که برابری را حق انسان‌ها می‌دانسته و با اتهام بغی حکم اعدام گرفت. به همه کسانی که با اتهام بغی حکم اعدام دارند».

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۶

۱۸ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۲۸ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

سارا جهانی: "بازم بلند میشیم و میگیم زن زندگی آزادی"

کاظم نیکخواه

دختران بی‌حجاب در دسته عزاداری

اصغر کریمی

"دانشگاه‌های اسلامی" پول می‌بلعند

کیوان جاوید

چای سریلانکا و یک حکومت مستاصل

منظر دریاکناری

کارزار حمایت از شریفه با قدرت ادامه دارد

کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۵

سارا جهانی:

"بازم بلند میشیم و میگیم زن زندگی آزادی"

کاظم نیکخواه

سارا جهانی، از فعالان حقوق زنان در گیلان، دیروز قبل از رفتن به زندان سخنانی را بیان کرده است که بسیار گویاست او میگوید "اون شبی که حکمم اومد با همین لباس نشستم و گفتم هر اتفاقی که بیفتد باز هم از جامون بلند میشیم و میگیم زن زندگی آزادی. الانم فردا می‌خوام خودم رو به زندان لاکان معرفی کنم و باز هم میگم: اگه فقط اجازه بدید زنده بمونیم! بازم بلند میشیم و میگیم: "زن، زندگی، آزادی."

براستی در برابر این دختران جسور باید سر تعظیم فرود آورد. این جملات برای اینکه لمس کنیم که چگونه زن و مرد و پیر و جوان این کشور، حکومت منفور اسلامی را در محاصره خود گرفته‌اند و به سر حد مرگ کشانده‌اند، کافی است. سارا دکتر داروساز است و در بیمارستان سوانح سوختگی رشت کار میکرد. سارا در ۹ مهر پس از ۴۶ روز بازداشت به قید وثیقه پانصد میلیونی آزاد شد. او در دادگاه بدوی به ۶ سال و ۳ ماه حبس که ۳ سال و ۶ ماه و یک روز آن قابل اجراست، محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدید نظر عینا تایید شد.

هنگام بازداشت سارا جهانی در رشت، ماموران

امنیتی در حالی که ملافه ای را دور بدنش پیچانده بودند او را هدف مشت و لگد قرار دادند و برای افشای رمز موبایل همانجا مورد آزار و شکنجه قرار دادند. اما جوابی که شنیدند همین بود که باز هم فریاد زن زندگی آزادی سر خواهم بود.

سارا و ساراها در برابر قاتلان و شکنجه‌گران حاکم از جان خود مایه میگذارند. سارا صدای میلیونها زن و مردی است که دیگر تحمل این دیوهای عقب‌مانده و متحجر و ضد انسان را ندارند و فریاد میزنند که دیگر بس است! دیگر تحمل نمیکنیم! جنگ ما علنی است. میجنگیم و با فریاد زن زندگی آزادی سرنگونتان میکنیم!

دختران بی‌حجاب در دسته عزاداری

اصغر کریمی

با انتشار ویدئویی از یک دسته زنجیرزنی با حضور زنان بی‌حجاب در کرج، فرمانده انتظامی استان البرز گفته است انتشار این ویدئوها منجر به "جریحه‌دار شدن احساسات عزاداران حسینی" در سراسر کشور شده و همه این افراد پس از شناسایی به پلیس استان البرز احضار شده‌اند. رئیس سازمان هیأت و تشکل‌های دینی نیز گفته است مجوز هیئت عزاداری که دسته‌اش به خیابان آمده بود و دختران بی‌حجاب در آن شرکت داشتند، "لغو" شده و با مسئول این هیئت برخورد قانونی خواهد شد.

اولین نکته‌ای که توجه را جلب میکند این است که "انتشار ویدئو" منجر به جریحه‌دار شدن احساسات شده نه خود این عمل! گویی روز عاشورا نیروی انتظامی و لباس‌شخصی‌ها و پاسداران و بسیجی‌ها این صحنه را ندیده بودند! دیده بودند و حضور هم داشتند اما نتوانستند جلوی دختران بی‌حجاب را و زنان بی‌حجاب بیشتری که در اطراف دسته زنجیرزنی حضور داشتند را بگیرند. حتی روز عاشورا که روز حکومتی‌ها و بسیج اوباش حکومت است هم توازن قوا اجازه نمی‌داد که این دختران را دستگیر کنند. حالا می گویند شناسایی! کرده‌اند و احضار کرده‌اند. کار حکومت به احضار تبدیل شده و کار مردم هم دهن کجی به خود این احضارها.

قبل از این اتفاق نماینده خامنه ای در هرمزگان گفته بود که "نباید اجازه دهیم هیئت‌های مذهبی سکولار شوند". او اشاره‌اش به مداحانی بود که نوحه‌هایشان سیاسی و انتقادی شده است. او نمی‌دانست که اوضاع از اینها خرابتر! است و انقلاب زن زندگی آزادی مهمترین مراسم مذهبی‌شان را هم بی‌حجاب کرده و "طرح نور"شان را هم سکه یک پول کرده است!

مراسم عاشورا دیگر روز قدرت‌نمایی حکومت نیست. روز بروز انواع دسته‌بندی‌ها و مداحی‌های سیاسی انتقادی و از طرف دیگر حسین‌پارتی دختران و پسران جوان و ریزش شدید خرافه و

اسلام و اسلامیون است و دردسرهای جدید برای حکومت و شناسایی و احضار زنان و جوانان و حتی مداحان و مسئولان دسته‌ها و حسینیه‌ها.

دو دهه قبل، از رنسانس فرهنگی علیه مذهب و سنت‌های مذهبی صحبت میشد. این رنسانس فرهنگی اکنون در ادامه خود به یک جدال سیاسی همه‌جانبه و بنیان برانداز علیه کل مقدسات اسلامی و حکومت اسلامی و آخوند و عمامه و مسجد تبدیل شده است. جامعه ایران علیرغم همه فشارهای اقتصادی که اکثریت مردم را مچاله کرده و علیرغم سرکوب‌های سیاسی، اما شاداب و زیبا است چون آبستن جامعه‌ای عمیقا مدرن و شاد و انسانی است.

"دانشگاه‌های اسلامی" پول می‌بلعند

کیوان جاوید

داده‌های باز ایران: بودجه پنج "دانشگاه مذهبی-تبلیغاتی" در ایران بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان است. در این گزارش تاکید شده "دانشگاه"ها یا "پژوهشگاه"های حوزوی در واقع مدارس مذهبی‌ای هستند که شباهت زیادی به حوزه‌های علمیه دارند و بنا به این گزارش اغلب آن‌ها به طور مستقیم زیر نظر علی خامنه‌ای اداره می‌شوند.

بلعیده شدن میلیاردها دلار پول توسط مراکز مذهبی اسلامی در ایران یکی از دستاوردهای مهم جمهوری اسلامی است و می‌تواند آموزش

برای همه حکومت‌های فاسد باشد. استفاده بهینه از مذهب برای غارتگریِ حداکثری براستی در تخصص حاکمان اسلامی در ایران است. شناخت از این پدیده که چگونه مافیای عظیم اسلامی شیره جان مردم را می‌مکد نیاز به تخصص ویژه‌ای ندارد. کافی است بخشی از یک باند وابسته به مافیای حکومتی شد تا در لیست دریافت بودجه‌های مالی باورنکردنی قرار گرفت. اینجا با در نظر گرفتن دو عامل اصلی شایستگی افراد و نهادها برای سهم بری بیشتر در نظر گرفته می‌شود. اول اینکه برای حفظ حاکمیت اسلامی از هیچ جنایتی دریغ نکنند. وفاداری به نظام، مقابله با مردم معترض و آمادگی برای سرکوب و هر جنایتی که برای

حفظ نظام لازم باشد، مهمترین شرط موفقیت در این آزمون حکومتی است. شرط بعدی وفاداری مستقیم به بیت رهبری و شخص خامنه‌ای است. بدون این عامل دوم همیشه خطر این وجود دارد که همچون مهدی رفسنجانی و دیگر باندهای زاویه‌دار با بیت رهبری پایشان به زندان کشیده شود و مورد بی‌مهری واقع شوند.

با این درک عمومی حالا راحت‌تر می‌شود متوجه شد که چرا چنین بودجه‌های عظیمی به پنج "دانشگاه مذهبی - تبلیغاتی" تعلق گرفته است. این مراکز هر دو شرط را به خوبی‌دارا می‌باشند. هم در آدم‌کشی و جنایت سرآمداند و هم در سرسپردگی مستقیم به خامنه‌ای امتحان پس

داده‌اند.

همراه با سرنگونی جمهوری اسلامی کمک مالی به نهادهای مذهبی فورا و تماما قطع می‌شود. مذهب هیچ جایی در زندگی اجتماعی و بهره‌مندی از تولید اجتماعی نخواهد داشت. در کنار مذهب‌زدایی، همه دارایی‌های مالی نهادهای اسلامی و مذهبی دقیقا حسابرسی می‌شود و ضمن مشخص شدن منبع درآمد مراکز مذهبی مالیات به آنها تعلق می‌گیرد و با شدیدترین شتاب اجتماعی دست مذهب از دولت و از جامعه کوتاه می‌شود. یکی از معانی پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی این است.

چای سریلانکا و یک حکومت مستاصل

منظر دریاکناری

سریلانکا "۵۵ میلیون دلار" از بدهی خود به ایران را با چای تسویه کرد. سریلانکا از پرداخت بخش دیگری از بدهی خود به جمهوری اسلامی بابت واردات نفت خام، از طریق صادرات چای خبر داد. این رقم بخشی از بدهی ۲۵۱ میلیون دلاری سریلانکا بابت واردات نفت از ایران است که اسفند پارسال نیز ۲۰ میلیون دلار آن در قالب صادرات چای، تسویه شده بود.

شاید گفته شود این موضوع خیلی بااهمیتی نیست و استلال شود بالاخره کشور نیازمند چای

هم هست و چه کسی است که نداند ایران در کنار چند کشور خاص دیگر یکی از بزرگترین کشورهایی است که مردمانش عاشق نوشیدن چای هستند. اما این همه داستان صادرات چای سریلانکا به ایران نیست. اصل قضیه این است که جمهوری اسلامی دسترسی به دلار در معاملات اقتصادی بین‌المللی ندارد و هیچ بانکی مجاز نیست قانونا با جمهوری اسلامی وارد داد و ستد اقتصادی شود. جمهوری اسلامی نفت را به ارزان‌ترین قیمت ممکن بصورت قاچاق در بازار جهانی می‌فروشد و طرف مقابل یا پولش را به دلیل بلوکه بودن اقتصادی نمی‌دهد یا با صدور انواع کالاهایی بنجل تسویه حساب می‌کند.

این اقتصاد و سیاست در جهان محکوم به شکست است. هیچ حکومتی نمی‌تواند مادام که منبع تروریسم جهانی است و مورد بی‌مهری اکثرکشورهای جهان قرار گرفته و حامیان تاثیرگذاری نیز در افکار عمومی جهانی ندارد و در داخل کشور هم با دهها بحران ریز و درشت دست به گریبان است و بیناد حکومتش توسط مردم منظما تهدید می‌شود، آینده‌ای برای بقا داشته باشد.

در همین راستا است که حزب کمونیست کارگری مداوما اعلام کرده است که جمهوری اسلامی با یک انقلاب اجتماعی سرنگون می‌شود به همین دلیل است که هیچ تغییری در جمهوری اسلامی

برای اصلاح این حکومت ممکن نیست. این حکومت بر اساس شعار "مرگ بر آمریکا" شکل گرفته است و دست شستن از این شعار یعنی فروپاشی همه ارکان ایدئولوژیکی و ساختارهای سیاسی و فرهنگی این حکومت. وقتی با تغییر مهره‌هایی در حکومت بعضا افراد یا حتی احزابی به این نتیجه می‌رسند که شاید حکومت قصد بازنگری در سیاستهای کلان خود را دارد و خوب است با این حکومت مدارا شود، باز هم ما این حکم را در برابر همه قرار میدهیم. رژیم همانطور که مردم ایران می خواهند با انقلاب سرنگون می شود.

کارزار حمایت از شریفه با قدرت ادامه دارد

کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۵

هشتاد نفر از فعالین جنبش زنان، فعالان سیاسی و مدنی، دادخواهان، فعالین و آسیب دیدگان انقلاب زن زندگی آزادی با انتشار بیانیه مشترکی حکم اعدام شریفه محمدی را محکوم کرده و اعلام کردند که حکم اعدام شریفه باید فورا لغو شده و شریفه بدون قید و شرط آزاد شود.

در این بیانیه آمده است: "ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم حکم اعدام شریفه محمدی قویا محکوم است و باید فورا لغو شود. شریفه محمدی هیچ جرمی مرتکب نشده و باید فورا و

بی قید و شرط آزاد شود و پرونده امنیتی و قضایی او مختوم اعلام گردد".

ما امضا کنندگان این بیانیه ضمن محکومیت هرگونه پرونده سازی برای شریفه محمدی، تاکید می‌کنیم مطالبه‌گری، اعتراض، اعتصاب، تشکل و عضویت در حزب سیاسی، جملگی از حقوق ابتدایی انسان قرن بیست و یکم است و ما از تمامی این حقوق قاطعانه دفاع می‌کنیم. ما از تمامی مردم آزادیخواه به ویژه از زنان و کارگران میخواهیم که به مبارزه خود قدرتمندانه‌تر ادامه دهند چرا که روش مقابله با ایجاد ارعاب و اختناق، تنها و تنها مبارزه مستمر، اتحاد و همبستگی، برپایی اعتراضات و اعتصابات است. ما امضا کنندگان این

بیانیه از داخل و خارج کشور از تمامی سازمانهای بین‌المللی به ویژه کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل میخواهیم که به صدور حکم اعدام شریفه محمدی، رسیدگی کرده و نه تنها جمهوری اسلامی را برای صدور این حکم شنیع محکوم کنند بلکه برای لغو آن دست به اقدام شوند».

ماری لاولر گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در شبکه ایکس تحت عنوان "اخبار آزار دهنده از ایران" نوشته است: "شریفه محمدی فعال کارگری و صنفی به دلیل فعالیت هایش در دادگاه به اعدام محکوم شده است . فعالیت حقوق بشری جرم نیست و ایران باید به سرکوب و ارعاب مدافعان حقوق بشر از طریق چنین احکامی پایان دهد."

در خارج کشور نیز تجمعات در حمایت از شریفه همچنان ادامه دارد. روز ۱۶ جولای (۲۶ تیرماه) تجمعی در فرانکفورت در حمایت از شریفه برگزار شد. در روزهای آینده نیز تجمعاتی از جمله در گرونینگن هلند روز ۱۹ جولای و در کلن آلمان ۲۰ جولای فراخوان داده شده است.

حکم اعدام شریفه محمدی و فعالیت‌های مختلف در داخل و خارج کشور برای آزادی او انعکاس وسیعی در رسانه‌های فارسی زبان داشته است. پتیشنی نیز در حمایت از شریفه شروع شد و تا کنون بیش از ۴۵۰۰ نفر آنرا امضا کرده‌اند.

کارزار حمایت از شریفه محمدی کارزاری علیه مجازات اعدام، برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، علیه زن ستیزی و دفاع از حق تشکل و اعتراض و اعتصاب و تحزب است. این کارزاری مهم در فضای سیاسی کنونی در ایران است و باید با تمام قوا از آن حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۷

۲۰ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۳۰ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

حذف ۴۸۵ قلم کالا از شمول ارز ترجیحی

کیوان جاوید

پیشروی سیاسی جنبش علیه اعدام در ایران

فریبرز پویا

در مقابل فاشیسم علیه پناهجویان افغانستانی می‌ایستیم!

محسن ابراهیمی

جایگاه زن در کتاب درسی کلاس اول ابتداییِ زمان شاه

منظر دریاکناری

حمایت از شریفه محمدی در ایران و در خارج ادامه دارد

کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۶

حذف ۴۸۵ قلم کالا از شمول ارز ترجیحی

کیوان جاوید

رئیس سازمان برنامه‌وبودجه گفت: "در اجرای سیاست محدودسازی تخصیص ارز ترجیحی، از سال گذشته تاکنون بیش از ۴۸۵ قلم کالا از شمول ارز ۲۸۵۰۰ تومانی خارج شد و در حال حاضر صرفاً واردات ذرت، روغن، کنجاله سویا و دارو با ارز ترجیحی انجام می‌شود."

خبرگزاری ایلنا روز پنج‌شنبه ۲۸ تیر در گزارشی با اعلام اینکه سیاست آزادسازی قیمت‌ها و حذف ارز ترجیحی (۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی) یک شوک عظیم به بازار کالاها و خدمات کشور وارد کرد

و موجب بروز یک تورم سنگین شد، نوشت که این سیاست در دولت سیزدهم به ریاست ابراهیم رئیسی و به بهانه "هدفمندسازی" و "عادلانه‌سازی یارانه‌های پرداختی دولت" در پیش گرفته شد؛ اما نتیجه چیزی جز "گرانی سرسام‌آور اقلام موردنیاز خانواده‌ها" نبود.

اینکه اجرای این سیاست چه بلای بیشتری از گذشته بر سر مردم می‌آورد البته معضل حاکمیت نیست. هدف این است اجرا این سیاست و البته فراتر رفتن از این شوک فعلی و امتداد این ریاضت اقتصادی در ایران قدمی باشد در جهت کنترل بحران عظیم اقتصادی جمهوری اسلامی. هدف تأمین همه نیازهای اقتصادی برای ادامه حمایت

مالی و نظامی از "گروه‌های نیابتی"؛ تأمین هزینه دست‌یافتن به سلاح اتمی؛ تأمین مالی نهادهای سرکوبگر؛ تأمین بودجه‌های نجومی نهادهای مذهبی؛ تبلیغی و خرافه پراکنی است. در نهایت و مهم‌تر از همه انباشته‌تر کردن حساب‌های بانکی میلیاردرهای غارتگر اسلامی است. این هزینه‌ها باید از جیب مردم تأمین شود. راه دیگر وجود ندارد.

سال‌ها پیش وزیر نفت وقت جمهوری اسلامی با پرسشی مبنی بر این روبرو شد که تا چه حد می‌خواهید قیمت نفت را بالا ببرید. جواب روشن و کوبنده و برای عموم شوکه آور بود. او با بی‌شرمی تمام گفت تا جایی که مردم تحمل

کنند. حقیقتش این است که آستانه صبر و تحمل مردم مدت‌های مدیدی که پایان‌یافته است. طی سال‌ها گذشته ما شاهد چنین قیام و قدم‌گذاشتن در راه انقلاب برای سرنگونی بودیم. نیروی سرکوب حکومت عاملی بود که رزیم جان سالم از سرنگونی بدر برد. راه و چاره باز هم همان است. تلاش متمرکزتر و متحدتر جنبش‌های اعتراضی و کارگری و سراسری‌تر و بسیج میلیونی شهروندان برای سرنگونی جمهوری اسلامی. تا آن روز هیولای فقر در کمین همه نشسته است.

پیشروی سیاسی جنبش علیه اعدام در ایران

فریبرز پویا

اگر در دهه‌های گذشته جانیان اسلامی اعدامیان را در گورهای دسته‌جمعی در خاموشی شب و در خفا زیر خاک پنهان می‌کردند و خانواده‌های آنها تنها برای یافتن اجساد عزیزانشان گورستان‌ها را می‌گشتند و حتی برای بدست آوردن یادگار باقی‌مانده از عزیزانشان به هر دری می‌زدند امروز اما ایران تحول مهمی را علیه اعدام تجربه می‌کند.

تحولی بزرگ به‌پاس زحمات شبانه‌روزی بسیاری، از جمله مادران داغدار، و به شکل آویزان کردن

بنر "اعدام نکنید" در خیابان‌ها و پل‌ها، تا تجمع اعتراضی خانواده‌های محکومین به اعدام مقابل قوه قضائیه و کودکانی پلاکارد بدست که: "بابای من را اعدام نکنید" یا حضور شبانه خانواده‌های محکوم‌شدگان به اعدام جلوی زندان‌ها علیه احکام اعدام تا حضور دائمی در شبکه‌های اجتماعی به همراه تحصن و اعتراض مداوم در خارج از کشور، حکومت اسلامی را با سد عظیمی از مقاومت روبرو کرده است.

ارتقای درک عمومی از اعدام به‌عنوان یک عمل شنیع که همان قتل دولتی است، اهمیت زیادی دارد. ورود زندانیان سیاسی و در دست‌گرفتن راهبردی این جنبش از درون زندان با اعلام سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه اعدام در شش ماه

گذشته و سرایت این اعتراضات به زندان‌های دیگر از جمله بندهای مختلف زندان اوین، زندان قزل‌حصار، زندان مرکزی کرج، زندان خرم‌آباد، زندان تبریز، زندان اردبیل، زندان قائم‌شهر، زندان خوی، زندان نقده، زندان مشهد و زندان سقز نقطه عطفی در این تحول به وجود آورده است.

کمپین‌های وسیع برای آزادی تومان صالحی، مجاهد کور کور، محمود محرابی، شریفه محمدی و دیگران به تجربه اهمیت بوجود آوردن همبستگی در عمل، تمرکز اطلاع‌رسانی، پشتیبانی از فعالیت‌های این عرصه را دوچندان کرده است فعالین این عرصه را به زندانبان و خانواده‌های محکوم به اعدام به هم نزدیک‌تر می‌کند و اجازه

می‌دهد که خیل وسیع مردمی که خواهان لغو اعدام هستند امکان ابراز بیان عملی داشته باشند. بیاد داشته باشیم که نهاد: "کمپین بین‌المللی علیه اعدام" با دو دهه فعالیت متمرکز علیه اعدام در ایران و جدیداً "کارزار جهانی نه به اعدام" چه تأثیر مهمی در ارتقا مبارزه علیه دارند.

به‌جرئت می‌توان گفت که ایران اکنون در آستانه و در مرکز جنبش لغو اعدام در جهان قرار دارد و فراتر از آن این جنبش در ایران امروز برای لغو اعدام می‌تواند نویدبخش همبستگی وسیع‌تری برای به‌وجودآوردن تحولی در سازمان‌یابی تعیین‌کننده‌ای برای شکل‌گیری عدالت در ایران داشته باشد.

در مقابل فاشیسم علیه پناهجویان افغانستانی می‌ایستیم!

محسن ابراهیمی

طبق اخبار رسانه‌ها در ایران، به خانه‌های تعدادی از مهاجرین افغانستانی در شهر خور در جنوب استان فارس حمله شده است و بعضاً خانه‌هایشان به آتش کشیده شده‌اند. این گزارش‌ها حاکی است که گویا انگیزه این حملات مربوط به قتل یک رستوران‌دار ایرانی توسط شاگرد ۱۷ساله افغانستانی است که در ۱۱ تیرماه گذشته رخ‌داده است.

علی‌رغم اینکه این خبر چقدر صحت دارد، نیازی

نیست که متخصص جامعه‌شناسی باشیم و پی ببریم که قتل و جنایت ربطی به قومیت و ملیت و غیره ندارد، بلکه یک معضل اجتماعی است و در کشوری مثل ایران ریشه در شرایط اقتصادی و اجتماعی ای دارد که حکومت اسلامی بر مردم تحمیل کرده است.

پناهجویان و مهاجرین افغانستانی در ایران ازیک‌طرف در سخت‌ترین کارها با کمترین دستمزد و در تحقیرآمیزترین شرایط استثمار می‌شوند و از طرف دیگر دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی بسته به شرایط به اشکال مختلف به تبلیغات شنیعی علیه آنها دست می‌زند. وقتی قتلی رخ می‌دهد که متهم یک افغانستانی است،

دستگاه تبلیغاتی حکومت سعی می‌کند مردم را علیه افغانستانی‌ها به‌عنوان دزد و جنایتکار تحریک کند و البته معمولاً در چنین مواقعی توسط ناسیونالیست‌های سلطنت‌طلب هم همراهی می‌شود َو متأسفانه بعضاً و در مواردی تحت‌تأثیر این تبلیغات فاشیستی خشم علیه افغانستانی‌ها در میان افراد ناآگاه شکل می‌گیرد.

زندگی پناهجویان افغانستانی نمونه زنده‌ای از بردگی میلیون‌ها انسان در ضد انسانی‌ترین شرایط در قرن بیست و یک است. جمهوری اسلامی مخصوصاً در سال‌های اخیر که مردم برای ویران کردن نظام اسلامی به‌پاخاسته‌اند، بیش‌ازپیش به تبلیغات و اقدامات فاشیستی علیه

پناهجویان افغانستانی دست زده است تا جایی که حتی تردد، اجازه کار و اسکان در ۱۷ استان و ۳۷ شهر برای پناهجویان افغانستانی را ممنوع کرده است که یادآور رفتار و اقدامات نازی‌ها در آلمان علیه یهودی‌ها است.

جایگاه زن در کتاب درسی اول ابتداییِ زمان شاه

منظر دریاکناری

مادر سارا آش می‌پزد.
سارا به مادرش کمک می‌کند.
سارا سبزی را پاک می‌کند.
مادر سبزی را در آش می‌ریزد.
آش پخته می‌شود.
سارا آش را دوست دارد.
ش ش
دارا در خانه کار می‌کند.
او با تخته و میخ
میز می‌سازد.
او با تخته و میخ
اسباب بازی می‌سازد.
سارا در خانه کار می‌کند.
او به مادرش کمک می‌کند.
Mehriran.net

عکسی که می‌بیند گویای این حقیقت ساده است که زن در تفکر و عمل حکومت پهلوی چه جایگاهی داشته است. غیر از بی‌حجابی دختربچه و خانم خانه‌دار موجود در این عکس که جمهوری اسلامی بر سرشان حجاب کشیده است، همان فرهنگ و منش ضد زن در هر دو

حکومت حاکم است.

در تصویر برادر با تخته و میخ میز می‌سازد و مادر سارا سبزی پاک می‌کند و آش می‌پزد و سارا در تهیه آش به مادرش کمک می‌کند و رخت شسته را آویزان می‌کند.

آیا این فرهنگ آشنایی برای زنان در ایران نیست؟ فرهنگ منحط اسلامی و مردسالار و ضد زن. می‌گویند در انقلاب ۵۷ مردم بی‌خبر از همه‌جا و "نادان" به همراهی چپی‌ها یک رژیم مدرن و سکولار که به‌سوی تمدن بزرگ پیشروی می‌کرد را سرنگون کردند و بجای آن جمهوری اسلامی را به جان مردم انداختند. این تصویر دروغین است.

نبض حکومت پهلوی با اسلام می‌زد و برای زنده نگه‌داشتن اسلام در ایران از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. در مصاحبه با محمدرضا پهلوی در کنار فرح نیز با زمختی تمام شاه همین جمله را علیه زنان تکرار می‌کند که عقل آنها به‌اندازه مردان نیست و نمی‌توانند حکمرانی کنند. وقتی خبرنگار نظر فرح دیبا را می‌پرسد او فقط در چشم‌های خبرنگار نگاه می‌کند و لبخند می‌زند.

جمهوری اسلامی نتیجه سرکوب سکولاریسم و آزادیخواهی و مدرنیسم و پروبال دادن به مساجد و حسین‌ها و آخوندها در دوران شاه است. نتیجه خفقان آریامهری و برپاکردن ساواک و زندان و اعدام. در ایرانِ امروز جنبش خلاصی فرهنگی

و جنبش ضد مذهبی- ضداسلامی اوج عظیمی گرفته است و انقلاب زن زندگی آزادی از جمله به همین دلیل خشم سلطنت‌طلبان را بر می‌انگیزد. مردم می‌خواهد اسلام را از ریشه بخشکانند؛ اما رضا پهلوی می‌گوید اگر هدف مبارزه و نابودی اسلام باشد چه‌بهتر که همین جمهوری اسلامی باقی بماند. رضا پهلوی نیز همچون پدر تاجدارش مدافع و حافظ صدیق آخوندهای درباری است تا خارج از دستگاه دولت و حکومت برای التیام دردها و مصائب اجتماعی، با توسل به مذهب، اسلام و بهشت را به مردم وعده بدهند.

حمایت از شریفه محمدی
در ایران و در خارج ادامه دارد

کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۶

- بزرگترین اتحادیه کارگری کانادا، اتحادیه کارگران خدامات عمومی، در نامه‌ای خطاب به دفتر نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل و شورایعالی حقوق بشر قوه قضاییه جمهوری اسلامی، که رونوشت آن برای سندیکای کارگران شرکت واحد ارسال شده، حکم اعدام شریفه محمدی فعال کارگری و مدنی را محکوم کرده و خواهان آزادی بدون قید و شرط او و سایر فعالین کارگری و مدنی زندانی در ایران شده است.

در این نامه آمده است: به اطلاع ما رسیده است که شریفه محمدی، فعال کارگری و حقوق زنان و شهروندی در پی محاکمه در شعبه اول دادگاه انقلاب رشت به اعدام محکوم شده است. اتحادیه کارمندان عمومی کانادا (CUPE) با ۷۵۰ هزار عضو به جنبش بین المللی کارگری در محکومیت این حکم ظالمانه می پیوندد. ما خواستار لغو فوری این حکم ناعادلانه، آزادی بی قید و شرط او، و آزادی همه فعالان کارگری و مدنی زندانی در ایران هستیم. اتهامات دروغین و پرونده سازی حقوقی علیه فعالان کارگری، زنان و حقوق مدنی یک راهبرد پرکاربرد برای خاموش کردن انتقاد در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر در سراسر جهان است. اتکای قضات و قوه

قضائیه به همان نهادهای امنیتی که این اتهامات جعلی را تهیه کرده اند، در حالی که از استقلال برای اتخاذ تصمیمات مستقل برخوردار نیستند، مدت هاست که اصول حقوق بشر و حقوق و ارزش های اساسی قانونی را نقض کرده است. صدور احکام اعدام یک رویه وحشیانه است که کل دولت باید نسبت به آن پاسخگو باشد.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا بار دیگر خواستار لغو فوری این حکم ناعادلانه شده و خواهان

آزادی بی قید و شرط شریفه محمدی و آزادی سایر فعالان کارگری و مدنی زندانی در ایران است.

- حمایت دو اتحادیه کارگری سوئیس از کارزار حمایت از شریفه محمدی

در پی ارسال نامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی به اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف پی یر میلارد (Pierre-Yves Mail-lard) دبیر کل اتحادیه کارگران سوئیس و کریستین داندرس (Christian Dandres) دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات عمومی در این کشور از کارزار علیه حکم اعدام شریفه محمدی حمایت کردند. اتحادیه کارگران سوئیس در برگیرنده ۴۲۰ هزار و اتحادیه خدمات عمومی ۳۵ هزار عضو است.

- حمایت دو اتحادیه کارگری سوئیس از کارزار حمایت از شریفه محمدی

در پی ارسال نامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی به اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف پی یر میلارد (Pierre-Yves Mail-lard) دبیر کل اتحادیه کارگران سوئیس و کریستین داندرس (Christian Dandres) دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات عمومی در این کشور از کارزار علیه حکم اعدام شریفه محمدی حمایت کردند. اتحادیه کارگران سوئیس در برگیرنده ۴۲۰ هزار و اتحادیه خدمات عمومی ۳۵ هزار عضو است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی(Free

Them Now) از تمامی اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های انسان‌دوست در سطح بین‌المللی می‌خواهد که برای نجات جان شریفه محمدی، این کارگر زندانی تلاش کنند، طومار حمایت از شریفه را امضا کنند و از مقامات جمهوری اسلامی خواهان لغو حکم اعدام شریفه محمدی و آزادی فوری او شوند.

– کمیته سراسری لغو اعدام شریفه محمدی در نامه‌ای خطاب به سندیکاهای کارگری، نهادهای مدافع حقوق کارگران و تشکل‌های مدافع حقوق زنان خواسته است که به هر شکلی که می‌توانند در مقابل حکم اعدام شریفه و حمله طبقه حاکم در ایران به حق تشکل و تشکل‌یابی اعتراض

کنند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط این فعال کارگری و مدافع حقوق زنان، تمامی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شوید.

- انجمن مجروحان و دادخواهان قیام ژینا نیز فراخوانی دراعتراض به مجازات اعدام در ایران و به ویژه حکم اعدام شریفه محمدی منتشر کرده است.

- کانون همبستگی با مبارزات مردم انقلابی ایران- گوتنبرگ، شب همبستگی با شریفه محمدی کارگری زندانی و کلیه زندانیان سیاسی و برای لغو حکم اعدام و آزادی شریفه محمدی در روز شنبه ۲۰ جولای در شهر گوتنبرگ برگزار

میکند.

– در خرونینگن، هلند روز ۱۹ جولای تجمعی توسط ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی علیه حکم اعدام شریفه محمدی و برای آزادی او برگزار شد.

در شهر کلن آلمان نیز روز ۲۰ جولای تجمعی علیه حکم اعدام شریفه و برای آزادی او سازمان داده شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۸

۲۱ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۳۱ تیر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

اسعد کاکه با سروصورت زخمی در بیدادگاه

رضا درویش

پزشکیان به مجلس رفت تا چیزی نگوید

منظر دریاکناری

مافیای آرد و نان، خدایان گرسنگی

کیوان جاوید

بنگلادش: فوران خشم مردم علیه بربریت موجود

سیاوش آذری

اسعد کاکه با سروصورت زخمی در بیدادگاه

رضا درویش

اسعد کاکه، اهل تکاب از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، پس از بازداشت دوباره با سروصورت زخمی و شکنجه شده در بیدادگاه رژیم تفهیم اتهام شده است.

رژیم اسلامی با این‌گونه اقدامات بی‌شرمانه درحالی‌که خودش در مجامع بین‌المللی به جنایت علیه بشریت محکوم شده است جوانان شجاع و مبارز را با اتهامات واهی و نخ‌نماشده نظیر ’تبلیغ علیه نظام ‘ و ’توهین به رهبری‘ به‌اصطلاح تفهیم اتهام می‌کند و شرم‌آورتر اینکه بیدادگران تشنه

خون، مبارزان راه آزادی را با سروصورت زخمی که آشکارا از شکنجه‌شدن آنان حکایت دارد به بیدادگاهشان احضار می‌کنند.

بازداشت دوباره شماری از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری به نوبه خود بیانگر ترس رژیم از سازماندهی مبارزات علیه رژیم و خیزش دوباره اعتراضات سراسری است. این در حالی است که بسیاری دیگر از بازداشت‌شدگان با بلاتکلیفی همچنان در زندان‌های رژیم به سر می‌برند. تحمیل این‌همه توحش و بیدادگری از سوی رژیم حکایت از هراس رژیم از سرنگونی دارد که تلاش می‌کند با زندان و شکنجه و اعدام روز سرنگونی را به تعویق بیندازد. اما درد رژیم

دردی است که فقط با دفن شدنش پایان می‌یابد. برای این رژیم وحشی و قرون‌وسطایی عاقبتی جز سرنگونی متصور نیست. مبارزان راه آزادی و برابری به‌خوبی می‌دانند که تنها راه خلاصی از این شر مطلق تداوم بخشیدن به مبارزه متحد و یکپارچه و سراسری برای سرنگونی رژیم است.

جاوید رحمان، گزارشگران ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، وضعیت حقوق بشر در ایران را تلخ توصیف کرده، و از جامعه بین‌الملل خواست تا در مقابل نقض گسترده حقوق بشر در ایران سکوت نکنند. آنچه مسلم است وظیفه همه ما فعالین آزادی‌خواه در داخل و خارج از ایران است که صدای اسعد کاکه و همه زندانیان

در بند باشیم، سکوت نکنیم و در راه آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از پای ننشینیم. هر چه نام و تصویر اسعد کاکه و دیگر زندانیان سیاسی در سطح شهر و مدیای اجتماعی وسیع‌تر پخش شود فشار بر جمهوری اسلامی سنگین‌تر خواهد بود و باعث خواهد شد روحیه مبارزاتی مردم به‌مراتب تقویت شود.

پزشکیان به مجلس رفت تا چیزی نگوید

منظر دریاکناری

در تاریخ یکشنبه ۱ مرداد، مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور منتخب خامنه‌ای در جلسه علنی مجلس حضور پیدا کرد و گفت: "کشور را با دعوا نمی‌توان اداره کرد / تمام تلاشم این است که بتوانیم پاسخگوی مردم باشیم."

پزشکیان به مجلس رفت تا هیچ نگوید یا فقط بگوید: "کشور" را با دعوا نمی‌شود اداره کرد". پاسخگو بودن به مردم هم البته تعارف آخوندی است که پزشکیان نیز خود در این مکتب یاد گرفته است. انگار این عنصر وفادار به خامنه‌ای

و حکومت اسلامی طی این چند دهه خواب بوده و بی‌خبر از همه جنایات و تحمیل شدیدترین فقر و فلاکت به مردم تازه بیدار شده است و می‌خواهد نمایندگان مجلس و قوه قضائیه و مجریه و خیل باندها و مافیای اسلامی و نیروهای لباس‌شخصی و مسئولین زندان‌ها را به راه راست هدایت کند. (دعوا نکنید)

این کشتی شکسته جمهوری اسلامی از این دریای طوفانی به‌سلامت نمی‌گذرد. دعواهای باندهای حکومتی ریشه‌ای‌تر از این حرف‌های سطحی و پوچ پزشکیان است. هنوز روی صندلی گرم رئیسی که تازگی به هلاکت رسیده ننشسته است که دعواها شروع شده. در نمازجمعه همین چند

روز پیش، متحد استراتژیک ایشان، محمدجواد ظریف مورد شدیدترین حملات باندهای مخالف قرار گرفته و رسانه‌های اصول‌گرا برای پزشکیان خط‌ونشان کشیده‌اند که از این "عنصر نامطلوب" فوراً فاصله بگیرد.

این جدال سیاسی که می‌تواند تا حذف فیزیکی رقبا امتداد پیدا کند نتیجه شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر ایران است. مردم به پایان حکومت اسلامی رأی داده‌اند و این رأی‌گیری با مشت‌های گره‌کرده در خیابان صورت‌گرفته است؛ این رأی‌گیری مردمی با بایکوت وسیع همین انتخابات کذایی ریاست‌جمهوری صورت‌گرفته است؛ بنابراین دعوای بین سران حکومت و

سردسته‌های تا دندان مسلح اسلامی تازه دارد وارد یک فاز دیگر می‌شود. فازی که سران جمهوری اسلامی بیش از گذشته به جان هم می‌افتند و مرحله‌ای که مردم بیش از همیشه با سازماندهی بهتر و اتحاد سراسری بیشتر، خیابان و کارخانه و محل کار را به هم وصل می‌کنند تا انقلاب را به سرانجام برسانند. هیچ معجزه‌ای نمی‌تواند پایانی باشد در دعواهای سخت حکومتی. پزشکیان دیر آمده است و زود می‌رود.

مافیای آرد و نان، خدایان گرسنگی

کیوان جاوید

رئیس کل دادگستری استان گلستان از برگزاری دادگاه "فساد اقتصادی" در حوزه معیشت مردم با توزیع ۲ میلیون کیسه آرد در خارج از شبکه دولتی خبر داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که قیمت هر کیسه ۴۰ کیلویی آرد یارانه‌ای بر اساس کیفیت آرد به نرخ ۳۵ تا ۴۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده و آرد صنعتی نیز ۶۵۰ هزار تومان است که تفاوت ۱۸ برابری قیمت دارد. بر همین اساس در صورت لحاظ کردن سود ۶۰۰ هزارتومانی برای هر کیسه آرد، در این پرونده در مجموع هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان از یارانه نان و معیشت مردم فساد

صورت گرفته است.

آنها که می‌دزدند و شیره جان ما مردم را می‌مکند چه مشخصاتی دارند؟ آنها شیک می‌پوشند و ماشین آخرین‌مدل گران‌قیمت زیر پایشان می‌گذارند و در خانه‌ای مجلل و غرق در نور و زیبایی زندگی می‌کنند. آنها نزاکت عمومی را رعایت می‌کنند مدارک بالای تحصیلی دارند یا این مدارک را می‌خرند تا "کلاس‌بالاتر" جلوه کنند.

از خود می‌پرسی چطور شد که مرغ سعادت بر دوش این از ما بهتران، این نظرکرده‌ها، این جنتلمن‌ها نشسته است؟ راه پول‌دار شدن را در کدام مکتب یا دانشگاه آموخته‌اند؟ شاید هم لطف

الهی شامل حال آنها شده یا ساده اینکه حکومت پشتیبان آنها است؟ هر چه هست جهان به ساز اینها می‌رقصد.

باز با خود زمزمه می‌کنی راه رسیدن به این‌همه ثروت و رفاه و آسایش چیست و جوابی از غیب در گوش تو می‌پیچد که اینها آرد احتکار می‌کنند و نان می‌دزدند و حق مردم فقیر و نیازمند را می‌خورند. پشت این شیکی و این زرق‌وبرق، قلب‌های سیاه و زهرآگین می‌تپد که سفره کودکان و معلمان و بازنشستگان و همه کارگران را خالی می‌کند.

می‌گویی چرا مردم علیه این بی‌عدالتی بلند نمی‌شوند و کارشان را یکسره نمی‌کنند. آنگاه سر

برمی گردانیم و صف نیروی سرکوب و شکنجه گرها و... را می‌بینیم که رودرروی ما ایستاده‌اند تا به آقازاده‌ها و میلیاردرهای محترمشان گزندی نرسد.

پس چه باید کرد؟ رهایی در گروه متشکل‌تر و متحدتر و سراسری‌تر شدن همه غارت‌شده‌ها و کنارزدن این غارتگران زندگی است. زن زندگی آزادی پاسخ است.

بنگلادش: فوران خشم مردم علیه بربریت موجود

سیاوش آذری

در اعتراضات گسترده اخیر در بنگلادش که از ۲۰ روز پیش آغاز گشته و دانشجویان آغازگر آن بودند، تا کنون بیش از ۱۱۰ تن از تظاهرکنندگان به دست نیروهای پلیس و امنیتی و گله‌های شبه‌نظامی شاخه جوانان حزب حاکم کشته شده‌اند.

اعتراضات اخیر در بنگلادش این بار حول خواست لغو سهمیه‌بندی جدید برای استخدام در مشاغل دولتی شکل گرفت. بنا بر قوانین بنگلادش استخدام

در مشاغل دولتی نه بر اساس شایستگی بلکه بر اساس سهمیه‌بندی صورت می‌پذیرد. اعتراض تظاهرکنندگان به تخصیص ۳۰ درصد از مشاغل دولتی به "فرزندان قربانیان جنگ آزادی‌بخش بنگلادش" است. اما این تنها ظاهر ماجرا است.

در آمد سرانه در بنگلادش که فایننشال تایمز آن را معجزه اقتصادی می‌نامد، بالغ بر ۲۸۰۰ دلار در سال معادل با ۲۵۰۰۰ داکا (واحد پول بنگلادش) در ماه است. اما در آمد بخش اعظم خانواده‌های بنگلادشی بین ۲۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ داکا در ماه است. فقیرترین ۵ درصد جمعیت بنگلادش تنها ۰,۳۷ درصد از درآمد سرانه را به خود اختصاص می‌دهد درحالی‌که پول‌دارترین ۵ درصد جمعیت ۳۰,۰۴

درصد از این در آمد را به جیب می‌زند. در کنار این در ۱۲ سال گذشته درآمد واقعی ۹۰ درصد از مردم کاهش‌یافته و یا در بهترین حالت ثابت مانده است.

این بهشت سرمایه که برندهای بزرگ نساجی و پوشاک جهان به یُمن کار ارزان کارگران در بنگلادش میلیاردها دلار سود می‌اندوزند جهنم کودکان هم است. بیش از ۳۰ درصد از کودکان بنگلادش مجبور به زندگی در خیابان‌ها هستند. قریب به ۷۲ درصد از کودکان قادر به نوشتن و خواندن نیستند. ۹۰ درصد از کودکان خیابان مورد تعرض عابرین و نیمی از کودکان در محیط کار مورد تعرض کارفرما قرار می‌گیرند. ۱۱,۳ درصد

از کودکان در بنگلادش مجبور به کار در مشاغل سخت و خطرناک هستند. ۵۵ درصد از کل کودکان در بنگلادش و ۹۰ درصد کودکان دختر در معرض انواع خشونت جسمی و جنسی قرار دارند...

اعتراضات اخیر اعتراض به جهنم سرمایه و بیان خواست توده‌های مردم برای برقراری دنیایی بهتر و جامعه‌ای انسانی است. مداخله متشکل طبقه کارگر در اعتراضات تنها راه پیشروی مردم و بهبود شرایط و به‌عقب‌راندن طبقه سرمایه است. جهان متمدن نیز باید در برابر این بربریت حاکم در بنگلادش به کمک این مردم برخیزد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۸۹

۲۲ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱ مرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

انتخابات آمریکا و ترامپیسم ایرانی

حمید تقوایی

حمایت از زندانی سیاسی عیسی ابراهیم‌زاده

نسان نودینیان

ممنوعیت کاری پانته‌آ بهرام

سینا پدرام

خامنه‌ای و آرزوی عبث تعامل حکومتیان

کیوان جاوید

انتخابات آمریکا و ترامپیسم ایرانی

حمید تقوایی

بایدن بالاخره تحت فشار اعضای حزب خودش از انتخابات کنار کشید. همه علت را کهولت سن بایدن می‌دانند اما مساله واقعی کهولت کل سیستم سیاسی آمریکا است. سیستمی که یک شارلاتان راسیست دروغگو را رئیس جمهور می کند و بعد از مطرح شدن ده‌ها جرم و پرونده‌های متعدد قضائی و محکومیت او، دوباره در آستانه انتخاب‌شدن قرار می‌دهد!

دموکراسی انتخاباتی در آمریکا همیشه عملاً منحصر به دوحزبی بوده است که توانائی مالی میلیونی، و

امروزه دیگر میلیاردی، تأمین هزینه انتخاباتی را داشته‌اند. اما بجلو رانده‌شدن شیادی مثل ترامپ بیانگر تناقضات و بحران حتی عمیق‌تری در آن کشور است. بحران سیستمی که دیگر نمی‌تواند دفاع از منافع یک درصدی‌های میلیاردر را در لفافه حمایت از مردم و ملت بپوشاند. در این شرایط در جامعه‌ای که چپ و کمونیسم را به تابو تبدیل کرده‌اند، و حتی دُم کسی مثل برنی ساندرز مدعی سوسیالیسم را چیده‌اند، عجیب نیست که عوام‌فریب راسیستی مثل ترامپ میداندار بشود.

در این میان اپوزیسیون راست ایرانی به ترامپ دخیل بسته است با این خیال که ایشان فشار حداکثری به جمهوری اسلامی وارد می‌کند و

راه را برای آنان هموار می‌سازد. ظاهراً حمایت از ترامپ برای اپوزیسیون راست ایرانی یک موضع تاکتیکی و از سر ضدیت با جمهوری اسلامی است اما مسئله از این فراتر می‌رود. اولاً این انقلاب و قدرت خیابان است که جمهوری اسلامی را در سراشیب سقوط قرار داده است و رابطه دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی کاملاً تحت تاثیر فضای اعتراضی در ایران قرار دارد. کما اینکه دیدیم با سر بلندکردن انقلاب زن زندگی آزادی موضع‌گیری احزاب حکومتی و پارلمان‌ها در آمریکای شمالی و کشورهای اروپائی به سمت حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی و محکومیت جمهوری اسلامی چرخید. و این اتفاق هم در دوره بایدن افتاد و نه ترامپ.

نیروهای راست همیشه برای دستیابی بقدرت به دولت‌های غربی و بخصوص دولت آمریکا امید بسته‌اند اما جواب این تلاش برای معماری قدرت از بالا را نیز انقلاب زن زندگی آزادی فی الحال داده است.

ثانیاً مساله اساسی‌تر از اینست. ترامپ و ترامپیسم با استراتژی و دکترین سلطنت طلب‌ها خوانائی دارد چون بر اقتدار فردی و راسیسم و ناسیونالیسم افراطی و بیگانه‌ستیزی مبتنی است. مکزیکی ستیزی را با عرب ستیزی و پرچم نوار و ستاره را با پرچم شیروخورشید و "تجدید عظمت آمریکا" را با عظمت طلبی فارس جایگزین کنید، از "رئیس جمهور قاطع" می‌رسید به شاه مستبد.

و دقیقاً به همین دلایل پایه‌ای است که ترامپیسم جائی در ایران ندارد. فضای جامعه ایران چپ‌تر و رادیکال‌تر از آنست که به ترامپ‌های وطنی فرصتی برای عرض‌اندام بدهد.

شاید کنار گذاشته شدن، وصف حال بهتری برای ترامپیست‌های وطنی باشد. بایدن ۸۰ ساله تحت‌فشار حزبش کنار رفت و نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله بقدرت انقلاب ۵۷. اما امروز اولین انقلاب زنانه تاریخ پاسخ درخوری به فاشیسم اسلامی و فاشیسم ترامپیستی هر دو است.

حمایت از زندانی سیاسی عیسی ابراهیم‌زاده

نسان نودینیان

عیسی ابراهیم‌زاده در تاریخ ۲۹ تیرماه به دلیل مخالفت با ادامه مرخصی پنج‌روزه اقدام به خودکشی کرد و پس از گذشت سه روز از بیمارستان مرخص شده و به خانه بازگشت؛ اما نه‌تنها با تمدید مرخصی او مخالفت شده بلکه خانواده و نزدیکان او از جمله دختر و برادرش نیز تهدید به بازداشت شده‌اند.

عیسی ابراهیم‌زاده فعال کارگری در جریان خیزش "زن، زندگی، آزادی" در تاریخ ۳۰ آبان ۱۴۰۱ در مسیر بازگشت به روستای "ده شمس"

اشنویه توسط نیروهای امنیتی همراه با فرزند خردسالش، آسو بازداشت شد که این کودک روز بعد به خانواده تحویل داده می‌شود. عیسی بعد از ۵۵ روز حبس انفرادی در زندان ارومیه با وثیقه ۵۰۰ میلیون‌تومانی به‌صورت موقت آزاد می‌شود. عیسی در اسفند ۱۴۰۱ توسط "قاضی رضایی" محاکمه و بر اساس اتهاماتی از جمله "عضویت در گروه‌های معاند" به پنج سال زندان محکوم می‌شود که سه سال از این حکم قابل‌اجرا است.

عیسی ابراهیم‌زاده از آبان ۱۴۰۱ تا دستگیری مجدد او در ۱۵ بهمن ۱۴۰۲ با سپری کردن نزدیک به یک سال زندان ، همراه با خانواده‌اش

تحت فشار امنیتی قرار گرفته و امنیت جانی آنها به خطر افتاده است. عیسی ابراهیم زاده فعال کارگری شناخته شده است و اتهامات وارده به او کذب محض و دشمنی با فعالین اجتماعی و کارگری است.

این در شرایطی است که "آریز" نوزاد هشت ماهه عیسی ابراهیم‌زاده از نارسایی قلبی رنج می‌برد و نیاز دارد که تحت مراقبت مستقیم مادر و پدر باشد و این وضعیت پزشکی آریز باعث شده است که عیسی حاضر به بازگشت به زندان نباشد.

تحت‌فشار قرارگرفتن عیسی توسط نیروهای سرکوبگر و اصرار به بازگشت او به زندان

متأسفانه باعث شد که این زندانی سیاسی دست به خودکشی بزند و بعد از سه روز بستری‌شدن در بیمارستان و ترخیص از بیمارستان، قاطعانه خواهان ماندن در کنار فرزند مریض و خانواده‌اش است.

ایستادگی عیسی ابراهیم‌زاده موجی از حمایت از او و خانواده‌اش را برانگیخته است. فشار بر جمهوری اسلامی باید آنچنان زیاد باشد که رژیم تن به آزادی بی‌قیدوشرط عیسی ابراهیم‌زاده بدهد. این فشار به حکومت باید محلی، سراسری و در مدیای اجتماعی صدچندان شود.

ممنوعیت کاری پانته‌آ بهرام

سینا پدرام

پانته‌آ بهرام، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون، از "ممنوع‌الفعالیت" شدن خود خبر داد.

پانته‌آ بهرامی جزو هنرمندانی بود که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی با پخش عکس بدون حجاب خود از اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ حمایت کرد. فشارهای گسترده‌ای که رژیم اسلامی بر روی شهروندان، معترضین، فعالین اجتماعی و سیاسی اعمال می‌کند، گویای این است که رژیم اسلامی توان سرکوب و منکوب کردن جامعه را ندارد.

در چند ماه گذشته تمامی هم‌وغم رژیم این بود که به مردم نشان دهد که هنوز قدرت سرکوب و مهار جامعه را دارد. اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که رژیم نتوانسته خود را در مقابله با چالش‌های اجتماعی آینده واکسینه کند.

پانته‌آ بهرام نمونه شایسته‌ای از زنان و مردان مبارز در ایران است که سبعیت و خشونت پلیسی رژیم اسلامی نتوانسته است خللی در عزم آنان برای رسیدن به آزادی و رهایی ایجاد کند. از سوی دیگر مبارزات روزانه کارگران نفت، پرستاران، معلمان و بازنشستگان برای احقاق حقوق رفاهی خود نشانه خوبی از آمادگی جامعه برای ادامه

نبرد علیه جمهوری اسلامی است.

اختلافات "درونی" رژیم بر خلاف تبلیغات "بیرونی" در مقابله با چالش‌های گوناگون مردم، زنان و جوانان در ماه‌های گذشته از هر منفذ جامعه بیرون‌زده است. قطعاً "سقوط" رئیسی آخرین بروز بیرونی این اختلافات نخواهد بود. ۵ تن از سران رژیم را در یک اتاق بگذارید با ۶ "نظر" مختلف بیرون می‌آیند! و این هنر انقلاب است که آنها را به جان هم می اندازد. در این میان بی شک همدلی، همیاری، تشکل و مبارزه متحدانه تنها مسیری است که مردم را به‌سوی پیروزی رهنمون خواهد کرد.

نهایتا باید گفت آنکه محبوب جامعه است پانته‌آ و همه زنان و مردان شجاعی هستند که در صف انقلاب نوین زن زندگی آزادی قرار گرفته‌اند. این انسان‌های شریف در قلب جامعه جای دارند و توسط همین مردم بزرگ داشته می‌شوند. رژیم اسلامی در مقابل منفورتر و ضعیف تر از همیشه می شود. پانته‌آ بهرامی و تمامی فعالین اجتماعی سیاسی ایران نیازمند و شایسته همیاری مردم هستند.

خامنه‌ای و آرزوی عبث تعامل حکومتیان

کیوان جاوید

خامنه‌ای در دیدار با نمایندگان مجلس، از جمله مسعود پزشکیان گفت: که "توصیه مؤکد من تعامل سازنده مجلس با دولت جدید است." او تأکید کرد: "باید از بن دندان باور کرد که پیروزی و موفقیت رئیس‌جمهور منتخب در اداره کشور، پیروزی همه ماست."

خامنه‌ای این را گفت و چند ساعت بعد خبر رسید که: "هشت زندانی محکوم‌به‌اعدام در دو زندان مرکزی شیراز (عادل‌آباد) و قزل‌حصار کرج اعدام شده‌اند."

خامنه‌ای درست می‌گوید و تأکیداتش برای با هم بودنشان بجا است. چون دقیقاً قرار است با هم بودنشان باعث شود موج اعدام‌ها افزایش یابد و سرکوب‌ها گسترده‌تر شود و زندان‌ها از مخالفین پُر گردد. اگر همه سرسپردگان و ارگان‌های قانون‌گذار و مجریان قانون حکومت در کنار هم بودند واقعاً بزرگ‌ترین جشن پیروزی حکومت بود. در این صورت ریاضت گسترده‌تر اقتصادی با ضرباهنگ تندتری اعمال می‌شد و فقر و فلاکت بیشتری حاکم می‌گردید و حمایت از تروریست‌های اسلامی در منطقه با سرعت و قدرت بیشتری پیش می‌رفت و جنایات جمهوری اسلامی در داخل و خارج به مرحله‌ای می‌رسید

که کسی را یارای سر جنباندن در مخالفت با حکومت نباشد. خامنه‌ای آرزو دارد که مجلس یار و غمخوار پزشکیان باشد که بتواند دولت مقتدری ایجاد کند تا در کنار دیگر عناصر و ارگان‌های حکومت جامعه را غرق خفقانی کنند که در تاریخ کم‌نظیر باشد.

این آرزوهای "همه با هم" شدن را خامنه‌ای به گور خواهد برد. دعواها از همین حالا بالا گرفته است. این حکومت با یک جامعه خسته و بی امید و بی آرزو روبرو نیست. مردم از هر فرصتی برای بلندشدن و اعتراض‌کردن و انقلاب‌کردن علیه این اوباش خونخوار استفاده می‌کنند و در آخرین "رفراندوم سرنگونی" هم نه‌تنها فقط

انتخابات مشمئزکننده رژیم را بایکوت کردند که نشان دادند این نیروی عظیم اجتماعی در خانه ننشسته و زانوی غم بغل نکرده است، بلکه نوای سرنگونی را با آوایی بلند به گوش حکومت رسانده است.

اتحاد ارگان‌های حکومتی به‌حکم شرایط انقلابی و آگاهی اجتماعی، و به لطف همبستگی عمومی جامعه در سازماندهی اعتراض و اعتصاب و خیز برداشتن به‌سوی انقلاب ممکن نیست. تفرقه بیشتر سران حکومت در راه است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۰

۲۳ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۲ مرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

سیاست جهانی و موقعیت جمهوری اسلامی

سؤال از اصغر کریمی

نمازجمعه‌های رژیم خلوت‌تر از هر زمان دیگر

میلاد رسایی‌منش

بحران کمبود معلم و بحران رژیم اسلامی

سیاوش آذری

اعزام شکنجه‌گران برای پرونده‌سازی علیه شریفه محمدی

سهیلا دالوند

سیاست جهانی و موقعیت جمهوری اسلامی

سؤال از اصغر کریمی

سوسن صابری: جاوید رحمان روز دوشنبه اول مرداد خواستار تحقیقات بین‌المللی در باره جنایت علیه بشریت در دهه ۶۰ در ایران شد و گفت که "نباید اجازه داد که حکومت ایران و رهبرانش از جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی فرار کنند". مدتی قبل هم دولت کانادا سپاه پاسداران را در لیست گروه‌های تروریست قرار داد. ولی از طرف دیگر شاهد مماشات با جمهوری اسلامی از طرف دولت‌های اروپایی هستیم. به‌عنوان نمونه اتحادیه اروپا در نظر دارد سیاست "تعامل" با دولت پزشکیان را در پیش بگیرد. این دوگانگی

در برخورد با جمهوری اسلامی را چطور می‌شود توضیح داد؟

اصغر کریمی: جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشری ایران در دو سال گذشته گزارش‌های خوبی از جنایات جمهوری اسلامی، از نسل‌کشی، اعدام‌ها از اعدام‌های گسترده در دهه شصت تا اعدام کودکان، سرکوب بهاییان، سرکوب مردم کردستان، شکنجه زندانیان، سرکوب معترضان به‌ویژه زنان و تجاوز به زنان معترض در زندان‌ها و نقض فاحش آزادی بیان داده و برخی از این جنایات را به‌عنوان جنایت علیه بشریت محکوم کرده و بر لزوم پاسخ‌گویی مقامات جمهوری اسلامی در قبال این جنایات

تأکید کرده است. عفو بین‌الملل نیز در سال‌های گذشته و به‌ویژه به دنبال شروع انقلاب زن زندگی آزادی نقض حقوق بشر، شکنجه و اعدام و محاکمات ناعادلانه، سرکوب زنان و سایر سرکوب‌ها را شدیداً محکوم کرده و توجه مجامع بین‌المللی را به این جنایات جلب کرده است.

سیاست دول غربی اما عمدتاً اگر نه تماماً "تعامل" با جمهوری اسلامی بوده است. هر چند دول غربی سیاست یک‌دستی در قبال جمهوری اسلامی نداشته‌اند. دولت‌های آمریکا و کانادا سیاست سخت‌گیرانه‌تر و دولت‌های اروپایی نرمش بیشتری در مقابل جمهوری اسلامی داشته‌اند. سیاست دول اروپایی نیز یکسان نبوده است به‌عنوان‌مثال

انگلیس سیاست‌هایش در قبال جمهوری اسلامی بیشتر به آمریکا نزدیک است. بااین‌حال انقلاب زن زندگی آزادی تأثیر قابل‌توجهی در رویکرد همه این دولت‌ها علیه جمهوری اسلامی داشت و باعث شد که لحن تندتر، فشارهای سیاسی بیشتر و تحریم‌های گسترده‌تری علیه جمهوری اسلامی ایفا کنند. به‌طوری که دولت کانادا سپاه را در لیست سازمان‌های تروریستی قرارداد و گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر و عفو بین‌الملل مواضع تندتری اتخاذ کردند. با کاهش اعتراضات در ایران نیز طبیعی بود که لحن و سیاست دول غربی علیه جمهوری اسلامی نرم‌تر شود و با آمدن پزشکیان "تعامل" بیشتری در دستور کار آنها قرار گیرد. هر چند که دیگر

فضای اعتراضی در ایران و شکنندگی جمهوری اسلامی به آنها اجازه نمی‌دهد شبیه یک دهه قبل مماشات آشکاری با جمهوری اسلامی داشته باشند.

سوسن صابری: باتوجه‌به رویکردهای اخیر دولت‌ها بخصوص دولت‌های غربی در قبال جمهوری اسلامی، تا چه حد خواست بایکوت سیاسی رژیم می‌تواند متحقق شود؟

اصغر کریمی: آنچه در این زمینه تعیین‌کننده است اعتراضات مردم در داخل کشور است. این نیرویی است که سیاست دول غربی در قبال جمهوری اسلامی را می‌تواند تغییر بدهد و تغییر

خواهد داد. کمااینکه با شروع انقلاب زن زندگی آزادی بلافاصله تمام دول اروپایی، نمایندگان پارلمان‌ها و نهادهای بین‌المللی رویکرد متفاوتی در پیش گرفتند. هم تروریست اعلام‌کردن سپاه پاسداران و هم بایکوت جمهوری اسلامی عملی است و با برآمد مجدد اعتراضات این بار زمینه بیشتری نیز پیدا خواهد کرد.

با روی کار آمدن دولت پزشکیان دول غربی به درجاتی در حالت انتظار می‌مانند تا ببینند تغییراتی در سیاست‌های جمهوری اسلامی نسبت به دول غربی به وجود خواهد آمد یا نه. اما این انتظار به نظر من به دو دلیل کوتاه‌مدت خواهد بود. اولاً قرار نیست تحول قابل‌ملاحظه‌ای در سیاست‌های

داخلی و خارجی جمهوری اسلامی، از جمله در زمینه اتمی و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی اتفاق بیفتد و در نتیجه موضوعات مورد اختلاف و تنش‌ها باقی خواهد ماند و ثانیاً و مهم‌تر اینکه جامعه همچنان در آستانه انفجار و انقلاب است و این دست دول غربی را در سازش با جمهوری اسلامی می‌بندد. ناپایداری جمهوری اسلامی بیشتر عیان می‌شود و روی اسب بازنده شرط‌بندی کمتری صورت می‌گیرد.

فشار به دول غربی برای تروریست اعلام‌کردن سپاه و بایکوت جمهوری اسلامی را باید همچنان و پیگیرانه دنبال کرد. نه‌تنها از طریق مخالفین جمهوری اسلامی در خارج کشور بلکه همچنین

این دو خواست باید فعالانه در دستور تشکل‌ها و فعالین داخل کشور نیز قرار گیرد. جمهوری اسلامی را نباید در سطح بین‌المللی راحت گذاشت و راحت نخواهیم گذاشت.

نمازجمعه‌های رژیم خلوت‌تر از هر زمان دیگر

میلاد رسایی‌منش

وب‌سایت خبری تابناک، از رسانه‌های وابسته به حکومت اسلامی، در مطلبی سعی کرده دلایل عدم استقبال مردم از نمازجمعه را توضیح دهد. در این مطلب ضمن اعتراف به عدم شرکت اکثریت قابل‌توجه مردم در نمازجمعه، دلیل اصلی این موضوع تنش و درگیری بین مقامات نظام ذکر شده است. در بخشی از مطلب آمده است: "یکی از دلایل کم‌رونقی امروز مراسم‌های نمازجمعه در سرتاسر کشور را باید تقویت این دیدگاه در بین جوانان و عموم مردم دانست که نمازجمعه به آوردگاهی برای رادیکال‌ها بدل شده است و

یکی از همین تندروی‌ها همین شعارهای ناصواب علیه برخی از نیروهای داخلی است".

صرف هم اینکه وب‌سایت‌های حکومتی خود اعتراف می‌کنند که مراسم مذهبی و مناسک اسلامی با برخورد سرد مردم روبرو می‌شود، دستاوردی مهم برای جنبش خلاصی فرهنگی و سکولار ایران است. تعداد شهروندانی که الگوی زندگی اسلامی ندارند، آن‌قدر زیاد و قابل‌توجه است که حتی دستگاه دروغ‌سازی و پروپاگاندای اسلامی هم نمی‌تواند منکر آن شود.

نکته دیگر آنکه قطعاً اختلافات و جنجال بین مقامات رژیم و نگرانی از عدم وجود امنیت در

نمازجمعه و سایر مناسک اسلامی و حکومتی از جمله دلایل عدم شرکت مردم و بعضاً حتی طرف‌داران رژیم در این مراسم است و این البته صرفاً نوک کوه یخ است. کوه یخ و عامل اصلی و مهم عدم استقبال از نمازجمعه، روی‌گردانی گسترده مردم در ایران، بخصوص جوانان و نسل زد، از ایدئولوژی عقب‌مانده و ضد زن اسلامی است. جوانانی که در عصر انقلاب ارتباطات با اینترنت و ماهواره بزرگ شده‌اند، قطعاً برای انتخاب سبک زندگی خود، تمامی آزادی و دستاوردهای بشریت مدرن را طلب می‌کنند. زنانی که موقعیت خود را با زنان در جوامع آزاد و سکولار مقایسه می‌کنند، پر واضح است که تره هم برای دیدگاه‌های عقب‌مانده و مردسالار

اسلامی خرد نکنند.

انقلاب زن زندگی آزادی نشان داد که جامعه ایران مدت‌هاست از گفتمان اسلامی عبور کرده، و بیش از هر زمان دیگری آمادگی پذیرش یک حکومت سکولار را دارد و فراتر از این جامعه به جایی رسیده است که می‌خواهد دست مذهب را کاملاً از زندگی خود کوتاه کند. مسئله مهم و غیرقابل‌انکاری که حتی رسانه‌های حکومت هم مجبور به اعتراف به آن شده‌اند.

بحران کمبود معلم و بحران رژیم اسلامی

سیاوش آذری

علیرضا منادی سفیدان، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت که در سال تحصیلی جدید با کمبود ۷۰ الی ۸۰ هزار معلم روبرو خواهیم بود. بعلاوه بنا بر آمار مرکز پژوهش‌های مجلس تا مهرماه سال جاری ۷۲ هزار معلم دیگر بازنشسته خواهند گشت.

سیستم آموزشی در نظام سرمایه‌داری پیش از هر چیز معطوف بر بازتولید اساسی‌ترین کالا یعنی نیروی کار به‌عنوان عامل اصلی تولید ارزش و سود

عمل می کند. از دیگر سو، آموزش همگانی و رایگان در همه سطوح و مبتنی بر کیفیت و استانداردهای جهانی از جمله حقوق پایه‌ای کودکان و جوانان در جامعه سرمایه‌داری است که به یمن مبارزات طبقه کارگر و دیگر اقشار محروم جامعه در برخی کشورها به چنگ آمده است.

رژیم اسلامی بنا بر ماهیت بحران‌زا و ضدانسانی‌اش هم ضرورتاً در تضاد با مقتضیات بازتولید یک اقتصاد سرمایه‌داری متعارف عمل می‌کند و هم حقوق پایه‌ای شهروندان از جمله حق آموزش را پایمال می‌نماید. اسلامی بودن حکومت و عدم ادغام رژیم اسلامی در چرخه تولید سرمایه و بازار جهانی، در شکل بحران مزمن اقتصادی و به‌تبع

آن بحران اجتماعی و سیاسی بروز می‌کند. عدم وجود سرمایه و تکنولوژی بازتولید چرخه انباشت سرمایه در شکلی متعارف را امکان‌ناپذیر می‌سازد. اقتصاد دزدسالار جمهوری اسلامی نتیجه ضروری بحران مزمن فوق‌الذکر است. بحران سیستم آموزشی در رژیم اسلامی نیز بازتابی از این بحران همه‌جانبه حکومت الله است.

رژیم برای ادامه ادعای سهم از قدرت در منطقه راهی جز تقویت نیروهای تروریستی اسلامی در منطقه و جهان و دامن‌زدن به کشمکش و جنگ ندارد. حمله مستمر به حقوق پایه‌ای و جهان‌شمول شهروندان، خفقان، سرکوب، زندان، شکنجه و

اعدام متمم این سیاست مبتنی بر بحران جمهوری اسلامی در داخل کشور است. تأمین هزینه ده‌ها میلیارددلاری دستگاه سرکوب در داخل و تسلیح نیروهای نیابتی در منطقه، ادامه‌کاری مراکز تولید جهل و خرافه و استمرار پر کردن جیب آخوندهای میلیاردر و اعوان‌وانصار بیت رهبری تنها با تحمیل فقر و فلاکت و استثمار مضاعف به شهروندان که نتیجه‌اش من‌جمله کمبود معلم و سایر امکانات ضروری در مدارس است، امکان‌پذیر است.

تحقق کامل حقوق پایه‌ای انسان در ایران به سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی گره‌خورده است. بر افراشتن پرچم مطالبه برخورداری از مواهب علمی امروزی و حق آموزش رایگان و در خورشان انسان

در جریان اعتراضات گامی اساسی در این راستا است.

اعزام شکنجه‌گران برای پرونده‌سازی علیه شریفه محمدی

سهیلا دالوند

طی روزهای اخیر اطلاعات جمهوری اسلامی با اعزام یک تیم بازجو از تهران به زندان لاکان رشت، ساعت‌ها شریفه محمدی را تحت شکنجه روحی، بازجویی و تهدید قرار داده تا وی را وادار کنند علیه خود و فعالیت‌هایش و تشکل‌های مستقل کارگری اعتراف اجباری کند. به دنبال واکنش و اعتراض گسترده تشکل‌ها و نهادهای مردمی و تعداد وسیعی از فعالان کارگری، فعالین حقوق زن و اجتماعی و مدنی در ایران، بسیاری از زندانیان سیاسی و همچنین اتحادیه‌های کارگری و برپایی

تجمعات اعتراضی در حمایت از این فعال کارگری، جمهوری اسلامی تحت‌فشار و وحشت، سراسیمه شکنجه‌گران خود را به سراغ شریفه محمدی در زندان لاکان فرستاده تا او را تحت‌فشار و شکنجه به قول خودشان مجبور به "همکاری" کنند.

جمهوری اسلامی با شکنجه و همچنین با وعده کاهش مجازات و اتهامات شریفه محمدی قصد دارد اعترافاتی را اخذ و آن را ضمیمه پرونده کند تا از آن برای موجه نشان دادن اتهام بغی و صدور حکم اعدام علیه او استفاده کند تا بتواند به جهان نشان دهد که حکم اعدام صادر شده به‌اصطلاح "عادلانه" بوده است. سیاست گرفتن اعترافات اجباری، پرونده‌سازی بر مبنای ادعاهای بی‌پایه‌واساس جهت سرکوب کل جامعه بکار گرفته می‌شود که البته

دیگر رژیم را نجات نخواهد داد.

صدور ناگهانی حکم اعدام شریفه محمدی، نشان ترس و استیصال جمهوری اسلامی، این ماشین سرکوب و کشتار، در برابر قدرت جنبش کارگری، جنبش زنان و فضای انفجاری در ایران است. رژیم با صدور این احکام جنایت‌کارانه علیه فعالین، خود را به لبه پرتگاه نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند.

با ادامه اعتراضات و تجمعات در داخل و خارج از ایران و با فریاد شعار مجازات اعدام لغو باید گردد، کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، باید جمهوری اسلامی را صدها برابر تحت‌فشار قرار داد تا حکم اعدام شریفه محمدی را لغو و وی را فوری و بدون هیچ قید و شرطی آزاد کند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۱

۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۳ مرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

پزشکیان، "مشت‌زن" جدید بیت رهبری

سینا پدرام

پخشان عزیزی باید فوراً و بی‌قیدوشرط آزاد شود

عبدل گلپریان

گسترش سه‌شنبه‌های نه به اعدام به ۱۶ زندان

کاظم نیکخواه

نفت یکپارچه در اعتراض

شهلا دانشفر

ضربه سنگین به تروریسم جمهوری اسلامی در آلمان

کیوان جاوید

پزشکیان، "مشت‌زن" جدید بیت رهبری

سینا پدرام

اظهارات رئیس‌جمهور منتخب خامنه‌ای در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مبنی بر "مُشت محکم بر دهان تحریمی‌ها"، موجی از اعتراض را در فضای مجازی و بین مخالفین جمهوری اسلامی به دنبال داشته است.

هنوز مرکب انتصاب نامه پزشکیان از طرف "رهبر" خشک نشده بود که معلوم شد انتظار "شفا" از این "پزشک" منتصب بسیار دور از عقل است. پزشکیان این بار هم مانند رئیس‌جمهورهای سابق رژیم، مشت محکم را نه بر علیه آمریکا

و اسرائیل بلکه بر علیه مردمی که حکم رفتن رژیم اسلامی را صادر کرده‌اند، گره کرده است. مردم هم انتظار دیگری از این پادو بیت رهبری نداشتند.

ده درصد جامعه را به زور چماق و تطمیع به صندوق‌های رأی کشاندند تا روز پس از انتصاب به‌سوی جامعه شمشیر بکشند. طرفه اینکه مردم پیش‌تر از" انتصاب" ایشان، مشت خود را با رأی ندادن خود بر دهان رژیم کوبیده‌اند. این "حکیم‌باشی" با وعده‌هایی سرِ کار آمده است که اتفاقاً مردم را برای گرفتن تک‌تک خواسته‌های خود مصمم‌تر از پیش کرده است. به زبان سیاسی موضع این رئیس‌جمهور "منتخب"

بسیار شکننده‌تر از تمام همکاران قبلی ایشان است. پزشکیان در مرحله‌ای از حیات رژیم اسلامی به ریاست‌جمهوری انتصاب شده است که جامعه از تمامی خطوط قرمز گذشته است. فلاکت اقتصادی و انزوای جهانی فقط دو مشکل "کوچکی" هستند که رژیم اسلامی هیچ نسخه‌ای برایشان پیدا نکرده است. "نسخه‌پیچ" منتصب جدید هم مستثنا نیست.

راه‌حل رژیم برای برون‌رفت از این فلاکت اقتصادی و سیاسی چیزی جز سرکوب مردم نبوده و نیست. راه‌حلی که راه‌حل نیست، بلکه در جامعه‌ای که برای آزادی خیز برداشته است، سرکوب و اختناق تبری است که بر تنه خود

رژیم فرومی‌نشیند.

اما مهم‌تر از همه پدیده انقلاب زن زندگی آزادی است که تمامی حیات سیاسی ایران را در هر زمینه‌ای تحت‌تأثیر قرار داده است. این انقلاب در اصل به شاهراه اتصال جنبش‌های اجتماعی گوناگون موجود تبدیل شده است و به یک مفهوم همه را زیر چتر خود قرار داده است. سخن کوتاه! پزشکیان و شرکا تبلور استیصال رژیمی هستند که انقلاب حکم رفتنش را صادر کرده است.

پخشان عزیزی باید فوراً و بی‌قیدوشرط آزاد شود

عبدل گلپریان

ایمان افشاری، رئیس شعبه ۲۶ بیدادگاه رژیم اسلامی در تهران، پخشان عزیزی، زندانی سیاسی اهل کردستان محبوس در زندان اوین را به اتهام "بغی" به اعدام محکوم کرده و این حکم به وکلای او ابلاغ شده است. شعبه ۵ بازپرسی دادسرای امنیت اوین زمستان ۱۴۰۲ پخشان عزیزی را به "بغی از طریق عضویت در گروه‌های مخالف" متهم کرده بود.

پخشان عزیزی ۱۳ مرداد ۱۴۰۲ در تهران

بازداشت شد و از اوایل تیرماه از ملاقات و تماس با خانواده‌اش محروم بوده است. او در نامه‌ای از زندان اوین، با اشاره به شکنجه خود به دست نهادهای امنیتی نوشت: "بارها توسط بازجویان به دار کشیده شده‌ام."

نهادها و کاربه‌دستان سرکوب رژیم آدمکش اسلامی بعد از سیرک رسوای انتخاباتی‌شان که با ضربه کوبنده مردم در نه بزرگشان به این مضحکه و ثبت تاریخی عدم مشروعیت کامل به این حکومت همراه شد، به دست‌وپازدن افتاده‌اند. جوش‌وخروش جنبش سرنگونی آنان را دچار وحشت و سراسیمگی کرده است.

دستگاه مافیای اسلامی از بدو ظهورش تا به امروز با اتکا به اعدام، قتل، آدمکشی خود را سرپا نگه داشته است. اما خصوصاً با انقلاب زن زندگی آزادی شدیدترین ضربات به اقتدار جمهوری اسلامی وارد آمد و فضای سرنگونی طلبی را صدچندان گسترش یافت.

حاکمان مفلوک اسلامی در مقابل این درماندگی تنها راه خود را جستجوی گردن اسیران و زندانیان سیاسی دربند یافته‌اند. از توماج صالحی گرفته تا شریفه محمدی و اکنون پخشان عزیزی و ده‌ها و صدها زندانی سیاسی و عادی دیگر در زندان‌ها علیه اعدام و سرکوب رژیم اسلامی صف متحد مبارزه را سازمان داده‌اند که یک نمونه‌اش

سازماندهی "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" است.

جنبش علیه اعدام در ایران دستاوردهای درخشانی علیه اعدام و در دفاع از حق زندگی و حیات کسب کرده است و مردم کردستان نیز در طول تاریخ موجودیت ننگین حکومت قتل و کشتار اسلامی حرکت‌های درخشانی همچون اعتصاب عمومی و اعتراضات خیابانی علیه اعدام سازمان داده‌اند. با اعتراضات گسترده و با اعتصاب عمومی باید پاسخ درخور و کوبنده دیگری به جلادان اسلامی داد. پخشان عزیزی که خطر اعدام تهدیدش می‌کند را باید فوراً نجات داد. آستین‌ها را باید سریعاً بالا زد.

گسترش سه‌شنبه‌های نه به اعدام به ۱۶ زندان

کاظم نیکخواه

کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" گزارش داد که در این هفته شماری از زندانیان در ارومیه، مریوان، کامیاران، بانه، و سلماس نیز به اعتصاب جمعی زندانیان پیوستند.

اعتصاب‌غذای گروهی زندانیان هر هفته سه‌شنبه برگزار می‌شود و با نام کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" شناخته می‌شود. با پیوستن این زندان‌ها به کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام، اکنون در ۱۶ زندان زندانیان به کارزار علیه اعدام پیوسته‌اند که هزاران زندانی را در بر می‌گیرد.

کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام، از زندان قزل‌حصار شروع شد؛ اما در اساس بخشی از جنبش باسابقه و انسانی است که سال‌هاست در ایران جریان دارد و حزب کمونیست کارگری و کمیته بین‌المللی علیه اعدام و چهره‌هایی چون مینا احدی و همچنین حسن صالحی و هرمز رها و سارا نخعی یک پای تعیین کننده و مهم این جنبش انسانی و پیشرو هستند و آن را در ایران و در سطح جهان هدایت می‌کنند و به‌پیش می‌برند. جنبشی که هم اکنون با "کارزار جهانی نه به اعدام" گسترده‌تر هم شده است. زنده‌یاد منصور حکمت رهبر وقت حزب کمونیست کارگری حدود ۳۰ سال پیش جمله‌ای عمیق را بیان کرد و گفت اعدام قتل عمد دولتی است. این جمله و کل آموزه‌های او در نشان‌دادن

جنبه‌های شنیع مجازات اعدام، به شاخص و پرچم جنبش علیه اعدام تبدیل شد و خوشبختانه امروز ابعاد این جنبش انسانی از حزب کمونیست کارگری بسیار فراتر می‌رود و از همه سو نیروها و جریانات مختلف به آن می‌پیوندند.

زیبایی و عمق این جنبش که در دنیا بی‌سابقه است از کمونیسم کارگری نشئت می‌گیرد که دفاع از انسانیت و آزادی و زندگی انسانی سرلوحه آن است. مخالفت با اعدام، همچون دفاع از آزادی بی‌قیدوشرط تشکل و تحزب و آزادی‌های بدون قیدوشرط سیاسی، و دفاع از زندگی انسانی در برابر جانیان حاکم اسلامی، پایه‌های حرکتی وسیع برای دستیابی به یک جامعه انسانی در

ایران را شکل داده که نه فقط می‌خواهد از شر حکومت اسلامی خلاص شود؛ بلکه کل سنت‌های جنبش کثیف اسلامی را می‌خواهد ریشه‌کن کند و جامعه‌ای آزاد و شاد و انسانی را پی ریزد.

این جنبش ضامن برپایی جامعه‌ای امن و شاد و انسانی بر ویرانه‌های حکومت آدمکش اسلامی است. زنده‌باد جنبش علیه اعدام! زنده‌باد زندانیان سیاسی و سه‌شنبه‌های علیه اعدام!

نفت یکپارچه در اعتراض

شهلا دانشفر

اعتراضات کارگران رسمی نفت، در یک صنعت کلیدی در اقتصاد کشور وارد فاز تعرضی‌تری شده است. روز سه‌شنبه ۲ مرداد جمعیت قابل‌توجهی از کارگران از مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز و نیز در عسلویه و پالایشگاه گاز فجر تجمع بزرگی داشتند و پیگیر مطالباتشان شدند.

در اهواز سخنرانان با سخن گفتن از بدتر شدن وضع معیشتی و سختی کارشان مقامات حکومتی را به چالش کشیدند و فریاد "وزیر بی‌کفایت استعفا، استعفا" از سوی جمعیت بر فضا طنین‌انداز شد.

امروز چهارشنبه ۳ مرداد شاهد تجمعات کارگران سکوی نفتی بهرگانسر، بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری و دیگر مناطق نفتی و طی هفته تجمعات کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری و شرکت فلات قاره در لاوان بودیم. اعتراضات کارگران رسمی نفت از مهرماه گذشته آغاز گشت و اکنون ابعاد وسیع‌تری به خود گرفته است. از سوی دیگر اعتصاب ۲۴ هزار کارگر پروژه‌ای نفت در ۱۲۳ شرکت نفت و گاز همچنان ادامه دارد. کارگران ارکان ثالث نیز با مطالبه مهم حذف پیمانکاران تجمعات بزرگی داشتند و با اعلام همبستگی با همکاران اعتصابی پروژه‌ای نفت بر تداوم اعتراضاتشان تأکید کرده‌اند.

اعتراضاتی چنین گسترده و وسیع تا همین‌جا هزینه گزافی بر دوش پیمانکاران مفت‌خور و دولت گذاشته

و به نقطه امیدی برای بخش‌های دیگر کارگری و مردم تبدیل شده است و می‌رود که سراسر نفت را در بر بگیرد. این اعتراضات قدرتمند تأثیر مستقیمی بر بهبود توازن قوای سیاسی برای اعتراضات کارگری و کل جامعه دارد. تجمع بزرگ روز گذشته کارگران در اهواز یک نمونه است که چهره سیاسی شهر را عوض کرده است. این اعتراضات در کنار تجمعاتی از نوع تجمع بخش‌های مختلف بازنشستگان در روز سه‌شنبه در کرمانشاه که با فریاد "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" همراه بود، در کنار تجمعات متوالی بازنشستگان در شهرهای مختلف با فریاد "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، "شریفه محمدی آزاد باید گردد" و در کنار جنبش قدرتمند بی‌حجابی سراسری و به چالش کشیدن کل بساط خرافه و مذهب در همین ایام ماه محرمشان قرین

شده است، مُهر جنبش سرنگونی را بر خود دارد و چهره سیاسی امروز جامعه را ترسیم می‌کند.

این جامعه با ایستادن در برابر سرکوبگری‌های حکومت، راه نبرد نهایی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را هموارتر می‌کند. در متن چنین شرایطی جایگاه اعتصابات و اعتراضات گسترده در نفت را باید دید و وسیعاً از آن حمایت کرد.

ضربه سنگین به تروریسم جمهوری اسلامی در آلمان

کیوان جاوید

دولت آلمان روز چهارشنبه ۳ مرداد فعالیت مرکز اسلامی هامبورگ وابسته به حکومت جنایت‌کار و تروریست اسلامی را به اتهام حمایت از حزب‌الله لبنان ممنوع کرد. لازم به یادآوری است پس از مرگ قاسم سلیمانی، فرمانده وقت نیروی قدس سپاه پاسداران ایران در سال ۱۳۹۸، مراسم یادبود او در مسجد امام وابسته به مرکز اسلامی هامبورگ برگزار شده بود که با خشم فزاینده ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی روبرو شد و زمینه را برای تعطیلی مراکز اسلامی مهیا کرد.

اکنون وزارت کشور دولت آلمان در بیانیه‌ای اعلام کرد که فعالیت "مرکز اسلامی هامبورگ و سازمان‌های وابسته به آن در سراسر آلمان ممنوع است." مقابله با تروریست‌های اسلامی و جمهوری اسلامی در آلمان سابقه‌ای طولانی دارد. در رأس این مبارزه مینا احدی و فعالین حزب کمونیست کارگری قرار دارند و مانع از این شدند که مراکز اسلامی در آلمان با دستور گرفتن از جمهوری اسلامی علیه مخالفینش فعالیت کنند. در مبارزه برای بستن این مراکز، آزادی‌خواهان مخالف رژیم از هیچ کوششی دریغ نکرده و خستگی‌ناپذیر برای بیرون‌راندن تروریست‌های جمهوری اسلامی از آلمان مبارزه کردند.

بی شک تعطیلی این مرکز ضربه‌ای سنگین به تروریسم جمهوری اسلامی است. این پیروزی را به همه

مخالفین و مبارزینی که در راه سرنگونی جمهوری اسلامی از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند باید تبریک گفت و یک‌بار دیگر تأکید کرد که اتحاد و مبارزه متشکل و خستگی‌ناپذیر موانع را یکی از پس دیگری از سرِ راه مبارزه ما بر می‌دارد.

یک هدف اولیه سران حکومت اسلامی از دایر کردن چنین مراکزی تبلیغ و معرفی اسلام و بالاخص دین رسمی جمهوری اسلامی است. همان دینی که در ایران خون مردم را می‌ریزد و یک جهنم تمام‌عیار را می‌خواهد بر زندگی مردم و خصوصاً زنان حاکم کند. اما دلیل واقعی‌تر و بنیادی‌تر از ادامه حیات این مرکز و همه مراکز اسلامی در اروپا، گسترش تروریسم حکومت اسلامی، سازماندهی ترور مخالفین، تأثیرگذاری بر مبارزات ایرانیان سرنگونی‌طلب، کنترل

و شناسایی مخالفین جمهوری اسلامی و سازماندهی تظاهرات و اعتراضات به نفع جمهوری اسلامی است.

با انقلاب زن زندگی آزادی در ایران جمهوری اسلامی شدیداً در خارج کشور مورد تعرض آزادی‌خواهان ایرانی و مورد حمایت بخش بسیار وسیعی از مردم انسان‌دوست در جهان قرار گرفت. این تعرض باید در همه کشورهای دیگر ادامه پیدا کند. رژیم اسلامی باید بایکوت و از مجامع بین‌المللی اخراج شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۲

۲۵ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۴ مرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

نامه جوانان بلژیکی به خامنه‌ای: بلاهت یا بن‌بست؟

سیاوش آذری

موهای سپیده رشنوها راه نفس رژیم اسلامی را بسته است

عطیه نیک‌نفس

کارناوال المپیک و سوگند برای حکومت اسلامی

رضا درویش

در دفاع از پناهجویان افغانستانی، علیه فاشیسم حکومت اسلامی

محسن ابراهیمی

احکام قرون‌وسطایی "بغی" را بر سر حکومتیان خراب کنیم

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

نامه جوانان بلژیکی به خامنه‌ای:
بلاهت یا بن‌بست؟

سیاوش آذری

بنا بر ادعای دفتر خامنه‌ای تنی چند از "جوانان بلژیکی" در پاسخ به نامه ۲۸ می خامنه‌ای خطاب به جوانان "غربی" و در "حمایت" از فلسطین در مقابل حملات و جنایات اسرائیل، پاسخی به خامنه‌ای نوشته‌اند و در آن با سپاسگزاری از "حکمت" و "اندیشه" او بر شجاعت وی در حمایت از فلسطین درود فرستاده‌اند.

گردشی کوتاه در اینترنت ساختگی بودن نامه مورد ادعا را نمایان می‌سازد. یکم اینکه به‌غیراز

خبرگزاری‌های وابسته به جمهوری اسلامی هیچ جا نشانی از نامه‌های مذکور نیست. دوم اینکه نگاهی گذرا به سبک نوشتار نامه خامنه‌ای و پاسخ "جوانان" نشان‌دهنده همسان بودن نگارنده این نامه‌هاست (صدالبته منبع این معجزه یکسان بودن لفظ الله است که از زبان دفتر رهبر الدنگ به سخن آمده).

مسلماً حماقت، بلاهت، حتی خودبزرگ‌بینی در نگارش این خود – نامه‌نگاری ابلهانه نقش داشته است؛ اما علل بزرگ‌تری پشت این نمایش مسخره قرار دارد. انقلاب زن زندگی آزادی عمق تنفر مردم از زن و مرد تا پیر و جوان از کلیت رژیم اسلامی و کلیت دستگاه دزدی، چپاول و شکنجه

آن، از بیت رهبری و ولایت‌فقیه تا بسیج، سپاه، گشت ارشاد و هر آنچه رنگ و بویی از اسلام دارد، را به نمایش گذاشت. آویزان شدن به ریش جوانان خیالی بلژیکی قرار است مرهمی باشد بر دل آزرده و زخم‌خورده نماینده الله.

بعلاوه، به یمن همین انقلاب دول غربی مجبور به بازبینی در سیاست مماشات با رژیم اسلامی گشتند که خود این منجر به انزوای سیاسی بیشتر حکومت اسلامی در جهان شد. در کنار این، حمله وحشیانه حماس به شهروندان اسرائیلی با حمایت مادی و تسلیحاتی رژیم اسلامی و متعاقب آن جنایات رژیم اسرائیل و نسل‌کشی شهروندان فلسطینی نشان داد که جمهوری اسلامی و جنبش

اسلام سیاسی نه‌تنها ربطی به حل مسئله فلسطین ندارد که خود بزرگ‌ترین مانع در برقراری صلح و پایان‌دادن به این تراژدی است. این امر منجر به انزوای بیشتر رژیم الله در انظار عمومی از جمله در خود فلسطین گشت. نامه "جوانان بلژیکی" واکنش احمقانه جمهوری اسلامی به این انزواست.

پاسخ واقعی به رژیم اسلامی و رهبر الدنگش به دست مردم در ایران در حال پردازش است: استمرار و تعمیق انقلاب زن زندگی آزادی و شکستن شیشه عمر حکومت اسلامی و خود الله.

موهای سپیده رشنوها راه نفس رژیم اسلامی را بسته است

عطیه نیک‌نفس

”سپیده رشنو“، با انتشار تصویری از موهای بریده شده در اینستاگرام خطاب به مسئولان زندان نوشته است: ”این‌ها مدارک جرم ”ماست“ اگر می‌خواهید بدنِ ”ما“ را ضمیمه پرونده کنید!

سپیده رشنو، زنی است که مانند تمامی زنان مبارز در ایران، حقوق انسانی‌اش را مطالبه می‌کند و مثل همه زنان آگاه و انسان‌های برابری‌طلب می‌خواهد دستان حکومت اسلامی را از همه عرصه‌های زندگی‌اش کوتاه کند و اختیار زندگی‌اش را داشته باشد.

اما رژیم ضدزن اسلامی که در قوانین اسلامی‌اش جایی برای حقوق زنان نیست، اگر یک روز، فقط یک روز زنان را زندان، شکنجه و اعدام نکند، سرنگون می‌شود. واقعیت این است که موهای زنان آزادی‌خواه راه نفس رژیم را گرفته است و چیزی تا خفه کردنش نمانده است.

رژیم سپیده را به جرم انتخاب روش زندگی و پوشش محکوم به سه سال زندان کرده است. با خیال باطل اینکه، سپیده و دیگر زنان مبارز سکوت کنند. درحالی‌که سپیده با استقامت در تمام این دوران با انتشار عکس‌های بی‌حجابش، دیدار با توماج و نوشته‌هایش و این عکس آخر از موهای بریده شده به‌صراحت بیان کرده که

موهایی که مدرک جرم‌اند، بخشی از بدن زنان هستند و اجازه نخواهند داد حکومت به بدن زنان دست‌درازی کند. در این مقطع زمانی باید هرچه بیشتر اخبار زنان برابری‌طلب که در شکنجه‌گاه‌های رژیم هستند را رسانه‌ای کرد و به این مبارزات جسورانه پیوست، با بی‌حجابی عملی، با بیان حمایت از این مبارزان راه آزادی و با متشکل شدن علیه رژیم زن‌ستیز اسلامی.

بی شک فردا برای ماست، باید انقلاب "زن، زندگی، آزادی" را شجاعانه جلو برد تا دنیایی بدون مذهب در قدرت و بدون تبعیض جنسیتی ساخت.

کارناوال المپیک و سوگند برای حکومت اسلامی

رضا درویش

معروف است که می‌گویند قهرمانان قلبی بزرگ دارند. بدا به حال رژیم‌های سیاسی که در قلب بزرگ قهرمانان جایی ندارند. جمهوری منفور اسلامی از این گونه رژیم‌هاست. رژیمی که با تحمیل عقاید عقب‌مانده‌اش در قالب پوشش تحمیلی حتی در مکان‌های ورزشی و ممانعت از رقابت با کشوری که دشمن تلقی می‌شود و با ده‌ها محدودیت در داخل و خارج از کشور، بیشترین انگیزه را برای مهاجرت ورزشکاران ایرانی ایجاد کرده است. تا جایی که ایران با ۱۴ ورزشکار بیشترین سهم را از تیم پناهندگان کمیته المپیک داشته و از این

بابت در صدر جدول قرار دارد. به این تعداد باید ورزشکاران ایرانی را که به‌عنوان شهروند زیر پرچم کشور دیگری رقابت می‌کنند نیز افزود.

رژیم اما از توهم صدور ایدئولوژی اسلامی دست برنداشته و همچنان با انکار ناقوس مرگی که انقلاب زن زندگی آزادی برایش به صدا درآورده کاروانی به المپیک پاریس روانه کرده است و به پاس خدمات "ارزشمند" رئیسی آیت‌الله اعدام، نام کاروان را "خادم‌الرضا" گذاشته‌اند و دو نفر سوگند وفاداری به حکومت یاد کرده‌اند که با چرخاندن پرچم لرزان رژیم به جهانیان بقبولانند که رژیم از مهلکه انقلاب زن زندگی آزادی جان سالم بدر برده است.

حکومت بچه‌کش شعار کاروان را به یاد کودکان کشته شده فلسطینی "صلح برای کودکان" خوانده است. رئیس این کارناوال ورزشی محمود خسروی وفا، بادیگارد خامنه‌ای در دهه شصت است که روز ترور خامنه‌ای او را از مهلکه خارج کرد و حالا کاروان خادمان حکومت را در خارج از مرزها هدایت می‌کند. نقل کرده‌اند که در روز ترور خامنه‌ای این مأمور امنیتی رژیم با رمز پنجاه – پنجاه به معنای وضعیت قرمز به نجات خامنه‌ای شتافت.

پیام انقلاب زن زندگی آزادی به همه خادمان حکومت این است: بدانید که همان رمز پنجاه – پنجاه معادل وضعیت قرمز برای شما و کل حکومت برقرار است. البته نه به شیوه ترور که رسم

دیرینه شماست. جمهوری اسلامی با انقلاب مردم ساقط خواهد شد. تا فرارسیدن آن روز این رژیم را که جنایاتش در جریان انقلاب زن زندگی آزادی برای جهانیان آشکار شده باید در همه عرصه‌های بین‌المللی و از جمله میدان‌های ورزشی بایکوت و اخراج کرد.

در دفاع از پناهجویان افغانستانی، علیه فاشیسم حکومت اسلامی

محسن ابراهیمی

به تاریخ ۳۰ تیر ۱۴۰۳ مطلبی از این نویسنده تحت عنوان "در مقابل فاشیسم علیه پناهجویان افغانستانی می‌ایستیم" در نشریه شماره ۷۸۷ ژورنال منتشر شد. خواننده‌ای از ایران طی نامه‌ای، انتقاداتی در باره این مطلب مطرح کرده است که پایین‌تر پاسخ من را خواهید دید.

متن نامه را عیناً اینجا می‌خوانید:

"درود بر شما آقای ابراهیمی رفیق گرامی. درمورد

افغانی‌ها نوشتن به نظرم اطلاعات شما درمورد مهاجرین افغان درایران کم است. چرا و چطور به حمایت کدام گروه تندرو وارد ایران شدن. با چه اهداف احتمالی بماند. بنده قصد حمایت از حکومت یا جنبش ضد مهاجر ندارم. اما باید در نظر داشته باشیم این افراد مهاجرین افغان به دلیل فقر فرهنگی دست به کارهایی می‌زنند که جز جنایت نامی دیگر نمی‌توان گذاشت. حدود یک ماه قبل در یکی از پارک‌های گیلان پدری با دو فرزند دوقلو در حال تفریح بودن. پدر بچه اول رو از سرسره میاد میگیره منتظر بچه دوم بود. ناگهان پدر متوجه میشه بچه‌اش پیدا نیست. بالاخره تلاش‌ها کارساز نشد تا به پلیس مراجعه کردند. بعد ۲۰ روز در مراسم عاشورای تهران بچه‌ها توسط مأموران شناسایی و همراه با مادر و دختر افغانی گرفتند. از مادر و

دختر پرسیدن میدونید آدم‌ربایی کردین؟ می گفت دخترم از بچه خوشش اومده می‌خواست برای خودش نگهداره! این جماعت در خوش‌بینانه‌ترین حالت نادان هستن! تعداد کمی نیستن. در استانی دیگر پسر افغانی روز روشن دختربچه ۴ساله رو در گل‌فروشی دست و پاشو میبنده تجاوز میکنه بهش چهارساله رو... در جامعه ما استرس کم داشتیم که اینم اضافه بشه. حالا به‌دور از مسائل سیاسی چه سوءاستفاده‌هایی که نمی‌کنند. شرایط رو بهتر بسنجیم.“

پاسخ مختصر من به این خواننده ژورنال:

قبل از هر چیز فرض من بر این است که شما جزو این دو دسته‌ای که در پایین نام می‌برم نیستید.

در رأس تبلیغات فاشیستی علیه پناهجویان افغانستانی خود جمهوری اسلامی قرار دارد که هر وقت از نظر سیاسی لازم باشد، زنجیر ماشین تبلیغاتی‌اش را پاره می‌کند و علیه پناهجویان افغانستانی تبلیغات علناً فاشیستی راه می‌اندازد؛ فضا را علیه آنها مسموم می‌کند و به هر تحقیر و جنایتی علیه آنها دست می‌زند. دسته دوم، طیفی از ناسیونالیست‌ها از جمله ناسیونال – فاشیست‌های سلطنت‌طلب هستند که در چنین مواردی در بهترین حالت با سکوت خود عملاً رضایت قلبی خود را نشان می‌دهند.

معمولاً وقتی جنایتی در ایران رخ می‌دهد که اتفاقاً پای یک افغانستانی در میان است، مساعدترین فضا برای تبلیغات و اقدامات فاشیستی علیه این

پناهجویان فراهم می‌شود. هدف چنین تبلیغاتی اساساً این است که از پناهجویان افغانستانی تصویر یک‌مشت "بی‌فرهنگ جنایت‌کار" بسازند که به "ایران ما" ریخته، "فرهنگ اصیل ایرانی" را آلوده می‌کنند؛ "کار ایرانی‌ها" را می‌دزدند؛ و مرتکب جنایت علیه ایرانی‌ها می‌شوند و زندگی ایرانی‌ها را ناامن می‌کنند!

فقط به نمونه‌هایی از تبلیغات و اقدامات جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر دقت کنید:

ممنوعیت اجازه کار و اسکان در ۱۷ استان و ۳۷ شهر برای پناهجویان افغانستانی؛ محرومیت قریب نیم‌میلیون کودک پناهجویان و مهاجرین افغانستانی از تحصیل، دستورالعمل به کارفرمایان

برای اجتناب از استخدام کارگران افغانستانی یعنی باز کردن دست کارفرمایان برای بهره‌کشی بیشتر از پناهجویان بی‌پناه، ممنوعیت ورود افغانستانی‌ها به بعضی پارک‌ها از جمله پارک صفه در اصفهان، ممنوعیت ارائه خدمات به "افغان‌ها" در تعدادی از استان‌ها مثل فارس و خوزستان توسط سوپرمارکت‌ها، نانوایی‌ها، اتوبوس‌های شهری و بین شهری، فروشندگان مواد غذایی و ممنوعیت حتی ارائه خدمات بهداشتی! به اینها اضافه کنید تیتر درشت روزنامه جمهوری اسلامی با عنوان "جنوب تهران در اشغال افغانی‌هاست. این یک موضوع کاملاً امنیتی است" و همچنین عربده‌های نماینده شیراز در مجلس اسلامی که "اتباع خارجی در کشور بی‌حساب‌وکتاب اکثر شغل‌ها را از ایرانی‌ها می‌گیرند، از یارانه استفاده می‌کنند، پول کشور را

خارج می کنند"! در چنین فضایی است که در مواردی اوباش اسلامی حتی به خانه و کاشانه افغانستانی‌ها حمله کرده و آتش می‌زنند، طوری که پناهجویان بی‌پناه برای حفظ جانشان به خارج از شهر "پناه" می‌برند!

آیا همه اینها ما را یاد آلمان دوران سلطه نازی‌ها نمی‌اندازد؟ آیا این اقدامات از نوع اقدامات نازی‌ها علیه شهروندان یهودی نیست؟ آیا اینها به‌روشنی نشان نمی‌دهند که در ایران یک‌مشت فاشیست، هم‌طراز نازی‌ها در آلمان حاکم هستند؟

دوست گرامی،

آیا واقعاً شما نمی‌دانید که بیکاری محصول اقتصاد

ورشکسته‌ای است که حکومت اسلامی بر جامعه تحمیل کرده است؟ نمی‌دانید که کرورکرور پول کشور را – از جمله ثروتی که همین پناهجویان افغانستانی در سخت‌ترین کارها با دستمزدی بارها زیر خط فقر تولید می‌کنند – آقازاده‌های جمهوری اسلامی از ایران خارج می‌کنند؟ نمی‌دانید که چپاولگران اسلامی حاکم با محروم‌کردن اکثر پناهجویان افغانستانی از شناسنامه و حق اقامت و ناامن‌کردن زندگی‌شان آنان را مجبور کرده‌اند برای رهایی از گرسنگی به بردگان بی حقوق مفت‌خوران سرمایه‌دار ایرانی تبدیل شوند و از محصول کارشان آقازاده‌های "ژن برتر ایرانی" پروارتر می‌شوند؟ نمی‌دانید که همین جمهوری اسلامی در هر مقطعی از جانب مردم به‌پاخاسته احساس خطر می‌کند، انگشتان کثیفش را به سمت همین پناهجویان نشانه

می‌رود و آنها را مسبب فقر و فلاکت و بیکاری در کشور معرفی می‌کند؟

دوست گرامی، فرض خوش‌بینانه من بر این است که شما نه جزو دودسته اول، بلکه جزو آن دسته‌ای هستید که متأسفانه تحت‌تأثیر بمباران تبلیغات فاشیستی نظام اسلامی تصور می‌کنند مسبب اوضاعی که نظام اسلامی به وجود آورده است، پناهجویان افغانستانی هستند و این صاف‌وساده شیپور را از سر گشاد زدن است.

گفته‌اید که "افراد مهاجرین افغان به دلیل فقر فرهنگی دست به کارهایی می‌زنند که جز جنایت نامی دیگر نمی‌توان گذاشت." و مثال‌هایی از دو جنایت توسط دو افغانستانی زده‌اید.

در مقاله مورد انتقاد شما نوشته‌ام و اینجا هم تکرار می‌کنم که "نیازی نیست که متخصص جامعه‌شناسی باشیم و پی ببریم که قتل و جنایت ربطی به قومیت و ملیت و غیره ندارد، بلکه یک معضل اجتماعی است و در کشوری مثل ایران ریشه در شرایط اقتصادی و اجتماعی‌ای دارد که حکومت اسلامی بر مردم تحمیل کرده است." می‌توان به پژوهش‌های علمی جامعه‌شناسانه مراجعه کرد و پاسخ‌های دقیقی در این زمینه پیدا کرد که یک انسان – مستقل از اینکه مجرم در کجا متولد شده است – چرا دست به جنایت می‌زند. اما این روشن است که تداعی‌کردن جنایت با قومیت و ملیت و محل تولد افراد توسط حکومت اسلامی و ناسیونالیست‌های فاشیست یک شیادی آشکار با اهداف سیاسی است. این روشن است که جنایت

در ایران ریشه و "ملیت افغانی" ندارد و جانیان هم اساساً افغانستانی نیستند. زندان‌های ایران پر از افرادی است که "ایرانی اصیل" هستند؛ اما مرتکب جنایات دهشتناکی شده‌اند.

محمد بسیجه معروف به بیجه که به تجاوز و قتل بیش از ۳۷ کودک و ۳ بزرگسال اعتراف کرد افغانستانی نبود، ایرانی بود. سعید حنایی قاتل زنجیره‌ای که در مشهد زنان تن‌فروش را با انگیزه‌های دینی به قتل می‌رساند افغانستانی نبود، ایرانی بود. غلامرضا خوشرو معروف به خفاش شب که ۹ زن را پس از تجاوز و سرقت اموالشان به قتل رساند افغانستانی نبود، ایرانی بود. امید برک معروف به قاتل بزرگراه یک قاتل زنجیره‌ای که ده زن را خفه کرد افغانستانی نبود، ایرانی بود. اینها

فقط چند مثال از صدها مورد دیگر است. بگذریم که وقتی داستان غم‌انگیز زندگی همین قاتلین – مستقل از محل تولدشان – را می‌خوانید متوجه می‌شوید که خود اینها قربانیان نظامی هستند که مدام در جامعه زمین خشونت شخم می‌زند و بذر خشونت می‌کارد! به اینها اضافه کنید قاتلینی از دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی که مرتکب قتل‌های دهشتناکی شده‌اند و البته مشمول رافت اسلامی شده‌اند و راست‌راست می‌چرخند. سعید طوسی، قاری قران موردعلاقه خامنه‌ای با پرونده سنگین تجاوز جنسی به کودکان یکی از موارد رافت اسلامی است که توسط دستگاه قضایی حکومت تبرئه شد.

و مهم‌تر از همه موارد بالا، دستگاه شکنجه و کشتار رژیم اسلامی ۴۵ سال است خشونت می‌کند، به

چشمان دختران و پسران مبارز شلیک می‌کند، در زندان‌ها تجاوز می‌کند، شکنجه می‌کند و اعدام می‌کند و در همین چند سال اخیر توحش کم‌سابقه‌ای علیه مردم راه انداخته است. می‌بینید که همین حکومتی که مدام آدم می‌کشد و مرگ و کشتار و جنایت را عادی‌سازی می‌کند، بی‌شرمانه تصویر جنایت‌کار از پناهجویان افغانستانی اشاعه می‌دهد.

سؤال کرده‌اید که "مهاجرین افغان... چرا و چطور به حمایت کدام گروه تندرو وارد ایران شدند. با چه اهداف احتمالی بماند"؟

در سال‌های اخیر یک وجه تبلیغات فاشیستی این بوده است که مثلاً صفی از افغانستانی‌ها را

در نمازجمعه نشان می‌دهند، یا لشکر فاطمیون را که حکومت اسلامی از افغانستانی‌ها سازمان داده است و به قتلگاه سوریه اعزام کرده است را برجسته می‌کنند تا به نحوی پناهجویان افغانستانی را حامیان حکومت اسلامی قلمداد کنند و مردم متنفر از حکومت اسلامی را علیه پناهجویان افغانستانی تحریک کنند. حکومت با چنین تبلیغاتی با یک تیر دو نشان می‌زند. پناهجویان افغانستانی را دو بار قربانی می‌کند. یکبار با سربازگیری از میان آنها برای اهداف سیاسی‌اش و بار دیگر با تحریک جامعه علیه آنها به‌عنوان حامیان حکومت. این اصلاً عجیب نیست که حکومت اسلامی از شرایط حاکم بر زندگی مهاجرین و پناهجویان افغانستانی، حتی از گرایشات مذهبی شیعی در میان آنها استفاده سیاسی می‌کند. اما باید یا مغرض بود یا مغلوب

تبلیغات حکومت اسلامی که متوجه نشد ترکیب دستگاه سرکوب حکومت در داخل و خارج از ایران اساساً از خود ایران و ایرانی است.

ما در ایران با فاشیسم اسلامی مواجه هستیم؛ اما حکومت اسلامی حتی نباید تصورش را هم بکند که می‌تواند با "خارجی‌ها" همان رفتاری را در پیش بگیرد که در آلمان نازی اعمال می‌شد. دوران عوض شده است. ما در عصری زندگی نمی‌کنیم که فاشیست‌های حاکم بتوانند میلیون‌ها ایرانی را مغزشویی کنند و به دست آنها علیه پناهجویان جنایت کنند. در ایران انقلابی برای زندگی انسانی راه افتاده است. فضای سیاسی ایران اجازه نمی‌دهد حکومت به دست مردم تراژدی علیه "خارجی‌ها" راه بیندازد. میدان برای تعرض اسلامی، ناسیونالیستی

و فاشیستی به پناهجویان خالی نیست! در فضای انسانی و پیشرو که انقلاب زن زندگی آزادی شکل داده است، شرایط کاملاً آماده است که با تمام قدرت در مقابل تعرض سازمان‌یافته حکومت اسلامی با همدستی ناسیونال – فاشیست‌های ایرانی به "خارجی‌ها" یعنی اساساً همان پناهجویان افغانستانی بایستیم و با تمام قدرت از حرمت و کرامت انسانی‌شان دفاع کنیم.

احکام قرون‌وسطایی "بغی" را
بر سر حکومتیان خراب کنیم

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

رژیم سیاه جمهوری اسلامی در جدال ماندن و دفن شدن در زباله‌دان تاریخ و بعد از شکست مفتضحانه‌اش در قالب کردن پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور مورد توافق تمام مافیاها، در همان گام اول فعالین جنبش برابری‌طلبانه انقلاب زن زندگی آزادی یعنی کارگران و زنان را نشانه گرفته و با صدور حکم قرون‌وسطایی به اسم "بغی" سعی در اعدام فعالین و عقب راندن انقلابمان دارد.

”وریشه مرادی“، فعال سیاسی، مدافع حقوق زنان، فعال محیط‌زیست و از اعضای کژار (جامعه زنان آزاد شرق کُردستان) متولد ۱۳۶۴ در سنندج، معروف به جوانا سنه که توسط قوه قضائیه جمهوری اسلامی به ”بغی“ متهم شده است در پیامی از زندان اوین تهران به شریفه محمدی دیگر فعال جنبش کارگری و جنبش رهایی زن که متهم به بغی شده و در زندان لاکان رشت اسیر است می‌نویسد:

”شریفه جان خبر حکم ناعادلانه اعدامت آن هم یک روز پیش از انتخابات گواه روشنی است بر زن‌ستیزی حکومت جمهوری اسلامی، پیامی است به آحاد جامعه و به‌ویژه به ما زنان که در خیزش ژن ژیان ئازادی قدرت با هم بودنمان را شکوه دوباره

بخشیدیم و پارادوکسی است در وعده‌های دولت جدید به مطالبات زنان. رفیق جان هر دو نیک می‌دانیم دار اعدام هیچ‌گاه ضمانتی برای تداوم نظام‌های استبدادی نبوده است. تو نه اولین و نه آخرین زنی هستی که با شکنجه فشار برای اعتراف اجباری پرونده‌سازی و ادعاهای بی‌پایه‌واساس مواجه شده‌ای. این را بدان که دیوارهای زندان نمی‌تواند مانعی باشد، برای همدلی ما، زیرا هم زخمان را جز پناه یکدگر بودن التیامی نیست.“

از طرف وریشه مرادی از زندان اوین تهران به شریفه محمدی در زندان لاکان رشت تیر ۱۴۰۳

پخشان عزیزی دیگر فعال سیاسی، روزنامه‌نگار، فعال حقوق زنان، مددکار اجتماعی و زندانی سیاسی اهل

مهاباد است که او هم توسط قوه قضائیه سفاک جمهوری اسلامی، به "بغی" محکوم شده است.

این عزیزان اسرای تک‌تک ما و گروگان‌های حکومت به‌منظور ارعاب جامعه هستند. هم‌صدا و همدل با شریفه محمدی، وریشه مرادی و پخشان عزیزی و صدها گروگان دیگرمان متحد شویم و به کارگزاران و مافیاهای رژیم اعلام کنیم که در همدلی با اسیرانمان در مبارزاتمان، در تجمعاتمان و در اعتصاب‌ها و شعارها و مطالباتمان خواهان آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنها هستیم.

نابود با رژیم جمهوری اسلامی

زنده‌باد زن، زندگی، آزادی

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۳

۲۸ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۷ مرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

”دختران انقلاب“: شکستی دیگر برای حکومت

یاشار سهندی

اقدام به سقط‌جنین نتیجه ناکارآمدی رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

قطعی برق، بحران انرژی، رنج مردم

سینا پدرام

”شام آخر“ در المپیک، شام غریبان جمهوری اسلامی!

محسن ابراهیمی

"دختران انقلاب": شکستی دیگر برای حکومت

یاشار سهندی

جمهوری اسلامی خیلی زور می‌زند که نشان دهد هنوز با "اقتدار" زمام امور را به دست دارد. حکومت مفلوک قصد داشت در عصر پنج‌شنبه ۴ مرداد، با پُر کردن استادیوم صدهزارنفری در تهران با عنوان "دختران انقلاب"، ثابت کند "خاکریز اول نظام" یعنی حجاب را هنوز در اختیار دارد. اما نتیجه!

سایت حکومتی "عصر ایران"، شکست حکومت را این‌گونه گزارش کرده که در پخش مستقیم تلویزیونی آن مجبور شدند گزارش دیگری را

به بهانه‌ای واهی پخش کنند "و در کنار و در کادر کوچک و بدون صدا و از فاصله دور مراسم ورزشگاه آزادی را پوشش" دهند. روزنامه اصول‌گرای فرهیختگان صدایش درآمده که در میان آشفتگی بعد از نمایش حال به‌هم‌زدن انتخابات، این دیگر چه کاری بود کردید! این روزنامه تأکید کرده: "جمعیت قابل‌توجهی نیز در ورزشگاه حاضر نشدند. نمی‌شد خالی بودن بخش‌هایی از ورزشگاه را از دید دوربین‌ها پنهان کرد. امری که می‌تواند باعث شود این اجتماع به ضد خودش تبدیل شود." در زمان تسریع سقوط یک حکومت، هر حرکت حکومت به ضد خودش تبدیل می‌شود؛ جمهوری اسلامی بارها این امر را ثابت کرده است.

نکته دیگر این است که بسیاری از مفسران رسانه‌های فارسی‌زبان که بیشتر در خدمت اپوزیسیون راست هستند، مرتب به "بدنه اجتماعی نظام" اشاره، از کیسه خلیفه بذل و بخشش و ۱۵ درصدی از جمعیت ایران را به‌حساب جمهوری اسلامی واریز می‌کنند! نمایش مسخره عصر پنج‌شنبه به‌خوبی گویای "وضعیت بدنه اجتماعی نظام" است. مراسمی که با همه امکانات برای آن تبلیغ کردند، جمعیت حاضر هم با پای خود نیامد، بلکه آنان را با سازمان‌دادن یک سرویس حمل‌ونقل کامل به استادیوم آوردند؛ نتیجه اما شد جمعیتی بسیار قلیل. آنچه خشم رسانه‌های حکومتی را برانگیخته این است که این نمایش بیش‌ازپیش نشان داد که "بدنه حزب‌اللهی" هم

دیگر کم آورده است.

خاکریز اول نظام در سال ۱۴۰۱ به دست زنان، به قدرت انقلاب زن زندگی آزادی فتح شد. شیپور یورش به حجاب را "دختران خیابان انقلاب" در سال ۹۸ بر روی سکوهای خیابان‌ها، با به سر چوب زدن حجاب به صدا در آوردند. این دیگر ثابت شده است که هیچ آب رفته‌ای به جوی برنمی‌گردد. بازپس‌گرفتن خاکریز حجاب برای حکومت ناممکن است، اما سقوطش هم ممکن است و هم حتمی.

اقدام به سقط‌جنین نتیجه ناکارآمدی رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

”صابر جباری فاروجی، رئیس مرکز“جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس“ وزارت بهداشت از تشکیل“گروه نفس“ برای مقابله با سقط‌جنین در ۲۵۰ شهرستان ایران خبر داد. این گروه با حمایت بسیج جامعه پزشکی در مشهد شکل گرفت که با گسترش آن به ۲۵۰ شهرستان، از انجام ۴۷۰۰ سقط‌جنین جلوگیری شده است.“

رژیم ضدزن جمهوری اسلامی با بی‌کفایتی تمام

و فراهم‌نکردن بستر مناسب برای یک زندگی انسانی عامل اصلی بحران‌های موجود در جامعه است. در این فقره هم با افزایش فشار همه‌جانبه از جمله نبود امکانات معیشتی، نبود قوانین حمایتگرانه از زنان، نبود آزادی بیان و از همه مهم‌تر تبعیض جنسیتی، چاره‌ای برای زنان به‌جز سقط‌جنین باقی نمی‌گذارد که در این صورت هم با مادری که عمل سقط‌جنین را انجام داده به‌صورت مجرم برخورد می‌کند.

آموزش جنسی و دسترسی به امکانات پیشگیری از حاملگی، بهداشت و درمان رایگان و برخوردار بودن از امکان سقط‌جنین مجانی در کلینیک‌های مجهز از جمله حقوق اجتماعی است که باید به

رسمیت شناخته شود. داشتن فرزند برای زنان قطعاً در جامعه‌ای که رفاه، منزلت و معیشت زن و بچه‌اش تأمین باشد، بااهمیت و یک خواست انسانی است؛ اما تحت حاکمیت رژیم اسلامی زنان هرگز این شرایط را نخواهند داشت. زیرا رژیم جمهوری اسلامی در طی این ۴۵ سال عملاً نشان داده که نه‌تنها نمی‌خواهد مطالبات زنان را پاسخگو باشد؛ بلکه در مقابل اولیه‌ترین خواسته‌ها نیز با سبعیت تمام با زنان برخورد می‌کند.

جنبش رهایی زنان می‌تواند با عملکردی هدفمند راه نجات زنان از این منجلاب اسلامی را فراهم سازد.

قطعی برق، بحران انرژی، رنج مردم

سینا پدرام

در پی ناتوانی دولت در تأمین برق کشور، صداوسیمای جمهوری اسلامی اعلام کرده است که فعالیت مراکز دولتی دیروز، شنبه، در سراسر کشور تا ۱۰ و بانک‌ها تا ۱۱ صبح و امروز یکشنبه به طور کامل تعطیل است.

این روزها رسانه‌های داخلی پر از خبر قطعی برق، کمبود برق، فرسودگی صنعت تولید برق و شبکه برق‌رسانی، سو مدیریت، برنامه‌ریزی غلط در سیاست‌های تولید و نیرو و غیره است. تابستانی دیگر آغاز گشته و شروع قطع برق ادارات و

مراکز دولتی و کارخانه‌ها و غیره در صدر خبرها قرار گرفته است.

رژیم اسلامی چیزی نمی‌گوید و به‌اصطلاح "کارشناسان" امور هم عدم سرمایه‌گذاری صحیح، بستن دست شرکت‌های خصوصی در تولید برق با قیمت‌های روز، وجود یارانه‌های بالا و آزادنکردن تعرفه‌های انرژی به نرخ بازار را عامل این آشفتگی می‌دانند. به این نوع اظهار نظرات "کارشناسانه" که هنوز به دنبال "دست نامرئی" بازار برای "شکوفایی" اقتصادی هستند باید کوتاه گفت که نعل وارونه می‌زنند که به خیال خود ایز گم کنند.

اکنون برای همه روشن است که صنایع تولید برق و انرژی در ایران مانند تمامی عرصه‌های دیگر کهنه و فرسوده است. از سوی دیگر، تولید انرژی نه برای راحتی و رفاه مردم بلکه مانند هر کالایی برای سوداندوزی انجام می‌شود. ازاین‌رو، به‌واسطه عدم سوددهی بالا در ایران سرمایه‌های داخلی و خارجی برای فعالیت در این حوزه راغب نیستند. پروژه‌های اتمی رژیم نیز تماماً بر حول طول سلاح‌های هسته‌ای سازمان داده شده‌اند که مردم را متحمل تحریم اقتصادی طاقت‌فرسایی کرده‌اند. با صدها برابر سرمایه‌گذاری کمتر از سرمایه‌گذاری در صنایع فرسوده اتمی، رژیم اسلامی می‌توانست به‌راحتی برق، گاز و آب مردم را تأمین کند.

ما همواره گفته‌ایم که موضوع بحران‌های مختلف اقتصادی در ایران منشأ سیاسی و پایه‌ای‌تری را داراست. بار دیگر باید تصریح کرد که راه مبارزه با این مشکلات در تشکل مردم به شکل محلی و سراسری بر حول مطالبات رفاهی است. تأمین برق مردم با کمترین هزینه یک وظیفه اساسی هر حکومتی است. با عدم پرداخت فیش‌های برقی به شکل گسترده و متشکل می‌توان رژیم را به رعایت این موازین وادار کرد.

"شام آخر" در المپیک،
شام غریبان جمهوری اسلامی!

محسن ابراهیمی

المپیک ۲۰۲۴ پاریس "حاشیه‌ای" داشت که خیلی هم حاشیه‌ای نبود! در صحنه بازسازی شده "شام آخر" مسیح، اثر لئوناردو داوینچی که در معرض دید صدها هزار تماشاچی در کنار رود سن قرار گرفت، به‌جای عیسی مسیح، زنی چاق قرار گرفته بود که در اطرافش تعدادی همجنس‌گرا و تراجنسی نقش حواریون مسیح را بازی می‌کردند.

واکنش اسقف‌ها و سیاستمداران دست راستی به این مراسم خلاقانه، یکبار دیگر نشان داد که مذهب

تا مغز استخوان، با خلاقیت انسانی، زیبایی، تنوع و شادی خصومت دارد و تاب تحمل هیچ اتفاق انتقادی نسبت به دنیای منجمدش را ندارد.

با دیدن صحنه بازسازی شده "شام آخر"، اسقف‌ها و سیاستمداران دست راستی از لانه‌هایش بیرون خزیدند که به پیامبرشان توهین شده است. از کنفرانس اسقف‌های فرانسه بیانیه‌ای منتشر شد که "برخی صحنه‌ها شامل مسخره کردن مسیحیت بود" و در آن "زیاده‌روی‌های تحریک‌آمیز" علیه مسیحیان سراسر قاره‌ها شده است! سخنگوی کلیسای ارتدوکس روسیه اعلام کرد در "مسیحیت تمدن اروپا یک خودکشی تاریخی و فرهنگی رخ داد"! ژولین اودول، سخنگوی حزب راست "اجتماع ملی" این مراسم را "غارت فرهنگ فرانسوی" خواند! شبکهٔ

ورزش تلویزیون ملی لهستان توجهات را به‌اتفاق دیگری علیه مذهب جلب کرد: خوانده‌شدن ترانهٔ معروف جان لنون به نام "تصور کن" در این مراسم را به کمونیسم و جهانی بدون "آسمان، ملت و دین" نسبت داد!

روشن است که آرمان‌های بلند و انسانی "تصور کن" در مغز منجمد سیاستمداران دست راستی و مذهبی جایی ندارد و دارودسته دست راستی و مذهبی نگران از "خودکشی فرهنگی، غارت فرهنگ و فروپاشی جهان غرب" در واقع ناراحت روزگار ازدست‌رفته تفتیش عقاید هستند که اتفاقاً در فرانسه با انقلابی بزرگ به تاریخ سپرده شد.

واکنش روزنامه‌های حکومتی در این میان خواندنی

است. کلیسا را زیر سؤال برده‌اند که "چرا واکنش لازم را به توهین به حضرت مسیح (ع) را نداشته‌اند". منظورشان این است که چرا در خیابان‌ها عربده نکشیدند، کتاب نسوزاندند و آدم نکشتند!

واکنش کلیسا به "شام آخر" المپیک، به نق‌زدن و افسردگی نوستالژیک نسبت به گذشته محدود شد؛ چون قبلا انقلاب فرانسه دمشان را چیده است. "شام غریبان" اسلامیون حاکم در ایران برای مسیح، نگرانی از آینده خود اسلام و روحانیت را منعکس می‌کند که دست انقلاب در ایران را می‌بوسد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۴

۲۹ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۸ مرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

توصیه‌های خامنه‌ای به پزشکیان

رضا درویش

اربعین و آرزوهای شکست‌خورده حکومت اسلامی

میلاد رسایی‌منش

کشتار کودکان توسط حزب‌الله و دولت نتانیاهو

محسن ابراهیمی

جواب احکام اعدام را با گسترش سراسری اعتراضات بدهیم!

حزب کمونیست کارگری ایران

توصیه‌های خامنه‌ای به پزشکیان

رضا درویش

در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری پزشکیان و آنچه خامنه‌ای به او دیکته می کند حقایق آشکاری به چشم می‌آید که بیانگر ادامه استبداد دینی است که توسط رژیم در گذشته اعمال شده و همچنان استمرار دارد:

- خامنه‌ای از حقوق بشر با لفظ "عنوانی جعلی" یاد می کند. اگرچه جای تعجب ندارد چرا که برای خامنه‌ای قوانین قرون‌وسطایی شریعت اصل است و حقوق انسان امروزی جعلی محسوب می‌شود.

- در ادامه می‌گوید: "از کشورهایی که در همکاری‌های اقتصادی از ما حمایت کرده‌اند قدرشناسی کنیم" که ترجمان این توصیه هم این است که همچنان نفت ارزان به آنها بفروشیم.

- و یا اینکه می‌گوید: "در مقابل حوادث جهان و منطقه فعال و اثرگذار باشیم" یعنی اینکه از حملات حوثی‌ها و حماس و حزب‌الله و حشدالشعبی حمایت کنیم و در جنگ علیه اوکراین به فروش تسلیحات نظامی ادامه دهیم.

- می گوید "با مسائل علمی فعال و اثر گذار برخورد کنید" یعنی اینکه برای شبکه‌های اجتماعی فکری بکنید.

• می‌گوید "برای وضع معیشت مردم کارهایی انجام شود" یعنی نه قصدش را دارد و نه توانش را که مشکلات معیشتی مردم حل بشود.

• می‌گوید "قوه قضاییه در هر نقطه موردنیاز حضور فعال داشته باشد" یعنی در صدور احکام مجازات سنگین برای مخالفان دستتان نلرزد.

• در باره رئیسی می‌گوید "اهل کار جهادی بود" یعنی در رأس هیئت مرگ و در محاکمه‌های چنددقیقه‌ای حکم اعدام صادر می‌کرد.

• می‌گوید "ثروت‌های طبیعی بیش از آن است که تاکنون بهره گرفته‌ایم" یعنی بیش از اینها

می‌توانیم غارت کنیم. اما "شرطش داشتن همت بلند است" یعنی به کم قانع نشوید.

- می‌گوید: "رئیس‌جمهور همکاران خوبی برای خود انتخاب کند" یعنی مانند رئیسی که مخبر را که امین رهبر و سرکرده دزدان قافله‌سالار بود انتخاب کرد.

در متن همه این شرایطی که خامنه‌ای دیکته کرده یک حقیقت انکارناپذیر هست که او کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن نمی‌کند. در واقع سرش را زیر برف می‌کند تا نبیند. این حقیقت که گداخته‌های آتشفشانی حاصل از انقلاب زن زندگی آزادی در همه عرصه‌های اعتراضی همچنان جریان دارد و هراس رژیم از به هم پیوستن همین اعتراضاتی است که هم اکنون جاری‌ست.

اربعین و آرزوهای شکست‌خورده حکومت اسلامی

میلاد رسایی‌منش

حکومت فاسد اسلامی در ایران، برای قداره کشی در منطقه و مقابله با رقیب ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک خود یعنی عربستان سعودی، چند دهه است که سعی می‌کند مراسم اربعین را به مراسمی در حد حج تبدیل کند.

در آخرین اقدام، و دررابطه‌با مراسم اربعین امسال، محمد زارع، مدیرکل ستاد اجرایی فرمان امام از ذخیره "بیش از ۴ میلیون بطری آب‌معدنی" در سردخانه‌ها برای مراسم مذهبی موسوم به "اربعین" خبر داد. زارع روز شنبه ۶ مرداد گفت

که ستاد اجرایی فرمان امام که تحت‌نظر دفتر رهبر جمهوری اسلامی اداره می‌شود، همچون سال گذشته از زائران اربعین حمایت می‌کند. او گفت که علاوه بر "پشتیبانی اقلام خوراکی، بیش از ۴ میلیون بطری آب‌معدنی در سردخانه‌های استان در بین زائران توزیع می‌شود." مدیرکل ستاد اجرایی فرمان خمینی افزود: "باتوجه‌به گرانی اقلام خوراکی، با توان بیشتری از موکب‌ها حمایت می‌کنیم و نمی‌گذاریم چراغ خدمت‌رسانی خاموش باشد."

این‌که حکومت اسلامی شاکله‌ای از دزدان بی‌شرم است که تبهکارانه از جیب مردم برای تبلیغات اسلامی دزدی می‌کند امری شناخته شده

است. حکومت اسلامی ازیک‌طرف مردم را در فقر و محرومیت نگه می‌دارد و معیشت و حقوق ابتدایی شهروندان را پایمال می‌کند، و از طرف دیگر ثروت و امکانات کشور را صرف مراسم ضد زن، ضد کودک و خرافاتی محرم و اربعین می‌کند تا از این طریق ضمن تحمیق و عقب نگه‌داشتن توده‌های مردم به لحاظ فکری، فضای اسلامی و امنیتی برای سرکوب مردم به‌پاخاسته در انقلاب زن زندگی آزادی را فراهم کند. اربعین در واقع برای حکومت فرصتی است که اوباش گشت ارشاد را بیشتر به خیابان بیاورد، سرکوب خداناباوران را تشدید کند و جیب مداحان و حواریون خود را پر کند.

ایده‌ها و آرزوهایی که حکومت تلاش می‌کند در ماه محرم و اربعین به آنها برسد تماماً شکست‌خورده است. امسال شاهد بی‌حجابی بیشتر و استحاله باورنکردنی مراسم محرم به وضعیتی تماماً مغایر با آرزوهای حکومت بودیم. حکومت چنان در اسلامیزه کردن جامعه شکست‌خورده است که مقامات حکومتی از خامنه‌ای تا امامان جمعه همه به این واقعیت عیان جامعه ایران اعتراف کرده‌اند. به همین اعتبار بریزوبپاش و دزدی از جیب مردم هم نخواهد توانست اربعین امسال را به عرصه‌ای برای تاخت‌وتاز حکومت و فرصتی برای رسیدن به اهدافش تبدیل کند.

کشتار کودکان توسط حزب‌الله و دولت نتانیاهو

محسن ابراهیمی

دیروز شنبه ۷ مرداد، دو خبر در رسانه‌های جهانی منعکس شد. بر طبق این دو خبر، در متن جنگ اسرائیل و حماس، دو بار کودکان کشتار شدند. یکبار حزب‌الله با حمله موشکی توسط راکت فلق ۱- ساخت جمهوری اسلامی به زمین فوتبال کودکان در مجدل شمس واقع در بلندی‌های جولان ۱۲ کودک را به قتل رساند و ده‌ها کودک و نوجوان دیگر را زخمی کرد. بار دیگر، حمله هوایی اسرائیل به مدرسه "خدیجه" در جنوب غزه دست‌کم ۳۰ کشته از جمله ۱۵ کودک و بیش از ۱۰۰ مجروح برجای گذاشت.

این اولین‌بار نیست که کودکان در جنگ میان حماس و اسرائیل کشته می‌شوند و آخرین بار هم نخواهد بود. هر بار هم توجیه گران دو طرف یا به اشکال مختلف جنایتشان را توجیه می‌کنند و یا اصولاً اقدام جنایت‌کارانه‌شان را انکار می‌کنند. ارتش اسرائیل معمولاً مدعی می‌شود که قبل از عملیات به مردم هشدار داده است که منطقه را ترک کنند و در نتیجه اگر کودکان کشتار می‌شوند تقصیر خانواده‌هاست که به هشدار ارتش اسرائیل توجه نکرده‌اند. حماس و حزب‌الله هم مستقل از شواهد مسلم حملات موشکی اصولاً جنایتشان را انکار می‌کنند. حزب‌الله منکر این است که اصلاً حمله‌ای به زمین فوتبال کودکان انجام داده است! این بار که پای باند تبهکار اسلامی یعنی حزب‌الله

در گیر است، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی با اتکای به بیانیه خود حزب‌الله! می گوید که حزب‌الله در حمله به مجدل شمس نقش نداشته و " اسرائیل با یک سناریوی ساختگی، به دنبال انحراف افکار عمومی و توجهات جهانی از جنایات گسترده خود در فلسطین است"؛ از طرف حکومتی که خود یک پای اصلی به‌هم‌زدن امنیت مردم در منطقه است، مسئولیت "جامعه جهانی" در قبال امنیت لبنان و منطقه را یادآوری می کند!

افکار عمومی جهان، نهادهای بین‌المللی، نیروهای سیاسی انسان‌دوست، هر انسانی که از کشتار کودکان هر دو طرف، توسط اسرائیل یا حماس و حزب‌الله با حمایت جمهوری اسلامی کودک کش

خشمگین است، در قبال تأمین امنیت کودکان مسئول هستند. اولین گام برای دخالت فعال در جهت تحقق چنین هدف انسانی در قبال کودکان بی‌پناه، اعتراض همبسته و گسترده جهانی علیه جنایت‌کاران دو طرف و مبارزه برای خواست تعقیب و محاکمه همه این قاتلین به جرم جنایت علیه کودکان است!

جواب احکام اعدام را با گسترش سراسری اعتراضات بدهیم!

حزب کمونیست کارگری ایران

جمهوری اسلامی با شکست مفتضحانه‌ای که در جریان انتخابات کذایی‌اش خورده است، می‌خواهد از مردم زهرچشم بگیرد و با احکام سنگین زندان و اعدام به فعالین انقلاب زن زندگی آزادی جامعه را مرعوب کند و جلو خیزش مجدد مردم را بگیرد.

بیدادگاه‌های حکومت در روزهای گذشته شریفه محمدی فعال کارگری و پخشان عزیزی مددکار اجتماعی را به اعدام محکوم کردند. روز شش مرداد نیز دومین جلسه رسیدگی به اتهامات هشت نفر از

معترضان انقلاب زن زندگی امین سخنور، علی هراتی مختاری، حسین محمدحسینی، امیر شاه‌ولایتی، احسان روازژیان، حسین اردستانی، نسیم غلامی سیمیاری و حمیدرضا سهل‌آبادی برگزار شد که همگی به «اجتماع و تبانی به‌قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، اخلال در نظم، امنیت و آسایش عمومی، تبلیغ علیه نظام، تخریب اموال عمومی، بغی و عضویت در گروه باغی» مواجه شده‌اند. اتهامی که می‌تواند به‌حکم اعدام منجر شود. نسیم غلامی سیمیاری که از سال قبل در بازداشت به سر می‌برد قبلاً به‌حکم باغی متهم شده و حمیدرضا سهل‌آبادی پس از احضار به دادگاه دست به خودکشی زده و به بیمارستان منتقل شده است. امیر شاه‌ولایتی نیز چشم خود را با تیراندازی سرکوبگران حکومت ازدست‌داده است. نسیم غلامی سیمیاری در دادگاه

اول که روز ۱۰ تیر امسال برگزار شده گفت که مأموران اطلاعات سپاه با شکنجه جسمی و روانی و تهدید او به ادامه نگهداری در سلول انفرادی و فشار بر خانواده‌اش، او را وادار به اعتراف اجباری کرده‌اند. علاوه بر این موارد وریشه مرادی (جوانا سنه)، نیز قرار است روز یکشنبه ۱۴ مرداد با اتهام «بغی» محاکمه شود.

مقامات رژیم می‌دانند که شکست بزرگ خامنه‌ای و کل حکومت در انتخابات قلابی‌شان عواقب سنگین سیاسی برای حکومت دارد و زمینه را برای موج دیگری از انقلاب آماده می‌کند. با کشاندن معترضان به دادگاه و پرونده‌های سنگینی که برای آنها ساخته‌اند و احکام سنگین زندان و اعدام تصور می‌کنند می‌توانند فضای پر از اعتراض در جامعه

را خاموش کنند.

این شیوه همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. جانیان حاکم فکر می‌کنند موقعیت کنونی نیز مانند سال ۶۷ است که بعد از نوشیدن جام زهر توسط خمینی و پایان جنگ، دست به کشتار زندانیان سیاسی زدند تا جلو خیزش مردم معترض و به ستوه آمده را بگیرند. اما حالا دوران ۶۷ نیست. دوران اوج درماندگی و تشتت و استیصال حکومت و بی‌روحیه‌گی نیروهای سرکوب و فضای سراپا اعتراضی جامعه است. جامعه‌ای که در هشت سال گذشته سه خیزش عظیم را پشت سر گذاشته است. با حرکتی متحدانه در داخل و خارج کشور و به جریان انداختن موجی گسترده از اعتراض و ابراز انزجار علیه احکام اعدام و زندان علیه معترضین

انقلاب زن زندگی آزادی، می‌توانیم و باید با این حکومت آدمکش اسلامی مقابله کنیم. باید به حکومت نشان دهیم که اعدام معترضین برایش گران تمام خواهد شد.

باید به حمایت از زندانیان برخیزیم. علیه شکنجه و اعترافات اجباری و محاکمات ظالمانه، علیه پرونده‌سازی‌ها و برای لغو احکام اعدام و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و معترضان انقلاب زن زندگی آزادی به میدان بیاییم و موج قدرتمندی از اعتراض در داخل و خارج کشور به راه‌اندازیم. از دانشجویان و دانش‌آموزان تا کارگران و معلمان و بازنشستگان، از زنان مبارز در سراسر کشور تا مردم انقلابی در کردستان و بلوچستان، از کلیه تشکل‌های مردمی و فعالین اجتماعی و سیاسی تا زندانیان سیاسی باید

صف قدرتمند و متحدانه‌ای علیه مجازات شنیع اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی شکل بدهیم. ایرانیان خارج کشور نیز این موقعیت را دارند که نقش مهمی در شکل‌دادن به موج دیگری از اعتراض و بسیج افکار عمومی جهانی علیه حکومت ننگین اسلامی و بیدادگاه‌های آن ایفا کنند.

حزب کمونیست کارگری همه مردم آزاده در ایران و خارج کشور و کلیه نهادها، کارزارها، احزاب و سازمان‌های سیاسی را فرامی‌خواند که تلاش برای نجات زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام را گسترش دهند. حزب کمونیست کارگری از هیچ تلاشی در این زمینه دریغ نخواهد کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۵

۳۰ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۹ مرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

زنده‌باد دایه شریفه

اصغر کریمی

فاشیسم دولتی علیه مهاجرین افغانستانی

سیامک بهاری

اعتصاب‌غذای زندانیان سیاسی زن اوین در اعتراض به اعدام‌ها

سوسن صابری

به بهانه حضور ورزشکاران زن ایران در المپیک پاریس

محسن ابراهیمی

مادران دادخواه سنندج راه نشان می‌دهند

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

زنده‌باد دایه شریفه

اصغر کریمی

دایه شریفه زرینی از مادران دادخواه کُردستان و مادر جان‌باخته رامین حسین‌پناهی:

"اعدام قتل عمد حکومتی‌ست". "من مادر رامین حسین‌پناهی خواهان لغو فوری حکم اعدام و آزادی پخشان عزیزی و شریفه محمدی هستم". "اعدام ننگ بشریت است. ننگ بر حاکمیتی که برای بقا به دنبال گردن برای طناب دارش می‌گردد."

اقدام دایه شریفه عزیز و حرکت جمعی مادران دادخواه سنندج علیه اعدام به‌راستی شعف‌آور

است. به‌راستی برانگیزنده است. نشان دادن راه به سایر مادران و به همه مبارزین است. دایه مینا و سه مادر دادخواه دیگر در بوکان را هم به یادآوریم که هشت مارس روز جهانی زن دور هم جمع شدند، روسری‌های تحمیلی و لعنتی را از سر برداشتند و دایه مینا در نطقی کوتاه و عمیق گفت:

”همیشه در حق زنان ظلم شده است. هیچ‌وقت زن و مرد برابری نداشته‌اند. بچه‌هایمان را هم برای دفاع از حقوق زنان به قتل رسانده‌اند.“

مادران دادخواه یک نیروی محرکه فوق‌العاده در تداوم مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی، علیه اعدام، علیه حجاب اجباری، برای برابری زن و مرد، علیه سرکوب و جنایت حکومت‌اند.

مصداق این حقیقت‌اند که جامعه ایران عمیقاً شخم‌خورده است. مصداق تحول عمیقی هستند که کل جامعه را از نظر فکری و سیاسی و فرهنگی و سازمان‌یابی دگرگون کرده است.

زنده باید دایه‌های دادخواه
زنده‌باد جنبش عمیق دادخواهی

فاشیسم دولتی علیه مهاجرین افغانستانی

سیامک بهاری

به دنبال درگیری میان یک ایرانی و سه مرد مهاجر افغان در منطقه ۱۵ تهران که به مرگ جوان ایرانی منجر شد، بار دیگر موج جدیدی از افغان‌ستیزی شعله‌ور شد. دست‌های پنهان با نصب بنرهایی علیه مهاجران افغان، مردم را به شورش علیه آنها فراخوان می‌دهد! "اخراج مهاجران، مطالبه ملی" سر زبان‌ها انداخته می‌شود. در شبکه‌های اجتماعی به مهاجران هشدار داده شده که این منطقه را ترک کنند.

اذیت و آزار مهاجران، به‌ویژه در منطقه پارک

بیسیم، منطقه اتابک و هاشم‌آباد تهران سبب شده است که افغان‌های ساکن در این مناطق به دلیل تهدیدهای جانی حتی برای تهیه غذا و نیازهای روزانه خود جرئت نداشته باشند، از خانه‌ها خارج شوند. در شبکه‌های اجتماعی به نفرت‌پراکنی فاشیستی علیه افغان‌ها دامن زده می‌شود. رسانه‌های حکومتی مانند همیشه آتش‌بیارمعرکه می‌شوند. با درج اخبار جعلی و ایجاد وحشت از افزایش جمعیت مهاجران در ایران، مشکلات معیشتی مردم، فقر و بیکاری و گرانی و ناامنی را به این قربانیان خاموش نسبت می‌دهند.

آتشی که بار دیگر شعله‌ور شده است، حقیقت

تلخ بیش از چهار دهه از زندگی سراسر رنج و تبعیض علیه مهاجران افغانستانی است که از بد حادثه ناچار شده‌اند به جمهوری اسلامی پناه بیاورند.

طی بیش از چهار دهه حکومت عامدانه حق پناهندگی و حق شهروندی آنان را نپذیرفت. حق اسکان در ۱۷ استان و ۳۷ شهر تا محرومیت رسمی از داشتن اوراق هویتی معتبر تا حق تردد و اشتغال رسمی و کار و تحصیل از آنان گرفته شد. از خرید یک سیم‌کارت تلفنی و حتی امکان تردد شهری با مترو که با کارت هوشمند ملی امکان‌پذیر است، محروم شده‌اند. صدها هزار کودک متولد شده در ایران، بی‌هویت و

بی‌شناسنامه، هیچگاه "ایرانی" خوانده نشدند.

ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی دست در دست حکومت، فرو مرتبه کردن مهاجران را به دلیل اینکه تهدیدی برای "نژاد پاک ایرانی - آریایی" شمرده می‌شوند وسیله‌ای برای تفاخر و برتری خود بدل کرد.

مردم ایران باید هوشیارانه این نفرت‌پراکنی نژادپرستانه حکومتی را خنثی کنند. هیچ انسانی غیرمجاز نیست. حق شهروندی همه مهاجرین باید به رسمیت شناخته شود. دشمن مشترک ما و شهروندان افغانستانی حکومت‌های اسلامی ضدبشری هستند.

اعتصاب‌غذای زندانیان سیاسی زن اوین در اعتراض به اعدام‌ها

سوسن صابری

امروز نهم مرداد، زنان زندانی سیاسی در زندان اوین با پیوستن به کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"، اقدام به اعتصاب‌غذا می کنند. این حرکت اعتراضی در پاسخ به افزایش احکام اعدام و اعدام‌های اخیر و به نشانه همبستگی با تمامی محکومین به اعدام من‌جمله زندانی سیاسی پخشان عزیزی صورت می گیرد. زندانیان سیاسی زن در اوین در روزهای سوم و ششم مرداد هم دست به تحصن زده بودند. حدود ۶۰ تن از زنان زندانی سیاسی از بعدازظهر ششم مرداد تا صبح یک‌شنبه هفتم مرداد در

اعتراض به صدور حکم اعدام پخشان عزیزی و با شعار علیه اعدام و خواست آزادی زندانی سیاسی، در حیاط بند زنان زندان اوین تحصن کردند.

این اعتصاب‌غذا، پیام قدرتمندی از دل زندان اوین به بیرون مخابره می‌کند و توجه جهانیان را به جنایات رژیم و وضعیت وخیم حقوق انسانی در ایران جلب می‌کند. زنان زندانی، با این اقدام شجاعانه خود و خواست لغو مجازات اعدام از مردم در ایران، جامعه بین‌المللی و نهادهای مدافع حقوق انسان می‌خواهند تا صدای بی‌صدایان باشند و علیه مجازات اعدام متحد شوند.

با پیوستن به "کارزار نه به اعدام" و حمایت از

زنان زندانی سیاسی اوین، در داخل و خارج کشور، می‌توانیم فشار بیشتری بر رژیم جنایت‌کار اسلامی برای توقف اعدام‌ها اعمال کنیم. امروز، همبستگی ما باهدف لغو مجازات اعدام می‌تواند علاوه بر نجات جان انسان‌ها، یکی از مهم‌ترین ابزار ارعاب و کنترل برای سرکوب و تحکیم قدرت را از رژیم اسلامی گرفته و پایه‌های حکومت را ضعیف‌تر کند. صدای محکومین به اعدامِ به قول زندانیان قزل‌حصار " سیاسی و غیرسیاسی" باشیم.

به بهانه حضور ورزشکاران زن ایران در المپیک پاریس

محسن ابراهیمی

در رقابت‌های المپیک در پاریس تیمی از پناهندگان هم شرکت دارند که حدوداً نیمی از اعضای تیم را ایرانیان تشکیل می‌دهند که پنج زن هم در میان آنها هستند. جمهوری اسلامی هم تیم‌هایی از ایران را به المپیک روانه کرده است. البته طبق معمول با جمع بزرگی از نیروهای حراست و امنیتی و با تحمیل پوشش اسلامی بر زنان ورزشکار!

در باره حضور تیم‌های ایران در بازی‌های المپیک، تلاش جمهوری اسلامی برای استفاده سیاسی از آن و ضرورت مقابله با این تلاش‌ها در فرصت مناسب

باید نوشت. اینجا مایلم نظر خوانندگان را به اتفاقی جلب کنم که به موضوع مسابقات جهانی و آپارتاید جنسیتی علیه ورزشکاران زن مربوط است.

در سال ۲۰۲۱ میلادی در مسابقات جهانی در اسپانیا تیم ملی هندبال زنان ایران در رویارویی با تیم نروژ شکست خورد؛ اما وقتی از بلندگوی ورزشگاه، فاطمه خلیلی بهفر دروازه‌بان تیم هندبال ایران به‌عنوان بهترین بازیکن زمین اعلام شد، کل ورزشگاه غرق اشک شوق شد و حتی بازیکنان نروژ دور دروازه‌بان تیم ایران حلقه زدند و عکس یادگاری گرفتند.

شکست تیم ایران را باید به‌حساب حکومتی گذاشت که علاوه بر فشارهای امنیتی و تحقیرهای اسلامی آنان را مجبور کرد با مقنعه در زمین بازی حاضر شوند. انتخاب دروازه‌بان تیم ایران به‌عنوان بهترین بازیکن زمین را هم باید به‌حساب آرزوهای

بزرگ دختران و زنانی گذاشت که در اوج بی‌امکانی با تلاش‌های طاقت‌فرسا خود را به میدان‌های ورزشی جهان می‌رسانند.

تعداد زیادی از قهرمانان زن ایرانی در مسابقات جهانی با پناهنده شدن به کشورهای دیگر و زیر پا گذاشتن ارزش‌های متحجر اسلامی اجازه نداده‌اند حکومت اسلامی از آنان استفاده سیاسی کند و عملاً به ریش خامنه‌ای خندیده‌اند که گفته بود "زنان ورزشکار محجبه صادرکنندگان انقلاب اسلامی" به سایر کشورها هستند!

امروز فضای سیاسی بعد از انقلاب زن زندگی آزادی بسیار آماده است که هر گونه تحرک حکومت برای استفاده سیاسی از حضور ورزشکاران زن ایرانی در المپیک پاریس را به شکست بکشانیم. توجه نهادهای ورزشی جهان را به آپارتاید جنسیتی در

ایران جلب کنیم و تلاش کنیم حکومت آپارتاید جنسیتی حاکم در ایران بایکوت ورزشی شود. بایکوت ورزشی و بایکوت کامل سیاسی جمهوری اسلامی اتفاقی است که قطعاً پایان عمر حکومت را نزدیک خواهد کرد. زنان ایران خواهند توانست در یک‌دنیای آزاد و با امکانات شایسته و آماده‌تر در بازی‌های جهانی حضور پیدا کنند.

مادران دادخواه سنندج راه نشان می‌دهند

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

جمعی از مادران دادخواه در سنندج، در اقدام مشترکی و درحالی‌که پلاکاردهایی با عنوان «نه به اعدام» و تصاویری از شریفه محمدی، پخشان عزیزی و جان‌باختگان در دست داشتند، نسبت به احکام صادر شده اعدام واکنش نشان دادند. زنده‌باد این مادران شجاع که راه اعتراض جمعی را به دیگران نیز نشان دادند. اقدام زیبای مادران دادخواه سنندج می‌تواند در همه شهرهای کردستان تکرار شود. راه جلوگیری از اعدام عزیزانمان همین اعتراض دسته‌جمعی و متحد و یکپارچه است که می‌تواند رژیم را عقب براند و از دستاوردهای تاکنونی انقلاب

زن زندگی آزادی حفاظت بنماید.

جمهوری اسلامی با شکست مفتضحانه‌ای که در جریان انتخابات کذایی‌اش خورده است، می‌خواهد از مردم زهرچشم بگیرد و با صدور احکام سنگین زندان و اعدام برای فعالین انقلاب زن زندگی آزادی، جامعه را مرعوب کند و جلو خیزش مجدد مردم را بگیرد. جانیان حاکم فکر می‌کنند موقعیت کنونی نیز مانند سال ۶۷ است که بعد از نوشیدن جام زهر توسط خمینی و پایان جنگ، دست به کشتار زندانیان سیاسی زدند تا جلو خیزش مردم معترض و به ستوه آمده را بگیرند. اما حالا دوران اوج درماندگی و تشتت و استیصال حکومت و بی‌روحیه گی نیروهای سرکوب و فضای سراپا اعتراضی جامعه است.

حرکت جمعی مادران دادخواه سنندج را در همه شهرها تکثیر کنیم. بسیاری از خانواده‌های دادخواه در کردستان در دو سال گذشته نقش ارزنده و مهمی در دفاع از انقلاب زن زندگی آزادی و علیه وحشیگری‌های حکومت داشته‌اند و اکنون نیز این آمادگی را دارند که علیه اعدام‌ها و احکام بغی که می‌تواند به اعدام منجر شود، ایفا کنند. از کلیه فعالین در سراسر کردستان انتظار می‌رود نقش خود را در تشویق و سازماندهی خانواده‌های دادخواه در شهرهای مختلف کردستان برای ابتکاری مشابه مادران سنندج ایفا کنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۶

۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴ – ۱۰ مرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

اسماعیل هنیه در تهران کشته شد!

کاظم نیکخواه

تحلیف پزشکیان در حضور تروریست‌های اسلامی

محسن ابراهیمی

بی‌حجابی دست از سر حکومت برنمی‌دارد

اصغر کریمی

رجزخوانی بی‌مصرف اردوغان برای اسرائیل

سیاوش آذری

اسماعیل هنیه در تهران کشته شد!

کاظم نیکخواه

کشته‌شدن اسماعیل هنیه رهبر شاخص حماس و رئیس‌دفتر سیاسی این سازمان، در تهران خبر داغ امروز رسانه‌ها در ایران و جهان است. او در خانه‌ای در شمال تهران به همراه محافظش کشته شد. خبرگزاری پارس می‌گوید او ساعت ۲ بعد از نیمه‌شب با "اصابت پرتابه‌ای از هوا" هدف حمله قرار گرفته است.

ترور اسماعیل هنیه در تهران، درحالی‌که بالاترین محافظت امنیتی از او صورت می‌گرفت، به هر شکل که صورت‌گرفته باشد، نه فقط ضربه‌ای

سنگین به حماس بلکه بیشتر از آن تحقیر و سرشکستگی‌ای عظیم برای حکومت اسلامی است.

قتل هنیه در تهران، در واقع هشداری به سران حکومت است که همه آنها در تیررس اسرائیل هستند و هرگاه که دولت اسرائیل اراده کند می‌تواند ضربات مهلکی به آنها وارد کند. چند سال پیش علی یونسی، وزیر اطلاعات پیشین جمهوری اسلامی درباره نفوذ موساد در ایران هشدار داد و گفت "جا دارد همه مسئولان نگران جان خود باشند".

قتل اسماعیل هنیه باعث خوشحالی وسیع مردم

شده است و کاربران در شبکه‌های اجتماعی وسیعاً به این رویداد توجه نشان می‌دهند. حکومت اسلامی اسرائیل را به "انتقامی سخت" تهدید کرده است. اما این حکومت ناتوان از انتقام از اسرائیل، معمولاً برای تغییر گفتمان‌ها و عقب راندن فضای اجتماعی، از مردم انتقام می‌گیرد و به همین دلیل این خطر وجود دارد که در این مورد نیز دست به تعرض و سرکوب و جنایت وسیع‌تر علیه مردم بزند؛ اما فی‌الحال مردم تعرضات حکومت را با جنبش‌های وسیع اجتماعی علیه حجاب و اعدام و زندان، به محکمی جواب داده‌اند.

به هر رو قتل اسماعیل هنیه تنش‌ها در منطقه را تشدید خواهد کرد. به‌احتمال زیاد اسرائیل

با این پیروزی، در گفتمان‌های صلح با حماس امتیازات بیشتری را طلب خواهد کرد و حماس میز مذاکرات را برای مدتی کلاً ترک خواهد کرد. دیگر نیروهای نیابتی حکومت اسلامی نیز برای جبران این ضربه مهلک، فعال‌تر خواهند شد. به‌این‌ترتیب چشم‌انداز پایان جنگ و کشتار در غزه و منطقه تیره و تارتر خواهد شد.

اما جبران ضربات مهلکی ازاین‌دست برای حکومت اسلامی غیرممکن است و همین باعث بی‌اعتباری و ازهم‌گسیختگی و بی‌روحیگی بیشتر صفوف حکومت و تشدید بحران‌های داخلی‌اش خواهد شد.

تحلیف پزشکیان در حضور تروریست‌های اسلامی

محسن ابراهیمی

سه‌شنبه ۹ مردادماه مراسم تحلیف مسعود پزشکیان در مجلس اسلامی اولین تصویری که به مردم ایران و جهان مخابره کرد دقیقاً همان بود که مردم از پیش می‌دانستند و به‌خاطر همان به کل سیرک انتخاباتی حکومت پشت کردند و آن را به یک رفراندوم گسترده علیه کل موجودیت حکومت اسلامی تبدیل کردند.

تروریست‌های اسلامی شناخته شده بین‌المللی در این مراسم حضور داشتند. پزشکیان با همه آنها دیدار داشت. در دیدار با اسماعیل هنیه اطمینان

داد که "مقاومت" به "نابودی رژیم صهیونیستی ختم خواهد شد." در دیدار با نعیم قاسم، قائم‌مقام حزب‌الله لبنان "حمایت و پشتیبانی از جبهه مقاومت را تکلیف شرعی و از سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی عنوان کرد." در دیدار با زیاد نخاله، دبیرکل جهاد اسلامی اطمینان داد که تغییر دولت‌ها در ایران تأثیری در حمایت جمهوری اسلامی از آنها نخواهد داشت. در دیدار با محمد عبدالسلام، سخنگوی حوثی‌های یمن، او را تشویق به ادامه عملیات تروریستی کرد. در سخنرانی مراسم تحلیفش هم خیال همه‌شان را راحت کرد که دولت او بر اساس "سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی مصوب رهبر جمهوری اسلامی" عمل خواهد کرد. بر توهم به دریا ریختن اسرائیل

تأکید کرد و البته مورد تشویقشان قرار گرفت چرا که تروریست‌های اسلامی وقتی خدمت سردسته تروریست‌های لم‌داده بر ثروت ایران می‌رسند با چمدان‌های دلار برمی‌گردند!

از پیش معلوم بود که قرار نیست با درآوردن پزشکیان از صندوق اتفاقی بیفتد. او از همان اول آن‌چنان از ذوب‌شدنش در ولایت‌فقیه سخن گفت که حتی متوهم‌ترین و سرگردان‌ترین پس‌مانده‌های جریان اصلاح‌طلب شکست‌خورده را هم از این توهم و خوش‌خیالی درآورد که شاید هنوز امیدی برای باندهای اصلاح‌طلب حکومتی برای سرکار گذاشتن مردم باقی‌مانده است؛ شاید هنوز بتوانند مردم عبور کرده از این جریان را به

تغییرات هر چند میکروسکوپی توسط جناحی از حکومت در انتظار نگه‌دارند و نابودی حکومتشان را به عقب بیندازند!

از خیزش ۹۶ به بعد صحنه سیاسی ایران بیش‌ازپیش با تقابل مردم در مقابل کلیت نظام اسلامی رقم خورده است. انقلاب زن زندگی آزادی اوج این تقابل بود. پزشکیان که از درون یک سیرک انتخاباتی با ظاهر رقابت یک "اصلاح‌طلب" با "اصول‌گراها" مثل یک رئیس‌جمهور به درون عمارت اسلامی استفراغ شد، همین روند تقابل مردم با کلیت حکومت را تشدید خواهد کرد.

بی‌حجابی دست از سر حکومت برنمی‌دارد

اصغر کریمی

انسیه خزعلی، معاون امور زنان در دولت رئیسی، در مصاحبه‌ای با سایت دیده‌بان ضمن تکرار خزعبلات اسلامی، از جمله اینکه برابری زن و مرد ظلم به زنان است، گفت قرارگاه گشت ارشاد در وزارت کشور است و حجاب‌بان‌ها برای حضور در مترو، از این وزارت‌خانه مجوز دارند. خزعلی در پاسخ به این پرسش که چرا نیروهای حجاب‌بان پوشش یکسان دارند، گفت این سؤال باید از وزارت کشور پرسیده شود. در پاسخ به این سؤال که آیا حجاب‌بان‌ها حقوق می‌گیرند نیز گفت خبر ندارم.

احمد وحیدی، وزیر کشور، در آبان ۱۴۰۲ صدور هر گونه مجوز برای حضور حجاب‌بان‌ها در مترو را تکذیب کرده بود. علیرضا زاکانی، شهردار تهران، در مهر ۱۴۰۲ گفت که شهرداری گروه‌هایی را در ایستگاه‌های مترو مستقر کرده است؛ اما در آذر ۱۴۰۲ گفت "نمی‌توان مانع امربه‌معروف شد؛ ولی شهرداری مجوز حضور حجاب‌بان‌ها را نداده و این کار به‌صورت خودجوش از سوی مردم انجام می‌شود".

این تناقضات آشکار، وضعیت حکومتی را توضیح می‌دهد که نسبت به یکی از بنیادی‌ترین مسائل سیاسی و ایدئولوژیک خود حتی قادر به دفاع صریح از اقدامات خود نیست. همین‌طور که لایحه

ناکام حجاب و عفاف نه به جایی رسید نه کسی صاحبش شد.

سردرگمی مقامات و ارگان‌های مختلف حکومت در زمینه حجاب، علت روشنی دارد و آن ابعاد میلیونی بی‌حجابی در اقصی‌نقاط کشور است. اما بی‌حجابی گوشه‌ای مهم از تحولی همه‌جانبه‌تر است: روی‌گردانی وسیع از مذهب و از لجنزار فرهنگ اسلامی که تمام نسل‌ها را دربرگرفته است، تحول عمیق و انقلابی در ذهن و عمل و سبک زندگی توده‌های وسیع مردم و رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم. اینها نه قابل‌برگشت است نه قابل سرکوب. این تحولات چنان عمیق است که پس‌لرزه‌های آن را در بخش وسیعی

از بدنه خود حکومت و در نیروهای سرکوب آن نیز می‌بینیم. پس‌لرزه‌هایی که همچنان در حال پیشروی است و درون نظام را هر روز بیشتر فلج می‌کند.

ضربه پشت ضربه سیاسی به حکومت چه در قالب انقلاب زن زندگی آزادی و چه در تحمیل شکست فاحش به حکومت در انتخابات کذایی ریاست‌جمهوری و چه در هر اتفاق ریز و درشتی در ایران، پایان‌ناپذیر است و هر روز خردکننده‌تر می‌شود و رژیم را در بحران همیشگی و مقامات را در کابوس دائمی نگه می‌دارد تا بالاخره کلک آنها را بکنند.

رجزخوانی بی‌مصرف اردوغان برای اسرائیل

سیاوش آذری

روز ۲۸ ژوئیه در نشست حزب اسلام سیاسی "عدالت و توسعه" اردوغان در "حمایت" از فلسطین گفت: "ما باید آن‌قدر قوی باشیم که این اسرائیل نتواند این کارها را با فلسطین انجام دهد. همان‌طور که وارد قره‌باغ و لیبی شدیم، می‌توانیم همین کار را با آنها بکنیم." البته این رجزخوانی اردوغان بی‌پاسخ نماند و کاتز، وزیر امور خارجه اسرائیل، بلافاصله تهدید کرد که اردوغان "رد پای صدام حسین را دنبال می‌کند".

فاشیسم اسلامی و فاشیسم دولتی اسرائیل متمم

و مکمل یکدیگرند. سخنان بی‌مایه اردوغان برای دولت فاشیست اسرائیل که به‌خاطر نسل‌کشی فلسطینیان و سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌اش در داخل تحت‌فشار نیروهای اپوزیسیون و در خارج تحت‌فشار اذهان عمومی جهانی و حتی متفقین غربی خود قرار دارد، مائده‌ای آسمانی بود تا قتل‌عام مردم فلسطین را به بهانه دفاع از موجودیت اسرائیل توجیه کند. به‌این‌ترتیب پروپاگاند یهودی‌ستیزانه اردوغان بیش از مصرف داخلی مورد مصرف دولت فاشیست اسرائیل قرار گرفت.

نیت اردوغان از این سخنان اما بسیج افکار عمومی در داخل ترکیه از طریق تهییج مردم و تحریک احساسات انسان‌دوستانه آنان در راستای منحرف کردن اذهان عمومی از بحران عمیق اقتصادی

و بیکاری، فقر و مشکلات معیشتی و بحران اجتماعی متعاقب آن است. اما تاریخ مصرف چنین مانورهای سیاسی در ترکیه بیش‌ازپیش گذشته است.

مردم خوب می‌دانند که ماجراجویی جنگی چه در داخل و چه در خارج از مرزها تشدید فقر و فلاکت و تعمیق بحران اقتصادی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. بعلاوه، بنا بر آخرین نظرسنجی‌ها تنها ۱٫۷درصد از مردم تأمین امنیت ترکیه و ۱٫۲درصد از مردم تروریسم را معضل اصلی جامعه ترکیه محسوب می‌کنند. حتی علی‌رغم تبلیغات پناهجوستیزانه تنها ۶ درصد از مردم حضور پناهجویان را مشکل اصلی جامعه ترکیه تلقی می‌نمایند. در مقابل از نظر قریب به ۶۵ درصد از مردم مشکل اصلی بحران معیشتی - اقتصادی

است و ۸۲ درصد از مردم معتقد به سوءمدیریت اقتصاد کشور هستند.

افول اسلام سیاسی و اردوغان در ترکیه حقیقتی انکارناپذیر است؛ شکست بزرگ ائتلاف اسلامی – فاشیستی در انتخابات محلی ۳۱ مارس بارزترین نماد این حقیقت است. جارو شدن اسلام سیاسی و فاشیسم از ترکیه و برقراری جامعه‌ای آزاد و برابر اما منوط به ورود آلترناتیو چپ انسانی و رادیکال به صحنه سیاسی ترکیه است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۷

۱ آگوست ۲۰۲۴ – ۱۱ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

ترور هنیه و فضای سیاسی در ایران

سؤال از شهلا داشنفر

برای شروین باید به میدان آمد

سینا پدرام

بازداشت و بی‌خبری از پدر جاوید نام ابولفضل آدینه زاده

سیما بهاری

هنیه و داستان یک ترور

کیوان جاوید

ترور هنیه و فضای سیاسی در ایران

سؤال از شهلا داشنفر

کیوان جاوید: آیا کشته‌شدن هنیه می‌تواند تأثیر منفی بر دامنه اعتراضات و اعتصابات فعلی کارگری بگذارد؟

شهلا دانشفر: اسماعیل هنیه که برای مراسم تحلیف پزشکیان به تهران آمده بود، در بامداد چهارشنبه در محل اقامت خود به همراه یکی از محافظانش کشته شد. ترور او که بالاترین محافظت امنیتی را داشت، یک سرشکستگی بزرگ برای جمهوری اسلامی و ضربه‌ای سنگین به حماس و جمهوری اسلامی بود. و این چیزی است که مردم با شادی

تمام از آن سخن می‌گویند. موجی از شادی در میان مردم به پا شد و شبانه در محلاتی چون کرج مردم شیرینی پخش کردند و به یکدیگر تبریک گفتند.

جمهوری اسلامی که زخم‌خورده، اسرائیل را به "مجازات سختی" تهدید کرده است. اما ناتوان از انتقام، تهدیدش اساساً رو به مردم است تا مبادا از این فرصت برای اعتراضات گسترده‌تر سود جویند. این حکومت از سایه خود وحشت دارد و برای برگرداندن ورق در تلاش است تا جامعه را امنیتی کند. به این منظور سه روز عزای عمومی اعلام کردند. اول مرداد برای تشیع جنازه این جنایتکار قشون‌کشی کردند و خامنه‌ای، بر

جسد او نماز میت خواند و در پریشان‌حالی و به هم‌ریختی بر سرخود کوبیدند و به سوگ نشستند.

اما جامعه همانطور که یکپارچه سیرک انتخابات را با رأی به سرنگونی به شکستی بزرگ برای حکومت تبدیل کرد، همچنان از اعتراض می‌جوشد. ما شاهد قدرت‌نمایی جنبش علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی در ایام محرم حکومتی بودیم. در نفت، این مرکز کلیدی کارگری هزاران کارگر در اعتصاب و اعتراض‌اند و جنبش کارگری پُر تلاطم است. جنبشی قدرتمند از زندان تا دانشگاه‌ها و تا کف خیابان با فریاد "نه تهدید نه زندان نه اعدام نیست جلودار ما" به مقابله با اعدام‌ها ایستاده است. دادخواهان از کردستان تا تهران نیروی

بزرگ جنبش نه به اعدام هستند. تشکل‌های دانشجویی سراسر کشور طی بیانیه مشترکی خواستار اعتراضات گسترده در خارج کشور در حمایت از چهار زن مبارزه محکوم‌به‌اعدام شده و بر پیشبرد سراسری اعتراضات و افزایش فشار بر جمهوری اسلامی تأکید کرده‌اند. با این قدرت جامعه به‌سوی گرامیداشت سومین سالگرد انقلابش حرکت می‌کنند. در متن چنین شرایطی همه شواهد از شعله‌ورتر شدن بیشتر اعتراضات کارگری حکایت می‌کند.

کیوان جاوید: برای اینکه اعتراضات با قدرت پیش برود چه موانعی را باید از پیش پا برداشت؟

شهلا دانشفر: سرکوبگری‌های حکومت مانع بزرگی در مسیر حرکت جامعه است و این مقابله‌ای متحدانه و سراسری را می‌طلبد. جنبش قدرتمند علیه اعدام‌ها، اتحاد طبقاتی کارگری بر محور همان شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" و حول خواست‌های رادیکال و سراسری از نوع آنچه در سند تاریخی منشور بیست تشکل آمده و پیوستن به آن و در همین راستا اتحاد مبارزاتی فعالین و اکتیویستها کارگری و اجتماعی حلقه‌هایی کلیدی برای پیشروی جنبش سرنگونی است.

برای شروین باید به میدان آمد

سینا پدرام

شروین حاجی‌پور خواننده معترض آهنگ "برای" با انتشار ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی از تأیید حکم ۳ سال و ۸ ماه حبس توسط دادگاه تجدیدنظر خبر داد.

شروین حاجی‌پور در این ویدئو به این حکم ظالمانه اعتراض کرد و آن را بی‌پایه دانست. او در این ویدئو با اشاره به این‌که ساخت قطعه "برای" مسالمت‌آمیزترین راه او برای اعتراض و انتقاد بوده می‌گوید: "اتهام من تحریک مردم به کشتار و جنگ است. کجای قطعه "برای"، که

بندش شما را تحریک می‌کند که بروید و کسی را بکشید؟“

آهنگ ”برای“ که با الهام‌گرفتن از پست‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی مختلف ساخته شد، با ظرافت شعری و آهنگی به مشکلات و دل‌مشغولی‌هایی اجتماعی و سیاسی از جمله معضلات و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و بوم زیستی و غیره مردم ایران می‌پردازد.

مقارن با شروع انقلاب زن زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱، آهنگ شروبن که بعدها برنده جایزه ”گِرَمی“ شد، خود به کیفرخواست جامعه و مردم ایران علیه حکومت اسلامی تبدیل شد.

این آهنگ، انتقاد عمیق و جدی جامعه به هر آنچه که با رژیم إسلامی تداعی می‌شد را به شکل آهنگین بیان می‌کند و از این رو مورد نفرت رژیم و دستگاه‌های سرکوبگر از جمله بیدادگاه‌های اسلامی قرار گرفت.

شروین به درست به‌عنوان یک شهروند بر روی حق بیان نظرات خود پافشاری می‌کند و اتهامات وارده به خود را رد کرده و از جرم انگاری اعتراض وی و روانه‌کردن وی به زندان اظهار ناخشنودی می‌کند. آنچه تحسین‌برانگیز است روحیه بسیار بالای شروین در مقابل احکام ضدانسانی رژیم است.

احکام اخیر صادره از سوی دستگاه‌های سرکوبگر قضایی چیزی جز سیاست ارعاب را دنبال نمی‌کند، اما روحیه بالای شروین و تمامی کسانی که توسط رژیم به زندان و احکام دیگر محکوم شده‌اند، حاکی از شکست سیاست‌های رژیم است.

شروین با "برای" کیفرخواستی بر علیه رژیم اسلامی صادر کرده است که فقط با سقوط رژیم جواب خواهد گرفت. اما برای پیروزی نیاز به اتحاد و تشکل است. فقط با تلاش‌ها و اعتراضات متحدانه و متشکل در هر سطحی می‌توان رژیم را به عقب‌نشینی واداشت. برای شروین باید به میدان آمد همان‌گونه که او با "برای" به میدان مبارزه وارد شد.

بازداشت و بی‌خبری
از پدر جاوید نام ابولفضل آدینه زاده

سیما بهاری

مادر دادخواه ابوالفضل آدینه زاده که فرزندش در جریان اعتراضات "زن زندگی آزادی" در سال ۱۴۰۱ کشته شد، می‌گوید با گذشت هشت روز از بازداشت همسرش، از او اطلاعی ندارد و مسئولان قضایی نیز در این باره پاسخگو نیستند.

جنایات جمهوری اسلامی حد و مرزی نمی‌شناسد. در طول حیاتش هزاران نفر اعدام شدند، هزاران نفر به زندان افتادند. جوان رفتند و پیر برگشتند.

صدها نفر را ترور کردند، قتل‌های زنجیره‌ای سازمان دادند. معلوم نیست چه تعداد مفقود شدند و هرگز حکومت مسئولیتی نپذیرفت و پاسخگو نبود. علی آدینه زاده یکی از این خیل عظیم است. او دادخواه فرزندش است. خانواده‌اش در بی‌خبر از وضع او به سر می‌برند. حکومت پاسخگو نیست. این رسم آنهاست. اما حکومت با یک جامعهٔ پویا روبروست. مردم به همهٔ این جنایات با تعرض رو به گسترش رودررو شدند. مردم نترسیدند و صدای اعتراض و "نه" آنها هر روز بلندتر شد، مرزها را در نوردید و از حصارهای زندان به قلب کشورهای جهان پژواک یافت. این یعنی قامت بلند ابوالفضل، مشت گره‌کرده پویا بختیاری، فریاد رسای سارینا، عزم راسخ مهسا و

ارادهٔ هزاران انسان مشتاق زندگی بهتر که دارد بساط این حکومت تا مغز استخوان فاسد، این حکومت جنایت و کشتار را برمی‌چیند.

پاسخ ما به ربودن انسان‌ها، به دستگیری، به شکنجه و به صدور احکام اعدام، گسترش اعتراضات و بلندتر کردن صدایمان است. ما بسیاریم. ما نشان داده‌ایم که مفهوم و ارزش با هم بودنمان را فهمیده‌ایم. می‌دانیم که قدرتمان در اتحادمان است. اگر رژیم معترضین را احضار می‌کند و وقیحانه آنها را می‌دزدد، اگر برای مبارزین احکام سنگین حبس و شلاق و اعدام صادر می‌کند، به‌خاطر ترس و نگرانی از همبستگی و به‌هم‌پیوستگی اعتراضاتمان است. از

ما می‌ترسند. از زنان شجاعی که حتی در زندان هم حریفشان نیستند، می‌ترسند. از دادخواهان می‌ترسند. ما با یک رژیم زبون فرتوت طرفیم. آنجا که دستشان می‌رسد، حکم زندان و اعدام صادر می‌کنند، می‌ربایند و ما را از وضع آنها بی‌خبر نگه می‌دارند.

علی آدینه زاده باید فورا آزاد شود. خانواده‌های دادخواه را تنها نگذاریم. در اعتراضات نفت، معلمان، بازنشستگان، و سایر بخش‌ها و کانون‌های مبارزه باید یک خواستمان دفاع از دادخواهان باشد. همه با هم می‌توانیم کار این جانیان را تمام کنیم.

هنیه و داستان یک ترور

کیوان جاوید

اسماعیل هنیه بامداد روز چهارشنبه ۱۰ مرداد بسیار حرفه‌ای و مهیج به شیوه فیلم "عملیات غیرممکن" (mission impossible)، درست بغل گوش خامنه‌ای کشته شد. این قتل بی شک برای سالیان دراز به‌عنوان یک راز سربه‌مُهر باقی می‌ماند. اما ماجرا اینجا تمام نمی‌شود.

رژیم اسلامی به‌خاطر مرگ هنیه سه روز عزای عمومی اعلام کرد و خامنه‌ای بر میت او نماز خواند. نماز وحشت یا شکرگزاری، هر چه هست داستان را پیچیده‌تر می کند. (شکرگزاری به‌خاطر

اینکه این بمب بر سر خامنه‌ای فرود نیامد) آیا تیم ترور در بیت رهبری هم نفوذ دارد؟ آیا دیگر سران رده اول حکومت می‌توانند شب با خیال راحت سر بر بالین بگذارند و امید بیدارشدن در صبح روز بعد را داشته باشند؟ آیا جمهوری اسلامی برخلاف رجزخوانی‌های تو خالی‌اش می‌تواند انتقام سخت بگیرد؟ اینها نیز بخشی از داستان فیلم "عملیات غیرممکن" است.

سه روز عزای عمومی برای مردم تبدیل به سه روز شادی و جشن عمومی می‌شود. نه اینکه حتما و لزوما علناً در خیابان‌ها بخوانند و برقصند، که در شرایط فعلی شاید چنین ابراز علنی شادی در ایران تماما ممکن نباشد. بلکه به‌عنوان بخشی

از راز بقا و خنک‌شدن دل مردم برای انتقام از حکومتی که هر روز تعداد بیشتری از مردم بی‌دفاع را اعدام می‌کند و سایه زندان و فقر و حجاب ضدبشری اسلامی، تاریکی اجتماعی بر جامعه گسترانیده است. کشته‌شدن هنیه تنها یک لحظه برای از یاد بردن این‌همه درد و غمی است که حکومت بر زندگی مردم حاکم کرده است. غم ازدست‌دادن صدها جان‌باخته انقلاب زن زندگی آزادی یکی از آن غم‌های بزرگ اجتماعی است.

جامعه از این لحظات کوتاهِ حس شادی برای ضربه خوردن و آبروباخته ترشدن سراسری و جهانی بیرون می‌آید و نیروی خود را می‌سنجد تا دست

به مبارزه متحد و یکپارچه برای به‌دست‌آوردن یک زندگی بهتر و انسانی‌تر بزنند. رژیم اسلامی خون مردم را در شیشه کرده است و دامنه فقر و فلاکت را هر روز گسترده‌تر می‌کند. برای پیروزی بر این دشمن، همه با هم می‌شویم و ریشه جنایت را می‌خشکانیم. آن روز به‌راستی روز شادی همگانی ما وعزای عمومی حکومت خواهد بود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۸

۳ آگوست ۲۰۲۴ – ۱۳ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

تظاهرات در واگن پارس و دستبرد به صندوق بازنشستگان

اصغر کریمی

انقلاب زنانه و بحران شلوارک رژیم اسلامی

سیاوش آذری

غبار ترور هنیه در ریه‌های مردم سیستان و بلوچستان

کیوان جاوید

اعدام‌ها قتل عمد حکومتی است

سؤال از حسن صالحی

سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام و فعال کارزار جهانی نه به اعدام در ایران

تظاهرات در واگن پارس
و دستبرد به صندوق بازنشستگان

اصغر کریمی

امروز دو خبر توجهم را جلب کرد: توهین مدیرعامل کارخانه واگن پارس اراک به کارگران و دستبرد رژیم به صندوق‌های بازنشستگی برای تأمین هزینه‌های اربعین.

در پاسخ به اعتراض کارگران علیه جابجایی روزهای تعطیل آخر هفته، ملانژاد مدیر عامل کارخانه از ورود ۱۲ کارگر به کارخانه جلوگیری کرد. کارگران اعلام کردند اگر تصمیم به جابجایی تعطیل آخر هفته لغو نشود دست به

اعتصاب خواهند زد. ملانژاد با استفاده از الفاظی رکیک گفت: "هفت هشت نفر [واژه رکیک] را بیرون انداختیم و بقیه نیز در صورت ادامه اعتراض اخراج خواهند شد". کارگران در ادامه چند روز اعتصاب دست به تظاهرات زدند و با شعار ملانژاد حیا کن کارخونه را رها کن و ننگ ما ننگ ما مدیر الدنگ ما، صحنه باشکوهی از اعتراض متحدانه را به نمایش گذاشتند و مدیر عامل مفتخور را از کارخانه بیرون انداختند.

در خبر دیگر، وزارت کار حکومت دستور داده ۲۵۰ میلیارد تومان از کلیه صندوق‌های بازنشستگی بابت تأمین هزینه‌های اربعین برداشته شود. صندوق‌های بازنشستگی مدام مورد دستبرد مقامات و ارگان‌ها قرار می‌گیرد و این در حالی

است که حقوق بازنشستگان ۲۰ میلیون حتی از خط فقر کمتر است.

هر دو خبر ریشه واحدی دارند. حکومت از مدیر عامل و صاحبان واگن پارس در مقابل کارگران حمایت می‌کند تا جرأت کنند به کارگرانی که زندگی لوکس آنها را تأمین می‌کنند توهین کنند و همان حکومت هزینه‌های مذهبی خود را از بازنشستگان غارت شده اخاذی می‌کند.

کارگران واگن پارس می‌گویند تولید می‌کنیم و استثمار می‌شویم و مدیرعامل و صاحبان کارخانه را پروار می‌کنیم. توهین هم باید از همین مفتخوران بشنویم؟ در مقابل اجحافات و اخراج و دستمزدهای نازل اعتراض می‌کنیم، از حرمتمان

هم دفاع می‌کنیم. اما انتظار می‌رود که مردم اراک، همه کارگران و تشکل‌ها و فعالین به این مساله عکس‌العمل نشان دهند. مدیرعاملل باید گورش را گم کند. توهین به کارگران ممنوع.

و بازنشستگان نیز که پرچم بسیاری از مطالبات جامعه، علیه حجاب و اعدام و زندان و شکنجه را بلند کرده‌اند، باید در مقابل این دستبرد حکومت هم محکم بایستند و اعلام کنند اخاذی از صندوق‌های بازنشستگی ممنوع. می‌توانند قدم بزرگی نیز در پیشاپیش جامعه بردارند و با صدای بلند اعلام کنند مذهب امر خصوصی است، از مذهبتان بیزاریم و هر گونه دزدی از صندوق بازنشستگان برای امورات مذهبی مطلقاً ممنوع است.

انقلاب زنانه و بحران شلوارک رژیم اسلامی

سیاوش آذری

همراه با اولین روز آغاز کار رسمی پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور رژیم اسلامی برخورد نیروهای سرکوب رژیم با پوشش مردان کلید خورد. نیروهای سرکوب به‌ویژه در برخورد و بازداشت مردانی که شلوارک به پا دارند وارد میدان شدند و برای "متخلفین" پرونده قضایی تشکیل دادند. در بسیاری موارد نیز مأموران گشت به بهانه نحوه آرایش سر مردان به آنان تذکر داده و در مواردی با آنها برخورد فیزیکی داشته‌اند.

سرکوب حق آزادی انتخاب پوشش و تحمیل

حجاب و پوشش اسلامی نه صرفا مسئله‌ای منبعث از قشری‌گری و ایدئولوژی رژیم اسلامی بلکه امری کاملاً سیاسی است چنانکه اسلام سیاسی نه فقط جنبشی ایدئولوژیکی بلکه اساساً جنبشی سیاسی و در بسیاری موارد پراگماتیک است. به این اعتبارمسئله حجاب اجباری نه امری اخروی که امری کاملاً دنیوی است. هویت رژیم اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی به تحمیل حجاب و پوشش اجباری گره‌خورده است: حجاب از منظر حکومت الله ابزاری برای سرکوب جامعه در جهت ابقا و استمرار سلطه رژیم و القای تصویری قدر قدرت از آن است، به این معنی سیاست تحمیل حجاب اجباری شکل ویژه‌ای از تاکتیک عمومی سیاست فاشیستی برای به تمکین کشاندن جامعه

است.

اما اتفاقاً پاشنه آشیل رژیم الله هم همین‌جاست: زنان و در کنار آنان مردان آزاده در طول مدت عمر این رژیم به اشکال مختلف سیاست حجاب و پوشش اجباری و کلیت نظام اسلامی را به مصاف طلبیده اند و به یُمن انقلاب زن زندگی آزادی خاکریز حجاب را به تسخیر خود درآورده‌اند. اما مهم‌تر اینکه انقلاب زنانه نه حرکتی برای احقاق حقوق تنها قشری معین بلکه جنبشی توده‌ای برای تأمین آزادی، برابری و رفاه برای تمامی آحاد جامعه است، مردم آزاده و انقلابی در ایران می‌دانند که رهایی زنان تنها با رهایی کل جامعه امکان‌پذیر است.

سیاست اخیر رژیم در برخورد با پوشش مردان به‌این‌ترتیب واکنشی به جوهر برابری‌طلبانه و آزادی‌خواهانه انقلاب زن زندگی آزادی و تأیید وارونه حقانیت مطالبات آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه آن است. تلاش رژیم برای سرکوب مخالفین حجاب اجباری و گسترش این سیاست سرکوب مردان نیز خود نشانی دیگر از استمرار و پویایی جنبش زن زندگی آزادی است. زنان و مردان در ایران می‌روند تا همراه با سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی این دنیای وارونه و سیاست مالیخولیایی و وارونه اسلامی همزاد آن را به گورستان تاریخ بسپارند.

غبار ترور هنیه در ریه‌های مردم سیستان و بلوچستان

کیوان جاوید

مدیرکل هواشناسی استان سیستان و بلوچستان می‌گوید میزان آلاینده‌های هوا در زاهدان به ۱۴۵۰ میکروگرم بر مترمکعب رسیده که تقریباً ۱۰ برابر حد مجاز است. خبرگزاری مهر اعلام کرده که گردوغبار موجود در هوای زاهدان مشکلات تنفسی و معیشتی برای مردم به وجود آورده است و طوفان ریزگردها بیش از ۵۰۰ نفر دیگر را در سیستان و بلوچستان راهی بیمارستان کرده است. سال گذشته نیز پدیده ریزگردها در سیستان و بلوچستان، باعث مراجعه صدها تن

از مردم این منطقه به بیمارستان بر اثر عوارض تنفسی، قلبی و چشمی شده بود.

خامنه‌ای بر مرگ هنیه اشک می‌ریزد، سران حکومت یکی پس از دیگری خبر از انتقام سخت می‌دهند و کل جنبش اسلامی در منطقه در آماده باش قرار دارند. قرار است آبروی ازدست‌رفته حکومت اسلامی و کل ارتجاع تروریست اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی با ضربه‌زدن به اسرائیل حفظ شود. ما با چنین حکومتی سروکار داریم.

در ایران مردم با هیولای فقر و فلاکت اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. میلیون‌ها کودک ترک تحصیل کرده‌اند و کمبود ده‌ها هزار معلم به

یک فاجعه اجتماعی تبدیل شده است. بهداشت و درمان و دارو خود کابوس دیگری است و در کنار همه اینها بحران ریزگردها زندگی در مناطق وسیعی از ایران را به جدال مرگ و زندگی تبدیل کرده است.

همین روزها که هنوز جوهر تنفیذ و تحلیف پزشکیان خشک نشده است اجرای احکام اعدام‌ها به یک زنگ خطر اجتماعی تبدیل شده است و مقابله با زنان بی‌حجاب و مردان شلوارک پوش به یک زورآزمایی بین مردم و رژیم تبدیل شده است. اینجا ایران است و این حکومت اسلامی است. حکومتی که جنایت و تحجر را تبدیل به چماقی بر سر مردم کرده است که بماند و شیره

زندگی مردم را بمکد.

در این فضایی که رژیم از مرگ هنیه می‌خواهد ایجاد کند ما مردم می‌توانیم ورق را به نفع زندگی برگردانیم و ضعف حکومت را به نقطه امید و قدرت خود برای متشکل‌تر شدن و مبارزه برای سرنگونی تبدیل کنیم. با سرنگونی انقلابی این حکومت همه ثروت اجتماعی جامعه صرف رفاه عمومی خواهد شد. مهار ریزگردها و حفاظت از محیط زیست تنها گوشه‌ای از دستاورد انقلاب ما خواهد بود.

اعدام‌ها قتل عمد حکومتی است

سؤال از حسن صالحی سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام و فعال کارزار جهانی نه به اعدام در ایران

کیوان جاوید: در هفته های اخیر علاوه بر اعدام تعداد قابل توجهی از محکومین جرایم عادی، چند مورد حکم اعدام و بغی علیه فعالین اجتماعی و معترضین انقلاب زن زندگی آزادی صادر شده است. این وضعیت ناشی از چه شرایطی است؟

حسن صالحی: از شرایط ضعف و ناتوانی جمهوری اسلامی در مقابل مردم ناشی می‌شود و نه از قدر قدرتی رژیم. اعدام‌ها به هر دلیل و بهانه‌ای که صورت بگیرد یک ابزار سیاسی در دست

جمهوری اسلامی برای اعلان‌جنگ علیه جامعه است. جمهوری اسلامی از اعتراضات گسترده و هر روزه کارگران و طغیان زنان جسور ایران علیه آپارتاید جنسیتی به تنگ آمده است و برای همین هم است که در کنار اعدام زندانیان متهم به جرایم عادی، دو حکم اعدام و چندین مورد حکم بغی علیه شماری از فعالین کارگری و زنان و فعالین انقلاب زن زندگی آزادی صادر شده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی در برگزاری نمایش انتخاباتی ریاست‌جمهوری‌اش با یک شکست سخت از جانب مردم روبرو شد. مردم سیرک انتخابات را فقط بایکوت نکردند، بلکه آنرا به رفراندوم سرنگونی این رژیم تبدیل کردند طوری که خود حکومتی‌ها هم به این

شکست اعتراف کردند. مسئله به طور ساده این است که جمهوری اسلامی با اعدام‌های بیشتر که آشکارا فعالین کارگری و زنان معترض را نشانه گرفته است می‌خواهد از مردم انتقام بگیرد. می‌خواهد بگوید هنوز کنترل اوضاع را در دست دارد و به خیال خود می‌خواهد با گسترش فضای ارعاب، سرکوب و اعدام جلوی برآمد بعدی مردم را بگیرد. اما اینها، همه خیالات است و تا همین حالا هم با اعتراضات گسترده‌ای که علیه آخرین احکام اعدام صورت گرفته، نقشه رژیم بر آب شده است.

کیوان جاوید: راه مقابله با اعدام‌ها در ایران چیست؟

حسن صالحی: تنها راه، مبارزه و اعتراض علیه اعدام است. تنها راه، دامن‌زدن به یک فضای اعتراضی عمومی و اعلام انزجار جامعه علیه اعدام است. خوشبختانه تا به امروز واکنش اعتراضی جامعه نسبت به صدور احکام اعدام علیه شریفه محمدی، فعال کارگری و پخشان عزیزی و احکام بغی که به معنی خطر حکم اعدام است علیه تعدادی از مدافعین حقوق زن و معترضین انقلاب زن زندگی آزادی وسیع و گسترده بوده است. در راستای همه تلاش‌هایی که تاکنون صورت گرفته است، من می‌خواهم تأکید کنم که بسیار مهم است شعار نه به اعدام به شعار هر اعتراض و مبارزه‌ای تبدیل شود. امروز

هر اعتراض و مبارزه‌ای با چماق سرکوب، زندان و یا حتی اعدام مواجه است، بنابراین طبیعی است که ما در همه‌جا فریاد بزنیم "نه تهدید نه زندان نه اعدام نیست جلودار ما". در همان حال بسیار مهم است که به گفتمان اعتصاب علیه اعدام هم هر چه بیشتر دامن بزنیم. مدتی پیش کسبه سمیرم با اعتصاب عمومی از اعدام چند جوان معترض جلوگیری کردند. در مورد شیوه‌ها و راهکارهای مبارزه علیه اعدام، به‌طورقطع هر کدام از ما توصیه‌ها و پیشنهادهای خود را داریم. مهم این است که همه شیوه‌های مناسب را بکار گیریم تا اراده واحدی را در مقابل حکومت قرار دهیم.

کیوان جاوید: اقداماتی در نظر دارید؟

حسن صالحی: بله. کارزار جهانی نه به اعدام در ایران، کارزار اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی، نیکا، شبکه ایرانیان خواهان آزادی و دموکراسی، شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، کمیته بین‌المللی علیه اعدام و کمیته آزادی زندانیان سیاسی در همراهی با فراخوان تشکل‌های دانشجویی، برای روزهای شنبه و یکشنبه ۱۰ و ۱۱ اوت ۲۰۲۴ از همگان خواسته‌اند در شهرهای مختلف دنیا علیه جمهوری اسلامی و اعدام‌ها در ایران حرکت اعتراضی برپا دارند. امیدوارم که این فراخوان با پاسخ مثبت همه روبرو شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۷۹۹

۴ آگوست ۲۰۲۴ – ۱۴ مرداد ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

خروج هنگفت پول از بورس ایران و افت ارزش ریال

کیوان جاوید

دو روز تعطیلی هفتگی و "شرع انور" اسلام

سینا پدرام

اعدام دستکم ۳۰۰ نفر طی هفت ماه

منظر دریاکناری

دو اطلاعیه مهم کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

خروج هنگفت پول از بورس ایران و افت ارزش ریال

کیوان جاوید

در پی کشته‌شدن اسماعیل هنیه، رئیس‌دفتر سیاسی حماس در تهران، شاخص کل بورس در ایران با بازگشایی بازارها به‌شدت سقوط کرد و بیش از ۱/۱ تریلیون تومان پول حقیقی از بازار بورس تهران خارج شد. از روز چهارشنبه تاکنون ریال ایران نیز به‌صورت متوالی ارزش خود را ازدست‌داده و هر دلار آمریکا با رشدی ۱۵۰۰ تومانی، هم‌اکنون در بازار آزاد غیررسمی ۶۱ هزار و ۵۰۰ تومان معامله می‌شود.

بعد از مرگ هنیه جمهوری اسلامی بدون حتی شلیک یک گلوله در جنگ اقتصادی شکست سنگینی متحمل شد. کافی است که رژیم تهدید به "انتقام سخت" کند تا ریزش عظیمی در بازار بورس صورت بگیرد و ریال بی‌ارزش باز هم بی‌رمق‌تر و بی‌خاصیت‌تر شود. این است موقعیت جمهوری اسلامی. برای شروع یک جنگ و به‌رخ کشیدن قدرت یک حکومت در درجه اول باید توان اقتصادی داشت و بسیج سیاسی کرد. باید این قدرت را داشت هر جدال سیاسی و نظامی با دشمن را به فرهنگ و باور بخش مهمی از مردم تبدیل کرد. جنگ باید جنگ یک ملت و یک کشور و یک آرمان عمومی علیه دشمن قلمداد شود. جمهوری اسلامی فاقد این فاکتورها

است.

سقوط ریال بی شک زندگی اقتصادی مردم را شدیداً تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و فقر را عمومی‌تر و گسترده‌تر می‌کند. برای همین درجه از تهدید به جنگ باید بودجه نظامی بیشتری به نهادهای نظامی اختصاص دهند و جیب مردم را برای نشان‌دادن توان نظامی حکومت خالی‌تر کنند. تلاش می‌کنند در سایه شرایط پیشاجنگی اعتراضات را محدود و جلوی اعتصابات سد ایجاد کنند. در چنین فضایی دستگیری‌ها را گسترش می‌دهند و بر دامنه اعدام‌ها می‌افزایند. اما با همه این ترفندها ممکن نیست رژیم بتواند جامعه را در محاق فروببرد و سکوت و سکون را بر زندگی

مردم حاکم کند.

جمهوری اسلامی جنگ را به مردم باخته است. زرادخانه این حکومت در جبهه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خالی از مهمات لازم برای رو در شدن با مردم است و به همین دلیل تهدیداتش برای شروع یک جنگ تمام‌عیار با یک کشور دیگر توخالی است. جنگ حقیقی مردم با حکومت است که سرنوشت جامعه را رقم خواهد زد و برای مردم خلاصی و رهایی ببار خواهد آورد. این جنگ حقیقی و اجتناب‌ناپذیر است.

دو روز تعطیلی هفتگی و "شرع انور" اسلام

سینا پدرام

تعطیلی روزهای شنبه با مخالفت هیئت عالی نظارت در مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان مواجه شد. شورای نگهبان این کار را "مغایر با شرع" دانسته است.

بنا به نظر موافقان تعطیلی شنبه‌ها به دلیل تعطیلی پنج‌شنبه و جمعه در ایران و شنبه و یکشنبه در اغلب کشورهای جهان، ایران "عملاً تنها سه روز با جهان ارتباط" دارد. ناگفته پیداست که در عصر جهانی‌شدن همه عرصه‌ها اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، فتواهای "شرعی" آیت‌الله‌های

کپک‌زده بسیار بی‌ربط به تحولات جهان کنونی است. همچنین با تثبیت تعطیلی روزهای شنبه در ایران دست دخالت دم‌ودستگاه مافیای اسلام از زندگی مردم کوتاه‌تر خواهد شد.

چند هفته پیش نیز میرسلیم با کودنی خاصی که مشمول حال بسیاری از حضرات می‌شود ادعا کرد که "کشور نیازمند اضافه‌کار همه ما است و نه اضافه‌کردن تعطیلی". این گفته، با کمال وضوح شأن نزول فتواهای آیت‌الله عهدبوق را یک جا بیان می‌کند. اقتصاد بسته و بحران‌زده این اوباشان نیاز به این دارد که کارگران و مردم، حداکثر اوقات زندگی خود زیر یوغ کار و زحمت برای این میلیاردرهای مفت‌خور، ثروت

و نعمت تولید کنند. اما چرا باید دو روز تعطیلی را به میلیاردرهای دزدسالار تحمیل کرد، امری است که برای هر انسان باوجدان شرافتمندی روشن است. دو روز تعطیلی و کاهش ساعات و روزهای کاری یک دستاورد مبارزات کارگری در جهان است که مستقیماً به رفاه و سلامت جسمی و فکری کارگران مربوط می‌شود.

علوم جدید ارتباط سلامت جسمی، طول عمر، استفاده کافی از مزایای زندگی و در یک‌کلام زندگی شاد را با کاهش میزان کار هفتگی و روزانه بررسی و روشن کرده‌اند. با ورود فن آوری جدید صنعتی و کامپیوتری، نقش انسان در امر تولید باید رو به‌آسانی داشته باشد. اگر

چنین نشده است، می‌بایست علت را در سیستم اقتصادی جست که فقر و فلاکت و استثمار را به رفاه انسان‌ها ارجحیت می‌دهد. سیستمی که در آن سود سرمایه از جان بشری پُر ارزش تر است.

مصاف با رژیم اسلامی در تمامی عرصه‌ها نیاز به اتحاد و تشکل مردم در نهادها و احزاب و شوراهایی دارند که امر و مطالبات مردم را دنبال می‌کنند. مطالبه حداقل دو روز تعطیلی و تقلیل مستمر ساعات کار باید در صدر مطالبات کارگران و مردم قرار بگیرد. یک‌دنیای شاد و مرفه نیاز به برقراری مطالبات انسانی دارد.

اعدام دستکم ۳۰۰ نفر طی هفت ماه

منظر دریاکناری

سازمان حقوق بشر ایران در گزارشی تازه خبر داد در هفت ماه گذشته از شروع سال جاری میلادی دست‌کم ۳۰۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند.

آنچه که جمهوری اسلامی با سخاوتمندی تمام و بدون هیچ چشم داشتی به مردم ایران عرضه می‌دارد طناب‌های دار است. هر چه جیب ملاها و ملازادگان و آقاها و آقازاده‌ها پُر پول تر می‌شود و زندگی به ساز آنها بهتر می‌رقصد، زندان‌ها انباشته‌تر و گردن‌های بیشتری در صف انتظار اعدام به صف می‌شوند.

۳۰۰ نفر طی این هفت ماه و ۳۰۰ هزار نفر شاید طی این ۴۵ سال به دار آویخته شدند تا پرچم الله بر بام ایران برافراشته بماند. انسان‌هایی که پیش از زاده شدن داغ لعنت فقر و فلاکت و نابرابری بر پیشانی آنها نقش بسته بود. این زندگی نیست، این ناقوس شوم مرگ است که می‌نوازد و با هر اذان صبح خون تازه‌ای بر زمین می‌پاشد تا اسلام آبیاری شود.

بااین‌همه مبارزه هر دم گسترش یابنده برای پاسداشت زندگی و تلاش برای عقب راندن دشمنی سنگدل که مرگ کسب‌وکار و حرفه‌اش می‌باشد، ادامه دارد. هیچ کجا در جهان مقابله

و مخالفت با اعدام همچون ایران به یک حرکت و جنبش وسیع و سیاسی تبدیل نشده است. از زندانیان سیاسی و غیرسیاسی تا خانواده‌های زندانیان محکوم‌به‌اعدام تا فعالین مبارزه علیه اعدام در حال متحدتر شدن و گسترش مبارزه علیه اعدام‌اند و این مبارزه علیه اعدام است که قلب حکومت را نشانه رفته است. فلسفه اعدام با قتل عمد حکومتی بازشناخته می‌شود و مردم هر چه بیشتر به این درک می‌رسند که قصد حکومت از افزایش اعدام‌ها سرکوب مردمی است که برای آزادی و برابری و رهایی بلند شده‌اند.

مبارزه متشکل علیه اعدام هنوز راه درازی در پیش دارد. هنوز بخش بیشتری از مردم و تعداد هر چه

وسیع‌تری از سازمان‌ها و احزاب سیاسی باید به این جنبش بپیوندند. هر نیرو و انسان شریفی که داعیه انسانیت و آزادی‌خواهی دارد باید سریعاً پا پیش بگذارد و در مقابله با ماشین کشتار حکومت اسلامی متحد و هم پیمان با بقیه بشود. "کارزار نه به اعدام در ایران" در این راست‌ها قدم‌های بزرگی به‌پیش برداشته است. به این کارزار باید پیوست.

فوج کارگران معترض واگن پارس در خیابان‌های اراک

حزب کمونیست کارگری ایران

امروز شنبه ۱۳ مرداد اعتراض کارگران واگن پارس مپنا در اراک وارد پنجمین روز خود شد. اعتراض این کارگران به کارکرد مدیر فاسد این کارخانه مرتضی ملانژاد و وضع غیرقابل‌تحمل معیشتی و کاری آنهاست. کارگران خواستار استعفای مدیر شرکت و عملی‌شدن خواست‌هایشان هستند. روز گذشته شمار زیادی از این کارگران به خیابان آمدند، راهپیمایی کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. شعارهای اعتراضی جمعیت بزرگ کارگران بر فضای خیابان‌ها طنین

انداخته بود. کارگران از جمله شعار می‌دادند: "مدیر بی‌لیاقت نمیخوایم، نمیخوایم"، "ننگ ما ننگ ما، مدیر الدنگ ما"، و "ملانژاد حیا کن، کارخونه را رها کن".

شرکت واگن پارس وابسته به گروه صنعتی "مپنا " است که عمده سهام آن به وزارت نیرو و نهاد معلوم‌الحال موسوم به "آستان قدس رضوی" تعلق دارد که محل چپاولگری‌های عظیم سران حکومت است. واگن پارس نمونه دیگری از فساد مدیریت کارخانه در همدستی با مقامات حکومت اسلامی است.

تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه و شرکت فلات قاره در لاوان

حزب کمونیست کارگری ایران

امروز ۱۳ مرداد کارگران رسمی در شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه و روز گذشته در شرکت فلات قاره در لاوان برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. کارگران رسمی نفت در سکوها و مراکز مختلف نفتی برای پیگیری مطالباتشان در دو هفته اخیر تجمعات متعددی بر پا کرده‌اند. این اعتراضات از مهرماه گذشته آغاز شده است و اهم مطالبات کارگران عبارت‌اند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، حذف

محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه مشاغل عملیاتی و بازنگری اساسنامه تحمیلی صندوق بازنشستگی.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن گزارش این خبرها حمایت و پشتیبانی خود را از اعتراضات کارگران در بخش‌های مختلف نفت اعلام کرده و بر اتحاد و همبستگی همه کارگران تأکید کرده است. از مبارزات کارگران نفت حمایت کنیم

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۸۰۰

۵ آگوست ۲۰۲۴ – ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

معاون پزشکیان، متهم بزرگ اقتصادی

کیوان جاوید

جمهوری اعدامی خواب خوش ندارد

یاشار سهندی

بحران در بنگلادش: یا سوسیالیزم، یا بربریت

سیاوش آذری

فاشیست‌ها در انگلیس علیه انسانیت

فریبرز پویا

معاون پزشکیان، متهم بزرگ اقتصادی

کیوان جاوید

پُرسروصداترین انتصاب در روز یکشنبه، معرفی حمید پورمحمدی به‌عنوان معاون پزشکیان و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه بود که نام او در اوایل آبان ۱۳۹۰ در پرونده اختلاس "سه هزار میلیارد تومانی" مطرح شد و برای مدتی نیز بازداشت شد، اما بعد در اواخر آذر همان سال به قید وثیقه آزاد شد.

تعداد کسانی که در ایران به جرم "آفتابه دزدی" انگشتان دست و حتی پای آنها قطع شده است کم نیستند. مجازات بی‌رحمانه‌ای که فقط می‌تواند

به دست جانیان بی‌رحم و سنگدلی که بویی از انسانیت نبرده‌اند صورت بگیرد. این سیاست نیز در ادامه زهره‌چشم گرفتن از مردمی است که در قعر دره فقر و فلاکت دست‌وپا می‌زنند. انتقامی سخت از هیچ بودگانی که در آرزوی یک سرپناه و لقمه غذایی بخورونمیر زندگی را در فقر مطلق و نامیدی تمام از سر می‌گذرانند.

در پاسخ به این مردم که کار می‌کنند و از حاصل تلاش و زحمت و رنجشان ثروتهای نجومی به جیب اقلیتی تبهکار و قاتل زنجیره‌ای سرازیر می‌شود، حکومت اسلامی اهرم‌هایی برای کنترل این مردم در دست دارد. زندان و سرکوب و گلوله تنها پاسخ باقی‌مانده رژیم علیه یک جامعه

گرفتار اسلام و حکومت اسلامی است.

رژیم اسلامی بی‌هیچ پرده‌پوشی خطاب به مردم اعتراف می‌کند که حکومت دزدان و قاتلان حرفه‌ای است و معرفی حمید پورمحمدی به‌عنوان معاون پزشکیان و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه نیز در ادامه همین سیاست است. اما این انتخاب برای پزشکیان سرراست و بدون مناقشه نخواهد بود. حالا باند رقیب در عصبانیت از اینکه سرش از خوان یغما بی‌کلاه خواهد ماند، دست به تعرض متقابل خواهد زد و طبعاً موجی از اختلافات داخل حکومتی بر سر همین نوع انتخاب‌ها و انواع اختلافات سیاسی و اقتصادی دیگر صفوف دزدان حکومتی را پر تشنج تر خواهد کرد.

جامعه ایران سیاسی‌تر، آگاه‌تر و انقلابی‌تر از آن است که اجازه بدهد مشتی میلیاردر دزد و جانی با آرامش خیال حکومت کنند. همین حضور پر رنگ مردم در صحنه سیاست نمی‌گذارد آب خوش از گلوی حکومت اسلامی پایین برود. کارگران و مزدبگیران با خواست رفاهیات حداکثری به میدان می‌آیند و درعین‌حال پرچم سرنگونی را نیز برافراشته‌تر به اهتزاز در می‌آورند.

جمهوری اعدامی خواب خوش ندارد

یاشار سهندی

۳۰ تن از زندانیان سیاسی زن از ملاقات حضوری محروم شده‌اند، چرا که در روزهای ۴ و ۶ مرداد در هواخوری زندان دست به تحصن زدند و با تمام وجودشان از جمله شعار دادند: "بند زنان اوین، هم‌صدا هم‌پیمان - تا لغو حکم اعدام، ایستاده‌ایم تا پایان" - "نه تهدید، نه سرکوب، نه اعدام دیگر اثر ندارد - جمهوری اعدامی، یک خواب خوش ندارد" و نام دو زندانی سیاسی زن محکوم‌به‌اعدام پخشان عزیزی، شریفه محمدی را فریاد زدند.

هستی امیری یکی از این زندانیان از زندان آزاد می‌شود، اولین کار او بعد از خروج از زندان، در پای دیوار زندان، بالابردن عکس پخشان عزیزی است. این یعنی زندان نتوانسته اراده زنان مبارز را در هم شکند. بدون هیچ شک و شبهه اگر انقلاب‌ها رکورد گینس داشتند، انقلاب زن زندگی آزادی بسیاری از رکوردها را به نام خود ثبت می‌کرد. در روزهایی که تروریست‌های حاکم بر ایران و اسرائیل، رکورد کشتن و تهدید به نابودی شیرازه جامعه را می‌شکنند، در دل این شرایطی که در رسانه‌ها طوری به انعکاس آن می‌پردازند که گویی هیچ اراده‌ای جز، اراده تبهکاران بر دنیا حاکم نیست، یک جنبش انقلابی با جان‌سختی تمام به حیات خود ادامه می‌دهد و این را می‌توا

در مبارزات بی‌وقفه "وُریشه مرادی"، آن زندانی سیاسی دید که در خطر صدور حکم اعدام است، اما در همبستگی با همبندی خود که حکم اعدامش صادر گشته نامه می‌نویسد که: "داعش سر می‌برد، جمهوری اسلامی سرها را بر دار می‌کند" و با افتخار تمام فعالیت‌های سیاسی خود را مکتوب می‌کند، امری که قرار بود با شکنجه و زندان و اعدام، کسی دیگر از آن حرفی به میان نیاورد.

اولین رکوردی که انقلاب زن زندگی آزادی از خود بر جای گذاشت این بود که اولین انقلاب زنانه در تاریخ را به نام خود ثبت کرد. اقدامات زندانیان سیاسی، فوج تظاهرات کارگران در اراک و ده‌ها تظاهرات رفاهی دیگر؛ ادامه حضور زنان

بی‌حجاب در خیابان‌ها؛ مبارزه‌جویی امثال زارا اسماعیلی که بی‌حجاب کف خیابان خوانندگی می‌کند و مبارزات دادخواهان که بی‌وقفه ادامه دارد، اجرای نبرد برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. "انقلاب‌ها محوشدنی نیستند"، این را جنبش انقلابی زن زندگی آزادی بار دیگر اثبات می‌کند.

بحران در بنگلادش: یا سوسیالیزم، یا بربریت

سیاوش آذری

در ادامه موج جدید اعتراضات در بنگلادش در چهارم اوت، ۱۳ مرداد دست‌کم ۷۱ نفر کشته شدند و بدنبال آن شیخ حسینیه که از سال ۲۰۰۹ تاکنون در سمت نخست وزیری بنگلادش قرار داشت استعفا داد و از کشور گریخت. رویدادهای اخیر ادامه اعتراضاتی است که بیش از یک ماه پیش توسط دانشجویان با خواست الغای قانون سهمیه‌بندی مشاغل دولتی آغاز گشته بود. هرچند دادگاه عالی بنگلادش با بازبینی در قانون مذکور اکثر سهمیه‌بندی‌ها را لغو کرد و سهمیه بستگان جانبازان را کاهش

داد، اما اعتراضات اینبار پُرقدرت‌تر و توده‌ای‌تر از دور گذشته ادامه یافت.

معترضین که دولت ساقط شده آنان را خرابکار و ویرانگر خطاب کرده و به پلیس و نیروهای انتظامی فرمان برخورد قاطع با مشت آهنین و آتش‌به‌اختیار داده بود، اینگونه به یک پیروزی بزرگ دست یافتند. دولت برای مقابله با اعتراضات به قطع اینترنت و شبکه تلفن همراه مبادرت ورزیده و منع عبور و مرور و حکومت‌نظامی اعلام نموده بود. بااین‌حال معترضین عقب‌نشینی نکردند و از نقاط مختلف کشور به سمت داکا حرکت نموده، پایتخت را محاصره و کاخ نخست‌وزیری را تسخیر کردند.

اعتراضات اخیر ریشه در تناقضاتی پایه‌ای مانند بیکاری گسترده، فقر و فلاکت اقتصادی و اجتماعی، شکاف عمیق طبقاتی، بی حقوقی و فساد و ارتشا در دستگاه دولتی دارد. سقوط دولت شیخ حسینیه تنها نخستین گام در راه پیروزی مردم در بنگلادش است. مردم معترض و انقلابی نباید به این پیروزی هر چند مهم اکتفا نمایند. مسلماً احزاب و نیروهای موجود، از جمله حزب ملی گرای بنگلادش و احزاب و گروه‌های اسلامی، تلاش خواهند نمود مهر خود را بر این اعتراضات کوبیده و از آن به‌عنوان اهرم فشار در مذاکرات و بده‌بستان با "دولت دوره گذار"، که مسلماً عواملی از حزب حاکم سابق، فرماندهان ارتش،

رؤسای پلیس و دیگر دستگاه‌های دولتی را نیز در بر خواهد گرفت، و از بالای سر مردم استفاده نمایند. اما احزاب اپوزیسیون رسمی موجود خود بخشی از سیستم فعلی و صورت‌مسئله هستند و قادر به حل این تناقضات نخواهند بود. لاینحل ماندن این تناقضات در درازمدت می‌تواند و باید منجر به تشدید اعتراضات و برآمدن برنامه و نیروهای چپ رادیکال از بطن آن گردد. راه برون‌رفت دیگری از بحران در بنگلادش موجود نیست: یا سوسیالیزم، یا بربریت.

فاشیست‌ها در انگلیس علیه انسانیت

فریبرز پویا

بریتانیا از دوشنبه هفته گذشته در پی کشته‌شدن سه کودک دختر در یک کلاس یوگا و موسیقی در شهر ساوت‌پورت وارد بحران شده است. اکسل روداکوبانا، نوجوان ۱۷ساله از خانواده‌ای با تبار آفریقایی از کشور روآندا که خود در بریتانیا به دنیا آمده، عامل حمله در ساوت‌پورت معرفی شد. تظاهرات راسیستهای خارجی ستیز، مهاجران، پناهندگان و به‌ویژه مردم منتسب به مسلمان را نشانه رفته است.

تصاویر حمله و به‌آتش‌کشیدن اماکن اسکان

پناهندگان در شهر "رادارهام" رعب برانگیز است. محاصره با فریاد به آتششان بکشید و شعارهای ضد پناهندگی و در دفاع از رهبر دست راستی تامی رابینسون تکرار صحنه‌هایی است در چندین شهر انگلیس از جمله ساتپورت، هال، منچستر، استوک، لیورپول، هاتیپول که در آن دستجات دست راستی شعبان بی‌مخ‌های سازمانیافته راسیست به سیاه‌پوستان، خارجی‌ها با برچسب "مسلمانان" حمله کرده و ماشین پلیس آتش زده و فروشگاه‌های منتسب به خارجی‌ها را غارت کرده‌اند. صحنه‌هایی که یادآور حمله نازی‌ها به مغازه‌های منتسب به یهودیان در آلمان قبل از جنگ دوم جهانی است.

در مقابل مردم چندین شهر مانند بریستول با

سازماندهی جمعیت چندین برابری خود در مقابل راسیستها تجمع کرده و با آنها به مقابله برخاسته‌اند و خواهان پاک‌کردن شهرهای خود از راسیستها شده‌اند.

واقعیت این است که جای یک پاسخ قاطع که کل جامعه انگلیس به آن نیاز دارد خالی است. دستگیری چند صد نفر راسیست پاسخ کافی، مناسب و شایسته به این اوضاع نیست. به‌وجودآوردن این روایت کاذب توسط مدیای دست راستی و احزاب راست با این هدف که عامل اصلی بی‌خانمانی، کمبود امکانت پزشکی و خدمات اجتماعی نه دولت‌های حاکم و ریاضت اقتصادی تحمیلی حاکمین که وجود "خارجی" ها در این کشور است، زمینه چنین تهاجمی را برای

راسیستهای ضد انسان فراهم کرده است.

مبلغین راست فاشیست در مدیای اصلی با پشتیبانی مالی وسیع بخش مهمی از سرمایه‌داران شبانه‌روز بی‌شرمانه این روایت خارجی ستیزی را به‌قصد نفاق و شکاف دامن می‌زنند و توجیه‌گر همین سیاست هستند تا کسی سراغ امکانات مالی و انبوه سرمایه‌های آنها را نگیرد؛ تا هیچ کس انگشت اتهام را به‌سوی سیاست‌های ریاضت اقتصادی حاکمین سرمایه‌دار نشانه نرود. با پرچم رفاهیات اجتماعی و انساندوستی و همبستگی باید به جنگ ریاضت اقتصادی و راسیستها رفت. جامعه انگلیس این ظرفیت عظیم دفاع از انسانیت را دارد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳